کتاب کامل التعبیر، فارسی کلاسیکی بخطِ نستعلیق،
بلا صحافت، اندازہٗ ۱۷ سطور فی صفحہ،

حساب الف

اطال الله بقاءه و اباد عداه و بر نسق حروف هجی معجم با ولت خواهها را بیارایم و اصح جمع کردم
از کتب که درین علم نفیس مشهور و معروف است چون کتاب اصول دانیال و کتاب تقسیم امام
جعفر صادق و کتاب جوامع محمد بن سیرین و کتاب دستور ابراهیم کرمانی و کتاب ارشاد جابر
مغربی و کتاب تعبیر اسمعیل اشعث و کتاب کنز الرویا مامونی و کتاب بیان التعبیر عروس و کتاب
تعبیر جاوند بن اسحق و کتاب جمل الدلایل و المنامات و کتاب منادی التعبیر و کتاب ایضاح التعبیر فخر
و کتاب کنز الرویا و کتاب تعبیر معروف بطاوس و کتاب معجم رویا و کتاب تحفة الملوک
و کتاب منهاج التعبیر خالد اصفهانی و کتاب مقدمه التعبیر و کتاب حقایق الرویا و کتاب خبر محمد بن
شاهویه و کتاب متفرق از کلمات هر کس که درین علم تصنیف کرده اند پس اختیار کلام این
گروه یاد کرده شد بترتیب اول هر خواب بنسق حروف اول حرف دوم و سیوم متسجع درین
کتاب یاد کردیم و نام این کتاب کامل التعبیر نهادم زیرا که درین علم این کامل تر بپارسی جمع اند
و بهیچ انصاف نیست هر کس را باین کتاب احتیاج باشد و هر که این تعبیر در نظر دارد از همه تعبیر
بی نیاز باشد و از اقوال استادان این صنعت قول شش کس یاد کردیم که هر یک در عصر
خویش یگانه و حکیم وقت بودند اول قول دانیال حکیم که در روزگار بخت النصر بود
دوم امام جعفر صادق علیه السلام سیوم محمد بن سیرین چهارم ابراهیم کرمانی
پنجم جابر مغربی ششم اسمعیل اشعث رحمت الله علیهم و بخشت خبرها که از
معاصران بوده از دانستن آن ناگزیر در پانزده فصل یاد کردیم هر چیزی در موضع خویش
بترتیب نهادیم تا بر خوانند آسان گردد و هیچ چیز از دقایق بر وی پوشیده نماند

ذکر فصول بیاض — فصل اول در شناختن مزاج خواب — فصل دوم در دانستن قسمتهای خواب — فصل سوم در یاد کردن نفس را که

فصل چهارم در معرفت ذو شرح خوابها — فصل پنجم در معرفت خواب نسبت و درو آن تاریخ — فصل ششم در دانستن تفاوت خوابها — فصل هفتم در معرفت حرف و معانی

فصل هشتم در دانستن علم زجر و فال — فصل نهم در معرفت خواب و اموش کرده — فصل دهم در تکرار دیدن خواب و مقبول خوابها — فصل یازدهم در معرفت رجال بکشتن کور

فصل دوازدهم در معرفت ادب و شرایط — فصل سیزدهم در کفایت داشتن معبر و باک — فصل چهاردهم در معرفت آنکه معبر را چند ادب — فصل پانزدهم در دانستن باید در تعبیر آن مخلوقی که بود

بدانکه فصل شانزدهم در تاویل دیدار خدای تعالی و فرشتگان و معبران ترتیب یاد کردیم
پس علم تاویل خواب مبنی و نظام هر خوابی را در اول حرف او یاد کرده ام مثلا
اگر این خواب را در اول الف بوده از حرف اول جوید و اگر یا بود از حرف یا جوید و علی هذا
بر این طریق تا بر هیچ کس این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب تامل نگاه کند و از ایزد تعالی
یاری خواهم بر انجام این کتاب و ثواب دو جهانی بخشیم داد ام از رب الارباب والله اعلم بالصواب
در فضیلت این علم بدانکه علم تعبیر علمی بزرگست و حق تعالی این علم را بیوسف حضرت صدیق داد
علیه السلام و بروی منت نهاد و در کلام مجید فرمود وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي
الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ عبدالله بن عباس گفت اول چیزی که از نبوت
که ایزد تعالی بمصطفی داد علیه الصلواة والسلام آن بوده که فرشته مقرب او را بخواب گفتی ای محمد بشارت
باد ترا که حق تعالی ترا از جمله انبیا برگزیده و ترا اختیار و خاتم انبیا کرد و لکن رسول
الله وخاتم النبیین پس چون رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بیدار گشت این خواب را با خدیجه گفت
دل خوش دار که این خواب نبوت خیر و اقبال است و بعد از شب معراج خوابی که دید چنانکه
ایزد تعالی فرمود فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری تا آخر آیه و قصه ابراهیم علیه السلام که

فرمود وقد صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین و در خبر آمده است که این علم معجزه
یوسف بود علیه السلام و علمی که معجز پیغمبری باشد یقین که علمی بزرگ و شریف
بود و بعضی از انبیا که مرسل نبودند آن را نبوت بخواب کرامت کرده اند و هشام
بن عروه از پدر خویش روایت میکند که او گفت در تعبیر این آیت را حق تعالی فرموده که
لهم البشری فی الحیوة الدنیا حق تعالی بدین بشری خواب صالحان خواسته است که مرد
صالح خویشتن را خوابی بیند و در تصدیق خواب آیات و اخبار بسیار آمده است اگر جمله را یاد
کنیم مطول گردد و در خبر آمده است از انس بن مالک رضی الله عنه که رسول فرمود صلی الله
علیه و آله و سلم رؤیا الصالحة جزو من ستة و اربعین جزء یعنی دیدن
خواب صالح جزویست از چهل و شش جزو از پیغمبری و این چنین از بهر آن گفت
که چهل ساله بود که بروی وحی آمد و شصت و سه ساله بود که از دنیا رحلت کرد و پیش از وحی خواب
دیدن بخواب می دید اندر شش ماه و شش از بیست و سه سال یک بهره بود از چهل
و شش بهره پس رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود این معنی که الرؤیا الصالحة
جزو من ستة و اربعین و پیغامبران دیگر همچنین بودند که هر چه خواستی که بود حق تعالی
ایشان را در خواب بنمودی و در خبر است از عبد الله بن هلال که رسول فرمود خواب راست
وحیست از حق تعالی که مر بنده را از خیر و شر که بدو رسد تا بنده در دنیا مغرور نشود
از امر کردگار غافل نباشد و ابو هریره رضی الله عنه گفت رسول علیه السلام بیمار
یاران ش غمناک گشتند پیش وی آمدند و گفتند یا رسول الله بر تو هر ساعتی از آسمان
وحی آمد و تو ما را از کارها خبر میدادی یا رسول الله ترا اجل فراز آید ما را که خبر می دهد

من النبوة

جزو من النبوة

صدق

در اختیار کارها دین و تدبیر آن چگونه دانیم رسول علیه السلام فرمود بعد وفاتی ینقطع
الوحی ولا ینقطع المبشرات یعنی بعد از وفات من وحی بریده شود اما مبشرات
بریده نگردد گفتند یا رسول مبشرات چیست فرمود الرؤیا الصالحة التی یراها
الرجل الصالح یعنی دیدن خوابها صالح که مرد نیک یا کسی از بهر وی بیند در خبر است
از سعید خدری که گفت از رسول علیه السلام شنیدم که با یاران می گفت چون یکی از شما
خوابی پسندیده نیک بیند باید که خدای تعالی را شکر گوید وآن خواب را الطرقی
با برادران مومن و دوستان نگوید و اگر خوابی ناپسندیده بیند و مرد مصلح بود چند بار
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگوید و از شر دیو بپناه خدای تعالی گریزد و آن خواب را
با هیچکس نگوید تا مضرتی بوی نرسد و در خبر است از امیر المومنین علی ابن ابی طالب
کرم الله وجهه که او گفت چون مومن خوابی بیند یا ویرا خوابی بینند و جهد کند و [illegible]
تعبیر آن تا از آن خواب بهره شادی برگیرد و از آن خواب بد حذر کند یعنی بدعا
و عبادات و صدقات مشغول شود و ابن سیرین گوید مرتبت این علم بر دیگر علمها
ازان است که هر که علم طلب کند اصلش مختلف نگردد و قیاسش تغیر نپذیرد و
طریق وی معلوم نکند مگر این علم را که از اصل نگردد از احوال مردم بهیات و
صفات و قدر و دیانات و همت و ارادت و نیز از اختلاف وقتها همی گردد
زیرا که وقتی تعبیر و تمثیل با اجل باید که وقتی بصید گاه از بهر مرد ما شنید و گاه از بهر
اضغاث و احلام باشد یعنی خوابها شوریده پس بدانکه هر عالمی که علم داند مستغنی
نباشد از علمی دیگر الا که بضرورت که علم تفسیر و قرآن و اخبار مصطفی علیه الصلوة
والسلام

والسلام و امثال و اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداول بعضی
از یکدیگر فرا گرفتن و باید که زیرک و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد و
بقیاس علم اصول نیک داند و دوام توفیق از خدای تعالی خواهد تا او بکرم خویش الهام و بر آن باشد
صواب و صلاح اند و این چیزها بکسی دهد حق تعالی از طبع او پاک باشد از لقمه حرام خوردن و از سخنهای
نابکار دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک العلماء ورثة الانبیاء درج گردد و
وارث پیغامبران باشد پس خردمند و واجب باشد دانستن علم تعبیر و شناختن قوانین او زیرا که
خاص و عام و عالم و جاهل اندرین علم فضیلت و حاجت دارند مگر آن قوم که حق تعالی در شان
ایشان میفرماید اولئك كالانعام با غافلون فصل اول در شناختن نوع خواب
خواب بدانکه از قول حکما گفته اند سبب وجود خواب از بخارها تر معتدل باشد که از تن بسوی
دماغ بر بالا شود اول آنکه جمله حواس و قوی بیاسایند و آرامش یابند دوم آنکه طعامهای خورده
منهضم شود و امیزهای تن پخته گردد و اینچنین خواب را پزشکان خواب طبیعی خوانند و بعضی
گفته اند خواب گذاشتن روح است استعمال حواسی را و بعضی گویند خواب فعلیست از افعال
دماغ و آن فعل طبیعت زیرا که از و راحتها بقواها میرسد خصوص قوت تخیل و قوت تفکر و این قوتها
که یاد کرده شد حرکات روح نفسانی آمده و موضع ایشان دماغ بود و آسایش ایشان بخواب است تا روح
نفسانی آرمیده گردد و دلیل برین آنست که چون کسی بتعلیم علوم مشغول گردد و بشب نخسپد گرمی و خشکی
بر مزاج او غالب گردد و روح نفسانی از بسیاری حرکت سست و ضعیف شود و از آن رنج و بیماری تولد کند
و علاج آن چیزها سرد تر باشد چون روغن نیلوفر و آنچه بدان ماند و حکما گفته اند خواب بر دو گونه
است یکی طبیعی و دیگر غیر طبیعی اما طبیعی حرارت غریزی را نیرو دهد یعنی گرمی اصلی تن

را از اندرون نیک نگاه دارد و چون بسیار خسپد قوت نفسانی سست گرداند بسبب آنکه تری روح
خیره گرداند لیکن رنج تن را زایل کند و فضلها که در تن جمع شده باشد بعرق و از اندامها دفع کند
و خوابی که غیر طبیعی است سه گونه باشد یکی از فساد مزاج تن بود و دوم از زیادت شدن
بعضی از اسپهای(?) تن و دفع کند یعنی خون و صفرا و بلغم و سودا سیوم از خوردن غذاها غلیظ
و مزاج خواب سرد و تر است و مایه آن از سردی و تری دماغ ظاهر شود و از این است که دماغ
گرم و خشک کم خواب کند و دماغ نرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی اعتراض کند که چه دانسته
که خواب عقلیست از افعال سر و راحت قوت متخیله و متفکره است جواب آنست که ما را معلوم
معلوم میشود بطریق عقل که نشستن و راحت اشیا دیست خواب به اعتدال از راحت بیداری
و آسایش تنها قوت دماغ پس یقینست که خواب عقلیست از افعال مغز سر و شرح خواب طبیعی
و غیر طبیعی و ضعف و قوت تخیل و قوت ذکر و قوت فکر بحث و برهان از قول حکمای قدیم
در کتاب کفایت در طب بهادم(?) و حیله را در آن بیان کردیم **فصل دوم**
در دانستن قسمها خواب دانیال گوید خواب در اصل دو چیز است یکی آگاه کننده از
حقیقت حالها دوم پیدا کننده سرانجام کارها و این در اصل چهار قسم است اول
خواب امر است یعنی فرماینده دوم خواب زاجر یعنی بازدارنده سوم خواب
منذر یعنی بیم کننده و ترساننده چهارم خواب مبشر یعنی مژده دهنده و عبدالله بن
مسعود گفت که رسول علیه الصلوة والسلام فرمود الرؤیا ثلثة اقسام من الله
تعالی وبشری للمؤمنین فی حیوتهم و قسم من الشیطان لیحزن الذین امنوا یعنی خواب سه قسم است
یکی بشارت از خدای تعالی مر مومنان را در زندگانی دوم آنست که مومنان را اندوهگین گرداند
و قسم سوم

و قسم سوم خوابهای آشفته جعفر صادق علیه السلام گفت خواب بر سه قسم است یکی آنکه کلیم
خوانند و دیگر قسم متشابه و سیوم اضغاث و احلام و چهار گروه مردم بینند اول
کسی که طبع ایشان لطیف و پاک باشد دوم گروهی که شارب خمر باشند سیوم گروهی که غذاها
سودا انگیز خورند چون بادنجان و نخود و گوشت نمک سود چهارم کودکان نابالغ ابن
سیرین گوید خواب بر دو قسم است یکی خوابی که حکم آن درست بود دوم اضغاث
و احلام و آن خواب پراگنده و اضغاث دستها گیاه باشد یعنی همچنانکه گیاهای
متفرق در دستها بود خوابها اضغاث نیز مختلف بود و آن هم بر سه نوع باشد
یکی از غلبه طبع و هوا و بعضی از نمایش دیو و بعضی از حدیث نفس و این هر سه نوع باطل باشد
کرمانی گوید خواب بر سه قسم است یکی بشارت از خدای تعالی دوم وسوسه شیطان سیوم از
سخنی را با خود گوید و از هوس آن در خواب رود و خواب راست صورت فرشته بود که از لوح المحفوظ
بشارت دهد به چیزی که کرده باشد یا خواهد کرد تا او را به ترساند و بنده پناه بحضرت حق تعالی
برد و از شر آن ایمن گردد و فراموش کردن خواب از معصیت باشد زیرا که نماینده خواب
فرشته است از لوح المحفوظ جابر مغربی گوید خواب بر دو قسم است قسمی خواب راست و
قسمی خواب دروغ و خواب راست بر سه قسم است قسم اول الهیه خوانند و دوم
تحذیر و سیوم الهام و قسم مبشره آنست که حق تعالی فرشته موکل کرده است بر لوح المحفوظ
تا هر آینه هر چه از خیر و شر که بر سر فرزند آدم خواهد گذشت از لوح المحفوظ بوی بنماید و در
خواب بوی نماید و خواب تحذیر آنست که ملک الرویا او را بترساند از چیزی که بوی
خواهد رسید تا بعد ازین بطاعت گراید و از گناه پرهیز و توبه کند باشد که

کم تفلحون

ایمن گردد و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون و خواب الهام آنست که حق و مسلم
الهام دهد آن فرشته را تا در خواب بنماید بنده را که صدقه باید دادن و حج و جهاد کردن
و بخدای تعالی باز گشتن و از سر گناه کردن درگذشتن و عمل و نجات با خدای کردن و خواب
دروغ بر سه وجه است یکی خواب همت گویند دوم خواب علت سیوم خواب شیطان
یعنی خواب آشفته خواب همت آنست که بیداری چیزی می بیند و چون بخواب رود همان بیند.
آن خواب را اصلی نباشد و تاویل وی راست نیاید و خواب علت آنست که مردم
از بیماری یا از دردی نالد چون بخسپند آن غلط یا آن درد بروی غالب گردد و چیزها سهمگین
بخواب بیند و این هم اصلی نباشد و خواب دیو آنست که تن شستن و غسل واجب گرداند
یا چیزی ناممکن بخواب بیند که آن را تاویل و تعبیر نباشد و ما نحن بتاویل الاحلام
بعالمین امیر المومنین علی کرم الله وجهه فرمود از عجایبها که حق تعالی آفریده است

والله بما تعملون

یکی خواب است این سیرین گوید از عجایبهای خواب یکی آنست که شخص در خواب چیزی را حقیقت
بیند و یا شری و آفتی بعینه بیند از آن بوی رسد جابر مغربی گوید از عجایبهای خواب یکی
آنست که مردم در خواب چیزی بیند که او را باشد و تاویل آن بفرزند او یا برادر او یا خانه او
در عهد مصطفی صلی الله علیه و سلم یکی بخواب دید که ابو جهل مسلمان شدی آن خواب به پسر او
عکرمه باز گشت هم مردی دیگر بخواب دید که اسید مسلمان گشت خواب به پسر او عتاب بن
اسید باز گشت و نیز باشد که کودکی خواب بیند و تاویلش با پدر و مادر بود یا بنده بیند تا
خواجه او را بود این عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله را باز گوییم کتاب بطول
کشد فصل سیوم در یاد کردن نفس و روح بدانکه خدای تعالی در کلام مجید

مینو

الی اجل مسمی

سیوم الله یتوفی الانفس حین موتها ایزد عز اسمه خبر کرد ما را که
نفس با خویشتن گیرد در خواب و بیداری باز گذارد و از آن مرده باز نگذارد و معنی یتوفی اینجا
استیفا بود و معنی بستدن و میان حکما و علما در نفس و روح خلاف بعضی گفته اند هر دو یکی
اند و دلیل ایشان آنست که گویند نفس در کلام عرب هشت معنی دارد تن و جان و
خون و آب منی و برادر و همت و معنی و چشم بد و روح را گویند دوازده معنی دارد جان و باد و کلام
و روح القدس و باران و افسون و مسیح مریم و زندگانی و فرشته و رحمت خدای تعالی و جمعی گویند چون جان
بیند خواب از تن بیرون آید و به آسمان رود و هر چه دیده است یا شنیده یاد می دارد چون بیدار شود
باز جان در تن او آمد و دلیل ایشان آنست که پیغمبر علیه السلام فرمود که چون [illegible] بطهارت
بخسپید و ذکر بر زبان دارید و جان او را با آسمان برد و معبران این چنین خواب را منع کنند و گویند
نه قول رسول است که اگر حقیقت جان از تن بیرون رفتی حرکات و دم زدن نداشتی
چنین حال در خفتن حاصلست دلیل کنند هر جان همچنان در تن خفته است و بعضی میان جان
و روان فرق نهند و گویند چون خفته در خواب رود روان از تنش گرد عالم بگردد و باز در
تن آید و هر چه دیده باشد جان را از آن خبر دهد و دلیل گویند مثل جان چون قرص آفتاب است بر فلک
چهارم و روشنی او در جهان و جمعی از فلاسفه گویند جان و روان خود یکیست و از آن خبر دهیچ
فرقی نیست میان ایشان زیرا که صفتشان بقیاس عقلی چون یخ از آب است و آب از یخ
و نزدیک ارسطاطالیس نفس مبدا اولست و او شریفتر و بزرگوارتر است از روح
و ما صفت نفس و روح از قول حکما بیشتر ازین کتاب شمار المسایل بیان کرده ایم اما نزدیک
اهل سنت و جماعت روح امر است از امرهای باری تعالی که و یسئلونک

الروح من امر ربی عن الروح قل یعنی ای محمد سوال میکنند ترا از جان بگو که جان از امر کردگار منست و علم این بو
باری تعالی است و حدیث رسول صلی علیه و آله و سلم و مقصود از یاد کردن آن تاویل حکمای درین
باب آن بود تا این کتاب از ذکر ایشان خالی نباشد ایزد تعالی ما را بر طریق و دین خدای
و سنت پیغامبر نگاه داراد و توفیق طاعت کرامت کناد فصل چهارم در معرفت
درستی خوابها بعلامتها کرمانی گوید هر که خواهد تا درستی خواب خود بعلامت و دلایل
نیک داند باید که تا تواند طهارت نجنبد و خدای را یاد دارد و طعام بسیار نخورد و باید که
بوقت خفتن نه سیر باشد و نه گرسنه تا خوابی که بیند راست آید و نیز خواب را فراموش نکند و در
خبر است از عبدالله مسعود که مردی اعرابی نزد رسول علیه الصلوة والسلام آمد و گفت یا رسول الله
دوش چنین خوابی دیدم و خواب آشفته آغاز کرد و میگفت پس رسول علیه السلام فرمود دوش
چه خوردی گفت خرما بخته خورده بودم پس گفت این خواب را تاویلش نیست و درست نیست و
ازینجاست که بسیار خواب را تاویل نکنند که تاویل راست نیاید پس معبران را باید که از
دانستن این تعبیرها غافل نباشند و چنین چیزها از ایشان پرسند و بعد از آن تاویل خواب کنند
تا آنچه گویند راست آید و راست باشد ابن سیرین گوید که بسیار خوابست که چون کسی سزاوار اهل
نباشد تاویلش یکی از خویشان وی باز گردد یعنی به فرزند یا به پدر یا برادر و بسیار بود که تعبیر
و تاویل خواب پس از مرگ تاثیر کند و ما درین باب پیش ازین تعبیر عکرمه بن ابوجهل
کردیم که پدر خواب دید تاویل به پسر رسید چنانکه کودک نابالغ چون خواب بیند تاویل آن
با در و پدر باز گردد و اگر زن بیند بشوهر باز گردد پس معبر اصول آن چیزها دانسته بود
تا بروی هیچ پوشیده و مشکل نشود جعفر صادق گوید که بسیار خوابست که بیند
صعب و سهل

خوفهم أمنا

صعب و سهمگین بیاید و تاویلش بخلاف آن بود چنانکه غم و اندوه در خوابست و خرمی بود
و امن و راحت ولیبدلنهم من بعد و گریختن از بیم پادشاه و دشمن و ددگان و بچه بدین مانند
دلیل کند بر خداوند خواب به امن و ایمنی چنانکه خدای تعالی یاد کرد ففروا الی الله انی لکم
و اشکال این تاویل بسیارست و هر یک در موضع خود بیان کنیم ان شاء الله تعالی فصل پنجم
در معرفت خواب راست و دروغ دانیال گوید همچنانکه مردم مختلف اند در شکل و صورت
و طبع و بالا و سخن گفتن خواب هر کس و هوا و شهر هر کس هم مختلف باشد و بیکدیگر نماند و چون
بر طبع مردم خون غلبه بود از بسیار خوردن گوشت و حلوا و شراب و چیزها که خون ازوی زیادت
در خواب رگ زدن و مجامعت کردن و عشرت و آواز بربط و چنگ و چغانه شنود و آنچه
بدین ماند بسیار بیند چون معبر در روی نگاه کند و گونه سرخ بیند و تن فربه و در روی وی نشاط و تن درستی بیند
نه بوقت و هنگام خویش بداند که از علت غالب شدن خون است و آن را اصلی نباشد و چون بر طبع
مردم صفرا غالب بود در خواب آتش و چراغ و شمع و قندیل و گرما و چیزهای زرد بسیار بیند
چون معبر او را زرد گونه بیند و لاغر و در روی تیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید داند که صفرا بر
طبع وی غالب بود و از خوردن چیزهای بلغم انگیز چون دوغ و ماست و شیر در خواب برف و باران
و نم و آبها و ژاله و چیزهای سفید بسیار بیند چون معبر بیند که گونه رویش سفید و تن فربه است و در سخن گفتن
او گرانی باشد داند که بر مزاج او بلغم غالبست و خواب او را هیچ اصلی نیست و چون بر طبع مردم
سودا غالب بود و از خوردن چیزهای سودائی چون گوشت نمکسود و ترشیها و بادنجان و آنچه
بدین ماند خواب با بیم و ترس و تاریکی و گور و قبر و تاریکی و چیزهای سهمگین بسیار بیند چون معبر بنگرد و بیند
که آدمی پستی دست در روی و در ریش می مالد معبر بداند که سودا بر وی غالبست و خواب او
اصلی ندارد از پس واجبست که معبر این همه بداند و خواب هر کسی تا که بر شد و بر آن قیاس کرد و او را
تا تاویل و تعبیر خواب بر وفق صواب کند ابن سیرین گوید خواب کسانی که اصحاب صحت باشند

چنانکه عاشقی که معشوق را بیند یا ارباب حرفت که پیشه خود را بخواب بیند مثل جولاهه که کرباس بافتن
بیند یا آهنگر آهنگری بیند بر معبر واجب بود که چنین خواب تمام نشنود یا نه بپرسد که دوش
چه خوردی و چه اندیشه خفتی تا چنان تعبیر کند که واجب آید یا کسی در خواب بیند که در میان برف
و یخ گرفتار است چون بیدار شود جامه خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب
برهنگی او بود و اینچنین خواب را اصلی نباشد یا بخواب بیند که در گرمابه بودی یا در آفتاب در حرارت در خود
بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود افگنده باشد و آن گرمی یافتن بسبب جامه بسیار بود که پوشیده باشد
و اگر بیند که در گرمابه بودی همچنین و اگر بیند که از علتی می نالد و دردی در اندام وی افتاده بود و او را
رنجوری در پشت چون بیدار شود و همان درد دارد و آنچه در خواب دید از اثر آن علت بود و اگر کسی
بیند که در خواب بول میکرد چون بیدار شود بول در جامه خواب کرده باشد یا بول در وی غلبه
کرده باشد آن اثر غالب شدن بول بود و اینچنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم
در روا شدن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب یکی بر یکی ابن سیرین گوید خداوند خواب از دو حال
بیرون نیست یا مومن بود یا کافر و این اصل چهارده نوع است اول خواب پادشاهان
دوم خواب قاضیان سوم خواب فقیهان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادان ششم خواب بندگان
صالحان هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم
خواب توانگران دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ
و این جمله خوابها خواب پادشاه در سفر باشد و گفته اند خواب پادشاه بر خواب دیگران چندان
فضل دارد که پادشاه بر رعیت که ایزد تعالی پادشاه را برگزیده است و بر وی پیروزی داده
و خلق را فرموده که طاعت وی بجای آورند قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله
و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم و رسول علیه الصلوه والسلم فرمود من لا اطاع
الامیر فقد عصی الله ورسوله پس پادشاه عادل مصلح خواب بیند آن خواب محض الهام

وسبب رحمت نامتناهی و اهل تعبیر گویند که خواب مقربان پادشاه نزدیک بود بخواب پادشاه
و هر که بپادشاه نزدیکتر خواب او درست‌تر و خواب قاضی را فضیلت بود بر خواب دیگران
زیرا که عدل و انصاف و نظر کردن در کار خاص و عام و بستن و گشادن و امور خلایق همه از قاضی بود
و خواب فقیهان را فضیلت بود بر خواب عوام چه ایشان دانا اند باصول فقه و حدود مسلمانی
و فرایض دانستن و حلال و حرام از اقوال ایشان توان دانست و خواب آزادان را فضیلت بود
بر خواب بندگان که ایشان را خدای تعالی شرف و نسبت داده است و خواب علما را فضیلت
بود بر جهلا بسبب آنکه ایشان را توفیق داده است تا خلایق را براه راست می آرند و
بخیرات و طاعات رغبت مینمایند و خواب بنده را منفعت دهد و باشد که بنده را از آن
نصیبی بود و چنین آزاد شود خواب او نیز چنین خواب آزادان باشد و خواب مردان را فضل بود
بر خواب زنان از بهر آنکه ایزد تعالی مردان را بر زنان برگزید و فضیلت نهاد و بچندین چیز رجحان
داد قوله تعالی الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله و پیغامبران
را علیهم السلام که فرستاد همه مردان بودند و جای دیگر فرمود فرجل و امراتان
ممن ترضون من الشهداء و دیگر ببدیهه عقل معلوم است که رای و شجاعت و سخاوت
و عدالت و امثال آن همه در جبلت مردان مرکوز است و خواب زنان نزدیک است
بخواب بندگان و خواب توانگران بر خواب درویشان را فضل دارد که توانگر زکوة و صدقه
دهد و حج و غزا کند و رسول علیه السلام فرمود ید العلیا خیر من ید السفلی
یعنی دست بخشنده به از دست ستاننده گروهی از معبران گویند خواب درویشان را
پس احتیاط نباشد از بهر آنکه دل ایشان پریشان باشد از غم کسب و عیال و چنین درویشی
خواب نیکو بینند اثر آن دیر پدید آید و چون بد بینند اثر آن زود پدید آید و خواب توانگران

بر خلاف این بود و خواب اهل لهو ضعیف باشد زیرا که شهوت بر ایشان غالب بود
و ادب و عفت تمام ندارند و بعضی از معبران خواب کودک نابالغ حجت نیک باشد نیکان.
بمادر و پدر رسد و بدی همچنین و خواب کودک نابالغ دو قول بود یکی آنکه خواب ایشان درست
درست باشد و حکمتی بود در پیدا شود سبب آنکه دل کودکان از صافی باشد و از گناه
و از شغل دنیا فارغ بود و قول دیگر آنکه خواب کودکان از عقل و تمیز چنانکه باید نباشد
چنانکه خواب یاد گیرد و عبادت کنند و خواب مست و جنب و حایض درست نباشد
و بقول ابن سیرین خواب ایشان درست باشد چنانکه صفیه بنت حیی خیبری بخواب دید
که ماه و آفتاب از آسمان در کنار وی افتاد چون بیدار شد امیر خیبر را ازین خواب آگاه کرد
امیر بر روی صفیه سیلی زد و گفت اگر این خواب راست است مگر محمد علیه الصلوة والسلام خیبر را
بگیرد و ترا بزنی کند و دیگر روز رسول صلی الله علیه وآله وسلم خیبر بگرفت و لشکر اسلام صفیه را
به پیش رسول آوردند رسول از صفیه پرسید که این کبودی بر روی تست از چیست صفیه
خواب باز گفت چنانکه دیده بود تا دانی خواب او درست آمد فصل هفتم
در معرفت فرق میان خوابها کرمانی گوید خواب مسلمانان راست‌تر از خواب کافران باشد و
خواب دانا بهتر از خواب نادانان بود و خواب صالح نیکوتر از خواب فاسق بود قوله تعالی ام
حسب الذین اجترحوا السیئات ما و خواب پیران بهتر و راست‌تر از خواب جوانان باشد
و خواب جوانان درست‌تر از خواب کودکان باشد و خواب زنان آزاد درست‌تر از خواب کنیزک پس
معبر باید که بوقت گزاردن خواب سوال کند و الفاظ پراکنده همه التباس عقل راست کند چنانکه
الفاظ اول را بآخر برد و لفظ آخر را باول آرد آنگاه تعبیر کند و آنگاه هر کلام لفظا از قوتی
ترتیب نماید با صول و بهمان لفظ تعبیر کند تا چون میزان کلام که ظاهر شده باشد و او اخلاص افتد و آنچه

محکمون

درست

درست و صواب گوید که علماء قدیم قیاس چنین کردندی صواب و راست آمدی حکایت چنین گویند
که مردی از ابن سیرین سوال کرد که بخواب دیدم که بانگ نماز میکردم گفت حج اسلام بگذاری
هم در وقت مردی دیگر بیامد و گفت ای شیخ بخواب دیدم که بانگ می گفتم گفت ترا بدزدی
متهم کنند شاگردان گفتند این دو خواب یک صورت است بتعبیر مخالف گفت اورا
سیمای اهل صلاح دیدم گفتم حج کند قوله تعالی واذن فی الناس بالحج یاتوک رجالا
و آن دیگر را سیمای اهل فساد دیدم بتعبیر او مخالف بود گفتم ترا بدزدی بگیرند که فاذن موذن
ایتها العیر انکم لسارقون و امام جعفر صادق گوید وقت باشد که خوابی بروز بیند و تاویل آن هم
در آن روز باشد و خوابی اندر شب بیند تاویل آن تا شش ماه بود و خوابی که در شب بیند تاویل
آن بیک سال باشد و تا بیست سال درست شود تا چهل سال نگذرد چنانکه مصطفی علیه الصلوة
والسلام و آن چنان بود که رسول علیه السلام بخواب دید که سگی خون وی بخورد و بعد چهل سال
درستی آن خواب پدید آمد که او را شهید کردند جابر مغربی گوید تاویل شب موتی ترا زود بود و خوابی
که در اول شب بیند هم از قسم اضغاث و احلام باشد پس خواب سحرگاه درستتر بود از آنکه خواب
سحرگاه فرشته مقرب از لوح المحفوظ بمردم نماید ازین سبب تاویلش درست تا ده روز ظاهر شود
ابن سیرین گوید خوابی که در اول شب بیند تاویلش به پنج سال پیدا شود اگر سحرگاه بیند اثر
تاویلش تا ده روز ظاهر شود علی الجمله هر چند خواب شب بروز نزدیکتر بود دلیلش زود
تر درست شود فصل هشتم در دانستن خواب زجر و معبر تا راست آید و تاویل
گوید خواهد که بتعبیر خواب گوید باید که علم زجر و فال نیکو داند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خوابی پرسد
بنام وی بپرسد اگر نامش نیکو بود دلیل بر خیر کنند چنانکه محمد و احمد و حسن و حسین و فضل
و سهل و بشیر و محبوب و حبیب و آنچه بدین ماند بدانکه این جمله دلالت کنند بر خیر و

و فرج بدان کس رسد و اگر بانگش بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه بود که بوی رسد و چون
سایل از وی بتعبیر خواب رسد و معبر دران زمان در پیش خویش اسپ یا استر یا خر بیند
بداند در خوابش نیک باشد و بیننده خواب سفر کند خاصه که اسپ و استر را با زین و لگام
بیند قوله تعالی والخیل والبغال والحمیر لترکبوها وزینة و اگر سایل از وی بتعبیر خواب رسد
و دران زمان کلاغ سه بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر دو بار بانگ کند دلیل بدی
کند که بوی رسد جابر مغربی گوید یک شخص از عبدالله عباس خوابی می پرسید دران حال کلاغی آمد و
بر دیوار خانه بنشست و دو بار بانگ کرد عبدالله گفت شری بتو رسد هم دران نزدیک دزدی خانه او را
سوال کرد و همه [illegible] برد عبدالله گفت من با یاران گفتم چون کسی تعبیر خواب پرسد و دران
وقت کلاغ دو بار بانگ کند بد باشد و مضرت و زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر
و نیکی بود و اگر پنج بار بانگ کند بد باشد و اگر شش بار آواز کند نیک بود ابن شمر گوید بانگ کلاغ
چون طاق باشد دلیل بر خیر بود چون جفت دلیل فنا و تباهی باشد و اگر بیند که در دست او
بهی و گل و ... یا طعامهای شیرین یا شربت و خورد دلیل بر نیکی بود امام جعفر صادق
علیه السلام گوید اگر مردی بخشیده نیست انکه خوابی بیند یا گاو یا اسپ یا از گوشت ایشان
چیزی میخورد این جمله دلیل بر تباهی و نامرادی او باشد فصل هم در خوابی که
فراموش کرده باشد امام جعفر صادق علیه السلام فرماید چون کسی خوابی بیند و فراموش کرده
و معبر خواهد که خواب او بداند طریق آنست که نامش بپرسد و حرفهای نامش بحساب
ابجد ۹۹ از وی طرح دهد اگر ۹ بماند شهر الحوزت دیده باشد دلیل بر وفا کند بما فی الحج
فان اتممت عشرا فمن عندک و اگر هشت بماند سفر یا تزویج خواب دیده باشد قوله تعالی وکان فی
المدینة تسعة رهط تا لا یصلحون اگر هفت بماند و کان اذا [illegible] الخواب دیده
باشد

باشد کما یقولون سبعة وثامنهم کلبهم واگر کاروان بیند با گلهای بسبع عجاف واگر شمش
بماند وخداوند خواب مستور بود ولیکن کند که فرستگی فو اهل خیر وصلاح دیده باشد
تا ونیش تمامی لاشتغال وی باشد واگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند بر دیوان و
اهل فساد دیده باشد بر تباه حال او کند خلق السموات بغیر عمد ترونها ثم استوی
علی العرش واگر هیچ نماند آسمان وعلامها بخواب دیده باشد واگر چهار بماند آسمانها
وستارگان بخواب دیده باشد قوله تعالی فی اربعة ایام سواء للسائلین واگر سه
بماند باکسی کاری گفته باشد قوله تعالی مایکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ودیگر قت ثلثة
ایام الا رمزا واگر دو بماند باکسی دیدار کند که او را در دین ودنیا منفعت رسد قوله تعالی
ثانی اثنین اذ هما فی الغار واگر یکی بماند از همه بهتر بود ایمن گردد وابن سیرین گوید چون جزوی
دیده باشد وفراموش کرده معبر خواهد بر خواب او بداند سایل را گوید دست بر
عضوی نه از اعضای خویش اگر بر سر نهد کوه دیده باشد واگر بر چشم نهد چشمه آب دیده
باشد واگر بر بینی نهد دام کوه دیده باشد واگر بر جبین نهد مرغزار دیده باشد واگر
بر دهان نهد چشمه آب خوش دیده باشد واگر بر گوش نهد شقافها و مغاکها دیده باشد
واگر بر ریش وسبلت نهد گیاه زار دیده باشد واگر بر گلو نهد کاریز و چاه دیده باشد واگر بر
سینه نهد تا مسجد و نمازگاه دیده باشد واگر بر شکم نهد رود خانه دیده باشد واگر بر
ناف نهد مغاکهای زمین دیده باشد واگر بر ستر عورت نهد خرابات دیده باشد واگر بر
دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد واگر بر بازو نهد درخت میوه دار دیده باشد واگر بر
انگشتان نهد رشتهای باریک دیده باشد واگر بر مقعد نهد مزبله دیده باشد واگر بر زانو
نهد گروه دیده باشد واگر بر ساق نهد درخت بی بر دیده باشد وایشان که خواب
خواب بیند و فراموش کند از چهار چیز بود یکی از بسیاری گناه و دوم از کردار مختلف

بود

رابعهم

سیوم از ضعف بنیت چهارم از اختلاف طبع که چون طبیعت از حال بگردد لا جرم خواب فراموش
کند و صنف دهم در گزاردن خواب بقول جاهلان گرمانی گوید اهل عقل و حکمت
پسندیده نداشته اند که کسی خواب پیش نادان گوید و تعبیر آن از جاهلان پرسد و عاقلی گویند
که کسی خواب دید و از نادانی پرسید و او تعبیر کرد آن واقع نشود و آن مجازیست هر آنکه
نماینده خواب فرشته است و هرگز خطا نه اندیشد و بقول نادان حق باطل نگردد
و در میان عالم و جاهل فرق بسیار است قوله تعالی هل یستوی الذین یعلمون والذین
لا یعلمون و رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده لا یستوی العالم والجاهل و چون نمود از
خواب فرشته است که از لوح المحفوظ می بیند و اگر خیر باشد و اگر شر برسد مگر قضای معلق بود
که به دعا و صدقات آن دعا قضا بگردد و چون ملک الرویا آن خواب چنانکه خدای تعالی فرموده
قالوا اضغاث احلامٍ نا بعالمین قوم خویش را بخواند و این را پرسید و گفت یا ایها الملأ افتونی
فی رؤیای ان کنتم للرؤیا [تعبرون] یعنی ای بزرگواران فتوی کنید مرا درین خواب آن قوم وی گفتند ما
به تعبیر این خواب دانا نیستیم این خواب را با یوسف علیه السلام بگفتند تعبیر کرد و حدیث تحقیق
هفت ساله بگفت پس بدین حجت دانستیم که هر چند جاهلان تعبیر و تاویل خواب کنند حق
باطل نگردد و باطل حق نشود و صنف یازدهم در معرفت خوابها از حال خود و اوقات
ابن سیرین گوید خواب باوقات گردد چنانکه اگر شب خواب بیند بر ملی نشسته است
دلیل کند که از مرتبه یابد و اگر بروز بیند زن را طلاق دهد و اگر شب بیند که مرغی را بگرفت
او را با مردی ابله کاری افتد و اگر این خواب بروز بیند بیمار شود امام جعفر صادق علیه السلام
گفت باید خواب هر کس بقدر دین و صنعت و همت او باشد حکایت آورده اند از محمد
عبد العزیز روایت کند از عبد الرحمن مسلمی که پیغمبر علیه الصلوة والسلام میان ابوبکر صدیق
و سلمان فارسی رضی الله عنه برادری داد و سلمان خوابی دید مر ابوبکر را در سبب

از خواب

آن خواب از وی دور شد ابوبکر گفت الله اکبر دست از شر کوتاه شد تا بقیامت مسلمان
ازین خواب سید علیه الصلوة والسلام خبر کرد تاویل همان فرمود که ابوبکر گفته بود و ابو مسلم
روایت کند از عطا بن حباب که محمد ابن سیرین تاویل خواب کسی که بر منبر بود چنین کرد که
اگر اهل صلاحست شرف و بزرگی یابد و اگر اهل فساد است بردارش کنند و
احمد بن سعید روایت کرد از ابو عبیده که از مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم زنی پرسید که بخواب
دیدم که ستون سقف خانه من شکسته بود گفت شوهرت از سفر باز آید بار دیگر همان
زن این خواب دید از ابوبکر پرسید گفت شوهرت بمیرد خواب هر دو یکی بود اما تاویلش
بگشت از اختلاف وقت و ابو حاتم روایت کند که از شعبی پرسیدم که بخواب دیدم
که گندم بجو فروختم گفت شعر بقرآن بدل کنی ابراهیم کرمانی گوید هر خوابی که در فصل بهار
بیند نیکو باشد اما در حکم اثر تاخیر بود و خوابی که در فصل تابستان بیند حکم تاویل
زیاده بود و زودتر و هر خواب که در فصل خزان بیند تاویلش درست باشد و دلیل
آنست که مردی از ابوبکر رضی الله عنه پرسید که بخواب دیدم که هفتاد برگ سبز از درخت
بمن دادند ابوبکر گفت هفتاد چوب بر تو زنند هم در آن هفته پس همین چوب بروی زدند مرد
سال دیگر بخواب دید همچنان ابوبکر گفت هفتاد هزار درم ترا بود دهند گفت یا امیر المومنین
پار سال همین خواب دیدم تاویل هفتاد چوب فرمودی و امسال هفتاد هزار
درم از سر این مرا خبر کن گفت پار سال در وقت خزان دیدی که درختان خشک میشدند
و برگ از درخت می ریخت تاویلش آن بود و امسال در وقت بهار است که درختان
رو به اقبال دارند تاویلش اینست هم در آن هفته هفتاد هزار درم یافت دانیال گوید هر معبر
خوابی که برسد از اول روز تا نیم روز حکم تاویلش اقبال و نیکوی باشد و بعد از زوال

تا باشد بهنگام دلیل بر نشر و فا کند و بوقت آفتاب بر آمدن فرو شدن نشاید بر رسیدن حاجت مغرب

بود و راستترین خوابها آنست که بوقت سحرگاه بیند یا بهنگام آفتاب بر آمدن و در استوا

آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و در وقت شکفتن درختان و میوه‌ها خواب

عظیم و نیکو باشد و راست باشد و خواب زمستان تاویلش ضعیف بود فصل

در معرفت شرایط آداب خواب با اهل علم دانیال گوید معبر باید که دانا و پارسا و

ساکن و حلیم بود و بوقت تعبیر پرسیدن حاضر و بیدار بود و خواب از بیننده باحتیاط تمام

بشنود و خداوند خواب را بداند که پادشاه هست یا رعیت مهتر است یا کهتر عالمست یا جاهل

آزاد است یا بنده غریب است یا مقیم توانگر هست یا درویش مرد هست یا زن پیر است یا جوان

خواب بروز دیده است یا بشب یا زمستان فارغ بود یا مشغول چون این جمله بداند هر یکی را از قیاس

عقل چنانکه استادان این معنی گفته‌اند تاویل کند و از خود نگوید ابن سیرین در علم امام

و یگانه بود و با این همه فضل خوابی که تعبیر ندانستی نگفتی و ابو حاتم روایت کند از ابو المقدام

که ابن سیرین از بیست چهل خواب که پرسیدندی یکی را تعبیر گفتی و باقی نگفتی پس معبر باید

که اول سخن از بیننده خواب نیکو بشنود و نیکو بداند و در آن تامل کند اگر سخنی درست

باشد و معنی آن صحیح افتد تعبیر کند و اگر حشوی در میانه سخن هست از آن بر افکند و بر اصل

تعبیر کند خواب سه چیز هست یکی جنس دوم صنف سیوم طبع جنس چون درختان

چون مرغ بود و این همه در تاویل مردمان باشد و صنف آنست که معبر بداند

که این درخت و این مرغ از چه جنس بود اگر درخت گردکان بود بقیاس بداند که مرد عجمی است

که در عرب درخت گردکان نبود اگر مرغ طاوس باشد عجمی باشد و اگر شتر مرغ باشد عرب بود

و طبع آنست که بداند که طبع آن درخت از چه نوع هست تاویلش بر نوع آن درخت بود

و اگر درخت

مرد

واگر درخت کردکان بود مردی توانگر باشد اما بد معامله و بخیل و تشنیع بود واگر درخت خرما بود کاری نیک اختیار کند واین قوله تعالی کشجرة طیبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء وشجره طیبه درخت خرما خواهد واگر مرغی باشد که نزد مرغی سفر کنند بود پس طبع مرغ نیز بباید دانست واگر کلاغ باشد مردی بد عهد بود و فاسق نابکار واگر عقاب بود پادشاه ظالم بود و بینده خواب مردی راست گوی پادشاه باشد و هیچ سخن دران دیده باشد زیادت و نقصان نباشد واگر کسی خوابی بیند و بترسد باید که ۳ بار آیة الکرسی بخواند و بر خویشتن دمد و بگوید اعوذ برب موسی و عیسی وابراهیم الذی وفی من شر الرؤیا التی رایتها من صاحبی ان یضرنی فی دینی و دنیای و معیشتی عز جارک وجل ثناءک ولا اله غیرک پس ازان دو رکعت نماز کند و صدقه دهد تا آن خواب ازوی بگردد و معبری گوید ابلیس در همه خوابها اعتراض کند و همه چیزها در نماید کند بجز ازین عرش و فرشتگان و پیغامبران و آفتاب و ماه و ستارگان که در خوابها آن شبیهها مانند نتواند کردن واگر دیرا قوت آن بودی که خود را مانند آن چیزها نمودی در میان خلایق فتنه افگندی که خود را بصورت پیغامبر نمودی و گفتی من از تو خوشنودم هر چه خواهی مکن و دیگر را گفتی من آفریدگار توام و ترا آفریدم ملکان خدای تعالی المراه کردی امام جعفر صادق گوید هرگاه که ابلیس قصد کند که خود را بصورت مصطفی نماید از آسمان آتش آید و او را بسوزاند

فصل سیزدهم در آداب نگاه داشتن معبر و ادب کرمانی گوید ادب نگاه داشتن معبر آن بود که آهسته و هوشیار سرمایه خود سازد تا خواب نیکو تشنود و در دین و مذهب و عقلا واقف باشد تا بداند که سخن او راست است باید که رسول علیه الصلوة والسلام فرموده اصدقکم الرؤیا اصدقکم یعنی هر که راستگوتر

خواب او درست را امام جعفر صادق علیه السلام فرمود و احببت بر مردعا قال که بوضو خسپید دست
راست و چون بیدار شود حق تعالی را یاد کند و اگر خواب نیک بیند بگوید اعوذ بالله
و قل هو الله بخواند و باد رخ خود دمد و بوقت خفتن و برخاستن و از کار کردن این دعا
بخواند بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم و وقت خواب
گذارد که نماز بامداد بگزارد و از اوراد و دعوات فارغ شود و آفتاب تمام بر آید بعد الله
پیش معبر رود و زیادت و نقصان نگوید ابن سیرین گوید شرط آنست که چون از خواب شود
بطهارت باشد و اگر کسی دشمن او باشد از بهر دشمن حذف نکند و سر شخص که بداند
با دیگری نگوید و در خبر است که خواب راست وحی است از خدای تعالی و هر که در
وحی حکایتش گوید دروغ بود که بر خدای تعالی البته بهتان و خواب امانتی است میان خدای تعالی
و بنده رسول علیه الصلوة والسلام فرمود هر که بر من که رسولم دروغ گفت بر نسبت فنا جهنم کو را
میدهد پس هر که خواب دروغ افترا کند بقول رسول علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات
عاصی بود و این دلیل بر تعظیم و بزرگی خواب است فصل چهاردهم در معرفت آنکه
تعبیر از چند روی باشد ابن سیرین گوید معبر باید نخست نام و مقدار و مرتبت و مذهب
و سیرت و عقل سایل بداند و وقت خواب دیدن که از روز بود یا شب و فصل نیز
بداند و نگاه کند بر سایل در وقت سوال چه حرکت کند و خواب بر چه نسق گزارد
دانیال گوید چون کسی خواب برسد اگر نام او یا نام پدرش از نامهای معبران باشد از راه
فال و زجر دلیل بر خیر و بشارت بود و اگر نام آنان بد باشد دلیل بر شر و فنا بود
حکایت از خلفا یکی بخواب دید که روی وی سیاه گشته بعد چند سال از معبران جمع کرد
و خواب بگفت معبران درماندند و آن تعبیر ندانستند گر مانی که [illegible] معبر است

حاضر کردند خواب خلیفه بشنید گفت ترا دختری آید معبران گفتند دلیل چیست قوله تعالی
فاذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا وهو کظیم پس امیر المؤمنین ده هزار دینار
بدو صله داد و هم دران روز اورا دختری آمد حکایت شخصی بخواب دید که اورا خایه کشیدند
پیش معبر رفت و پرسید گروهی گفتند این مرد زود بمیرد دیگری گفت از فرزندان جدا شود دیگر
گفت نسل او بریده شود دیگری گفت زنرا طلاق دهد پس روزگاری برنیامد که زنرا طلاق داد
و فرزندان برگرفت و بسفر دریا رفت و در کشتی بود که بادی مخالف برخاست و کشتی غرق
شد و ذکر و خایهای اورا ماهی بخورد و مال و فرزندانش هلاک شدند و تعبیر خواب چنان
بر معبران گفتند کرمانی گوید معبران در گورستان تعبیر نکنند و پیش دشمنان و کودکان تعبیر
خواب نگویند و سایل در وقت سوال راست گوید که در زندان از یوسف علیه السلام تعبیر پرسیدند
یکی از ایشان آمد گفت دروغ گفتم گفت قضی الامر الذی فیه تستفتیان هر دو خواب
پرسیده بودند راست آمد جعفر صادق علیه السلام گوید از چهار گروه خواب پرسیدن روا نباشد
اول از بدنیان دوم از زنان سیوم از جاهلان چهارم از دشمنان فصل پانزدهم
از سایل خواب که معلوم نکند بدانکه بسیار بود که سایل از معبر پرسد که تعبیر آن مقلوب بود
چنانکه با بعضی از ان درین فصل یاد کنیم ابن سیرین گوید طاعون در خواب کارزار بود در بیداری
و گریستن در خواب خرمی و بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن و در حبس وجود
در زندان دیدن بزندگی در گور نشستن نهند و در گور دیدن حبس را دلیل کند که در بیداری اورا در زندان کنند
و خانه خراب شدن در خواب دلیل مرگ خداوند خانه بود و پسر زادن در خواب دختر زادن
بود و دختر زادن در خواب در بیداری کشت کردن بود قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فاتوا
حرثکم و بنگی در خواب گرما بسیار شدن بود و انجیر خوردن در خواب پشیمانی بود در بیداری

و آمدن سیل در خواب آمدن دشمن بود و هیچ چیز نبود که آن را بنگ پادشاه کهن آن بد باشد و هر چیز
که در خواب کهن بود بعد نو آن نیک باشد چنانکه موزه نو که کسی بی سلاح نو شد غم و اندوه
بود در بیداری و اگر کسی با سلاح موزه کهن نو پوشید خرمی و شادی بود و اگر در خواب علامت جز خود
بد باشد و اگر فروشد نیک باشد و اگر کنیزک خرد نیک باشد و اگر فروشد بد باشد و ازین قسم معلوما
بسیار است که اگر همه یاد کنیم مطول گردد لیکن شرح هر یک در موضع خود بگوییم و قصد کردیم
در دیدن خدای تعالی و فرشتگان و معبران دانیال گوید هر بنده مومن که خدای تعالی را در خواب بیند
بیچون و بیچگونه چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش نماید و حاجتهای او را
روا کند و اگر بیند که ایستاده بود و حق در وی مینگرد دلیل صلاح کار و سلامت نفس کند اگر
بیند که حق تعالی با وی راز میگفت دلیل کند که این کس نزدیک خدای تعالی گرامی بود و قربناه نجیا
اگر بیند که از پس حجاب با وی سخن گفت مال و نعمتش زیادت شود دین و ایمانش قوی گردد
و اگر بیند بی حجاب سخن گفت دلیل کند که او را در دین خطا افتد قوله تعالی وما کان
لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب اگر بیند که او را مقرب و معزز گردانید و با وی حیلی کرد او را بیامرزند
دلیل کند که او را بیامرزد اما در دنیا بلاها بروی حاصل و اگر بیند که در وی بنظر لطف نگرید دلیل کند
که بهشت و رضای حق یابد و اگر بیند که او را از متاع دنیا وی چیزی داد دلیل کند که بیمار
ضعیف گشت و از آن مرد و صواب یابد و بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت شود و اگر
خدای را بر احیان بیند که کسی او را گوید که این خدا است او را ببیند از هر جانب افتد و اگر بیند
خدای تعالی بر زمین فرود آمد و بموضعی دلیل کند که اهل آن موضع مظلوم باشند حق تعالی ایشان را
نصرت دهد و اگر قحط و تنگی بود نعمت و فراخی مبدل شود و اگر اهل آن موضع گناه کار
و عاصی باشند ایشان را توبت ارزانی داد و اگر بیند که حق تعالی در خانه فرود آمد و بملاطفه دست

بر وی مالید

بر سر وی می مالید یا او را خلعت بپوشانید و در بر گرفت یا برنجانید یا انگشت این جمله کرم
و لطف باشد که از حق تعالی آید اما از دو نیم تیغ و بیماری کشد و اگر خدای تعالی بر مثال نوری بیند
که وصف نتوان کرد دلیل است بر غم و اندوه بود و اگر بیند که خدای تعالی او را نامی دیگر نهاد دلیل بر خوف
و بزرگی بود و اگر بیند که بر وی خشم گرفت دلیل کند که از بند و بار رستگاری یابد و اگر بیند که
خدای تعالی او را از درگاه خود براند دلیل اجلش بود مغربی گوید اگر کسی خدای تعالی را در شهری
یا در دیهی بیند دلیل کند که اهل آن موضع اگر مصلح اند عز و مرتبت یابند و دست
ظلم از آن موضع کوتاه شود قوله تعالی الله یحکم بینکم یوم القیمة فیما کنتم فیه تختلفون
و اگر بیند که خدای تعالی بر اهل آن شهر خشم گرفت دلیل آن کند که قاضی شهر بیمهابت و مدارا
کنند یا امیران بر رعیت ظلم کنند یا عالم آن شهر بد دین باشد و اگر این خواب دزدی بیند
دلیل کند که دست و پای وی ببرند و در آن شهر فتنه و بلا افتد و قتال واقع گردد
قوله تعالی وهو القاهر فوق عباده و یرسل علیکم حفظة لا یفرطون
عبدالله عباس گوید اگر کسی بخواب حق تعالی را ببیند بیچون و بیچگونه از همه ترس و بیم جهان
ایمن گردد و اگر کافر باشد مسلمان گردد و اگر مسلمان بود در آخرت دیدار حق تعالی را ببیند
قوله تعالی للذین احسنوا الحسنی و زیادة معبران تفسیر این آیة در لقای ایزد تعالی گفته اند
و اگر او را بصورتی ببیند که مثال آن صورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل و کرم خدای تعالی
و اگر خدای تعالی را بر صورت مردی بیند دلیل کند که مردی قاهر و نامدار گردد و اگر خدای تعالی
را در نماز و تسبیح بیند دلیل بود بر رحمت و آمرزش آن کس باشد و اگر خدای تعالی را او غزا با
غازیان بیند دلیل کند که غازیان را نصرت باشد و اگر خدای تعالی را بر سر تربت مردگان بیند
آمرزش آن مردگان بود و اگر خدای را دشنام میداد این کس کافر شود و اگر بیند که حق تعالی بر تخت
نشسته بود یا خفته این صفت ناسزاست دلیل کند که بیننده این خواب بد دین بود

عابد نیز امام جعفر صادق علیه السلام فرمود دیدن خدای تعالی را در خواب بر هفت وجه بود
اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نور و دیدن بهشت و قوت در دین چهارم ظفر
بر اهل ظفر پنجم ایمنی از عذاب آخرت ششم آبادانی دیار و عدل هفتم عزت و شرف
و بلندی در دنیا و آخرت و دیدار حق تعالی چنین بنظر رحمت کند و اگر نعوذ بالله بنظر خشم
نگاه کند بر خلاف این باشد و اگر عارفی بیند که خدای تعالی با وی بخشم بود دلیل کند که از
شرع تجاوز کند و انصاف مظلوم ندهد و اگر پادشاه بود دلیل بی عدلی بود و اگر عالم
بود دلیل کند که در دین اعتقاد او بر خلاف بود و اگر منکر دیدار خدای تعالی باشد در خواب
حجت ما آنست که گوییم خدای تعالی موجود است و دیدن وی از راه عقل جایز بود پس
باید که بخواب دیدن خدای تعالی را منکر نباشد ابو حاتم گوید از ابن سیرین شنیدم که
از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که خدای تعالی را ببیند بی چون و بی چگونه تاویل دیدن
فرشتگان بدانکه ملائکه روحانی و نورانی اند و همواره به تسبیح و تهلیل و تکبیر مشغول
اند و دایم مطیع فرمان لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون
دیدن ایشان دلیل کند بر پادشاهی کامکار با دین و دیانت یا عالمی پرهیزگار
و زاهدی نیکوکار و خوش طبع و بزرگتر ملائکه چهار اند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و عزرائیل علیهم السلام محمد ابن سیرین گوید اگر کسی جبرئیل را بخواب بیند خوش طبع
و گشاده روی دلیل کند که بر دشمنان ظفر یابد و بمرادها برسد و اگر بر خلاف این بیند
دلیل غم و اندوه بود اگر بیند که جبرئیل او را مژده یا وعده نیکو نهاد یا از اسرار چیزی
باز داشت تاویل خواب همان وعده و مژده باشد اگر بیند که جبرئیل او را عطا
داد از پادشاه قدر و بزرگی و جاه یابد و بعضی از معبران گویند اگر جبرئیل را بیند که چیزی

بوی داد

بود دلیل کند که بر عسس و بیم عظیم بوی رسد واگر بیند که مردم بوی گویند که تو جبرئیلی دلیل
کند که سخن دان و فصیح گردد و مراد ها یابد و به امانت و دیانت موصوف گردد کرمانی گوید
گوید اگر کسی میکائیل را بخواب بیند چنانکه صورت اوست دلیل کند که بشارت و خیر یابد
و بمراد رسد و نیز و مردم با قدر و منزلت شود اسرافیل ابن سیرین گوید اسرافیل را
بخواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل کند بر قوت و بزرگی و مال و جاه و علم و دانش بود و در هر
دیاری که او را ببیند دلیل بر ایمنی و آبادانی آن دیار بود واگر بیند که صور بدست او است
و میدمید دلیل بر فتنه و بلا و محنت باشد بسبب آنکه هر جا که صور بدمند تشویش
و فتنه بود قوله تعالی ونفخ فی الصور فصعق من فی السماوات ومن فی الارض واگر بیند که در
شهری اسرافیل صور در دست داشت و نمی دمید دلیل که در آن شهر ترس و بیم
افتد واگر بیند که اسرافیل در خانه وی آمد و او خفته بود و زود بیدار شد دلیل کند
که اجلش نزدیک بود واگر بیند که اسرافیل بخشم در وی نگاه کرد پادشاه آن دیار
بروی خشم گیرد و کرمانی گوید اگر اسرافیل را اندوهگین بیند و صور میدمید در آن زمین مرگ
بسیار بود واگر بیند که اسرافیل صور بدست داشت دلیل کند که در آن دیار عدل و ایمنی بود
و ظالمان هلاک شوند اگر بیند که اسرافیل کشاده روی بود و شادی بوی نگاه کند دلیل
کند که او را از پادشاه خیر و ایمنی رسد واگر بیند که اسرافیل او را نامه مهر کرده داد
اجل او نزدیک باشد واگر بیند که اسرافیل بر وی بانگ زد و ناپدید شد از پادشاه
او را زیان رسد عزرائیل ابن سیرین گوید اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند
و خود بر زمین دلیل کند که در کاری که باشد از آن معزول شود واگر ملک الموت را نزدیک
خود بیند اجلش نزدیک بود اگر ملک الموت را شادمانه بیند دلیل کند که شهید گردد

واگر بیند که ملائکه او را عطا داد دلیل کند که مردم را
از وی بشارت رسد

واگر بیند که با ملک الموت کشتی گرفت و ملک الموت او را بیفکند عمرش کوتاه گردد
و بعضی از معبران گفته اند که اگر بیند که ملک الموت او را ببیند اگر است بیمار شود و بحال
مرگ برسد اما شفا یابد جابر مغربی گوید هر که ملک الموت را بخواب بیند خرم و
شادمان و دلشاد گردد که زندگانی او دراز بود و اگر ملک الموت را بیند که بروی سلام کرد زود
بمیرد و خاتمتش بشهادت بود و اگر بیند که ملک الموت بخشم در روی نگاه کرد خطر مرگ او باشد
اگر بیند که ملک الموت را چیزی شیرین داد جان کندن بروی آسان گردد اگر بیند که
ملک الموت چیزی تلخ بوی داد جان کندن او دشوار شود اگر بیند که ملک الموت او را افزوده
نیکی داد خرم شود اگر بیند که ملک الموت گفتن جالیست و آواز دور در روی نگاه
کرد او را با پادشاهی با هیبت کار افتد و اگر بیند که ملک الموت او را بکشت دلیل کند که
دشمن او خلق گردد حملة العرش اگر کسی حاملة العرش بخواب بیند با سلطانی کار افتد و داد و
انصاف اگر بیند با ایشان هم سخنی داشت با پادشاهی بزرگ هم نشین گردد کرمانی گوید با
ایشان هم سخنی کند و حج اسلام گزارد و تری الملائکة حافین من حول العرش اگر بیند
که او را فرشتگان بنواختند و نعمت حق باز داشتند اجلش نزدیک بود کرام الکاتبین آن
موکلند بر مردم و کردار و گفتار خلایق می نویسند از نیک و بد ابن سیرین گوید اگر کسی کرام الکاتبین
را بخواب بیند اگر از اهل صلاح باشد خیر دو جهان او را حاصل شود و اگر از اهل فساد بود
غم و اندوه بسیار بکشد قوله تعالی یعلمون ما تفعلون تاویل دیدن فرشتگان دیگر
اگر بیند که با فرشتگان جنگ میکرد دلیل کند که گناه کار و عاصی بود و مستوجب عذاب
خدای تعالی گردد و اگر بیند که فرشتگان مستغفر و تحیات بوی دادند دلیل کند از غم و اندوه برهد

اگر بیند

اگر بیند که فرشتگان او را بشارت دادند دلیل کند که او را پسری صالح و پسندیده آید قوله تعالی
انا نبشرک بغلام اسمه احمد اگر فرشتگان بیند منتظر او ایستاده اند و طبقها بر دست گرفته
دلیل کند که شهید شود و اگر بیند فرشتگان از وی چیزی بستدند مالش تلف شود و اگر بیند
که فرشتگان در موضعی ایستاده اند و از ایشان نمی ترسد در آن موضع حادثه و کارزار
افتد اگر بیند که فرشتگان بحرب مشغول اند بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که در رکوع اند یا در سجود
دلیل کند که کار و احوال دین و دنیاوی او مستقیم گردد اگر بیند فرشتگان بر صورت زنان اند
بیند و حوادث بر خدای عز و جل دروغ گوید قوله تعالی افاصفیکم ربکم بالبنین تا قوله
عظیما اگر بیند که پر داشت و با فرشتگان همی پرید اجلش نزدیک شود و با توبه از
دنیا برود و اگر بیند که از دور بفرشتگان مینگرد و پیش ایشان نمی توانست رفت او را
مصیبت رسد یوم یرون الملائکة لا بشری یومئذ للمجرمین اگر بیند که فریاد میکردند فرشتگان
خانه و مسکن او خراب شود و اگر بیند که فرشتگان او را طاعت حق میفرمودند از اهل حق و صلاح
باشد و شادی و خرمی بیند و اگر اهل فساد بود رنج و غم بوی رسد قوله تعالی
اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا اگر بیند فرشتگان بروی سلام کردند و بنظر حرمت دیدند بر دشمنان ظفر
یابد و عاقبت کارش محمود بود و اگر بیند که ملائکه در یک مقام بهم فرو آمده باشند دلیل کند
در مقام از غم و اندوه فرج یابد و دشمنان مقهور گردند زیرا که همیشه فرشتگان بنصرت پیغمبران
آمده اند کرمانی گوید دیدن فرشتگان مقرب در خواب بشارت رسد او را از حق تعالی و صحیح خواب
از فرشتگان بیند و موعظه باشد خداوندرا اگر بیند که فرشته او را پند داد دلیل که شهید شود
و اگر فرشتگان را جایی بیند که اهل اسلام در آنجا باشند غم و اندوه از اهل آن موضع
دور گردد. و اگر بیند که فرشته گشت و باسمان رفت دلیل کند که در دنیا زهد ورزد

اختیار کند و دست از جهان بدارد و راه آخرت پیش گیرد و اگر بیند که با فرشتگان بآسمان شد
و باز نیاید از دنیا رحلت کند و نامش به نیکی منتشر گردد جابر مغربی گوید که اگر بیند که فرشته
بنظر لطف در روی نگاه کرد بعد از بیماری شفا یابد و بعد از ترس ایمن گردد و هیچ غم را
کند و اگر خود را در خواب بر صورت فرشته بیند از غم فرج یابد و اگر وام دارد گزارده گردد
و اگر توانگر بود مالش بیفزاید امام جعفر صادق علیه السلام گوید اگر بیند که فرشته او را بکاری
مژده داد یا از کار ناکردنی باز داشت دلیل کند که او را از شغلی باز دارند و اگر بیند که
فرشته او را عطا داد بقدر آن عطا او را بزرگی رسد و اگر بیند که گروهی فرشته به استقبال
او آمدند دلیل که اقبال و دولت دو جهانی یابد و اگر بیند که جمله فرشتگان بدیدن او آمدند
اجلش نزدیک آمده اگر بیند فرشتگان از آسمان فرود آمده اند و شمعها و چراغها در دست داشتند
دلیل که او را فرزندی عالم و دانا بیاید و اگر بیند که فرشتگان او را جامه سبز یا سفید دادند
که از حرمت [illegible] او را اجل [illegible] اگر بیند که او را جامه سیاه پوشانیدند دلیل که کافر
شود و اگر جامه زرد پوشانیدند بیمار شود و اگر بیند که در روی [illegible] و شادی [illegible] عاقبت
کارش سعادت بود و اگر بیند که فرشتگان ادبی از وی بگردانیدند بدبخت شود و اگر بیند که فرشته
او را مصحفی داد یا خطی نوشته با کسی داوری افتد و بر خصم غلبه کند دانیال گوید اگر فرشته
را بر صورت پیری بیند دلیل بر گذشته کند و اگر بر صورت جوانی بیند دلیل بر اشتغال آن وقت
بود و اگر بر صورت کودک بیند دلیل بر وقت آینده کند تاویل دیدن پیغمبران
ابن سیرین گوید پیغمبران بر سه گونه اند اول اولوالعزم دوم مرسل سوم نبی
و پیغمبران اولوالعزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم ابراهیم چهارم موسی
پنجم عیسی ششم محمد مصطفی صلوات الله علیهم اجمعین و تمامی پیغمبران [illegible] اند

که جبرئیل بدایشان نیامد و وحی آورده است و ایشان صحف بردند و انبیای آن
پیغامبران اند که جبرئیل بدیشان نیامد و هر که اولو العزم بخواب بیند دلیل کند که عز
و جاه و اقبال یابد و هر پیغمبر مرسل بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد و هر که نبی بخواب بیند
بر صلاح دین و دیانت باشد و شهرت یابد معبرا گوید که اولو العزم را بخواب بیند
بر دشمن مظفر و منصور گردد و اگر بیند که پیغامبران او را غایب نقل و بخواب میکردند و اهانت
مواضع را دعای بد میکردند بلای عظیم بدیشان رسد مگر توبه کنند و بخدای تعالی باز گردند
گوید هر پیغمبر موم پیغامبر را تازه و شادمان در خواب بیند دلیل عز و جاه و ظفر و نصرت بود
و اگر آن پیغامبر را ترش روی بیند و خشمناک دلیل که بدحالی و رنج و سختی بود اگر از پیغمبری
خبری شنید از عالم آن پیغمبر بهتر یابد و شادمان شود اگر بیند که بر انگشت او خیانت
گر باشد قوله تعالی

امام جعفر صادق علیه السلام رضی الله عنه فرماید اگر کسی آدم را بخواب بیند بزرگی و دولت یابد
اگر ایمان آن بود از گناه توبه کند

اگر بیند با آدم سخنی میگفت علم آموزد

اگر بیند که آدم دست او بگرفت بزرگی و مملکت یابد اگر بیند که آدم را طاعت
نداشت دلیل که بدبخت و عاصی بود و اگر
اگر کسی حوا را بخواب بیند اقبال و دولت این جهانی یابد و عیش خوش و نعمت او را ن
عمرش دراز بود و فرزندش بسیار — اگر کسی ادریس را
بخواب بیند کارش نیکو گردد و عاقبت وی محمود بود اگر
دلیل کند بر عمرش دراز بود لیکن از دشمن سختی بیند و سرانجام مراد دل یابد و اگر
بخواب بیند دلیل که دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر یابد

واگر بخواب بیند کارش بصلاح آید واگر بخواب بیند از
جایی بجایی تحویل کند و در خیرات بروی گشاده گردد واگر بخواب بیند
دلیل که حج اسلام بگزارد و بعضی از معبران گویند از سلطان بروی ستم رسد و
نیز گویند بد جویی کند با مادر و پدر واگر بخواب بیند زیارت و حج و غنیمت یابد
واگر بخواب بیند دلیل که از فرزندان غم و اندوه یابد و سرانجام از غم فرج
یابد واگر را بخواب بیند دلیل که خویشان بروی بهتان نهند و بعاقبت
بمرادی یابد واگر را بخواب بیند دشمن بروی غلبه کند و عاقبت ظفر و نصرت
او را باشد واگر را بخواب بیند با اهل و عیال مبتلا گردد و عاقبت حالش نیکو شود
و بر دشمن ظفر یابد بعضی از معبران گویند موسی را
بخواب دیدن پادشاهی ظالم در آن دیار هلاک گردد واگر را بخواب بیند کارهای
بسته بروی گشاده شود واگر را بخواب بیند رنج و محنت عیال اندوهگین
شود واگر را بخواب بیند بزرگی و نعمت و جاه یابد واگر
را بخواب بیند حق تعالی او را توفیق دهد بخیرات و طاعات اگر را بخواب بیند
دلیل که دست از کارهای دنیا باز دارد و بکار آخرت مشغول شود واگر خضر علیه السلام
را بخواب بیند سفری دراز کند با ایمنی و فراخی و رزق و طول عمر واگر ایوب علیه السلام
را بخواب بیند از غمها فرج یابد و از تاریکی بروشنی آید واگر یونس علیه السلام بیند کارهای
گره بروی [illegible] شود و توفیق خیرات یابد واگر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم
را بخواب بیند از همه غمها فرج یابد و اگر وام دارد گزارده شود واگر در بند و زندان
باشد رهایی یابد واگر ترس و بیم باشد ایمنی و امان یابد واگر در محنت و تنگی بود فراخی یابد

[illegible]

و بعضی از معبران گفته اند اگر تواند بود درویش گردد و ابو هریره گفت از رسول علیه السلام
شنیدم که فرمود هر که مرا در خواب دیده باشد حق دیده باشد من رآنی فقد رأی
الحق فان الشیطان لا یتمثل بی بدرستی و دانستی که شیطان بصورت من خود را
نتواند نمود و اگر کسی مرا در خواب بیند و غم و اندوه بوی رسد عجب ندارد که تاویل
دیدار وی بر سعادت آنحضرت بشارت کند و اگر کسی مصطفی علیه السلام ترش روی
دلیل برا راستی دین وی و آشکار شدن بدعت بعد از آن دیار و اگر بیند که رسول
علیه السلام در جایی بانگ میکرد آن دیار آبادان گردد و اگر دید که رسول علیه السلام
چیزی بخورد دلیل که او را صدقه و زکوة میفرمود و اگر وی را در جایی بیند آن مقام آبادان و
پر نعمت شود و اگر رسول را بیمار بیند در دین اسلام ضعف و حوادث بود کرمانی گوید اگر
رسول را در شهری یا دهی بیند در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم آنجا را جمعیت پدید شود
و اهل آن موضع بر دشمنان ظفر یابند اگر بیند که اندامی از اندامهای مصطفی کم بود دلیل که
مردم آنجا در دین شریعت سست باشند زیرا که نقصان شریعت اگر بیند که مصطفی علیه
السلام از میوه های تر یا خشک بوی داد بر قدر آن علم و حکمت حاصل کند اگر بیند
که از جامهای خود چیزی بوی داد او را دین و ورع و پارسایی زیادت گردد ابن سیرین گوید
اگر رسول علیه السلام را نقصان بیند نقصان آن به بیننده خواب باز گردد زیرا که رسول را علیه السلام
هم مردم نیک بخواب بینند و هم مردم بد اما مردم نیک را مژده دهند بنعمت و خیرها
نیک که بوی رسد و مردم بد را نهی فرمایند از معصیت کردن تا از عقوبت رسته گردند
زیرا که رسول علیه السلام بشیر و نذیر بود و بشیر مومنان را و نذیر کافران را اگر او را
خشمگین بیند یا بیمار و [illegible] کنند همه اهل آن دیار احکام شریعت و سنتهای او

بجا نیاید اگر بیند که رسول با بعضی از صحابه این او را بخواب نزد وی دید دلیل که در دین او
ضعف باید و اگر بیند که او پیغمبر است دلیل که رنج و سختی بیند بقدر مرتبت آن پیغمبر و بعد از آن
کار ایشان نیکو شود عبد الله عباس گوید اگر کسی جنازه پیغمبر را علیه السلام بخواب بیند دلیل
که در آن دیار رنج و مصیبت بسیار رسد و اگر دید که از پس جنازه او میرفت دلیل
که بر هوا و بدعت باشد و اگر بیند که رسول علیه السلام را زیارت کرد نعمت و مال و ولایت یابد
اگر بیند که رسول علیه السلام بروی ترش روی گشت دلیل که کافر شود قل اباالله و
آیاته کنتم تستهزؤن جعفر صادق فرماید زیارت پیغمبر بر ده وجه بود رحمت و نعمت
و عزت و بزرگی و دولت و ظفر و سعادت و بشارت و قوت و خیر دو جهانی
و نیکوی آن مردم و آن موضع که خواب بجا بیند تاویل خلفای الراشدین ابوبکر
رضی الله عنه اگر ابوبکر را بخواب بیند رشد دین و کرامت یابد کرمانی گوید اگر ابوبکر را
زنده در شهری بیند دلیل که مردم آن شهر صدقه و زکوة نهند خاصه او را گشاده
روی و خوش طبع بیند و اگر او را ترش روی و غمناک بیند تاویل بخلاف این بود عمر رضی الله عنه
ابن سیرین گوید اگر عمر را بخواب بیند دلیل که داد کرد و با انصاف بود و اگر او را در شهری
بیند خوش طبع اهل آن موضع را عدل و انصاف پدید آید عثمان رضی الله عنه بخواب
بیند شرم و پرهیزکاری و زهد و ورع اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع بیند آن
شهر را بعلم آموختن و حرمت کردن رغبت کنند و اگر علی کرم الله وجهه را بخواب بیند
خندان و خوش طبع دلیل کند که علم و کرامت و شجاعت و سروری یابد اگر او را
در شهری بیند در آن شهر علم و تقوی آشکارا شود و ملک آن شهر بعدل و انصاف
موصوف گردد و لیکن در میان ایشان گاه گاه خصومت بود تاویل صحابه

ابن سیرین گوید اگر کسی یکی را از صحابه بخواب بیند در راه دین و اسلام فرد و یگانه شود و
میان مسلمانان بصدق و قول و دیانت موصوف شود قوله علیه السلام اصحابی
کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم فرمود که یاران من چون ستارگانند هر که اقتدا کند
راه یابند و از آن کس خیر و راحت بیند و لیکن سرانجام درجه شهادت یابد و اگر حمزه
حلیمه را بخواب بیند با بزرگان هم سنگ یابد و از آن کس خیر و راحت بیند و عاقبت
درجه شهادت یابد و اگر جعفر طیار را بخواب بیند دلیل که حج و غزا کند و اگر ابو هریره
و انس مالک را بخواب بیند دلیل که بشتهای زر بخشد و علم و دشمن دوست دارد
سلمان فارسی را بخواب بیند دلیل کند هر چه از آن آموزد و عاقبتش محمود بود و اگر
عبد الله عباس و عبد الله مسعود را به خواب بیند دلیل کند هر که را در دین مجتهد باشد بلال
حبشی را بخواب دیدن امر معروف کند و ثواب بی فرمان یابد و در راه سنت و جماعت رود
و علی انجار دیدن صحابه رضی الله عنهم بر راه شرع و متابعت رسول الله صلی الله علیه و اله خیر و
منفعت بود از آن در دنیا و آخرت و اگر کسی از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل
کند که بکارهای خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علمای میراث
داران پیغمبرند و رای های مسلمانان تمام شد سخن در باب دیدن رویت حق تعالی و فرشتگان
و پیغامبران و صحابه و تابعین بعد از این شروع بتعبیر خیرها که بخواب دیده شود ترتیب
حروف معجم بیان کنیم بعون الله حرف الف پس کتاب کامل التعبیر آبادانی
ابن سیرین گوید اگر بیند که جای خراب آبادان شد یا آبادانی میکند چون مسجد و مدرسه
و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و مرد ثواب آخرت یابد
و اگر بیند بر زمین خراب را آبادان میکرد چون سرای و خانه و دکان دلیل که خیر و منفعت

و فواید این جهانی یابد اگر بیند بر جای آبادان خوار شده دلیل که اهل آن موضع را
معصیتی رسد و بلایی [illegible] گوید اگر کسی خود را در مقام آبادان مقیم بیند دلیل
خیر و صلاح و منفعت یابد اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد بود جعفر صادق
گوید دیدن آبادانی بر خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح این جهانی دوم خیر و منفعت سیوم
مراد و کام [illegible] چهارم [illegible] آب [illegible] بداند که همه آبادی است و من الماء
کل شیء حی ابن سیرین گوید اگر بیند که بر بالای آب میرفت چنانکه آب دریا و رود خانه
دلیل کند بر قوت ایمان و دین داری و اعتقاد پاک و اگر بیند آب صاف خوش گوار بخورد عمرش
دراز بود و معیشت بروی فراخ گردد اگر آب تیره بیند یا شور تلخ و از آن همی خورد دلیل
کند بر تنگ عیش بود که از دریا آب صاف خوش گوار می خورد دلیل که بر قوت ایمان و دین
از پادشاه نفعی بوی رسد اگر بیند جمله آب دریا میخورد دلیل که بر همه جهان پادشاه شود و
بعضی گویند بقدر آب که از دریا خورد بزرگی یابد و مال حاصل کند و اگر آب تیره بود ترس و بیم
و سختی یابد کرمانی گوید اگر بیند که آب گرم میخورد بیماری و رنج کشد اگر بیند که آب گرم بروی
ریختند غمی سخت بوی رسد اگر بیند که در آب افتاد در غم و رنج گرفتار شود اگر بیند که
آب را کاغذ یا بجامه بر داشت یا بچیزی که ممکن نبود دلیل که بمال و زندگانی دنیا مغرور بود
اگر بیند از کاسه آبگینه آب بزن خویش داد کاسه آبگینه زن باشد و آب در کاسه فرزند
طفل باشد در شکم مادر اگر بیند که کاسه بشکست و آب بریخت دلیل که زن بمیرد و فرزند بماند
اگر بیند که بمردم آب میداد دلیل که در دنیا خیر و نیکوی کند و جاهای خراب بدست او آبادان شود
اگر بیند که در خانه وی آب ریخته بود متفکر و غمگین شود اگر بیند که آب صاف نماند یا پیاله
خمر می خورد دلیل که اندک کاری به خوشی و عشرت کند از دانا کاری کند که در وی نیکو نبود

اگر بیند از

اگر بیند آب از جوی می ستند دلیل که بلا و فتنه بوی رسد اگر بیند آب نمک میکرد و
بمنزل می برد و اندک اندک بمردم میداد دلیل که مال خود بمردم صرف کند مغرور بود
اگر بیند که آبها زیادت شده بود و روان دلیل که در آن سال فراخی و نعمت باشد اگر بیند
که آبها زمین فرو میخورد مردم عام را سلامت بود قوله تعالی وقیل یا ارض ابلعی ماءک
ویا سماء اقلعی اگر بیند که آب از هوا بر مردم می آمد در آن سال فراخی و نعمت باشد اگر
بیند که در خانه وی آب روان صافی بود دلیل نعمت و عیش خوش باشد اگر بیند که در خانه
آب تیره بود بر خلاف این باشد دانیال گوید آب دادن باغ و کشت از جویها روان
دلیل بود بر مال و رستگاری از غم و آب دادن مردم را دلیل بود که دین و دنیا و کردار نیک
دل بسته بود اگر بیند که آب در زمین می رفت و در آن حال تن وی قوی بود دلیل کند که
بکاری و شغلی مشغول شود قولش در آن مقبول بود اگر بیند که در آب صافی فرو رفت و تن
وی پوشیده بود قوت بود در دین و توکل بر خدای تعالی عز و جل اگر بیند که آبی می خرید
زنی خواهد یا کنیزکی خرد اگر بیند که آب پاک بر روی می ریخت از آن کس خیر و منفعت یابد اگر
بیند که آب تیره بود تا و یا بخلاف این بود امام جعفر صادق علیه السلام فرماید دیدن آب
خواب بر پنج وجه بود اول یقین دوم قوت سیوم کار دشوار چهارم نزدیکی پنجم حیات و آب
باران در حرف ب بیان کنیم   آب بینی دانیال گوید آب بینی در خواب دلیل
فرزند بود اگر بیند که آب از بینی او بیرون می آمد او را فرزندی بود و اگر بیند که از وی ط
بینی او چلم می آمد و آتش گرازنده شود و از رنج و سختی برهد اگر بیمار بود شفا یابد ابن سیرین
گوید آب بینی در خواب فرزند بود اگر بیند که آب بینی بر اندام وی افتاده بود او را
پسر آید و اگر بر زمین افتاده بیند او را دختر آید اگر بیند که آب بینی بر زن انداخت

تا واستوت علی الجو

زنش آبستن گردد اگر بیند بینی بر بستر یا خوابگاه ریخت دلیل که زن او خیانت کند امام
جعفر صادق فرماید اگر بیند که آب بینی میخورد بمقدار آن مال خورد اگر بیند که آب بینی چرکی
سیاه بود او را بسبب فرزندان اندوه رسد اگر زرد بیند فرزندش بیمار شود و آب تاختن
ابن سیرین گوید که اگر کسی بخواب بیند که آب تاختن میکند بجای که موضع او نباشد اگر غمگین بود
از غم فرج یابد و اگر وام دارد گزارده شود و اگر توانگر باشد مالش نقصان شود دانیال گوید
اگر بیند که در جای مجهول بول تاختن کرد از اهل آن موضع زن خواهد اگر بیند که بجای آب تاختن
خون آمد او را فرزندی نیکو آید اگر بیند که بجای بول ریم آمد او را فرزندی آید که بیشتر معلول
بود اگر بیند که آب تاختن میخورد مالی حرام خورد اگر بیند که در جای آب تاختن کرد مال
حلال حاصل کند و فرزندی آیدش قرآن خوان و عالم و دانا اگر بیند که برخی از آب تاختن
بریخت و برخی با خود داشت دلیل که بعضی مالش تلف شود و از غم و اندوه جدا
شود اگر بیند که مردم با آب تاختن وی تسبیح کردند دلیل که او را فرزندی آید عالم و
دانا و مردم متابع او شوند مغربی گوید اگر بیند که در مسجد آب تاختن کرد دلیل که
مال خود در نفقه کند اگر بیند که بجامه او آب تاختن رسید و آلوده گشت مال حرام را
بر زن و فرزند نفقه کند و خصومت کند ناحق امام جعفر صادق علیه السلم فرماید
آب تاختن در خواب بمواضع خود مردم درویش را توانگری باشد و بنده را آزادی
و بیماران را تندرستی و غمگین را شادی و مسافر را بوطن رفتن و عامل معزول [illegible] و خلیفه
را مرگ و قاضی را عزل و بازرگانان را زیان اسمعیل اشعث گوید اگر بیند
که در خانه خود آب تاختن کرد مال خود بر عیال نفقه کند و بدل آن باز یابد بقول تعالی
وما انفقتم من نفقة من شیء فهو یخلفه وهو خیر الرازقین آب خانه

آب تاختن

ابن سیرین گوید اگر بیند که آب خانه می ساخت جمع کردن مال حریص بود و گویند
از نی سلطه خواند اما با دیانت باشند اگر بیند که در خانه بول یا غائط کرد دلیل
که مال خود نفقه کند اگر بیند که در چاه آب خانه افتاد در جمیع مال کردن غرق گردد اگر
بیند که کسی را در چاه خانه خود افکند مال کسی بغضب ستاند اگر بیند که جیب بغمام دست
و پای وی اشکست دلیل که بلا سخت بوی رسد جعفر صادق فرماید دیدن
آب خانه بخواب بر پنج وجه بود اول حرام دوم عیش این جهانی سیوم خزانه چهارم
شروع در حرام پنجم خانه حرام خوار ابرلی و آب دستان ابن سیرین گوید
آب دستان در خواب خزینه دار بود صاحب تدبیر بود که دخل و خروج
بدست باشد اگر بیند که پادشاهی آب دستانی بوی داد خزینه دار وبر او
شود کرمانی گوید آبدستان در خواب خادم باشد قوله تعالی و یطوف علیهم
ولدان مخلدون باکواب و اباریق صدق اگر بیند که آبدستان وی اشکست یعنی ابریق
ضایع شد خادم از وی جدا شود بمرگ یا بزندگی اگر بیند که از آبدستان آب
خورد او را فرزندی صالح آید خاصه که آب صافی بود امام جعفر صادق علیه السلام
فرماید دیدن آبدستان در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم خزینه دار سیوم مدبر
کارها چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جای که امید ندارد آبستنی ابن سیرین گوید
آبستنی در خواب دلیل فرزند بود اگر بیند که شکم او بزرگ شده است و آبستن شد به
دلیل که مال و نعمت دنیا حاصل کند اگر مرد بیند و اگر زن هر چند شکم بزرگتر مال
و نعمت زیادت دنیا حاصل کند کرمانی گوید که فرزند تا بالغ خفه را النبی بیند اگر پسر بود
پدرش را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند دختر بود با ورا حاصل شود

آب کامه ابن سیرین گوید آبکامه در خواب دلیل رنج و بیماری بود اگر بیند که
خوف رنجور شود کرمانی گوید اگر بیند که آبکامه بر ریخت و نخورد از غم فرج یابد امام
جعفر صادق علیه السلام فرماید خوردن آبکامه در خواب بر پنج وجه بود اول بیماری
دوم اندوه سیوم خصومت چهارم حاجت نبودن پنجم کارها ناسزا با اهل و عیال
آبگینه دانیال گوید که آبگینه در خواب زن بود اگر بیند که در آبگینه شراب میخورد
زن خواهد و مال یابد اگر بیند که در آبگینه شراب یک دله از بهر کسی زن خواهد
ابن سیرین گوید اگر بیند که آبگینه سفید داشت تا ترشی بر آن جامه نوشته بود دلیل
که دینی دوم است یابد و حاجت او روا شود اگر بیند که بر آبگینه نام پادشاه نقش کرده
بود اگر بیننده پادشاه بود دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر غیر پادشاه بود خیر
و خرمی یابد مغربی گوید اگر بیند که آبگینه از دست وی بیفتاد و بشکست اگر زن
دارد طلاق دهد و اگر زن ندارد زن نیکو خواهد آبله ابن سیرین گوید آبله در تن
او بیرون آید بقدر آن مال و خواسته یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر تن وی آبله بر آمده
بود بقدر آن مال حلال یابد اگر بر تن وی آبله سیاه بود بقدر آن مال حرام حاصل
کند امام جعفر صادق علیه السلام گوید آبله در تن بر پنج وجه بود اول زیادتی مال دوم عقد
و نکاح سیوم آوردن لباس چهارم روائی حاجت پنجم ایمنی از ترس و بیم آبنوس ابن سیرین گوید
آبنوس در خواب مردی بود در کار خویش سخت و محکم و توانگر و بخیل بود و از وی خیری
بکسی نرسد آتش دانیال گوید اگر کسی آتش بی دود بخواب بیند پادشاهی نزدیک گردد
و کار بسته او گشاده گردد اگر بیند که کسی او را در آتش افکند و آتش او را نسوخت
دلیل که پادشاه بر وی ستم کند و زود رستگار شود و بشارت و نیکویی یابد

قل یا نار کونی بردًا و سلامًا علی ابراهیم اگر دید که آتش او را بسوخت دلیل
که او را ابکراهیت سفری پیش آمد ابن سیرین گوید اگر آتش را با تف و سوز بیند او را
تب گیرد و اگر بیند که آتش بعضی از اندام وی بسوخت بقدر سوختن رنج و مضرت
بیند اگر همه اندام او بسوخت در محنتی عظیم گرفتار شود اگر آتش را بیند که زبانه کرد و ترس از او
در دل می آمد دلیل که در محنت و مصیبت افتد و بسبب بیماری ضعیف شود و علت
برسام و طاعون و آبله و سرخجه و مانند این بیند که از آن آتش بگرفت بقدر آن آتش
از مال حرام یابد اگر بیند که آتش با دود دلیل بر مال حرام حاصل کنند رنج اگر بیند
که از آتش با دود دلیل شرار بر تخت یابد یا بد جنگ و خصومت اگر بیند که از آن آتش گرمی به
و بیش تن او می‌رسید دلیل که از دور او را رغبت کنند اگر بیند که شعله آتش در دست
داشت دلیل که از پادشاه خیر و راحت یابد کرمانی گوید اگر بازرگانی بیند که آتش در کالای
او افتاد دلیل که هر چه دارد بر باد دهد اگر بیند که آتش در خانه وی افتاد پادشاه او را مصادره
کنند اگر بیند که در میان آتش افتاد در جنگی و خصومتی افتد اگر بیند که آتشی در زمینی عظیم افتاد
در آن زمین جنگ و فتنه افتد اگر آتش سوخته بلند جهت زبان او را خصومتی افتد
با کسی اگر بیند که آتشی در شهری یا در کوچه افتاد و همه بسوخت و آتش زبانه می‌کشید
دلیل که در آن موضع جنگ و کارزار افتد یا اهل آن موضع را رنج و مصیبت رسد
مغربی گوید دیدن آتش در خواب اگر زبانه و فروغ ندارد دلیل بر جنگ و کارزار بود
در آن موضع و اگر زبانه و فروغ دارد دلیل بر بیماری صعب بود و دود آتش نیز در خواب
دلیل است بر خصومت و داوری و آتش با دود دلیل ترس و بیم بود و اگر
بیند که آتشی از آسمان افتاد در شهری یا سرایی بسوخت یا محلتی دلیل که آن بلدها

و آن فقها که گفته شد آن قوم را بادیت شود و اگر کسی آتش را دید یا او را شعلی و زبانه و دود بیند
که در جایی افتاده است کریدی بگرد جنگ و خصومت در آن موضع افتد اگر بیند که آتشی از زمین بر
برآمد و سوی آسمان شد دلیل که اهل آن موضع با حق تعالی عاصی شوند اگر بیند که آتشی از جایی
بجایی می‌رفت صاحب کریدی نگیرد بلکه منفعت می‌یابد و گوشت بر آن آتش می‌پخت
و می‌خورد او را کار نشود و از آن منفعت یابد و اگر درویش بود توانگر گردد اسمعیل اشعث گوید
اگر کسی بیند که از آسمان آتش مانند باران می‌بارید دلیل بود بر بلا و فتنه و خون ریختن اگر بیند که
آتش از آسمان بیامد و چیزها خورد نه همه بسوخت دلیل که طاعتهای او نزد حق تعالی پذیرفته گردد
قوله تعالی یقربان تاکله النار اگر بیند که از آسمان آتش و کسی را بسوخت هم خدای تعالی
عذاب النار التی کنتم به تکذبون و گویند وی را از پادشاه بیم بود اگر بیند که بر آتش سر او
بزرگ کرم می‌شست پیش پادشاه نزدیک شود اگر بیند که با آتش چیزی می‌پخت شغلی و بنای
او تمام شود اگر بیند که آتش از آسمان آمد و نبات زمین را بسوخت در آن دیار مرگ مفاجات
بود اگر بیند که از آتش از زمین برآید در آن مقام در فرمان غلبه کنند اگر دید که آتش قبه یا مناره
بسوخت پادشاه آن موضع هلاک شود و بعضی گویند اگر که بیند که آتش برآید گنج یابد امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود اگر بیند که آتش می‌خورد مال یتیمان خورد قوله تعالی ان الذین
یاکلون اموال الیتامی تا آخر آیه اگر بیند که از دهان او آتش بیرون آمد
دروغ و بهتان گوید اگر بیند که از هر جای آتش سوزنده می‌گرفت بهر جا میانجی کند
اگر بیند که در پهلوی او آتش افروخته بود او را زیان نداشت بدو خیر و نیکی رسد اذا اتیتم
النار التی توقدون اگر بیند که فی هیزم آتش افروخت دلیل بود بر جنگ و فتنه در آن دیار اگر بیند
که آتش وی را بسوخت و آتش نور نداشت از علت برسام بیماری کشد اگر آتش را نور بود
از حرارت او فرزندی آید که مردم او را ثنا گویند و بعضی گویند نور یابد و اگر آتش در دار

بیند در

ببیند دلیل است بر دیدن اهل بازار بود و اگر در دریای آتش افتاده بیند مردم انجا را
مصادره کنند اگر در رزای مجهول آتش بیند دلیل است بر دیدن بود اگر خانهٔ خویش را آتش افتاده
بیند بیم مرگ خداوند خانه بود و اگر خود را زبر آتش استاده بیند او را شنیع و رنج رسد
قوله تعالی اذ وقفوا علی النار آتش افروختن ابن سیرین گوید آتش افروختن بخواب پادشاه قوی
وقوت بود آتش بی دود و با دود زیان و اندوه بود و اگر بیند که آتش برافروخت تا
گرم شود چیزی طلب کند و منفعت یابد اگر بیند که آتش بی شبیه افروخت جنگ و
خصومت کند اگر بیند که آتشی برافروخت تا چیزی بریان کنند غیبت مردم کند اگر بیند
که از آن بریان خورد نقد را آن روزی یابد با غم و اندوه اگر بیند که بر زیر دیگ آتش افروخت
و در وی دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر کاری کند که منفعت یابد با توانی وی رسد اگر در زیر دیگ
طعام نبود او را غم و اندوه شود اگر بیند که آتشی افروخت از بهر روشنایی کاری به محبت و مهربانی
روشنی کرد و اند گرمایی گوید اگر بیند که در جای آتش برافروخت تا اهل انجا از آن سود راند
دلیل که غیبت آن قوم کند و بد گوید اگر بیند که در تنور یا آتشدان آتش افروخت
بی آنکه طعام پزد دلیل که با خویش جنگ و خصومت کند اگر بیند که آتش خواست که
تا برافروزد و روشنایی نمیداد از علم حق برخورداری نمیداد اگر بیند که این آتش که افروخت
بمرد دلیل که هلاک بود و متغیر گوید اگر بیند که در بیابان آتشی افروخت و مردم از
نور آن راه یافتند دلیل که مردم از علم او بهره مند شوند و راه یابند دلیل که
مردم از علم او بهره شوند و راه راست یابند اگر بیند که آن آتشی بمرد احوال او متغیر شود
و باشد که از دنیا برود اگر بیند که آتش افروخت و نور نداد علم کرد اند کس نیاموخت

اگر بیند که نور آتشش کمی می ورزید دلیل که علم او مردم را براه ضلالت برد اگر
بیند که آتش در موضع برافروخت تا آن موضع بسوزانید بسوخت واو بازرگان بود خرید
و فروخت بنفاق کنند و مالش حرام بود اگر بیند که از خانه همسایه آتش می برد مال
حرام بوی رسد روشنائی آتش ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش
بیند چنانک از آن روشنی راه توان یافت راه هدی یابد و از غم شود اگر بیند که
روشنائی با وی سخن گفت راه راست و علم و حکمت یابد اگر روشنی ستاده بیند
سبب دولت قوی انجا بود اگر اخگر افروخته دید رایت سلطان قرآن دربار آید
اگر در خانه خود اخگر افروخته دید چنانک خانه بدان روشن بود کارش بالا گیرد و
دولتمندی زیادت شود اگر بیند که اخگر افروخته را بکشت دلیل که در خانه او خصومت
پدید آید آتش پرستیدن دانیال گوید که آتش پرستید و سجده کرد خدمت پادشاه ستمکار
رود و از وی آتش کشد اگر بیند تنور یا آتش دان یا چراغ را سجده کرد بخدمت زنان
مشغول شود اگر بیند که آتش را بوسه داد هواخواه پادشاه ستمکر شود گرمایی کند
اگر بیند که آتش از بوسه داد صاحب خبر پادشاه شود اگر بیند که در میان آتش
بود بازرگانی کند و عاقبتش بر خجل بود اگر از آتش گزند بروی نرسید دلیل بر رسیدن مسرت
تفرقش و جمعیت بود از پادشاه اگر بیند که آتش از جامه وی روشنی میداد بر دشمن
ظفر یابد و مراد دو جهان رسد قوله تعالی وادخل یدک فی جیبک تخرج بیضاء من
این معجزه موسی بود علیه السلم اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که آتش می پرستید دلیل
که بازداری دعوا کنند که آن آتش بر شغل اخگر بود و غرض که او از این جمع مال باشد
و مال حرام حاصل کنند شرار آتش ابن سیرین گوید شرار آتش در خواب سخنی بد باشد

غیر سوء

که بوی الم

که بوی رسد اگر بیند که شرار آتش تن وی را بسوخت سخن بد از هر کسی شنود و اگر بیند که شرارهای
آتش از وی می افتاد جنگ و فتنه در آن موضع پدید آید قوله تعالی انها ترمی بشرر
کالقصر کانه جمالة صفر اگر بیند که شرارهای آتش در میان مردم افتاد آن موضع را با هم
خصومت افتد و بازی کردن با آتش سخنان زشت بود مغربی گوید اگر بیند که آتش در دست
او را بیم مرگ بود و اگر بیند که آتش از دست او فرو افتد از پادشاه مال حرام بدست
آید اگر بیند که از آن آتش پاره مردم را می سوخت از کردار وی مردم را رنج و خصومت
رسد و مردم دشمن او شوند اگر بیند که چیزی از خوردنی با آتش می پخت و می خورد دلیل که
که سخنهای خوش شنود امام جعفر صادق علیه السلام فرمود دیدن آتش بر بیست و هفت وجه
بود اول فتنه دوم کارزار سیوم فساد چهارم مشقت پنجم خصومت ششم سخن زشت هفتم کام
و مراد هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم بیراهی دوازدهم علم و حکمت
سیزدهم راه هدی چهاردهم معصیت پانزدهم سوختن شانزدهم ترس هفدهم بلا و هشتدهم
جاجوی نوزدهم بیماری بیستم آبله بیست و یکم و بیست و دوم گشایش بیست و سیوم نصیحت
بیست و چهارم ایمنی بیست و پنجم مال حرام بیست و ششم روزی بیست و هفتم منفعت آتش دان
ابن سیرین گوید آتش دان بخواب زنی باشد که خدمت کند اگر آتش دان آهن بود آن
زن خویش او بود جلد و قوی باشد اگر مسین بیند یا رویین آن زن از اهل نفاق بود
اگر از گل بود آن زن از اهل دین باشد اگر از گچ باشد آن زن منکر باشد جعفر صادق گوید
دیدن آتش دان در خواب بر سه وجه بود اول زن دوم خانه سیوم کنیزک و پرستار
آتش زنه ابن سیرین گوید آتش زنه و سنگ آتش هر دو انباز باشد و این هر دو مردم را

بر کارهای بزرگ دارند مغربی گوید اگر بیند که از آتش زنه یا سنگ آتش برون آورد
و از آن شمع بر افروخت یا چراغ با خلق نیکوئی کند اگر بیننده عالم بود مردم از علم او
بهره یابند اگر بازرگان بود با مردم خیر و احسان کند اگر درویش بود مردم از خیرات
او منفعت یابند امام جعفر صادق علیه السلم فرماید اگر بیند که از آتش زنه آتش بیرون
آورد مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند اگر بیند که از آتش زنه آتش بیرون نیاید
مال طلب کند و نیابد آتش کده ابن سیرین گوید آتش کده جایگاه بخواب مکروه بود یا
بیم و خصومت از جهت پادشاه کرمانی گوید آتشکده جای مردم احمق بود اگر بیند که در
آتشکده رفت و از آنجا خیری بوی رسید بعد از آن مذلت یابد آذرگون شکوفه ایست
دیدنش بخواب بیماری بود آرد در خواب مال و نعمت بود که با رنج بوی رسد دانیال
گوید اگر بیند که آرد از هوا چون برف می بارید بقدر آن مال حلال حاصل کند ابن سیرین
گوید آرد جو نماز مال و رشته دین بود و آرد گندم مالی بود از تجارت آرد گاورس مال
اندک باشد مغربی گوید آرد فروختن بخواب دیدن مردی بود که دین بدنیا داده باشد
ارزن کرمانی گوید ارزن بخواب دیدن مردی باشد که میان دهستان و خویشان
کفه ابن سیرین گوید ارزن در خواب زنی فضول باشد یا خادمی بد اگر بیند که
الک ارزن بستد زنی یا خادمی بد و بوند و بعضی گویند مردی مصلح مقیم او شود امام
جعفر صادق علیه السلم گوید ارزن در خواب بر چهار وجه بود اول مرد مصلح دوم
زنی فضول سیوم خادم چهارم منفعت آروغ بر آوردن کرمانی گوید اگر بیند که آروغ
بر می آمد سخنی گوید که از آن کم حرمت شود اگر بیند که آروغ از گلو خوش بر آید
اجلش نزدیک بود ابن سیرین گوید اگر بیند که آروغ ترش و ناخوش بر آورد سخنی گوید

از آن [illegible]

ازان مضرت باید آزادی دانیال گوید که اگر بیند که از دست اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد
گزارده شود و اگر خرج بلکه با شرح کند و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر غمگین بود دست از زد و محبوس بود
کدخدای
خلاص یابد و اگر بخانه آزادی درخور پسندیده است آستانه کرمانی گوید آستانه بالایی
خانه بود اگر بیند که آستانه بالا بیفتاد کدخدای خانه بمیرد و اگر بیند که زیرین خراب شد کدبانو
بمیرد و اگر کدخدای خانه بیند که آستانه خانه بکند و نو بنا نهاد زن را طلاق دهد و زنی دیگر خواهد اگر
که آستانه هر دو خراب شد کدخدا و کدبانو هلاک شوند آسمان دانیال گوید اگر خود را بر آسمان
اول بیند اجلش نزدیک بود و اگر بر آسمان دوم بیند علم و حکمت آموزد و اگر بر آسمان سیوم بیند
همین دلیل کند و اگر بر آسمان چهارم بیند نیش پادشاه مقرب گردد و اگر بر آسمان پنجم بیند از
سلطان ترس یابد و اگر بر آسمان ششم بیند توانایی و رفعت جاه یابد و اگر بر آسمان هفتم بیند قدر و حشمت بیند
این جهان و مال یابد اگر بیند که به آسمان اول رسید و در شته بود کارها او بسته گردد و اگر بیند
که در آسمان نگاه نتوانست کردن از دیدن بزرگی باز ماند و اگر بیند که فرشتگان از آسمان فرود
آمدند و بروی نگذشتند درهای علم و حکمت بروی گشاده شود ابن سیرین گوید اگر خود را بر
آسمان بیند بسفری رود و از آن سفر عز و مرتبت دنیا و آخرت حاصل کند اگر بنهان آسمان
می پرید دلیل سفر بود اگر بیند راست میرفت تا با آسمان مضرت و رنج اگر بیند که به آسمان
رفت نیت آنکه باز نیاید اجلش نزدیک بود اگر بیند که دست او با آسمان رسید چنانکه دست
به آسمان می ساید بزرگی و پادشاهی یابد اگر بیند که از آسمان بانگ و ندا می شنید دلیل خیر
و سلامت او بود اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن گفت شاه شهر کرمانی گوید اگر بیند که
وی را در آسمان بنیاد است چنانکه مردم را در دنیا اجلش نزدیک بود اگر بیند که در آسمان
بناها از گل و خشت یا گچ و لو بیند جراحت بدنیا منسوب شود و اگر بیند که از آسمان
انگبین بارید اهل آن دیار را خیر و منفعت رسد اگر بیند که از آسمان ریگ یا خاک بارید

اگر اندک بود خیر و نعمت باشد و اگر بسیار بود شر و فساد بود اگر بیند که از آسمان فرو می‌آید بحث پرسش
کار وی بلند شود معبر گوید اگر بیند که بالای هفت آسمان رفت اجلش نزدیک بود و
و خاتمت کارش پسندیده باشد و اگر بیند که از آنجا فرود آمد و بیننده مستور بود در امر دین از اهل
و مصلح شود اگر بیننده مستور باشد زود هلاک شود و اگر بیند که او را میان آسمان و زمین بیاویزد
بود چون قبه و کوشک در آن سال دعای خلق مستجاب شود و باران بسیار بود ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر و فجرنا الارض اگر بیند که از آسمان دری گشاده شد دلیل بر خیر و نعمت آن بقعه
باشد اگر بیند که از آسمان بنفشه آمد حق تعالی یادی نخستم بود امام جعفر صادق علیه السلام
فرماید اگر بیند که آسمان سبز بود در آن دیار خیر و ایمنی بود و اگر سفید بود نعمت و فراخی بود و اگر زرد
بود بلا و فتنه باشد و اگر سرخ بود در آن دیار جنگ و خون ریختن بود و اگر سیاه بود قحط و فتنه باشد
اگر آسمان را الغایت روشن بیند از حق تعالی روشنائی تمام یابد در دین و دنیا اگر بیند که
برابر او دری از آسمان گشاده شد در خیر و روزی بر وی گشاده گردد و حکیم و عادل
شود اگر بیند که در آسمان علامتها سرخ بعد بکردار عمودها پارسایان آن دیار را قوت و
نصرت بود اگر بیند که آسمان را می پرستید بی دین و گمراه شود اسمعیل اشعث گوید اگر
بیند که از آسمان سنگ بارید بلای به اهل دیار رسد اگر بیند که از آسمان گندم و ارزن و
می بارید اندر آن دیار نعمت بی قیاس شود و خلق را ایمنی و کثرت معیشت بود اسمانه
ابن سیرین گوید که اگر بیند که آسمانه خانه وی بلند شد بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از آسمانه خانه
وی کژدم و مار همی بارید از بزرگی او را غم و اندوه رسد اگر بیند که آسمانه خانه او فرود افتاد
و در زیرش هلاک شد بیم هلاکت بود و اگر بیند که آسمانه او منقش بود بارایش دو جا معروف
شود آسیاب دانیال گوید اگر بیند که در آسیاب غله در دور کرد از خداوند آسیاب
منفعت یابد اگر بیند که سنگ آسیاب بشکست و از کار بیفتاد خداوند آسیاب هلاک شود
و اگر بیند که در سنگ آسیاب خللی پیدا شد در معیشت خداوند آسیاب سستی پیدا شود اگر بیند

سنگ آسیاب بیند و بیند خداوند آسیا سیاه شود و اگر بیند که آسیا بر قفا احوال وی بد شود ابن سیرین گوید
گردیدن آسیاب در خواب جنگ و خصومت بود و کارزار اگر آسیاب ملک او باشد کمتر بود
و اگر بیند که آسیا غله بر داشت و می گردید بسفر رود و اگر بیند که سنگ آسیا از آهن یا از سیم یا از
برنج بود دلیل بر جنگ و خصومت و کارزار بود و اگر بیند که سنگ آسیاب بدست میگرداند بواسطه
دشواری کارش نظام شود جعفر صادق گوید دیدن آسیا در خواب بر پنج وجه بود اول پادشاه دوم
رئیس سوم توانگر چهارم مرد دلیر پنجم جوان سالار پادشاه اگر بیند که آسیا خراب میگردد
دران چیز که با آسیا منسوب بود خلل افتد و آسیابان در خواب کسی بود که روزی اهل
او بسبب او بود که میگردد و چیز حاجات میکند آشتی ابن سیرین گوید آشتی اگر در خواب بیند
که با کسی کرد عمرش دراز بود و اگر بیند که در آشتی کردن کسی را به قفا دست خواند دلیل که
او را از راه شرم دارد جعفر صادق گوید آشتی در خواب بر سه وجه بود اول درازی عمر دوم
قوت سوم اعتقاد و سیرت پسندیده آغوش گرفتن کرمانی گوید اگر بیند که معروفی
را در آغوش گرفت اگر آنکس مستور و مصلح بود از و خیر دو جهان و حاجت یابد و اگر مستور
نبود نفع دنیا باشد و اگر آنکس مجهول بود از کسی بیگانه خیری یابد اگر بیند که زنی در آغوش
گرفت عمرش دراز بود ابن سیرین گوید اگر بیند که زن بیر در آغوش گرفت محبت فرزند
اگر بیند که پیری در کنار گرفت با دشمن صلح کند آفتاب دانیال گوید اگر بیند که آفتاب
از آسمان فرا گرفت و ملک خود کرد پادشاهی و بزرگی یابد و مقرب پادشاه شود اگر
بیند که خود با آفتاب شد پادشاه شود بقدر روشنی آفتاب اگر اهل آن نباشد بقدر همت خود
بزرگی یابد اگر بیند که با آفتاب بجنگ شود با پادشاه با وی خصومت کند اگر بیند که بجای
آفتاب یا ماه مقیم شد پادشاه گردد اگر بیند که نور آفتاب بستد ملک از پادشاه بستاند
اگر بیند که آفتاب را فرا گرفت و نور نداشت و تیره بود پادشاه محتاج کار او گردد

ابن سیرین گوید آفتاب در خواب پادشاه است و ماه وزیر و زهره زن پادشاه و عطارد دبیر و مریخ پهلوان
و مشتری خزینه‌دار و امین و زحل شحنه و صاحب عذاب و ستارگان دیگر لشکر پادشاه
مغربی گوید آفتاب در خواب پدر بود و ماه مادر و ستارگان دیگر لشکر پادشاه قوله تعالی
انی رایت احد عشر کوکبا والشمس والقمر و همه زیادت و نقصان در آفتاب و ماه باب در
ستارگان بیند دلیل آن بر مادر و پدر و برادران بود اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه
برآمد و در خانه وی تافت از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که آفتاب در خانه کسی دیگر تافت
از آن خانه زن خواهد و منفعت یابد اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب بپوشانید حال او بد شود
اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد پادشاه بیمار شود و شفا یابد اگر بیند که جرم آفتاب ریسمانی
فرو هشته بود و او دست در آن زد از پادشاه قوت یابد اگر بیند که ریسمان بگسست و
او بیفتاد از بزرگی به افتد اگر بیند که آفتاب و ماه او را سجده کردند گناهی یا خطایی از وی صادر
شود اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان یکجا جمع شدند و او همه را بگرفت و نور ایشان از
بستد ملک و جهان بگیرد و پادشاهی یابد اگر بیند که آفتاب را بگرفت تاریک بود بد آتش
نزدیک بود گرما گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاه بود پادشاه بسبب ملکی دل
مشغول شود اگر بیند که دو آفتاب با هم جنگ کردند دو پادشاه با هم خصومت کنند اگر بیند
که آفتاب بر زمین بود و نور نداشت پادشاه آن دیار معزول گردد اگر آفتاب را سیاه بیند
پادشاه را غمی بزرگ رسد اگر بیند که آفتاب در سوراخی پنهان گردید پادشاه بمیرد
و مردم را غم رسد اگر بیند که ابر آفتاب را بپوشانید پادشاه را رنج و همت شود
اگر بیند که آفتاب را می پرستید مقرب پادشاه شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که
بر فلک نشست و روی به آفتاب کرد پس روی از آفتاب بگردانید دلیل که نخست
کافر بوده باشد مسلمان شود عاقبت همچنان کافر شود اگر بیند که آفتاب بلرزید پادشاه

رایتهم لی ساجدین

تا دیار را رنجی رسد که چشم بر اله اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل که جاه و حشمت یابد
جعفر صادق علیه السلام فرماید دیدن آفتاب در خواب بر هشت وجه بود اول خلیفه
دوم سلطان سوم پس چهارم عالمی بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم رعیت هفتم مرد را
زن و زن را شوی هشتم کار روشن و نیکو و هم او گوید اگر بیند آفتاب را سجده کرد
سلطان او را سوزرد لقب به ابن سیرین گوید آفتاب در خواب زن خادمه بود و یا کنیزک
چیچ دار بود و بعضی از معبران گویند آفتاب خادم قوی بود که بطاعت حق تعالی کروند و از
معصیت پرهیز کنند اگر بیند که آفتاب نو داشت او را خادمه یا کنیزکی حاصل شود اگر بیند
که آفتاب بشکست خادم یا کنیزک وی بمیرد جعفر صادق گوید آفتاب در خواب بر نه وجه بود
اول زن دویم خادم سوم کنیزک چهارم فوائد دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت
هشتم خیر و برکت نهم راحت از جهت زنان آلج تماری عفرور گویند اگر بیند که در خواب سبحر زد
بقدر آن بیماری یابد کرمانی گوید اگر بیند آلج داشت یا بکسی داد یا از خانه بیرون ریخت از رنج
و بیماری ایمن شود و بجمله در خواب دیدن آلج هیچ خیر نباشد آماس اگر بیند که بر تن او اماس
بود بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون ریم در وی بود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن وی اماس
بود مال حرام حاصل کند امام جعفر صادق علیه السلام فرماید دیدن اماس بر تن بر پنج وجه
بود اول زیادتی مال دویم زنی با منفعت سیوم سر آوردن چهارم حاصل شدن رواکرد پنجم ایمنی
کردد از غم و اگر همه تن خود را اماس بیند این هر پنج او را حاصل شود آهک دانیال گوید

آهک

اگر بیند که با آهک سوی از تن بستر د اگر مال دارد داله بقدر آن سوی نقصان مال وی بود
و اگر درویش بود بقدر سوی مال حاصل کند اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر شرف
و بزرگی داله را باز شود اگر وام داله کزارده شود ابن سیرین گوید آهک دیدن توانگر را
زیادتی مال بود و درویش را گزاردن وام و کافران را اسلام امام جعفر صادق
فرمود آهک کردن در خواب بر سه وجه بود یکی خرد و دویم سختیها ناخوش شوم

کار دشوار و عمارت کردن با آهک یا ویشتن بد بود آهن ابن سیرین گوید آهن بخواب دیدن
خادم بود یا از متاع دنیا چیزی یابد بقدر آهن که بسبب صلاح دارد در خواب پادشاه بود قوله تعالی
که وانزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس اگر بیند که آهن از سنگ
بیرون می آورد او را سختی پیش آید قوله تعالی کونوا حجارة او حدیدا او خلقا مما
یکبر فی صدورکم آهنگری مغربی گوید اگر بیند که آهنگری میکرد نه اهل آن کار بود او را با کسی
خصومت افتد و اگر آهنگر بود دلیل بر خیر و منفعت کند و آهنگر تاویل پادشاه دادگر
بود ابن سیرین گوید دیدن آهنگر چه معروف بود تاویل نیک باشد امام جعفر صادق
علیه السلام فرماید هر چیز که از آهن بخواب بیند سوزن یا سندان همه منفعت و قوت و ولایت
و توانایی و ظفر بود بر دشمن آهو کرمانی گوید اگر بیند که آهو را بگرفت کنیزکی خوب بخرد
اگر بیند که گلوی آهو ببرید با کنیزکی مجامعت کند اگر بیند که پوست آهو را برکند با زنی عزبا
زنا کند اگر بیند که گوشت آهو خورد زنی خوبروی بخواهد اگر بیند که گوشت آهو خورد یا پوست
آهو و گوشت و پیه وی دارد دلیل که از سبب زن مال یابد اگر بیند که آهو را
بکشت از قبل زن اندوهگین شود ابن سیرین گوید اگر بیند که در شکار آهو را افکند
دختری یا کنیزکی یا دوشیزه ببرد مغربی گوید اگر بچه آهو بگرفت او را از کنیزک فرزندی
آید جعفر صادق گوید دیدن آهو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سوم منفعت
چهارم نفع از زنان آواز ابن سیرین گوید اگر بیند که آواز او در خواب بلند شده بود
در میان مردم بزرگی و قدر یابد اگر بیند که آوازش ضعیف شد مرتبتش سست گردد
کرمانی گوید بلندی آواز مردمان دلیل بر شرف و مرتبت کند و آواز زن نیکو نباشد
آویختن دانیال گوید اگر بیند که پادشاه فرمود تا او را بیاویزند آن پادشاه حشمت و
جاه منزلت یابد لیکن دینش بخلل بود اگر بیند که همگنان او را آویختند مردم در وی
نظر کردند بر آن قوم مهتری و فرمان روایی یابد اگر بیند که گروهی جمع شدند

ولد او را بیاد بخشند همین معنا ولایت بود اگر بیند که پیر زنی مجهول ویرا به او بخت در دنیای فرمان او را
گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که خفته به او بخت بر زبان حقه و خویش فرمان او را
گردد خاصه چیز خویش را ببیند که در وی نظر میکردند مغربی گوید اگر بیند که چیزی او را
آورده بخشند ریسمان ببرید و او بیفتاد از بزرگی و جاه بیفتد آئینه ابن سیرین گوید
آئینه در خواب جاه و ولایت بود اگر بیند که آئینه داشت بقدر بزرگی و روشنی آئینه
جاه و رفعت یابد اگر بیند که آئینه بکسی داد چیزی بود بعیت [illegible] بنهد اگر بیند که آئینه [illegible]
داشت و در وی نگاه میکرد اگر زنش حامله باشد پسر آورد و بعضی گویند در جاهش
نقصان شود کرمانی گوید اگر بیند که مردی در آئینه نگاه میکرد دلیل که زن را طلاق دهد
نسبت فرزندی اگر بیند که او را برادر آید اگر دختر بیند او را خواهری آید اگر پادشاهی بیند
که در آئینه نگاه میکرد از پادشاهی به افتد مغربی گوید روی [illegible] بخواب در آئینه دیدن [illegible]
دست دیر بود و روی زشت غم و اندوه بود و آئینه افروز در خواب چیز معروف
بود پادشاه بود و اگر معروف نبود تعبیر آن با آئینه زدا باز گردد جعفر صادق گوید دیدن
آئینه در خواب بر شش وجه بود اول زن دوم فرزند سیوم جاه و فرمان چهارم یار و دوست پنجم
اظهار ششم کار روشن و هم او گوید اگر مردی عزب آئینه بخواب بیند زن کند و اگر زن عزب بیند
شوهر کند اگر بیند که مرد مجهول آئینه بدو داد بدیدن دوستی شاد شود ابر بر خواب
دیدن بر شش وجه بود ابر سفید و سیاه و سرخ و زرد و ابر بارنده اگر زیر ابر سفید بارنده
بیند بیمار شود و بعضی گویند زن خواهد و از وی غم و اندوه بیند و اگر خود را زیر ابر سرخ بیند
در بلا گرفتار شود اگر بیند که ابر بر فراز سر وی بایستاد بقدر آن فرمان روایی یابد اگر بیند
که ابر از بالای سر وی منکشف شد او را با کسی نیک خواه خصومت افتد و ملامتی از وی
حاصل آید ابن سیرین گوید اگر بیند که ابر در هوا می‌راند دلیل که رسولان و صاحب خبران
فرستد اگر بیند که ابر بجانب وی در آمد عاملی یا بزرگی مهمانی آورد و از آن بزرگی یابد

اگر بیند که ابر بر سر وی سایه کرد در آن سال نعمت بسیار یابد قوله تعالی وظللنا علیکم الغمام
وانزلنا علیکم المن والسلوی اگر بیند که از ابر جامه [illegible] خت
پوشید چندان علم حاصل کند که کسی را نباشد اگر بیند که ابر همه جهان بپوشید و هیچ باران نبود
بد باشد کرمانی گوید اگر بیند که ابر را جمع کرد یا بر داشت یا بخورد حکمت و دانش یابد اگر بیند
که در میان ابر شد و خبر نتوانست گرفتن با اهل علم صحبت کند و حاصل نباشد نیستش
اگر بیند که بر فراز ابر نشست در علم و دانش یگانه شود و مغربی گوید اگر بیند که ابر میخورد
معیشت وی از حکمت است اگر بیند که ابر سیاه فراز موضعی گسترده شد عذاب خدای تعالی
بدان موضع رسد اگر بیند که از ابر باران می بارید خیر و برکت یابد و اگر بیند که از آن ابر
باران و رعد بیند رستگاری وی باشد از دعاهای مادر و پدر و مسلمانان نیز اگر با رعد برق
بیند عذاب قوی‌تر و سخت‌تر باشد اگر بیند که بر ابر کوشش کرد او را علم و دانش حاصل
شود و مردم را از آن فایده بود اگر بیند [illegible] در جای بستر و جامه خوابش ابر گسترده بود
فرزندان و اهل او را حکمت و دانش حاصل شود بقدر ابر جعفر صادق گوید دیدن ابر در خواب
بر نه وجه بود اول حکمت دوم اجابت سوم بارش چهارم رحمت پنجم ترس نهیر کاری ششم
عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث گوید ابر سیاه بخواب ترس و
بیم بود و ابر باران خیر و برکت و فراخی بود و نیز گویند غم و اندوه بود اما ابر که از کنار
دریا خیزد دیدن وی در خواب غنیمت باشد بقدر دیدن آن و ابن سیرین گوید
ابرو در خواب دیدن زینت باشد اگر بیند که ابروهاش تمام بود زینت و دینش تمام بود
اگر بیند که ابرو بتراشید یا فرو ریخت کار کند حرف و دین او بتر اگر بیند که ابروهاش سفید شده بود
حکمت وی زیادت شود و مالش نقصان پذیرد و بعضی گویند نقصان دین او بود ابریشم
تاویل آن خیر [illegible] باشد و او در [illegible] الفتنه لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم
ابلیس دانیال گوید ابلیس بخواب دیدن یتیمی بد دین و دروغ زن

بی شرم و فریبنده و ستیزه گر و نومید از نیکی و مردم را بدی آموزد اگر بیند که با ابلیس جنگ
نمود و او را مقهور کرد دلیل که وی را براه خیر و صلاح میل بود اگر بیند که ابلیس بر وی غلبه
کرد براه شر و فساد مایل بود ابن سیرین گوید اگر بیند که ابلیس با وی صحبت میکند
از طاعت باز ایستد اگر بیند که ابلیس او را نصیحت کرد و او را خورش داد او را اعمال و تن
مضرت رسد اگر بیند که ابلیس دست او بگرفت و جای برد و او میگفت لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم بکند هر مبتلا گردد و نصیحت کسی از گناه باز ایستد اگر بیند که ابلیس را
بر گردن غل نهاده دلیل که اهل دین و صلاح را اثر رسد اگر ابلیس را ضعیف و زار بیند
علما و مردم مصلح را قوت باشد کرمانی گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد بهوا مبتلا گردد
اگر بیند که ابلیس او را عطا داد اگر نیک بود او را مال حرام یابد و اگر بد بود فساد دین او بود
اگر بیند که ابلیس خرم و شادمانه شد کار مردم بضعف و فوتی گردد اگر بیند که جوانب
تا ابلیس را شمشیر زند و لایه بدست آلوده در وی عدل و انصاف کند اگر بیند که ابلیس را
بکشت بنفس خود او را قهر کند ارزیز ابن سیرین گوید اگر بیند که ارزیز داشت بقدر آن متاع
دنیا حاصل کند اگر از ارزیز آلتی بود چون کاسه و کوزه و طبق و غیره بقدر آن او را غم و تیمار
شود جابر کرمانی گوید اگر بیند ارزیز بر گرفت در زبان مردم افتد جعفر صادق گوید دیدن
ارزیز در خواب بر سه وجه بود اول منفعت دوم غم و تیمار سیوم متاع خانه ابریشم
ابن سیرین گوید اگر بیند جامه یا زمین ابریشمی نمود منفعت یابد اگر بیند که ریسمان یا جامه ابریشم
یا پنبه یا ابریشمی نمود سفر رود و بعد از آن مال حلال بدست آورد اگر انچه نمود قرین بود
یا ابریشم مال حرام یابد اره ابن سیرین گوید اگر می بیند که پاره درخت می برید
از صحبت مردی که تعلق بدان دارد جدا شود اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر پاره می برید
از ایشان جدا باید اگر بیند که اره داشت پسر زاید اگر فرزند بود او چهارپای حاصل کند
جعفر صادق فرماید دیدن اره در خواب بر سه وجه بود اول فرزند دوم برادر سیوم

فرزند بعد از شیر

ابنا یعنی زن ایزار ابن سیرین گوید در خواب زن باشد اگر بیند که در میان بست ایزار خواهد
یا کنیزک خرد اگر بیند که ایزار او ضایع شد از آن زن جدا شود اگر بیند که ایزار او بستیم
و حیرکین داشت تاویلش بخلاف این بود از حال بحالی گردد دانیال گوید اگر بیند که
او را تغییری رسید چنانکه خلق را بجز ای تعالی میخوانند و راه می نمود دلیل که اول در محنت تمام افتد
و بعد از آن بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که زاهد بود مصلح شد همین دلیل کند اگر بیند توانگر شد
نعمت دو دنیا بر وی فراخ شود اما در دین نقصان بود کرمانی گوید اگر بیند که نام او نیکو شد
چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی و عمر و مانند این دلیل که مردم او را به نیکی یاد کنند
و اگر بخلاف این بود بدی یاد کنند اگر بیند که امیر یا قاضی شد و در شغل عدل و انصاف
نگاه داشت دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر بخلاف این بود دلیل بر بدبختی کند اگر بیند که از
حال فساد بصلاح باز آید دلیل بر سعادت دین و دنیا بود و بر خیر و جاه. اژدها
ابن سیرین گوید اژدها بخواب دشمنی بزرگ بود اگر بیند که اژدها داشت با بزرگی پیوندد
و اگر بیند که با اژدها جنگ و خصومت کرد و اژدها را بکشت و از گوشت وی
بخورد بر دشمن ظفر یابد و مالش بستاند مغربی گوید اگر بیند که اژدها او را فرو برد هم هلاک او
باشد اگر بیند که اژدها مطیع او شد کارهای او بنظام شود اسفندان کرمانی گوید اسفندان
بکسی دادن غمی بدان کس رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اسفندان داشت و خورد غم
و اندوه خورد. اسپ دانیال گوید اسپ تازی بخواب بزرگی و عز و دولت بود اگر بیند
که بر اسپ تازی نشست و آن اسپ مطیع او بود عز و بزرگی یابد بقیمت است اگر اسپ تازی ز[illegible]
بود بزرگی کمتر بود اگر بیند که کسی اسپی بوی داد و از آلت اسپ چیزی کم بود زین یا نمد زین بقدر
یکی نقصان او بود اگر بیند که دم اسپ او دراز بود چاکران او متفرق شوند اگر بیند
که چیزی از اسپ ناقص بود بقدر آن نقصان بشرف او نا شد اگر با اسپ جنگ و نبرد می کرد بر کناه

دم

بمعاصی اقدام نماید ابن سیرین گوید اگر بیند که بر اسب برهنه نشسته بود گناه و عصیان بیشتر گردد
اگر بیند که بر اسپی نشسته بود و آن اسب چیزی خطر ان بیکرد دلیل که او را شرف و بزرگی
بود در دین کرمانی گوید اگر بیند که بر اسب سیاه نشسته بود از پادشاه قوت و بزرگی یابد
و اگر بیند که بر اسب اشقر نشسته بود دلیل بر صلاح دین و حرمت او بود از پادشاه اگر
بیند که بر اسب زرد یا سمند نشسته بود اندک بیمار گردد اگر بیند بر اسب چرمه نشسته بود
صلاح دین او بود اگر بیند که از اسب فرود آمد از بزرگی بیفتد اگر بیند که از اسب برهنه فرود آمد
از معصیت و گناه باز گردد اگر بیند که بر اسب نشسته بود و سلاح تمام پوشیده دلیل که
از وی حاجتی شود یا بر سر بوی رسد اگر بیند که بر اسب نشسته بود و سر او در مسجد یا صومعه
برد اندرین خواب خیر نبود مگر اسب او را ازین جایها بیرون برد اگر بیند که اسب او در زمین
مزدلفه بیکرد مال و ولایت یابد اگر بیند که اسب با وی سخن گفت کاری کند که مردم او را از آن تعجب الله
اگر بیند که اسپی در سرای او یا در کوچه او آمد مردی بزرگ بدانجا مقیم شود اگر بیند که اسپی از وی
غایب شد از کسی جدا شود و مغربی گوید اگر بیند اسپی مادیان داشت زنی خواهد و برو مبارک بود
اگر مادیان سیاه بود آن زن بزرگ شود و اگر مادیان ابلق بود آن زن را مادر و پدر
از یک اصل نباشد و اگر مادیان دیزه بود زن بهشتی بود و اگر مادیان چرمه بود
زن خوب روی باشد اگر مادیان سبز بود زن دین دار و پرهیزکار بود اگر مادیان کمیت بود
زن معاشر و مضطرب دوست باشد اگر مادیان بالکی بود نیز فرزند باشد اگر مادیان
اشقر بود زن خداوند مال و نعمت بود اگر بیند که گوشت اسپ خورد از پادشاه مال
و جاه یابد اگر بیند شیر اسپ خورد از پادشاه او را نیکو نزدیک گرداند اگر بیند که
بر اسب نشسته بود و او بر پس نشسته آن مرد تابع او شود یا انبار او شود اسمعیل اشعث
گوید اگر بیند که بر اسپی راهوار نشسته بود زنی با صلاح بود اگر زن بیند یا با وی صحبت کند

وارد وی منفعت یابد اگر بیند که بر اسپی داد با وی سخن گفت در عمل خود قرار گیرد اگر
بیند که گوشت اسپ او بریده بود پیغام فهترا از وی بشنود اگر بیند که اسپ
وی یا ران دیگر رفت و بانگ میداشت کارش بلند شود و آوازه در دیار گسترده گردد
اگر بیند که اسپی خرید بی دم و بر وی نشست زنی بی اصل او را زن کند اگر بیند که با اسپ
بهوا بر شد و باز آمد در دست پادشاه هلاک شود اگر بیند که اسپ او را لگد زد یا بگزید
عیالش بتهمتی متهم شوند اگر بیند که اسپ او را دزدیدند عیالش هلاک شوند اگر بیند که اسپی
خرید زن خواهد یا کنیزک خرد اگر بیند که اسپ خود بفروخت غم و جاهش کم شود یا عیالش
از وی جدا گردد اگر بیند که بر اسپی واژگونه نشسته بود کاری کند که از آن مضرت و ملالت یابد
مغربی گوید که اسپ باژگونه در خواب هوای نفس اماره بیند بود اگر اسپ را سرکش بیند نفس
سرکش بیند اگر اسپ را مطیع بیند نفس او فرمان بردار بود و اگر اسپ تازی بود هوای نفس
او خوش بود و گفته اند هر اندامی که از اسپ تاویل آن نقصان بود از پادشاه [illegible] خود را
بر اسپ بیند دولت و مملکت او بیشتر شود و عامه اسپ را بخواب عز و رفعت بود [illegible] اصفهانی
گوید اگر اسپ بالدار بیند که در شهری یا دهی بخواب بیند دلیل که در آن دیار مردی بحرمت پدید آید
اگر بیند که اسپش ضایع شد یا بمرد عیشش بر وی تنگ شود جعفر صادق گوید دیدن اسپ
در خواب بر پنج وجه بود اول عزت دوم مرتبت سوم مال و نعمت چهارم زن پنجم
خیر و برکت چنانکه رسول علیه الصلوة والسلام فرمود الخیر معقود بنواصی الخیل
بادیات البغل اگر بیند که [illegible] بر اسپ وی نشسته بود جهودی با زن وی فسق کند
و اگر بیند که سگی بر اسپ وی نشسته بود گبری یا مخنثی با زن او فساد کند استر
ابن سیرین گوید استر در خواب چون مطیع باشد مردی بد خوی بد اندرون و چون مطیع نبود دلیل
بر خیر کند اگر بیند که بر استر بی زین نشسته بود بسفر رود و اگر استر نبود بسفر در نماند
و اگر استر خود داشت بود سفر با منفعت بود و اگر بر استر زین یا پالان یا عماری [illegible] زن او تر آید

کرمانی گوید اگر بیند که بر اشتری بی زین نشسته بود زنی خواهد با مال و از بزرگ و اگر اشتر سفید دیده
که بیند زن خوب روی و پرهیزکار بود و اگر اشتر سرخ بود زن معاشر و نیکو بود و اگر
اشتر یار زرد گونه بود زن بیمار صفت بود و اگر بیند که اشتر ناپاله بر او برید دشمن ظفر یابد
مغربی گوید اشتر نر مرد غریب است و اشتر ماده زن اگر بیند که اشتر ماده بفروخت کنیزک بفروخته
یا از وی جدا شود و اگر بیند که بر اشتر نشسته بود عمرش دراز بود و مراد اوش حاصل گردد و اگر بیند که از
پس اشتر میگریزد او را غم رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتر با وی سخن گفت کاری بیند که مردم
از وی عجب دارند اگر بیند که اشتر را بکشت مال ببیند یابد اگر بیند که اشتر وی ضایع شد
از زن یا کنیزک جدا شود و گوشت اشتر در خواب مال بود و پوست نعمت و توقع گویند
گوشت اشتر بیماری بود اگر بیند که شیر اشتر خورد دلیل که ترس و بیم بود بقدر خوردن آن جعفر صادق
فرماید دیدن اشتر در خواب پنج وجه بود اول سفر دوم زندگانی دراز سوم ظفر یافتن چهارم جمال
دارا کیش پنجم مرد لعمی استخوان ابن سیرین گوید استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان تمتع کنند
اگر بیند که استخوان داشت و بر آن گوشت بود بقدر آن مال یابد اگر استخوان بی گوشت بود
اندک خیری بوی رسد اگر بیند که او یکی استخوان داد از وی بدانکس خیر رسد کرمانی گوید اگر بیند
که استخوان کسی شکسته بود وی بسبب رزق یابد و کردار نیکو کند و گویند از بی نوای بنوا شود
جعفر صادق گوید دیدن استخوان در خواب بر هفت وجه بود اول مال دوم خواسته سوم فرزند چهارم
همخانه پنجم مال ششم برادران هفتم امارات استغفار در خواب امر نیکو خواستن بود از حق تعالی
ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب استغفار کرد حق تعالی او را مال و فرزندان کرامت کند قوله تعالی
استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا الخ جعفر صادق فرماید
استغفار در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم فرزند سوم امر نیکو چهارم توبت اصطرلاب
کرمانی گوید اصطرلاب تبار و بال اصحاب سلطان بود اگر بیند که اصطرلاب داشت از اصحاب
سلطان جاه و منزلت یابد و بر قوم مهتر شود و اگر بیند که اصطرلاب ضایع شد جاه و منزلتش رو ز

مغربی گوید اگر بیند که اصطرلاب داشت و به آفتاب نگاه میکرد و بستهمان سلطان‌ها امیر مشغول شود و
منفعت یابد و بعضی از معبران گویند اصطرلاب بخواب مردی بود که او را ثبات و عزم جزم
نباشد و در کارها پاینده نبود اشتر فاخ(?) در خواب غم و اندوه بود و خوردن وی نقصان مال
بود اگر بیند که گوشت پخته نود(?) یا بخانه ور فرعی و از وی خورد خیر و منفعت یابد بقدر خوردن آن
اشتر ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر شتر مجهول بیند که بشتاب رود بسفر شود اگر بیند که بر اشتر جولان
میکرد غمگین شود اگر بیند که از اشتر فرود آمد بیمار شود و شفا یابد اگر بیند که بر اشتر نشسته بود
و راه گم کرد لیکن رخود(?) سرگشته شود اگر بیند که ماده شتر یافت زن خواهد اگر بیند که شتر از پیش
وی میدوید غمگین شود اگر بیند که شتر مطیع شود همت او و ایلی دارد و دانیال گوید اگر بیند که بر اشتری
مست نشسته بود بر مردی بزرگ غلبه کند اگر بیند که با اشتر بختی جنگ میکرد با دشمنی خصومت کند
اگر بیند رمه شتر می چرانید و آن اشتران مال وی بودند بر قومی فرمان روا گردد و اگر بیند که اشتر
را می دوشید از پادشاه مال و جاه یابد بقدر شیر اگر بیند که ماده شتر داشت زن خواهد یا کنیزک خرد
اگر بیند که بجای شیر شتر خون می آمد مال حرام یابد اگر ماده شتر داشت و از وی بگریخت از زن جدا
شود یا میان ایشان جنگ افتد و اگر بیند که با شتر جماز جنگ میکرد با دشمن خصومت کند اگر بیند که
ماده شتر بمرد زنش بمیرد اگر بیند که شتر وی بچه آورد زنش فرزند آورد و مالش زیادت
شود اگر بیند که گوشت شتر خورد بیمار شود کرمانی گوید اگر کسی گوشت شتر بدو داد
بقدر گوشت مال یابد اگر بیند که شتر قربان کرد و مردم بسیار بمردی بزرگ از آن موضع
بمیرد اگر بیند که شتر مجهول از پس وی می آمد متفکر شود اگر بیند که شتر را قهر کرد
دشمنی زبون را قهر کند اگر بیند که رمه شتر در مقامی جمع شدند آن مقام را سیل خراب
کند یا بیماری بر مردم آن موضع افتد اگر بیند که شتران بار جو و گندم داشتند دلیل
که ارزانی شد(?) در آن موضع فراخی پدید آید مغربی گوید اگر بیند که بر اشتر نشسته بود سفر کند

اگر اشترش بخت بود دشمنش دورتر بود اگر بیند که بر شتر تنگ نشست اندوه کشد اگر بیند
که از اندام شتر وی خون روان شد بقدر آن نعمت یابد اگر بیند که شتر میکشید او را
با بزرگی خصومت افتد اگر بیند که در بیابانی فتنه بسیار است مالی بسیار یابد اگر بیند که اشتر
یافت و بکشت و گوشت او قسمت کرد بزرگی در آن دیار بمیرد و مال او قسمت کنند
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که شتران بسیار داشت اگر شتر جماره بود پادشاه عرب بود
و اگر شتر بختی بود در عجم پادشاه گردد اگر بختی بود بر دشمن ظفر یابد اگر زنی بیند که بر اشتر نشسته
بود و هر جا که میخواست میرفت آن زن شوی کند و زن مطیع وی شود اگر بیند که شیر شتر
بخورد از پادشاه مال یابد و پوست شتر مال و نعمت باشد و بعضی گویند میراث یابد اگر
شتر با وی سخن گفت خیر و نیکی بیند جعفر صادق گوید دیدن شتر در خواب بر ده وجه
بود اول پادشاه دوم امیر بزرگ سوم مرد موفق چهارم سیل پنجم فتنه و جنگ ششم
آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم کار ابتر تا ویل بدتر و ولایت باشد و ا نسبت کننده
کارها و تیمار دارند شتر مرغ بخواب مردی بیابانی بود و ماده زن بیابانی
اگر بیند که شتر مرغ ماده گرفت زنی خواهد یا کنیزکی خرد اگر بیند که بر شتر مرغ نشسته بود
سفر بیابان کند و بعضی گویند بر مردی بیابانی غالب شود و بر کاری بزرگ رسد کرمانی گوید که
بیند شتر مرغ را بکشت از مرد بیابانی بقدر آن مال کند اگر بیند که بچه شتر مرغ را بکشت
فرزندش از زن بیابانی بود اگر بیند که بر شتر مرغ نشست و او را در هوا برد و بر پشت
مغربی گوید که او بسفر دور رود و از آن منفعت یابد اگر بخلاف این بیند بد باشد اشتر غار
ابن سیرین گوید اشتر غار بخواب غم و اندوه بود اگر بیند که اشتر غار و خیک بخورد بقدر آن
غم و اندوه خورد اگر بیند که اشتر غار را کسی داد یا بفروخت از غم و اندوه رسته گردد

اشک چشم اگر بیند که اشک سرد از چشم او می بارید شادی بوی رسد اگر
بیند که اشک گرم بود غمگین و مستمند شود اگر بیند که بی اختیار ریختن اشک در چشم وی بود
بر وی طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک گرد و خاک جمع شد بقدر آن مال
حلال بی رنج بوی رسد جعفر صادق فرماید اشک در خواب بر سه وجه بود اول شادی و خرمی
دوم غم و اندوه سیوم مال و نعمت اشنان ابن سیرین گوید اشنان دیدن در خواب غم
و اندوه و خوردنش بیماری اصلع آن باشد که موی سرش نباشد اگر اصلعی بخواب بیند
که موی بر سرش رسته بود مالی اندک حاصل کند اگر بیند که اصلع زن بود و از آن سبب او را نقصان
پدید آید کرمانی گوید بازرگانان را اصلع شدن در خواب فایده بود از تجارت و پیشه کاران را
از کسب و یا دستکار اتفاق و زنان را نقصان افروشه ابن سیرین گوید آن پهنه بود که از حلوای
در وی نبود خیر اندک بود سخت لطیف بود و مالی بسیار بی رنج بدست آرد اگر بیند
که کسی افروشه بوی داد و بخورد سخت خوش شود اگر بسیار داد مال حاصل کند جعفر صادق
گوید افروشه در خواب بر سه وجه بود اول سخن خوش دوم یافتن مال سیوم حصول مراد
و بنج امید افسرده کرمانی گوید چیزهای افسرده بخواب خوردن غم و اندوه بود اگر
بیند که کسی چیزی افسرده بوی داد و بخورد از آن کس غم و اندوه بوی رسد مغربی
گوید چیزهای افسرده در خواب دلیل بر جنگ و خصومت کند بقول معبر این چیزی
در خوردن افسرده بود افسون در خواب خوردن غم و اندوه بود ابن سیرین گوید افسون
در خواب فریفتن مردم بود مگر افسونی که بنام خدای تعالی و آیت قرآن بود و چون بیند
که افسون کرد و در آن افسون بانگ دل از رنج و بیماری شفا یابد و از همه رنج و غم
خلاص یابد و اگر بخلاف این بیند بد بود اشتر دانیال گوید اگر در خواب پادشاهی

بیند

با هیبت و قوی رای و محکم و ستمگر بود چنانکه همه کس از وی بترسند اگر بیند که آنرا گرفت
و مطیع او شد مقرب پادشاه گردد اگر بیند که آن او را بگرفت و در هوا برد و بفرمان پادشاه
سفری کند و بزرگی یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که آن بکوچه فرود آمد پادشاه در آن
کوچه فرود آید اگر بیند که مردم آن کوچه آنرا بکشتند پادشاه از مملکت معزول شود اگر بیند
که از دهان چیزی برآورد و بدو داد بقدر آن از پادشاه عطا یابد اگر بیند که از دست
وی بپرید پادشاه بروی خشم کند و از مال وی چیزی بستاند کرمانی گوید اگر بیند که از
بهر وی شکار گرفت یار پادشاه و غلامان در فرمان او باشد اگر بیند که او را بچنگال
و منقار مجروح کرد دلیل که او را از پادشاه بلا و سختی رسد و مالش بستانند اگر بیند که آن
بازی چنانکه کرد از پادشاه و برا رنج رسد اگر بیند که از گوشت یا پر او برداشت
از پادشاه مال و نعمت یابد اگر بیند که برسر آن نشست او را اسیری آید و شاد شود
امام جعفر صادق فرماید دیدن آن در خواب بر دو وجه بود اول پادشاه ستمگر خونخوار
دوم عالم بی دیانت خیانت کر و بعضی گویند که اگر بیند که آنرا داشت عمرش دراز
شود الوان ابن سیرین گوید الوان سیاه و سرخ بخواب دیدن بوقت باك و خورسند بود
و الوان زرد بیماری بود اگر بیند که الوان سیاه یا سرخ خورد بوقت خویش پاک باید و
بی وقت خوردن غم و اندوه بود و اگر ترشی بود اندوه صعب امامت کردن
ابن سیرین گوید اگر بیند که قومی را امامت کرد امام بود بر آن قوم مهتر گردد و
متابع او شوند اگر بیند که جماعتی گفتند ما را امامت کن یا پادشاه فرمود
که ایشان را امامت کن و امامت کرد دلیل که در آن دیار امیر و فرمان روا
گردد و با ایشان عدل و انصاف کند بقدر راستی قبله و تمامی نماز بزرگی و سجود
اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد بر آن قوم جور و ظلم کند بقدر نقصان نماز کرمانی گوید

اگر بیند که از نشسته قومی را امامت کرد بیمار شود اگر بیند که بر پهلو خفته بود و در نماز قرآن
نخواند زود بمیرد و آن قوم بروی نماز کنند اگر امامی را بخواب دید شرف و منزلت یابد
و بقدر منزلت امام اگر بیند که با امام در خانه رفت یا امام وی را چیزی بخشید یا با وی عتاب
کرد یا سخن لطیف بگفت همه دلیل بر شرف و بزرگی کند اگر بیند که با امام طعام خورد
بقدر آن غم و اندوه خورد و معبران گویند اگر بیند که با امام بر چهارپا نشست دولت و جاه یابد
اگر بیند که از پس امام رفت در دین و دنیا اقتدا بسنت کند اگر بیند که امام بر سر اشتر یا ستور در
یا در پی مصیبتی یا بلای مفزع رسد اسمعیل اشعث گوید هیچ امام را در خواب زیادت شود
در بزرگی او بیفزاید و هیچ امام در خود کم بیند نقصان حال او باشد جعفر صادق گوید امامت کردن
در خواب بر شش وجه بود اول فرمان روایی دوم پادشاهی با عدل سوم زیادتی علم چهارم تجارت خیر
پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمنان اگر بیند که امامت زنان کرد بر گروهی ضعیفان والی شود
اگر بیند که امامی از آسمان فرود آمد و قومی را امامت کرد دلیل رحمت باشد اهل
آنجا را اگر بیند که مردم امام شد پادشاهی و کام روایی یابد امرود ابن سیرین گوید امرود
بوقت خوردنش چون شیرین بود مال حلال یابد و اگر زرد بود بیماری باشد اگر سبز بود
یا سرخ مال خواسته بود اگر ترش و ناخوش بود غم و اندوه بود کرمانی گوید امرود شیرین
در خواب نعمت مراد یابد اگر بیند که امرود خورد در حلق او را گرفت چیزی نخورد که
و از آن تهمت بود جعفر صادق فرماید دیدن و خوردن امرود بر پنج وجه بود اول حرام
دوم توانگری سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت اگر بیند که امرود بسیار خورد
از بزرگی بقدر آن منفعت یابد انار دانیال گوید اصل انار در خواب مال اندک بود لیکن
بقدر همت مردم حاصل بوقت خوب باشد اگر بیند که انار از درخت ببرید و نخورد
از زنی با جمال منفعت یابد ابن سیرین گوید انار شیرین بخواب نیکو بود یا مال نقد

از مهران

از معبران گویند یک انار شیرین خوردن در خواب هزار درم یابد واگر انار ترش بود
غم واندوه یابد اگر بیند که انار میخورد و بند انگشت ترش بود یا شیرین تا دانش
حب انار شیرین بود مغربی گوید اگر بیند که انار شیرین بوقت خورد هزار دینار یابد
اگر بیند که در بستان خورد بعدد هر دانه او را چیزی رسد وانار ترش همه مال بد باشد
اگر بیند که بازرگان است کارش رونق گردد اگر مسافر بود سفری مبارک کند واگر بیوقت
خورد غم واندوه بود اگر بیند که انار شیرین با پوست خورد از مال خود برخورداری
یابد جعفر صادق گوید خوردن انار شیرین بر سه وجه بود اول جمع مال دوم زن پارسا سوم
شهر آبادان وانار ترش غم واندوه بود اگر پادشاه بیند که اناری داشت ولایتی
یابد اگر رئیس بیند دیهی یابد واگر بازرگانی بیند ده هزار درم یابد اگر بازاری بیند هزار
درم یابد و مردم درویش را ده درم بود انجیر ابن سیرین گوید خوردن انجیر در خواب
بیماری و بد باشد اگر بیند که انجیر میخورد یا جمع کرد بقدر آن غم واندوه خورد [illegible]
انجیر زرد در خواب بیماری بود وانجیر سیاه غم وانجیر سفید توقف زبان بد اید انجیل
خواندن ابن سیرین گوید اگر بیند که انجیل میخواند از حق بباطل فریفته گردد و خوار
شود اگر بیند که انجیل از بر میخواند از کسانی که بر ملت عیسی علیه السلم باشد خیر بیند اگر
از بر میخواند از حق بباطل گراید انداختن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را بینداخت
بر خصم غالب گردد اگر بیند که کسی او را انداخت دشمن بروی دست یابد اگر بیند
که کسی بر وی سنگ انداخت سخنی زشت بوی گویند اگر بیند که او کسی را سنگ انداخت
سخنی گوید کسی را بناز اید و گویند او را از نیز متهم کنند کرمانی گوید اگر بیند که کسی شکر یا
فندق یا بادام انداخت اگر آنکس معروف بود بقدر صلت عطا دهد اگر شکر و
این که گفتیم بچهارپایان انداخت مال خویش بر جاهلان خرج کند انداختن ابن سیرین گوید

اگر بیند که اندامی از اندام وی افزون شد خویشان او زیادت شوند و او در بعضی مهم مقیم شود
اگر بیند که اندامش بریده شد و از تن بیفتاد بسفر رود و خویشان پراکنده شوند اگر بیند
که اندام خود میبرید و جدا میکرد از خویشان جدا شود کرمانی گوید اگر بیند که از اندام خود
گوشت برید و بخورد همان خیانت کند اگر بیند که اندامهای وی از زرد بود بیمار شود اگر بیند که
مرغی از اندام وی پاره گوشت ببرد کسی از بهر وی زر رساند اگر بیند که
گوشت از اندام خود می برید و در پیش مرغ می افکند از بهر خود چیزی بکسی دهد تا
منزلی گوید اگر بیند که اندامی از اندام وی تباه گشت دلیل که بر راه راست نبود
اگر بیند که اندامی از اندام خود وی با وی سخن گفت میان خلق رسوا گردد انطقنا الله
الذی انطق کل شیء ام فضل گوید یا رسول الله خوابی منکر دیدم
گفت چه دیدی گفت دیدم که پاره از اندام تو ببریدند و در کنار من نهادند گفت نکو آید
فاطمه را پسری آید و در کنار تو بزرگ شود بعد از آن امیر المومنین حسین در حجر آمد و
در کنار وی بزرگ شد انگبین کرمانی گوید انگبین در خواب غنیمت باشد از مالها
و نیکی از کردارها زیرا که آن شفای دردهاست قوله تعالی فیه شفاء للناس
ابن سیرین گوید انگبین مردم عامه را روزی اندک بود شهد روزی بسیار جعفر صادق
فرماید انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سوم کام دل
یافتن انگشت ابن سیرین گوید انگشت دست راست در تاویل پنج نماز بود
و هیچ انگشت دست چپ فرزند و خویشان انگشت مهین دلیل بر نماز بامداد
بود و انگشت مسبحه نماز پیشین و انگشت میان نماز دیگر و انگشت بنصر نماز شام و
انگشت کوچک نماز خفتن اهل تاویل گفته اند زیادت و نقصان در دست راست
دلیل بر زیادت و نقصان و دلیل صلاح و فساد نمازها کند اگر بیند که هیچ انگشت

دلیل

ومشتها است در نماز تقصیر کند اگر پنج انگشت دست چپ بریده است فرزند یا برادرش از دنیا برود
اگر بیند که یک انگشت از دست چپ او بریده بهین و تاویل کند کرمانی گوید اگر بیند که انگشتان
بهم در کرده است دست تنگ شود اگر بیند که انگشتان بهم جمع کرد کار فرزند و برادرش صلاح
آید مغربی گوید اگر بیند که انگشت مسبحه او بریده است در فریضه نماز تقصیری کند اگر انگشت مهین
بریده بیند قوتش برود اگر انگشت میان بریده بیند دران شهر پادشاه یا عالم بزرگ بمیرد
اگر خنصر بریده باشد زیان مال بود اگر کوچک تر بیند فرزند زاده او بمیرد و انگشتان پای
دلیل بر زینت و آرایش بود اگر انگشتان پای قوی و درست بیند کار خدای او ساخته گردد
اگر بیند که انگشتان پایش را آفتی رسید غمی سخت خورد بسبب مال اگر انگشتان دست و پا کج بیند
کارهای وی وارونه شود جعفر صادق گوید دیدن انگشتان در خواب بر شش وجه بود اول
فرزند خود دوم برادرزادگان سوم خادمان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج نماز اصفهانی
گوید اگر بیند که از انگشت مهین وی شیر می آید و از انگشت مسبحه خون دلیل که با دو زن خود
فاحشه کند اگر بیند که انگشت وی آواز کرد و با خویشان گفت و گو کند انگشتری دانیال
گوید چون انگشتری نو وی را دادند یا چیزی مهر کند دلیل که از مراد بهره مند شود حاکم اگر پادشاه بود
پادشاهی نوی بماند و اگر توانگر بود مال یابد اگر بیند که در مسجد یا غزا یا نماز کسی انگشتری نوی وی را داد
وانکس اهل زهد و عابد بود نصیبی از زهد و عبادت او بیابد و اگر پادشاه بیند نصیب وی مملکت باشد
و اگر توانگر بود نصیب او مال باشد و اگر غازی نصیبه وی غزا و غنیمتها و دیگرهم براین قیاس اگر
بیند که سلطان انگشتری نوی داد دلیل که از مملکت سلطان بهره یابد ابن سیرین گوید
اگر بیند که انگشتری او ضایع شد در کار او دشواری پدید آید اگر بیند که انگشتری بشکست رای
و جاه وی نقصان شود اگر بیند که نگین انگشتری بکسی بخشید بچه والله اعلم بمردم بخشد اگر
بیند که انگشتری بکسی فروخت و بها نستد بچه والله بفروشد و نفقه اگر پادشاه بیند

که انگشتری وی ضایع ملک از دست او برود کرمانی گوید اگر بیند که انگشتری او از زر بود مال
او از حرام حاصل شده باشد اگر بیند که گرد از انگشتری نیکو نیست بعضی از مال او تلف شود و اگر
بیند که انگشتری از سیم بود مال او از حلال باشد اگر بیند که انگشتری از هفت جوش بود
یا از سفید روی بود همان تاویل آهن دارد اگر بیند که خاتم او از زر قود بی حرمت و حقیر
شود مغربی گوید اگر بیند که از زر یا مس بود از مردم بی اصل منفعت یابد اگر خاتم بلور
داشت لذ عامه خلق خیر بوی رسد اگر بیند که انگشتری بامانت جایی نهاد و باز بوی نداد
زنی خواهد و باز بوی ندهند اگر بیند که انگشتری خود بشکست میان او و عیالش جدایی افتد
اگر بیند که انگشتری او دو نگین داشت بر قومی فرمان روا شود و مال حاصل کند اگر بیند که
دو نگین بخلاف یکدیگر بود صاحب انگشتری غلام باره بود و دوروئی بود اگر بیند که از آن دو نگین
یکی بیفتاد دلیل که از آن دو گناه یکی توبه کند اگر بیند که نامه نوشته با انگشتری مهر کرد خیری از آن
بوی رسد جعفر صادق گوید انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول مملکت دوم زن سیوم
فرزند چهارم مال و انگشتری زرین بر سه وجه بود اول جور از پادشاه دوم تهمت از عمال
سیوم حیلت از نابکاران و انگشتری زرین انان را نیکو بود اگر زنی بیند که انگشتری با نگین او
ضایع شد حشمت و جاه از وی برود یا فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و اگر والی
بود معزول شود انگور دانیال گوید خوردن انگور سیاه بوقت خویش غم و اندوه بود
و بی وقت بیماری و ترس و گویند هر دانه چوبی خورد و انگور سفید بوقت در خواب خوردن
خیر و نعمت بود و بی وقت خداوند خواب سختی کشد گوید و انگور سرخ بر ایمنی ملک بود
کرمانی گوید انگور سیاه در وقت خود فراخی و نعمت بود و بی وقت غم و اندوه ابن سیرین
گوید انگور سیاه بوقت غم و اندوه بود و انگور سفید بوقت مال حلال بود و انگور

طایفی بوقت مالی بود که بدشواری آید و انگور رسیده بوقت دلیل بر منفعت اندک بود و
هر انگور که پوست وی سخت‌تر بود مالی بدشواری آید و هر انگور که آب وی اندکتر بود دلیل
بر مال و حلال کند و اگر آب وی تیره بود دلیل بر مال حرام کند و هر انگوری که بدیدار سرخ
نماید دلیل عز و جاه بود و هر انگور که شیرین و پاکیزه‌تر بود مال و منفعت وی
بیشتر باشد مغربی گوید اگر بیند که انگور در معصر چوبین نهاد و می فشرد خدمت پادشاه ظالم
کند اگر بیند که آن معصر از خشت و گل بود خدمت پادشاه عادل با دیانت کند اگر آن
معصر از گچ و سنگ بود خدمت پادشاهی با هیبت کند اگر بیند که انگور در طشت
فشرد خدمت زنی بزرگ کند اگر بیند که انگور در کاسه می فشرد خدمت کنیزکی حبشی
کند اگر بیند که انگور می فشرد و شیره وی در خمها میکرد مال بسیار یابد اگر بیند که انگور در معصر
با اهل و عیال می فشرد خدمت پادشاه کند و منفعت یابد جعفر صادق گوید گوید انگور سفید
و سیاه بوقت خویش و بی وقت بر سه وجه بود اول فرزند نیک دوم علم فرایض سیوم
مال حلال و فشردن انگور بر سه وجه بود اول مال با خیر و برکت دوم فراخی سیوم
امان از بلا خاصه فیه یغاث الناس و فیه یعصرون افتادن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی
در وی افتاد تشویش و پراکندگی بود خاصه در حساب و خصومت اگر بیند که از جایی بلند بزیر
افتاد حالش بد شود اگر بیند که زخم بوی رسید در افتادن و خون از وی روان شد بقدر
زخم وی را زیان رسد اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد و رنجی بوی رسید بقدر رنج الم بوی
رسد و اگر بیند که افتاد و رنجی بوی نرسید آسانی بود اگر بیند که از آستانه خانه مار
و کژدم می افتاد از بزرگی اندوه خورد اگر بیند که بام خانه یا دیوار بر وی افتاد دلیل
که مال بسیار یابد حرف الباء من کتاب الکامل التعبیر بادام ابن سیرین گوید
بادام در خواب نعمت آوری بود که بخصومت بدست آید اگر بیند که بادام داشت بقدر آن

بنعمت یابد بر رحمت و معبران گویند تاویل بادام علم بود و شفا از رنج و چون از مغز او
بیند مغربی گوید که اگر بیند که بادام با پوست داشت از مردی بخیل چیزی یابد و نیز گویند
با کسی خصومت کند اگر بیند مغز بادام تلخ بود از مردی بخیل رنج بیند اگر از مغز بادام روغن
بیرون آورد از بخیلی بقدر آن منفعت یابد کرمانی گوید دیدن بادام در خواب حلال و
بنعمت باشد حضرت صادق گوید دیدن بادام در خواب بر دو وجه بود یکی مال نهادن دوم
شفا از بیماری باشد پادشاه ابن سیرین گوید دوازده چیز است که دیدن آن بیننده
خواب را دلیلیست بر پادشاهی اول آنکه بیند که پیغمبر علیه الصلوة والسلم او را امام کند
دوم آنکه شریعت ورزد سیوم آنکه منتظر بانگ نماز باشد چهارم آنکه بر منبر رسول علیه السلم
خطبه کند پنجم آنکه جامه رسول علیه الصلوة والسلم پوشد ششم آنکه انگشتری او در دست کند هفتم آنکه
بیند که چشم او آفتاب و ماهتاب گشت هشتم آنکه بیند که تن او در خانه گشته بود نهم آنکه چشم او
در دیوار گشته بود دهم آنکه چشم او بیند که محراب مسجد جامع بود یازدهم آنکه پادشاهی مرده او را انگشتری
دهد دوازدهم آنکه بیند که چشم او کاوی یا عقابی یا بازی بود این دوازده خواب دلیل پادشاهی بود
دانیال گوید اگر بیند که پادشاهی کسی را خلعت داد و جامه و کلاه داد بیند بر قوم خویش مهتر شود
اگر بیند که بر سر او کلاهی بود پاکیزه و پر رنگ اقبال و شریعت و درازی عمر بود اگر بیند که بر سر کلاه پادشاهی
چرکین بود دلیل بر بدخواهی پادشاه بود اگر بیند که بر سر پادشاه دستار بود چنانکه در عهد رسول
علیه الصلوة والسلم بر سر صحابه پادشاهی دین دار با عدل بود اگر بیند که پادشاه او را کار فرمود
و مطیع او شد مملکت بگیرد اگر بیند که با پادشاه بازی کرد توانگر گردد اگر بیند که پادشاه در بهیه
یا در سرای آمد بغضب اهل آن موضع را غم و اندوه رسد بسبب پادشاه ان الملوک اذا
دخلوا اذلة اگر بیند که سرای آرامگاه او بود خراب شد در پادشاهی او نقصان
افتد کرمانی گوید اگر پادشاه بیند که بمرد و دفنش کردند بعضی از سرای خراب شود

با غمگین و رنجور شود اگر پادشاه بیند که کعبه سرای او بود همه کشور مملکت او بود و زوال بیاید و از دشمن
ایمن بود و اگر بیند که ترکی سلام کرد ایمنی یابد لقوله تعالی سلام علیکم طبتم فادخلوها
خالدین اگر پادشاه بیند که رسن در دست داشت دلیل کند که راه راست
باشد و عدل و انصاف کند که واعتصموا بحبل الله جمیعا مغربی گوید اگر بیند
که پیش پادشاه نزدیک داشت از پادشاه منفعت یابد اگر پادشاه را با لباس نیکو بیند و در
سرایی که بدو منسوب کنند مر ترا پادشاه شود و مال و خراسن و خشم و اگر در پادشاهی او نقصان
بیند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند پادشاه بروی خفته بود پادشاهی بروی یابد اگر بیند که
پادشاه بر زمین فرو شد برنج و سختی گرفتار شود و بعضی گویند پادشاهی بروی قرار گیرد اگر بیند
که در سرای پادشاه آمد و شد کرد از مردم پادشاه او را منزلت بیفزاید امام جعفر صادق
گوید اگر کسی پادشاه را تازه روی و خرم بیند کارش بصلاح آید اگر حاجب پادشاه بیند عاقبت
بمراد رسد اگر ندیم پادشاه بیند صلت و عطا یابد اگر اعوان پادشاه بیند مکروهی بوی رسد اگر وکیل
پادشاه بیند کسی ویرا ملامت کند و چیزی که از وی رفته باز آید اگر چاکران وکیل را
بیند از شغلی دون عاجز گردد اگر پرده دار پادشاه بیند کار بسته بروی گشاده گردد اگر زندان
پادشاه بیند غمگین و مستمند شود اگر جلاد پادشاه بیند مراد او زود حاصل شود اگر دبیر پادشاه
بیند کار وی قوی گردد اگر علم دار پادشاه بیند خرمی یابد اگر شراب دار پادشاه بیند اندر کار وی
قوتی گردد و اگر غاشیه دار پادشاه بیند او را غم و اندوه رسد اگر جامه دار پادشاه بیند کارش
نیکو شود اگر دوات دار پادشاه بیند از زنان خبری حاصل کند آخر الدار بیند رنج
و ملامت یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که پادشاه بشهر در آمد و غلبه کرد اهل آن
شهر را نقصان و آفت رسد اگر بیند که پادشاه در خانه وی تحفت از پادشاه خلعت یابد
یا منزلت [illegible] ابن سیرین گوید با تیله بخواب که با وی خاین بود اگر بیند که با تیله داشت

کند بانو آنکه وی راحت بیند کرمانی گوید اگر بیند که در باتیله چیزی خوردنی بود لطیف از گرما اورا منفعت
رسد اگر بیند که در باتیله چیزی ناخوش بود سبب گرما بود اورا زیان دارد باد سموم ابن سیرین گوید
اگر بیند که باد ی حی جست مردم آن دیار را ترس و بیم بود اگر بیند که باد سخت بود اهل آن دیار را
بلا و مصیبت رسد از علت طاعون و ابله کرمانی گوید باد سموم در خواب دلیل بیماری بود اگر
کند و باد زمهریر دلیل بیماری سودا بود و بیماری بد بود و باد معتدل دلیل تن درستی کند اگر بیند
که باد اورا از جایی بجایی برد سفر کند و از آن جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه اورا باد از زمین بر داشته
بود اگر بیند که باد با گرد و غبار بود ترس و بیم مردم آن دیار بود مغربی گوید اگر بیند که باد اورا بسوی
آسمان برد اجلش نزدیک بود اگر بیند که باد اورا از آسمان بزمین آورد از بیماری شفا یابد
جعفر صادق گوید دیدن باد در خواب بر نه وجه بود اول راحت دوم حرمان و اثر سموم
سیوم مال چهارم مرگ پنجم عدل ششم کشتی هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت اگر بیند که او
بر باد نشسته بود به بزرگی و فرمان روا گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بانگ باد می شنید
خبر پادشاه بخار رسد اگر بیند که باد مردم آن دیار بر گرفت و در هوا برد اهل آن موضع مشرف
و بزرگی یابند باد رها کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که پیش مردم باد رها کرد سخن گوید که
مردم بران افسوس دارند و رسوا شود اگر باد چنان بود که کسی نشنید سخن بد گوید اما رسوا نگردد کرمانی
گوید اگر بیند که آواز داشت و بوی ناخوش نداشت از کاری جدا گردد که خیر نیش دران بود
اگر بیند که باد بقصد رها میکرد و مردم بر وی میخندیدند دلیل که بشغل معیشت او رنجه شود
جعفر صادق فرماید باد رها کردن در خواب بر چهار وجه بود اول سخن زشت دوم منفعت سیوم کار
که اورا بدان ملالت کنند چهارم سوای و اگر بقصد رها میکرد دین بود [illegible] ابن سیرین گوید
اگر بیند که باد از وی میجهد حاجت او روا شود و مراد یابد زیرا که رسول علیه السلام فرمود ما اطیب
و ما اطیب دائمک یعنی چه خوش بویی و چه خوش بویی تو جعفر صادق و بادام خوردن

خوابش بر سه وجه بود اول حاجت ادا شود دوم کام یافتن سیوم دیدار غایب بادرنگ
دوم کرمانی گوید اگر زنی بیند که بادرنگ داشت اگر زن آبستن بود دختر زاید و اگر آبستن
نبود زنی از خویشان وی دختر زاید معبر گوید اگر مردی بیند که بادرنگ داشت کنیزکی خرد
اگر زنی بیند که بادرنگ از دست وی بیفتاد مهر او از شوهر بریده شود بادنجان
ابن سیرین گوید بادنجان اگر بوقت بود و اگر بی وقت و اگر خام بود و اگر پخته غم و اندوه بود کرمانی
گوید اگر بیند که بادنجان داشت و از خود جدا کرد یا بفروخت و از غم و اندوه رسته گردد بار بردن
ابن سیرین گوید اگر بیند که بر پشت بار سنگ داشت بقدر جنس وی را منفعت رسد اگر بیند
که بار گران داشت بر پشت معصیت بسیار کند لیحملوا اوزارهم کاملة الی یوم
القیامة کرمانی گوید اگر بیند که بار بسیار داشت و دلیل است که ملک او است بقدر جنس
بار نعمت یابد اگر بیند که بار ملک او نبود خیر و شر آن بخداوند بار باز گردد باران
دانیال گوید باران در خواب برکت و رحمت بود از خدای تعالی ملکان را چون باران عام
باشد و بهمه جا رسد قوله تعالی هو الذی ینزل الغیث [illegible]
و باران بوقت در خواب پسندیده تر بود اما اگر باران چنان بیند که در کوچه بارید و جای دیگر
نبارید دلیل بود بر بیماری و رنج آن موضع و آن جا اگر بیند که باران آهسته بارید در آن موضع خیر
و منفعت رسد اگر بیند که اول سال یا اول ماه باران بارید دران وقت فراخی و نعمت بود اگر بیند
که باران تیره فتنه و غوغا دران دیار افتد اگر بیمار بیند که باران خرد می بارید از بیماری شفا
یابد اگر بیمار بیند که باران تیره و سخت می بارید هلاک شود ابن سیرین گوید اگر بیند که باران
سخت بی وقت می بارید آن موضع را از لشکر زحمت رسد اگر بیند که با آب باران
مسح کرد از ترس ایمن گردد اگر بیند که باران بر سر وی می بارید و جامه او تر گشت بقدر تری
جامه منفعت یابد اگر بیند رفت و باران بر وی می بارید دران سفر شود و منفعت یابد
اگر بیند که باران چون طوفان بر سر وی می بارید دران دیار مرگ مفاجات افتد اگر بیند

که از هر قطره باران آوازی می آمد عزت و جاه او زیادت گردد اگر بیند که باران چنان آمد که
جویها روان شد شر پادشاه از خود دفع کند اگر آن جویها چنان بود که از وی نتوانست گذشتن
شر پادشاه از وی دفع نشود اگر بیند که از هوا آب می آمد نه بکردار باران دلیل عذاب خدای تعالی
باشد و بیماری دران موضع افتد اگر بیند که انگبین می بارید نعمت دران موضع بارید قیاس کرد بر خیر
که از آسمان بارید تاویلش هم از جنس این خیر بود اگر بیند که آب باران خورد و آب صافی بود
بقدر آن رحمت یابد اگر بیند که آب تیره بود رنج و بیماری کشد جعفر صادق فرماید دیدن
باران در خواب بر دوازده وجه بود اول رحمت دوم برکت سوم خواستن حاجات چهارم بیماری پنجم
تنگی ششم کارزار هفتم خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم امان یازدهم کفر دوازدهم دروغ
بارانی ابن سیرین گوید اگر بیند که بر تن بارانی بود مشغول دنیاوی یابد اگر بیند که بارانی او
خز و دیبا بود او را فایده دین و دنیا حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند که بارانی او از پشم بود یا از
کتان از پنبه و سبز بود یا سرخ یا سیاه دلیل خیر و منفعت بود اگر زرد بود بیماری بود اگر سفید
بود مال تمام بوی رسد باره ابن سیرین گوید باره شهر و قلعه دلیل که بر پادشاه و والی بود اگر
بیند که باره شهر قوی شد دلیل کند بر قوت پادشاه اگر بیند که باره خراب شد تمام هلاک والی
پادشاه بود اگر بیند که باره را نو کردند پادشاه نو دران شهر مقیم شود اگر بعضی باره نو بیند والی مقیم
شود کرمانی گوید باره شهر انچه نزدیک دروازه بود دلیل بر پادشاه بود اگر بر باره ست خیب
دروازه بیند دلیل بر [illegible] بود و انچه دورتر از بینها بیند تاویلش عیش و امنی بود و انچه در مهتر
شهر بیند زن باشد و زیادت و نقصان که در باره بیند درین هیچ بود که یاد کرده شد باز
ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی گرفت و باز مطیع وی بود بقدر باز بزرگی یابد اگر بیند
که باز سفید بر دست او نشست ملک پادشاه قدر و بزرگی یابد اما بعضی از مال تلف شود
اگر بیند که باز از دست وی بیفتاد و بمرد از توانگری درویش گردد کرمانی گوید اگر
بیند که باز سفید یافت مالی بسیار و حرمت حاصل کند اگر بیند که باز بوی بخشید

دوار فرزندی زاید صاحب حسن اگر بیند که باز بر بام وی نشست اگر [illegible] منفعت یابد اگر بیند

که باز در خانهٔ او بار بر دوام بود تعبیرش [illegible] اگر بیند که بر بازوی باز زنگلهٔ زرین بود

یاسمین زن بود دختر زاید مغربی گوید اگر بیند که بازی یافت ولیکن [illegible] اگر او را بگرفت [illegible] بود

مشغول شود اگر [illegible] غم و اندوه یابد اگر بیند که باز از دست وی بپرید و باز نیامد دلیل کند اگر این خواب

پادشاه بیند ملک از دست بشود اگر باز [illegible] ملک برو ماند امام جعفر صادق فرماید دیدن باز [illegible]

پادشاه بر پنج وجه بود اول پادشاهی دوم [illegible] سوم [illegible] چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مال

قیمت باز از هزار درم تا ده هزار درم حاصل شود دیگر [illegible] پادشاه [illegible] لعل

پادشاه بشمرد دوم قاضی [illegible] سوم فتنه [illegible] چهارم فرزندی [illegible] باز در [illegible] بازو

ابن سیرین گوید بازو در خواب برادر بود یا فرزند یا [illegible] یا معتمد یا انبار اگر بیند که بازوی او

از پیها که گفتیم جدا شود و اگر درست و قوی بیند از پیها که گفتیم راحت بیند جعفر صادق فرماید دیدن

بازو در خواب بر شش وجه بود اول برادر دوم فرزند سوم انبار چهارم دست پنجم [illegible] ششم

همسر بازوبند [illegible] کرمانی گوید بازوبند زرین در خواب دلیل برادر [illegible] و غیره [illegible] اگر بیند

که بازوبند سیمین داشت دختر [illegible] اگر این خواب زن بیند [illegible] یابد اگر بازوبند

[illegible] بود از برادر قوت [illegible] یابد اگر بیند که انگشت [illegible] و [illegible] بود

پاسبان در [illegible] ابن سیرین گوید اگر بیند پاسبان [illegible] منفعت یابد [illegible]

اگر پاسبان [illegible] منفعت یابد اگر [illegible] این خواب بیند [illegible] و پاسبان در خواب

دیدن [illegible] ابن سیرین گوید [illegible] در خواب

[illegible] اگر بیند که [illegible]

[illegible] مغربی گوید اگر بیند که [illegible]

[illegible] در خواب

اگر بیند که باغ و راغ آن ملک وی است یا زن و نعمت کند اگر بیند که باغ خشک شد زن او را محنت و بیماری رسد
اگر بیند که باغ و راغ آن ملک وی است زن او را شوهر دیگر طلب کند اگر بیند در باغ گلها و ریحان
میگشت فرزند صالح آورد اگر بیند که نقاش نقش کند فرزندی تعلیم کند که او را علم و ادب آموزد
اگر بیند در باغ انگورهای رسیده بود یا درختان پر میوه فرزندی تعلیم کند و دانا گرداند اگر باغ
مجهول آبادان و سبز و آب روان و کوشک بلند یابد بیند که در آن باغ نماز کند آن باغ بهشت
اگر بیند که در باغ آبادان بود و از میوه میخورد زن او را حامله شود و نام یابد اگر بیند که در
در باغ مجهول شد و در درخت میوه بیند تخت و غم و اندوه بهره مند شود اگر بیند که در باغ آبادان
رفت و سبزه و گلها و آب روان بود و از آن حاصل نصیب او را کرامت یابد
درجه شهید را حاصل کند اگر بیند که در باغ بود و میوه در درخت بلند می اوفتاد نزدیک محبوب رسد
بود و غالب شود اگر بیند که در باغ بر سر درخت خفته بود آن ملک او بسیار شود که گویا باغ و خراب
مردی بزرگ است با مال و جاه اگر بیند که در وقت بهار با بوستان و باغ سبز و خرم گشته بود
میوه های رسیده گلها و ریاحین شکفته و آب روان و او در باغ نشسته دلیل که توبت او نصیب شهادت
زیرا الهام صفات بهشت است اگر در بوستان یا باغ بیند و میوه های رسیده اما نهال او را در
فروریخته چنانکه نیکی از میوه و برگ حاصل نشد او را پادشاه صحبت رفته که از خصم و خصم حاصل
اگر بیند که باغ سبز و میوه بود و آب روان بود مدد باغ را بالا کشته و خوار گشته دلیل که ملک
پادشاه و ملک دنیا بر او زایل گردد اگر بیند که از آن باغ بیرون آمد و در خیابان باغ تفرج کند پادشاه را
مرگ نصیب حاصل شود اگر بیند که باغ پر شیران بود با پادشاه آن دیار نزدیکی یابد اگر در باغ مرگ
وقت جامه بود اگر در باغ بخورد شیر نقصد و بغض پادشاه را را بهر جاه او حاصل اما جاه از
اگر در باغ بستان بیند پادشاه یا قوم و نسبت عظیم یابد اگر در باغ بزرگان بیند لشکر شاه و وفادار
اگر بیند که از باغ میوه جمع کند و در جامه کرد بقدر آن از پادشاه مال یابد اگر از باغ میوه
از پادشاه منفعت یابد و نیکی و خوبی کرده اند باغ در جای شفقت عظیم بود بقدر عظمت اگر در باغ

آراسته بیند معاشش بیشتر گردد و اگر باغ را از سبزه و میوه خالی بیند کارش بد باشد اگر از باغی
کسی میوه خورد بقدر آن از آن کس منفعت یابد اگر جای باغ دید که هرگز باغ نبود پادشاهی ورا
دیار نو آید اگر بهار یا تابستان باغی خراب بیند پادشاهی بر رعیت ستم کند اگر بیند که باغ
نو ساخت و درخت نشاند و بر آمد زنی نو اگر خواهد و از آن مال و نعمت و فرزند آن
حاصل کند اگر در باغ انگور دید بوقت خویش مال و منزلت یابد بقدر همت خود
حکایت آورده اند که مردی پیش سلیمان بن داود در رفت علیهما السلام و گفت ای
پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و میوهای بسیار در میان باغ و خوکان بسیار دیدم
که میوها میخوردند سلیمان فرمود خوک بزرگ پادشاه ظالم است و خوکان دیگر دانشمندان
حرام خوار که مطیع پادشاه ظالم اند و دین بدنیا میفروشند و از حق تعالی نترسند و
جعفر صادق گوید دیدن باغ در خواب بر هفت وجه بود اول زن خوب دوم فرزند
سیوم عیش خوش چهارم مال پنجم بلندی ششم شادی هفتم کنیزک و باغبان در
خواب زن باشد اگر بیند که باغبان گردید بخشم کند و بعضی از معبران گویند دیدن
باغ در خواب بر سه وجه بود اول کدخدای سرای دوم قیم سیوم فرزند بافتن چیزها ابن
سیرین گوید بافتن چیزی در خواب سفر بود بافنده مسافر اگر بیند که جامه بافته ببرید
از خصومت بریده شود و اگر بیند که جامه یا چیزی می بافت سفر زود آورده اند که
بافتن جامه در خواب خصومت بود اگر بیند که ریسمان را تاب میداد سفر کند کرمانی گوید
اگر بیند که چیزی بکری بپیمود هم سفر کند اگر بیند که بجای ابریشم ریسمان یا کتان بافت
خیانت کرده بود اگر بیند که جامه تمام بافت و ببرید سفر کند و کارش تمام گردد
باقلی ابن سیرین گوید باقلی در خواب خوردن پخته و خام تر و خشک وقت و بی وقت

غم و اندوه بود بقدر خوردن آن کرمانی گوید اگر بیند که کسی باقلی بوی داد و بخورد اند
وهمین شود و باشد که با کسی خصومت کنند و معبران گویند اگر بیند که باقلی کسی ولف
بالا رخانه بیرون ریخت او را زیان ندارد و بالا رفتن ابن سیرین گوید اگر بیند که بکوه
یا بر بالا یا بر کوه میرفت یا بر کوشکی یا بامنارهٔ میرفت آنچ جوید بدشواری
بیابد اگر بیند که بر نردبان بالا شد در دین و منزلت شرف یابد خاصه که نردبان
از گل بود اگر بیند که بر نردبان کج و تنگ میرفت شرف و بزرگی یابد اگر بیند که از
خشت و گل بود منزلت آخرت یابد اگر بیند که باسمان برشد و باز آمد بیمار شود
شفا یابد اگر بیند که باسمان برشد و باز نیاید بیم هلاک بود جعفر صادق گوید بر
بالا شدن در خواب بر پنج وجه بود اول حاجت روایی دوم خواستن زن سیوم مرتبت
و بزرگی چهارم بمراد رسیدن پنجم بالا گرفتن بالدن ابن سیرین گوید بالدن در خواب
زن بود اگر بیند که بالدن داشت زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بالدن بر
پشت داشت مطیع زن بود اگر بیند که از وی ضایع شد زن از وی جدا شود
معبری گوید اگر بیند که بالدن پاکیزه بود زنی خوب و پاکیزه سازگار خواهد و از و خیر و
راحت بیند اگر بالدن کهن و چرکن بیند زنی ناسازگار خواهد و از و مضرت
بیند بالش ابن سیرین گوید اگر بیند که بالش نو سبز داشت خدمتکاری مصلح یابد
اگر بیند که بالش کهن و چرکن بود و زرد یا سیاه تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که
بالش او کسی بدزدید کسی زن او بفریبد و نیز گویند دزدیدن بالش کسی از آن
خانه بمیرد اگر بیند که بالش بسیار یافت بقدر بالشها او را کنیزک و خادم جمع
شود جعفر صادق گوید دیدن بالش در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم کنیزک

[illegible]

سوم ریاست چهارم دین پنجم منفعت ششم هنرکاری بام ابن سیرین گوید اگر بیند
که بر بام خانهٔ مجهول بود زنی خواهد و اگر بیند که بر بام خانهٔ معروف بود شرف و بزرگی
یابد و کارش منتظم شود و جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بام پادشاه بود از پادشاه
بلندی و مرتبت یابد یا کنیزکی نو بخرد اگر بیند که آن بام که بر آن بود بیفتاد از
جاه و منزلت بیفتد بانگ جانوران ابن سیرین گوید بانگ داشتن جانوران از مردم در
خواب مصیبت و غم بود اگر بیند که کسی او را بانگ کرد از جای دور اگر جواب داد زود بمیرد و اگر جواب
نداد بیمار شود و اگر بیند که آواز گریستن می آمد شاد شود اگر بانگ خندیدن شنید خبر مصیبت مهم ظالم
شنود و اگر بانگ ناله شنید حاجت او روا شود و بر دشمن ظفر یابد اگر بانگ دشنام شنید کراهتی بتو رسد
و ایمن گردد کرمانی گوید اگر بیند که اسپی بانگ کرد و میراث رسد و بعضی گویند ظفر یابد اگر بیند
که خر بانگ کرد از دشمنی یا از جاهل شغب شنود ان انکر الاصوات لصوت الحمیر اگر بیند که اشتر
بانگ کرد حج رود یا بغزا آید یا بازرگانی و سود بسیار یابد اگر بیند که گوسفند بانگ کرد از بزرگی منفعت یابد
اگر بیند که بزغاله بانگ کرد دست و نعمت یابد اگر بیند که آهو بانگ کرد کنیزکی نکو حاصل
کند اگر بیند که ستور بانگ کرد هیبتی یابد از پادشاه اگر بیند که پلنگ بانگ کرد دشمن برو چیره
شود اگر بیند که خرس بانگ کرد در خصومت افتد اگر بیند که یوز بانگ کرد کسی بروی خشم گیرد
اگر بیند که گرگ بانگ کرد از دشمن او را آفتی رسد اگر بیند که سگ بانگ کرد گفت و گوی
و دشنام اگر بیند که خوک بانگ کرد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که شغال بانگ کرد غم و اندیشه شود
سبب زنان اگر بیند که روباهی بانگ کرد مکر و حیلت بیند از مردی اگر بیند که گربه بانگ کرد
از دزدی زیان بیند اگر بیند که اشترمرغ بانگ کرد خادم دلیر یابد اگر بیند که کرکس بانگ کرد
از بزرگی غمگین شود اگر بیند که اژدها بانگ کرد خبر پادشاه شنود اگر بیند که مار وث بانگ کرد
خبر مرگ یا پادشاه شنود اگر بیند که زنبور بانگ کرد خبری پوشیده شنود اگر بیند بانگ نوز کرد

۷
الحمیر

خبر سرهنگان پادشاه شنود اگر بیند که خروس بانگ کرد خبر مردی حج گزار شنود اگر بیند که کلاغ
بانگ کرد خبر زنی شنود اگر بیند که جغد بانگ کرد خبر مصیبت شنود بانگ بوم همین دلیل
باشد اگر بیند که فاخته کرد خبر دروغ شنود اگر بیند که تذرو بانگ کرد خبر زنی با جمال شنود
اگر بیند که طاووس بانگ کرد خبر پادشاه عجم شنود اگر بیند کلنگ بانگ خبر مردی درویش شنود
اگر بیند که لقلق بانگ کرد خبر دهقان شنود اگر ماکیان بانگ کرد خبر زنی مستوره شنود اگر بیند
که کلاغ بانگ کرد خبر مرد بد عهد شنود اگر بانگ زاغ شنود خبر بانگ مردم حرام خواره بود و گر
گنجشک بیند خبر خوش شنود اگر بلبل یا هزار دستان بیند خبر نوحه شنود بانگ [illegible] همین
تاویل دارد اگر بیند که مرغ آبی بانگ کرد غم و اندوه یابد اگر بیند که لکلک بانگ کرد مصیبت
کسی از اهل بیت شنود اگر بانگ بحکایت مرغ شنید مصیبت بود جعفر صادق فرماید بانگ
همه مرغان شنیدن در خور نیک بود مگر از آن مرغ که او را الفال خوانند که مصیبت باشد بانگ
مار ترسی بود از دشمن بانگ زنبور هم ترس بود بانگ وزغ رحمت حق تعالی بود که در آن
موضع فرود آید مغربی گوید اگر بیند که از هوا بانگ سهمگین شنید دلیل بر غم و اندوه بود و نقصان
باشد و چندانکه صعبتر شنود آن غم سخت تر بود حکایت گویند مردی پیش ابن سیرین آمد
و گفت بخواب دیدم که جمیع [illegible] این سخن گفت جواب داد که ترا اجل نزدیک شست اذا
وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض تکلمهم ان الناس
چون یک هفته بر آمد آن مرد از دنیا رحلت کرد ابن سیرین گوید هر که مومن مصلح که در جایگاه
معروف بانگ نماز گوید یا شنود حج بکند قوله تعالی واذن فی الناس بالحج
یاتوک رجالا واگر بانگ در جایگاه مجهول یا در مکروه یا بشنود
بود و اگر این خواب مردی فاسق بیند او را اندر دزدی بگیرند اگر بیند که بانگ نماز از مناره
یا مسجد میدهد [illegible] خواند اگر بیند که بر تخت خفته بود و بانگ نماز میگفت یا زن خویش

العنت افتد اگر بیند که بانگ نماز در میان سرای خود میکرد فرزند یا خواهرش بمیرد اگر بیند که بانگ نماز
با همسایه میکرد یا با زن همسایه خیانت کند اگر بیند که بانگ نماز بر در سرای پادشاه میکرد مردم
پادشاه ویرا بدزدی بگیرند و بعضی گویند پادشاه را سخن حق گوید اگر بیند که بانگ نماز در بازار
میگفت مفلس و درویش گردد و اگر بیند که بانگ نماز در چاه یا در سر خرابه داد اگرش زندیق بود
اگر بیند که در کوچه داد جاسوس شود گرمانه گوید اگر بیند که با زن خود بانگ نماز کرد هر دو هلاک
شوند برودی اگر بیند که در کلمها بانگ نماز زیادت و نقصان کرد بر مردم ستم و بیداد کند اگر بیند
که کودکی بانگ نماز میداد پدر و مادر او را از دروغ گفتن زیان رسد اگر بیند که در گرمابه بانگ نماز
کرد بد حال شود در دین و دنیا اگر بیند که در قافله و لشکرگاه گفت طلایه دار لشکر شود اگر بیند
که محبوسی در زندان بانگ نماز میداد و قامت میکرد از زندان رهایی یابد اگر بیند که بانگ نماز
بر سر کوچه کرد هلاک شود یا پادشاه را الحذر استعلا خواند اگر بیند که بر منارة بانگ نماز میکرد براه
و فرمان روایی یابد اگر بیند که در کنج خانه تاریک نماز کرد در کار حق تعالی خیانت کند اگر در محراب
بانگ نماز زد او به سفر رود و به سلامت باز آید اگر بیند که در میان بانگ نماز با قومی ستمکر گرفتار
شود اگر بیند که بر کرسی یا بر تختی بانگ نماز کرد عقل او زایل گردد اگر بیند که دیگری بانگ نماز
کرد و او شنید در طاعت و عبادت کاهل بود اگر بیند که بانگ قامت شنید بر کار خیر توفیق
دهد امام جعفر صادق فرماید بانگ و نماز در خواب بر دوازده وجه بود اول حج دوم
سنج سوم فرمان روایی چهارم مرگ پنجم ریاست ششم سفر هفتم بزرگی هشتم بریدن نهم
مفلسی دهم خیانت یازدهم جاسوسی دوازدهم منافقی و بد دینی یابند این سخن گوید
یابند سخن خوش بود یا بوی به تعال دهد اگر یابد لب [illegible] بیند نعمت و روزی بسیار بود حلال
بقدر آنکه دید یابد اگر بیند پیر زنی خروار ما یابد دست و بخشید اگر مال دار بود
مال خود نفقه کند یا ضایع شود یا [illegible] دانیال گوید اگر بیند که پاروی بریده شده

یا شکسته بیند از مال وی برود اگر هر دو پای چنین بیند مالش تمام برود یا خود بمیرد معبران
گویند اگر کسی هر دو پای خود بریده یا شکسته بیند بسفر شود اگر بیند که پایش آهنین یا مسین
بود عمرش دراز بود و مالش باقی اگر بیند که پایش آبگینه بود عمرش زود سپری شود
و مالش نماند اگر بیند که پایش لنگ شده بود دلیل بر زیادتی دین وی بود قوله تعالی
ولا علی الاعرج حرج اگر بیند که پایها او برشسته بود از کسی منفعت یابد
اگر بیند که بریده بود و بجای میراث اعتماد کند بر کسی که از آن وفا نیابد اگر عاملی بیند
معزول گردد و مالش تلف شود اگر بیند که پایش سیمین بود و کفش زرین دلیل که قوت
و مالش زیادت شود اگر بیند که پای درد مند بود او را زیانی رسد اگر بیند که پایهای وی بسته یا مسلسل
بسته بود غم و اندوه بود اگر بیند پای وی در دام یا در تله گرفتار بود بمکری و حیلتی شود
بقدر گرفتن آن تله اگر بیند که پای وی در گل بلغزید از کار دین و دنیا باز ماند کرمانی گوید
هر چه پا به تاویل مادر و پدر بود اگر بیند که پایها بسیار داشت بسفر رود اگر درویش بود توانگر گردد
اگر مردی بیند که پایها در حنا رنگ کرده بعضی زن خواهد اگر این خواب زن بیند زود بمیرد مغربی گوید
اگر بیند که پای او چون پای شتر بود یا چون پای گاو قوت مالش زیادت گردد اگر پای او چون پای
اسب یا چون پای خر بود بخیر و جاه او افزون شود اگر پای او چون پای دد گاو بود چیزی از حرام
حاصل کند اگر پای چون مثال مرغان بیند دلیل بر قوت و کسب معیشت او بود جعفر صادق گوید
دیدن پا در خواب بر هفت وجه بود اول عیش دوم عمر سوم سفر چهارم طلب مال
پنجم قوت ششم سفر کردن هفتم زن و پا گرفتن در خواب غم و مصیبت بود پا اورنجن
ابن سیرین گوید اگر مردی بیند که پا اورنجن در پای داشت رنجی بوی رسد کرمانی گوید پا اورنجن
در خواب زنان آسودگی بود و پیرایه از زر و نقره حلال بود و مردان را حرام اگر بیند که پا اورنجن از پای
بیرون کرد یا از وی ضایع شد سختی و رنج از وی جدا شد ابن سیرین گوید اگر بیند

که پای

که بر پای وی بند نهاده بود ترسی بوی رسد اگر بیند که هر دو پای او در بند بود از پادشاه
هراسان شود معبران گویند زنی خواهد و در آن موضع مقیم شود اگر بیند که بر پای بند داشت
و در مسجد بود دلیل بر ثبات دین وی بود کرمانی گوید هر که در خواب بر پای خود
بند بیند در مدت زری عزم سفر کند و در سفر دیر ماند و نیز گویند آنجا مقیم شود اگر بیند که
بر پای اسپ وی بند بود همین دلیل بود اگر در شهر خود در کوچه خفا در بند بیند از آن
کوچه زن خواهد و هر چند بند سخت تر اقامتش بیشتر اگر بندش از زر بود از بهر مال مقیم شود
و اگر بندش از مس بود از بهر متاع دنیا مقیم شود اگر بند از آهن بیند از بهر ملک مقیم شود
اگر از ریسمان بود از بهر دین مقیم شود مقیم مغربی گوید اگر بیمار بیند که بر پای وی بند بود بعضی از آن
رنج رستگاری نیابد اگر پادشاه بیند که بر پای وی بند بود پادشاهی بر وی پایدار ماند جعفر صادق
گوید دیدن بند در خواب بر پای بر سه وجه بود اول استادگی در دین دوم رنج و خشم
سیوم از سفر باز آمدن علی الجمله هر که در خواب بیند که در پای وی بند بست اگر در فراخی بود
و اگر در تنگی چنان ماند پای تابه ابن سیرین گوید پای تابه در خواب چیز نهاده بود مال
باشد و چیز بر پای زیب بیند بروزی از دنیا رود اگر بیند که پای تابه بفروخت یا
بکسی داد مال وی ضایع شود جعفر صادق گوید دیدن پای تابه در خواب بر سه وجه
بود اول مال و خورسته دوم سفر سیوم مرگ و کسی را که پای تابه بر پای بحید بود و تنها
در بیابان رود دلیل مرگ بود پاچه کرمانی گوید اگر بیند که پاچه گوسفند
خورد بقدر آن نعمت یابد اگر بیند که پاچه گاو خورد در آن سال او را فراخی و نعمت بود
مغربی گوید خوردن پاچه در خواب دلیل بر خوردن مال یتیمان بود حاقه چیز بیند که حاکم
محوز و پایندانی کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را پایندانی کرد بکار انکس مقیم
و پایدار بود جعفر صادق گوید پایندان در خواب بر سه وجه بود اول مقیم شدن بکار انکس

که پادشاه او را گرامی دارد دوم عنایت کردن با وی سیوم خیر و منفعت بدو رسیدن اگر بیند که
از پای ببر بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود ببر جانوریست درنده و
دشمن مشهور بود دیدن وی در خواب دشمن قوی و دلیر باشد اما کریم و جهان بود ابن
سیرین گوید اگر بیند که با وی جنگ کرد و او را قهر کرد بر دشمن چیره گردد اگر بیند که ببر
وی را قهر کرد دشمن بر وی ظفر یابد اگر بیند که ببر از وی بگریخت از دشمن ایمن گردد کرمانی
گوید پوست و استخوان و موی ببر در خواب مال و منفعت بود که از دشمن رسد اگر ببر
نشسته بیند دشمن مطیع او شود بت ابن سیرین گوید اگر بیند که بت می پرستید براه
باطل رود اگر آن بت از چوب بود منافق بود اگر از سیم بود فساد کند اگر از زر بود
از کار مکروه جمع کند مال اگر آن بت از آهن یا از مس یا از ارزیز بود غرض او از دین صلاح
دنیا بود کرمانی گوید اگر بت از جواهر بود همین دلیل کند اگر بیند که در بتخانه بود در تعلق
دولتش خلق فرومانده بود جعفر صادق گوید بت در خواب بر سه وجه بود اول مرد باطل دوم
مرد منافق سیوم زن مفسد فریبنده بخشش کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که مال خلق بکار خیر بخشش میکرد
فرزند زنی خواهد و مال خلق بر خویشان قسمت کند اگر بیند که مال خلق بفساد بخشش کرد به بیگانگان
بخشش کند کرمانی گوید اگر بیند که مال یا کسی بخشش میکرد در رضای خداوند خیر و شر آن بخداوند مال باز گردد
بخور کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که از بوهای خوش بخور میکرد بقدر آن مال یابد مغربی گوید بخوری
که بوی او خوشتر بود منفعت آن بیشتر بود اگر بخور ناخوش بوی می نمود تاویلش بخلاف این باشد
جعفر صادق گوید تاویل بخور در خواب بر سه وجه بود اول مال بسیار دوم عزت خوش سیوم نام نیکو
بریدن ابن سیرین گوید اگر بیند که او را بر هالی جیب [illegible] بقدر هر چیزی و جهیزی یابد و بعضی معبران
گویند بریدن در خواب ثروت و جاه بود کرمانی گوید اگر بیند که [illegible] می برید سفر [illegible] بکارش
نیکو [illegible] اگر بیند که بربط زد دشمن دروغ [illegible] گوید و [illegible] کند اگر بیند که کسی

بربط

هیچ کس او را باز بیند مدعا طالب شنفد اگر بیند چنانکه در راه افتد و بالی نقصان بماند رسیدن وامانده بود از بیند

در راه بینند یا نیک بیند از فروغ و باطالع نموده تعبیر لکن بیمار بیند که راه رز دولت زر و سیم نیک

زمانی گوید اگر بیند که راه آسمان دو دار زد و در بهر ای بدبخت اگر بیند عالم باشد گم

از جا بلند باشد کاری شنیده حلیمی و راه ملک منسوب است او از راهی که سخن او را گوید تا بر بینی که او افتد برخیزد

این تعبیر کو بیگانه بیند از جایی برجست از جای کاهی که فضل اگر بیند دو جست نیکو است اگر بیند

جستن بسوی و ری در آمدن او را شمار معنی نیکی بیند زمانی گوید اگر بیند از جای با جای بجست ایکسی

بیند که بهر جا حرکت سیحت قوتی توانایی و بی او را از کار گوید که جستن او را نقصان آید گربه

بلند بیاید که جست در صلاح آن از کار کسی بیند از ملک و آنکه برخیزد و این تعبیر بود و گر

سخن ضمن این گفت بحواب دیدم که او را هر دو دست بریده و او را پیش بیند بردار کردیم

امروز مشهور شوی کفر دلبری کند مت ند و جانب بعمر کرمانی گوید اگر بیند او را بر دار کنند ملک یابد

قوم را او دو دیده مهر بعضی اگر ممتاز نیفتد و زرگری و بکشد قاضی باشد که اگر بیند که کسی

بردار کرده بود و منحرف بود ما حرام حاجت است و اگر او شوق بردار کردن دو خون بر تن روح بود او را

مهتری حکم ما است از سوم زر کور رحمت اراد بعضی بر در این تعبیر گوید بهری حاصل در

ابو اگر بیند که بردار بیند شفقت بر تن بشود و نعمت یعنی بعد از آن که اگر بیند که بر کشند

د بعضی زرشت تا بعنی محلد است این تعبیر گوید که بر دو دست خواب گوید تعبیر این بخار

کند اگر دار دار داستم نیز بردار دو دستش هم کار نیستی هم فریاد بر ده این تعبیر گوید که بیند بر ده

دار و تحت گویی بر کسی و شتم بعد و او را بعضی کار بر ده برد و بر سری بر رگ بیند یا بر در مسجد یا بازار

ضم وانده غلطم گوید زمانی گوید اگر بیند بر ده ضایع شد از غم و اندوه رهد و مشقت گوید برده بزرگ یا بر دست

درست بسیار و برده کلی تهمت حالت ندیدی برده داری این تعبیر گوید اگر بیند که برده داری مسکن داجی

که فلان ... و دو عقد و جاه زیادت شود. معبری گوید اگر بیند که ... پاره ... عاقل و [illegible]

دنیا ... مطلع گردد و مال حلال یابد. اگر بیند که ... طعام ... نفقه ... دنیا گنج ... [illegible]

... گوید ... اگر بیند که ... داشت دنیا گیرد ... اندر ... خیر ... در مقام ... قرار گیرد. اگر بیند

... شکست ... اندوه ... جمله ... گوید دیدن ... در خواب ... [illegible]

... و جدا ... اگر بیند که ... در دست ... و ... معبری گوید اگر بیند که ...

... رفت اندر ... کرمانی گوید برف در خواب غم و رنج بود ...

اندر ... بیند یا جائی که برف بارد همه ... آن موضع از غم ... معبری گوید دیدن

در خواب ... برف ... بیند ... برف ... در خواب ...

... روزی ... چهارم ... سیوم ... چهارم ... پنجم ... ششم بیماری اگر بیند

که ... جمع ... حاجت ... و اگر ... بیند ... [illegible] ... گوید

برف در خواب ... خورد ... اگر بیند که برف ...

... وقت ... در خواب ... [illegible]

برق

... اگر بیند که برق ... کار ... طلب کند ... اگر بیند که ... برق ...

... نعمت ... دیدن برق در خواب ... [illegible]

... سیوم ... چهارم ... پنجم ... برگستوان

... گوید برگستوان در خواب ... در کار ... اگر بیند که ... کاری ... محکم

... و ... معبری گوید اگر بیند که ... برگستوان ... [illegible]

کاری ... گوید ... اگر بیند که برگستوان ... [illegible]

برنج ... معبری گوید برنج در خواب ... دیدن ... گوید اگر ... برنج ...

... یابد اگر بیند که برنج ... منفعت ... [illegible]

اگر ... [illegible]

اگر بروح ... [illegible] غم و اندوه بود خوشحالی کند و دیدن ... در خواب ... [illegible]

... [illegible] خیر و منفعت ... [illegible] بود در خواب ... [illegible]

اگر بیند ... [illegible] و اندوه ... بیند ... [illegible]

... [illegible] بیند که فرزند ... [illegible] تاویلش ... [illegible]

... [illegible] در خواب اگر ... فرزند ... و اگر بیند که فرزند ... [illegible]

... [illegible] و اگر بیند ... فرزند ... [illegible]

... [illegible] در خواب ... [illegible] اگر بیند ... [illegible]

غم و اندوه ... خوشحالی ... در خواب ... فرزند ... [illegible]

منفعت ... [illegible] و اندوه ... در خواب ... [illegible]

اگر بیند ... [illegible] اگر بیند ... [illegible]

... [illegible] تاویلش ... [illegible] در خواب ... [illegible]

غم و اندوه باشد اگر بیند ... [illegible]

در خواب ... [illegible] اگر ... [illegible]

اما خوشحالی ... در خواب ... [illegible]

در خواب ... [illegible] اگر بیند ... [illegible]

... [illegible] اگر بیند ... [illegible]

... [illegible] در خواب ... [illegible]

... [illegible] در خواب ... منفعت ... اگر بیند ... [illegible]

... [illegible] اگر بیند ... [illegible]

... [illegible] اگر بیند ... [illegible]

اگر بیند ... [illegible] اگر بیند ... [illegible]

... [illegible] در خواب ... [illegible]

ودیدن ثور و سنبله و جدی سفر دور و دیدن و میزان و دلو و دیدن و قاضیان صاحب تدبیر

و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدن کشف اسرار ... گوید اگر حمل را بیند با کوکب

او را کار رفته و ... روا گردد اگر ثور بیند با حاجی کار رفته و حاجتش روا شود

و دیگر اگر جوزا بیند با ... کار رفته و حاجتش روا گردد اگر سرطان بیند

او را با ... کار رفته ... اگر سنبله بیند ... داند

اگر میزان بیند با ... کار رفته اگر عقرب بیند با ... کار در رفته ... ماند

اگر قوس بیند با ... کار رفته و حاجت او روا گردد و اگر جدی بیند ... باید اگر دلو

بیند با ... کار رفته اگر حوت بیند با ... کار رفته ...

پیرزنی در خواب معبران را خلاف هست بعضی گویند دشمنی غیر بود بعضی گویند دشمن بود بعضی بخت

گویند و کام روایی ابوهریره روایت کرد از رسول صلی الله علیه و آله وسلم که دیدن پیری در خواب دولت

و بزرگی و درست او بهاء دین و بیخ گفت قوت و خرمی بود ابن سیرین گوید پیر را خوش حال دیدن دلیل

عز و دولت بود اگر پیر را زشت و غمگین بیند غم و اندوه بود اگر بیند که با پیری جنگ کرد کارش

آشفته شود کرمانی گوید پیران بعضی کافر بود و بعضی مسلمان اینچ مسلمانند در خواب دیدن ایشان

دولت بود و هرچه کافرند محنت بود دانیال گوید اگر کسی خود را در میان پیران بیند سفر او را بود

و آن سفر مبارک بود اگر بیند که پیری وی را از گردن گرفت عز و جاه یابد اگر بیند که پیر او را

از گردن برانداخت از جاه و بزرگی بیفتد اگر بیند که پیر با وی به لطف گفت کارش نیکو گردد

اگر پیر را با جامه نیکو بیند حالش خوش اگر با جامه بد بیند حالش تباه شود مغربی گوید اگر پیر مرده یا عجوز

بیند حالش تباه شود مغربی گوید اگر پیر فاسق را بیند او را ... مقرب پادشاه گردد اگر

بیند که پیری جای حقه نویی نمود و خود را از روی عرض ... دیگاه ... شد زنی با وی مکر

و حیلت کند امام جعفر صادق فرماید دیدن پیر در خواب بر پنج وجه بود اول دولت

دوم

دوم بخت و دولت سیوم کامرانی در ان شغل که باشد چهارم مرادها و حشمت پنجم خبر دروغ
و کارهای باطل بروا کردن دانیال گوید اگر بیند که چون مرغ از جای بجایی می پرید بسفر رود
بقدر از زمین جدا شود و بشرف و بزرگی یابد اگر بیند که راست با آسمان میرفت او ا
مضرت رسد اگر بیند که چون به آسمان رسید در آسمان ناپدید شد و از انجا بزیر نیامد رود
از دنیا برود ابن سیرین گوید اگر بیند که از جای فتد بپرید و باز جای خود آمد از سفر زود
با منفعت باز آید اگر بیند که بی پر می پرید از حال خود بگردد اگر بیند که پرهای بسیار داشت
چون مرغ عز و جاه و دولت یابد اگر بیند که از بام خود بر بام دیگر پرید زن را طلاق دهد و زن
خواهد یا کنیزک خرد کرمانی گوید اگر بیند که با آسمان رسید حج کند اگر بیند که از سرای خود بسرای دیگر محول
شد اجلش نزدیک بود باید که از گناه توبه کند اگر بیند که برداشت بخلاف مرغان بیمار شود
اگر بیند که از جای بجایی میجست سفر نزدیک کند جعفر صادق گوید پریدن در خواب بر پنج وجه
بود اول حج دوم سفر سیوم رایل و شرف چهارم تغیر احوال پنجم بیماری و مرگ بریان
ابن سیرین گوید بریان در خواب سخن بود بطلب روزی و گوشت پخته تناول بهتر از گوشت
بریان باشد کرمانی گوید اگر بیند که بریان از گوشت گوسفند خورد بقدر آن مال برنج بدست آرد
اگر بریان از گوشت گاو خورد از ترس و بیم ایمن گردد اگر بیند که بره یا بزغاله خورد مال
اندک حاصل کند و بعضی از معبران گفته اند خوردن بره پخته بر آمدن پسر بود مغربی گوید اگر
بیند که سر بریان خورد از مهتری و بر اخر و منفعت رسد اگر بیند که مرغ بریان خورد مال
از زنی بمکر و حیلت بدست آید اگر بیند که ماهی شور بریان کرده خورد بسفر رود بطلب علم
ماهی بریان تازه بهتر از ماهی قدید و ماهی بزرگ بهتر از ماهی کوچک و دیدن بریان فروش
در خواب مردی بود که بسبب وی دیگری روزی یابد برازی مردی خطرناک بود
اگر عوض جامه درم و دینار بود دو مک و بدش تاویل بر نوع آن چیز بود که ستده باشد
کرمانی گوید اگر بیند که برازی کرد بهار کالا درم و دینار تمر ستد شرف و بزرگی یابد

اگر می‌ستد ربانی یابد و اگر کالای دیگر عوض کالای می‌ستد مرادش حاصل شود و معبر گوید دیدن
بز ماده در خواب زینت دنیا باشد   بز نر   ابن سیرین گوید اگر بیند که بز مجهول کشت
مردی بزرگ ظفر یابد اگر بیند که پوست بز باز کند مالش بستانند و اگر بیند که بر بز نر
نشست و از هر جانب میراند یا بر زنی حیلت کند اگر بیند که بز او را بیفکند از خود
بگریخت آن مرد از جاه و حرمت بیفتد اگر بیند که شاخ بز بشکست از عمل معزول بود
اگر بیند که شاخهای بز دراز و قوی بود در عمل حیف مهتر گردد و اگر بیند که پشم بز زیاد
شد فرزند او را مال بستاند اگر بیند که ماده بزی داشت زنی خواهد کرمانی گوید اگر بیند
که ماده بزی خرید کنیزکی خرد اگر بیند که بزی دوشید و شیر او خورد از زنی مال یابد اگر بیند که
ماده بز را بکشت و از آن گوشت وی بخورد حاجت او از آن زن روا شود و اگر بیند که
ماده بز از خانه وی بیرون شد زن را طلاق دهد اگر بیند که رمه بز از آن در خانه داشت بقدر آن
مال و غنیمت یابد اگر بیند که رمه بز و گوسفند در صحرا می‌چرانید و هر جا خواست می‌برد
ولایت از عرب و عجم بوی رسد معبران گویند گوسفند ماده دلالت بر ولایت عجم کند
و هر بز سیاه نر بود دلالت و ولایت عرب کند معبری گوید اگر بیند که از گوشت ماده
بز میخورد و بیمار شود و شفا یابد و پوست و پشم و شیر بز در خواب خیر و برکت و مال بود
که بدو رسد اگر بیند که بزغاله داشت فرزندش بمیرد اگر بیند که از گوشت بزغاله خورد
مال فرزند خورد جعفر صادق فرماید بز نر در خواب مقدم لشکر بود و اگر بیند بز نر یافت و بر وی
نشست اگر مرد بیند مقدم لشکر شود و اگر عامه بود با مردی مقدم لشکر بود و صحبت دارد
و در خبر است از امیر المومنین علی کرم الله وجهه که گفت از پیغامبر صلی الله علیه و آله و سلم
شنیدم که فرمود هر که در خواب بز را الحرز و بخانه برد چهل سال فقر و تنگی از وی دور بود
و دیدن بز فروش در خواب مردی بود که زنان او مردان را با هم جمع کند بر سر خطو نا

ابن الکرمی گوید

ابن سیرین گوید دیدن زر قطیفه در خواب غم و اندوه بود و خوردن وی نقصان مال بود بقدر خوردن
آن بساط اگر بساط گسترده و بروی نشسته ملک دنیا بروی فراخ گردد اگر بیند که
پادشاهی بساط افگند ملک نو یابد و عمرش دراز بود مغربی گوید اگر بیند که بساط
نو و پاکیزه داشت نعمت و مال وی بسیار شود خاصه گسترده باشد اگر بیند بساط از وی
ضایع شد مالش نقصان شود اگر بیند که بساط وی بسوخت کارش بد شود امام جعفر صادق
فرماید دیدن بساط در خواب خیر بود و بزرگ بود و بر شش وجه بود اول عمر و جاه دوم بزرگی
سیوم مرتبت چهارم مال پنجم عمر دراز ششم ثنا بقدر بزرگی بساط بستر ابن سیرین
گوید بستر در خواب زن بود و زیادت نقصان آن بزن باز گردد اگر بیند که بستر خرید یا
بدل کرد زنی خواهد و زن بخشش تا طلاق دهد اگر بیند که بستر وی از حال متغیر شد زن
وی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی خفته را بر بستر مجهول بیند او را زیانی رسد معبر گوید بستر در خواب
ولایت و تن آسایی بود اگر خود را در بستر نرم بیند دلیل که سال وی مبارک بود اگر بیند
که بستر وی از ابریشم افگنده بود زنی توانگر خواهد اگر بیند که بسترش دریده اجلش نزدیک شد
و عیالش را شرم نباشد اگر بستر پشمین بیند زنی خواهد که دین او بصفا بود اگر بیند که بستر
ابریشمین با بستر کرباسی بدل کرد فاسقه را دست بدارد و زنی مستوره خواهد اگر بیند که موش
بستر او را سوراخ کرد میان زن او و مرد بیگانه معامله شود ناسزا اگر بیند که بستر او در هوا معلق
افگنده بود دولت یابد اگر بیند که بستر وی از هوا بزمین افتاد زنش بیمار شود اسماعیل
گوید اگر بستر خفته را سبز بیند زنی خواهد دین دار اگر بستر خفته را سرخ بیند زن او بلهو مشغول شود
اگر بستر سفید بیند زنش بد خو بود اگر بسترش کهن بود و نو شد از فعل بد بفعل نیک باز گردد
و اگر بستر نو در زیر گسترده بود و بالشها نهاده زنی خواهد با کنیزکان و خادمان جعفر صادق
گوید دیدن بستر در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سیوم ولایت چهارم منفعت تن آسانی

بست ابن سیرین گوید اگر بیند که بست بخت داشت بقدر آن غم و اندوه خورد اگر بیند که بست نیک داشت
غم بدانکس رساند معبر گوید که بست از خانه برون بدبخت و بخورد از غم رسته گردد پستان افزود
ابن سیرین گوید پستان افزون شادی بود و نقصان دین اگر بیند که پستان افزون داشت خرم دارد
اگر بیند که یکی داد او را خرم گرداند کرمانی گوید پستان افزون در خواب خیر بود وقت بیند بهتر باید
و گوید زنی توانگر خواهد اگر بیند که پستان افزون در جای خود مکرد وی را با برزنی دوستی افتد اگر
بیند که از زمین برکند از صحبت بهتری جدا شود پستان ابن سیرین گوید پستان در خواب دختر بود
و زیادت و نقصان آن دلیل بر دختران بود اگر بیند که از پستانش شیر روان شد بر دختر ش
روزی فراخ شود اگر بیند که بجای شیر از پستانش خون روان شد مال حرام یابد و روزی بروی تنگ شود
و اگر زنی بیند که پستانش بی اندازه فرو آویخته بود وی را دختری آید و اگر مردی بیند که از پستان وی
شیر جهد اگر زن ندارد بخواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد توانگر شود اگر این خواب بخور بیند
دلیل بر درویشی وی بود اگر زنی جوان بیند عمرش دراز بود اگر دختری بیند شوهر کند اگر دختر
خورد بیند بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که پستان زنی می مکید بیمار شود و اگر آبستن بود پسری آورد
اگر زنی بیند که از پستان مردی شیر میخورد کار دنیا بر وی بسته شود معبر گوید پستان مرد در خواب
زن وی است و پستان زن دختر وی اگر زنی بیند که پستان وی بریده شد دخترش بمیرد اگر
زنی بیند که از زیر پستانش پستانی دیگر برآمده بود دختری آید اگر بیند که از پستان وی شیر میچکد
میراث دختران یابد اگر بیند که از پستان وی شیر نشد و وی فرود نشد او را از زنانی رسد اگر بیند که
پستانش با آتش سوخت دخترش را آتش رسد از پادشاه اگر بیند که همه تنش پستانها بود فرزندش
بسیار شود و اگر فرزند ندارد مالش زیادت شود اگر زنی بیند که وی را به پستان آویخته بودند او را
از حرام پسری آید جعفر صادق فرماید پستان در خواب بر پنج وجه بود اول فرزند دوم دختران سوم
خادم و مال چهارم دوستان پنجم برادران پستان بند ابن سیرین گوید پستان بند در خواب زنان را

[illegible]

عمر و دولت بود و مرد این را زحمت مار نباید و اندیشه اگر زنی بیند که پستانش نو داشت بکام
دل برسد و اگر مرد بیند زحمت مار نباید بود کرمانی گوید اگر زنی بیند که پستان مرد داشت مال
و حشمت یابد اگر مرد بیند با برادر کشد پشت ابن سیرین گوید پشت در خواب مردی باشد
که از وی قوت و پناه طلبند اگر بیند که پشت وی بشکست اکنون که پناه وی بود از دنیا برود
اگر بیند که زخمی بر پشت وی آمد رنجی واقع بدو رسد که استظهار او بدین کرمانی گوید
قوت مهتر پشت قوت فرزند بود و هر صلاح و فساد که در مهتر پشت بود دلیل بر فرزند
صاحب خواب بود اگر بیند که پشت وی درست بود با قوت او را فرزندی آید با قوی
و عاقل و دانا اگر بیند که چیزی بر پشت گرفت بقدر گرانی اندوه یابد اگر بیند که مرده بر
پشت گرفت مونث کن مرده بروی بیش معبری گوید پشت دشمن بخوارزند ایمن
باشد از شر دشمن اسمعیل بن اشعث گوید پشت در خواب دیدن برادر بود اگر بیند که
پشت وی بشکست برادرش بمیرد اگر بیند که پشت وی درد میکرد وی را از برادر یا از
مهتر رنج رسد اگر بیند که پشت وی داغ کردند صلاح دنیا و دین وی بود اگر بیند که
بد بوی بار زاد به سفر رود و مال حاصل کند جعفر صادق گوید پشت در خواب دوازده
وجه بود اول قوت دوم برادر سیوم یار چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم حجت هفتم پدر
هشتم برادر نهم پسر دهم مال یازدهم یاری دادن دوازدهم پدر پدر و معبران گویند دیدن
پشت کافران ایمان بود و فاسقان را توبه و جادوان از اسلام و منافقان را اخلاص پشته
ابن سیرین گوید اگر بیند که در زمین با موی پشته بود یا کوهی با مردی که صحبت کند
و نیکی یابد و اگر بیند که بر پشته بالا شد از بزرگی مال حاصل کند اگر بیند که پشته ملک
او بود بقدر آن بزرگی یابد اگر بیند که از آن پشته بزیر افتاد بسبب بزرگی محنت بود
اگر بیند که بر آن پشته بدشواری می‌شد غم و اندوه یابد جعفر صادق گوید دیدن پشته در خواب

بر چهار وجه بود اول بلندی دوم مال سیوم قوت چهارم نومیدی ابریشم ابن سیرین گوید ابریشم
در خواب بهمه وجهی مال حلال بود و ابریشم که تافته نبود بهتر باشد اگر بیند که ابریشم
داشت یا بخرید یا در موضع خود برد بقدر آن مال حلال حاصل کند قوله تعالی ومن اصوافها
واوبارها واشعارها اثاثا ومتاعا الی حین کرمانی گوید اگر بیند که ابریشم
از خود دور انداخت مال خود تلف کند اگر بیند که ابریشم بسوخت مال خود تباه کند اگر
بیند که بر تن وی جامه ابریشمین بود او را از زنان مال حاصل شود و اگر بیند که جامه از ابریشم
یا پینه خرید یا بستری از ابریشم داشت زنی توانگر خواهد مغربی گوید ابریشم از شتر مال بود
از قبل پادشاه و معبران گویند میراث باشد بشه ابن سیرین گوید بشه در خواب
مردی ضعیف و خوار بود اگر بیند که با بشه جنگ کرد با مردی ضعیف خصومت کند اگر بیند
که بشه بگلوی وی فرو شد با مردی حقیر بکاری مشغول شود و اندک فایده بدو رسد اگر بیند
که بشه بسیار بر سرش جمع شد و او را می گزید در زبان عام افتد و مضرت یابد و زیان مال اگر بیند
که بشه در گوشش یا در بینی وی رفت و ازو گزند یافت از مردی ضعیف رنج یابد اگر بیند که بشه
در بینی وی رفت و بیرون نیامد در بلای افتد بط ابن سیرین گوید بط در خواب مال
و نعمت بود بقدر آنکه دیده باشد حاصل در خانه خود بیند اگر بیند که بطان بانگ می کردند
در آن موضع مصیبت افتد اگر بیند که بط با وی سخن گفت سفر کند و نعمت یابد کرمانی گوید بط در
خواب مردی بزرگ باشد با مال و حشم اگر بیند که از آن بط چیزی یافت بقدر آن از مردم آن جنس
یابد جعفر صادق گوید بط سفید در خواب مال بود یا زن توانگر و بط سیاه کنیزک باشد اگر بیند
که بط بکشت و از گوشت وی بخورد از مال زن میراث یابد بغل ابن سیرین گوید بغل مرد
در خواب ملامت و زشتی بود که بدو باز گردد و بوی بغل یافتن مراد بود مغربی گوید اگر بیند
از بغل وی بوی ناخوش می آمد مال یابد کرمانی گوید اگر بیند که دستها در زیر بغل داشت بمراد
رسد و چیره دشمن بود قوله تعالی واضمم یدک الی جناحک و نیز دلیل دست باز داشتن

از مراد و مروت کند اگر بیند که در لعل او نقصان هست با مراد شود اگر بیند که از لعل
او نور خویش می آید مال حلال یابد اگر بیند که از لعل وی عرق روان شد بقدر عرق
نقصان مال بود لقبا کردن ابن سیرین گوید لقبا در خواب چیزی حاصل کردن
بود جهت معیشت اگر بیند که لقبا کرد بکسب دنیا مشغول شود بقدر متاع لقبا
کرمانی گوید اگر بیند که متاع لقبا بدرم و زر می فروخت غم و اندوه یابد جعفر صادق گوید لقبا
در خواب بر سه وجه بود اول کسب کردن دوم منفعت سیم غم و اندوه چون متاع
بسیم و زر فروخته شد بلدقیس ابن سیرین گوید اگر بیند بلدنکتن در دست داشت
او را قوتی نباشد اگر بیند که بلدنکتن ضایع شد قوت یابد بلدسی کرمانی گوید بلدسی
در خواب درویش مصلح پارسا باشد اگر بیند که بلدسی پوشیده بود با جنسی مرد او را
صحبت افتد و از و خیر بیند اگر بلدسی بسیار داشت بقدر آن مال و نعمت حاصل کند
و بعضی از معبران گویند مال حلال بود اگر بیند که بلدسی نو یافت زنی توانگر خواهد و
از و منفعت یابد اگر مرد بیند که بلدسی نو خرید کنیزک پارسا و مستوره خرد بلبل کرمانی
گوید بلبل در خواب فرزند کوچک بود و غلام او از دستخوش بود اگر بیند که
بلبل از دست وی بپرید فرزند یا غلام او ضایع شود اگر بیند که بلبل از دست وی
بپرید فرزند یا غلام او ضایع شود اگر بیند که بلبل او بمرد فرزند یا غلام او بمیرد مغربی
گوید اگر بیند که بلبل بسیار داشت غلامان خرد و بخرد اگر بیند که بلبل را انگشت
و بخورد مال غلام میراث یابد بلبله کرمانی گوید بلبله کنیزک باشد ابن سیرین گوید زن
بود اگر بیند که بلبله داشت کنیزک خرد یا زن خواهد اگر بیند که از بلبله آب
خورد با زن مجامعت کند اگر بیند که بلبله بشکست آن بمیرد حکایت آورده اند
گویند مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که از بلبله آب خوردم و آن بلبله
را دو سر بود یکی آب شیرین و دیگر آب تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زن در

کار مفوع توبه کند واز خدا بترسد توبت کرد واز آن بازگشت بلغم ابن سیرین گوید بلغم
در خواب مردی بود که بوجه حلال نفقه کند اگر بیند که بلغم بجای خرکش انداخت باید بدانکه
بخلاف این باشد اگر بیند بلغم سفیدی پاک انداخت مال جمع کند بصلاح نفقه کند جابر مغربی
گوید اگر بیمار بیند که بلغم می انداخت از بیماری شفا یابد اگر بلغم سیاه افکند اندوه وغم یابد اگر
بلغم خون آلود بود مالش نقصان شود اگر بیند که بلغم اندرون خانه انداخت مال بفرزندان نفقه
کند اگر بیند که بلغم بمسجد افکند مال را نه بجای خود نفقه کند برگ درختان ابن سیرین گوید
برگ درخت در خواب خوش دیده بود اگر بیند که برگ سبز از درخت بوقت خویش
بگرفت صاحب خواب خوش خوش بود دگر بار گوید اگر بیند که از درخت برگ تازه باز کرد
بقدر آن درم حاصل کند مغربی گوید برگ درخت و میوه شیرین دلیل بر خلق خوش بود
و برگ درخت و خار خوی بد بود و برگ درخت که بار نیارند درم و دینار بود و بعضی از معبران
گویند که برگ درخت میوه دار درم و دینار بود بلنگ ابن سیرین گوید بلنگ در خواب
دشمن قوی و دانا بود اگر بیند که با بلنگ جنگ کرد اگر بلنگ را مقهور کرد بر دشمن غالب
شود و اگر بلنگ او را زبون کرد دشمن بر وی ظفر یابد اگر بیند که گوشت بلنگ خورد در جنگی
افتد و ظفر و شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر بلنگ نشست دشمن را زبون
کند اگر بیند که با بلنگ جنگ کرد و هیچ کدام مظفر نشدند از پادشاه ترسی عظیم یابد
اگر بیند که شیر بلنگ میخورد از دشمن ترس یابد و عاقبت ایمن شود اگر بیند که پوست
بلنگ با استخوانش داشت بقدر آن از مال دشمن فایده یابد اگر بیند که بلنگ ملتفت
از اهل اسلام روی بگرداند و در وی خیر نباشد جعفر صادق گوید دیدن بلنگ در خواب
بر سه وجه بود اول دشمن قوی دوم مال یا فتنه سیوم ترس از پادشاه بلور در خواب
زنی بی اصل بود اگر بیند که بلور داشت زنی بی اصل خواهد اگر بیند که بلور ازو ضایع
شد زن را طلاق دهد اگر بیند که بلور بسیار داشت بقدر آن مال از زنان حاصل
کند مغربی گوید اگر بیند که بلور می فروخت دلالگی زنان بی اصل کند بلوط ابن سیرین گوید
بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر خوردن آن اگر بیند که در خانه و انبار بلوط بود

مال بسیار حاصل کند اگر بیند بلوط در خانه و یا در اوان میبیند بعض او امانتها نهد جعفر صادق گوید دیدن
بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیوم معیشت بلیته کرمانی گوید
بلیته افروخته در خواب کار فرمایی بود که مردم گرد وی گردند بلیته که افروخته نباشد تاویلش
بخلاف این بود بناگوش در خواب پسر خوب روی بود و هر دو بناگوش دو پسر کرمانی
گوید دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسر خوب روی دوم قدر و جاه سیوم دین
چهارم منفعت بسبب فرزند پنبه ابن سیرین گوید پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده
و پنبه دانه مال بود که آسان بدست آید جعفر صادق گوید دیدن پنبه در خواب بر سه وجه
بود اول مال حلال دوم منفعت سیوم ستر پنبه دانه ابن سیرین گوید اگر صاحب خواب
مستور بود دلیل خصومت کند و اگر صالح بود خیر و منفعت یابد تا تمامی(?) بنجشک دانیال گوید
بنجشک در خواب مردی با قدر و جاه بود اگر بیند که او را بحیلت بگرفت دلیل که با مردی
بزرگ مکر سازد و او را قهر کند اگر بنجشک با ده بیند بر زنی با قدر ظفر یابد اگر از گوشت وی
خورد از مال بزرگی چیزی بوی رسد اگر بیند بنجشک را از آشیانه بیرون آورد از خانه
ایشان چیزی بیرون آورد و از آن رنج و ملامت یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که
بچگان بنجشک شکار کرد معلمی کودکان کند اگر بیند که بنجشک صید کرد زنی خوب خواهد یا
کنیزکی با جمال خرد اگر بیند که بنجشکی را زود داشت زنی بیمار گونه خواهد و معبران گویند بنجشک
بخواب فرزند بود یا غلام اگر بیند که بنجشکی یافت با مردی هوادار بد فعل دوستی کند
و گویند بنجشک یافتن اگر درویش بود شش درم یابد اگر توانگر بود هزار درم یابد و حابه(?)
بنجشک در خواب دلیل بر خیر دائمی بود و اگر بیند که بچگان بنجشک را از آشیانه بیرون آورد او را
فرزندان باشند از حلال و حرام و اگر آواز بنجشک شنید سخنهای ناخوش شنود که او را از آن
شگفت آید و معبران گویند آواز بنجشک شنیدن بخواب حصی(?) منیه فرزند باشد و بسیاری مال

بود اگر بیند که مرغان بسیار بانگ میکنند در غوغا افتد اگر بیند که گنجشک بدهان نهاد و فرو برد
فرزندی آورد اگر بیند که گنجشک بکشت یا در دست او بمرد زیانی افتد یا فرزندش بمیرد اگر
که خانهٔ گنجشک داشت فرزند آورد جعفر صادق گوید دیدن گنجشک در خواب بر هفت وجه بود
اول پادشاه دوم والی سیوم مردم بزرگ چهارم غلام خوب پنجم قاضی ششم مرد بازرگان
هفتم مرد ماه زن هشتم مرد با خصومت نهم مردی مجامع حکایت ابو خلده گفت پیش محمد
بن سیرین بودم مردی بیامد و گفت دیدم که در آستین گنجشک بسیار داشتم و یکیک را از آستین بیرون می آوردم
و میکشتم و هر یک شهادت می آوردم و آنگاه در جایی می انداختم ابن سیرین گفت
خانه کجا داری گفت بغداد گفت یکساعت بنشین ابن سیرین پیش حاکم رفت و حاکم را
خبر کرد و مردم حاکم آمدند و در خانهٔ وی افتادند پنجاه مرد برده بود و بحیلت کشته و در چاه
انداخته و مردم را این تعبیر شگفت آمد بند دادن ابن سیرین گوید اگر که مردی مصلح او را
بند داد که در آن رستگاری و عزت بود بشارت دین و دنیا او بود اگر بخلاف این بیند
فساد دین و دنیای او بود مغربی گوید بند دادن بخواب صلاح دین بود بند دهنده
فرشته بود که او را آگاه کند بخیر و عاقبت و راحت و اگر فاسد دین بود بند دهنده دیو بود
او را توبت باید کرد تا از شر دیو خلاص یابد بند نهادن ابن سیرین گوید اگر بیند که بند
آهنین داشت دعوی مسلمانی کند بخلاف اگر بیند که بند آهنین در دست و پای داشت بخیل بود
و بعضی از معبران گویند اگر مصلح بیند که بند بر دست داشت از بدی دست باز دارد اگر بیند که از چوب
بجهت کمربند کرمانی گوید اگر بر گردن بند چوبین بیند امانت بر گردن او نهند و ادا کند
اگر بند چوبین بر پای بیند طاعت حق تعالی بیند و اگر در سفر بود بسلامت باز آید اگر بیند
که بند گردنش از نسیم بود رنجش از زن بیند اگر بیند که از زر بند رنجش از مال بود
اگر بندش از مس بود رنج و زر معیشت بود اگر بیند که بند بشکست خلل دین او بود

اگر بیند که بند از پای وی برداشتند از غم و آفت خلاص یابد اگر بر پای خود گند بیند با منافق
صحبت کند اگر پای خود بر بسته بیند منفعت یابد دانیال گوید اگر امیری بیند که بند آهنین بر پای
داشت بسفر رود دیر باز آید اگر بیند که بر دو پایش بند نهاده بود جلالت یابد اگر بر چهار بند
دست و پای خود بند یابد چهار پسر آورد اگر بیند که بند از پای او برداشتند از غمها فرج
یابد اگر امیری بیند که بند بر پای زر بود او را از ترسایان منفعت رسد اگر بیند که بند سیمین
بود از جهودان منفعت یابد و بعضی از معبران گفته اند کار بر وی آسان شود اگر بند مس
سیمین بود زنی خواهد یا عاشق شود اگر بندش ارزین بود سفر کند یا بیمار شود اگر بند از رسن
بود اگر مصلح بود زنی حلال خواهد و اگر مفسد بود حرام کند مغربی گوید اگر بیند که بند
بر پای خود [illegible] ثبات دین بود بقول پیغامبر علیه السلام انی که فرمود احب القید من النوم
و اکره الغل لان القید ثبات فی الدین
یعنی من دوست دارم پای بند را در خواب و دوست ندارم غل را جعفر صادق گوید
دیدن بند در خواب بر چهار وجه بود اول کفر دوم نفاق سیوم بخل چهارم از معصیت
دور شدن و بعضی از معبران گفته اند غل در خواب دیدن پادشاه را کوتاه دستی
بود از ظلم بنده ابن سیرین گوید اگر بنده بیند نابالغ که بالغ شده بود آزاد گردد
اگر کسی بیند که بنده خود را آزاد کرد در وقت بمیرد اگر بیند که بنده خود را بفروخت کار او
بسته شود کرمانی گوید اگر بنده بخرید غمگین و مستمند شود اگر بیند که بفروخت شاد شود
بنفشه ابن سیرین گوید بنفشه در خواب بر درخت بوقت خود از زنی یا از کنیزک راحت
بیند یا فرزندی آورد اگر از درخت جدا بیند غم و اندوه بود کرمانی گوید اگر زنی بنفشه
از درخت بکشت شوهر داد شوهر او را طلاق دهد اگر بیند که کسی دسته بنفشه بدو داد
میان ایشان مفارقت افتد مغربی گوید بنفشه در خواب کنیزکی نازنین کار بود بهنگام خود بهنگام دنی

بنیاد و نهادن ابن سیرین گوید هر که بیند که بنیاد نهاد فایده دنیا یابد اگر بیند بنیاد جایی مجهول نهاد جایی
که نداند که از آن کیست شیفته و سرگردان شود در دین و دنیا اگر بیند که بنیاد
بر ملک خود نهاد روزی حلال یابد کرمانی گوید اگر بنیاد از آجر و گچ نهاد مال حرام حاصل
کند و اگر بنیاد از گل و خشت نهاد مال حلال حاصل کند اگر بیند که بنیاد از خشت نهاد [illegible]
بر دیگر امرا او یکی بود دانیال گوید اگر بیند که بنیاد از خشت برآورد بزرگ همت بود در کار
دین اگر بیند که بنیاد از سنگ و آهک کرد دل در دنیا مغرور گشته بود و اگر بیند که بنیاد از
خشت پخته برآورد از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که بنیاد از خشت و گل برآورد
منفعت از مردم یابد جعفر صادق گوید اگر بیند که شهر بنا کرد خلق در پناه وی گیرند اگر
بیند که قلعه بنا کرد از شر دشمن ایمن شود اگر بیند که کوشک بنا کرد بکار دنیا مشغول شود
اگر بیند که سرای بنا کرد و در وی نشست خیر و منفعت یابد اگر بیند که مسجد بنا کرد قوم صالح
به کاری جمع آورد اگر بیند که مناره بنا کرد نام وی بخیر منتشر گردد اگر بیند که دوکانی کرد
کسب دنیا طلبد اگر بیند که گرمابه بنا کرد در غم و اندوه افتد اگر آسیا [illegible] کرد همین تاویل
کند اگر باغ بنا کرد زنی توانگر بار خواهد اگر گورستان بنا کرد بعشرت مشغول باشد اگر قبه
بنا کرد بزرگی و منزلت جوید و هر بنیاد که در خواب نهد و تمام کرد کار دین و دنیا او
تمام شود و اگر تمام نکرد کارش ناتمام ماند پنیر ابن سیرین گوید پنیر در خواب مال بود
و روزی بسیار و پنیر تر مال که در حضر یابد مغربی گوید اگر بیند که نان و پنیر خورد از سفر مال
حاصل کند به رحمت و بعضی گویند رنج بوی رسد و خلاص یابد به معبران در تاویل به
خلاف نسبت بعضی گویند سفر دراز بود با غم و بعضی گویند از بزرگی منفعت یابد و بعضی
گویند فرزند باشد و بعضی گویند بیماری بود و آنکه گفت سفر دراز بود با غم بدان معنی گفت که
جبرئیل علیه السلام آدم را در وقت بیرون آمدن از بهشت به داد والله اعلم
وی تعبیر زند کرد بسبب آنکه چون آدم علیه السلام بدنیا آمد بخورد از آن مشقت زیاد دید

والله اعلم

و آنکه گفت که از بهتری منفعت یابد سبب آن گفت که دهشت آن به جز بهار نبود و آنکه
هر چون بکر استادان تاویل کردند از گزاف نگفته و آنکه گفت بیماری یابد از
سبب زردی گفت بهار ابن سیرین گوید بهار در وقت خود پادشاه بود اگر بیند که بهار
بود و هوا معتدل بود و جهان خرم از گل و شکوفه و مردم مضرت نبود اهل آن
دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد اگر بهار را بوقت خود با اعتدال بیند غم و اندوه
بود و عامه را از پادشاه محنت و مضرت بود و فادیر بهمن تاویل دارد بهشت ابن سیرین گوید
بهشت در خواب خرمی و مژده بود از خدای تعالی قوله تعالی ادخلوها بسلام امنین
اگر از میوه های بهشت بیند خیر و خرمی یابد اگر بیند که میوه بهشت بستد و هم در بهشت بخورد
علم و دانش اموزد اگر بیند که با حوران در بهشت بود کارهای روی آسان شود اگر بیند که
در بهشت مقیم شد در دنیا نعمت و اقبال بود تا وقت وفات اگر بیند که خواست که
مقیم شود نگذاشتند در دنیا میلش بعصیان بود اگر بیند که در بهشت بروی بسته بود پدر و مادر
از وی ناخشنود باشند اگر بیند که نزدیک بهشت شد و باز گردید بیمار شود و شفا یابد اگر
بیند که فرشتگان دست وی بگرفتند که در بهشت برند داد و رفت دست از کار خویش
بدارد اگر بیند که گفتند در بهشت شو میراثی یابد اگر بیند که در بهشت در زیر درخت
طوبی نشست مراد دو جهانی یابد طوبی لهم وحسن مآب اگر بیند
که وی را از خوردن شراب منع کردند تباهی دین او بود قوله علیه السلام ومن یشرک
بالله فقد حرم الله علیه الجنة اگر بیند که از میوه های بهشت بکسی داد کس را
علم اموزد اگر بیند که در بهشت آتش انداخت از باغ کسی حرام خوری خورد اگر بیند که از
حوض کوثر آب خورد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که گوشه از بهشت بوی دادند ولایتی
یابد یا کنیزکی زن معتبره گوید اگر بیند که رضوان برابر او شاد و خرم بود دنیا و دین خرم
بیند قوله تعالی سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین اگر بیند که جای بلند بود

که صورت بهشت با پادشاهی عادل بود و یا توانگری یا عالمی اگر بیند که سوی بهشت می‌رفت پیوسته
براه حق باشد جعفر صادق گوید دیدن بهشت در خواب بر نه وجه بود اول علم
دوم زهد سیوم منفعت چهارم شادی پنجم ثواب ششم حج هفتم ایمنی هشتم برکت
نهم سعادت اگر بیند که در بهشت بود مراد دو جهانی یابد و بدست او خیرات بسیار
رود اما چون مصلح بود و اندر بیماری و یا بلایی مبتلا گردد و ثواب اهل بهشت یابد و عالم
گردد و از علم او مسلمانان منتفع بود **پهلو** ابن سیرین گوید پهلو در خواب زن بود اگر بیند
که پهلوی چپ وی آماه داشت زنش آبستن شود اگر بیند که پهلوی وی سوراخ بود
پاره گوشت خون آلود از پهلوی وی بیفتاد زن او بچه ناتمام افکند اگر بیند که دست بر
پهلو نهاده بود غمی سخت چیز دیگر مانند گوید اگر بیند که استخوان پهلوی وی بیفتاد زن او بچه
ناتمام افکند اگر بیند که شکسته بود بسبب او درویش یا عیال غم و اندوه خورد
اگر بیند که پوست از پهلوی وی جدا شد مال و عیالش هلاک شوند اگر بیند که پهلوی وی
زرد شده بود عیالش رنجور شود اگر بیند که پهلوی وی سوراخ شد و از وی چیزی [illegible] بیرون
افتاد او را فرزندی عالم و پارسا آید اگر بیند که هر دو پهلوی فراهم آمد اندوه یابد
اگر بیند که پهلوی وی بزرگ شد قوت دین و قوت عیال بود اگر بیند که کوچک شد با وی
بخلاف این بود مغربی گوید پهلو در خواب دلیل بر زن کند زیرا که از پهلوی مرد آفریده شد
اگر بیند که او را پهلوها بسیار شد زنان و کنیزکان حاصل شود و اگر بیند که از پهلوی
وی مار بیرون آمد فرزند او گردد جعفر صادق گوید دیدن پهلو در خواب بر پنج وجه بود اول
زن دوم دختر سیوم کنیزک چهارم خادم پنجم هر زنی که در خانه بود **بوتیمار** ابن سیرین
گوید بوتیمار در خواب مال و روزی حلال بود از زن که بدو رسد اگر بیند که بوتیمار بگرفت
بقدر آن بزرگی یابد مال از زن یابد اگر بیند که بوتیمار بکشت و از وی بخورد مال زن خورد
اگر بیند که بوتیمار گرفت و بخانه آورد از خویشان زنی خواهد و مال یابد **بوریا** ابن سیرین گوید

اگر بیند که بوریای بافت سفله و خسیس بود دو بر گو بند زنی فی اصلاح خواهد و ضعیف حال اگر بیند که
بوریا تمام بیافت شغلی خفه تمام کند اگر بیند که از بوریا ایزار خانه بافت به که خدای خفه مشغول شود مغربی
گوید اگر بیند که بوریا داشت از زنی منفعت یابد جعفر صادق گوید دیدن بوریا در خواب بر سه وجه
بود اول منفعت دوم خواستاری زن سوم کدخدایی کردن بوزینه ابن سیرین گوید بوزینه در خواب دشمنی
فریبنده است اگر بیند که بوزینه انگشت او بخست مطیع بود مرد دشمن غالب شود اگر بیند که با بوزینه نبرد کرد بیمار
شود و کرمانی گوید اگر بیند که بوزینه را انگشت برد دشمن قهر کند اگر بیند که از گوشت وی خورد به سخنی افتد
اگر بیند که بوزینه بوی بخشید نشانی دشمنی بر وی ظاهر کند مغربی گوید اگر بیند که بوزینه بر اسب وی
نشسته بود جهودی با زن وی فساد کند و بوزینه زردی فریبنده ه مادر زن جادو و مفسد اگر بیند
که بوزینه در خانه وی آمد زنی در خانه او جادو کند اگر بیند که بوزینه با وی سخن گفت او دراز زبان
کند اگر بیند که بوزینه در او بگزید بیمار شود یا عیال او دشنام دهد اگر بیند که بوزینه او را چیزی داد
مال بر اهل خود دشمنی کند پوشیده و انبالی گوید پوست تن مردم در خواب آرایش او کدخدایی
بود ابن سیرین گوید پوست تن مردم در خواب آرایش و کدخدای بود ابن سیرین گوید پوست
تن مردم سبز و برکت بود در مال اگر کسی پوست تن خود بر خاسته بیند سبز وی کشاده شود
و مالش تلف گردد اگر گوشت تن خود سیاه یا کبود بیند غم و اندوه بیند اگر بیند که پوست با نیش
روشن بود کارش رخته شود کرمانی گوید همه جانوران را که پوست در خواب دیدن فایده و مال بود و پوست
شتر میراث از بزرگی بود اگر پوست درخت تر بیند روزه دار بود اگر بیند که پوست از [illegible]
باز کرد او از آن کسی که بدان منسوب بود مال بستاند اگر بیند که سرای کرد از بهر پوست باز کردن
اگر صاحب بود در سرای وی دیوار نهد اگر معلم بود بر کودکان ستم کند مغربی گوید اگر بیند که پوستگر
[illegible] دلیل کند کارها [illegible] اصلاح [illegible] آورد و حبت پادشاه [illegible] کند میان بزرگان [illegible]
پوستین ابن سیرین گوید اگر بیند که پوستین پوشیده بود در زمستان بود چیزی از منفعت بود [illegible]
و در تابستان غمناک شود و کرمانی گوید اگر بیند که پوستین [illegible] یا بزغاله بود زنی بود اگر خواهد [illegible]

مال یابد اگر بیند که پوستین فنک داشت زنی خواهد و از وی منفعت یابد اگر پوستین او با داشت زنی
پارسا بخواهد و بخیل اگر پوستین خرگوش داشت زنی بدفعل خواهد و از وی زحمت بیند و اگر
پوستین سنجاب داشت زنی ناسازگار خواهد اگر پوستین گربه داشت زنی دزد زن کند اگر پوستین
وشق داشت زنی توانگر و متکبر خواهد اگر پوستین حواصل داشت زنی دین دار بزنی کند اگر
پوستین موش داشت زنی پلید زن کند و ناشایست اگر بیند پوستین وی دریده بود یا سوخته
دلیل بر غم و نقصان مال بود بوسه دادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بوسه داد آنکس
را خواستگار شود اگر آنکس مجهول بود از جای منفعت یابد اگر بیند که معروفی ویرا بوسه داد
از آن کس منفعت یابد کرمانی گوید اگر بیند که مرده را بشهوت بوسه داد از هر مرده خیری کند
اگر بیند که مرده ویرا بوسه داد از مال آن خیری بوی رسد اگر بیند که [illegible] را بوسه داد
طالب دنیا شود جعفر صادق گوید بوسه دادن در خواب بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت
دوم حاجت روائی سیوم ظفر بر دشمن چهارم سخن خوش شنیدن بوق زدن ابن سیرین گوید
اگر بیند که بوق میزد مردم را از سر خود آگاه کند اگر بیند که بوق میزد و میداند میان مردم
دروغ گوی شود و آن دروغ بسوگند راست کند و عاقبت ظاهر شود مغربی گوید بوق زدن
در خواب مردان را معصیت بود و زنان را رسوائی جعفر صادق گوید بوق زدن در خواب بر چهار وجه
بود اول خبر مکروه دوم خبر دروغ [illegible] سوم ظاهر شدن راز چهارم معصیت پل کردن
ابن سیرین گوید پل کردن در خواب پادشاه بود یا مردی بزرگ که از بیننده [illegible] کرمانی گوید
پل تباه و پل شکسته بود اگر بیند که بر پل گذشت از آن عز و جاه یابد اگر بیند که بنیاد پل نهاد
و عمارت میکرد ولایت یابد و مال جمع کند قوله تعالی والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة
جعفر صادق گوید پل در خواب بر چهار وجه بود اول مردی که همه مردم را بکار آید دوم پادشاه سیوم
نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال حاصل کردن اگر بیند که پل بشکست و خراب شد تباهی حال
پادشاه و نقصان ملک بود بوم در خواب مردی دزد و [illegible] حسود بود و خیانت در مردم

ادی

آفریند اگر بیند که با بوم جنگ کرد ویرا با چنین مردی خصومت افتد و بهمه حال دیدن بوم مال نبود
منحوس گوید اگر بیند که بوی درشت بود او را با چنین مردی صحبت افتد اگر بیند که بوم را بکشت
او را با چنین مردی جنگ شود و او را قهر کند اگر بیند که گوشت بوم خورد بقدر گوشت
مالی و روزی و را بود اگر بچه بوم درست عملی یا شاگردی و رو حاصل کند بوی خوش
ابن سیرین گوید بوی خوش دیدن و با خوشی ثنای مردم دیدن بود اگر در خواب بوی ناخوش شنید
او را بنیکوئی کنند و اگر بوی خوش شنید دلیل مرگ بود زیرا که مرده را از حنوط
و بوی خوش یاد گیرند [illegible] ابن سیرین گوید [illegible] در خواب جمع کند مال بود اگر
بیند که بوی انوالی او خشک شد یا بگشت و دسته از وی [illegible] بیابان
اگر بیند که بهای وی خشک شد از دوستان مفارقت کند کرمانی گوید اگر بیند
که بهای وی درشت و قوی بود احوال خران وی قوی گردد اگر بخلاف این بیند
حال خران وی ضعیف شود بیابان و اسماعیل گوید بیابان در خواب قسمت
روزی بود بقدر بزرگی و فراخی اگر بیند که در بیابان تنها بود از کسب خود
مال بسیار حاصل کند اگر بیند که با گروهی در بیابان میگشت با مال و نعمت بسیار
از سفر حاصل کند و در روزی بروی گشاده گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که
از بیابان بیرون آمد از غم رسته گردد جعفر صادق فرماید دیدن بیابان در خواب
بر چهار وجه اول قسمت روزی حرام حیرت دوم گشتگی سیوم عنا و رنج چهارم
بیم و خطر مگر رفع و بیرون آمد بیابان [illegible] کرمانی گوید پیاز در خواب مال
حرام باشد و گفتار ناخوش اگر بیند پیاز پخته خورد صلح بود و خوردن از مال حرام
منع کند و از معصیت بود و مال حرام جمع کند اگر پیاز نپخته خورد از آن توبت کند جعفر صادق

گوید [illegible] بیند در خواب بر سه وجه بود اول مال حرام دوم غنیمت سیوم پشیمانی از کارها
پیاله ابن سیرین گوید پیاله در خواب کنیزکی بود که عشرت و طرب کند اگر بیند
که در پیاله جلاب بود و یا آب بخورد با کنیزکی بحلال جمع شود و از وی فرزند حاصل آید
اگر بیند که جلاب یا آب با پیاله بریخت فرزندش بمیرد اگر بیند که کسی خورد
تاویلش بر خلاف این بود جعفر صادق گوید پیاله در خواب بر دو وجه بود
اول کنیزک دوم خوشی بسیار بود پیراهن و آنچه بدان ماند گوید پیراهن سفید در خواب دین بود
و بعضی گویند زن باشد ابن سیرین گوید پیراهن مرد حال و کار او باشد و کسب
و معیشت اگر بیند که پیراهن فراخ نو پوشیده بود کارش بصلاح آید اگر بخلاف
این بیند کارش بد شود اگر بیند که پیراهن پاره وی در دیدند یا بسوخت تاویلش
میکند بود در نیکی و بدی اگر بیند که پیراهن کهن و چرکین داشت دلیل بر رنج
و بیچارگی آید که بود رسد هر چند که پیراهن کهنه تر زحمت بیشتر و بلا و بی
کسی اگر بیند که پادشاه پیراهن خود از تن بدو داد و پوشیده پادشاهی از وی
بستانند کرمانی گوید اگر بیند که پیراهن نو پوشیده بود و در زیر پیراهن چرکین
بود ظاهرش نیک بود و باطن بد اگر بیند که پیراهن و جامه چرکین داشت
اگر توانگر بود درویش شود اگر درویش بود بغم گرفتار گردد اگر بیند که پیراهن
فراخ پوشیده بود عیشش بروی فراخ شود اگر تنگ بود تنگ عیش گردد
اگر پیراهن دریده پوشیده بود رازش آشکارا گردد اگر بیند که پیراهن بی
گریبان و یا فرو دوخته پوشیده بود اجلش نزدیک بود اگر بیند که گریبان
او از پس دریده بود بدروغ تهمت کنند قوله تعالی اگر بیند که پیراهن

یکی از وی تا بروی فرو مالید بی غم شود و او را بشارت رسد اذهبوا بقمیصی هذا
فألقوه علی وجه ابی یأت بصیرا اگر بیند که پیراهن خون آلوده داشت
دروغ است و در کار وی در غم و اندوه بماند وجاءوا علی قمیصه بدم کذب جعفر صادق
گوید دیدن پیراهن در خواب بر شش وجه بود اول دیدن مردم دین دار دوم ستر سوم عیش
چهارم ریاست پنجم رامش و خرمی ششم بشارت بیت المعمور خانه ایست در آسمان
چهارم برابر کعبه و زیارتگاه فرشتگان است ابن سیرین گوید اگر بیند که در بیت المعمور شد میان
خلق پایه امانت یا بعلم ظاهر شود و حج کند و از شر دشمن ایمن گردد اگر بیت المعمور را در زمین
بیند مقرب پادشاه شود اگر بیند که در بیت المعمور مقام داشت یا بخدمت اجلش نزدیک بود
اگر بیند که پیراهن بیت المعمور طواف میکرد دلیل همین دارد اگر بیت المعمور را اگر دار
مسجد دید و در وی نماز کرد حاجتش روا گردد کرمانی گوید اگر بیند که از زمین تا بیت المعمور
راه گشاده بود در آن سال مردم حج بسیار کنند اگر بیت المعمور را آراسته دید و فرشتگان
در وی طواف کردند کار علما و اهل دین منتظم شود و عز و جاه یابند پیرایه ابن سیرین
گوید پیرایه در خواب زینت زنان و کنیزکان بود بقدر و قیمت پیرایه کرمانی گوید اگر بیند که
پیرایه پر جوهر پوشیده بود بقدر آن مال حاصل اگر پیرایه وی ضایع شود او را زیان رسد
اگر مردی بیند که پیرایه زنان داشت خجل شود پیروزه ابن سیرین گوید پیروزه در خواب ظفر
و حاجت روا شدن باشد اگر بیند که پیروزه داشت حاجتش روا شود و بر دشمن مظفر شود
و اگر بیند که پیروزه از وی ضایع شد مراد بر نیاید مغربی گوید اگر بیند که پیروزه بخرید داشت
بقدر آن مال حاصل کند جعفر صادق گوید دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود اول
حاجت دوم حاجت روای سوم عزت چهارم ولایت پیر شدن ابن سیرین گوید اگر
بیند که پیر شده و موی بس سفید کرده دلیل عز و بزرگی بود اگر پیری مجهول بیند از دوستی
مرادش حاصل شود و از غم رسته گردد و اگر پیر معروف بیند چیزی نداد رسد

و اگر او را اگر ریش اوی بیند تاویلش بخلاف این بود مغربی گوید اگر بیند که خواستی در ریش او نقصان افتد اگر خواهنده
یا کودکی بیند که بر ریش شد بکار آخرت مشغول شود تبیسی ابن سیرین گوید بیننده در خوردن مال و بود اگر زنی
بود اگر بیند که تن وی پس گشت بعد از آن مال یابد و بعضی گویند بیننده در خوردن میراث بود جعفر
صادق گوید دیدن ریش در خواب بر پنج وجه بود اول مال دوم توانگری سوم منفعت چهارم بزرگی
پنجم بدین آمدن کار ... ابن سیرین گوید ریش در خواب قدر و جاه بود اما اگر موقع سجده ... امتحان
بود و بعضی گویند ریش دلیل بر فرزند بود که از وی توانگر گردد و اگر بیند که بر ریش او ... بعد به زر ... بکار
مشهور گردد و اگر بیند که زخم بر ریش او زدند و خون از وی روان شد قدر و جاهش زیادت شود
اگر بیند که ریش ... کوتاه شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ریش وی را خال ... اعلما
بود و اگر بیند که بر ریش او موی رسته ... دراز شود و اگر بیند که موی ریش سرخ یا سفید بود ... خبث
عیال افتد اگر بیند که ریش وی را ماه داشت مالش زیادت شود و اگر بیند که مار یا کژدم یا جز
ریش او بگزید بقدر الم گزند یابد مغربی گوید اگر بیند که بر ریش او زخم داشت بلد خدای ... ملک
بیننده بود و اگر بر ریش او خطی سبز نوشته بود او را فرزندی عالم آید اگر بیند که بر ریش او آیت رحمت
نوشته بود عاقبتش محمود بود و مرگش بشهادت اگر بیند که بر ریش او آیت عذاب نوشته بود تاویلش
به عکس این بود جعفر صادق گوید دیدن ریش در خواب بر شش وجه بود اول قدر و جاه دوم عمر و برنائی
سیوم فرزند توانگر چهارم معیشت پنجم امانت ششم جود و نیکی پیشی گرفتن ابن سیرین گوید اگر
بیند که بر کار ... پیشی گرفت یا بر کسی از کار دین چنانکه در عبادت یا در حج یا در غزا ... بود
به آخرت و از حق تعالی ثواب یابد اگر بیند که بکار دنیا پیشی گرفت مال و نعمت یابد جعفر صادق فرماید
پیشی گرفتن در کار در خواب بکار خیر و صلاح دنیا و آخرت بود و پیشی در شر و فساد و جهان ... بود
پیشه کردن ابن سیرین گوید پیشه خود رها کردن و به پیشه بهتر از آن مشغول شدن حال ... بهتر گردد
و در کسب وی برکت پدید آید اگر بیند که پیشها گوناگون میکرد اگر پیشه نیک بود دلیل نیک بود
و اگر پیشه بد بود دلیل بر شر بود و اگر بعضی نیک بود و بعضی بد حکم بر آن باشد که غالب تر بود

بزن

بیشه ابن سیرین گوید بیشه درختان زنی بود مایانی اگر بیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز بود
در وی درختان میوه دار خاصه در وقت میوه و از آن میوه ها خورد زنی خواهد که اصل او مایانی
باشد و از آن زن خیر و منفعت بیند و اگر بیشه از سبزه و میوه خالی بود مضرت یابد اگر بیند
که در آن بیشه خار بود و از آن خار او را گزند رسید اندوه یابد از قبل زنان جعفر صادق
گوید دیدن بیشه در خواب بر چهار وجه بود اول زن مایانی دوم کنیزک سوم منفعت چهارم
غم و اندوه بیع کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که مصحف قرآن بفروخت نزد او خوار گردد و اگر بیند
که مصحف را بفروخت همین تاویل بود کرمانی گوید هر چیزی که در دین عزیز بود فروختن آن
دشوار باشد بخواب و خریدن نیک بود بیع در خواب مردن بزرگی و بسیار بیشه بود
اگر بیند که آنچه فروخته بها بستاند بد بود و اگر بجا آنست بر خلاف این بود پیکان
اگر بیند که پیکان تیر یافت در شستی کار بود و بروی رسد و هم او گوید دیدن پیکان در خواب
قوت بود خشم خواب را اگر شکسته با زنگ خورده بود بخلاف این بود معانیه
در فصلهای شروح هم یاد کردیم پیکر ابن سیرین گوید اگر بیند پیکری داشت آن خواهد و اگر بیند
که بخرید پیکری خرید و اگر بیند که پیکری داشت و از وی ضایع شد زن را طلاق دهد یا زنش بمیرد
اگر پیکر خود را بر صورت دیگر بیند احوالش چنان بود که دیده کرمانی گوید اگر بیند که
پیکر خود را بصورت زشت بدل گرد حالش متغیر شود و اگر بیند که باز بر صورت خود گشت
توبت کند اگر پیکر خود را باژگونه بیند همه کس روی از وی بگردانند مغربی گوید اگر بیند که پیکر خود را
یا آدمی را یا حیوانی گرد آن کس بند همچو در رفیع زن بود اگر بیند که پیکر چیزی که بگونه آن چیز
بود ... جنس بود بشکست بیند او را کار صعب بدید آید و صورت در خواب دیدن مردی بود
که بر حوزان نعلی دروغ گوید پیک معبران گویند فرق نیست میان خواب روز و خواب شب
الا در پیک اگر شب بیند که بر پیک نشسته بود زن خواهد و نکاح بر زرگ رسد
و اگر بروز بیند زن را طلاق دهد اگر بیند که پیک را بگشت پادشاهی بر دست وی

کشته شود یا حصاری نکبت بد اگر بیند که پیل با سروری نهاده او را انگشت سیم کش بود اگر بیند که
بر پیلی نشسته بود که آن پیل سلاح داشت و مطیع او بود پادشاه عجم شود اگر بیند که گوشت
پیل خورد بمقدار آن از پادشاه مال یابد اگر بیند که استخوان پیل یا پوست او چیزی داشت
همان تاویل دارد اگر بیند که هنگام رزم بر پیل نشسته بود و دشمن را قهر کند اگر بیند که از پشت
پیل بیفتاد پادشاه آن دیار بمیرد مغربی گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشست و آن پیل
بر وی قادر بود زنی عجمی را بنکاح بخواهد و آن زن بر وی قادر بود اگر بخلاف این بیند بر زن قادر بود
اگر بیند که پیلی با سلاح از آن شهر بشهری دیگر برفت ملک آن پادشاه بدیگری افتد اگر
بیند که پیل برهنه بود زنی عجمی را بنکاح کند اگر بیند که پیل سر و دم داشت غلبه بر دشمن را پادشاهی کند
اگر بیند که پیل او را زیر پا کرد تا هلاک کند پادشاه بر وی ستم کند جعفر صادق گوید دیدن پیل
در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی دوم مرد علام پاره سوم مردی بزرگ چهارم مرد با قوت
پنجم مرد خودستم کار خونخوار ششم مرد با جنگ و خصومت پیلگوش گیاهیست
بزرگ برگ پهن و آن شکوفه زرد سست دیدن او در خواب زنی باشد خادمه بی اصل و
دون همت اگر بیند که پیلگوش داشت با چنین زن صحبت شود خبر بیند بلور ابن سیرین
گوید بلور در خواب مانند طبیب بود و مانند فقیه زیرا که طبیب بیمار را معالجت کند و فقیه مردم را
راه نماید و بلور دارو ها فروشد و این هر سه بمردم راحت رسانند تاویلش خیر و سعادت بود
مغربی گوید اگر بیند که بلور بسیار داشت منفعت بمردم رسد بیل ابن سیرین گوید بیل در خواب
خادمی بود که کارها کند و بعضی گویند کاری کند که رنج بسیار حاصل کند اگر بیند که بیل داشت و بدان
کار کرد کار او تمام شود و اگر بگذاشت آن کار تمام نماند بیمار ابن سیرین گوید بیمار هر که بیند
که بیمار است دینش سست گردد و به وقت و نزدیک گفتار نفاق و بعضی از اکابر گفته اند اگر
بیمار بیند که تن درست شده بود و با وی کسی سخن گفت بیماری بروی دراز شود اگر بیند که با
مردم مجالست کرد و سخن گفت شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند که بیمار و برهنه بود بمیرد

معبران گفته اند بیماری در خواب دلیل فسق بود و غم و اندوه از قبل سلطان مغربی گوید بیماری
گوناگون دلیل بر جواز داشتن فریضها و سنتها بود جعفر صادق گوید اگر بیند که بیمار بود
و از علت می نالید بقضای حق تعالی راضی نباشد و بقول دیگر آنکه از غم ایمن شود
اگر بیند که در بیماری قانع و راضی بود تا دلیلش صحت باشد اگر بیند که بیمار و برهنه بود اجلش
نزدیک بود بقول تعالی ولقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة

بینی ابن سیرین گوید بینی در خواب نظام کار و انصاف و آراستگی بود با مردم خاص چون
بینی راست باشد و بعضی معبران گویند بینی تجارت مباح بود و اگر بیند که بینی بستد انصاف
و راستی او بود و اگر بیند که بینی بشکست یا بسوخت بیننده را بیم مرگ بود و کرمانی گوید
اگر بیند که بر بینی چیزی نمود اگر اهل علم است قاضی شود و اگر عامه بود تقاضا محتاج
گردد بقول دیگر بینی در خواب مردی راست گو باشد که داد مردم دهد بینی
دانیال گوید بینی در خواب جاه و منزلت خداوندش بود و زیادت و نقصان که در بینی بیند
نقصان در جاه و منزلت او باشد اگر بیند که بینی وی افتاده بود از جاه و منزلت بیفتد
اگر بیند که سوراخ بینی وی گشاده و فراخ شده بود معیشت بر وی فراخ شود اگر بیند که تنگ
شده بود معیشت بر وی تنگ شود ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز بینی از بینی فرود آمد
از مهتری منفعت یابد اگر بیند که جانوری از بینی وی بیرون آمد چون مگس و کرم و مانند آن
دلیل که او را فرزندی آید اگر بیند که در بینی وی سوراخ بود و مهار در وی کرد مردم را
تواضع کند یا با زنی بزرگ جمع آید و از او مال و نعمت یابد اگر بیند که سر بینی وی بسته بود
زیان بیم افتدش کرمانی گوید اگر بیند که از بینی وی خون آمد مال بسیار یابد اگر بیند که هر دو
سوراخ بینی او یک شده بود با زنی عاقله جمع شود اگر بیند که سر بینی وی بریده بود
فرزند خود را ختنه کند و بعضی گفته اند در جاه نقصان افتد مغربی گوید اگر بیند که
چیزی بکراهیت در بینی وی شد دلیل خشم و کینه بود اگر بیند که از بینی وی چیزی آمد

وچنانچه آلوده بکشت زن یا فرزند از خانه برون کند اگر بیند بینی وی افتاده بر زمین و بر او دختر
آید اگر بیند که بینی خود بشست مرد و زن وی را نفع نماید اگر بیند که از بینی وی مرغی برون
آمد چهارپایی که در او بچه آید و اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بینی وی زر یا نقره بود و عظیم
بزرگ شد قوی یا کم از آن بقدر آن عز و جاه یابد اگر بیند که در بینی وی بوی خوش رفت
او را فرزندی مصلح آید اگر بیند که بوی ناخوش رفت تاویلش بخلاف این بود و جابر مغربی
گوید اگر بیند که بینی بدان از خوشتن او یکی بمیرد اگر بیند که او را دو بینی بود میان او و ولی
خلاف افتد اگر بیند که بوی خوش به بینی او رسید فرزندی مصلح آورد اگر بوی ناخوش آید
کسی خشمگین شود جعفر صادق گوید دیدن بینی در خواب بر پنج وجه بود اول عزت دوم مال سوم
پسر چهارم فرزند پنجم عیش خوش بیه خوردن ابن سیرین گوید اگر بیند که بیه خورد نعمت و دختر
یابد اگر بیند که بیه گوسفند خورد مال حلال یابد بقدر آن اگر بیه جانوری خورد که گوشت
آن حلال بود مال حلال یابد و اگر گوشت جانور حرام بود مال حرام یابد جعفر صادق فرماید
بیه در خواب بر سه وجه بود اول نعمت و فراخی دوم منفعت سیوم کشایش کارها بیهوشی
کرمانی گوید اگر بیند که بیهوش گشته چنانکه عقل از وی زایل شد او را کاری پیش آید که در آن
سرگشته شود و سرانجام نکو بود جعفر صادق گوید بیهوشی بر دو وجه بود اول درشتی کارها
دوم حیرت و سرگشتگی و فرماند سکه حرف التای کتاب کامل التعبیر تاب دادن
ابن سیرین گوید اگر بیند که رسن یا ریسمان تاب میداد سفر کند بقدر درازی و کوتاهی ریسمان
اگر دراز بود سفر دور کند و اگر کوتاه سفر نزدیک کند اگر بیند که از بهر چیزی درختی تاب میداد
از بهر مصلحت بکاری مشغول شود جعفر صادق گوید تاب دادن ریسمان در خواب بر سه
وجه بود اول سفر دوم بیکاری سیوم ریاضت نفس سیوم کشایش کارها تابستان
ابن سیرین گوید تابستان بخواب پادشاه بود اگر بیند که تابستان بود چون گرما و گرم
چنانکه مردم را از آن مضرت بود او را از پادشاه مضرت رسد اگر بیند گرم بود
ذکی

وکسی را زیان ندارد است از پادشاه راحت یابد و تابستان در وقت دیدن بهتر بود
گرمانی گوید اگر تابستان در وقت بیند خرم و درخشان پر بار غم و دولتش زیاده
شود و کار بمراد و عامه را تابستان بخواب نصرت و قوت بود اگر تابستان نه بوقت
خود بیند تاویلش بخلاف این بود تابوت ابن سیرین گوید تابوت در خواب زن
بود و بقول بعضی از معبران نوه بزرگ غم و جاه بود یا زن کند اگر بیند که تابوت را
بشکست یا بسوخت غم او کم شود و زن از او جدا شود تاج ابن سیرین گوید تاج در خواب پادشاهان
ملک و ولایت بود و زنان را شوهر و عامه را نیکو حالی اگر بیند که تاج بر سر داشت از زر مرصع
بجواهر منزلتی تمام یابد و در دین ضعیف بود اگر این خواب زنی بیند شوهری با جمال
کند کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه تاج بر سر او نهاد از پادشاه قدر و منزلت یابد بقدر
و قیمت تاج اگر بیند که تاج از سر وی بیفتاد از زن جدا شود اگر بیند که تاج از سرش بیفتاد
و بشکست کارش تمام خلل پذیرد جعفر صادق گوید اگر زنی بیند که تاج بر سر داشت شوهر
کند و اگر شوهر دارد بر زنان مهتر گردد اگر زنی بیند که تاج از سر او برگرفتند شوهر او زنی
خواهد یا او را طلاق دهد اگر بیند که تاج بر سر پادشاه نهاد مقرب پادشاه گردد و حرمت
حاصل کند تاراج ابن سیرین گوید اگر بیند که مال و نعمت کسی تاراج داد آن کس را غم و اندوه
و زیان رسد جعفر صادق فرماید تاراج در خواب بر چهار وجه است اول مصیبت دوم زیان سوم
غم چهارم ارزانی نرخ تاریکی ابن سیرین گوید تاریکی در خواب ضلالت بود در دین
اگر بیند که تاریکی فرو گرفت بقدر آن گمراهی بود اگر بیند که در تاریکی بود و بروشنی بدل
شد راه دین بروی گشاده شود کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی بود و بروشنی آمد و باز
تاریک شد این کس منافق باشد مغربی گوید تاریکی به خواب غم و اندوه بود اگر بیند که
هوا سخت تاریک بود مردم آن دیار را غم و اندوه رسد اگر بیند که هوا روشن بود
و تاریک شد در آن دیار مرگ مفاجات حاصل شود جعفر صادق گوید تاریکی

در خواب بر پنج وجه بود اول کفر دوم تحیر سوم فرو بستگی کار چهارم بدعت پنجم ضلالت اسمعیل اشعث
گوید اگر بیند که از تاریکی بر روشنی شد از درویشی بتوانگری افتد تازیانه دانیال گوید اگر بیند
که تازیانه محکم داشت کارش بمراد رسد اگر بیند که محکم نبود عوض یابد و بعضی گویند تازیانه
در خواب مال اندک بود اگر بیند که دوال تازیانه او بگسست و جدا شد مال و بزرگی از وی
جدا شود ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را تازیانه زد راحت بدو رساند اگر بیند که تازیانه
بنواخت کاری کند که تملک کند اگر بیند که تازیانه زد و خون از وی جدا شد سخن
ناخوش شنود و اگر خون نیاید بهر تازیانه درمی یابد کرمانی گوید اگر بیند که کسی او را
تازیانه زد از آنکس مال حلال یابد اگر بیند که شکست تازیانه بروی بجاید سخنهای
ناخوش شنود مغربی گوید اگر بیند که تازیانه نیکو در دست داشت با عدد ابریشم
او را فرزندی آید اگر تازیانه از چوب بود بی علتی عمل یابد اگر تازیانه از چرم بود
یا از دوال خیر و منفعت یابد اگر بیند که تازیانه میزد از هر کسی کاری کند و منت نهد
اگر بیند که تازیانه بر پشت کسی زد و خون از وی روان شد آنکس مال حرام یابد اگر بیند
که بر پشت زخم تازیانه داشت و بدان نسبت کرد کار دین و دنیای او نیک شود اگر بیند که تازیانه
بر کسی زد و پاره پاره شد اهل وی متفرق شوند اگر بیند که بی اندازه تازیانه بر کسی زد و بیرار شد
زخم و اندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر تازیانه در دست وی کوتاه بود و بعد از آن دراز
زبان وی بر خصم دراز گردد و اگر دراز دید و کوتاه شد دشمن بر وی غلبه کند جعفر صادق
گوید دیدن تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شغل دوم جدل سوم دوستی
چهارم سفر پنجم بزرگی و مال تاوه ابن سیرین گوید اگر بیند که تاوه داشت خدمتگاری
مصلحت حاجات کند بقدر بزرگی و کوچکی تاوه اگر بیند که تاوه وی بشکست خدمتگاری از وی
جدا شود مغربی گوید اگر بیند که در تاوه چیزی پخت کار خدمتگار نیکو کرده اگر بیند
که از تاوه چیزی خورد از آن خدمتگار منفعت یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که وی را تب گرفت

و همیشه بود و همیشه بلعب مشغول بود و نوبت باید کرد کرمانی گوید اگر بیند که او را تب دراز گرفت
دلیل عمر بود و تن درست اگر بیند که تب اندک داشت تاویلش بخلاف این بود تبر
ابن سیرین گوید تبر در خواب خدمتکاری بود که بخواهد که کاری کند و اگر کاری فرماید خواهد که گسسته
گرداند مغربی گوید تبر در خواب مردی تراشنده بود و منافق در میان مردم جدائی افکند اگر
بیند که تبری داشت با مردی چنین صحبتش افتد اگر بیند که تبر ضایع شد از آن مرد جدا شود
تنبوره طبل بود و دین او در خواب خبر مکروه و کلام باطل و سخن دروغ بود و در این هم دلیل
زنند بود ابن سیرین گوید اگر بیند که با تنبوره ای زد بند و با گوید غم و اندوه باشد اگر بیند که دو
تنبوره می زد نگاری با صوات کند که بدان مشهور شود و بعضی از معبران گویند تنبوره
تاویل آواز خوش باشد یا سنعتی ارجمند بود. جعفر صادق گوید تنبوره زدن در خواب
کاری باشد که باطل کرده باشد و تنبوره زن مردی بود که دروغ گوید و مردم را
عیب کنند و سخن زشت گوید. تتماج ابن سیرین گوید اگر بیند که تتماج بگوشت پخته و ماست
شیرین خورد و لقدر آن از پادشاهی منفعت یابد اگر بیند که گوشت گاو یا خرگوش یا
گنجشک یا ماهی تر نخورد از وی شغل اندک منفعت یابد مغربی گوید تتماج بی گوشت
خرگوش غم بود. تخت ابن سیرین گوید اگر بیند که بر تخت نشسته بود و بر تخت چیزی گسترده
بود به سفر رود اگر بیند که بر تخت چیزی گسترده بود و بزرگی یابد و دشمن را قهر کند
و از دین محافل باشد و اهل فساد است بردارش کنند اگر بیند که تخت بشکست و او
بیفتاد از جاه و بزرگی بیفتد. جعفر صادق گوید دیدن تخت در خواب بر پنج وجه
بود. اول بخت و بزرگی دوم شغل سوم مرتبت چهارم بلندی پنجم ولد. تخم قدر و جاه و
علم شدن کار را. تخم کاشتن ابن سیرین گوید اگر بیند که تخم کاشت و بار آن جمع کرد
و بزرگی یابد اگر بیند که از بار آن گسسته بود و میخورد تاویلش نیکوتر بود اگر بیند که

او نخ کشت خیزی حاصل نشد غم و اندوه بود کرمانی گوید اگر بیند که گندم کاشت اندر باده
خیر و نیکی یابد اگر بیند که جو کاشت مال جمع کند اگر گاورس کاشت مالی اندک یابد اگر
عدس یا باقلا یا نخود کاشت اندرین کشت غم و اندوه یابد دانیال گوید اگر بیند که در زمین خود تخم کاشت
زن خواهد و کارش نیکو شود اگر زمین خود نا کشته بیند زیانی افتد یا با کسی خصومت کند
اگر بیند که جای مجهول تخم کاشت در راه خیر کند اگر بیند که در ملک خود کشت کرد
مال و نعمت یابد اگر بیند که جو یا گندم یا درخت در زمین خود می‌کشت عز و جاه بیفزاید
جعفر صادق گوید تخم کاشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دوم خیر و منفعت
سوم زن چهارم نفع و بازرگانی تخمه ابن سیرین گوید اگر بیند که او را تخمه بود و او را خورد و دفع
کند و اتفاق معبران است که در دین تخمه خیر نباشد جعفر صادق گوید دیدن تخمه
در خواب بر چهار وجه بود اول مال ربا دوم فساد سوم مال حرام چهارم متابعت هوا
تخمها کرمانی گوید تخمهای که ترش و تلخ و تیز بود دنیا و خوشی دلیل در خواب بر تخم دانسته
باشد و خوردنش بدتر بود و آنچه شیرین بود منفعت اندکی یابد معبری گوید تخمها بخواب دیدن
خوردن آن نیکو باشد مگر تخمی که نوشیده باشد یا گرم خورده نشده دو ابن سیرین گوید
بذر در خواب مردی عذار بعد و بذر ماده زنی فریبنده و بعضی گویند مال حرام بود
که به حیلت بدست آورد اگر بیند که بذر و بسبد کرد با مردی عذار صحبت کند
اگر بیند بذر وی ماده است زنی خواهد که در وی خیر نبود اگر خانه بذر خواهد زنی خوب
کرمانی گوید اگر بیند که بذر و در خانه او بمرد زنش بمیرد اگر بیند که بذر وی از خانه
وی بپرید زنش را طلاق دهد معبری گوید بذر در خواب کسی یار بود یا مال حلال
اگر بیند که بذر وی دوشنت زنی بدین صفت خواهد اگر بیند که بذر وی در کنار روی افتاد

دلفند

وبگفت کسی زن او را بفرمید جعفر صادق گوید دیدن ترازو در خواب بر چهار وجه بود اول امن
دوم مال سیوم معیشت چهارم کام فلان یافتن ترازو و ابن سیرین گوید ترازو در خواب قاضی بود
اگر بیند که ترازو نور راست داشت در آن موضع فتنه شود با قاضی و کفه ترازو سیم قاضی بود
و درم در کفه ترازو خصومت بود که نزد قاضی برند و سنگ ترازو عدل و داد قاضی بود
اگر بیند که ترازو راست ایستاده بود چنانکه میل ندارد نشان قاضی با عدل بود و اگر ترازو راست سقف
قاضی میل کند کرمانی گوید اگر بیند که عمود آن ترازو و این دیار شکست قاضی آن دیار بمیرد اگر بیند
که سنگ ترازو زیادت و نقصان بود در عدل قاضی و راستی بود مغربی گوید نیکو کردن ترازو
در خواب ستر قاضی بود از عذاب دوزخ ترازو گر بخواب پادشاه عادل بود جعفر صادق گوید
ترازو روز قیامت در خواب دیدن بر شش وجه بود اول قاضی دوم پادشاه سیوم فقیه چهارم
میانجی پنجم حکم راست ششم حکم کتر اگر بیند که کردار نیک او در ترازو بیش از بدی بود بهشت یابد
و از عقوبت رسته گردد قوله تعالی فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون و اگر بخلاف
این بیند مستوجب عقوبت گردد که ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا
انفسهم فی جهنم خالدون ترب کرمانی گوید ترب در خواب غم و اندیشه بود چاشنه
خوردن آن اگر بیند که کسی ترب بدو داد از وی غم و اندوه یابد اگر بیند که ترب بکسی داد
یا به افکند از غم رسته گردد ترنگ ابن سیرین گوید ترنگ در خواب غم و اندیشه بود خوردن
زیان مال بود بعدد خوردن ترخون ابن سیرین گوید ترخون مردی بدگوهر بود زیرا که
اهلیت وی بیند لیکن که سینه دانه انبه که تیر بهانه زنند و مدتی رها کنند تا طمع و طعم وی از
حال بگردد و بعد از ان وی را بکار زنند ترخون بر آید اگر بیند که ترخون داشت از ان مضرت رسید
اگر بیند که ترخون بکسی داد از چنین مردی جدا شود ترسائی کرمانی گوید اگر بیند که مسلمانی
ترسا شد دلیل که بر راه بدعت و گمراهی بود و اعتقاد در مسلمانی بد دارد مغربی گوید اگر ترسائی
بیند که کسی با وی خصومت کرد ترسا بر وی ظفر یابد زیرا که ترسا نصرانی است و مشتق از نصرت
اگر ترسائی بیند که مسلمان شد مسلمان شود یا بمیرد جعفر صادق گوید اگر بیند با ترسایان

صحبت داشت هوا خواهان شود و در دین ضعیف بود ترسیدن ابن سیرین گوید ترسیدن در خواب ایمنی بود
هر که در خواب بیند که ترسید و نداند که ترس او از چیست عمر او دراز بود جعفر صادق گوید ترسیدن
در خواب نصرت بود چنانکه فرموده علیه السلام نصرت بالرعب یعنی نصرت یافتم ترسانیدن که از
دزد یا از جانوری گزنده ترسید یا از آن کس که بدان منسوب بود از آن ایمن باید ترشیها
ابن سیرین گوید ترشیها در خواب غم و اندیشه بود اگر بیند که کسی چیزی ترش بوی داد از آن کس
غم و اندوه یابد اگر بیند که چیزی ترش بکسی داد بسبب او اندوه بیند و بخورد دنیا ترش چیز
بود ترف ابن سیرین گوید ترف در خواب غم و اندیشه بود و اگر بیند که ترف خورد
دوام دار شود و معبری گوید دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن آن غم و اندوه
ترنج دانیال گوید ترنج اگرچه زرد است اما بوی خوش دارد و طعم نیکو و بدبار پاکیزه و گویند از میوه‌های
بهشت است ابن سیرین گوید ترنج بخواب فرزند بود اگر بسیار بیند مال و نعمت یابد و ترنج سبز بخواب
بهتر از زرد جعفر کرمانی گوید ترنج در خواب مردی با جمال و توانگر بود و مردم نزدیک اگر بیند که
ترنج داشت با چنین مردی او را صحبت افتد اگر ترنج در خانه خود بیند او را فرزند آید اگر بیند که ترنج خورد
از مال فرزند بهره یابد اگر بیند که ترنج را از کسی پنهان کرد فرزند او بمیرد اگر بیند که ترنج بسیار بکسی
بخشید در حق او نیکی کند اگر ترنج خرید و در آستین نهاد از کنیزک فرزندی آورد جعفر صادق فرماید
دیدن ترنج در خواب بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی دوم کنیزک پاک دین سیوم دوست
توانگر چهارم فرزند شریف ترنجبین ابن سیرین گوید ترنجبین در خواب مال حلال بود دلیل نعمت
قوله تعالی وانزلنا علیکم المن والسلوی کلوا من طیبات ما رزقناکم
اگر بیند ترنجبین بسیار داشت مال حلال یابد از جایی که امید ندارد جعفر صادق گوید
ترنجبین بسیار دارد و داشت مال حلال یابد از جایی که امید ندارد بخواب خوردن بر سه وجه بود
اول مال و روزی دوم فراخ عیش سیوم کامرانی کام دل یافتن تره ابن سیرین گوید تره دیدن
در خواب غم و اندوه بود بقدر آن خوردن تره ابن سیرین گوید از تره‌ها آنچه طعم شیرین تر

بود

دارد نیکو

وخوش بود دلیل بر خیر و منفعت و آنچه تلخ و ناخوش بود مضرت یابد ترنج فروش اگر بیند که
کسی را معروف شده میکرد تاویل آن بر خیانت بود و خوردن بیماری و مفلسی تریاک ابن سیرین گوید
اگر بیند که تریاک از بهر بیماری خورد از رنج و بیماری برهد و کارها بر وی گشاده گردد و اگر جالینوس
این بیند غم و اندیشه بیند و نقصان ترویج ابن سیرین اگر بیند که زن خواست بزرگی و شرف
یابد اگر عزت بود زن توانگر خواهد اگر بیند که زن را طلاق داد شرف و بزرگی از وی برود
اگر بیند که زنی مرده او را زن کرد و با وی جمع شد او را از مال آن زن چیزی حاصل شود و اگر با
زن جمع نشد اندک فایده یابد اگر زنی بیند که مردی مرده او را زن کرد و در سرای آن با وی
جمع شد مال زن نقصان شود اگر بیند که زن خواست و زن را ندید و نامش ندانست اجلش
نزدیک بود کرمانی گوید اگر زنی که شوهر دارد و بخواب بیند که شوهری دیگر کرد شرف و بزرگی و مال
یابد اگر بیند که عروسی خواست کرد و عروس را ندید بیم مرگ بود و بعضی گویند شغلش بدست و مهلک
شود اگر بیمار بود زن مجهول خواست بمیرد اگر زنی بیمار بیند که شوهری مجهول کرد از بیماری خلاص یابد
اگر بیند که زنی پیر مجهول خواست چیزی بسیار یابد اگر بیند که زن وی شوهر کرد یا کسی از بهر وی بیند و آن
شوهر او را بخانه برد مال بسیار حاصل آید برد به شوهر در رسد اگر بیند که زنی با بکارت خواست
و با وی جمع شد کاری دشوار روی آسان گردد اگر با وی جمع نشد آنچه گفتیم کمتر است مغربی گوید
اگر بیند که دو خواهر کرد دوشیزه که بستد مال حرام یابد جعفر صادق گوید زن خواستن در خواب
بر چهار وجه بود اول بزرگی دوم زیادتی مال سیوم رزق و کار چهارم شادی تسبیح کردن ابن سیرین
گوید تسبیح کردن در خواب مطیع بودن باشد اگر بیند که تسبیح کرد مطیع بود فرمان حق را و از غم
فرج یابد اگر بیند که با تسبیح شکر حق تعالی کرد دشمنش قوی گردد و مال و جاه یابد اگر این خواب والی
بیند ویرا آبادانی و ولایت باشد قوله تعالی لئن شکرتم لأزیدنکم تشنگی کرمانی گوید
تشنگی در خواب زن حاجت بود ابن سیرین گوید کنیزکی حج دار بود اگر بیند که تشنه داشت کنیزکی
حاصل کند اگر بیند که تشنه بخرید زنی حاجت بر بالا کند جعفر صادق گوید تشنه در خواب بر سه وجه بود

اول زن حاذقه دوم کنیزک سیم منفعت از زنان تشنگی ابن سیرین گوید سرابی در خواب دیدن دراز
تشنگی بود اگر بیند که بغایت تشنه بود و آب می یافت رنج و زحمتی بوی رسد اگر بیند که تشنه
بود و آب یافت و خورد آن رنج ازو برخیزد و بمراد رسد معبر گوید تشنگی در خواب فساد دین بود اگر بیند
که در آن تشنگی آب یافت و خورد مصلح و پارسا شود تعویذ ابن سیرین گوید اگر بیند که تعویذ داشت از
نامهای نامهای خدای تعالی از غم و رنج برهد و اگر وام دارد گزارده شود و اگر بیمار بود شفا یابد
و اگر در سفر بود بوطن رسد کرمانی گوید اگر بیند که تعویذ می نوشت و بمردم میداد خیر بمردم رساند
اگر بیند که تعویذ داشت و نوشت و بلو آویخت اند و هلاک شود تغار دیدن بخواب زنان مانند [illegible]
و صالحه که خانه دیر الصلاح آرد و اهل خیر بمردم آموزد کرمانی گوید اگر بیند که تغار شکست یا ضایع شد
زن از وجدا شود و بقول بعضی دیگر تغار کنیزک خانه بود تقشیله عدس پخته باشد و دیدن
آن غم بود اگر بیند که تقشله خورد او را اندوهی رسد یا رنجور شود علی الجمله در خوردن تقشله
هیچ خیر نباشد تکبیر کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که تکبیر همی کرد از دشمن ایمن گردد و در خیر بر وی
کشاده شود جعفر صادق گوید تکبیر در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی دوم رستگاری از بلا سیم
خیر و برکت چهارم کشایش کارها تکرک کرمانی گوید تکرک بخواب عذاب و تنگی و بیمار
بود مگر اندک اگر بوقت خورد اهل آن موضع را نعمت و فراخی بود جعفر صادق گوید دیدن
تکرگ بخواب بر پنج وجه بود اول بلا دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری تمام
شدن کارها ابن سیرین گوید اگر بیند که کارهای دنیاوی وی تمام شد و منتظم گشت
احوالش متغیر گردد حتی اذا اخذت الارض وزخرفها صدق الله و اگر بیند
که کارش تمام نشد دلیل بر تغیر احوال او افتادن از محل خویش تن مردم ابن سیرین گوید تن
مردم بخواب دیدن دلیل معیشت و بهره یافت و نقصان که در تن بیند دلیل بر معیشت
اگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل کار او بود و درویشی و اگر فربه بیند دلیل

بهتر بود اندر وقت دین کارها اگر بیند که از تن وی رشته برون آمد و دراز همی شد زندگانی
و غمیش بر فراخی گذراند و حالش زیادت شود اگر بیند که آن رشته او گسسته شد
بخلاف این بود اگر بیند که تن وی آهنین شد عمرش دراز بود و نعمت یابد اگر بیند که
تن وی از آبگینه بود اجلش نزدیک بود کرمانی گوید اگر بیند که تن درست و قوی بود دنیا
کم بود و اگر بیند که تن وی ضعیف بود درویش گردد جعفر صادق گوید اگر بر تن خود زیادتی
بیند دلیل بر قوت و ظفر بود و اگر تن خود نقصان بیند به خلاف این باشد اگر بیند که همه
تن وی آماسیده بود بیمار گردد الرعد رعد بود ابن سیرین گوید دیدن رعد در خواب ترسیدن
باشد از عامل یا از اعوان اگر بیند که با غریدن تندر باران بود مردم را ترس و بیم کمتر باشد
اگر بیند که باران اندک بارید و تندر سخت غرید ترسیدن بیننده خواب بود از وعید
پادشاهان و صالحان جعفر صادق گوید دیدن تندر در خواب بر پنج وجه بود اول عذاب
دوم حکمت سیم رحمت چهارم صولت پنجم خشم پادشاه اگر آواز تندر بوقت باید بی
باران شنید در آن دیار خیر و برکت پدید آید اگر بیند که باران و رعد و برق بود اما
آن موضع و دیار را ترس بود از پادشاه اگر بیند که باران و زلزله بارید در آن دیار فتنه
و غدر بود مغربی گوید اگر رعد و برق بود و هوا تاریک در آن دیار پادشاه ستمگر پدید آید
تنگی ابن سیرین گوید اگر بیند که از تنگی به فراخی شد کار بسته بروی گشاده شود اگر بیند که از
تنگی بسوی فراخی شد کار وی منتظم شود و از رنج به راحت رسد اگر بخلاف این بیند
حالش تباه شود مغربی گوید اگر بیند که در جای تنگ بود عیش بر وی تنگ شود و تنگی
همه چیزها بخواب بد باشد تنور ابن سیرین گوید تنور در خواب کدخدای خانه بود و بعضی
معبران گویند که کدبانوی خانه بود اگر بیند که تنور درست بود درستی کار کدخدای خانه بود
اگر بیند که تنور خراب شد کدخدای خانه رنجور شود اگر بیند که در تنور نان پخت بقدر آن
روزی حلال حاصل کند و کار وی نکو شود کرمانی گوید اگر بیند که در تنور خود آتش افروخت

وبالذی نور شعاع آتش می یافت و دود نبود بسوی بیت المقدس رو دیاج لله قوله تعالی من شاطی الواد
الایمن فی البقعة المبارکة و بعضی از معبران گویند که آتش سلاح و منفعت رسد جعفر صادق فرماید دیدن تنور در خواب
بر دو وجه بود اول مهتر سرای دوم مردی بالنعمت توبره ابن سیرین گوید توبره در خواب خیر و منفعت باشد خاصه چون
نو بود اگر بیند که ضایع شد تاویل بخلاف این بود توبت کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که توبت کرد از گناه پشیمان
گردد و او گرد آن نگردد جعفر صادق گوید توبت در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه دوم رضای ایزد تعالی
سیوم راه آخرت چهارم سعادت جاودانی توتیا کرمانی گوید توتیا در خواب مال بود اگر بیند که توتیا در چشم کشید صلاح
دین جوید اگر مقصود روشنی چشم بود و اگر نه مقصود روشنی چشم بود نفاق دین داری کند تا او را ستایش کنند
مغربی گوید اگر بیند که توتیا داشت بقدر آن مال حلال حاصل کند اگر بیند که توتیا خورد غمگین گردد جعفر صادق
گوید اگر بیند که توتیا در نعل مالید جهت دفع بوی ناخوش کاری کند که او را نیک گویند توت شیرین
در خواب روزی حلال بود و ترش توت غم و اندیشه ابن سیرین گوید توت شیرین خوردن بوقت روزی باید از
کسب خویش اگر بی وقت باشد غم و اندوه بود کرمانی گوید اگر بیند که توت شیرین میخورد از مردی جوانمرد
منفعت یابد اگر بیند که ترش توت خورد متغیر شود جعفر صادق گوید دیدن توت در خواب بر سه وجه
بود اول مال دوم منفعت سیوم منازعت از قبل زن توریت ابن سیرین گوید اگر بیند که توریت
خواند قوت یابد از قبل مردم و حشم اگر بیند که توریت او را تعلیم میکرد از آن کس خشم و نیکی بدو رسد
تیر دانیال گوید تیر در خواب سختی را گفته اند و از سببی که بمردم رسد و بعضی گویند غیبت بود اگر بیند که
تیر بوی انداخت سختی بوی رسد خاصه چون بیند که بوی انداخت اگر داند که تیر بوی عرض انداخت
نامه به آنکس رسد که خرم شود از آن **حرف الجیم من کتاب الکامل سفر العشر**
چادر ابن سیرین گوید چادر در خواب ستر و پوشش زن بود اگر بیند که چون زنان چادر پوشید کاری کند که حق
از آن مکروه دارد اگر زنی بیند که چادر بدرید یا بسوخت ستر وی دریده شود کرمانی گوید چادر شب در خواب زن
بود اگر بیند که چادر شب داشت زن خواهد اگر بیند که چادر شب نو خرید کنیزک بخرد و از وی فرزند آید اگر زنی
بیند که چادر شب وی بسوخت شوهرش بمیرد یا طلاق ستاند جعفر صادق گوید دیدن چادر شب در خواب

بر دو وجه

بر سه وجه بود اول قدر و جاه دوم مرد را از زن و زن را از شوهر سیوم [illegible]
جادوی کردن ابن سیرین گوید جادوی در خواب کار باطل بود اگر بیند که کسی را جادو
کرد از بهر وی کاری هرزه کند و باطل و بقول معبران جادوی فتنه بود اگر کسی را که جادو
از بهرش کرده باشد معبری گوید جادوی در خواب نقد باشد بدروغ که مردم را بدان فریبند و جادو
در خواب دشمن فریبنده بود جعفر صادق فرماید جادوی در خواب بر شش وجه بود اول
فتنه دوم فریب سیوم مکر چهارم سکالش بد پنجم باطل و دروغ ششم ستمکاری که آن را
اصلی نباشد جبار ابن سیرین گوید اگر بیند که جباری را گرفت و مطیع او بود بقدر و
قیمت جبار را از مرد مالی رسد یابد اگر بیند که رم جباران و دشمنی فرمان بردار او
شدند گروهی که مسکن ایشان در بیابان بود مطیع وی شوند کرمانی گوید اگر بیند که جباری
دشتی می پرستید مردم نادان او را خدمت کند معبری گوید اگر بیند که جباری باوی تیغ
گفت نزرگی یابد اگر بیند که خود جبار باشد بود عقل او زایل شود اگر بیند که گوشت
جبار را خورد بقدر آن مالی یابد جاروب ابن سیرین گوید جاروب در خواب خادم و خدمت
گار بود اگر بیند که خانه بجاروب برفت مالش ضایع شود اگر بیند که خانه کسی برفت مال
کسی بوی رسد خاصه خاک رفته بخانه آرد جعفر صادق گوید دیدن جاروب در خواب بر سه وجه
بود اول خادم دوم منفعت که از خادم رسد سیوم متقاضی چیزها که با مردم بود جام کرمانی
گوید که جامی پر آب یا جلاب بستد و بخورد زن خواهد یا کنیزک خرد و از او فرزند آید اگر بیند
که آب جام ریخت و جام بماند فرزندش بمیرد اگر بیند که جام شکست و آب بماند زنش بمیرد
اگر بیند که جام شکست و آب بریخت زن و فرزندش بمیرد اگر بیند که در جام نبید بود و
از آن بخورد از وی فرزند بد کردار مفسد آید و از وی زحمت بیند معبری گوید اگر بیند
که در خانه وی جامها در دیوار بود بعدد جام او را زنان و کنیزکان باشند اگر جام سبز یا
سفید بیند او را زنان پارسا باشند اگر جامها زرد بیند زنان او زرد روی و بیمار باشند

واگر جامه سیاه بیند زنان انرا پوشیدن و معصیت زده باشد جامه را مال گوید جامه در خواب کسب و کار
مرد باشد اگر جامه خود را نیکو بیند کار و کسب او نیک بود اگر بد بیند کار و کسبش
بد بود اگر پادشاه در خواب جامه خود سیاه بیند نیکو حال بود اگر جامه رعیت
خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه بود و اگر جامه زرد بیماری و جامه سبز خرمی و توفیق طاعت که حله سبز
جامه بهشتیان است قوله تعالی علیهم ثیاب سندس و استبرق و جامه سفید شسته ساختگی
کار مردم بود و جامه کبود معصیت باشد و جامه سوخته زیان بود سبب جامه دریده ظاهر شدن راز و غم
دشمن و بندین و پلاسین و ابریشمین این همه مال خواسته حاصل شود و جامه مرقع دلیل درویشی و جامه
چرکین غم و اندوه و جامه کاغذین مال و منفعت و جامه از پوست چهارپایان از خیر و منفعت بود که بوی
رسد و جامه بی درز لبیک کفن مشغلها روی بود در دین و عمرش باخر رسیده اگر بیند که جامه
خز پوشیده بود عز و جاه یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه مهتری پوشیده بود و کارش بلند گردد اما از
خلق ملامت یابد اگر بیند که جامه حاجبی پوشیده بود از عطایی از رکاب محروم ماند اگر بیند که جامه عوانی
پوشیده بود عطایی یابد اگر بیند که جامه جلادان پوشیده بود منفعت یابد اگر بیند که جامه محتسب دیوان
پوشیده بود امانت بر دست و زبان او روان گردد و ساختن مهمات خلق مشغول شود اگر
بیند که جامه صوفیان پوشیده بود و بینش زیادت گردد و اگر جامه را هم ازان اعراض کند اگر بیند که جامه ارکان
پوشید کارش از کسب دنیا نیکو شود و اگر بیند که جامه اهل صلاح داشت و بینش بصلاح آید اگر بیند که جامه
اهل قضا پوشید از اهل فساد و از غم رسد اگر بیند که جامه کارگری داشت انجمن و متفکر شود
اگر بیند که جامه طبیبان داشت در میان خلق به نیکو مشهور گردد و اگر بیند که جامه جهودان داشت
بمکر و حیلت کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد بود و اگر بیند که جامه ترسایان داشت کاری کند
که از سبب آن از دوست و دشمن و ایمن نباشد اگر جامه کشیشان پوشید صاحب بدعت شود
و میلش بکفر و ضلالت بود و اگر بیند که جامه مغان داشت میلش به دنیا بود و جامه ملحدان
اگر بیند که جامه فرزند پوشیده بود عطایی از کسی بوی رسد و باز ستاند اگر بیند که جامه بیت ترنج

[illegible]

داشت بخدمت مهتری مشغول گردد اگر بیند که جامه زنان پوشید خوار و حقیر شود اگر بیند که
جامه دیبا پوشید او از مهتر خویش دور گردد اگر بیند که جامه حمامی پوشید امانت گزار پادشاه
شود اگر بیند که جامه کور کنی پوشید بخدمت مردی سفله درون رود اگر بیند که جامه پشمین پوشیده
بود دیر از سلطان بیم هلاک بود اگر بیند که جامه گاوبان یا شتربان پوشید از مصلح
روزی حلال یابد اگر بیند که جامه قصابی پوشید اندوه یابد اگر بیند که جامه مخنثی پوشید زن خواهد اگر
بیند که جامه باژگونه پوشید با زن صحبت حرام داشت بکند گرمانی بود اگر بیند که جامه سفید
داشت و فراخ مال بسیار یابد و جامه تنگ بد باشد و جامه خام از پشمینه بهتر باشد و جامه از لفت
خردمند و کنیزک با فرهنگ بود و جامه مخطط بر خیر و منفعت باشد و جامه مجهول زخم تازیانه
بود و جامه معین مال و خواسته بود معبر گوید تاویل دیدن جامه بر دو چیز بود یکی بدین تعلق دارد
و یکی بدنیا جامه سفید جامه دین است و جامه نو آرایش دنیا اگر بیند که جامه نو باریک سفید داشت
هم دین را نیک بود و هم دنیا را اگر جامه سطبر تنگ بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را و جامه دریده
چرکین مهمت و نیاز دارد و جامه زرد مردان را و زنان را بیماری بود و جامه سبز مردان را و زنان را
دین اگر برزنده بیند صلاح دین او بود اگر بر مرده بیند رستگاری آخرت او باشد و جامه سیاه کسی
را که پیوسته بود نیک باشد ملک پادشاه و قاضی و خطیب و دیگران را بد باشد و جامه کبود بهتان و مصیبت
بود اگر بیند که جامه ملون داشت از بزرگی سخن سخت شنود و اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که جامه
داشت رویش از زر و پشتش از رنگ با اهل دین و دنیا بمذلت او رنج کار کند اگر بیند که جامه
حقیر و مال خود نفقه کند اگر بیند که جامه نو پوشیده است به سفر دیر کاند یا به زیارتش کنند اگر بیند
که جامه او ضایع شد و او برهنه شود قدر و جاهش کم شود و خوار گردد اگر بیند هر جامه خود بدرید با
زن خود خصومت کند اگر بیند هر جامه وی کسی بدرید از آن کس اندوهگین شود اگر بیند که جامه رفو
کرد با جفت خصومت کند اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد به سفر شود اگر جامه در

در نوشت غایتش بار آید اگر بیند که مرد جامه زنان پوشید مال یابد تا ترسی بی اسد اگر بیند که زن
جامه مردان پوشید مال یابد و نعمت و جامه یافتن در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه در سفر بماند
اگر بیند که جامه تمام کرد از غم برهد خلف اصفهانی گوید بهترین جامه ها آنست که از پنبه بافند و جعفر گوید
ابریشم در وی بود و جامه عتابی و جامه ابریشم مال حرام بود و جامه دیبا و حریر مردان را بد بود و
زنان را نیک و جامه کهنه غم و اندوه بود از پادشاه اگر بیند که جامه کهنه سفید و شسته نیک بود اگر
چرکین بد بود اگر بیند که جامه بازگونه داشت ادا امنگر ... پدید آید جعفر صادق گوید دیدن
جامه نو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم پادشاه سوم مال چهارم خیر و منفعت و ... گوید
اگر بیند که جامه خود بمقراض ببرید چیزی بدو رسد اگر بیند که در زدان جامه وی بردند گرفتند و
در میان زنان افتد جامه خواب ابن سیرین گوید جامه خواب در خواب زن بود اگر بیند که جامه
خواب سفید پاکیزه بود عیالش مستور بود اگر بیند که جامه خوابش منسوج بود عیالش معاشر بود
اگر بیند که جامه خواب سبز بود عیالش دین دار بود اگر بیند که جامه خوابش سیاه بود از عیال اندوه
بیند و جامه سیاه پادشاه را نیک بود و دیگر ان را بد اگر بیند که جامه خوابش چرکین و دریده بود زنش
ناسازگار و پلید بود اگر بیند که جامه خوابش ضایع شد زن را طلاق دهد اگر بیند که جامه خوابش بسوخت
عیالش بمیرد جعفر صادق گوید جامه خواب در خواب بر سه وجه اول زن نیک دوم راحت و آسانی
سوم رنج و مصیبت جان ابن سیرین گوید جان در خواب دیدن فرزند بود یا عیال موافق اگر بیند که
جان از تن وی بیرون می شد فرزندش یا عیالش بمیرد یا مالش از دست برود یا چون ملک
شود اگر جان خود را بصورت مرغی نیکو دید ادرا فرزندی دانا که حکیم باشد ...
بیوند اگر جان خود را بصورت زشت دیده تاویل بخلاف این بود حکایت در خبر است
که مردی پیش رسول علیه الصلوة والسلام آمد و گفت یا رسول الله بخواب دیدم که جان
از تن من بیرون می آمد مرا در کنار گرفت و بآسمان رفت رسول علیه الصلوة والسلام فرمود
که وصیت بکن که جان تو بعالم خود رسید هم در آن روز نماند کرمانی گوید اگر بیند که
جان خود را

که جان خود در کف دست گرفت کاری کند که او را بیم هلاک بود و اگر بیند که جان از کف دست
وی با آسمان شد زود بمیرد و اگر بیند که رنگ جان وی زرد بود در بیماری بمیرد و اگر سرخ بیند
بد باشد و اگر سفید بود وی بهشتی محمود بود و از غم رستگاری یابد و اگر بیند که سیاه بود مغضوب
عقوبت حق تعالی باشد معبری گوید اگر بیند که مرده بود و جان می کند و خلقان بر وی همی گریه
همی کردند اهل آن مرده را غم و اندوه رسد اگر بیند که خلقان وی آهسته بگریستند
خلق از وی حسرت می بینند جعفر صادق فرماید چون مرده در خواب جان کند جان کنش
در عذاب و عقوبت بود چاه ابن سیرین گوید اهل چاه بتاویل زن بود و اگر بیند که چاه
می کند زن خواهد اگر بیند که بکندن چاه کسی دور اندر گردد زنی به حیلت زن کند و اگر
چاه مال زن بود اگر بیند که از چاهی آب خورد مال زن خورد و شیرین بود مال زن
بخوشی بستاند و اگر آب چاه گرم و ناخوش بود جهت مال زنان جفا بیند دانیال گوید
بیمار گردد اگر بیند که آب چاه خشک و ناخوش بود منفعت یابد اگر آب چاه بسیار بود
زن او حامله گردد و سختی بود و اگر اندک بود زن وی سفله بود و اگر بیند که آب از چاه زود
بر آمد زن او بیمار گردد و مال خود در بیماری بخورد و اگر بیند که از چاه آب سیاه بر آمد
مالکوی(?) خشم و اندوه یابد اگر از چاه آب سفید بر آمد میراث یابد اگر بیند که آب چاه
فرو رفت و هیچ نماند زود هلاک زن بود و تلف مال ... گوید اگر بیند
که دلو در چاه کرد و که آب بر آید ریسمان بگسست و دلو در چاه افتاد فرزند او گردد
تا تمام حکایت درخواست که مردی از عبدالله عباس پرسید که در خواب دیدم که دلو
در چاه افتاد و رسن باز گشت گفت تو را غلامی جدا بود ... اگر رسیدی
نشستی ... او را دفن کردند و چنان بود دانیال گوید اگر بیند که چاهی معروف
... خود حیلت ... دانیال بعضی از معبران گفته اند چاه و آب ...

اگر بیند که چاه از کسی میکند متوسط باشد بمکاری کردن معبرا گوید اگر بیند که آب از چاه میکشد و بمکر و حیلت
مال جمع کند و اگر بیند که بدلو آب برکشید و در خم یا سبو کرد مال خود نگاه دارد اگر بیند که آب برکشید
و بر زمین ریخت مال بخیر نفقه کند اگر بیند که در چاه افتاد در مکر و حیلت افتد اگر بیند که باغ را
آب داد با زن جمع شد پاکیزگی خبر داد اگر در آن باغ میوه بیند فرزند آورد و نیز گویند اگر دید که باغ را
آب داد با زن جماع کند اگر بیند که آب از چاه برآید و روان شد زنی توانگر خواهد که از آن زن او را
مال و نعمت حاصل شود جعفر صادق گوید دیدن چاه در خواب شش وجه بود اول زن دوم فرزند سوم
عالم چهارم توانگر پنجم مرد ششم حیلت جبه ابن سیرین گوید جبه در خواب زن بود اگر بیند که جبه
پاکیزه فراخ داشت زن او نیک رای و خوب صورت بود و اگر بخلاف این بود زن او ناسازگار بود
و بد رای اگر بیند که جبه او بدرید یا بسوخت میان ایشان جدائی افتد جعفر صادق گوید جبه دیدن بر مستان
بهتر بود و آن بر چهار وجه بود اول زن دوم قوت سوم شوهر چهارم منفعت و جبه خلق و کهنه
غم و اندوه بود معبران گوید اگر بیند که جبه نو داشت زنی مستور پاکیزه خواهد اگر سفید بیند زن پارسای
بود اگر زرد بیند زن بیمار گونه بود و اگر کبود بود زن غمناک بود اگر سرخ بیند زن معاشر بود چتر
ابن سیرین گوید اگر بیند که بالای سر او چتر بود اگر اهل آن باشد پادشاهی یابد و الا بزرگی یابد اگر بیند
که چتر پادشاه داشت مقرب پادشاه شود جعفر صادق گوید دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود اول
سلطنت دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان چراغ
کرمانی گوید چراغ در خانه خادم بود و بعضی گویند که بانوی خانه بود اگر بیند که چراغ روشن بود کد بانوی
یا خادم مصلح و نیک سیرت بود اگر بیند که چراغ تاریک بود و می سوخت رنج کد بانو یا خادم اگر بیند
که چراغ فرو مرد خادم یا کد بانو بمیرد معبران گویند اگر بیند که از آتش زنه چراغ برافروخت اگر
زن بیند فرزند آورد و اگر عزب بود زن خواهد و اگر غایب دارد باز آید ابن سیرین گوید اگر بیند که در شهر
چراغ بسیار برداشت پادشاه آن دیار عادل بود و مردم شهر با نشاط اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که
چراغ روشن داشت فرزندی آورد که عزت و دولت یابد اگر بیند فاسق بود توبه کند و بخدای تعالی

باز گردد و توبت کند اگر مشرک بود هدایت یابد اگر مسلمان بود طاعت یابد قوله تعالی وسراجا
منیرا وبشر المؤمنین بان لهم من الله فضلا اگر بیند که چراغ بمرد فرزندش بمیرد و بعضی [?]
نقصان عزیز و اگر بیند که در هر دو دست وی چراغ روشن بود مراد دنیی و دینی یابد اگر بیند که
در یک چراغ دو فتیله می سوخت او را دو فرزند توأم در یک شکم آید جعفر صادق گوید دیدن چراغ در خواب
بر چهارده وجه بود اول پادشاه دوم قاضی سیوم فرزند چهارم عروس پنجم ولایت ششم مهتر هفتم سرای
هشتم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم [?]
همچنانست چراغ پایه ابن سیرین گوید چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود اگر بیند که چراغ پایه
داشت خدمتکاری یابد کرمانی گوید زن خادمه بود اگر از آهن بود اگر از مس و اگر از برنج بیند نیکو بود یا کوزه [?]
خادمه خوش طبع و مهربان بود اگر چرکین و زشت بود تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که چراغ
پایه بیفتاد و بشکست زن خادمه بمیرد اگر چراغ پایه زرین یا سیمین خادمه متکبر خودبین بود اگر چراغ
پایه چوبین بیند خادمه دون همت بود چراغدان ابن سیرین گوید چراغدان زن بود و معبران
گویند خدمت کار خانه و فتیله کار فرمای خانه که خدمتش کند کرمانی گوید چراغدان آهنین دلیل کند
که اهل خدمتکار ترسا بود اگر برنجین بیند اهل خدمتکار گبر بود و اگر سفالین بیند اهل خدمتکار مسلمان
بود اگر بیند که چراغدان بشکست آن خدمتکار بمیرد چرغ ابن سیرین گوید چرغ در خواب پادشاه بود
اگر بیند که چرغ بگرفت و بدو شکار کرد از پادشاه بزرگی یابد و بر دیگران ستم کند و اگر بیند که چرغ شکار
میکرد و او چرغ را گرفت بر مردی بزرگ مسلط شود اگر بیند که گوشت چرغ خورد از فرزند بدی
بیند کرمانی گوید چرغ بخواب مردی بزرگ هیبت بود اگر بیند که چرغ او یکبار یا دو بار بانگ کرد
او را زیان رسد و اگر سه بار بانگ کرد زیانش نرسد گوید چرغ مردی بود که کارها بشب کند
چرک ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه او چرکین بود فساد کند اگر بیند که چرک او از چیزی پلید بود تباهی دین
و دنیای وی بود اگر بیند که چرکین جامه وی بسبب مردگان بود فساد دین بود و صلاح دنیا
کرمانی گوید چرک بخواب دیدن بر سر و تن غم و اندوه بود چرغ ابن سیرین گوید چرغ

در خواب زنی بود مختلف الی پراکنده حال اگر بیند که چرخ داشت زنی بدین صفت که گفتم بخواهد
اگر بیند که چرخ وی ضایع شد از زن جدا شود مغربی گوید اگر بیند که چرخه وی سفید بود و روشن
زنی مستوره خوب روی خواهد اگر بیند که چرخه سیاه فام بود تاویل بخلاف این بود اگر چرخه آرزد
بود زن آن بیمار گونه بود جستن از جایها ابن سیرین گوید اگر بیند که از جایی بجایی می جست
از حال بحال گردد اگر جستن او دور باشد سفری دور کند اگر بیند که خوی در دست داشت و بدان
از جایی بجایی میجست از مردی کار او بمراد رسد بعد از آنکه بر و اعتماد کرده باشد و اگر بیند از دیوار
جست از مردی امیدوار گردد کرمانی گوید اگر بیند که از بام ببام می جست از مردی کار او بمراد رسد
بعد از آنکه بر و اعتماد کرده باشد و زنهار کند و یکی دیگر خواهد اگر بیند که از بام فرو جست بر ستور
نشست هلاک شود و اگر بیند که می جست و خانه زیر پایش فرو رفت عیالش هلاک شود اگر بیند
که از پشت ستور فرو جست و بجای خود آمد زنی از و جدا شد یا بمیرد و اگر بیند که از زمین بهوا
بر جست و روی بقبله آورد و بعد از آن خود را در حرم دید یا در مکه یا در مدینه حج کند اگر بیند که از
سرای مجهول بسرای مجهول جست هلاک شود اگر بیند که بازگونه می جست و معنی بمیرد عیش بروی تباه
شود اگر بیند که بهوا بر جست و مرغ بگرفت زن خود بگذارد و زنی دیگر خواهد اگر بیند که بعصای
یا چوبی از جایی بجایی میجست او را زن حامله شود مغربی گوید اگر بیند که از چوب یا از کندی بجست از
غم برهد و کار وی نظام گیرد [illegible] چشم ابن سیرین گوید چشم دیدن در خواب مرد دین و بینایی که بدان راه
یابد و چشم ازرق بدعت باشد و چشم شهلا فرزند بود اگر بیند که نابینا شده بود از راه
بگم شده باشد یا فرزندش بمیرد و اگر بیند که یک چشمش کور شد نیمه دین برود یا گناهی بزرگ
بیک دست یا بیک بار کرده باشد یا مصیبتی یا نقصانی بوی رسد یا در کار وی ظاهر شود اگر بیند
که چشم او درد کرد تباهی در دین وی بود کرمانی گوید اگر بیند که روشنایی چشم او ضعیف بود در
منافق بود اگر بیند که بر تن وی چشمها بسیار است و همه خیرالکمال می بیند زیادتی صلاح بود در دین
و بجای آورد دین فرض و سنت اگر بیند که کسی چشم او بر کند خبر را چشم وی [illegible] ازین

دو از

و فرزند و مال و برادر از چشم وی غایب شود چنانکه دیگر نه بیند معبری گوید اگر بیند که چشم وی
از آهن گشته پرده وی دریده شود اگر بیند که هر دو چشمش آماسیده بود چنانک باز
نتوانست کردن با مخالف صحبت کند اگر نور چشم را ضعیف بیند از بر لقمه بی بهره بود
اگر بیند که میان ابرو چشم دیشت بر زبان وی سخن ناسزا رود در باب دین اگر بیند که چشم
وی روشنست و مردم پندارند که کور است باشد که کور باطن وی در دین بهتر از ظاهر باشد اگر
بیند که چشم وی سیاه بود و ازرق شد دلیل برگشتن حال وی بود اگر بیند که هر دو چشم
وی سفید شده بود و دیگر سیاه گشت بیمار شود یا از کسی خیانت کند اگر بیند که یک چشم
او رفت فرزند او را زیانی رسد اگر بیند که یک چشم او بکند فرزند او بمیرد اگر بیند که از دیدهٔ
او خون می رفت جهت فرزند غم خورد یا مالش تلف شود اسمعیل اشعث گوید اگر
بیند که چشم او گوش گشت و گوش چشم زنی خواهد که او را دختری باشد یا مرده مجامعت
کند اگر چشم بر کف دست خود بیند مال یابد اگر بیند که در چشم وی سپیدی بود غم و اندوه
بیند ابن سیرین گوید که مردی پیش وی آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من کور
بر چشم چپ مینهاد گفت ای مرد خدای بترس و توبت کن که با زنان همسایه وی
توبت کرد که بود از این نکنم جعفر صادق گوید دیدن چشم در خواب بر هفت وجه بود اول
روشنائی دوم دین سیوم اسلام چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیان وی در باب
چشمهٔ آب ابن سیرین گوید چشمهٔ آب در خواب مرد بی علم بود و چون آب خوش
علم دهد خوشی بود و اگر آب تیره ناخوش بود غم و اندوه باشد اگر بیند که چشمه
آب روان بود بشهری یا بکوچه هر جا که آب این چشمه تیره رسد اندوه و مصیبت بود
اگر بیند که از آن چشمه مسح کرد [illegible] فرح یابد اگر بیند که آب چشمه زیادت شد جاه
و بزرگی یابد اگر بیند که آب چشمه کم و نقصان شد تا دینش بخلاف [illegible] بود و اگر بیند
که آب چشمه خشک شد مهتری از آن دیار رحلت کند کرمانی گوید اگر بیند که در خانه بادگان

که چشمه آب روان شد لکن اندوه و گریستن بود بقدر قوت آب چشم اگر آب چشم تیره
و با خوشی بود غم و اندوه صعب تر باشد اگر بیند که از آن چشم و پشت فرو روی بنشست اگر
بیند که دارا و کردید و اگر غمگین بود فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد اگر وام دار بود گزارده
اگر گناه کار بود توبت کند و حج گزارد و مغربی گوید چشمه آب در خواب دلیل بر عمر بیننده
کند بقدر آب جاجر دست بلان اگر آب [illegible] و آب ایستاده ضعیف تر از آب
روان بود و بعضی از معبران گویند آب چشمه خیال استنو بود و دلیل بر خیر و صلاح
و علم بود و چون روان بود غم و اندوه جعفر صادق گوید دیدن چشمه در خواب بر سه وجه
بود اول مهتر جوانمرد دوم غم و اندوه سیوم مصیبت جهالی بیماری پنجم عمر و زندگانی و اگر
آب صافی در چشمه بیند بقدر آن عمر و زندگانی یابد چغانه ابن سیرین گوید چغانه در خواب
سخن دروغ بود اگر بیند که چغانه میزد سخن باطل و دروغ گوید یا او را غم و اندوه
اگر بیند که پادشاهی چغانه بدو داد پادشاهی بزرگ یابد اگر اهل آن بود و الا او را غم و اندوه
برسد اگر بیند که چغانه را بشکست یا بفکند از دروغ و باطل توبت کند اگر بیند که کسی
چغانه میزد و او استماع میکرد و در [illegible] سخن دروغ و باطل شنود کرمانی گوید اگر
بیند که چغانه را استاد وار میزد و در بیداری ندانست اگر صاحب خواب عالم بود
مردم را تعلیم علم کند و از آن علم فایده بمردم رساند و باشد که [illegible] گوید
از تفسیر و حدیث و فقه و اگر بیند که جاهل بود شغلی کند که از آن [illegible] یابد
اگر بیند که چغانه و چنگ و نای بهم میزد دلیل بر مصیبت بود جغد ابن سیرین گوید
جغد در خواب مردی [illegible] باشد نابکار و حسود [illegible] خوار و [illegible] اگر بیند
که با جغد جنگ کرد و او را [illegible] معنی [illegible] دیگر حال جغد [illegible]
کرمانی گوید اگر بیند که جغد را [illegible] شود [illegible] اگر بیند که بچه جغد [illegible]

فرزندش با خلف بود اگر بیند که از پشت چغندر خورد از مال مردی با لطف بقدر آن بخورد
چغندر ابن سیرین گوید چغندر در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که چغندر از خانه بیرون افکند
از غم فرج یابد کرمانی گوید چغندر در خواب منفعت اندک بود از زنان اگر بیند که چغندر
پخته میخورد از زنان منفعت یابد جگر ابن سیرین گوید اگر بیند که جگر پیدا کرده داشت
مال و نعمت یابد اگر بیند که بر جگر با خود قباله کرده می منفعت کند منوچی گوید اگر
بیند که جگری مهر کرده داشت مهر از وی بر گرفت در مال وی نقصان افتد اگر جگر او را در
ضایع شد مالش ضایع شود جگاوک اگر بیند که جگاوک گرفت عیالش
را فرزند آید اگر جگاوک نر بود پسر آرد و اگر ماده دختر آید کرمانی گوید جگاوک در
خواب مردی سخن غریب کم آزار اگر بیند که جگاوک داشت با چنین مردی او را
صحبت افتد جعفر صادق گوید دیدن جگاوک در خواب بر پنج وجه بود اول علم
کوچک دوم فرزند سوم علم چهارم غریب پنجم سخن کم آزار با مردم آمیزنده جگر
ابن سیرین گوید جگر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که جگر بریان یا خام بود
لب یا حلال کند و گنج یابد جگر گاو همین تاویل بود دانیال گوید جگر در خواب
فرزند بود چنانک رسول علیه الصلوة والسلام فرموده اولادنا اکبادنا کرمانی گوید بیرون جگر
بیود اشتون پنهان بود و جگرهای لبیار خام و پخته دلیل گنج بود و علم غیب
جعفر صادق گوید دیدن جگر در خواب بر شش وجه اول مال دوم فرزند سوم خادم چهارم دوست که بجای
فرزند بود ششم علم اگر بیند که از خانه او جگر بیرون می بردند با آتش جگر او را
می سوخت یا دزد آن مال او بستانند اگر این خواب عالمی بیند علمها را از او کند
می منفعت گیرد و اقبال گوید از وی منفعت گردد در طلب روزی ایشان حاجت.

خاصه خیر و منفعت از وی جدا شود اگر بیند کسی با وی جماع کرد خاندان او توانگر شود اگر بیند که
که با زن خود مجامعت کرد چنانکه زن بالغ بود و مرد و انزال نی دیگر خواهد رفت و بیند این سخن
گویند اگر بیند که با زن خود یا با زن دیگر از راه پس مجامعت کرد طلب کار ناروا کند و سنت رسول علیه السلام [illegible]
اگر بیند که با مادر و خواهر یا کسی که بر وی حرام است مجامعت کرد شفقت خویشان از وی بریده شود اگر زنده باشند
و اگر مرده دلیل غم و اندوه کند و بعضی از معبران گویند اگر زنده باشند خیر و نکویی بیند و اگر مرده باشند که حج گزارد
اگر بیند که با زن خود که مرده بود جماع کرد غمگین و مستمند شود اگر با زن بیگانه مرده مجامعت کرد
از کار امیدوار گردد اگر بیند که جماع با مردی پیر کرد خیر و نکویی بیند کرمانی گوید اگر بیند که با دختر
جماع شد دختر او بمیرد و در آن سال زن خواهد یا کنیزک خرد اگر بیند که با حرم پادشاه رفت
مجامعت کرد هم از وی خیر و منفعت یابد اگر بیند که با چهارپای معروف مجامعت کرد منفعت یابد
از جایی که او احقی بیابد اگر بیند که با چهارپای مجهول مجامعت کرد بر دشمن ظفر یابد و کار تنش آراسته
شود و بعضی گویند از پادشاه ترسی عظیم یابد اگر بیند که با مرغی مجامعت کرد بر کسی که بدان مرغ
منسوب بود ظفر یابد اگر بیند که با ترسایی یا جهودی یا گبری مجامعت کرد کار دنیاوی او منتظم
شود اگر مردی پیر که شهوتش بکلی از او زایل شده در خواب بیند که قوت او غالب شده بود
چنانکه می خواند در راه دین راغب گردد اگر این خواب زنی بیند همین تاویل دارد اگر بیند که
با زنی نامحرم جماع کرد طالب دنیا شود و مال حرام یابد و اگر با زنی مستوره کرد حکیم و دانا
و عالم شود معبری گوید اگر بیند که با استر جماع کرد از سختی برهد و بر دشمن ظفر یابد و نامش بلند گردد
و اگر بیند که با پادشاهی جماع کرد مقرب پادشاه شود اگر بیند که با زن پادشاه جماع کرد از وی منفعت یابد
اگر بیند که با زن حایض مرده جماع کرد با آن کسان مرده نیز دو وصلت اگر آن زن زنده بود از او جوانان
او مفارقت کند و بعضی از معبران گویند با زن حایض جماع کردن آن نه کارهای ناباب شنید
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با کنیزک جماع کرد از پادشاه خیر یابد اگر بیند که با مادر خود جماع کرد
منفعت یابد اگر با مرد معروف جوان جماع کرد از وی خیر بدان مرد رسد اگر با مرد مجهول جوانی

جماع کرد از باده حاجتش روا شود اگر بیند که با مردی مرده مجامعت کرد از آن ... [illegible] ... اگر بیند
که بازن جماع کرد از وی نیکی یابد و حاجتش برآید جعفر صادق گوید جماع کردن در خواب که از و غسل
واجب شود تاویل آن نباشد خلاب خوردن در خواب خوردن مال حلال بود
دین پاک اگر بیند که حلاب نوی از و بخورد و بعد از آن مال حلال حاصل کند و دین پاک
و رابه عفت و رست باشد اگر بیند که یک حلاب داد از آن کس منفعت یابد اگر بیند که حلاب
بخورد و برخت تاویلش بخلاف این بود جنازه ابن سیرین گوید اگر بیند که او را
بر جنازه میبرند دلیل که بیند از چندان مردم که از پس جنازه بودند فرمان دهد و بر ایشان ظلم کند اگر بیند او
بمرد و بر جنازه نهادند و می بردند و مردم از پس جنازه او میرفتند شرف و بزرگی یابد لیکن دینش بفساد بود اگر بیند
که جنازه مردی بر داشت و می برد بخدمت پادشاه پیوندد و از وی خیر یابد اگر در پیش جنازه اگو فی در هوا میشدند
مردی بزرگ از آن شهر در شهر بمیرد اگر خود را در جنازه بیند کران جنازه بر زمین میرفت بشود اگر زنی بیند که
بمرد و بر جنازه نهادند شوهر کند و اگر شوهر دارد در ... تباه شود کرمانی گوید اگر بیند که زنده را بر جنازه همی زدند
و از پس جنازه وی کسی نبود نقصان جاه بود و شکستگی کار اگر بیند که در پس جنازه وی مردم بسیار بود تاویلش
بخلاف این بود اگر بیند بر جنازه گران بود بر مردم ستم کند و اگر بر جنازه سبک بود حالش نیکو گردد اگر بیند که
جنازه شکسته باشد اخت ... از جاه بیفتد و کارش شکسته گردد جعفر صادق گوید دیدن جنازه در خواب
بر سه وجه بود اول بزرگی دوم ولایت سیوم عز و جاه جنب اگر کسی در خواب خود را جنب بیند بحرام ارتکاب
و بعضی گویند سفر کند و مراد نیابد اگر بیند که خود را از جنابت بشست و جامه پوشید بمراد رسد
و کارش گشاده گردد اگر خود را از جنابت نشست کارش تمام بر نیاید کرمانی گوید اگر خود را در خواب
جنب بیند کار خود متحیر و عاجز گردد اگر بیند که خود را در گرمابه بشست و بیرون آمد و جامه پاکیزه پوشید
توبت کند و حق تعالی ... ... کرمانی گوید اگر در سرای یا خانه ها
بسیار بیند غم و معیشت ... ... مطرقه بود و تاویل آن بر مردی قوی کند اگر بیند که خانه ای
او بود با مهتری قوی صحبت افتد و از وی منفعت یابد اگر بیند که کسی ... یا خانه ... بر دو مهتری
مشهور کند اگر بیند که ... وی ضایع شد از صحبت مهتر جدا شود کرمانی گوید اگر بیند که ...

نه انود و خایسیک بر سندان میزد میان دو کس سخن جنگی کنند و دشمنی افکنند خایه مرغ دانیال گوید
خایه مرغ در خواب کنیزک بود اگر بیند که مالیان در پس وی خایه برده دیگر از زنی دو ان باز گیرد یکی
فرزند آید اگر خایه مجهول بیند و نداند که خایه چیست زنی خواهد با جمال تمام و بیغش خایه اگر بیند که خایه پخته چو بود
مال بسیج به دست آرد اگر بیند که خایه نیم پخته می آشامید بیشی خواهد و روزگار بر او بماند اگر بیند که خایه حلیه [illegible] خام
خورد مال حرام خورد و رنج و سختی بوی رسد اگر بیند که خایه با پوست میخورد از مال مرده خورد و کفن مرده را
بستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه شتر مرغ زن بسیار خواهد و بجماع حریص شود اگر بیند که بر خایه نشست چنانکه مرغ
بر خایه نشیند خجسته و مهربان بود و از ایشان راحت یابد اگر زنی بیند که بجای فرزند خایه آورد فرزندی
کافر آورد قوله تعالی یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی اگر بیند
که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ از خایه بیرون آورد کار مرده وی زنده گردد و بعضی گویند فرزندی
مومن آورد اگر این خواب معلمی بیند کودکان را قرآن آموزد اگر بیند که خایه بشکست دختری زاد و شیری
برد اگر بیند که خایه را نتوانست شکست و شیری نتواند بردن اگر بیند که خایه بسیار داشت لقدر
لکن فرزند آورد و خایه بط فرزندی بود بیچاره و درویش و خایه گنجشک دلیل بر خیر بود خایه
ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد قوت و مال و فرزندش زیادت شود اگر هر دو خایه خود
کوچک بیند بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که خایه چپ بیرون کشید بیفکند فرزندش بمرد اگر بیند که خایه خود
بکسی بخشید او را فرزندی آید حرام زاده که نسبت وی از کسی دیگر باشد اگر بیند که خایهاش اماسیده
بود دیاو به بود مال بسیار یابد و از دشمن بیم بود اگر بیند که خایه او چنان دراز شد که بر زمین میکشید آنو
مال بسیار جمع کند اگر بیند که هر دو خایه خود بکسی بخشید بر دو بار زنان [illegible] کنند اگر بیند که پوست خایه خود
باز می کند کسی بر فرزند وی ستم کند اگر بیند که کسی خایه او را سخت بگرفت چنانکه از هوش برفت
خبر مرگ فرزند بود اگر فرزند نباشد خایهاش کم بود اگر بیند که بر خایه بسیار [illegible] موی بر بده بود
وانده و هلاک گردد اگر بیند که خایهای وی بجای بسته بود کارها بر وی بسته گردد و مغربی گوید که خایه مردم در خواب
دلیل بر بازداشتن شر دشمن از خود اگر بیند که خایه وی نقصانی بود دشمن بر وی ظفر یابد جعفر صادق گوید

دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود اول فرزند دوم اهل بیت سیوم مال چهارم غم پنجم بزرگی
ششم طلب حاجت هفتم مراد یافتن و خایه مرغان زنان بر چهار وجه بود اول فرزند نافرمان
دوم زن خواستن سیوم کنیزک چهارم فرزند آوردن خبر ابن سیرین گوید اگر بیند که
کسی ویرا خصی کرد غمگین و مستمند شود اگر در عمل باشد معزول گردد اگر بیند که او کسی را خصی کرد
دلیل غم بود و بعضی گویند تنگ عیشی بود ختنه کردن ابن سیرین گوید ختنه در خواب سنت
بجا آوردن سنت و نقصان ختنه کردن [illegible] مال دنیا بود اگر بیند که ختنه کرد سنت بجا آورد
و از گناه پاک گردد اگر بیند که هنگام ختنه خون از وی بیرون آمد بر آن سنت ثابت بود
و از گناه توبت کند اگر بیند که خون ختنه [illegible] ریخته گاه داشت غم و اندوه پدید آید
گوید اگر مردی ختنه کرده بخواب بیند که او را ختنه کردند از گناهان پاک گردد اگر ختنه
نکرده باشد دلیل که او مسلمانی پس پشت افکنده بود لیکن مالش بسیار بود جعفر صادق
گوید ختنه در خواب بر پنج وجه بود اول سنت بجا آوردن دوم فرزند سیوم نیکویی چهارم
رامش پنجم جدایی از زن و فرزند خربزه ابن سیرین گوید خربزه زرد بخواب بیماری بود
و خربزه شیرین منفعت چون بوقت بیند و خربزه سبز که شیرین باشد بهتر از زرد بود
کرمانی گوید خربزه سبز شیرین بوقت خویش دلیل بر زوال غم و اندوه بود اگر بیند که
خربزه بسیار پیش وی نهاده بود بعضی گرفتار شود که آن را علاج نداند کرمانی گوید چون خربزه بوقت
خویش بیند زن خواهد با منفعت بسیار و عیش خوش و تأویل خربزه هندی تأویل خربزه
سبز شیرین باشد خاصه شیرین بود جعفر صادق گوید دیدن خربزه در خواب بر پنج وجه بود اول
بیماری دوم زن سیوم علم چهارم منفعت پنجم عیش خاصه شیرین باشد خرچنگ در
خواب مردی دون همت کینه دار بود اگر بیند که خرچنگ بگرفت با کسی دون همت
بدخوی کینه دار مصاحب شود و از وی نفع حاصل کند اگر بیند که خرچنگ بکشت و یا از
جنگ او دور ماند رخت از بدخویی جدا گردد اگر بیند که گوشت خرچنگ خورد بقدر آن

مال حاصل کند اگر بیند که خر جنگ داشت با مردی دوستی کند و منفعت یابد خبر دانیال گوید
خر در خواب بخت بود و بزرگ واری مردم و نیک و بد از خر بیننده باز گردد اگر بیند که خر
که ملک او بود به نسبت در خر بروی گشاده شود و از غمها برهد و اگر خران بسیار دارد بخت
مال و نعمت زیادت شود و بهترین خر در خواب آنست که مطیع خداوند بود ابن سیرین گوید اگر بیند
که بر خر سیاه نشسته بود بهتری و بزرگی یابد اگر بیند که بر خر سفید نشست عز و جاه یابد
در دنیا اگر بیند که با خر سبز نشست زاهد و باورع گردد اگر بیند که با خر سرخ نشست از راحت و
عیش یابد اگر بیند که بر خر زرد نشست بیمار گردد و اگر خر وی ماده آبستن بود دلیل
امیدواری و خرمی که بوی رسد اگر بیند که گوشت خر خورد از تجارت مال یابد اگر بیند که
خر خود بکشت و از گوشت وی بخورد مال خود هزینه کند اگر بیند که خری که بر آن نشسته بود
بمرد بزیروی برود و بمیرد اگر بیند که خر وی بمرد معیشت وی تباه شود اگر بیند که از خر خود
بیفتاد درویش و تنگدست شود اگر بیند که از خری که نه ملک وی بود بیفتاد از کسی مضرت
یابد اگر بیند که از خر فرود آمد و باز بر نشست کاری که طلب کند زود مهیا شود کرمانی گوید
اگر بیند که سر خر میخورد بیمار شود و شفا یابد اگر بیند که خری بخرید و بها بداد از بزرگان راحت
یابد اگر بیند که خر وی یک چشم داشت معیشت بر وی تنگ شود اگر بیند که خر وی
هر دو چشم داشت مالی که دارد ضایع شود اگر بیند که دست و پای خر وی بسیار بود دراز
او را نفع بسیار شود اگر بیند که خر بفروخت یا بمرد و خری دیگر خرید معیشت وی از حلال
بحلال گردد اگر بیند که خر وی با استر رشد معیشت وی از سلطان بود لیکن بظلم و بیداد
اگر بیند که خر وی گوسفند شد مال او از حلال بود اگر بیند که با مرغ شد مال وی از حرام
تاویل آنکه مرغ اگر بیند که خر گربه شد مال وی از دزدی بود اگر بیند که خر وی بخر یا رشته تا مال
وی از حلال بود اگر بیند که خر وی دزد ببرد از آتش بغال شهرت یابد و کار او به نفاق
انجامد اگر بیند که خبر از توانا و توبست کار دنیا بر دو آسمان گردد و اگر بخلاف
این بیند

این بیند کست و نیا و دنیا بر وی تو از گردد اگر بیند که با خر مجامعت کرد مراد خود یابد اگر بیند که خر را
بر پشت گرفت و بجا برد و از پی نکوه اندر آن سوار و اقبال یابد و بانگ خر بخواب بد باشد قوله تعالی
ان انکر الاصوات لصوت الحمیر مغربی گوید اگر بیند که بر خر نشسته بود و خر
در زیر وی بانگ داشت عیالش بد خوی و مشنع باشد اگر بیند که خر خود با خر دیگر بدل
کرد اگر خر وی بهتر از آن بود حالش نیک شود اگر بیند که بهتر بود حالش بد شود اگر بیند که خر خود
با اسپی یا استر بدل کرد از پادشاه منفعت یابد و اگر با دیوی بدل کرد از پادشاه ظالم خیری گوید
اگر بیند که خر خود با گوسفند بدل کرد غنیمت و نعمت یابد اگر بیند که خر را با مرغ بدل کرد نعمت آن
مرغ راست یابد جعفر صادق گوید دیدن خر در خواب بر ده وجه بود اول بخت دوم دولت
سیوم فرمان روایی چهارم سیاست پنجم مال ششم زن با کنیزک هفتم شاگرد و غلام هشتم اقبال
نهم بزرگواری دهم مرتبت و خر بنده در خواب خداوند ولایت و تدبیر است کننده کارها بود
خر گور ابن سیرین گوید اگر بیند که خر گور به خواب دید غنیمت یابد اگر بیند که بر خر گور نشسته بود
او مطیع بود دلیل که معاصی و گناه کار بود اگر بیند که خر گور بشکار گرفت خیر و نعمت یابد بقدر آن اگر
و غیره خر گور اگر بیند که دو خر جنگ کردند از هردو دو مرد فاسق با وی خصومت کنند اگر
بیند که خر گور را الجام برد فاسق را بجای برد کرمانی گوید دیدن خر گور در خواب بر مردی جاهل و احمق
بود که او را علم و خرد نباشد قوله تعالی اولئک کالانعام بل هم اضل اگر بیند که گوشت
خر گور خورد مال بسیار یابد اگر بیند که بر خر گور نشسته بود و مالی بی اندازه یابد مغربی گوید دیدن گوشت
و پوست خر گور در خواب غنیمت بود و گویند بغزو جاه یابد اگر بیند که سر خر گور داشت هزار دینار
یابد و یا با مردی صحبت دارد و از وی منفعت یابد اگر بیند سر خر گور بخورد عبادت بسیار کند و راه
دین آید اگر بیند که خر گور از وی بگریخت از مسلمانان مفارقت جوید خردل ابن سیرین گوید
خردل در خواب غم و اندوه بود و خوردن نقصان مال یا بیمار مغربی گوید خوردن خردل خصومت
بود خرس ابن سیرین گوید خرس در خواب مردی دزد و مایه بود و احمق اگر بیند که خرسی داشت

ازیافت و خواری اگر خرس انگشت بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که از گوشت او خورد و یا پوستش
یا خون و دست تر شی بوی رسد کرمانی گوید خرس در خواب مردی بدبخت دیوانه بود اگر بیند
که با خرس ماده زنی یابد همچنین اگر بیند که خرس ماده بگرفت زنی همچنین خواهد اگر بیند که خرس
بخانه او در آمد اگر ماده بود زن خواهد و اگر نر بود مردی بدین صفت در خانه او بود بازار
ویران خرس بد باشد خرگاه ابن سیرین گوید اگر بیند که در خرگاه نشسته بود از متاع دنیا
چیزی یابد یا زنی خواهد خاصه خرگاه ملک او بود اگر بیند که خرگاه از انجا خراب میکرد در
طلب معیشت دنیا رنجور گردد اگر خداوند خرگاه نشانه و خرگاه بگونه سبز یا سفید بیند
دلیل بر خیر و نیکوی کند کرمانی گوید اگر خرگاه مجهول بیند بگونه سبز و دراز نشسته بود شهید گردد
اگر بیند که خرگاه معروف بود و ملک وی بود دین دار و پارسا گردد اگر بیند که خرگاه سفید
بود منفعت یابد اگر خرگاه سرخ بود بعشرت مشغول شود و اگر خرگاه کبود مصیبت یابد
اگر سیاه بود منفعت اندک یابد اگر خرگاه ارزان او بود با دیانت و پارسا گردد خرگوش
ابن سیرین گوید اگر بیند که خرگوش داشت زنی بد خواهد یا کنیزک بد خرد اگر بیند که پوستش
خرگوش پوشیده بود یا گوشت خرگوش میخورد اندک چیزی از زنی گیرد اگر بیند که بچه
خرگوش داشت او را کاری پیش آید که در آن خیر بود و بعضی گویند از فرزند اندوه خورد
مغربی گوید خرگوش در خواب زنی یار بیمار خاموش بود اگر بیند که خرگوش بمرد یا بکشت
بسبب عیال او را مصیبت رسد اگر بیند که گردن خرگوش را از قفا در پیچید چندانک جدا
شد با زن خود از راهی دیگر معامله کند خرما ابن سیرین گوید خرما در خواب مال خواسته بود
اگر بیند که خرما خورد اگر اهل علم است علمش را ذوق بود اگر بازرگان است مالش زیاد
گردد اگر بیند که خرما خورد و دانه بینداخت احکام شریعت بجا آورد و بعضی از معبران گویند
که خوردن خرما میراث یابد اگر بیند که خرما نارسیده از درخت بازگرفت او را فرزندی

آید اگر بیند که در سرای وی درخت خرما بود و بار بسیار داد و فی بی احال خواهد منفعت یابد
اگر بیند که بن خرما خشک شد میان اب آل خوابی افتد اگر بیند که در سرای وی خرما
ثابت بده خشک شد و سبز شد اگر بیمار بیند شفا یابد اگر بیند که خرما می اید از آسمان
و در یکی بیمار شود کرمانی گوید اگر بیند که خرمای تازه داشت لسیخ حاصل کند منفعت گوید
خرما می خورد خوردن منفعت بود که از مهتر رسد اگر بیند که در خانه خویش خرمای بسیار داشت
بقدر ازعقار و صیانه خویش مال و نعمت یابد اگر بیند که خرمای تازه و خشک خورد حلاوت
ایمان یابد و کارش منتظم شود اگر بیند که خرما می خورد و می گرید کاری که در دست دارد بریده
زند انتظام شود معبری گوید اگر بیند که خرما بر گرفت زنی خواهد و بقولی دیگر مال یابد اگر بیند که
از بن خرما انگور سیاه فرا گرفت از کنیزکی بهند و فرزند آورد اگر بیند که از درخت خرما بر
خشک خرمای تازه فرا گرفت سخنی لطیف از مردی منافق شنود و بعضی گویند از مرد عالم
سخن لطیف مفید شنود اگر صاحب خواب غمگین بود شاد گردد و از غم فرج یابد بقوله تعالی
بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا جعفر صادق گوید خرما در خواب
مال حلال بود از جهت رهنی کرم و دیدن پیغمبر علیه السلام خرما دلیل دین پاک و
مال حلال بود و دیدن خرمای تازه روشنی چشم و مال حلال و فرزند نیک خرما من
گویند مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت چهار خرما یافتم بدر سرای سلطان گفت ترا هم
انجا فردا چهار چوب بزنند همچنان بود دیگر همان مرد باز آمد و همان خواب بگفت
ابن سیرین گفت چون خواب داد که چهار هزار درم بهای آن یابی گفت یا ابا الفضل تعبیر این خواب بگو که دیگر
بود و امثال الحلاف آن گفت پار سال درختان خشک بود تا و پار خوب بود و امسال
درخت بهارست و تازه و سیم بود بعد از انکه یک هفته بر آمد چهار هزار درم یافت
خرمن ابن سیرین گوید خرمن غله در خواب مرد را بود که رنج مال جمع کند کرمانی گوید اگر بیند که

غلمی خرنوت ابی خواهد و بعضی گویند مردی باشد که او را مال بزحمت جمع شده باشد خرنوت
ابن سیرین گوید خرنوب مردی باشد که مال برنج و تعب حاصل کند اگر بیند که خرنوب می‌خورد
مال خود بر عیال نفقه کند اگر بیند که خرنوب از درخت جمع کرد بقدر آن مال از بخیلی جمع کند
اگر بیند که خرنوب را باتش بسوخت پادشاه مال وی بستاند خروس ابن سیرین گوید
اگر بیند که خروس بچه داشت و دانست که ملک او ست بنده آزاده او را قهر کند اگر بیند که خروس
را بکشت بر بنده ظفر یابد اگر بیند که با خروس جنگ میکرد با مردی عجمی خصومت کند اگر خروس
بچه داشت او را غلامی یا پسری حاصل شود از کنیزک اگر در خواب بانک خروس شنید آگاه
و بیکی گر بیند اگر بیند که خروس بروی می‌جست وی را از کسی اندوه رسد و خانه خروس در خواب
خروس بود معبری گوید اگر بیند که خروسی آمد ... او را بسر آمد یا بر بوزینه صحبت کند چنانکه خروس بود
الدیک صدیقی و هو یدعو الی الصلوٰة خروس دوست مؤذن است که مردم را بنماز می‌خواند جعفر صادق گوید
اگر بیند که خروسی یافت بر مهتر زاده غلبه کند اگر بیند که خروس داشت و بکشت بر مهتر زاده
مسلط شود خرید و فروخت ابن سیرین گوید خرید و فروخت در خواب نیک نباشد الا آنکه
بدرم و دینار کنند اگر خرید و فروخت بقال کند بقدر کالا راحت یابد جامه خر ابن سیرین گوید
جامه خز در خواب از جبه و دستار و کلاه و آنچه بدین ماند جامه مردان را نباشد بدو نمود
جعفر صادق گوید دیدن خز در خواب کسی را که سزاوار خز بود بر پنج وجه بود اول مال و منفعت
دوم خیر و برکت سیوم عز و جاه چهارم مرتبت پنجم ریاست و بر زنان نیک‌تر باشد گویند پوشیدن
جامه خز در خواب دلیل بر مال حرام کند معبران گویند مردان را ابریشم بخواب دیدن بد بود و
زنان را نیک و مرد خز فروش کسی بود که دنیا را بدین اختیار کند خسته کردن ابن سیرین گوید
اگر بیند که کسی تن او را بخست و از آن خسته او خون نیامد سخن راست گوید اگر بیند که خون بیرون
آمد آن خسته کننده سخن محال و دروغ گوید کرمانی گوید اگر بیند که کسی را تیغ زد و بدو نیم کرد

۱۴۶

در حق وی طعنه زنند و بد گویند اگر بیند که خود خشتی لب زمین انداز باد شد منفعت یابد اگر بیند که مالی کوبد خشتی
بر زمین نقصان مال بود و بیمار گردد توبت کنند حضرت جابر گوید دیدن خشتی در خواب بر وجوه بود
اول ملک دوم منفعت سوم مخزن چهارم خوشی خشت ابن سیرین گوید خشت در خواب مال
مجموعه چنانکه در تاویل هر خشتی هزار درم نهاده اند اگر بیند که خشتی داشت هزار درم یابد
اگر بیند که خشت بسیار داشت جمع کرد نعمت و مال بسیار جمع کند اگر بیند که خشت از دیوار فرو افتاد
مال خود تلف کند اگر بیند که خشت بر یک دیگر نهاد و برکند مال خود را ضایع کند و گوید
که خشت پخته بخواب دیدن ناپسند است زیرا که آتش بوی رسیده است و چنانکه خشت
پخته بد بود و خشت خام نیکو ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که بر کف خشت دارد
دلیل کند که از زهد و دنیا خشم گرفت کار دین خوار دارد و بدنیا مغرور شود
کرمانی گوید اگر بیند که بر پدر و مادر خشم گرفته است از بندگی بیفتد و من یحلل علیه غضبی
فقد هوی حضرت دانیال علیه السلام فرمود که پایش بود ابن سیرین گوید اگر بیند که با کسی خصومت کرد
دعا کند و بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که آنکس بروی غالب شد تا دیدن بخلاف این بود
اگر بیند که بر کسی خشم رفت بخصومت حاجتش روا شود و معبر گوید اگر بیند که با مردم
بی سبب خصومت کرد و مردم را ز وی اندوهگین شوند خصی کردن ابن سیرین گوید اگر بیند
که خود را خصی کرد هنگام شهر زبون گردد لیکن طاعت حق تعالی را راغب شود و بعضی
از معبران گویند فرزندش بمیرد و دیگر فرزند نیاورد و توانگر شود اگر مجهولی را خصی
بیند دادرسی بود و دلیل که خصی فرشته بود که او را الله خبر دهد که دیانت و ترسند
تا خبر کنند زیرا که فرشته از شهوت پاک باشند اگر خصی مانند دیده باشد دیدن
بوی بار گردد کرمانی گوید اگر بیند که خیانت او بریده شد یا بیفتاد دشمن بر وی ظفر یابد
و لیکن نبیند او را دیگر دختر نباید اگر بیند که حال کسی خود بیرون آمده و یک بخشند

فرزندان وی بکسی دیگر منسوب کنند منسوب الی گوید اگر بیند که خصی شد زیان یابد
اگر بیند که قضیبش از بن بریده شد ناکس از میان مردم بریده شود و اطفال جاه و فرزند نبود
حاصل قضیب ناخلفان بریده بیند امام جعفر صادق فرماید دیدن خصی در خواب بر دو وجه
بود اول عز دوم منفعت از اهل حرام سوم عبادت کردن خضاب دانیال گوید
خضاب کردن بر ریش پوشیدن کارها بود و اگر بیند که سر و ریش را خضاب کرد و رنگ نگرفته
حال وی بر وی نماید اگر بیند که رنگ گرفت حالش نیکو گردد اما کارها بر وی پوشیده شود
ابن سیرین گوید اگر بیند که خضاب بکاری کرد که مردم منکران بودند کارهای ناپسندیده
اگر بیند که دست و پای را بحنا خضاب کرد فرزندان با برادران خود بیارایید با آرایشی که
خلاف شرع باشد کرمانی گوید اگر بیند که دست خود بحنا خضاب کرد بطلب معیشت
بجور کرد اگر بیند هر دو دست به حنا خضاب کرد ولکن رنگ نگرفت مکر و حیلت سبب
حالش اگر بیند که یک دست هم بر سر دیگر عزیزی بمیرد یا خود هلاک کند
اگر این خواب زنان بینند شادی خرمی یابند اسمعیل اشعث گوید اگر
مردی بیند که دست و پای خود خضاب کرد کاری کند که مردم بر وی افسوس کنند
اگر بیند که سر انگشتان خضاب کرد تسبیح کند اگر بیند که هر دو دست را بخضاب نقش
کرد با دوستان حیلت و مکر کند جعفر صادق گوید خضاب در خواب بر چهار وجه بود
اول کارهای پوشیده دوم حاجت سوم آرایش حال دنیا سوم طلب جاه چهارم
معروف شدن ببدعت گفتن خطبه کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که بر سر منبر
خطبه میخواند و اهل خطابت باشد عز و بزرگی یابد و اگر اهل خطابت نبود
بر منبر نامور و بیم خطر بود و اگر آواز سخت بیم در گشتن بود اگر بیند که کسی دینی
خطبه میخواند آن کس مسلمان شود یا بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که با جماعتی بر سر منبر
خطبه میخواند

خطبه میکرد اگر پادشاه مصلح بود و عدل و داد کند اگر پادشاه مفسد بود تا ... شود و اگر بیند
که زنی بر سر منبر خطبه میکرد دلیل آن است که زن رسوا شود و معبری گوید اگر بیند که
میان مردم خطبه ترویج میکرد از وی همه کس خیر و احسان رسد خطمی ابن سیرین گوید
خطمی بوقت وی منفعت اندک بود و بی وقت اندوه و غم خوردن وی معروف ... الافعال
مال و سر شستن آن دلیل بر توبت و پاک دینی بود خفتن ابن سیرین گوید خفتن
در خواب مرده را دلیل اگر پوشیده بود راحت و رستگاری باشد اگر بیند که بر تختی
خفته است یا بر بستری نرم یابد و از وی خیر باشد اگر بیند که بر جای دون بر بستری
خفته بود خوار گردد کرمانی گوید خواب نشسته زار ... بود ... بیماری و بیمار را
بیشتر و زندگانی فراخ معبری گوید اگر بیند که میان مردمان خفته بود یا کسی او را
دید میان مردم لکاری شهرت یابد قوله تعالی وتحسبهم ایقاظا وهم رقود صدق الله
خلال کردن ابن سیرین گوید خلال کردن در خواب نیکو باشد زیرا که دندانها در خواب
اهل بیت بود و خلال مانند جاروب باشد که پاک اهل بیت روید اگر بیند
که خلال کرد و لقمه را که بیرون آورد از مال اهل بیت او نقصان شود معبری
گوید اگر بیند که آنچه از دهان بیرون آورد بیکی داد از اهل بیت خود چیزی با حجت
لب ... خلعت ابن سیرین گوید خلعت بخواب دیدن چون پاکیزه
و نیکو بود عزت و مملکت و ... و گنج یابد و حکم آن بر قدر خلعت و ... بود
کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بدو خلعت داد و لقمه خلعت پادشاه مال و نعمت
یابد اگر بیند که عالمی وی را خلعت داد علمی یا حاجت کند جعفر صادق گوید اگر بیند
که خلعت که پوشید سفید بود یا سبز عز و جاه دینی یابد اگر ابریشمین بود عز و جاه
دنیاوی یابد خلقان جامه کهنه بود و پوشیدن آن غم و اندوه ابن سیرین گوید

اگر بیند که جامه خلقان از تن وی بیرون کرد در وقت از غم و اندوه دور شود و چیزهای
نو بخواب نیک باشد مگر موت که کهنه بهتر از نو باشد کرمانی گوید اگر بخواب خلقان
فروختن بیند باشد و اگر جامهای نو خرد و فروشد نیک باشد اسمعیل اشعث
گوید جامهای کهنه فروختن نیک باشد و خریدن بد خلقان در خواب بد بود و که
[illegible] از خود دور کند حلیم [illegible] محافظ بود که از [illegible] بیرون آید کرمانی گوید اگر بیند که از
بینی او حلم می آمد و آتش گرداده شود و نجم فرج یابد این سخن گوید اگر بیند که حلیم
وی افتاد او را ابتری آید اگر بیند که از بینی بر زمین افتاد او را دختری آید اگر بیند که
حلیم بر زن اندر [illegible] زن آبستن شود و بچه بیفکند اگر بیند که زن بروی حلیم افکند
با زن همسایه فسق کند اگر بیند که حلیم خورد مال زن خورد بر وجه نیک خلیفه
این سخن گوید اگر خلیفه را بخواب بیند که با لطف با وی سخن گفت خیر و دین و دنیا
یابد اگر بیند که خلیفه او را امر نمود که کاری کند که مرتبت یابد از بزرگان اگر بیند که خلیفه
او را امیر کرد بر ولایتی از آن قوم شرف و بزرگی یابد اگر بیند که در سرای خلیفه
از [illegible] گرد اگر بیند که خلیفه او را از متاع دنیا چیزی داد منزلت یابد
و میان مردم نام آور شود اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد و از آن کاری که
تعلق دارد حاجتش روا گردد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که گرد سرای خلیفه
می نشست و همین تأویل دارد اگر بیند که بر نشسته و جای خلیفه خفته بود خلیفه
او را [illegible] با کنیزک یا مال [illegible] اگر بیند که لباس خلیفه پوشیده بود در خلافت
با او شریک شود اگر در پیش خلیفه با پهلوی او نشست [illegible] خلیفه قیام یابد
اگر بیند که خلیفه با وی ترش روی است بی سببی در دین وی خلل باشد معبر
گوید اگر بیند که خلیفه مشغول است [illegible] اهل آن [illegible] بزرگی و مرتبت یابد اگر بیند که خلیفه

او را [illegible]

بینی

اندر انگاری فرستاد منفعت یابد جعفر صادق گوید اگر کسی خلیفه الحوائت دمان بیند یا دیگ کف
مرادش حاصل شود و غرو جاه یابد اگر انده دهکس تبیند بخلاف این بود خشم ابن سیرین گوید خم
درخواب زنی بود که از نفعت و فایده بخانه رسد بقدر بزرگی خم کرمانی گوید خم سفالی در خواب فتنه گنج
بود و خم آب یافتن زنی توانگر اگر بیند که درخانه او خم پر آب بود و از آن آب بخورد مال بسیار
یابد و بخیر گند و خم سرکه بخواب مردی بهیزکار بود و خم مسکه و روغن دلیل بر مال زیاد و خم انگبین
دلیل مال حلال و خم انگور دلیل بر مردی بیمار و خم لفظ دلیل بر مردی فرمانروا و خم
درخواب دیدن دلیل بر سلطانی بزرگ یا بر اصحاب سلطانی خمیر ابن سیرین گوید سرشتن
آرد جو دلیل بر درستی دین بود و سرشتن آرد گندم ملال بود از تجارت یا سود بسیار و اگر خمیر برخاسته
بود اگر خمیر نخواسته بود قال بود سرشتن آرد گاورس درخواب نفع اندک بود که بوی رسد کرمانی
گوید اگر خمیر گندم بود بقدر آن از تجارت مال حاصل شود اگر خمیر گاورس بود نفع اندک بود جعفر
صادق گوید دیدن خمیر درخواب بر سه وجه بود اول زیادتی در دین و مال دوم منفعت اندک
سیوم روزی حلال باشد خنبره سه قول گفته بعضی گفته زن بود و بعضی گفته خادم بود و بعضی گفته
که رسول بود که متاع مردم شهرها بر دگر مانی گوید اگر بیند که خنبره ابگینه درخانه داشت زن را
طلاق دهد اگر خنبره از آن او بود زنی خادم یا کنیزک حاصل کند یا زنی خادمه صحبت کند و
از وی منفعت یابد اگر بیند که خنبره او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود خنجر ابن سیرین گوید
اگر بیند که خنجر در دست داشت ویرا با کسی جنگ افتد اگر بیند که خنجر ضایع شد تاویلش بخلاف
این بود خنجر ابن سیرین گوید اگر بیند که خنجر در دست داشت ویرا با کسی جنگ افتد اگر بیند که خنجر
ضایع شد جنگ الخ ... اگر بیند که در دست وی برهنه بود و بی سلاح کند دلیل که از کسی
نصرت یابد اگر با خنجر سلاح بسیار داشت بر دشمن ظفر یابد و کارش منتظم شود خندیدن ابن سیرین
گوید خنده درخواب غم و اندوه بود اگر بیند که بقهقهه می خندید اندوهش زیادت شود قوله تعالی
فلیضحکوا قلیلا ولیبکوا کثیرا اگر بیند که آهسته خندید اندوهش کمتر باشد

کرمانی گوید خندیدن آهسته در خواب یافتن مراد بود فتبسم ضاحکا من قولها جعفر صادق
گوید خنده آهسته فرزندی بود بحسب فضحکت فبشرناها باسحق و خنده قهقهه دلیل غم و اندوه و
شگفت ماندن از کارها بود قوله تعالی افمن هذا الحدیث تعجبون و تضحکون
خوان ابن سیرین گوید اگر بیند در خواب که خوانی داشت و از آن نان میخورد بقدر آن غنیمت یابد
کرمانی گوید بر داشتن خوان از پیش چون طعام نخورده باشند بیماری بود یا مکاری مغربی گوید خوان
آراسته در خواب قوت دین بود و چون ناخورده بردارند غم و اندوه بود و بسیار خوردن طعام
بر خوان درازی عمر بود اگر بیند که بر خوان از سه گونه طعام بود روزی او فراخ بود قوله تعالی
انزل علینا مائدة من السماء و بعضی گویند عز و جاه یابد جعفر صادق گوید دیدن خوان در
خواب پنج وجه بود اول غنیمت حاضر دوم مرد شریف سیوم قوت دین چهارم نظام پنجم خرمی خود
ابن سیرین گوید خود در خواب چیزی بود که خود را از آن چیزها نگاه دارد اگر بیند که خود پولاد
بر سر داشت قوت و جاه او زیادت گردد بقدر روشنی خود اگر بیند که خود از سر برداشت عز
و جاهش کم شود کرمانی گوید اگر بر سر خود بیند فرزندی آورد مغربی گوید اگر بیند که خود پولاد
روشن بر سر داشت از مهتری قوت یابد اگر بیند که خود خود بکسی داد املاکش از قوت و حشمت
بود اگر بیند که خود وی ضایع شد عز تنش کم گردد جعفر صادق گوید دیدن خود در خواب پنج
وجه بود اول قوت دوم مال و بزرگی سیوم فرزند چهارم بقا و نیکو حالی پنجم چیزی که خود را بدان
نگاه دارد خوردن ابن سیرین گوید هر خورشی که بوی خوش دارد به خواب خیر و خرمی بود اگر
بوی ناخوش دارد دلیل فنا و بدی بود و سیر و پیاز و گندنا خوردن در خواب غم و اندوه بود
اگر بیند که خورشی تلخ و ناخوش خورد بیماری رسد و درویشی یابد کرمانی گوید خورش چون طعم شیرین و چرب و
وش دریابد اگر ترشی یا تلخ یا شور بود دلیل رنج و اندوه بود و خوردنی فردوسی تنها دلیل خداوند
سخنی بود خوشه ابن سیرین گوید خوشه در خواب چون سبز و تازه بود زیادتی مال و فرزند بود چون
خشک بیند فرزندی دراز عمر بود اما آن سال تنگی و قحط بود و خوشه خرما و انگور رشتم زر و نعمت
بود خاصه بوقت خویش کرمانی گوید اگر بیند که خوشه سبز خورد در آن سال فراخی و خوشی عیش بود

اگر بیند که خوشه

اگر بیند که خوشهای رز و خشک بود قحط و تنگی بود جعفر صادق گوید دیدن خوشه سبز و تازه فراخی
بود و برکت قوله تعالی سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة و خوشه خشک قحط و تنگی بود خوک
ابن سیرین گوید خوک مردی بدعقوبت بود و توانگر لیکن بی خیر و دون همت بود اگر بیند که خوکان را
در جایی نگاه میداشت و رها نکرد که پراکنده شوند مالی از حرام جمع کند کرمانی گوید مخالطت کردن
با خوک دنیا را نیک بود و دین را بد و بچه خوک در خواب غم و اندوه بود و خوردن
آن متیر وی مصیبت بود بقدر آنچه خورده باشد اگر بیند که گوشت خوک خورد ... اگر
بیند که خوکان را از جایی بجایی می برد احوال دنیا او نیک شود و لکن بد اگر بیند که در میان
خوکان ملک وی بند خرم شود و جهت مالی که از ظلم حاصل کند اگر بیند که میان خوکان نشسته بود
بر دشمن غالب شود و بر زنی یابد اگر بیند که خوک از لب وی در آمد و از پشتش بیرون شد مراد او بلند او را
حاصل شود اگر بیند که پوست خوک داشت مال حرام یابد اگر بیند که ستان خوکان بود
بر گروهی بدفعال بی دین مهتر گردد مغربی گوید اگر بیند که با خوک صحرائی جنگ کرد با مردی دون
همت ستمگر او را خصومت افتد اگر بیند که موی خوک یا پوست یا استخوان داشت بقدر آن
مال حرام یابد اگر بیند که خوکان را اجرا بیند ملکش با مردم ستمگر باشد خون آمدن ابن سیرین گوید
اگر بیند که بی جراحت خون از تن وی می آمد از کسی رشوت ستاند یا زیانی رسدش اگر بر تن
خود جراحتها بیند که خون از وی میرفت اندوه یابد اگر بیند که کسی او را نشتر زد و خون روان
شد زبان خلق بروی دراز شود و او را ثواب بود اگر بیند که از جراحت خون آمد و جامه
آلوده کرد مال حرام یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر تن وی سوراخ بود که از آن خون با ریم روان بود
و جامه او آلوده کرد بقدر آن مال حرام حاصل کند اگر بیند که از قضیبش خون آمد او را
فرزندی از شکم مادر برود اگر بیند که از مقعدش خون آمد بقدر آن مال حرام یابد اگر بیند
که از بن دندان او خون آمد از خویشان غم و اندوه بیند مغربی گوید اگر بیند که در جاه
خون افتاد بحزن یا خوف مبتلا گردد اگر بیند که در شهری یا در کوچه خون میرفت دلیل

بر خون ریختن بسیار بود و دران موضع دانیال گوید اگر بیند که خون از بینی وی می آید و ضعیف شد
مال حرام … چون خون آلوده گردد اگر بیند که خون اندک آمد و ضعیف شد جامه‌اش
بخون آلوده گشته درویش شود و مالش نقصان گردد اگر بیند که قوت باقی آمد مال حرام
یابد خیار … ابن سیرین گوید خیار بوقت خود بخواب دیدن نیکو شود یار فی … اگر بیند
که از آن خیار خورد مرادش حاصل شود و حکم خیار بادرنگ هم ازین قیاس … کرمانی گوید اگر بیند
خیار همی خورد کاری کند که پشیمان شود خیار بی طعم اگر بی بوقت بیند غم و اندوه بیند جعفر صادق
گوید دیدن خیار در خواب بر سه وجه بود اول پشیمانی از کار حرام شدن دوم … سوم منفعت از اقبال
دوستان و خویشان خیک ابن سیرین گوید خیک شتر و مانند مردی بود که بر دستش مال حلال
هزینه شود چون پل و رباط و شغلها خیر چون مسجد و قیام ماند و خیک انگبین مردی عالم بود اگر بیند
اگر بیند که خیک داشت او را با مردی بدین صفت صحبت افتد و از وی منفعت اگر بیند که خیک ضایع
شد از صحبت او جدا افتد خیری ابن سیرین گوید خیری در خواب اگر بوقت و اگر بی وقت بیند بیماری بود
خیمه ابن سیرین گوید اگر بیند که خیمه از بهر خود بزد و در آنجا نشست اگر سیاه بود مال یابد بقدر آن
خیمه و اگر بازرگان بود مال از سفر حاصل کند اگر خیمه از اسباب … شد غم و اندوه یابد اگر خیمه کهن بود
یا دریده مضرت یابد کرمانی گوید اگر بیند که از خیمه بیرون رفت از بزرگی بیفتد اگر بیند که پادشاه در خیمه خود
نشسته بود کارش نیک شود و بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که پادشاه او را در خیمه خود خواند و از آنجا بنشست
از پادشاه قدر بزرگی یابد و کارش بنظام شود و خیمه در خواب مردی بود که کار پادشاهان و بزرگان
با هم نویند و مهیا دارد خیو ابن سیرین گوید اگر بیند که خیو می انداخت سخن گوید که او را حلال نبود
اگر بیند که خیو در مسجد انداخت آن سخن در دین گوید و همچنین خیو بهر موضع که انداخت سخن در صلاح
آن موضع گوید اگر بیند که در دیوار انداخت مالی هزینه کند در رضای حق تعالی اگر بیند که خیو در
زمین انداخت ضیاع خرد اگر بیند که خیو بر درخت انداخت عهد بشکند یا سوگند دروغ
گوید کرمانی گوید خیو گرم دلیل بر درازی عمر بود و خیو سرد دلیل بر مرگ و خیو سیاه دلیل
بر غم و اندوه و خیو زرد بیماری و خیو خشک فرو ریختن دلیل بر درویشی و لعاب دهان سخن او بود

بر عیان آید بی آنک حاجه ابیا لابد علیم باشد که بگوید اکر لعاب حجن بیرون آید علم در فرج و حالت کوید اکر
بیمار بیند که بلغم از کلو بر زمین افکند از بیماری شفا یابد اکر بیند از کلو بیمار آورد و یا سکین از قبر
مال خود بر عیال هزینه کند مغربی کوید اکر بیند که چنو در روی او انداختند در امان نیست او
طعنه زنند اکر بیند که با چنو خون آمیخته بود حرام خورد و در فرج کوید حرف الدال مع
الکاف الکاف ملک التعبیر دارو ابن سیرین کوید اکر بیند که از بهر بیماری دارو خورد او را
موافق بود صلاح دین جوید اکر موافق نبود صلاح دین از وی زایل شود اکر بیند که از بهر
تن درستی خورد بقدر موافقت دارو صلاح و دنیا یابد اکر بیند که از بهر مردم دارو سخت
با خلق خدای تعالی احسان کند اکر بیند که دارو خشک می سنتد از غم و اندوه برهد کرمانی
اکر بیند که دارو خورد و اسهال بسیار افتاد و در بحور ... اوا مضرت و زیان رسد اکر اند
اینچ بیند خیر و منفعت یابد اکر بیند که دارو خورد و عقل و هوشش از وی برفت از غم
فرج یابد جعفر صادق کوید هر دارو که زرد بود بیماریست و هر دارو که تا شامیون
آسان بود دلیل شفا و راحت کند و آنچه بخوردن مکروه بود زیان مضرت باشد اکر بیند
که چیزی دارو خورد و در حال اثر کرد دین وی بصلاح آید و اکر اثر نکرد بخلاف این است
دار چینی ابن سیرین کوید اکر بیند که دار چینی بسیار داشت غمکین و متفکر شود اکر بیند که
دار چینی خورده اند و هاش صعبتر بود کرمانی کوید اکر بیند که دار چینی از بهر علت میخورد او را
سود داشت دلیل بر خیر کند داغ کردن ابن سیرین کوید داغ کردن در خواب یافتن مالی
بود و کنج بر قدر آن که در راه خدای تعالی هزینه کند و در عقبی از عقبات رستکاری یابد
و اکر در ستر و فنا صرف کند و در آخرت بعذاب کرفتار شود کرمانی کوید اکر بیند
که از آن داغ خون و ریم می آمد مقرب پادشاه شود اکر از آن داغ خون بسیار آید
از پادشاه بهره یابد دانیال کوید اکر بیند که داغ بر تن کسی نهاد صلاح دین و دنیا و بود و
بعضی کویند داغ کردن جای باشد در کار پادشاه قوی ... بوم محمی علیها فی نار جهنم

داس اگر بیند که داس در دست آلتی سازد که بدان مال حاصل کند
اگر بیند که داس او ضایع شد نقصان مال بود اگر بیند که داس از زرین یا سیمین داشت مال حرام حاصل
کند که بیند که بدان داس کشت و درود کرد مالی برنج حاصل کند دام ابن سیرین گوید دام در خواب
مکر و حیلت بود اگر بیند که پای او در دام گرفتار شد تاویل بخلاف این بود معبری گوید اگر
بیند که پایش از دام گشاده شد تاویل بخلاف این بود اگر بیند که جانوران بدام بگرفت اگر که
بدان جانور منسوب بود بمکر و حیلت بدست آرد و مطیع خود کند دانها ابن سیرین گوید دانها
در خواب اگر پخته بیند و اگر خام و اگر خشک بود و تر غم و اندوه بود کرمانی گوید اگر بیند که از آن
دانها که بر زمین ریخته باشد آن دانه از زمین کاسد شود و هر چه از دانها که در خانها خود بیند در حوال
نرخ آن گران شود معبری گوید اگر بیند که دانه در تشت افتاد و حال بر خداوند و زمه ملک نشود اگر
بیند که دانها از زمین بر چید نرخ آن گران شود اگر بیند که آتش در دانها افتاد نرخ آن گران شود
اگر بیند که مردگان دانها بمردم می دادند ارزان گردد دباغی ابن سیرین گوید دباغی کردن در خواب
گزاردن شغل درمانی بود اگر بیند که دباغی کرد شغل مردم بصلاح بگزارد اگر بیند که مرده را
زنده کرد بیشه دباغی کند کرمانی گوید که دباغ در تاویل والی بود و پوست در خواب مال
و میراث و دباغ کسی بود که میراث وارثان قسمت کند معبری گوید دباغ بخواب دیدن مردی بود
که صلاح کار میراث در او بود دبه ابن سیرین گوید دبه روغن در خواب مردی امین باشد اگر بیند
که دبه روغن داشت او را با مردی امین دوستی افتد و از وی منفعت یابد بقدر بزرگی دبه اگر دبه
را تهی و حقیر بیند غم و اندوه یابد اگر بیند که دبه وی ضایع شد از صحبت وی جدا شود جعفر صادق
گوید دیدن دبه در خواب بر نه وجه بود اول مردی امین دوم زن سیوم خادم چهارم قوام
دین پنجم صلاح ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت [illegible]
دبیر گزدن دانیال گوید اگر بیند که دبیری کرد دانائی مردم بحاجت بستاند و کارها باکرد [illegible]

کند از بیند

کند اگر بیند که دبیری کرد مال مردم بحیلت بستاند و کارها ناکردنی کند اگر بیند که دبیری ولایت میکرد
از مردم منفعت بسیار یابد اگر بیند که دبیری مردم عام کرد دل مردم بحیلت بر خود گرم کند
ابن سیرین گوید اگر بیند که نویسنده شد بحیلت از مردم روزی حاصل کند اگر دبیر دانا بود
و بخواب بیند که دبیری میکرد خیر و منفعت بسیار یابد لکن اگر عمل دارای است معزول شود و معزول نبود
اگر بیند که جامه قرآن و حدیث و خطبه و توحید می نوشت خیر و منفعت آن جهانی یابد اگر بیند
که غزل و شعر می نوشت تا دلبستی بدان باشد و دبیر مردی بود هیکل خطر دبیرستان بخواب دیدن
جای اندوه باشد ولیکن عاقبت خیر و منفعت در آن بود دجال ابن سیرین گوید دجال
بخواب دیدن دلیل مردم بدبخت که از راه ببرد و دل و زبانش موافق نباشد کرمانی گوید
دجال را در جایی معروف بخواب دیدن آنجا فتنه افتد و در وقت زنان آنجا جمع شوند
و در آنجا خیر و برکت نباشد دختر ابن سیرین گوید دختر در خواب فرح و شادی بود اگر بیند
که او را دختری آمد بقدر جمال و خوبی دختر او را خرمی و برکت و نعمت بود اگر بیند که دختر
بمرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که دختر بکسی داد از وی خرمی بدان کس
رسد اگر بیند که دختر وی حرکتی و ناقص بود غم و اندیشه او بود اگر بیند که دختر در بر
گرفته بود و میرفت دلیل بر خیر و منفعت بود اگر بیند که او دختر شده بود غم و اندوه
یابد دخنه ابن سیرین گوید اگر بیند که در زیر خود عود یا بوی‌های خوش دود کرد بینه ما بوزد
که از آن منفعت یابد و با مردم عیشش خوش گذراند اگر بیند که بوی ناخوش داد تاویلش بخلاف این بود

جعفر

دیا معرفت ورود یا کونه تا اسمائی نشت حاجتی محال خوید و بدشواری برآید اگر بیند که بار حاجتش

سیکرند از لست [illegible] و باید اگر بیند که دست وی مادر زاد خشک بود از صدقه دادن خود باز

کرماند گوید اگر بیند دستها بسوزن میکند بود همتش بر علم و دانش باشد اگر بیند که دستش

بریده بود و ندانست که راست یا چپ او را مصیبتی رسد اگر بیند که خون دستش بریده

قرآن نخواند دست از حرام بدارد و عصیان نکند اگر بیند که دست راست او بکند [illegible] بیند

دروغ گوی و بی امانت بود و بعضی گویند اگر بیند که دست خود چون خنجر در گردن کرده بود نماز و طاعت

و حج و شرایع بجا آورد اگر بیند که دست او را از کاری کوتاه کردند مقصودی که دارد برنیاید اگر بیند

که پادشاهی دست راستش ببرید سوگند بدروغ کند اگر بیند که دست از وی بخ بار کرد دشمن ببخشد

یا کسی از ایمان [illegible] و صلاح حق تعالی قومی را هدایت دهد تا بدست وی توبه کنند اگر بیند که دستش

از تن تحویل کرد به تن پادشاهی اگر آن پادشاه مصلح دین دار بود خیر و صلاح دین یابد و اگر

مفسد بود شر و فساد دین او بود اگر بیند که یک دست از وی از دست دیگر درازتر شد آنچه

طلبد بیابد و بامید ها رسد اگر بیند که یک دست از وی از دست دیگر درازتر شد مراد یابد اگر بیند

که هر دو دست میرفت بر کار خود اعتماد کند و بعضی گویند از خوردن منفعت یابد اگر بیند که دست

ویا بسخن کفت معیشت وی شود اگر بیند که هر دو دست مروارید بسته داشت جمله قرآن از ظاهر

بخواند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان بزرگ بود [illegible] باید اگر بیند که

دست راست وی رزین گشته بود دولتش زایل شود اگر بیند که دستها را با شاخی صابون

می شست از کار نومید شود اگر بیند که جانوری که تمام و پلید نباشد از سوی دست چپ وی بیرون

آمد و براست بیرون شد یا از راست بیرون و بچپ بیرون شد از غم جدا شود و عاقبتش

محمود بود اگر آن جانور تمام و پلید بود بر ضعیفی ستم کند اگر بیند که کسی دست دزد دست گرفت

یا دست در گردن کسی آورد اگر زنده و اگر مرده عمر وی دراز گردد اگر بیند که در دست

منفعتی که دستینه سیمین کرده باشد که بدست وی مسلمان شود. جعفر صادق گوید دیدن دست در خواب
بر دوازده وجه بود. اول برادر، دوم خواهر، سوم انبار، چهارم دوست، پنجم فرزند، ششم رفیق
هفتم قوت، هشتم توانایی، نهم ولایت، دهم مال، یازدهم محبت، دوازدهم پیشه و صناعت.
دست اورنجن. ابن سیرین گوید دست اورنجن در خواب زنان را شوی بود و مردان را
خواهد بود. اگر بیند که دست اورنجن سیمین داشت اندوهش کمتر بود. کرمانی گوید اگر بیند
که پادشاهی دست اورنجن بدو داد فرزندی آیدش یا برادر کهین. اگر این خواب زنی بیند شوهر
کند. مغربی گوید اگر بیند که هر دو دست دست اورنجن داشت سیمین او را مال و نعمت برنج
حاصل شود. جعفر صادق گوید دست اورنجن در خواب بر پنج وجه بود. اول زینت، دوم حکمت
سوم مکر، چهارم غم، پنجم فرزند یا برادر. دستینه در خواب مردان را بهتر از زنان. ابن سیرین گوید
اگر مردی بیند که دستینه در دست داشت آهنین قوت و توانایی یابد کارش منتظم شود خاصه
از پولاد بود. و اگر دستینه زرین یا سیمین بود تاویلش چون دست اورنجن بود. جعفر صادق گوید
دیدن دستینه در خواب بر سه وجه بود. اول توانایی، دوم ظفر بر دشمن، سوم منتظم کار. پای
دست و روی شستن. ابن سیرین گوید اگر بیند که دست و روی با آب صافی تمام بشست حاجتش برآید
و مقصودش حاصل شود. کرمانی گوید اگر بیند که دست و روی با آب پلیدی بشست تاویلش
بخلاف این بود. اگر بیند که در چشمه آب صافی دست و روی بشست از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا
یابد. اگر وام دار بود گزارده شود. اگر بیند که دست و روی ناشسته تمام نماز کرد دینش ضعیف
و مالش از دست برود. مغربی گوید اگر بیند که هر دو دست خود را می‌شست از دوستان
و خویشان یاری خواهد. اگر بیند که دست و روی خود بشست و نماز آغاز کرد اما نماز تمام نکرد
کار او [illegible] و اگر نماز تمام کرد بهتر. جعفر صادق گوید اگر بیند که دست و روی بشست و کسی
در آن تامل همی کرد بر دست انگشت کوفت کند. دشمن. ابن سیرین گوید اگر بیند که با دشمن
در نبرد بود و بر وی غالب شد همه مرادها بیابد. اگر بیند که بر وی دشمن غلبه کرد

تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که دشمن وی را بخورد در مصیبت و بلا افتد تو بتش باید کرد جعفر صادق
گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود اول کینه کارها دوم غم و اندوه سوم زیان مال دشنام داد
ابن سیرین گوید اگر بیند که دشنام میداد آنکس را حال نیک شود و بر دشنام دهنده ظفر یابد کرمانی
گوید اگر بیند که کسی او را دشنام داد آنکس برو کامگار و چیره گردد و دعا کردن دعا کردن
در خواب روای حاجت بود اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش خواست خاتمتش بخیر بود و حاجتش
روا گردد و اگر بیند که مصلی را دعا کرد امر معروف بجا آورد و اگر بیند که در ماند [illegible] دعا
کند خیر از گفتار او بدرماندن رسد و او را ثواب بود اگر بیند که بر خلق دعا کرد بنیک خواه
خلق بود و حاجت همه روا شود اگر بیند که دعای خاص میخواند فرزندان آمرزش از نادی دیده اند اخفیا
کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی دعا خواند از غم فرج یابد اگر بیند که بمقبره و زاری دعا میخواند اگر
مصلح بود حق تعالی او را بیامرزد و حاجتش روا کند و اگر مفسد بود توبت کند و اگر کافر بود مسلمان
شود دف زدن ابن سیرین گوید دف زدن در خواب امر معروف کردن بود
در خواب بر آنکس که دف زند اگر کنیزک دف زند دلیل بر خبر مشهور بود که بوی رسد
اگر مرد پیر دف زند بترک صلح گوید کرمانی گوید اگر بیند که آشنا دوار دف زد زنی
خواهد بصورت نیکو و بمعاشرت جعفر صادق گوید آواز دف شنیدن در خواب نشاط و شادی
بود چون از زنان یا از کنیزک شنود و اگر آواز دف از مرد پیر شنود دلیل بر دولت
و بزرگی کند و از جوان شنیدن دلیل بر ظاهر شدن حال دلالگی ابن سیرین گوید اگر بیند دلالگی
میکرد در رهنمائی مردم بود بخیر یا بکردار نیک جعفر صادق گوید دلالگی در خواب بر چهار وجه اول منافقت
کردن میان مردم دوم راه راست نمودن سیوم کردار نیک چهارم امر معروف بجا آوردن دل
و بدانکه دلال مردی بود در رهنمائی مردم به خیر و شر دل بدانکه پادشاه تن است و تن قائم
مقام لشکریان او است و دل خزانه عقل و تمیز است در بیان آن اسکانی ابن سیرین گوید دل
بخواب دیدن مال جمع کرده است که بوی رسد اگر بیند که دل بیرون آمد از تن وی بود صلاح

ودی

وی بود و نیکی دین قوله تعالی حتی اذا فزع عن قلوبهم اگر در خواب دل خود تنگ
بیند کارها بر وی دشوار شود اگر دل را فراخ و شادمان بیند کارها بر وی گشاده شود اگر دل خود بسته
بیند از گناه توبه باید کردن قوله تعالی افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها اگر دل را بر دست
نهاده بیند بیمار گردد اگر بیند که دل بهر دو دست گرفته بود و کارها بر وی برآید کرمانی گوید اگر بیند
که دلش فرو میگیرد دلش را اذیت کرده اگر بیند که خستهای دل وی گشاده بود دلیل بر زهد و جهان
رغبت و حریص بود اگر بیند که از دل وی خون بیرون آمد از گناه توبه کند و بخدای تعالی باز گردد
اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آمد بیمار شود اگر بیند که بدل وی خشتکار زندگی تخم کرد
اگر بیند که از دل وی گوهر بدهان وی آمد و از دهان بیرون افکند کافر شود اگر بیند که گوهر از
زمین برداشت و فرو خورد باز مسلمان شود اگر بیند که گوهر از دل برآورد و دیگر داد و مروارید بسته بود
و مروارید ها بر تن ریخت و گوهر فرو کرد ترک شیخ نماز کرده من مغربی گوید اگر بیند که دل او
پاره پاره شده دل را بهوسهای محال مشغول گرداند اگر بیند که دل وی روشن و منور بود دلیل صلاح
دین او بود اگر بیند که دلش تیره و تاریک بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن
دل در خواب بر ده وجه بود اول مال دوم امانت سیوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم
حرص هفتم قوت هشتم ظفر نهم شهوت دهم پنهان داشتن احوال خویش دنبال ابن سیرین
گوید اگر بیند که چون اسب و گاو و خر دنبال داشت مال و نعمتش زیادت شود و زندگانی براحت
گذراند اما در دین سست و بی قوت باشد اگر بیند که دنبال او چون دنبال سگ بود یا گرگ یا شغال
مال حرام یابد و مردم او را ملامت کنند اگر بیند که در دست دم خر یا دم گاو یا اسب
داشت بقدر آن مال و نعمت یابد اگر کسی بدست خود دنبال حیوانی بیند که گوشت او
حرام بود مال حرام یابد جعفر صادق گوید دنبال در خواب دیدن بر چهار وجه بود اول تبع دوم یاران
سیوم مال چهارم راحت و عیش دنبه ابن سیرین گوید اگر بیند که دنبه داشت مالش
زیادت شود و بقدر آن اگر بیند که دنبه وی بشکافت و خون آمد نقصان مال بود اگر از دنبه

خون دیدیم آمد و می‌چکید بقدر آن مال حرام خورد اگر بیند که از دنبال جامه وی خون آلود گشت بقدر آن مال
حرام جمع کند اگر بیند که دارو بر دنبال نهاد و جامه از خون بشست از حرام توبه کند دنبه ابن سیرین
گوید دنبه در خواب بهره مال بود که مرد در نگاه میدارد یا مال زن وی باشد بر قیاس زیادتی و کم
اگر بیند که دنبه خام خورد مال شبهت خورد اگر بیند که دنبه پخته می خورد دشمن مال وی بخورد کرمانی گوید
اگر بیند که او را چون گوسفند دنبه بود او را فرزندی آید که خداوند اقبال و دولت بود و روزی بر وی
فراخ شود جعفر صادق گوید دیدن دنبه در خواب یک بهره زر بود دندان دانیال گوید دندان
بخواب اهل خاندان بود و دندان بالا دلیل بر نرینه بود و دندان زیر بر مادینه و دندان
پیش بر فرزندان و برادران یا مادری پدران و دندانها که بر جنب ایشان باشند بر عم و عمزادگان و
دندانهای دیگر بر خال و خال زادگان و دندانهای پسین دلیل بر خویشان دور و نزدیک و دندان
دلیل رفعت و جاه اهل بیت کند و سیاهی و کجی دندان دلیل بر ضعف و فروماندگی اهل
بیت کند و بعضی گویند دندانهای پیشین یا آنچه از سوی راست است دلیل بر پدر و خویشان
پدر کند و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر کند اگر بیند که دندان پیشین وی می
جنبید از این جماعت که وصف کردیم یکی بیمار گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که دندان پیشین او
بر کف دستش افتاد یا بر زمین و یا کنار او افتاده گشت او را فرزندی آید یا خواهری یا برادری اگر
بیند که دندان وی در خاک افتاد ضایع شد دلیل که از ایشان کسی بمیرد یا گم گردد اگر بیند
که بعضی از دندان وی بشکست یا پوسیده شد یکی از این جماعت ملامتی رسد اگر بیند که از دندان
پیشین از یکی بکند آن جماعت او را بسختی زشت گویند و از وی مفارقت جویند اگر بیند که در
جنب دندان پیشین وی دندانی برست از بالا او را پسری آید و اگر از زیر بود او را دختری آید اگر بیند
که همه دندانهاش بر کف دست یا بر کنار افتاد اهل خانه‌اش بسیار گردند و اگر بیفتاد و
در خاک ناپدید شد هلاک اهل خانه‌اش بود اگر بیند که دندانهاش از سیم بود یا از آبگینه

یا مانند سفال زرد هلاک شود و بعضی از معبران گفته اند افتادن دندان گزاردن وام بود.
و بعضی گویند دلیل خصومت بود و کرمانی گوید دندان پایین مقابل خشم است و دلیل بر زینت
کند و زیرین بر مادینه اگر بیند که جمله دندانهاش در کنار افتاد پس جمله برگرفت و در کنجی
خویش را خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند اگر بیند که از دندان وی نوعی چرکین می آید
خویشان بروی تمام گویند اگر بخلاف این بیند غیبت وی کنند اگر بیند که دندانش درد میکرد
بخورد اگر بیند که دندانها در دهان او کند مال یابد اگر بیند که دندان وی از درد شد ... دندان
بد و منسوب است رنجور شود اگر بیند که دندانهاش افتاده بود و در کوی تاریک شده بود عمرش
دراز بود چنانکه همه تبار خود در گور کند معبری گوید اگر بیند که دندانش در پیکر و بدست چپ گرفت
و بدست راست گرفت منفعت یابد از سی درم تا صد درم و اگر بدست چپ گرفت از
سیصد درم تا ده هزار درم منفعت یابد اگر بهر دو دست گرفت مال بی حد یابد اگر بیند
که بعضی از دندانش ناپدید شد آن کسها که بدان دندان منسوب آید بغربت روند و باز آیند
جعفر صادق فرماید دیدن دندانها در خواب بر شش وجه بود اول اهل بیت دوم مال سوم
منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مضرت دهان دانیال گوید در خواب
کلید کارها باشد و خاتمت در وی هرچه از دهان بیرون آید دلیل بر جواهر کلام بود اگر نیک باشد
و اگر بد و ناخوش بد دهان شود صلاح دین وی باشد و آنچه از غذا در دهان شود صلاح
دنیا وی باشد اگر چیزی بکراهیت در دهان برد دلیل رنج و سختی در معیشت بود ابن سیرین
گوید اگر بیند که دهان وی سخت بسته بود هلاک شود اگر بیند که دهانش از آرد
یا از گندم یا از جو آگنده بود اجلش نزدیک بود اگر بیند که دهان وی فراخ چنانکه طعام
بسیار در وی گنجد بقدر آن نعمت وی را بود اگر فم دهان خود نیکو بیند سخنهاش نیکو بود
از دهان خود اگر کج بیند و زشت سخنهاش تباه کارها بود اگر بیند که گوشت دهان وی بیفتاد

زیانی یابد اگر بیند که از دهانش خون آمد با کسی گفتگو کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند از دهن
کرم یا جانوری بیرون آمد هر نیکی که با مردم کرده بسبب منت نهادن باطل شود اگر بیند
که از دهن وی بوی خوش آید مردم بروی ثنا گویند و اگر بوی ناخوش آید تاویل بخلاف این بود
اگر بیند که از دهن وی مروارید بر زمین افتاد و مردم برگرفتند خلق از علم او بهره یابند اگر بیند
که از دهان خود پلیدی می انداخت و مردم ازان متحیر گشتند شاعر بود مردم را هجا گوید اگر بیند
که کسی دهان او مهر نهاد و نداشت که بگشاید میان خلق رسوا گردد لقوله تعالی الیوم
نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم حافظ معبر گوید اگر بیند که چیزی خوش
از دهان او بیرون آمد سخن نیکو گوید و منفعت دارد اگر بخلاف این بیند سخن زشت گوید اگر بیند که
چیزی نیکو در دهان نهاد چیزی حلال خورد و اگر چیزی بد در دهان نهاد حرام خورد جعفر صادق
گوید دیدن دهان در خواب بر هفت وجه بود اول منزل دوم خزانه سوم پیش کار چهارم جای ماوا
پنجم حاجت ششم وزیر هفتم دربان دهل ابن سیرین گوید دهل در خواب کلام باطل
و خبر دروغ و روشن این جمله دلیل بر زننده دهل کند اگر بیند که با دهلها زدند و یار گویند
غم و اندوه یابند و اگر دهل میزد کلام باطل گوید یا کلامی روشن جعفر صادق گوید دهل
زدن بخواب خبرهای مختلف باشد که در آن خیر نبود دهلیز کرمانی گوید دهلیز خانه خادم خانه بود
اگر بیند که دهلیز خانه آبادان و نیکوست تن درستی خادم و نظام خانه منزل گوید اگر بیند که دیوار دهلیز
از گل و خشت بود خادم خانه مصلح و دین بود اگر بیند که از گچ و آجر یا سنگ بود خادم خانه منافق
و بی دین بود دوال ابن سیرین گوید دوال در خواب خیر و منفعت بقدر و قیمت آن جانور که دوال
از پوست او بود اگر بیند که دوال از وی ضایع شد بقدر مضرت بیند معبری گوید اگر دوال بسیار
داشت و از پوست جانوری بود که گوشت آن حلال است مال حلال اگر بخلاف این بیند مال
حرام یابد دوختن جامه ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه خود می دوخت کارش بمراد شود و حالش نیکو شود

بصلاح

بصلاح آید اگر بیند که جامهٔ عیال خود می‌دوخت همین تاویل دارد اگر بیند که جامهٔ زنی میکند
دوخت زینتی نوی رسد اگر از مردی دوخت راحت یابد اگر بیند که شوهر زن در دوخت و اشتغ
جامه تمام دوخت هر شغلی که دارد تمام کند اگر بیند که جامه‌های دوخته لباس را نشست در جامه نشست عیش بود
فراخ گردد و مالی از میراث یابد معبر گوید اگر بیند که از بهر خود پیراهنی دوخت و تمام کرد
با عیال خود سازگار بود اگر بیند که شلوار دوخت دیگر آن بکر زنی خواهد و عاقبت از او
جدا شود اگر بیند که قبا دوخت به خدمت رود اگر فرجی دوخت منفعت یابد اگر پیرهن
پاره بیند به کدخدای مشغول شود اگر بیند که جامهٔ عیال دوخت بخصومت و گفتگوی عیال
گرفتار شود و درماند اگر بیند که بهر جا رشته می‌بافت از جای بجای نکوی کند جعفر صادق
گوید درزی در خواب کسی بود که کارهای پراکنده بدست وی بصلاح آید دود ابن سیرین گوید
دود بخواب پادشاه ستمگر بود اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب دودی عظیم بود مردم را آزار
از پادشاه جور و ستم یابند اگر بیند که دودی در عالم افتاده بود و آتش زبانه می‌زد هیبت عظیم
در عالم افتد معبر گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آتش دودی عظیم بر می‌آمد پادشاه
مال او را بستاند دوزخ ابن سیرین گوید اگر بیند که در دوزخ درون شد علاج وی بکردار نیکو
و توبت باید کرد که اجلش نزدیک بود اگر دوزخ دید و گزندی بوی نرسید بر غم دنیا گرفتار شود
و آخرت سلامت یابد اگر بیند که در دوزخ مقیم شد و نداند که در پی که رفت در دنیا
همیشه ملک روزی و مدبر بود اگر بیند که در دوزخ از طعام شراب اهل دوزخ میخورد و
در آتش میسوخت در دنیا بدکردار بود اگر بیند که فرشته موی پای او بگرفت و در دوزخ
اندرخت بیند او را باز و بدبختی باشد کرمانی گوید اگر خود را در دوزخ بیند بر گناه کردن
دلیر بود اگر بیند که از زقوم و حمیم خورد به علمی باطل مشغول شود اگر بیند که شمشیر کشید و
در دوزخ رفت سخن فحش و منکر گوید اگر بیند که از آتش دوزخ خورد یا او مال یتیم خورد

مغربی گوید اگر بیند که او را کشان بدوزخ بردند عاقبتش بکفر کشد قوله تعالی یوم یسحبون فی النار
علی وجوههم ذوقوا مس سقر اگر بیند که بدوزخ رفت و بیرون آمد از گناه
توبه کند و اگر بیند که او را در دوزخ بردند و فریاد می‌توانست کرد بر راه کفر بود قوله تعالی قال
اخسئوا فیها و لا تکلمون اگر بیند که بانگ آتش از دوزخ می‌شنید هیبت پادشاه بدو رسد
اگر بیند که نزدیک دوزخ قرار گرفت جهان بروی تنگ شود جعفر صادق گوید دوزخ در خواب
بر شش وجه بود اول خشم حق تعالی دوم مبتلا بگناه سیوم جور سلطان چهارم رنج و مصیبت پنجم
خذلان ششم مال زنا و یتیمان خوردن دوشاب ابن سیرین گوید دوشاب در خواب مال
و منفعت بود لیکن نه بسیار اگر بیند که دوشاب میخورد بعد از آن مال حاصل کند اگر بیند که انگشت
دوشاب در دهان داشت از کسی سخن خوش شنود مغربی گوید اگر بیند که دوشاب میخورد و
پاکیزه میخورد او را از آن فرزندی نجیب حاصل شود اگر بیند که بشیره دوشاب میخورد کار کند که
از آن منفعت یابد دوش ابن سیرین گوید دوش در خواب اهل بیت مرد بود و جمال و زینت او بود
کرمانی گوید اگر دوش خود قوی و درست بیند امانتی که بر گردن دارد بگزارد اگر ضعیف بود
بر گردن او بماند اگر بیند که دوش وی مجروح بود مظالم بر گردن وی بود اگر دوش را می‌بوسید مظالم ادا
کند و بعضی از معبران گویند اگر موی بر دوش بیند از جایی مال که امید ندارد یابد دوشیزه ابن سیرین
گوید اگر مردی بنکاح دوشیزه‌ای بستد مال حلال یابد و اگر بحرام بسته مال حرام یابد اگر زنی دوشیزه
باشد بیند که دوشیزه است دلیل ستر و صلاح او کرمانی گوید اگر بیند که بنکاح دوشیزه بستد
بحلال زن خواهد یا کنیزک خرد اگر بیند که دوشیزه بحرام بستد عصیان کند و دینش ضعیف بود
دوغ ابن سیرین گوید خوردن دوغ مال حرام بود زیرا که مسکر از وی بیرون کرده باشند اگر بیند
که دوغ با نان خورد اندوه یابد اگر بیند که دوغ بکسی داد از کسی سخن غمناک شنود دکان
ابن سیرین گوید اگر بیند که دکان ساخت [illegible] زنی خواهد اگر بیند که دکان خراب کرد زن را [illegible]

اگر بیند که

اگر بیند که دکان نقش بفتاد زنش بمیرد اگر بیند که بر دوکان نشست بی انصاف صاحب دوکان
میل کند بعیال کسان بحرام جعفر صادق گوید دیدن دوکان در خواب شش وجه بود اول
زن دوم غنیمت سیوم عز و جاه چهارم نیکویی پنجم بلندی ششم سرمایه چون دوکان او
بود دوک ابن سیرین گوید دوک در خواب دلیل بر خیر بود اگر زنی بیند که دوک
داشت اگر آبستن بود دختر زاید اگر زنی بیند که دوک داشت مهره دوک از او بود خواهر
یا دختر بشوهر دهد اگر بیند که دوک وی بشکست دختر یا خواهر وی بمیرد کرمانی گوید
دوک مردی مسافر بود اگر زنی بیند که دوکی داشت به مردی مسافر شوهر کند اگر زنی
بیند که مهره دوک وی بیفتاد مهرش از شوهر بریده شود مغربی گوید اگر مردی بیند که دوک داشت
اندوهگین شود اگر زنی بیند خرم شود و سر دوک در خواب دلاله بود دولاب ابن سیرین
گوید دولاب در خواب خزانه دار بود بر نعمت اگر دولابی بیند که جهت خزانه در خانه سازد
اگر بیند که بر زبر دولابی بود داد خانه خود بوی سپارد اگر بیند که آن آب دولاب خورد یا جمع کرد از
خزانه دار منفعت یابد دلو کرمانی دلو در خواب مردی بود که کارها و مالها را با جنبش بیرون
آورد اگر بیند که دلو بر آب بود یا دلو آب کشید بقدر آن مال و نعمت یابد اگر بیند که دلو
بر آب صافی داشت مالی آسان بدست آورد اگر بیند که از چاه آب بدلو می کشید بقدر
آن مالی بحیلت بدست آورد اگر بیند که آب از دلو بر زمین ریخت آن مال
تباه کند جعفر صادق گوید اگر بیند که دلوی بر رسن نیکو داشت او را با مردی دوستی افتد
دارد و منفعت یابد دوات ابن سیرین گوید اگر بیند که دوات داشت او را با [illegible] خصومت
افتد اگر بیند که از دوات حبر نوشت بدی از وی گفته شود اگر بیند که دوات وی
ضایع شد زنی بکراهیت بخواهد اگر بیند که بقلم سیاهی در دوات میکند او را فرزندی آید
مغربی گوید اگر بیند که دوات وی زرین بود متفکر شود اگر سیمین بود زن خواهد

اگر برنجین بود منفعت یابد اگر آهنی بود دیگر کارها قوت یابد اگر مسی بود اندک چیز روی

دویدن ابن سیرین گوید دویدن و دوانیدن ستور در خواب حرایق بود بدینا بقدر آنک

دویده بیکو بودن در خواب سفر بود اگر بیند که بر اسب بالانی بود و اسب می دواند

با عیال خود بسفر رود و مال یابد معبر گوید اگر بیند که در دویدن بهمه کس سبق گرفت کرمانی

از وی سبق کند اگر بیند که دوانیدن مانده شده و آرام گرفت حرص دنیا ترک کند و قانع شود

بر ادن خدا تعالی دیبا ابن سیرین گوید دیدن دیبا و پرنیان در خواب خیر و صلاح [illegible]

بیش خاصه زنان را اگر مردی بیند که قبای دیبا پوشیده بود بزرگی دنیا یابد اگر با قبا صلاح

پوشیده بود و غزا میکرد عز و جاه دین و دنیا یابد کرمانی گوید پوشیدن دیبا اصحاب سلطان را

مرتبت دنیاوی بود و زنان را همه نیک بود از همه رنگها مگر زرد یا کبود معبر گوید اگر زنی بیند که جامه

اطلس سبز پوشید آن زن دیندار بود و با امانت اگر اطلس سفید پوشید ستر و پارسائی

بود اگر اطلس زرد بود بیماری بود اگر اطلس کبود بود مصیبت یابد اگر سیاه بود اندوهناک شود

دیبا بافی در خواب مردی مسافر بود با صلاح دنیا و دین و تاویل چون پرنیان و دیبا

بود دیگ نو ابن سیرین گوید دیگ نو در خواب زن بود و بعضی از معبران گویند کدخدای خانه بود

دیگ ابن سیرین گوید دیگ نو در خواب زن بود اگر بیند که دیگی داشت و بر سر آتش

نهاد و خوردنی می پخت بسبب کار از پادشاه مال و منفعت یابد بقدر دیگ خاصه دیگ

سنگین بود یا مسین بود و اگر دیگ سفالین بود منفعت اندک یابد اگر بیند که دیگ

بر آتش نهاد و طعام هیچ درو نیفکند دلیل مردی بود بر کاری که از آن کراهیت نیز کرمانی

گوید دیگ در خواب کدخدای خانه بود یا کدبانو اگر بیند که در دیگ چیزی خوردنی و گوشت بود فی

نفع او زر نوی رسد اگر بیند که دیگ بشکست کدخدا و کدبانو هلاک شوند جعفر صادق

گوید دیدن [illegible]

گوید دیدن دانگ در خواب بر شش وجه بود اول کدخدا دوم کدبانو سیوم حاکم چهارم
پنجم موکل ششم هر حوایج دانگ و دانگ او ابن سیرین گوید اگر مردی بیند که دانگ داشت دانگ او بود
کدبانو بجای آورد اگر بیند که دانگ از وی بشکست کدخدای آن بمیرد معبران گویند دانگ داشت
و دانگ پایه در خواب کدخدای سرای بود یا مردی قوی حال. دینار دانیال گوید
اگر بیند که در دست دینارها داشت به عدد بیش از چهار دینار داشت سرای کوچک بود در بیند
اگر بیند صد دینار بود کار پسندیده کند و اگر یک دینار داشت سرای کوچک بود و اگر بیند صد دینار بود
یا هزار دینار علمی حاصل کند لکن عدد باید که جفت باشد اگر بیند که دینار از وی ضایع شد سبب قرابت
مصیبت یابد اگر بیند که دینار بسیار داشت رنج بود یا الم معبران گویند دینارها بخواب دیدن
امانت ها بگزارد قوله تعالی ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا اگر در کف خود پنج دینار
فاذا هم مبصرون
بیند پنج نماز بجای آورد اگر بیند که دینار بسیار یافت و بجای محکم بنهاد امانت مسلمانان نگاه دارد و اگر بیند
دینارها قسمت کرد میان مردم امر معروف کند مغربی گوید اگر بیند که دینارها رفت روی قبالها
نویسند و بسیار بود که در خواب دینار بود که بیند در بیداری باید همچنان اسمعیل اشعث گوید دینار
خواب دین بود و آراسته مادام که صورت نقشها شد اگر بیند که یک دینار داشت و نیکوی صورت
بعضی بر روی دیگر نام خدای تعالی اگر مسلمان بود مرتد گردد و اگر کافر بود مسلمان شود جعفر صادق گوید
دیدن دینار بخواب به عدد پنج نماز فریضه باشد و اگر جفت بیند دین پاک و علم با منفعت و اگر
فرد باشد بخلاف این بود که یاد کرده شد حافظ معبر گوید دینار در خواب زن بود و فرزند لکن
و دینار بسیار مال بود که بخصومت بدست آید. ده ابن سیرین گوید اگر بیند که در دهی بود و نام
آن ده نه داند دلیل خیر و نیکوئی بود و اگر نام ده داند دلیل بدی بود و اگر بیند که از ده بیرون
آمد نیکو نیست و اگر بیند که در ده بنشست بد بود کرمانی گوید اگر بیند که از شهر آبادان به دهی خراب
شد خیر و برکت و عز و اقبال یابد معبری گوید اگر کسی بیند که دهی مجهول بود و آبادان عمارت

دیه او را منفعت رسد دیوار ابن سیرین گوید اگر بیند که بر دیوار نشسته بود آن دیوار محکم بود
حالش قوی و پا محکم بود اگر بیند که دیوار خراب میکرد و کهنه بود مال یابد اگر نو بود مصیبت بود
بقدر خرابی دیوار اگر بیند که بر دیوار بر بالا بود حالش مستقیم نباشد اگر بیند که از دیوار بیفتاد
معاش وی متغیر شود اگر بیند که از دیوار آویخته بود دیوار را کند که در زوال عیش بود اگر بیند که از دیوار
بیفکند از معاش بیفتد کرمانی گوید اگر بیند که دیوار را عمارت کرد حال تباه شده او بصلاح
آید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار مسجد بیفتاد والی آن شهر بمیرد مغربی گوید دیوار بخواب
مردی بزرگ بود بقدر بلندی دیوار جعفر صادق گوید اگر بیند که بدست خود دیوار بنا کرد و اگر
دیوار از خشت و گل بود پاک دین بود و مستور و اگر از گچ و آجر بود تباه دین بود اگر دیوار از
سنگ و آهک بود بدنیا فریفته شود و طالب لعنت بود دیو ابن سیرین گوید دیو در خواب
دشمنی بزرگ بود مکار فریبنده اگر بیند که دیو او را وسوسه کرد او را توبه باید کرد از کارهای ناصواب
تا دشمن بروی ظفر نیابد قوله تعالی ان الذین اتقوا اذا مسهم طایف من الشیطان
تذکروا فاذا هم مبصرون اگر بیند که با دیو جنگ کرد و بر وی غالب
شد دینش درست باشد و اگر دیو غالب شد تاویل بخلاف این بود و اگر دیو را خرم بیند بهوا و شهوت
مشغول شود اگر دیو را غمگین بیند بعبادت و صلاح مشغول بود اگر بیند که دیو جامه از تن وی بکشید اگر
عالم بود معزول گردد و اگر دهقان بود محنت یابد مغربی گوید اگر بیند که دیو از پی وی فرار شد
دشمن بروی ظفر یابد اگر بیند که دیوان او را اسیر کردند و ببردند رسوا شود اگر بیند که با دیو صحبت کرد
گناهی بزرگ کند اگر بیند که با دیو مکیفت با دشمن از اهل صلاح یکی شود و حق تعالی مراد
ایشان ندهد که انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا ولیس
بضارهم شیئا الا باذن الله اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با دیو طعام و شراب میخورد براه
فساد گراید و مطاوعت دیو کند اگر بخلاف این بود تابع راه دین بود اگر بیند که دیو در انگشت
پا در شکم وی شد از فساد دور شود و توبه کند و بطاعت گراید جعفر صادق گوید دیدن دیو در خواب
بر شش وجه اول دشمن دوم فساد دین سوم شهوت چهارم دوری از طاعت پنجم از اهل صلاح دور
ششم [illegible]

شستشم چیز خوردن حرام دیوانگی ابن سیرین گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود بقدر آنکه دیوانگی
دید و از ملامت برهد کرمانی گوید که بیند همه دیوانه شده بود بحرام گراید و ربا خورد قوله تعالی
الذین یاکلون الربی لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس مغربی گوید اگر بیند که با دیوانه صحبت بود با مردم ربا خوار
مفسد هم صحبت شود و ملامت و زیان حاصل کند حرف الذال المعجمه ذکر
ذکر دانیال گوید ذکر در خواب فرزندی بزرگ و نام آور بود اگر بیند که او را دو قضیب بود او را
هم فرزند بود و هم برادر اگر قضیب وی بریده شد فرزندش بمیرد اگر بیند که قضیب خود ببرید او را ذکر
فرزند نیاید اگر بیند که قضیب وی سست شد فرزندش بیمار شود ابن سیرین گوید اگر بیند که قضیب وی دراز
بزرگ شد و بسیار فرزند و فرزند او کامل بود اگر بیند که از قضیب وی ماه بیرون آمد او را دختر
آید اگر بیند که از قضیب وی گربه بیرون آمد او را فرزندی آید دزد اگر بیند که از قضیب
بیرون تاویلش از جهت آن مرتبه بود اگر بیند که از قضیب وی موش بیرون آمد او را دختری نابکار
اگر بیند که از قضیب وی مار بیرون آمد همین تاویل دارد او را فرزندی آید که دشمن او بود اگر
کژدم بیرون آمد همین تاویل دارد اگر بیند که کرم و مور بیرون آمد فرزندش ضعیف و دون همت
بود و فرومایه اگر بیند که از قضیب وی نان بیرون آمد عیالش مفسد و تنگدست بود اگر بیند
که گنجد بیرون آمد عیالش را مهمان کسی دوست دارد اگر بیند که خون بیرون آمد با زن
حایض جماع کند اگر ریم بیرون آمد او را فرزندی معلول شود اگر آب صافی بیرون آید او را فرزندی
مصلح آید اگر بیند که آب تیره و تلخ بیرون آید با زن حایض جماع کند تاویلش بخلاف
این بود اگر بیند که منی بیرون آمد او را بقدر آن مال و خواسته حاصل شود اگر بیند که آتش
بیرون آمد و نیمه جانب مشرق شد و نیمه جانب مغرب او را فرزندی آید که پادشاهی مشرق
و مغرب کند اگر بیند که از ذکر او سرگین بیرون آمد میلش بلواطه بود کرمانی گوید اگر بیند که
ذکر او زر و سیم گشت و سخت شد اقبال وی قوی شود اگر ذکر وی سخت و دراز بود او را
فرزند بسیار بود اگر بیند که گیاه بر قضیب وی پر مار رسته بود در آن دیار مشهور گردد

و جاهش به افزاید اگر بیند که بدست خود قضیب از جای برکشید و باز جای نهاد فرزندش بمیرد و دیگر
دیگر آورد و اگر بیند که قضیب در دهان کسی نهاد و می مکید از وی بدان کس منفعت رسد اگر
بیند که بر قضیب وی موی رسته بود سبب فرزندش دلشاد شود مغربی گوید اگر بیند فرزند باز
وی جدا شد فرزندش بمیرد یا مالش تلف گردد و حرکت قضیب در خواب دلیل بر حرکت
فراخی نعمت و قوت و بخت کند اگر بیند که قضیب وی بشکافت و خون از وی روان شد
زیان بود و مرگ فرزند اگر بیند که قضیبش آماس داشت مالش زیادت شود اگر بیند
که گوهر بر قضیب بر میان بسته بود گواهی داند و بدهد اگر زنی بیند که او را قضیب بود اگر
آبستن بود پسر زاید و بمیرد و اگر آبستن نبود پسرش بمیرد اگر بیند که چیزی از قضیبش بریده
است از جاه و مالش کم شود و اگر بیند که از سوراخ قضیب وی مروارید یا گوهر
بیرون آمد او را فرزندی عالم پارسا آید جعفر صادق گوید دیدن قضیب در خواب بر هفت وجه
بود اول فرزند دوم اهل بیت سیوم مال چهارم عزت پنجم بزرگی ششم طلب هفتم حالت
کرده یافتن حرف اللام مع کتاب الکامل التعبیر رازیانه ابن سیرین گوید رازیانه در خواب اگر
بوقت بیند و اگر بی وقت غم و اندوه بود خوردنش مضرت اگر بیند که در [illegible] ملک
او بود رازیانه داشت به غم و اندوه گرفتار شود زانو ابن سیرین گوید اگر بیند که از زانو در خانه
یا دکان او رفت دزد در آنجا رود و چیزی بدزدد اگر زانو اگر رفت دزد [illegible] اگر
بیند که گوشت زانو خورد یا چیزی از اندامها وی در دست داشت مال دزدیده از دزد باز
ستاند کرمانی گوید اگر بیند که زانوی وی را اگر بیند بیمار شود و شفا یابد جعفر صادق گوید دیدن
زانو در خواب بر سه وجه بود اول درد دوم غم و اندوه سیوم بیماری ران ابن سیرین گوید
اگر بیند که ران کسی [illegible] بدرید یا بشکافت یا بشکست دلیل که از خویش جدا شود و
بغربت بمیرد کرمانی گوید ران راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر
خویشان مادر اگر بیند که ران وی باریک شده کار خویشان وی ضعیف شود و اگر بیند که ران وی [illegible]

کشته از خویشان و رضایع شود کرمانی گوید اگر بیند رانهاش از ریسمان یا بند بسته بود یا خویشان
پیوستگی کند بنکاح اگر بیند که گوشت ران خود میخورد بقدر آن مال خویشان خورد واگر آن
گوشت پخته بود وی از خویشان غیبت میکند. مال خویش خورد واگر آن گوشت خام بود
گویند مردی نزد ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که ران من سرخ شده بود و موی بر ان
رسته یکی گفتم تا موی تیر اشد ابن سیرین گفت ترا دو دست و از خویشان تو بکر از اندام
دران ماه مبلغ دویست دینار از خویشان او یکبار جعفر صادق گوید دیدن ران
در خواب بر چهار وجه بود اول بیت دوم دوستان سیوم خشم چهارم مالی راه ابن سیرین گوید
راه در خواب دین بود و استقامت و حجت از اشیا در دین و دنیا اگر بیند که بر شاه راه میرفت
دلیل که بر راه دین بود اگر بیند که قومی بر راه راست راهبری کرد قوم را براه دین و صلاح
کند اگر بیند که در راه سرگشته بود و متحیر در راه دین یا کار دنیا سرگشته شود کرمانی گوید اگر بیند
که در راهی میرفت و مانده گشت حق خود را از کسی نستاند اگر بیند که بهنگام رفتن مانده شد
حق خود را بدشواری بستاند اگر بیند که کسی وی را از راه راست براه کژ برد او را بمعصیت مشغول
دارد و از راه صواب بازدارد اگر بیند که بشب تاریک رفت و راه بروی مشکل بود همچنان
چنان بود که راه راست استقامت و راه راست یابد و صحبت با مردم بد دین کند اگر بیند
که قصد از راه راست یک میرفت بر دستی مکر و حیلت سازد اگر بیند که براه راست میرفت
و از برای خشمت باکسی باز میگشت کاری کند که دین ازیان دارد و بجای آنها مشغول شود بسبب
معصیت اگر بیند که براه میرفت و زنی در پیش آمد بسبب از راه بگردید بدنیا فریفته شود و
خلل دین وی میشود گوید اگر بیند که در راه فرش سبزه و بناهای نیکو بود دلیل بر نیکوی دین
او کند اگر بیند که راهی پوشیده میرفت بگمان در دین بدعت آورد یا گمراه گشته
شود و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه اگر بیند که کسی او را از راه برد دلیل
بر فساد دین وی بود و در خواب من ... اسمعیل اشعث گوید راه راست در خواب مسلمانی

و استقامت بود و اره گفتن بخلاف این جعفر صادق گوید اره به خواب بر پنج وجه بود
اول دنیا دوم آرامش سوم کار نیکو چهارم چیز و مرکب پنجم آلت و درخت اره زدن
ابن سیرین گوید اره زدن در خواب مرد بود که با مردم جنگ و نبرد کند اگر بیند که اره
زدن مال وی بستد با مردی شود که او را عزیز دارد و ازو فایده یابد بقدر آنچه اره آن
بجه بیند اگر بیند که اره زنان بروی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند ستد بیمار شود و سرانجام
خلاص یابد کرمانی گوید اگر بیند که اره زن از وی چیزی بدزدید آن اره زن بروی دروغ گوید اگر
بیند که اره زنان کالایش ببردند مضرت بدو رسد مغربی گوید اگر بیند که اره زنی کرد و
کالای کسی ببرد از کسی یاوری جسته شود جعفر صادق گوید اره زنی در خواب بر سه وجه بود
اول جنگ و خصومت دوم دروغ گفتن سوم تباهی عیش ریباس ابن سیرین گوید ریباس
خوش طعم و شیرین بود و خوش بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و بخلاف این مضرت
و اندوه یابد و گفته اند ریباس چون شیرین بود خیر و منفعت باشد و چون ترش بود بخلاف این
بود که گفتیم رباب زدن ابن سیرین گوید اگر بیند که رباب زد سخن دروغ گوید اگر بیند
که در پیش وی رباب زدند بنج با ملک رضا دهد کرمانی گوید اگر بیند که با رباب چنگ چغانه و نای بود
دلیل بر غم و مصیبت بود که با ملک آن منفعت اگر بیند که رباب بشکست از دروغ توبه کند
اگر بیمار بیند که رباب زد بمیرد یا رنج صعب کشد رخساره ابن سیرین گوید رخساره در خواب
روشنایی و شرف مرد بود اگر بیند که رخساره شنیع و پاکیزه بود میان مردم او نیک بود
اگر بیند که رخساره زرد یا سیاه بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید رخساره در خواب آرایش
مردم و کدخدایی بود اگر در رخساره عیبی بیند آرایش و کدخدایی او را نقصان رسد مغربی
گوید اگر بیند که رخساره وی پر موی بود وام دار شود اگر بیند که موی رخساره جمع و بسترد و
دانشی گزارده شود جعفر صادق گوید دیدن رخساره مردم در خواب دلیل بر نیکویی

خال و شادی در مردم کند و زشتی رخساره دلیل غم و اندوه بود زر ابن سیرین گوید دیدن
زر در خواب دلیل بر زنی کریمه نیکوکار کند اگر بیند که زری داشت که در خنجار وی
بنهد و پاکیزه بود بوقت خود زنی کند نیکو برقی و از و منفعت یابد اگر بیند که هیچ برگ
بر در خنجار زر نبود تاویل بخلاف این بود اگر بیند که برگها زرد گشته بود بیمار شود
جعفر صادق گوید دیدن زر در خواب بر سه وجه بود اول زن کریمه نیکوکار دوم منفعت
از سبب زنان سیوم رنج و غم اگر زر را در خواب بیند دلیل بر بدی خداوند زر بود
روز قیامت باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که قیامت پدید آمد ایزد تعالی در آن دیار
عدل بگسترد و اگر اهل آن دیار ظالم باشند بلای و آفتی بدیشان رسد اگر مظلوم باشند حق تعالی
ایشان را بر ظالمان نصرت دهد اگر بیند که اهل آن دیار پیش حق تعالی استاده اند
خشم حق تعالی نازل شود کرمانی گوید اگر بیند که قیامت بر جای است اگر مظلوم بود بر ظالم دست
یابد و اگر در غم بود فرج یابد اگر بیند که علامت های قیامت پدید آمد چنانکه آفتاب از مغرب
برآمد یا دجال یا یاجوج و ماجوج پدید آمد باید که توبه کند و بحق تعالی بازگردد اگر بیند
که شمار کارهاش می‌کنند از غفلت بود قوله تعالی اقترب للناس حسابهم وهم
فی غفلة معرضون اگر بیند که با وی شمار کردند او را ربانی آمد فحاسبناها
حسابا شدیدا وعذبناها عذابا نکرا اگر بیند که کردار وی سنجیدند و کفهٔ نیکی بیش آمد عاقبتش نیکو بود و
رستگاری یابد فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون اگر بدی گرانتر آمد کار او در
دوزخ بود که ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم فی جهنم خالدون
اگر بیند که نامه بدست راست داشت براه راست بود که وانزلنا معهم
الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط اگر بیند که نامهٔ کردار بدو دادند که برخوان اگر
اهل صلاح بود کارش نیکو بود و اگر اهل فسق بود کارش بد شود قوله تعالی اقرا
کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا اگر خود را بر صراط دید بر راه راست بود

اگر بیند که بر صراط بیارست گذشت بر راه حق بود توبه باید کرد رسن ابن سیرین گوید رسن
در خواب عهد و پیمان بود اگر بیند که دست در رسن زده بود و معلق او بخته بقدر بلندی
منزلت یابد اگر بیند که رسن ببرید و او بیفتاد از منزلت بیفتد کرمانی گوید که رسن
از بهر او بخته بود و او دست در آن زده میان او و حق تعالی پیمان باشد چنانکه
بیند اگر بیمار بود گوید اگر حق تعالی مرا شفا دهد چنین کنم اگر رسن به پای استاده بود
دلیل بر آنکه پیمان شکند که با حق تعالی کرده باشد اگر بیند که دست در رسن زده بود
دست در حبل دین زند که واعتصموا بحبل الله جمیعا و بیشتر معبران گویند
رسن پیمان بود با حق تعالی و هم با خلق اگر بیند که چیزی می‌شنید بر رسن باز میکرد
اعتقادش به خلاف بود اگر بیند از بلندی خود را از رسن فرو گذاشت تعبیرش حاجت خود
بگوید از بیم جعفر صادق گوید رسن در خواب بر چهار وجه بود اول عهد و پیمان دوم دین
سیوم امانت چهارم قضاء حاجت رضوان دربان بهشت بود ابن سیرین گوید
اگر رضوان به خواب بیند از عذاب ایمن شود اگر بیند که رضوان بر در بهشت استاده
بود از دنیا برود و بعضی گویند رضوان در خواب خزینه دار پادشاه بود که با وی صحبت افتد
اگر بیند که رضوان وی را در بهشت برد از دنیا برود و خاتمتش بسعادت بود اگر بیند
که رضوان او را یاقوت یا مروارید یا گوهر داد او را فرزندی آید دانا و عالم چنانکه
بعلم در جهان منتشر گردد رفتن ابن سیرین گوید اگر بیند که از شهر خود میرفت و ندانست
که کجا میرفت بیچاره فرومانده گردد اگر بیند که زن و فرزند با خود همی برد مسکین و جدا
شود اگر بیند که مانند شتر میرفت سعادت دنیا و دین یابد اگر بیند که مانند دکان میرفت
دینش بخلل بود اگر بیند که مانند مار و کژدم میرفت تاویلش همان دارد کرمانی گوید اگر
بیند که از تاریکی بروشنی رفت از باطل بحق گراید اگر بیند که از خرابی بآبادانی رفت
از نعمت بفقر و حیرت افتد اگر بیند که از آبادانی بخرابی رفت تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که

١٢١ طا

بجای رو فیث بعد از قید اگر بیند که بجای بینک فیتر بیبنی افتد رفو کردن ابن سیرین گوید

اگر بیند که جامه خود را یا یاران خود رفو کرد با حولت در خصومت افتد کرمانی گوید اگر بیند که جامه خود را

رفو میکرد نتوانست بسبب عیالی غم خورد رفو کردن در خواب مردی را بود که با همه لغت گوید و کار

و کار خود خواهد که بجای خود بصلاح آرد و از خصومت برهد رقص کردن ابن سیرین گوید اگر بیند

که در خواب رقص میکرد غم و مصیبت یابد و بعضی گویند بیمار شود کرمانی گوید رقص در خواب زنان را

رسوائی بود و مردان را خصومت و رقاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت بود جعفر صادق

گوید رقص در خواب دلیل بر غم و مصیبت بود رگ زدن ابن سیرین گوید اگر بیند که مر

رگ وی را گشادند از دوستی سخن خوش شنود اگر بیند که جوانی رگ گشاد از دشمن سخن شنود و لیکن

و مالش تلف نشود اگر بیند که رگ زد و خون آمد بعضی بود که بقدر خون زیان آید کرمانی

گوید اگر بیند که عالمی او را رگ زد و خون در تا گرفت بیمار شود و مال هزینه کند اسمعیل

گوید رگ زدن از دست راست زیادتی مال و نعمت بود و از دست چپ زیادتی در دنیا

اگر بیند که ... او را رگ زد از مهتری فایده یابد اگر بیند که زن خود را رگ

زد آبستن شود و دختر آرد معبر گوید اگر بیند که رگ زد و خون از همه تن وی

بیرون آمد بمیرد جعفر صادق گوید رگ زدن در خواب بر چهار وجه بود اول رگ زدن

کار دوم سفر سیوم خصومت چهارم آزار اگر بیند که رگ زد و خون نیامد دلیل خصومت

بود و اگر خون آمد دلیل یافتن مال اگر بیند که از تن وی بی جراحت خون آلود گشت

منفعت یابد معبران گویند رگ زدن در خواب چون بیننده مستور بود حرمت وی افزون

بود و اگر مفسد بود تاویل بخلاف این بود رگها ابن سیرین گوید رگهای تن دلیل

اهل بیت و خویشان بود اگر بیند که رگی را از اندام وی آفتی رسید به خویشان

در عمر رسد و هر کسی را رگی بقیاس تمییز رگها رسد و بلشتا بر جمهور آن بود اگر

دست و پای برادران و فرزندان اگر ببیند که رگهای خویشان و دوران گسست برخویشان بود

رگهای زنان و پسران بر اهل بیت و دود و دماغ رگهای ساق بر مال و معیشت مردم اگر

اگر ببیند که رگ زد به بیمار بریده یا حسبکش یا از خویشان که بدان رگ تعلق دارد

بمیرد و بعضی گویند اندوهی بخویشان او رسد اگر ببیند که کسی او را رگ زد از خویشان

سخن درشت شنود و بعضی گویند به قدر خون مالی خویشان نفقه شود و اجمال گوید اگر

ببیند که رگ قیفال گشاد کارها بروی بسته گردد اگر ببیند که رگ باسلیق گشاد و دهان دلیل

دارد و رگ اکحل همچنین و چو که نساک گویند از رگ من خون می آید مال باید خبر گوید

از دست می خون میرفت زیان مال بود و معبر باید که در لفظ ساکن گاه کند و تعبیر

بموجب لفظ او گوید رکاب ابن سیرین گوید اگر ببیند که رکاب از آن ستده بود دلیل

خیانت فرزند بود یا غلام و چون با زین بود و رنگ آن خیانت بود کرمانی گوید اگر

ببیند که رکاب وی از زر بود فرزندی متکبر بود و اگر سیمین بود فرزندش بمال دنیا مغرور

شود اگر برنجین یا مسین بود فرزندش دون همت بود اگر آهنین بود بقدر روشنی و پاکی

او از قوت بود کی دنیاوی اگر چوبین بود فرزندش فرومایه بود رکابداری نیکو بود بخواب

زیرا که بهتر نزدیک نیست رنگ در خواب ابن سیرین گوید رنگ سفید بخواب دین جامهای خاصه

آن صلاح و پاکی بود از آن دین و رنگ سرخ مردان را در دنیا کر هست زنان

بلشی و زنان را نیک بود و رنگ سبز مردان را و زنان را نیک بود بدین و دنیا و رنگ زرد

مردان را و زنان را بیماری بود و رنگ سیاه مصیبت بود مگر کسی که پیوسته سیاه دارد

و نیکو بود مرد و زن را اندرین جعفر صادق گوید رنگ سبز و سفید دلیل بر خیر و برکت

کند و دین پاک زیرا که لباس اهل بهشت است و رنگ سیاه سلطان و قاضی

و خطیب را زیان ندارد ملک و عز و جاه بود و رنگ زرد بیماری و رنگ سرخ خصومت

روباه ابن سیرین گوید روباه در خواب مردی مکار و حیله گر بود یا زنی یا کنیزک دروغ

زانی اگر بیند که با روباه جنگ کرد با خوبان خصومت کند اگر بیند که روباهی حیلت از
پس او می رسید هیچ اگر بیند که با روباه بازی همی کرد زنی او را دوست دارد و وی نیز
او ضعیف شود کرمانی گوید اگر بیند که روباهی را بکشت [illegible] الفقر بیند اگر بیند که روباهی
پیش او چاپلوسی کرد عمری باو حیلت کند و پوست روباه بخواب مال که بجنب
مدتی او زرد و خوردن شیر روباه بخواب شفا بود از بیماری و [illegible] دو
خلاص از زندان و بعضی گویند اگر بیند که شیر روباه خورد بیمار شود یا ترسید و [illegible]
منوچهر گوید روباه بخواب زنی بود اگر بیند که روباهی داشت زنی خواهد دروغ زن
اگر بیند که روباهی در خانه وی آرام گرفت زن کند و آن زن دوست او بود اگر
بیند که روباه از وی بگریخت وام دار از وی بگریزد رود خانه ابن سیرین گوید اگر بیند که
در رودی بزرگ [illegible] شد با مردی بزرگ [illegible] شود و از و منفعت یابد اگر بیند که
از آن آب رود بیرون آمد از بلا و غم رسته گردد اگر بیند که در رودی بزرگ شد و
آبش تیره بود و [illegible] با مردی ستمکر [illegible] شود و از وی غم و اندوه یابد اگر بیند
که در آن رود غرقه شد تا وقت مرگ از غم نرهد دانیال گوید رود بزرگ وزیر
پادشاه بود اگر بیند که رودی بزرگ خشک شد وزیر معزول گردد اگر آب رود زیاد
بیند از وزیر عطا یابد اگر آب رود تیره بیند مال حرام بیند اگر آب رود تلخ بود
رشوت ستاند اگر آب رود گندیده بود بیمار شود اگر سرد و خوش بود از وزیر راحت یابد
اگر بیند که رود خون گشته بود و می رفت در آن دیار خون ریزش شود اگر بیند که
آب رود بزمین فرو رفت و هیچ نماند دلیل عقوبت بود در آن دیار که قل ارایتم
ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین اگر بیند که آب
رود خورد از شست از شر وزیر پادشاه ایمن گردد اگر بیند بر زیر آب خط خورد و باز برآمد

از راز و زیر آگاه شود اگر بیند که در رود رفت و جامه او گل آلود گشت بسبب
بازرگانی غم خورد کرمانی گوید رود دجله بخواب خلیفه بود و رود جیحون پادشاه هند
و رود سیحون پادشاه خراسان بود و رود فرات پادشاه شام و بعضی گویند پادشاه
روم و رود نیل پادشاه مصر و رود دیگر پادشاه ارمن و خوردن آب از آن رود
و نشستن چون دجله در آن خیر و منفعت بود که از آن پادشاهان رسد بقدر آب اگر رود
از سر بیند و خورد از میان آن در فتنه افتد جعفر صادق گوید دیدن رود در خواب
بر هفت وجه بود اول حج دوم بزرگی سوم پادشاهی چهارم تجارت پنجم مال و نعمت ششم
ریاست هفتم علم و ظفر رودبار تازی وادی گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که در رودبار
رفت به غم و اندوه گرفتار شود اگر بیند که از رودبار بیرون آمد از غم و اندوه رسته گردد
کرمانی گوید رودبار در خواب بر حج و اسلام کند بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم
مغربی گوید رودبار در خواب دلیل بر شعر گفتن کند الشعرا یتبعهم الغاوون
الم تر انهم فی کل واد یهیمون رودگانی یعنی روده ابن سیرین گوید
اگر بیند که روده داشت از خویشان منفعت یابد و ناگاه که ازو شرف و سعادت
یابد اگر بیند که روده در اندرون بود (?) از خویشان و زن بهتر گردد اگر بیند که روده
کسی بخورد بقدر آن از مال وی بخورد کرمانی گوید اشکم (?) اندرون روده در خواب مال پنهان
بود که پیدا شود مغربی گوید اگر بیند که روده از دهانش بیرون آمد مرگ فرزند بود (?)
اگر بیند که روده از شکم کسی بیرون آورد بقدر آن مال پنهان خورد جعفر صادق گوید
دیدن روده در خواب بر شش وجه بود اول مال حرام دوم منفعت سوم گنج ناخوش (?)
چهارم فرزند پنجم زن ششم کار ناشایسته که از خویش رود (?) ابن سیرین گوید اگر بیند که او در
آدینه است و شنبه بود در کار رسم (?) فتح کند و بداند که خیر است و شر بود

اگر دار

اگر بخواب بیند و نماز روز که نشست و روز بود خیر و نیکی یابد اگر شنبه بود بخواب دوستدار
بهبود آن بود که از یکشنبه بود هواداری بسیار بود اگر دوشنبه را آدینه نماز زد محبت
امانت نفاق بود اگر روز سه شنبه را آدینه نماز زد و دو بهشت اما طرف دیو بود اگر چهارشنبه
را آدینه نماز زد دوست نعمت داران بود جعفر صادق گوید دیدن روزها بهترین
آدینه بعد از آن روز دوشنبه و پنجشنبه و هر چند روز روشن روشن‌تر و صافی‌تر بیند بهتر
روزه داشتن ابن سیرین گوید اگر بیند که روزه می داشت یا قرآن میخواند یا تسبیح
میکرد از گناه و حرام توبه کند اگر بیند که با روزه غیبت مردم و فحش می گفت
بریا کند و در دین صادق نباشد کرمانی گوید اگر بیند که در ماه روزه بود گرانی
و تنگی طعام بود و بعضی گویند دلیل بر درستی دین بود و فرج از غم و گزاردن وام خاصه چون
رمضان بود جعفر صادق گوید دیدن روزه داشتن در خواب بر ده وجه بود اول برکت
دوم ریاست سوم تن درستی چهارم مرتبت پنجم توبت ششم ظفر هفتم نعمت هشتم
حج نهم عز دهم پیروزی روزه کشادن در خواب بر دو روی است اول حلال بود اگر قصد
کشا بود در سفر رخصت یابد اگر بیند که دو ماه روزه داشت از گناهان توبه کند
اگر بیند که روزه بطوع می داشت از بیماری ایمن شود اگر بیند که یک سال پیوسته روزه
داشت تایب گردد و حج کند اگر بیند که روزه عاشوره داشت از غم و اندوه رستگار
یابد روستا ابن سیرین گوید اگر بیند که در روستا بود جای مجهول دلیل خیر بود اگر
جای معروف بود بد باشد اگر بیند که از روستا بشهر شد از فتنه و بلا ایمن شود
و کار بر وی بنظام گردد اگر بیند که از شهر بروستا شد تاویلش بخلاف این بود مغربی
گوید اگر بیند که در روستای آبادان کم شده بود بدی افتد اگر بیند که روستا ملک
او بود و نقد از آن آبادانی راحت یابد روستا کرمانی گوید که روستائی در خواب

دین بهی بود اگر بیند که روشنائی داشت علم و دین آموزد و تاریکی در خواب دلیل بود
وامّا الذین ابیضّت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون و کرمانی گوید اگر بیند که روشنی
بر سینهٔ وی افتاده بود سینه‌اش پاک دین بود افمن شرح الله صدره للاسلام
فهو علی نورٍ من ربّه اگر بیند که راه بر وی روشنائی بود در خواب
بر چهار وجه بود عاقبت او بخیر بن جعفر صادق گوید دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود
اول دین هدی دوم علم سیوم راه راست چهارم اعتقاد پاک روغن دانیال گوید
روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی گویند سرزنش باشد اگر بیند که روغن گاو داشت
و از آن خورد بقدر آن نعمت یابد و روغن گوسفند همین تاویل دارد و روغن کنجد و روغن
بادام هم مال بود و روغنها گرانمایه چون روغن بان و روغن بنفشه و روغن زیتون جمله علم
و حکمت بود و روغن بنفشه دیدن منفعت بود از مردی دهقان و روغن خیری منفعت بود
از عرب و روغن نرگس منفعت بود از روستا و روغن افیون آیتی و روغن قسط منفعت
بود از روستائیان ابن سیرین گوید اگر بیند که همه تن او بروغن آلوده شد بیمار شود و اگر بیند که
روغن بر سر مالید زینت و آرایش بود مردم او را ثنا گویند اگر روغن ناخوش و گندیده بود
او را زشتی گویند کرمانی گوید روغن زیت مال و نعمت بود و بعضی گویند روغنها چند در خود
مالیدن زینت و آرایش بود چون به اندازه بود غم و اندوه بود و ملک دیت که بخورد و بمالیدن
بد بود اگر بیند که روغن زیت بخورد یا مالید شوکند بدروغ خورد اگر بیند که جامه وی بروغن آلوده
گشته اندوهگین شود جعفر صادق گوید روغن خوش در خواب بر شش وجه بود اول
زن دوم کنیزک با جمال سیوم ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم سخن خوش ششم طبعهای نیک
و روغن در خواب بر سه وجه بود اول زن روشنی دوم فاسق سیوم سخنهای زشت و روغن
نشر به خواب نادر زهن کس بود روغن یاسمن ابن سیرین گوید روغن یاسمن بخواب دیدن اورا
دیدن

ان الذین ابیضّت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون

دنیا بود و خوردنش اندوه و مضرت اگر بیند که جامه خود بر روی باسن چرب کرد بعشرت
مشغول شود و بگذارند روی ابن سیرین گوید اگر روی خود را خوبتر از آن بیند که دیده بود
شرف و منزلت وی بیشتر گردد و اگر بیند که رویش زشت‌تر بود از آنچه بود تاویلش
بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که روی کسی سرخ و پاکیزه گشت روشنایی گردد
اگر بیند که گونه رویش سفید شد ولیکن برنگ و دیانت او بود واما الذین ابیضت
وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون اگر بیند که گونه روی او زرد
شد بیمار شود و اگر سیاه بیند رسوا گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جامه سفید پوشیده
بود او را دختر آید واذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو
کظیم اگر بیند که با سیاهی روی گرد آلود بود بیم مرگ بود و اگر بیند که رویش خون آلود
بود یا زرد آب از جهاتش فرو می آمد اگر جراحت نه بیند زیان مال بود اگر بیند که روی
او بقفا گشته بود کسی او را از وطن برگرداند و اگر بیند که روی او لاغر شده بعضی خاصش تباه شود
اگر بیند که بر روی خال داشت وام دار شود معبری گوید اگر روی خود را خوب نیکو بیند در آینه یا
در آب کارش نیکو شود و اگر زشت کارش تباه شود اگر شخص بیند با کسی نشاط کند و خشم
فرو خورد اگر بیند که رویش سفید بود توفیق طاعت یابد اگر سیاه بود بیم کفر بود واما
الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم اگر روی خود شکسته بیند
معصیت کند و اگر بر روی خود جراحت بیند بقدر آن سبب مال غم و اندوه خورد اگر خود را
دو روی بیند منافق بود اگر هر دو روی خوب بیند توسط کند میان مردم اگر یک روی خود
خندان بیند و یکی گریان او را دو زن دوست باشند و بیمار کاری بکنند جعفر صادق گوید روی
در خواب بر هشت وجه بود اول شرف و بزرگی دوم حقارت و خواری سیوم نظام کار چهارم حسن و
دولت پنجم روایی روی ششم وام داری هفتم کار نیکو هشتم توفیق طاعت رواسی ایمن
رشتواس در خواب غم و اندوه بود بقدر خوبی آن اگر بیند که رواس بیند راحت از غم و اندوه

رسته گردد و اگر بوی اش شیرین بود مضرت کمتر یابد ریحان اگر ریحان سبز خوش
بوی بیند فرزند یابد و از زمین بندن گریستن و اندوه بود ابن سیرین گوید اگر ریحان
در جای خود بیند جدا از شی را کار نیک گردد و اسمعیل گوید اگر ریحان خوشبوی یک جز
توفیق یابد جعفر صادق گوید ریحان در خواب بر هفت وجه بود اول زن دوم
سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که
در سرا یا باغ ریحان بود آن خیرها که گفتم بود ریس مغربی گوید ریحان فروش چون فروخت
خود فروشد سخت نیکو بود اگر بیند که ریحان از زمین بر کند از فرزند جدا شود ریسمان
در خواب سفر بود اگر بیند که از ابریشم یا از موی ریسمان می ریست بسفر رود و منفعت یابد
اگر بیند که از پنبه یا قرباکتان ریسمان می ریست جای که زنان و ریسند کار کند حلال
اگر بیند که ریسمان گلوله بر دوتا جامه یابد در خصومت افتد کرمانی گوید اگر زن بیند که مانند موی
از ابریشم ریسمان می ریست و یرا غایبی از سفر باز آید اگر بوقت رشتن ریسمان گسسته شد
غایب بسفر دیر بماند اگر بیند که ریسمان بسیار رشت عمرش دراز بود و القدر ریسمان
از خود از منفعت یابد جعفر صادق گوید ریسمان در خواب بر چهار وجه بود اول سفر
دوم کار مردم سیوم عمر دراز چهارم منفعت بسیار ریش ابن سیرین گوید ریش در خواب
آرایش مرد و کدخدایی او بود و در خبر است که نزد خدا تعالی فرشته ایست که تسبیح
او اینست که سبحان من زین الرجال باللحی والنساء بالذوایب
آن خدای که آراسته است مردان را بریشها و زنان را بگیسوها اگر کسی ریش خود را
دراز بیند کار کدخدایی وی خسته شود اما چون دراز از ناف بگذرد غم و اندوه بود
اگر بیند که ریش اخضاب کرده و نمی پذیرفت حال خود بر مردم می پوشد اگر بیند که ریش خود
بر زمین بکشد اجلش نزدیک بود اگر بیند که همه ریش او بریده بود حرمت و مال او نقصان
شود و اگر کوتاه بیند همین تاویل دارد کرمانی گوید اگر ریش خود سیاه و سرخ بیند بشغال کند

داور کند اگر بیند که ریش وی سفید گشته بود اهستی و بجد باری او زیادت شود لیکن
غمگین گردد اگر بیند که ریش وی دراز بیش از خود او را زیان رسد اگر بیند که ریش
ناشایسته کرده و کلادت بروی زند کار کند که مردم از آن بستانند معبران گویند اگر بیند که
ریشش را تار زینه بافته بود مال یابد اگر ریش خود به اندازه ریش پدر بیند میراثی یابد
اگر بیند که دست در ریش خود آورد و پاره در دست بماند و ببیند خست مالش از
دست برود اگر بیند که پاره ریش در خبری نهاده و لیکن نهداشت مال نگاه دارد اگر بیند که
ریش او کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد گزارده شود اگر غمگین بود بی غم گردد و اگر
بیند که ریش او تراشیده بود حرمتش کم شود اگر بیند که ریش وی بر زمین افتاده بود بمیرد
اگر بیند که ریش او کنده شد حرمتش کم شود اگر بیند که موی سفید از ریش کند مخالفت
سنت رسول علیه السلم کند اصحاب شعث گویند اگر بیند که کسی او را در حرم در وقت موسم
حج سر تراشید اگر وام دارد گزارده شود از غم خلاص یابد اگر بیند که بی سببی اندک اندک
ریش وی می افتاد حال نقصان روی ظاهر از رنج و سختی رهد اگر بیند که ریش وی تمام
سفید شد از جاهش نقصان بود اگر زنی بیند که ریش داشت غمگین و مستمند شود اگر
مردی بیند که زن او را ریش برآمد او را هرگز فرزند نباشد و اگر بود محتشم قدم باشد اگر کودکی
نابالغ خود را ریش بیند غم و اندوه یابد اگر بیند که کسی ریش او بگرفت و فرو کشید دلیل که اهل
مال او میراث ستانند جعفر صادق گوید دیدن ریش در خواب بر ده وجه بود اول منفعت مردم
دوم عز و جاه سیوم سر منفعت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکویی هفتم مال هشتم ترویج
نهم فرزند دهم گرامی شدن ولقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر

اما ریش سترون در خواب حاجیان را و تر بندگان را و زندان بان را
نیک باشد ریش ابن سیرین گوید اگر بیند که بر تن وی ریشی بود در آن ایام حج رشد

بقدر آن ریش و ریم او را مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند از مال او نقصان شود
منوچهر گوید اگر بیند که جمله اندام او ریش بود و رنج بدو رسید بقدر آن غم و اندوه رسید
ریگ ابن سیرین گوید ریگ در خواب دلیل بر خیر و منفعت و مال کند اگر بیند که در میان ریگ
شد بشغلی مشغول شود و فایده یابد اگر بیند که ریگ می خورد یا جمع میکرد خیر و منفعت یابد
جعفر صادق گوید ریگ در خواب بر چهار وجه است اول مشغولی در دین و دنیا چون ریگ بسیار بود دوم
مال سیوم منفعت چهارم رفتن ملکی [?] ریم ابن سیرین گوید ریم در خواب مال بود
و خداوند خواب را اگر بیند که از تن وی ریم بیرون آمد بقدر آن نقصان مال بود کرمانی
گوید اگر بیند که ریم از وی میکند و میچکد مال حرام خورد علی الجمله ریم جمع شدن در اندام دلیل مال بود
و بیرون آمدن از اندام نقصان مال بود و ریم سیم و آهن و ارزیز غم و اندوه بود ریوند ابن سیرین
گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت به غم و اندوه گرفتار شود اگر بیند که از بهر علتی خورد از آن
شفا یافت دلیل بر تن درستی خیر و صلاح بود و اگر بیند که بخلاف این بود دلیل رنج و
بلا باشد حرف الزای کتاب الکامل فی التعبیر زن ابن سیرین گوید اگر زن بیند که دختر
زاد یگانه بیند و از حوادث خرم شود اگر بیند که پسر زاد و آبستن بود غمگین گردد و اگر
آبستن نبود دختر آرد کرمانی گوید اگر زن پادشاه بیند که دختر زاد و آبستن بود غمگین
گردد و اگر آبستن بود دختر آرد کرمانی گوید اگر زن پادشاه بیند که دختر زاد شوهرش نیکی یابد
اگر بیند که پسر زاد غم و اندیشه بود اگر مردی بیند که دختر آورد مستمند و غمگین شود اگر بیند
که پسر زاد غم و اندیشه بود اگر مردی بیند که دختری آورد مستمند و غمگین شود اگر بیند که پسر
زاد کارش خوب گردد اگر دختر دوشیزه بیند که دختر زاد شوهر کند جعفر صادق گوید
اگر زنی بیند که پسر زاد در حال با وی سخن گفت زود بمیرد اگر بیند که دختر زاد از وی
فرزندی آید که بهتر از مادر [?] شود زاغ ابن سیرین گوید زاغ در خواب مردی فاسق بود
و بد دین و دروغ زن اگر بیند که زاغی داشت یا کسی هدیه داد و لکن بر با [?] واقعه شود

اگر بیند که زاغ را بکشت انجا دزدان و فاسقان جمع شوند اگر بیند که زاغ را شکار
کرد از جایی یا طلب نعمت باید کرد ماند گوید اگر یک زاغ را بخواب بیند تاویلش کم فرزند و
بود اگر زاغان بسیار بیند تاویلش لشکر باشد اگر بیند که زاغان او را نوبت بار کرد با زنان
غریب زنا کند اگر بیند که زاغ بکشت اما ملک نیست او را مصیبت رسد اگر بیند که زاغان
بسیار در هوا می آمدند و می گذشتند دران دیار لشکر پدید آید مغربی گوید اگر بیند که زاغ
دختر و پسر دو در شلوار او بودند فرزند با کمر کشی فاسد کند اگر بیند که زاغ را معالجت
کرد دزدی را پند دهد اگر بیند که زاغ از خانه وی چیزی بمنقار برگرفت و برفت فاسقی یا
هندوی از خانه وی چیزی بدزدند زاک ابن سیرین گوید زاک سبز بهتر بود و بعد ازان زاک
سفید و زاک زرد بیماری و زاک سیاه مصیبت و خوردن زاک دلیل دلیل بر هلاکی بود
و دیدن زاک منفعت بود جعفر صادق گوید دیدن زاک در خواب بر چهار وجه بود اول
غم و اندوه دوم بیماری سوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زنان ژاله ابن سیرین گوید
اگر بیند که در موضعی ژاله می بارید از پادشاه رنج بدان مردم رسد اگر بیند که با ژاله رعد و برق بود
می درخشید دلیل تحقیق قحطی بود کرمانی گوید ژاله با باران نعمت و فراخی بود اگر بیند که با ژاله
برق می درخشید اهل آن دیار را رنج و بیماری بود جعفر صادق گوید دیدن ژاله در خواب بر پنج
وجه بود اول بلا دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری زرو جانوریست
که در آب بود ابن سیرین گوید دیدن او در خواب دشمن طامع بود اگر بیند که زرو خون از
اندام وی می مکید دشمن بر وی چیره گردد و بقدر خون مکیده نقصان مال بود اگر بیند که زرو
در گلوی وی شد با دشمن از خانه می نشست کند اگر بیند که زرو از اندام خود جدا کرد و بکشت
بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید زرو عیالی که مال دیگران خورد اگر بیند که زرو بسیار بر وی
جمع شدند و خون از وی می مکیدند بقدر خون از مال وی نقصان شود مغربی گوید اگر بیند
که زرو بر اندام وی بود و خون وی می مکید او را دشمن گرفتار کند رسد زانو ابن سیرین گوید

بقدر آن ریش و ریم او را مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند از مال او نقصان شود
منتری گوید اگر بیند که جمله اندام او ریش بود و رنج و درد بسیار رسید بقدر آن غم و اندوه رسد
ریگ ابن سیرین گوید ریگ در خواب دلیل بر خیر و منفعت و مال کند اگر بیند که در میان ریگ
شد بشغلی مشغول شود و فایده یابد اگر بیند که ریگ می خورد یا جمع میکرد خیر و منفعت یابد
جعفر صادق گوید ریگ در خواب بر چهار وجه اول مشغولی در دین و دنیا دوم ریگ بسیار بود
مال سیوم منفعت چهارم رفتن بکاری که رنج و عنا بود ریم ابن سیرین گوید ریم در خواب مال بود
و خداوند خواب را اگر بیند که از تن وی ریم بیرون آمد بقدر آن نقصان مال بود کرمانی
گوید اگر بیند که ریم از پلید و مسجد و مال حرام خورد علی الجمله ریم جمع شدن در اندام دلیل مال بود
و بیرون آمدن از اندام نقصان مال بود و ریم سیم و آهن و ارزیز غم و اندوه بود ریوند ابن سیرین
گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت به غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علتی خورد از آن
شفا یافت دلیل که تن درستی و خیر و صلاح بود و اگر بیند که بخلاف این بود دلیل رنج و
بلا باشد حرف الزاء من کتاب الکامل فی التعبیر زن ابن سیرین گوید اگر زن بیند که دختر
زاد نیک بیند و از حوادث خرم شود اگر بیند که پسر زاد و آبستن بود غمگین گردد و اگر
آبستن بود دختر آرد کرمانی گوید اگر زن پادشاه بیند که دختر زاد و آبستن بود غمگنی
گردد و اگر آبستن بود دختر آرد کرمانی گوید اگر زن پادشاه بیند که دختر زاد شنود رنج یابد
اگر بیند که پسر زاد غم و اندیشه بود اگر مردی بیند که دختر آورد مستمند و غمگین شود اگر بیند
که پسر زاد غم و اندیشه بود و اگر مردی بیند که دختر آورد مستمند و غمگین شود اگر بیند که پسر
زاد کارش خوب گردد اگر دختر دوشیزه بیند که دختر زاد شوهر کند جعفر صادق گوید
اگر زنی بیند که پسر زاد در حال با وی سخن گفت زود بمیرد اگر بیند که دختر زاد از نسل وی
فرزندی آید که شهر او را مسخر شود زاغ ابن سیرین گوید زاغ در خواب مردی فاسق بود
و بد دین و دروغ زن اگر بیند که زاغ داشت با کسی خوید و لکن ربا حاکم واقعه شود

[illegible]

اگر بیند که زاغی را بکشت ایمن از دزدان و فاسقان جمع شوند اگر بیند که زاغی را شکار
کرد از جایی یا طلب نعمت باید کرد مانند گوید اگر یک زاغ را بخورد بیند تاویلش که فرزند بیند و
بود اگر زاغان بسیار بیند تاویل لشکر باشد اگر بیند که زاغان او را نوشت بار کرد یا زن
عزیز زنا کند اگر بیند که زاغی بکشت ایمان صحبت او را مصیبت رسد اگر بیند که زاغان
بسیار در هوا می آمدند و می گذشتند دران دیار لشکر پدید آید مغربی گوید اگر بیند که زاغ
دختر و هر دو در شلوار او بودند فرزند با کبر کشی ... کند اگر بیند که زاغی را معالجت
کرد دزد را پند دهد اگر بیند که زاغ از خانه وی چیزی بمنقار برگرفت و برفت فاسقی یا
هندوی از خانه وی چیزی بدزدند زاغ ابن سیرین گوید زاغ سبز بهتر بود و نعمان زاغ
سپید و زاغ زرد بیماری و زاغ سیاه مصیبت و خوردن زاغ دلیل دلیل بر هلاک بود
و در دیدن زاغ منفعت بود جعفر صادق گوید دیدن زاغ در خواب بر چهار وجه بود اول
غم و اندوه دوم بیماری سوم مصیبت چهارم خصومت سبب زنان ژاله ابن سیرین گوید
اگر بیند که در موضعی ژاله همی بارید از پادشاه رنج بدان مردم رسد اگر بیند که با ژاله رعد برق بود
می درخشید دلیل محنت و رنج بود کرمانی گوید ژاله با باران نعمت و فراخی بود اگر بیند که با ژاله
برق می درخشید اهل آن دیار را رنج و بیماری بود جعفر صادق گوید دیدن ژاله در خواب بر پنج
وجه بود اول آفت دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری رزو حیوانیست
که در آب بود ابن سیرین گوید دیدن او در خواب دشمن طامع بود اگر بیند که رزو خون از
اندام وی همی مکید دشمن بر وی چیره گردد و بقدر خون مکیده نقصان مال بود اگر بیند که رزو
در گلوی وی شد یا بینی دشمن از خانه همی نسبت کند اگر بیند که رزو از اندام خود جدا کرد و بکشت
بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید رزو عیالی که مال دیگران خورد اگر بیند که رزو بسیار بر وی
جمع شدند و خون از وی همی مکیدند بقدر خون از مال وی نقصان شود مغربی گوید اگر بیند
که رزو بر اندام وی بود و خون وی همی مکید او را دشمن گزند رسد زانو ابن سیرین گوید

زانو در خواب معیشت بیننده خوابست اگر زانوش شکسته باشد بی نوا گردد اگر زانوی او گرده
تر بیند عیشش بر وی فراخ شود اگر بیند که بر زانو رفت کار و معیشتش بر وی ضعیف شود اگر
بیند که چشم زانوی وی شکسته بود نماز میند خلق گردد اگر بیند که چشم زانوی وی بقفا مایه که
دارد تلف شود کرمانی گوید زانو در خواب حال کسب و معیشت مردم بود اگر بیند که زانوی
وی سخت شد در معیشت و کسب وی زیادت شود اگر بیند که سست و ضعیف بود معیشت وی تنگ
شود مغربی گوید زانو در خواب جائیکه رنج و عنا باشد و هر زیادت و نقصان که در زانو بیند
با وبال آن که یاد کرده شد زباد عرق جانوریست و بوی خوش دارد و این جانور مانند
گربه بود ابن سیرین گوید اگر بیند که زباد با خود داشت مردم ثنای او گویند اگر بیند که از آن
زباد بوی با خوش بر آمد مردم نکوهش وی کنند اگر بیند که از آن زباد هیچ بوی نیامد جنگ کند و
منت بدارند اگر بیند که زباد خورد عیال وی را ادب و فرهنگ باشد جعفر صادق گوید زباد
در خواب بر چهار وجه بود اول ادب دوم ثنا سیوم نام چهارم کردار پسندیده زبان
ابن سیرین گوید اگر بیند که زبانش بریده یا ناقص شد بی آنکه خصومت داشت خیر و صلاح
وی بود اگر بیند که زبانش در طول یا عرض زیادت شد بوقت حجت زبانش روان شود
و بر خصم ظفر یابد اگر بیند که زبان وی دراز شد سخنهای زشت گوید کرمانی گوید اگر بیند
که او را دو زبان است حق تعالی او را علم و دانش روزی کند اگر بیند که زبان خود ببرید
قصداً تا سخن نگوید از گفتن یا جلب توبه کند اگر بیند که بر زبانش خطا رفت سخنی گوید
که در آن خیر نباشد اگر بر زبانش سخن صورت رفت سخن گوید که رضای حق تعالی باشد اگر
بیند که کسی در دهان او زبان نهاد از کسی قوت یابد بسخن اگر بیند که زبان کسی می مکید
از آن کس علم و دانش حاصل کند مغربی گوید اگر بیند که زبانش لکنت شده بود فساد
دین و دنیا وی را او باشد اگر بیند که زبان در دو بیتی ببرید از رش استغفار کند واجب الی

۹۵

گوید اگر بیند که زبانش دراز و قوی و سطبر بود در مناظره بر خصم غالب بود اگر بیند که
زبان وی دراز بود چنانکه بهی بود و مردم از زبان رنجانند اگر بیند که زبانش بسته شد
بیمار شود اگر بیند که زبانش ببریدند بر کسی بهتان گوید یا گواهی بدروغ دهد اگر بیند که
بر زبان وی موی برآمد بسبب گفتارش در بلا افتد اگر بیند که زبان وی آماسیده
بود بسبب گفتارش مال حاصل کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که زبان وی دراز شد
کسی وی را اعز کند یا دشنام دهد اگر بیند که زبان وی دو شاخ گشته بود منافق بود
اگر بیند که زبانش ببریدند از همه شغلها فرو ماند اگر بیند که سر زبانش خشک شد بدین بیند
جعفر صادق گوید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود اول حکمت دوم امانت سوم
ترجمان چهارم حاجت پنجم و کیل ششم ریا و سخن گفتن بزبان های مختلف در حرف سین یاد
کنیم زبرجد ابن سیرین گوید زبرجد در خواب دلیل بر خیر و منفعت کند اگر بیند که زبرجد داشت
بقدر آن مال و نعمت حاصل کند اگر بیند که زبرجد از وی ضایع شد مال او نقصان شود جعفر صادق
گوید دیدن زبرجد در خواب بر ۳ وجه بود اول خرمی دوم منفعت سوم مال زنبور ابن سیرین
گوید اگر بیند که کندات زنبور میخوانند بخوانی قاری باز گردد و کاری چیز عجیب نماید اگر بیند که زنبور از
میخوانند و حرمت برپا کند منفعت گوید اگر بیند که زنبوری نوشت از کاری نفع یابد اگر
بیند که زنبور بخوانند گرد در او ... بود زاغ فال اگر فتن بود ببانگ مرغان تاویلش باطل
و غرور دنیا بود او در خواب و بیداری از راه تاویل نکوهیده بود ابن سیرین گوید اگر بیند که
ببانگ مرغ فال گیرد و بانگ مرغ بعد در فرو بود دلیل بر خیر و صلاح بود اگر زاغ بود
دلیل بر شر و فتنه بود و بعضی گفته اند بانگ مرغ چون زاغ بود بیماری رنج و عاقبت شفا
یابد زخم ابن سیرین گوید اگر بیند که برتن زخم داشت و از خون بود بر زخم زننده
ظفر یابد و بر خیر و منفعت رسد اگر بیند که از خون دران زخم بود تاویلش بخلاف
این بود اگر بیند که از زخم وی خون زوال شد و اندامش آلوده گشت مال حرام یابد

واگر اندامش خون آلود گشت بیند ویرا بکاری متهم کنند کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او
زخم رسید و خون از وی روان شد و جامه او آلوده گشت در مال او نقصانی افتد جعفر
صادق گوید زخم در خواب بر سه وجه بود اول ظفر دوم منفعت سوم نقصان مال
مغربی گوید زخم در خواب دلیل بود بر کار مشکل که ظاهر شود زرد چوبه ابن سیرین گوید
زرد چوبه در خواب بیماری بود و اگر بیند در خوردن زرد چوبه داشت مضرت یابد و زیان او
باشد اگر بیند که جامه خود بزرد چوبه رنگ کرد بیمار شود و خوردن زرد چوبه خیر نباشد زدن دجال
گوید اگر بیند که او را تازیانه بزدند چنانکه اثر زخم زدن بر تن پدید بود دلیلش بستند
باید و غم گرفتار شود ابن سیرین گوید اگر بیند که او را تازیانه زدند بی آنکه دست و پایش
بستند مال حرام حاصل کند خاصه چون بیند که اندامش خون آلود بود و اگر بیند که تنش
خسته از زخم و خون بر تن روان [illegible] بود بقدر آن هر کس فایده یابد و بعضی گویند که جامه
نو پوشد کرمانی گوید اگر بیند که یک تازیانه بر پشت وی زدند و خون بر وی آمد
انگشت مال حرام یابد اگر بر پشت خود زخم تازیانه زدند و ندانست که او را
زد شغل دین و دنیاوی نیکو اگر بیند که تازیانه بر کسی زد چنانک تازیانه پاره شد
املاک خاندان و پراکنده کردند اگر بیند که ویرا بی شمار تازیانه زدند و ندانست که او را که زد
غم باز نیابد اگر بیند که کسی او را بچوب زد غمگین شود سبب مردی منافق اگر بیند که محتسب او را
بدره زد جاه یابد و کارش نیکو شود اگر بیند که کسی او را بکفج زد از آن کس منفعت یابد اگر بیند که
او را بمشت زد بقدر آن از زننده غم و اندوه یابد اگر بیند که کسی طپانچه بر روی او زد سخن
سخت شنود مغربی گوید اگر بیند که او را زدند و ندانند که زد مال یابد و جامه نو پوشد اسمعیل
اشعث گوید اگر بیند که مرده او را [illegible] و [illegible] بود و مال از دست رفته باز
آید و وقت دین نیکو اگر بیند که مرده را میزد و مرده بر آن [illegible] بود حال آن مرد با خیر

بنال

هرسه منفعه

ملک باشد جعفر صادق گوید زدن در خواب بر شش وجه بود اول شناعت دوم محادله سوم روشنی
کار مشکل‌ها چهارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال حرام زر ابن سیرین گوید اگر بیند که
زر یافت بقدر آن زیان مالی بود کرمانی گوید اگر بیند که زر یا سیم ملک خویش در زیان مردم
افکند اگر بیند که زر می خرید و میفروخت او را غم و اندوه رسد اگر بیند که زر بخرد و زر بجامه
بر جسد مالی یابد اگر بیند که زر خورد بقدر آن مال بر عیال نفقه کند مغربی گوید زر دید در خواب مردان
بد بود اگر زر و سیم ملکی بیند عز و جاه یابد اگر کان سیم و نقره بیند دختر بزرگ زن گیرد
و نعمت یابد و گویند زر بخواب مردان شاید در روغن زن اگر با زرگر نشسته بود معاینه
میکرد او را با دروغ گوی صحبت افتد زرد آلو ابن سیرین گوید که زرد آلو که بوقت خورند و
شیرین بود بهر زرد آلو نعمتی یابد اگر ترش و بیماری و بعضی گویند زرد آلو تباه و لیکن
بیش با مال و نعمت کرمانی گوید اگر استخوان زرد آلو شکست و تلخ بود اندوه یابد
ابن سیرین گوید از مردان فلک فایده یابد جعفر صادق گوید زرد آلو شیرین در خواب بوقت
منفعت بود و بی وقت ترس و اندوه و بیماری زرد بهار ابن سیرین گوید زرد بهار در خواب
بیماری بود از خوردنی و پوشیدنی زرشک میوه رشک ابن سیرین گوید زرشک در خواب غم
و اندوه بیش اگر بیند که زرشک می خورد غمی بوی رسد اگر بیند که زرشک از درخت جمع
کرد با مردی بخیل خصومت کند زرنیخ ابن سیرین گوید زرنیخ اگر بیند که خورد بیمار شود و
بیم هلاک بود اگر بیند که زرنیخ بفروخت یا ضایع کرد از بیماری خلاص یابد مغربی گوید اگر
بیند که کان زرنیخ یافت مال بسیار بدست آرد به بیماری هزینه کند و اگر بیند که زرنیخ زرد
جای مجهول جمع کرد سقف بیمار شود زره ابن سیرین گوید اگر بیند که زره پوشیده بود از
دشمن ایمن شود اگر بیند که زره از وی ضایع شد دشمن بروی چیره گردد و اگر بیند که کسی
زره بدو داد و بپوشید ظفر گردد بر دشمن باو یار شود و بعضی گویند زره حصین دین بود

کرمانی گوید اگر بیند که زره داشت ایمن باشد از دشمن اگر بیند که زره با سلاح دیگر پوشیده
بود از شر عامه و مکر دوست منافق ایمن شود جعفر صادق گوید دیدن زره در خواب
بر شش وجه بود اول ایمنی دوم حصن سیم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم نیکویی و زره
گر در خواب مرد را بود که مردم را ادب آموزد زعفران ابن سیرین گوید اگر بیند که زعفران
داشت بقدر آن مردم او را مدح و ثنا گویند خاصه نا سوده اگر بیند که رنگ زعفران بر تن وی
و جامه وی بود بیمار شود اگر بیند که رنگ زعفران بر تن و جامه وی بیمار شود اگر بیند که رنگ
زعفران از تن یا جامه بشست شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند که کسی زعفران نا کوفته بوی داد
زن نو اگر خواهد اگر بیند که زعفران بخروار داشت و بخورد و جامه آلوده گشت مال و نعمت حاصل
کند و از مردم ثنا و مدح شنود زاغ در خواب دلالت بر پادشاه متواضع کند ابن سیرین گوید اگر
بیند که زاغ مطیع او شد از پادشاه مال و [illegible] یابد اگر بیند که زاغ مطیع او شود و شکار
همی کرد او را غلامی [illegible] اگر این خواب زنی آبستن بیند فرزندش [illegible] جعفر صادق
گوید زاغ در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه متواضع دوم مرد [illegible] سیم فرزند چهارم مال زفت
ابن سیرین گوید اگر بیند که زفت داشت در غم و اندوه افتد اگر بیند که زفت خورد بسبب عیال
غم خورد اگر بیند که زفت بفروخت یا ضایع کرد از غم و اندوه برهد مغربی گوید اگر بیند که زفت بر
جراحت نهاد و درست شد از کسی منفعت یابد اگر بیند که جامه وی بزفت آلوده گشت کاری
کند که بدنام شود زکوة ابن سیرین گوید اگر بیند که زکوة مال میداد مالش زیادت شود اگر بیند
که زکوة فطر میداد نماز و تسبیح بسیار کند و اگر وام دارد بگزارد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن
دارد بر وی ظفر یابد کرمانی گوید اگر بیند که زکوة مال میداد مال او در حصن آید و بلا از وی دفع
شود بقول رسول علیه الصلوة والسلم حصنوا اموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید
مال خود را به زکوة دادن مغربی گوید اگر بیند که زکوة مال میداد مالش افزون شود قوله تعالی
وما اتیتم من زکوة تریدون وجه الله اولئک هم المضعفون جعفر صادق گوید
زکوة دادن

۹۷

زکواة دادن در خواب بر هشت وجه بود اول بشارت دوم خیر و برکت سیوم روشنی کارها
چهارم قضاء حاجت پنجم روشنی ششم فرج از غم هفتم زیادتی مال هشتم ظفر بر دشمن زنگار
ابن سیرین گوید اگر بیند که زنگار داشت بقدر آن مال حرام حاصل کند اگر بیند که زنگار بر آتش
نهاد و آتش را برافروخت با پادشاه معاملت کند و راحت یابد کرمانی گوید زنگار ز
مالی بود از قبل سلطان مال حرام یابد اگر بیند که اندامش با جامه بر زنگار رنگ گرفت
از سلطان مضرت یابد اگر بیند که زنگار مال حرام خورد از سلطان غم و اندوه یابد
زکام ابن سیرین گوید اگر بیند که او را علت زکام بود بیمار شود هر چند زکام سخت‌تر بیماری
صعب‌تر کرمانی گوید اگر بیند که او را زکام بود بر کسی خشم گیرد و زود صلح آید جعفر صادق
گوید دیدن زکام در خواب بر ۳ وجه بود اول بیماری اندک دوم خشم گرفتن سیوم منفعت
یافتن زلابیه ابن سیرین گوید زلابیه در خواب دلیل بر گوشتش بی اندازه و یافتن مال بسیار
بود اگر بیند که زلابیه داشت بقدر آن مال حاصل کند به جهد و کوشش اگر زلابیه اندک بیند
سخن لطیف شنود مغربی گوید اگر بیند که زلابیه با زعفران خورد بقدر آن مال یابد اگر زعفران
بود بیمار شود زلزله زمین ابن سیرین گوید اگر بیند که زمین می‌جنبید مردم آن دیار از پادشاه رنج
و بلا بینند بقدر جنبش زمین اگر بیند که زمین بگردید و زیر و بالا شد و بالا زیر فتنهٔ عظیم در آن
دیار افتد کرمانی گوید اگر بیند که زمین آهسته جنبید آن سال سالی مبارک بود جعفر صادق
گوید دیدن زلزله در خواب و فرو شدن محنت و بلای عظیم بود از طرف پادشاه یا قحط
و بیماری خسفنا به و بداره الارض و بهم حال زلزله در خواب عقوبت بد بود و بر
اهل آن دیار زمرد ابن سیرین گوید اگر بیند که زمرد داشت او را فرزندی یا برادری
آید و از وی منفعت یابد اگر بیند که زمرد ور ضایع شد فرزندش یا برادرش بمیرد یا غایب
شوند یا مال از دست برود کرمانی گوید زمرد بخواب دیدن دین و مذهب بود

در زیادتی و نقصان رفتن پادشاه باشد و هیبت او بر مغیر با کوید زن در خواب سخن نیکو گوید جعفر
صادق گوید زن مرد در خواب بر پنج وجه بود اول فرزند دوم مراد سیوم مال حلال چهارم
کنیزک پنجم کلام نیکو هر چند زن مرد نیکو بود این دلیلها بهتر زنستان ابن سیرین گوید
زنستان در خواب پادشاه بود اگر بیند که زنستان بود چنانکه مردم از آن مضرت
میرسید اهالی آن دیار را از پادشاه زیان رسد اگر بیند که هوا سرد بود و کسی از زیان
ندیدند اهالی دیار را از پادشاه زیان نرسد اگر بیند که هوا سرد بود و کس از زیان آن آفت
ورستان را در خواب نو وقت خویش دیدن بهتر باشد کرمانی گوید زمستان آن در وقت دیدن
چنانکه سرما سخت نباشد یافتن مراد بود و زیادتی عز و شرف و عدل و انصاف
پادشاه بود زمین دانیال گوید اگر بیند که او از زمینی بود بزرگ و خاک آن زمین پاکیزه
زنی خواهد مستور و صالح چنانکه میان زنان منزلت و جاه بقدر بزرگی آن زمین و اگر خود
زمین سبزه و نبات مجهول بود داند که ملک او است آنکس مسلمان و دین دار بود
ابن سیرین گوید اگر بیند که در زمین نبات معروف بود او را فضل و دیانت بود اگر بیند که
در زمین نبات نهاد و عمارت میکرد او را فضل دنیا و دین باشد و در آخرت ثواب یابد
اگر بیند که او در میان زمین و صحرا بود مانند بیابان و آن زمین را نشناسد سفری دور
اگر بیند که زمین صحرا میکند خاکش میخورد مال یابد بقدر خاک که خورده بود اگر بیند که
در زمین نا پدید اشد نه آنکه جایی با منفاکی بود هلاک شود اگر بیند که زمین مانند چاه
یا سرداب میکند مال بمکر و حیلت بدست آورد اگر بیند که زمین ویران و کرفت در
غم و مصیبت افتد یا مال تلف کند بسبب زن اگر بیند که از زمین فراخ بزمین تنگ
میرفت از کار نیک بکار بد افتد ابو بکر صدیق گوید از مسلمانی بکافری رود مغربی گوید
اگر بیند که زمین با وی سخن گفت و بخیر و نیکو برا مژده داد و در دنیا خیر بسیار کند چنانکه بعد
از وفات او او را به نیکی یاد کنند اگر بیند که زمین زیر بالش در نوشت اهل عمر او بود اگر بیند

که زمین او را از

که زمین او بزرگ شده دراز شود فراخ معیشت باشد و اگر بیند که زمین فرسوده منفجر شود
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که زمین از بهر کشت مشقاف به شغلی برزن مشغول شود
یا از قبل زن منفعت یابد اگر زمین خود را آبادان بیند کارش قوی گردد و اگر زمین را
خراب بیند با کسی خصومت کند اگر خود را در زمین کشته بیند او با کسی انباز گردد یا زنی
نکاح خواهد اگر خود را در میان سبزه بیند و گل بر آید زنی خواهد یا بار [illegible] او را فرزند
آید و اگر بیند که از باد یا آفتاب آن گل فرو ریخت آن فرزند نماند اگر بیند که آب آمد
و آن زمین غرق کرد و کشت را تباه کرد از پادشاه ملامت یابد جعفر صادق گوید دیدن
زن در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم تماشا سیوم مال چهارم ولایت
ابن سیرین گوید زن در خواب چون جوان بود دلیل بود و زن پیر دنیا بود و شغل این جهان
و نیز دیدن بر قدر خوبی و جمال و فربهی و لاغری و زشتی بود اگر کسی در خواب بیند زنی باشد که
معروف نبود و زن خوب روی و فربه در خواب فراخی بود و زن زشت لاغر قحط و تنگی
بود و زن [illegible] آراسته مراد بود اما خبا [illegible] و پیر زن ترش روی چرکین بد حالی و بی مرادی
بود کرمانی گوید اگر زنی بیند که فضیلت داشت و مجامعت کرد رسوا گردد و اگر مرد زن بیند که از
پس با زن مجامعت کرد در پسی او را [illegible] کرد و اگر زنی بیند که مردی و جامه مردان
پوشید اگر زن مستور بود دلیل خیر صلاح کند و اگر مفسد بود دلیل شر و فساد بود
مغربی گوید زنان روسفید در خواب اهل دنیا را زیادتی دنیا بود و اهل صلاح را
زیادتی علم و صلاح و زن عرب [illegible] قبول بهتر از زن [illegible] بود اگر مردی بیند که
زن او دست دراز کرد اهل بیت آن زن توانگر شوند اگر بیند که زن [illegible] مکانه
شده [illegible] اگر زن آبستن بود فرزند آورد و اگر آبستن نبود منفعت یابد اگر کسی [illegible] او را
پیری آمد اگر بیند که او را دوک دادند دختر زاید جعفر صادق گوید زن در خواب

بر شش وجه بود اول دولت دوم دنیا سیوم شغل و مهمات چهارم فراخ نعمت پنجم فتح ششم شیر بود اگر
زنار ابن سیرین گوید اگر بیند که زنار بر میان بست اگر بیننده مستور و با امانت بود
از خصم یابد داد و اگر مستور نبود توبه باید کرد معبرا گوید اگر بیند که زنار در دست داشت
در دین ضعیف بود اگر بیند که زنار بر میان بسته بود هم کافر بود اگر بیند که زنار ببرید
و بیند خبث از کار بد توبه کند و راه صلاح گیرد زنبور ابن سیرین گوید زنبور در خواب مردم
دون سفله بود اگر بیند که زنبور وی را گزید از مرد دون مکروه رسد اگر بیند که زنبور بسیار
در جایی جمع گشت بمیان مردم دون گرفتار شود خاصه چون زنبوران وی را گزند کرمانی گوید اگر بیند
که زنبوران وی را بگزید از زنبور بد آزار یابد اگر زنبور بسیار در خانه جمع بیند او را با زنان
سخن چین کار افتد اگر بیند که زنبوران انگشت وی بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که از زنبوران
بسیار گرد آمده بودند لشکر بآنجا جمع شود جعفر صادق گوید دیدن زنبور در خواب بر شش وجه
بود اول غوغا دوم مردم سفله سیوم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم فرزندان زنبیل
ابن سیرین گوید زنبیل در خواب زن بود یا کنیزک و بعضی از معبران گویند مال و نعمت بود
جعفر صادق گوید زنبیل در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم
قوام دین پنجم تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت زنان
زنجبیل ابن سیرین گوید زنجبیل در خواب دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت
و زیان و بعضی از معبران گویند خوردن آن یعنی زنجبیل دلیل بر حکومت و گفتگو کند
و دیدن و خوردن زنجبیل در خواب بی خیر و نفع بود زنجیر ابن سیرین گوید زنجیر در خواب معصیت و
گناه بود اگر بیند که زنجیر کوتاه و ضعیف داشت معصیت او اندک بود اگر بیند که
در گردن زنجیر داشت مظالم بسیار بر گردن بود اگر بیند که زنجیر بگسست و بیند خبث از
گناه توبت کند و بخدای تعالی باز گردد اگر بیند که زنجیر در دستها داشت بمال

کسان دوست دارد اگر کسی بیند که در پایهای زنجیر داشت محابه مردم ف... کند
و دیدن زنجیر در خواب مردی عاصی و گناهکار بود زنخ در خواب مهتر خاندان
بود و خداوند شغل بسیار اگر بیند که زنخ او ستبر و بزرگ بود از مهتر اهل بیت خوار
و حقیر گردد اگر بیند که از زنخ او خون روان شد بقدر آن از مهتر خانه زیان رسد
و بعضی از معبران گفتند در کسب و کارش نقصان افتد زندان ابن سیرین گوید اگر بیند که
در زندان بود و هرگز زندان ندیده بود هلاک گردد اگر بیند که در زندان بند بر
پای داشت در عملی که هست دیر بماند با غم و فکر کرمانی گوید اگر بیند که در زندان
است و بنده مستور بود بزرگی یابد و اگر مستور بود بسبب شغل دنیا و بر او غم و اندوه
رسد اگر بیند که مردی زندانی با یار بند معرفت کار بسته او گشاده شود جعفر صادق گوید
دیدن زندان در خواب حبس معروف بهتر یافتن آرزو و عاقبت نیکو بود لقوله تعالی
قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و چون
مجهول بود گور باشد و غم و اندوه چنانک یوسف صدیق گفته علیه السلام که السجن مقام
حاو منزل البلوی وتجربة الاصدقا و شماتة الاعدا یعنی زندان در خواب گور
زندگانیست و منزل بلاست و آزمایش کردن دوستان اگر بیند که در زندان
شد و زود بیرون آمد مراد خوف تمام بیابد ابن سیرین گوید دیدن زندان در خواب گور بود
زنگله ابن سیرین گوید زنگله در خواب دلیل خصومت بود اگر بیند که زنگله داشت
او را با کسی جنگ افتد اگر بیند که آشنای زنگله بود برداد با آنکس گفتگو کند معزول بود
اگر بیند که زنگله زرین داشت ویرا با توانگر خصومت افتد و بمهتر تاول دارد
اگر زنگله سیمین یا برنجین بیند با جاهل عامی خصومت کند زنار ابن سیرین گوید اگر بیند
که بر زنار او موی بود کار بر او بسته شود اگر بیند که بر زنار او موی بسیار بود علتی و
مستمند بود بسبب زنان اگر بیند که بر زنارش فرد یا زنج بود بقدر آن درد او ا

زحمت رسد جعفر صادق گوید دیدن زهار در خواب بر دو وجه بود اول زن دوم مال
و هر زیادت و نقصان که در آن بیند تاویل بر زن و مال وی افتد زهار ابن سیرین گوید
زهار در خواب مال حرام بود و حرث و کشتن ناحق اگر بیند که زهر خورد مال حرام یابد
یا خون ناحق ریزد کرمانی گوید اگر بیند که تن وی زهر آلود گشت یکبار حریص بود
و بعضی گویند سخن بروی بندند او را اندران سخن الزام کنند اگر بیند که تن وی از خوردن زهر
آماس گرفته بود مال حرام حاصل کند اگر بیند که تن وی را زیان از آن زهر رسید بقدر آماس
تن غم و اندوه یابد اگر بیند که زهر خورد خشم از کسی فرو خورد زهره ابن سیرین گوید اگر
بیند که زهره مردم میخورد خشم فرو خورد اگر بیند که زهره چهارپای خورد بقدر آن مال حرام یابد
اگر بیند که زهره در دهان خورد خشمناک و بدخو شود معبر گوید اگر بیند که تن وی به زهره
آدمی آلوده گشت ازار مردم جوید اگر تنش به زهره چهارپا آلوده گشت لباس حرام پوشد
ابن سیرین گوید اگر بیند که روغن در دست داشت او را فرزندی آید و اگر با روغن
سلاح جهاد داشت از پادشاه منفعت یابد معبر گوید اگر بیند که بر کسی روغن همی انداخت
کسی سخن بد گوید اگر بیند که روغن کسی را مجروح کرد بر کسی بهتان نهد زیتون ابن
سیرین گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که زیتون داشت و میخورد
بقدر آن غم خورد معبر گوید اگر زیتون تلخ بود و با نان میخورد منفعتی بسختی حاصل
کند کرمانی گوید روغن زیتون در خواب خیر و برکت باشد اگر بیند که روغن زیتون می مالید
و میخورد بقدر آن غم و اندوه خورد زنیره ابن سیرین گوید زنیره باج چون ترش
نباشد و میلش بشیرینی بود خیر و منفعت باشد و چون میل بترشی دارد غم و اندوه بود
اگر در وی زعفران باشد بیماری بود زیلو ابن سیرین گوید زیلو در خواب چون گسترده باشد
دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند زیلو درازتر باشد بهتر بود و چون زیلو در نوشته
بیند نقصان عمر بود اگر بیند که بر زیلو کوچک نشسته بود و زیلو در زیر وی حرام

۱۰۰

عیشش و روزی بر وی فراخ شود اگر بخلاف این بیند عیشش و روزی بر وی تنگ شود اگر
اگر بیند که زیلو فراخ گسترده بود عیشش و روزی بر وی فراخ شود اگر بیند که زیلو در نوشت و
بکنج خانه نهاد امانت مردم برگردن اوست اگر بیند که زیلو در نوشت و یکی دیگر داد
عمرش به آخر آمده است اگر بیند که زیلوی کوچک و استبر داشت روزی بر وی تنگ شود
و عمر کوتاه معبران گوید اگر بیند که زیلوی سبز یا تیره داشت نعمت بر وی فراخ شود
اگر بیند که زیلوی کهن و دریده داشت عیشش بر وی دشوار شود اگر بیند که زیلوی نو داشت
و در خانه بگسترد دلیل بود بر عمر دراز و در نوشتن دلیل بر سیری عمر بود جعفر
صادق گوید دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود اول استحکام کار دوم عمر دراز
سیوم روزی فراخ چهارم عز و دولت پنجم دشواری عیش ششم گناه زین ابن سیرین
زین در خواب چیز زنست چهارپا نباشد زن بود و چون بر چهارپای بود حاکم
و بدان که براکب تا شد و چون بیند که زینی داشت کنیزکی خرد یا زن خواهد و خداوند
مال شود اگر بیند که میراث یابد اگر بیند که زین بشکست آن زن بمیرد یا رنجور شود
اگر بیند که زین وی ضایع شد سبب زن مال و نعمت یابد اگر بیند که زین وی بسیم
و زر آراسته بود زنش توانگر بود اگر بیند که زین وی سیاه بود و آرایش نداشت
زنش پارسا و دین دار و با امانت بود و زین گردلاله بود حرف السین مع
کلمات الکمال التعبیر ساز مرغ ابن سیرین گوید اگر بیند که ساز داشت با مرد در
سفر و راحت یابد اگر بیند که از گوشت ساز خورد بقدر آن منفعت یابد
معبران گویند دیدن ساز در خواب مرد بود کافر که در وی بلبیار گوید اگر بیند که ساز
بسیار بر وی جمع شد میان کافران گرفتار شود ساطور ابن سیرین گوید ساطور
در خواب مرد سیاح بود و دلیر اگر بیند که ساطور داشت با مرد حبشی مصاحب بود

دیمت باید اگر بیند که ساطور از وی ضایع شد این مرد که گفتم از وجدا شود مغربی گوید ساطور
در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب او آسان شود خاصه اگر در قوت باشد
ساعد ابن سیرین گوید دست دوست و انباز و معتمد بود اگر بیند که ساعدش درست
و قوی است او را از دوست و انباز منفعت رسد اگر بیند که ساعد دست وی بشکست
دوست و انباز از وجدا شوند مغربی گوید اگر بیند که بر ساعد دست وی موی بسیار بود وام دار شود
اگر بیند که موی از ساعد ببرد وامش گزارده شود ساق ابن سیرین گوید ساق در خواب مال
و معیشت مردم بود که بر آن اعتماد کنند و بعضی گویند ساق مردم عمر مرد است اگر بیند که ساق اش درست
و قوی بود کار و حالش نیکو شود اگر ساق از ضعیف و سست بیند کارش بی نظام بود دیگر نماید اگر
بیند که ساقش آهن یا رویین بود عمرش دراز شود و مالش باقی بماند مغربی گوید دیدن ساق
در خواب مردان را زن بود و زنان را شوی اگر بیند که ساق وی بر یکدیگر بپیچید دلیل است
هلاک او بود اگر بیند که بر ساق موی بسیار داشت وام دار شود اگر بیند که موی از ساق ببرد
وامش گزارده شود جعفر صادق گوید دیدن ساق در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم معیشت
سیوم عمر چهارم مردان را زن و زنان را شوی سایه ابن سیرین گوید سایه در خواب بزرگی و هیبت باشد
بود و سایه کوشک هم پادشاه بود و سایه دیوار مرد بزرگ و سایه درخت آسانی و راحت
باشد اما سایه درخت بی دانه بر مرد معتمد بی دیانت که منفعت از وی نرسد که گوید
اگر بیند که در جای حرارت به سایه نشسته بود اقبالش نزدیک بود و قوله تعالی الم تر الی
ربک کیف مد الظل و لو شاء لجعله ساکنا جعفر صادق گوید دیدن نشستن
در سایه بخواب بر پنج وجه بود اول بزرگی دوم هیبت سیوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ سایه بان
ابن سیرین گوید سایه بان در خواب پادشاه فرمایید اگر بیند که زیر سایه بان نشسته بود
بهشت چنین پادشاه رود اگر بیند که سایه بان بروی افتاد و از آن گزند رسید پادشاه

ازوی

بروی خشم گیرد معبری گوید اگر بیند که سایه بان لشمش یا کرباس بود بگونه سبز یا سفید
خدمت پادشاه عادل کند اگر بخلاف این بیند پادشاه ظالم بود سیب ابن سیرین گوید
در خواب سیب دلیل غم و اندوه بود و خوردن وی مضرت و نقصان مال و کاری که او را
از آن ملامت رسد سپر اگر بیند که سپر در دست داشت یا سلاحها از کسان پادشاه و او را
پناه باشند اگر بیند که جز سپر سلاح نداشت او مردی که برادران و دوستان از مکر ایشان نگاه دارد
کرمانی گوید اگر بیند که بر گردن سپر داشت قوت و ایمنی یابد اگر بیند که سپر خود بر زمین
نهاد دلیل که او را با مردی از افاضل صحبت افتد و منفعت یابد جعفر صادق گوید دیدن
سپر در خواب بر شش وجه بود اول برادر دوم یار سوم قوت چهارم نیز پنجم ایمنی ششم لشکر
و پناه بقدر بزرگی سپر سپرز ابن سیرین گوید سپرز در خواب مال و توانگری بود اگر بیند که سپرز
بسیار داشت از مردی بزرگ مال یابد اگر سپرز گاو داشت دران سال مال یابد اگر سپرز
چارپای داشت از مردم غریب مال حاصل کند اگر سپرز دوده داشت از زیر زمین مال یابد
و خرم شود جعفر صادق گوید دیدن جمله سپرزها در خواب مال بود اگر سپرز جانوری بود که گوشت
آن حلال بود مال حلال یابد و اگر حرام بود مال حرام سبزه ابن سیرین گوید سبزه در خواب
دین بود خاصه در وقت وی اگر بیند که زمینی داشت و در آن سبزه بسیار بود دلیل بر صلاح
و ستر و پاکی دینی وی بود اگر بیند که در آن زمین گیاه مجهول بود و دانست که ملک اوست
دین و دیانت او درست بود و اگر گیاه معروف بود فراخی نعمت و مال وی بود معبری گوید
سبزه در خواب سعادتی بود اگر بیند که در میان سبزه زاری مقیم شد در راه دین مقیم شود
اگر مرده را در میان سبزه زار بیند نیکی حال او بود و ثواب آخرت و سبزه زار هر چند پاکیزه تر
و فراخ تر تاویل آن بهتر بود کرمانی گوید اگر بیند که سبزه خرم و پاکیزه بود و داند که ملک او نیست
دلیل بر دین پاک و دیانت و ورع وی بود اگر سبزه زار خود را زرد و پژمرده بیند تاویل
بخلاف این بود اگر بیند که در سبزه زار دیگران بود صحبت او با پارسایان و اهل

اگر بحذف این بیند صحبت او با مفسدان بود جعفر صادق گوید سبزه زار در خواب بر چهار وجه بود اول
راه راست دینی دوم دین سیوم اعتقاد پاک چهارم ورع و پرهیزکاری سبلت بروت بود یا دو بلیتش
در حرف با لقم ابن سیرین گوید اگر بیند که بر چشمها سبلت داشت چنانک نمی توانست دیدن
بقدر بار آن چشم در دین وی نقصان بود خاصه چون چشمهاه سبلت او بود اگر چشمها ازرق بود
سبلت داشت بر راه بدعت کابند اگر چشمها شهلا بود و سبلت داشت فرزندش هملا گردد
و بعضی گویند بمیرد اگر بیند که سبلت از چشم وی برگرفتند توبه کند و بعضی گویند فرزندش از بیماری
شفا یابد اگر در غربت بود با مملکت باز آید سبو ابن سیرین گوید دیدن سبو در خواب مردوز
منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود و کرمانی گوید سبو در خواب کنیزکی بود یا خادم اگر بیند
که سبوی نو داشت کنیزکی خرد یا خادمی حاصل کند اگر بیند که سبو شکست کنیزک یا خادم
بمیرد اگر بیند که در سبوی وی سوراخ شد کنیزک بیمار گردد اگر بیند که سبوی آب صافی بود
از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق گوید دیدن سبو در خواب بر پنج وجه بود اول مردوز
منافق دوم زن سیوم خادم چهارم کنیزک پنجم قوام دین ابن سیرین گوید اگر بیند که مردمان با سبوس
یا سبوس میخوردند دلیل که در آن دیار قحط و تنگی بود اگر بیند که سبوس از خانه برون انداخت دلیل
بر فراخی نعمت بود جعفر صادق گوید دیدن سبوس در خواب بر سه وجه بود اول نیازمندی
دوم قحط سیوم سختی معیشت سبوس ابن سیرین گوید اگر بیند که از سر و موی مانند سبوس فرو می آید
گزندی بوی رسد اگر بیند که این سبوس از وی پاک شد از گزند ایمن گردد اگر بیند که باکوسه محر
از سر فرو می افتد دلیل غم بود سفید آب کرمانی گوید به خواب غم و اندوه فزاینده
و نیز گویند گفتگو بود اگر بیند که سفید آب داشت سبب کاری باکسی گفتگو کند و عاقبت عکس
شود سفید روی ابن سیرین گوید سفید روی در خواب از جنس ترسایان بود اگر بیند که سفید
روی داشت بقدر آن منافع دنیا حاصل کند کرمانی گوید ادای حق ملکی را سفید روی بود و
بعضی گویند خدمتکار خانه بود و حکایت و دیدن ملک جدا از خانه باز گردد سپید مهره ابن سیرین گوید

بیند اگر بیند

اگر بیند که سفید مهره می دمید همه کس از نهان خود آگاه گرداند اگر سفید مهره شکسته دید [illegible]
دران کار که باشد راه بزد معبرے گوید سفید مهره در خواب دیدن مرد دانا را در رنج بود و
زنان را رسوائی جعفر صادق گوید سفید مهره به خواب بر چهار وجه بود اول خبر مکروه دوم
سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی ستارگان دانیال گوید دلیل بر ملکان
و امیران بود و آفتاب دلیل بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر اگر کسے زحل را بخواب بیند او را
با بادشاهے صحبت کار افتد و مال و نعمت یابد اما بخیل و سفله بود اگر مشتری بخواب بیند او را
با مهتر بازارے مصلح کار افتد اگر مریخ بیند او را با سرهنگ خون خوار بدکردار کار افتد اگر زهره
بیند او را با خاتون و خادمان پیوستگی بود و از ایشان راحت یابد اگر عطارد بیند او را با مردی
حکیم و عالم پیوستگی بود و فایده یابد اگر بیند که ستاره ها در سخن گفت بزرگ و قدر یابد ابن
سیرین گوید اگر بیند که ستارگان ثابت چون عیوق و سهیل و اکلیل و بعضے آنند که مستقیم الحال
ایشان را امر بستند اگر از ایشان بخواب بیند او را با شریکان صحبت افتد اگر بیند که ستاره روشن
بر زمین افتاده و ناپدید شد عالمی بزرگ دران دیار هلاک شود و علامات و بالنجم هم یهتدون
اگر بیند که ستارگان جنگ میکردند فتنه و آشوب در بزرگان افتد اگر بیند که ستاره
بر سرو افتاد از بادشاه مالی یابد اگر بیند که ستاره را بدست گرفت و براسته آید و
مقرب بادشاه گردد اگر در خانه خود ستاره بیند او را فرزند بسیار گردد کرمانی گوید اگر بیند که
ستارگان از خانه وی برآیند فرزندان ایشان مقرب بادشاه شوند اگر بیند که ستارگان [illegible]
در شدند بادشاهی یابد اگر بیند که ستارگان سخن خیر گفتند بادشاه عادل و دادگر بیند
اگر بر خلاف این بود ظالم و بیدادگر بود اگر بیند که ستارگان با هم جنگ کردند دران
دیار جنگ افتد اگر بیند که ستاره در نشستن خود نهاد مال حاصل کند معبرے گوید اگر
بیند که یک ستاره از ستارگان برآورد و سحر گشت و در کنار وی افتاد او را فرزندی پسندیده
آید اگر بیند که ستاره را می پرستید خدمت بزرگی یا عاملی کند اسمعیل اشعث گوید دیدنی
آن ستاره که مردم با آن راه می روند در بیابان خیر و منفعت بود و ستارگان که مردم

پرستند ودلیل شرف وحرمت کند جعفر صادق گوید دیدن ستارگان در خواب بر نه
وجه بود اول فقیهان دوم عالمان سیوم قاضیان چهارم خلفا پنجم وزرا ششم میران هفتم
خزانه وار هشتم جنگ جویان نهم شاگردان حکایت گویند در بغداد مردی مصلح بخواب دید
که ستاره روشن بر زمین افتاد معبران گفتند عالمی بمیرد دران هفته امام اعظم ابو حنیفه علیه الرحمه
از دنیا رفت ستون ابن سیرین گوید ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود اگر بیند که
ستونی داشت راست و قوی از مردی مال دار منفعت یابد اگر بیند که ستونها شکست یا
بسوخت آن مرد از دنیا برود کرمانی گوید دیدن ستون در خواب اسلام بود اگر بیند که ستونی
داشت راست و قوی در دین قوی بود مغربی گوید ستون در خواب خداوند خانه بود اگر بیند که ستون
خانه در ره افتاد یا بشکست خداوند خانه هلاک شود جعفر صادق گوید دیدن ستون در خواب
بر پنج وجه بود اول خداوند دولت دوم مردم محکم در اسلام سیوم مرد محتشم چهارم قوت در کارها
پنجم ولایت سجاده ابن سیرین گوید سجاده اگر بیند که در مسجد نشسته بود دلیل که بسبب چیزی او
واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی مغربی گوید اگر بیند که سجاده ابریشمین یا کرباسین داشت
راغب گردد اگر بیند که سجاده بسوخت تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که سجاده ابریشمین بود
طاعت ریا کند سجده ابن سیرین گوید اگر بیند که خدای تعالی را سجده کرد بر مردی ظفر یابد
اگر بیند که غیر خدا را سجده کرد از سلطان رنج و مصیبت رسد قوله تعالی افتعبدون من
دون الله ما لا ینفعکم شیئا ولا یضرکم ان لکم ابن سیرین گوید اگر بیند
که ترازو در دست داشت و چیزی می سنجید حکم و داوری میان مردم کند اگر بیند که راست و
سخت حکم وی راستی بود وزنوا بالقسطاس المستقیم سختی اگر بیند که سخت حکم
کژ کند کرمانی گوید اگر بیند که چیزی سخت اگر عالم بود قاضی گردد والا تقاضی محتاج گردد
جعفر صادق گوید چیزی سختن بر چهار وجه بود اول حکم راست دوم نیکو کاری سیوم الصلاح امور
چهارم حاکم شدن و اگر کژ سنجد بخلاف این بود سخن ابن سیرین گوید سخن گفتن و شنیدن

تاویلش

تعبیر دیدن آن بود زبانهای مختلف بود اگر بیند که بزبان تازی گفت و شنید از مهتران عز وجاه یابد و اخبار های رسول سماع کند اگر بزبان فارسی گفت و شنید با مهتران بود و از ایشان نیکوی بیند و اگر بزبان عبری گفت و شنید میراث یابد اگر بزبان هندوی گفت و شنید با مردم بی اصل و دون همت او را کار افتد و اگر بزبان ترکی گفت خبر ناخوش شنود و اگر بزبان فرنگی گفت با دهاقین صحبت کند اگر بزبان خوارزمی گفت خبر مکروه شنود و اگر با زبان سقلابی گفت با مردم بی انصاف او را شغل افتد اگر بود باد

آرد اگر بیند که سخن میخورد آن مال بر عیال نفقه کند جعفر صادق گوید دیدن سخن در خواب ۳

وجه بود اول مال دوم رنج سوم منفعت از مردم بد چون سندان ابن سیرین گوید سندان
در خواب دلیل بر مهتری راست کردار کند اگر بیند که سندانی داشت او را با مهتری
صحبت افتد و منفعت یابد اگر بیند که سندان ضایع شد از صحبت بزرگی جدا شود جعفر صادق
گوید دیدن سندان در خواب بر پنج وجه بود اول مهتر دوم منفعت سوم قوت چهارم ولایت
پنجم اقبال در کارها سنگها گرمابه گویند که سنگها در خواب بر دو وجه بود اول مال دوم مهتر و هر سنگ
که نرم تر بود منفعت او بیشتر بود اگر بیند که سنگ سفید داشت با مهتری کینه ور بد خو صحبت
و فایده یابد اگر بیند که سنگ سرخ داشت با معتبری صحبت کند و منفعت یابد اگر بیند
که بر کوه شد و سنگ در دامن گرفت و بیاورد بنگرد تا آن سنگها چه رنگ داشته باشد و بر آن
قیاس کند اگر سنگ سیاه سفید داشت منافق بود ابن سیرین گوید دیدن سنگها در خواب
سختی بود اگر بیند که سنگ از زیر آب جمع کرد مالی بمکر و رنج بدست آرد اگر بیند که سنگ
کوه می تراشید از مردی بخیل مال جمع کند اگر بیند که سنگ بکسی انداخت از مال خود بکسی بکراهت
چیزی دهد اگر بیند که سنگ ریزه بخانه برد بقدر آن مال بخانه برد معبران گویند اگر بیند که بر کسی
سنگ انداخت وی را بناحق تهمت زده کنند جعفر صادق گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه
بود اول مال دوم مهتر سوم سختی چهارم کسب مبلغ سنگ خوازه ابن سیرین گوید اگر
بیند که سنگ خوازه بگرفت بکار دشوار افتد و او را منفعت نباشد معبران گویند اگر بیند که سنگ
خوازه بگرفت وی را با ابلهی کار افتد اگر بیند که سنگ خوازه از دستش بیفتد از دشواری بآسانی
رسد اگر بیند که گوشت سنگ خوازه خورد کسب بدشواری حاصل کند سواری ابن سیرین گوید
اگر بیند که سواری میکرد از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که با سواران میگشت و سواران مطیع وی
بودند بر گروهی فرمان روایی یابد اگر بیند که در مجلسی سواران سواری میکردند در آن مقام بارانی سخت آید
اگر بیند که سواران مجهول از متاع دنیا چیزی بوی دادند از غیب منفعت یابد اگر سواران
معروف بودند منفعت وی از ایشان و دوستان بود اگر سواران با ایشان سلاح جنگ و جامه
حرب بودند تاویل بخلاف این بود سورهای قرآن خواندن در خواب سوره فاتحه

ابن سیرین گوید سورهٔ فاتحه خواندن عمر دراز بود و کارش بپایان باشد سورهٔ البقره ابن سیرین گوید سورهٔ البقره
خواندن در خواب عمر دراز بود و از دشمن ایمن بود جعفر صادق گوید در زیست نکو بود اگر
درویش بود توانگر شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شاد شود اگر مدیونه بود اداء
کرده شود سورهٔ آل عمران اگر بیند که سورهٔ آل عمران میخواند از بدیها پاک شود و عاقبتش نیکو
بود جعفر صادق گوید زیست نکو گردد و دینش قوی گردد و اگر شهد الله خواند نصرت حق تعالی
راضی باشد کرمانی گوید اگر امانتی داده گزارده شود و مردم او را عزیز دارند اگر آیهٔ قل اللهم میخواند
عز و جاه یابد و حاجتش روا گردد سورهٔ النساء ابن سیرین گوید اگر سورهٔ النساء خواند میراث
یابد و خویشان او بسیار شوند کرمانی گوید مال و نعمت یابد جعفر صادق گوید پرهیزگار
بود و میراث یابد مائده ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ مائده میخواند شرف و منزلت یابد کرمانی گوید
خواندن مائده زیادتی مال و نعمت بود و خیر دو جهانی جعفر صادق گوید سورهٔ مائده خواندن
صحت نفس و قوت شغل بود سورهٔ انعام ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ انعام میخواند سعادت
دنیا و آخرت کرمانی گوید چهارپایان بسیار حاصل کند جعفر صادق گوید خلق از او خشنود
گردند باحسان سورهٔ اعراف ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ اعراف میخواند در دین
مؤمن گردد و ختم کارش بخیر بود کرمانی گوید اگر بیند که سورهٔ اعراف خواند کوه طور را
زیارت کند جعفر صادق گوید خلق از او خشنود گردند امانت نگاه دارد سورهٔ الانفال
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ انفال میخواند بر دشمن ظفر یابد و مالی بی حد حاصل کند کرمانی
گوید جاه و حرمتش یابد جعفر صادق گوید خداوند اقبال شود و روز بروز فراخ و خوشحال
بود سورهٔ توبه ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ توبه میخواند توبهٔ نصوح کند کرمانی گوید سرانجام کارش
بخیر بود جعفر صادق گوید در راه دین یگانه شود یونس اگر بیند که سورهٔ یونس میخواند او روز
بروز فراخ شود کرمانی گوید از مکر کافران و حاسدان ایمن بود جعفر صادق گوید عاقبتش نیکو
بود هود ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ هود میخواند روزی او بسبب فراخ بود کرمانی
گوید اقبال یابد و کارش نیکو گردد جعفر صادق گوید در راه دین یگانه شود یوسف

ابن سیرین گوید اگر بیند که سورهٔ یوسف میخواند سفر بسیار بجوانی کند و خدمت بسیار کند و
عاقبت کام دل یابد کرمانی گوید پس از رنج بر رسد عزت یابد کارش بالا گیرد امام
جعفر صادق فرماید راست قول و با امانت بود سوره رعد ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره رعد
می خواند پیشه عبادت و قرآن خواندن مشغول بود و تسبیح و تهلیل کند کرمانی گوید بطاعت
حق تعالی مشغول بود جعفر صادق گوید عمرش کوتاه بود ابراهیم ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره ابراهیم
میخواند مادام بطاعت مشغول شود جعفر صادق گوید نزد حق تعالی عزیز بود و عاقبتش محمود بود
سوره الحجر ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره الحجر می خواند نزد حق تعالی پسندیده بود کرمانی گوید اعتقاد
که دارد بیابد جعفر صادق گوید جانش بنور حق زیادت شود سوره النحل ابن سیرین گوید
اگر بیند که سوره نحل میخواند روزی حلال یابد و دوست اهل دین شود کرمانی گوید از محنت
و آفت و بلا ایمن گردد جعفر صادق گوید حق تعالی او را علم روزی کند بنی اسرائیل ابن سیرین گوید
اگر بیند که سوره بنی اسرائیل میخواند بنزد حق تعالی و خلقان جاه و منزلت یابد کرمانی گوید بر دشمن
ظفر یابد و بکام دل رسد جعفر صادق گوید دیدن بنی اسرائیل در خواب دین درست و اعتقاد
پاک بود سوره الکهف ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره الکهف میخواند از همه آفتها و بلاها ایمن
بود و در راه دین یگانه و مخلص بود کرمانی گوید عمرش دراز بود و سعادت عقبی یابد جعفر صادق
گوید چندان عمر یابد که بمراد رسد سوره مریم ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره مریم میخواند
بقیامت از عذاب در جحیم و کیفت ایزد تعالی ایمن کرمانی گوید راه خیر گیرد بیند و سنت
بجا آورد طه ابن سیرین گوید اگر بیند که طه میخواند دشمن را قهر کند کرمانی گوید همیشه بخیر در عاقبت
گردد جعفر صادق گوید در راه دین یگانه و نامدار بود سوره انبیا ابن سیرین گوید اگر بیند که
سوره انبیا می خواند حق تعالی او را علم و میراث پیغمبر بخشد کرمانی گوید اقبال دو جهان
یابد جعفر صادق گوید عالم و دانا شود و بعد از مشقت آسانی یابد سوره حج ابن سیرین گوید
اگر بیند که سوره حج میخواند مال خود را راه حق صرف کند کرمانی گوید که دارو ها پسندیده
اختیار کند جعفر صادق گوید در زهد و عبادت یگانه شود سوره مومنون ابن سیرین گوید

اگر بیند که سوره مومنون

اگر بیند که سورهٔ مؤمنون می‌خواند با مؤمنان در بهشت شود کرمانی گوید فضل و درجات یابد
جعفر صادق گوید امانتش فوز گردد و سیرتش پسندیده اختیار کند فرقان ابن سیرین گوید
اگر بیند که سورهٔ فرقان می‌خواند حق از باطل جدا کند کرمانی گوید در خلق منصف گردد و داد کند
جعفر صادق گوید از باطل بحق گراید شعرا ابن سیرین گوید اگر سورهٔ شعرا می‌خواند بر حق علما
بمیرد کرمانی گوید از گناه پاک گردد و در راه دین مجتهد شود جعفر صادق گوید حق تعالی
او را از خواستش نگاه دارد سورهٔ نمل ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره نمل می‌خواند بزرگی
یابد کرمانی گوید دولت و بخشش ساعد جعفر صادق گوید مال بسیار یابد سورهٔ قصص ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورهٔ قصص می‌خواند مال

یا طشت سیمین بیند این جمله مال مجموع بود اگر بیند که پاره سیم کد خت از معدن سیم
سیم یافت از آن زیادتر فی خواهد اگر بیند که بی اندازه سیم یافت بعد از آن گنج یافته میشود
و بیم باید

وسیم بالا در خواب او مرد بود که در حق او سخن زشت گوید سیمرغ ابن سیرین گوید اگر در
خواب سیمرغ را بیند مرد بزرگ و از خوش طبع و اگر ماده زنی با جمال بود اگر بیند که
سیمرغ او را بر داشت و در هوا برد با بزرگی سفر کند اگر بیند که سیمرغ با وی سخن گفت و از
پادشاه شود و اگر بیند که با سیمرغ جنگ کرد با مردی بزرگ خصومت کند اگر بیند که گوشت
سیمرغ خورد بقدر آن از بزرگی مال یابد کرمانی گوید اگر بیند که سیمرغ ماده بگرفت دوشیزه را بخواهد
بستاند اگر بیند که سیمرغ از دست وی بپرید زن را طلاق دهد اگر بیند که بچه سیمرغ بگرفت
او را فرزندی آید معبر گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود و اگر بیند که سیمرغ بکوفه فرود آمد
پادشاهی آنجا فرود آید اگر بیند که اهل کوفه سیمرغ را [illegible] پادشاه آن دیار معزول شود یا ملک
اگر بیند که سیمرغ دیر ابگرفت در پادشاهی رود و اگر بیند که از سیمرغ بترسید پادشاه او را عطا
دهد جعفر صادق گوید دیدن سیمرغ در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه دوم مردی بزرگ سیوم ولد
چهارم زن با جمال سینه ابن سیرین گوید سینه در خواب شریعت قوله تعالی افمن شرح
الله صدره للاسلام اگر بیند که سینه وی فراخ شد کارهای او ساخته گردد و اگر بیند
که تنگ شد در دینش خلل افتد اگر بیند که بر سینه وی خطی سبز نوشته بود حق تعالی با وی کرامت کند
اگر بیند که خطی کبود یا سیاه نوشته بود در دین وی خلل افتد و بی شهادت بمیرد اگر بیند
که بر سینه موی داشت وام دار شود اگر موی از سینه بسترد وام بگزارد کرمانی گوید که سینه در
کشاده و فراخ بیند تاویل بخلاف این کند و اما یال گوید اگر سینه خود تنگ بیند بدخو گردد و اگر
فراخ بیند خرم و شادمانه شود و بمراد رسد و بعضی گویند اگر کافر سینه خود فراخ بیند مسلمان شود
قوله تعالی فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام جعفر صادق گوید
دیدن سینه در خواب بر هفت وجه بود اول علم دوم سخاوت سیوم امان چهارم کرم پنجم امان
از فتنه ششم مرگ هفتم بخت حرف الشین من کتاب الکامل فی التعبیر تمت شاهین ابن سیرین
گوید دیدن شاهین در خواب دلیل بر فرزند آن دبیران و خوشی [illegible] خواب بود اگر بیند

که درخت جهاد درخت انبوه و بسیار بود خواستن او بسیار شوند اگر بخلاف این بیند کم شوند اگر بیند
که شاخ از درخت جعفر ببرید خویشی از خویشتن دور کند اگر بیند که شاخ خشک شد خویشی از آن گروه
بمیرد و اگر شاخ درخت دیگر داشت تا فرزند بر خلاف این بود و بخداوند شاخ باز گردد
کرمانی گوید اگر بیند که شاخ درخت ما داشت فرزندی آورد اگر بیند که از آن شاخ چیزی بخورد و از
مال فرزند بخورد و شرح هر درختی بجای خود گفته آید شاد روان ابن سیرین گوید دیدن شاد روان
در خواب دین مرد بود اگر بیند که شاد روان نو فراخ از هر دو گسترده بود و دانست که ملک
اوست بعد از آن عیش خوش و عمر دراز یابد اگر بیند که شاد روان جای دیگر که نه از هر دو گسترده بود
و نداند که جای کیست حالش متغیر شود و بغربت بمیرد اگر شاد روان کوچک بیند اندک روزی
و کوتاه عمر بود اگر شاد روان دو نوشته بود نقصان معیشت و زندگانی باشد اگر بیند که بر شاد روان
صورت مردی نقش کرده بود و مرد او می شناخت و آن صورت با وی سخن گفت آن مرد او را بدروغ بستایش
کنند اگر بیند که شاد روان بکسی داد یا بفروخت خطر و بعضی دانیال گوید اگر شاد روان
گسترده بیند دراز عمر و رونق کار او بود و هر چند شاد روان بزرگتر بهتر بود اگر بیند
که شاد روان کوچک و دیگری فراخ روز بروز فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند روز بروز تنگ
بود اگر بیند که شاد روان گسترده و نو نوشت و بکنجی نهاد دولت و اقبال خود را تباه کند
مغربی گوید اگر بیند که شاد روان کهنه و دریده بعضی زندگانی بروی دشوار شود اگر بیند که شاد روان
پاکیزه و نو بود نعمت بروی فراخ شود اگر شاد روان سرخ بیند بعشرت و دنیا مشغول شود
و اگر سیاه و کبود بیند غم و اندوه یابد و اگر زرد بود بیماری بود و اگر سفید بیند نعمت و روزی حلال یابد
اسمعیل اشعث گوید اگر شاد روان مجهول بیند افکنده آنچه دارد از دستش برود اگر بیند که در
خانه مجهول شاد روان گسترده بود و او بر آن نشسته بسفر شود و از آن سفر مال و نعمت حاصل
کند جعفر صادق گوید دیدن شاد روان در خواب بر چهار وجه بود اول روزی حلال دوم عمر سیوم
منفعت چهارم معیشت شادوران ابن سیرین گوید شادوران در خواب غم و اندوه بود اگر بیند
که از کسی شادوران بستد از آنکس غم و اندوه یابد اگر مرده را در خواب شادوران بیند خاتمتش بسعادت بود

جعفر صادق

جعفر صادق گوید اگر کسی در خواب بینی سیبی شاه و ماده بیند اجلش نزدیک بود قوله تعالی
حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة شامه ابن سیرین گوید شامه چون
مرد زن بود که او را حسب نبود در دین او نفاق باشد اگر بیند که موی ریشش را شانه کرد
از غم فرج یابد و کارش گزارده شود و بمراد برسد کرمانی گوید اگر بیند که ریشش را شانه میکرد
زکوة مال دهد مغربی گوید شانه در خواب یاران موافق بود در کار خیر و مومن شانه کردن
یافتن مراد بود و شانه مرا ریش مرد زن بود که اندوه و غم از دل زدوده دارد و وام بگزارد
و بعضی گویند مردم خوب روی که از دیدارش چشم روشن شود آدمی ابن سیرین گوید
شانه آویختن در خواب دیدن زن بود اگر بیند که شانه ور قوی و بزرگ بود زن خواهد
و شانه گاو و گوسفند داشتن همین تاویل دارد اگر بیند که شانه وی شکست از زن
جدا شود اگر بیند که گوشت از شانه باز نکرده اکنها پدید بود دران سال باران بسیار بود
اگر بیند که دران شانه سپید [illegible] دران سال آفتها و بلاها باشد اگر در شانه شهرها بلند دران
سال زحمتها ازان باشد اگر زرد بود بیماری بود اگر رنگارنگ شانه خطها بسیار دران سال
مرگ بسیار بود شاه رود در خواب دلیل لهو و طرب دنیا گیرد و سخن دروغ اگر
بیند که شهرود میزد سخن دروغ و محال گوید اگر بیند که در مشرق شهرود می زدند سخن
محال انشاد دهد اگر بیند که با شهرود و چنگ و چغانه میزد و باز بود غم و مصیبت
اهل آن موضع بود کرمانی گوید اگر بیند که شاه رود شکست یا بفگند از سخن دروغ
توبه کند مغربی گوید اگر بیند که شاه رود میزد با زنی بزرگ پیوند [illegible] جاه یابد
شاه سپرم ابن سیرین گوید اگر شاه سپرم در خواب پاکیزه و سبز بیند غم و بلا بیند یابد و اگر زرد
بیند بیماری بود کرمانی گوید شاه سپرم در خواب فرزند بود جعفر صادق گوید شاه سپرم در خواب
بر شش وجه بود اول عمر دراز دوم فرزند سیوم دوست چهارم سیم خویش پنجم مجلس ششم
نام نیکو و ثنا و مدح شاهین ابن سیرین گوید اگر بیند که شاهین داشت و مطیع بود
فرزند آورد و اگر مطیع نبود از پادشاه ظالم ترک یابد کرمانی گوید شاهین بخواب در

بسیار دارد اگر بیند که شاهین داشت او را با مردی بخشش دارا صحبت افتد و از و منفعت یابد
جعفر صادق گوید دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه بود اول قدرت و منزلت دوم
فرمان روایی سیوم مال و نعمت چهارم فرزند شب ابن سیرین گوید اگر بخواب شب تیره بیند غم
و اندوه بود و اگر بیند که شب روشن و مهتاب بود دلیل خرمی و عیش بود کرمانی گوید اگر
بیند که شب تیره براه میشد و راه بر وی مشکل بود تبه بنیت راه آهسته نیز رفت سعادت
دین یافته باشد شب یلدا که از آن اشعث سعید گوید دیدن آن در خواب غم و اندوه بود
و خوردن و دلیل هلاک بود مغربی گوید اگر بیند که شب یلدا را روز روشن دید چنانکه
رخشنده چو آفتاب کارها بر وی گشاده

1011

چو بودن شیر در حوت ۳ درجه بود اول روز جلال قدم مال فرزندان شیوع غم واوده
[illegible] شود ایکو

شیره انگور ابن سیرین گوید شیره انگور در خواب خیر و منفعت بود و قوله تعالی یغاث
الناس و فیهم یعصرون اگر بیند که شیره انگور می فشرد از پادشاه خیر و منفعت یابد
اگر بیند که شیره تازه میخورد روزی حلال یابد اگر شیره ترش بود اورا از پادشاه زحمت یابد اگر غلیظ بود
اگر بیند که شیره داشت خیر و منفعت یابد اگر بیند که انگور پالوده و شیرین میکند از پادشاه
مال و برزگ یابد و شیره هر چند تازه تر و شیرین تر خیر و منفعت بیشتر جعفر صادق گوید
دیدن شیره در خواب بر چهار وجه بود اول مال حلال دوم نعمت بسیار سیوم عیش خوش
چهارم منفعت بی رنج شیر بهی ابن سیرین گوید شیر بهها در خواب شادی و خرمی و روزی حلال بود
اگر بیند که کسی شیر بهی بوی داد از آن کس راحت یابد اگر بیند که شیر بهی بکسی داد منفعت بوی رساند
کرمانی گوید شیر بهی در خواب کنیزک خوب روی بود اگر شیر بهی را بگونه سفید بیند کنیزک از پارسای
دین دار بود اگر سرخ بیند معاشر بیند اگر زرد بیند بیمار گونه بود جعفر صادق گوید دیدن کنیزک
در خواب بر شش وجه بود اول منفعت دوم مال سیوم علم و حکمت چهارم فرهنگ و ادب
پنجم تمامی نیکو ششم کنیزک خوب روی شیر ابن سیرین گوید اگر بیند که با شیر جنگ میکرد با دشمن
خصومت کند و از آن آزار یابد ظفر یابد که در خواب غالب بود اگر بیند که شیر در پی او
می شد و در وی رسید از پادشاه ترسید و رسد اگر بیند که از شیر بگریخت و شیر وی را طلب نکرد
از آنچه ترسید ایمن گردد اگر بیند که از گوشت شیر میخورد از پادشاه مال یابد و ظفر بر دشمن اگر
بیند که شیر شیر خورد از پادشاه خلعت یابد کرمانی گوید شیر در خواب پادشاه بود
اگر بیند که از اندام شیر چیزی داشت و بخورد از مال دشمن خورد اگر بیند که با شیر مجامعت
کرد از سختیها رسته گردد و بمراد رسد اگر بیند که شیر او را بر گرفت با دشمن آشتی
کند اگر شیر نر یا ماده مجامعت کرد از پادشاه خوار بیند اگر بیند که شیر از پستان وی
بر آمد و از پستان وی بیرون شد از پادشاه مضرت یابد دانیال گوید اگر بیند که بچه شیر
یافت پادشاهی یابد اگر بیند که پادشاه وی را شیر داد پادشاهی نوره یابد

یا در ولایتی پادشاه گردد اگر بیند که بر پشت شیر نشست او را اضطرابی تمام حاصل شود
مغربی گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و ماده زن پادشاه اگر بیند که شیر را جای دیگر
دبیر پادشاه شود اگر زن بیند دایه فرزند پادشاه شود اگر شیر را بر پشت گرفته بود
دشمن را ظفر یابد اگر بیند که شیر وی را بگزید از دشمن مضرت یابد اسمعیل اشعث گوید
اگر بیند که شیر وی را در برگرفت مقرب پادشاه شود اگر بیند که با شیر طعام خورد معتمد پادشاه
شود اگر بیند که شیر وی را بلیسید از وی از پادشاه شود و پوست و گوشت شیر و استخوان در
خواب دشمن بود اگر بیند که گوشت شیر خورد مال دشمن یابد اما بدست آرد جعفر صادق گوید
دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود اول پادشاه دوم مرد دلیر سوم دشمن قوی شیرخشت
ابن سیرین گوید شیرخشت در خواب روزی حلال بود اگر بیند که در صحرا شیرخشت جمع کرد از سفر مال
حاصل کند اگر بیند که شیرخشت بسیار در خانه داشت از تجارت مال یابد اگر بیند که شیر
خشت میخورد و مال بر عیال نفقه کند و عوض بازیابد جعفر صادق گوید دیدن شیرخشت در
خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دوم فراخ عیش سوم کام دل یافتن شیشه ابن سیرین گوید
دیدن شیشه در خواب زن بود و بعضی گویند خادم بود که خدمت خانه کند لکن ناپایدار بود
اگر بیند که شیشه بوی دادند زنی درویش خواهد اگر بیند که در شیشه او غالیه یا نفقه بود زنی
دیندار تواند خواست اگر بیند که از آن روغن بر سر نهاد از مال زن چیزی بدو رسد اگر بیند که از شیشه
شراب سیب یا شراب انار یا غیره میخورد بقدر آن از مال زن خورد مغربی گوید اگر بیند که شیشه
بفند داشت زنی بارور خوب روی خواهد اگر بیند که شیشه بشکست زن هلاک شود
اگر بیند که خادم زن را طلاق دهد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که در شیشه حلاب بود یا چیز
شیرین زن سازگار خوش خو خواهد اگر بیند که شیشه بشکست زن هلاک شود اگر بیند
که خادم زن را طلاق دهد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که در شیشه حلاب ترش بود و تلخ
بخلاف این بود اگر در شیشه عطر خوش بود زنی خوب مستوره خواهد جعفر صادق
گوید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه بود اول زن با جمال دوم کنیزک سوم خادم

شیطرنج دارو گیت که خوردن آن در خواب مضرت و نقصان بود و در دیدن وی خیر
و منفعت نباشد حرف الصاد مهمله الکامل التعبیر صابون ابن سیرین گوید
اگر بیند که جامه خود بصابون بشست از کارها بد باز گردد و اگر بیند که جامه کسی بصابون
بشست کسی را از کار بد منع کند اگر بیند که صابون خورد چیزی حرام خورد و اگر بیند که
صابون لب بر دارد بشست و جامه خود بدان بشست او را خواسته حاصل شود و اگر بیند
که دست خود بصابون بشست از مراد باز ماند معبری گوید صابون پختن در خواب
از فروختن به بود و صابون رقی بهتر بود چراغ کردن در خواب عالم طامع بود و اگر
بیند که در خواب چراغ میکرد اگر مستور و دین دار بود علم و حکمت یابد و اگر بازرگان
بیند از تجارت مال یابد و اگر هیچ پیشه نداند مشغول خرافات یا کرمانی گوید اگر بیند که
چراغ میکرد و طمع اهانت مردم نگاه دارد اگر بیند که چراغ از بهر طمع کرد تاویل
بخلاف این بود معبری گوید اگر بیند که چراغ کرد و مزد بستد بخبائث مشغول شود و گویند
چراغ عالم بود که از تعلیمش فایده بمردم رسد جعفر صادق گوید دیدن چراغ در خواب
مردی خرافی بود و همه آن کند که دین و ایمان وا دارد صاروج ابن سیرین گوید اگر بیند
که صاروج خورد با مردم سخن لطیف گوید اگر بیند که صاروج کند تاویل بخلاف این معبری
گوید اگر بیند که از بهر کسی صاروج کرد با ایشان مدارا کند جعفر صادق گوید صاروج در
خواب بر سه وجه بود اول سخن لطیف دوم مدارا کردن سیوم صلاح ایشان چنین
صاعقه آتشی باشد که از ابر جهد ابن سیرین گوید اگر بیند که از ابر صاعقه افتاد بقدر آن
صاعقه عذاب با اهل آن مقام رسد قوله تعالی و یرسل علیها حسبانا فتصبح
صعیدا زلقا اهل آن دیار را توبه باید کرد تا عذاب از ایشان
دفع شود کرمانی گوید اگر بیند که آتشی از هوا مانند باران می بارید دلیل بلا و فتنه و خون
باشد در آن دیار معبری گوید اگر بیند که صاعقه بیفتاد و وی را بسوخت بعذاب پادشاه
هلاک شود صبح ابن سیرین گوید اگر بیند که صبح صادق بدمید و جهان روشن شد

اہل آن دیار ایمن شوند اگر بیند که بعد از زرد شدن بازرنگ شد پادشاهی بخلاف این بود
مغربی گوید اگر بیند که صبح بدمید و گون او سپید بود دران دیار جور و رنج بسیار بود
و اگر زرد بود بیماری باشد جعفر صادق گوید صبح در خواب قوت دین بود و مردم آن دیار را
صبر در خواب عالم بود که غرضش از علم مذهب مال بود اگر بیند که صبر خورد با عالمی
چنین صحبت کند مغربی گوید صبر خوردن غم و اندوه بود صحبت ابن سیرین گوید اگر
بیند که صحبت با مردی پارسا کرد زندگانی او بصلاح باشد و اگر صحبت با مفسد کرد
فساد دین وی بین مغربی گوید اگر بیند که صحبت با پادشاه کرد از پادشاه منفعت یابد اگر
با مردی عالم صحبت داشت علم و دانش اموزد اگر با بی شغلی صحبت داشت توبت یابد گرد
اگر با بی زنی صحبت داشت دل دردیا بسته صحرا در خواب جرمی بود از قبل پادشاه
بقدر بزرگی و پاکیزگی وی اگر صحرا بزرگ بوقت سبز بیند مقرب پادشاه عادل شود و منفعت
یابد اگر صحرای بزرگ بیند و خار و خس بسیار رود و گیاه بسیار در نیابد پادشاه ظالم ستمگر صحبت کند
مقرب وی شود و تاویل زمین در باب باب تمام بیان کرده ام صحف ابن سیرین گوید اگر بیند
که صحف ابراهیم می خواند کسی او را راه صورت نماید حاجت چون بیند که کتاب میخواند اگر
بیند که صحف از ظاهر میخواند با مردم ریا صحبت کند مغربی گوید اگر مسلمانی بیند که مصحف
قرآن رها کرد و صحف ابراهیم یاد گیرد و می خواند در اسلام ضعیف بین و میل بکیشها
دیگر بین که بدین اسلام صحیفه سه معنی دارد اول کاغذ دوم نامه سیوم نرده زرد
ابن سیرین گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی نوشت از مردی دین دار راحت یابد اگر بیند که بر زر
نوشت از مصیبت زده میراث یابد اگر بیند که بر صحیفه هیچ نبشت میراث برسد
صدف کرمانی گوید اگر بیند که صدف داشت خادم حاصل شد اگر بیند که صدف ضایع
شد خادم بمیرد صدقه معبران را خلاف هست ابن سیرین گوید اگر عالمی بیند که صدقه میداد
از علم او مردم نفع رسد اگر بیند پادشاه صدقه میداد ستمگر را ایمنی اموزد و کرمانی گوید
صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاص از رنج مغربی گوید اگر بیمار بیند که صدقه میداد و اینش

از ازده شود

گرازده شود اگر بنده بیند آزاد شود و اگر زندانی بیند خلاص یابد اگر ملحد بیند مسلمان شود و
علی الجمله صدقه دادن سعادت دو جهانی باشد صراط ابن سیرین گوید اگر بیند که بر صراط السادة
بود کارهای کشتر و نیست او راست شود از آنکه صراط راه راست بهشت و او توفیق دهد یا
صراطا مستقیما اگر بیند که از صراط بگذشت از بلاها برست ایمن شود
اگر بیند که از صراط در دوزخ افتاد در بلا و مصیبت افتد کرمانی گوید اگر بیند که از صراط
بگذشت راه خیر کرند و عمل صالح کند و راه راست یابد جعفر صادق گوید دیدن صراط در
خواب بر شش وجه اول کار راست دوم صعبی کار و مخاطره و سوم ترس و بیم چهارم ستم از قبل
سلطان پنجم گناه ششم نفاق صفه ابن سیرین گوید سرای در خواب دلیل زنا در و بدر کند اگر
بیند که صفه سرایش نو بود و بلند دلیل بر درازی عمر و سلامت نفس یا در و بدر بود اگر بیند
که صفه خراب شده هلاک یا در بود مغربی گوید اگر بیند که صفه از جانب راست خلل کرد بدر
بیمار شود اگر خلل از جانب چپ بود مادر بیمار شود و اگر بدر و مادر ندارد غم و اندوه بود
صلوات دادن ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب صلوات میداد رسول علیه السلام حاجتش
روا گردد و روز بروز فراخ گردد و خاتمت کارش بسعادت بود مغربی گوید اگر بیند که صلوات
بسیار داد حج اسلام بگزارد و گویند هر که پیغمبرا علیه السلام بخواب بیند دلیل که شفاعت وی
بجای آورد صمغ ابن سیرین گوید صمغ از هر درختی چنان است که فضله آن از احوال مردمان
یا استخوانی از استخوان جانوران اگر بیند که صمغ داشت و خورد بقدر آن از فضله مال کسی بهره یابد
کند اگر بیند که صمغ بکسی داد از فضله مال خود بکسی دهد مغربی گوید صمغ در خواب لعق
اندک بود که بوی ارزد که بدان درخت منسوب است چنانکه اگر صمغ بادام خورد
از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ مغیلان بیند از مردی منافق راحت یابد اگر صمغ عربی
داشت از فانی منفعت یابد اگر صمغ رزد آلو خورد از بیماری رسته شود صنج ابن سیرین گوید
صنج زدن در خواب خبر نکوه و کلام باطل و دروغ بود اگر بیند که صنج با چنگ و چغانه
می زدند غم و مصیبت بود که ماتم آن موضع رسد اگر بیند که صنج شکست یا نفکند
از کلام دروغ توبه کند جعفر صادق گوید صنج زدن در خواب چهار وجه بود اول

خیر بکروه دوم کلام باطل سیوم متاع دنیا متاع چهارم غم و اندیشه صندل ابن سیرین گوید
اگر بیند که صندل داشت مدح و ثنا او گوید اگر بیند که صندل سفید داشت از بزرگی
عطا یابد هر چند بوی صندل خوشتر منفعت او بیشتر جعفر صادق گوید دیدن صندل
در خواب بر سه وجه بود اول ثنا و آفرین دوم خیر و برکت سیوم جاه و حرمت و صندل
سرخ از سفید بهتر بود صندوق کرمانی گوید صندوق در خواب زن بود و بعضی گویند
عز و جاه بود اگر بیند که صندوقی بزرگ داشت و بمقدار آن عز و جاه یابد یا زن کند
اگر بیند که صندوق شکست یا ضایع شد عز و جاهش کم شود مغربی گوید اگر بیند که
صندوقی پاکیزه داشت زنش خوب روی و پاکیزه و پارسا بود اگر بیند که صندوقی
کهنه بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن صندوق در خواب بر سه وجه بود
اول عز و جاه دوم بلندی قدر و مرتبت سیوم زن صورت ابن سیرین گوید اگر بیند که
صورت او بصورت دیگر بدل شد حالش بدان نوع شود که دیده بود اگر خوب
و اگر زشت اگر بیند صورت خود باز گشت بخدای تعالی باز گردد اگر صورت خود باز
گونه بیند همه از وی روی بگردانند مغربی گوید اگر بیند که صورت آدمی یا صورت حیوانی
برنگ بد مذهب میکرد دروغ زن بود جعفر صادق گوید دیدن صورت در خواب
بود که بر خدای عز و جل دروغ گوید صوف ابن سیرین گوید جامه صوف در خواب
پوشیدن خیر و منفعت دنیا بود خاصه مردم صالح را اگر بیند که صوفی گشت و با صوفیان
در خانقاه مجاور گشت راه آخرت گزیند و دست از شغل دنیا باز دارد
اگر بیند که از میان ایشان بدر آمد میل بجفا و گناه دارد کرمانی گوید اگر بیند که
صوفی شد و مرقع پوشید و میان ایشان مجاور گشت در سید ازین جهان بیاید اگر بیند که صوفیان
او را از خود دور کردند منفعت دنیا یابد اگر بیند که صوفی شد یا با صوفیان نشست
طاعات و عبادات بجای کند جعفر صادق گوید صوفی شدن در خواب بر چهار وجه
بود اول دست از دنیا بداشتن دوم از خلق کناره گرفتن سیوم پیوسته بعبادت مشغولی

بودن

بودن چهارم طمع بکسی بد اشتن صیقل ابن سیرین گوید صیقل گردن پادشاه بزرگ بود
اگر بیند که صیقل گرد اگر اهل صلاح بود بخدمت پادشاه رود جعفر صادق فرماید صیقل
در خواب مردی که بصحبت وی حق از باطل پدید آید صینی آلات گرمابه گوید
صینی آلات در خواب زن خادمه بود اگر صینی پاکیزه و روشن بود زن خادمه با جمال بود
اگر صینی تیره بود زن خادمه زشت ادا بود ابن سیرین گوید صینی در خواب کنیزک جنح دار
بود اگر بیند که صینی داشت کنیزک خرد اگر بیند که صینی بشکست یا ضایع گشت آن
یا خادمه بمیرد و بعضی گویند زنش بمیرد جعفر صادق گوید صینی در خواب بر سه وجه بود اول
زن خادمه دوم کنیزک سیوم منفعت از زنان حرف الضاد من کتاب الملک فی التعبیر
ضرابی ابن سیرین گوید اگر ضرابی بیند که سکه درم زند سخنان خود بیارآید و بفخر نار گوید مغربی گوید
اگر بیند که درم میزد و سره سکه زد سخن بی اصل بیارآید و لطیف و شیرین بود اگر بیند که
درم دون میزد سخن زشت گوید چنانکه مردم را از آن رنج آید ضعیف شدن ابن سیرین
گوید که بیند که سر وی ضعیف شد قدر و جاهش نقصان یابد اگر بیند که چشم وی ضعیف شد
دینش ضعیف بود اگر بیند که گوش وی ضعیف بود زنش یا دخترش بیمار شود اگر بینی ضعیف
شد قدر جاهش کم شود اگر بیند که دهانش ضعیف شد روزی تنگ شود اگر بیند که زبانش
ضعیف شد بترک سخنان باطل گوید اگر گردنش ضعیف شد امانت نگزارد اگر بیند که
قفای وی ضعیف شد مردم را غیبت کند اگر بیند که دوش وی ضعیف شد زنش
رنجور شود و اگر بازوی وی ضعیف شد برادر یا فرزندش ضعیف شود اگر ساعد یا بازو
ضعیف شد همین تاویل دارد اگر انگشت ضعیف شد در نماز کاهلی کند اگر بیند که سینه
وی ضعیف شد راه سخاوت بگذارد اگر دل وی ضعیف شد بر تدبیر کار او کم شود اگر
بیند که پشتش ضعیف شد دخترش بیمار شود اگر شکم ضعیف بیند آنکس که پشت
و پناه اوست ضعیف گردد اگر سرین ضعیف بیند حال بهتر از خویش و او بد گردد
اگر ران را ضعیف بیند کسی از دودمانش بیمار شود اگر زانوی وی ضعیف شد

مالش نقصان پذیرد اگر بیند که همه تن او ضعیف شده اند و هیچ مستمند گردد ضیاع بعض
ملک بود ابن سیرین گوید اگر بیند که در زمین خود تخم ملیت (?) و درخت میرشاند حالش نیکو
شود و معیشت او فراخ گردد اگر بیند که در ضیاع او خار و خس بود در راه دین نیکو باشد
مغربی گوید اگر بیند که ضیاع خود جمله بفروخت و بها ستد در رنج و غم افتد و اگر بخلاف
این بیند نتیجه و خرمی یابد اگر بیند که ضیاع خود آبادان میداشت بقدر عمارت مال دنیا
یابد اگر بیند که سیل لشکر او را خراب کرد از لشکر مضرت بیند حرف الطا منقول (?)
کتاب الکامل فی التعبیر طابع ابن سیرین گوید اگر بیند که پادشاه طابع بدو داد تا خزانه
خود را مهر کند جاه و بزرگی یابد اگر طابع بهتر و قوی‌تر از انگشتری بعضی گویند اگر بیند که
پادشاه یا امیر طابع بدو داد تا خزانه مهر کند مال خود بدو سپارد جعفر صادق گوید دیدن
طابع در خواب بر سه وجه بود اول بزرگی و جاه دوم خزانه سیوم مال جمع کردن طاس
ابن سیرین گوید طاس در خواب زن خادمه بود یا کنیزک اگر بیند که طاسی داشت زنی خادمه
بخانه آرد یا کنیزک خرد اگر بیند که طاس وی ضایع شد زن خادمه یا کنیزک از وی جدا
شود کرمانی گوید اگر بیند که طاسی پر آب داشت و بخورد از کنیزک فرزند آورد اگر طاس
بشکست و آب نماند کنیزک بمیرد و فرزند بماند اگر آب بریخت و طاس بماند فرزند
بمیرد و کنیزک بماند جعفر صادق گوید دیدن طاس در خواب بر چهار وجه بود اول زن خادمه
دوم کنیزک سیوم فرزند چهارم منفعت از زنان طاعون ابن سیرین گوید علت طاعون در خواب
فتنه و بلا بود اگر بیند که بر تن او علت بود و طاعون در فتنه و بلا افتد مغربی
گوید طاعون در خواب جنگ و کارزار بود طاوس ابن سیرین گوید طاوس در خواب
پادشاه عجم بود اگر بیند که طاوس نر داشت نزدیک پادشاه عجم منزلت یابد و مال حاصل
کند اگر طاوس ماده داشت زنی عجمی که خداوند مال و جمال باشد بخواهد و از وی مال
یابد و فرزند آورد اگر بیند که طاوس با کبوتر جفت کرد قرار دیگر کند دانیال گوید
طاوس ماده زنی منفعت بود اگر بیند که گوشت طاوس ماده خورد مال زنی منفعت خورد

اگر بیند که طاووس

اگر بیند که طاووس با وی سخن گفت و دولت یابد اگر بیند که در خانه او تذرو با طاووس با هم جفت دیده
بیگانه با عیال وی فساد کنند اگر بیند که طاووس از خانه وی بپرید زن را طلاق دهد اگر بیند
که طاووس را بکشت از دختری دوشیزه بستاند اگر بیند که بچه طاووس یک یا چند داشت
فرزندی آید اگر بیند که طاووس از دست او بپرید از خدمت پادشاه دور شود جعفر صادق گوید
دیدن طاووس در خواب بر دو وجه بود اول پادشاه عجمی دوم بزرگ مال دار طعام ابن سیرین
اگر بیند که طعام می پخت و آن طعام خوش بود خیر و نیکو بدو رسد و اگر بخلاف این بیند
از پادشاه مضرت یابد طبق ابن سیرین گوید طبق در خواب خادمی بود که کار مجلس
بسازد بوقت شادی اگر بیند که طبقی بزرگ داشت خادمی بدین صفت حاصل کند
اگر بیند که طبق خالی شد خادم از وی جدا شود کرمانی گوید اگر بیند که طبق وی بشکست افتاد
خادم یا کنیزک را عیب و نقصان گرفتار شود جعفر صادق گوید دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود
اول خادم مجلس دوم کنیزک سیوم فایده چهارم هدیه طبل ابن سیرین گوید
دیدن طبل در خواب سخن باطل و دروغ بود اگر بیند که با طبل [illegible] بود
غم و مصیبت بیند کرمانی گوید اگر بیند که طبل میزد و کاری کند با شغل باطل جعفر صادق
گوید اگر بیند که طبل میزد و کاری کند و طبالی مشغول می باشد که دروغ گوید
طبیب ابن سیرین گوید اگر بیند که طبیب بیمار را علاج کرد و درست شد یکی را از راه
فسق براه صلاح آورد اگر بیند که بیماری بر آن کس صعب شد تا وی بخلاف این بود
کرمانی گوید اگر بیند که این دارو که مردم را داد نافع بود علم گوید و بیند و به اهل علم وی
کار کنند اگر بیند که دارو نافع نبود با وی [illegible] بخلاف این بود و طبیبی کردن در خواب
مردم مصلح دین و آخرت بود و مفسد از دین و صلاح تن و کسب معیشت
طعام [illegible] هر طعام و شرابی که از آتش رسیده باشد دلیل [illegible] گوید دیدن مکروه باشد

طبع

مگر آنکه چون بهر دو روی سخت شده باشد چون افروشته دیا بود و این تعبیر دلیل هلاک بود

ابن سیرین گوید هر طعام که بخوردن دشوار و تلخ مزه باشد تعبیر دلیل اندوه و رنج بود و

هر طعام که ترش بود بیماری باشد و طعام چرب دلیل خوشی و عیش بود جعفر صادق گوید اگر بیند که طعام

او یکی از دو دام بسته مال و زر از نانی رسد اگر بیند که طعامی کرد و به دست و همه

بخورد و هم روی سیری شود اگر بیند که مرده طعام وی میخورد آن طعام گران شود جعفر صادق

گوید اگر بیند که درویشی را طعام داد از رنج و غم رسته گردد اگر بیند که کافری را طعام داد

پای بی بعیسی به طعن نیزه باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که نیزه بر کسی زد و در تن

وی نشسته بقدر زخم دشمنی مقهور و مضروب گردد کرمانی گوید طعنه زدن در خواب سخنی

زشت گفتن بود اگر بیند کسی را طعنه زد و جای زخم درد کرد از سختی که در حق وی گویند

غمناک شود اگر درد نکرد و خم نباشد طلاق ابن سیرین گوید اگر بیند که زن را طلاق

داد او را کار زنان بود بشرف و بزرگی یابد اگر او را زنی دیگر بود با کسی کی در شرکت او

نقصان افتد جعفر صادق گوید اگر بیند که زن را طلاق داد از عمل معزول شود یا

زن را طلاق داد هر روزی روزی بر وی تنگ شود اگر بیند که زن را طلاق داد و کاری کند که از آن

پشیمان شود و خلع کردن در خواب توانگری باشد قوله تعالی وان یتفرقا

یغن الله کلا من سعته طلع خرما باشد اگر بیند که طلع در دست داشت نور افزونی اگر بیند

که طلع خورد مال و نعمت حاصل کند اگر بیند که طلع لب را برشته بخورد و بکسی نداد

با وی نه مال او را الغفت بستاند جعفر صادق گوید دیدن طلع در خواب بر چهار وجه اول

فرزند دوم نعمت سیوم منفعت چهارم مستحق مال الغفت طلسم ابن سیرین گوید

اگر بیند که طلسم بر دست داشت در جای جمع کرد مال بحیلت از کسی حاصل کند

مغربی گوید اگر بیند که طلسم برتن مالید و در آتش ریخت از آن کی کرد بناحق بدست یابد

از وی دفع شود اگر بیند که طلسم خورد مالی که بلعنت حاصل کرده باشد ظاهر کند اگر بیند

مضروب

اطلی او را شکسته

١٦٨

کہ طلی از وی حاصل شد مالش تلف شود و طنبور ابن سیرین گوید اگر بیند که در خانه طنبور می زند

ای غم و مصیبت بود و اگر بیند که طنبور خورد بشکست از ان کس غم بیند طوطی ابن سیرین گوید

اگر بیند که طوطی از وی بگریخت پسری یا غلامی سفر کند و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت کنیزکی

کرم دهد از ان بحث ایه و طوطی ماده در خواب دختری دوشیزه بود و طوطی نر مردی بود و پاک دین

یا غلامی جلد یا پدر اگر بیند که طوطی ماده را بگرفت و در قفس کرد دختری بستاند اگر بیند که طوطی

دهان یا مقعد او بیرون آمد او را فرزندی آید که در وی سخنان خوش باشد کرمانی گوید

طوطی در خواب بر سه وجه بود اول فرزند یا غلام دوم دختر دوشیزه سوم شاگرد چابک

طوق ابن سیرین گوید اگر بیند که در گردن طوق داشت از زر یا از سیم القدر قیمت ان ولایت

یابد و ان الف و لکن دارد اگر طوق از آهن بیند در دین قوی بود کرمانی گوید

اگر طوق در گردن خود بیند دلیل که متعلق گردد اگر در گردن خود طوق زرین

بیند ولایت یابد اگر از سیم بیند با کسی خصومت کند جعفر صادق گوید دیدن طوق در خواب

بر سه وجه بود اول حج دوم ولایت سوم خصومت جهار امانت پنجم علم عسکر ...

یا به طیلسان ابن سیرین گوید طیلسان در خواب قید و جاه و بزرگی بود اگر بیند که طیلسان

نو و پاکیزه داشت درستی دین اگر بیند علم حق بود کرمانی گوید اگر بیند که طیلسان

او بسوخت غم رسد او را اگر بیند که طیلسان او را بدریدند ... مصیبت یابد

طیلسان در خواب ... بود اگر طیلسان شسته و پاکیزه بود

گرامی بود ... اگر طیلسانی کهنه بیند تا ویلش خلاف این بود اگر بیند که طیلسان

او ... در ... افتد ... گوید طیلسان در خواب فرزند بود اگر بیند شسته

که فرزند ... بود و اگر ... بیند فرزند ... بود و اگر سیاه بود عالم بود و

او را فرزندی آید ... جعفر صادق گوید دیدن طیلسان در خواب ...

الطوق ... (margin)

بود و لعل بحیره دوم جاه سیوم ملکیت چهارم فرزند پنجم دولت ششم بزرگی هفتم مال هشتم علم
نهم روزی دهم نعمت حرف الظا من کتاب الکامل التعبیر

ظلم

ابن سیرین گوید اگر بیند که بر وی ظلم رفت بر ظالم نصرت یابد اگر بیند که وی بر کسی ظلم کرد دل
از کسی بر وی ظلم نیاید اگر بیند که پادشاه بر وی ظلم کرد پادشاه بر وی رحمت کند و اگر بیند
که او بر پادشاه ظلم کرد از پادشاه زحمت بیند مغربی گوید اگر خود را مظلوم دید همین ظلم
بر وی کند و او ظالم باشد اسمعیل اشعث گوید اگر پادشاه یا بزرگی بیند که بر رعیت
ظلم کرد دلیل زوال ملکش بود و اگر بیند که بر خلق ظلم کرد از خلق محنت یابد ظلمات
گمراهی بود در راه دین ابن سیرین گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بر وی تبدیل شد
در راه دین بر وی گشت و محمد کرمانی گوید اگر بیند که از ظلمات بیرون آمد و باز
در ظلمات شد منافق باشد قوله تعالی واذا اظلم علیهم قاموا ولو شاء الله
مغربی گوید ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در دریای ظلمات ظلمه
در وی غم و اندوه پدید آید جعفر صادق گوید ظلمات در خواب بر شش وجه بود لعل
کلف چهارم تحیر پنجم ترس ششم فرو بستن چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر توانگری
بیند که بدولت افتاد مالش زیادت شود و اگر درویش بیند که توانگر آید
کار وی به شود اگر بیند که در دریای ظلمات ناپدید شد در غم و اندوه پدید آید

حرف العین من کتاب الکامل التعبیر

عاج

ابن سیرین گوید عاج در خواب مال بود و از پادشاه اگر بیند که عاج داشت از پادشاه مال یابد
اگر بیند که عاج از وی ضایع شد مالش تلف شود اگر بیند که عاج در صندوق
در دست داشت زن خواستن از زنی بیگانه یابد و زن خواهد اگر بیند که در دکان عاج داشت
از پادشاه در آنکه بیابد بچه و خوشی یابد اگر بیند که عاج شکسته گرگ زن بمیرد
جعفر صادق گوید بود

هرچند عاریه بغیر زوال او بیشتر عاریت ابن سیرین گوید اگر بیند که چیزی عاریت
بکسی داد اگر آن چیز نیکو بود که دوست می‌دارند آن چیز برود و ثابت شود و اگر دوست
ندارند تاویل بخلاف این بود عاشق شدن ابن سیرین گوید اگر بیند که عاشق
شد آرمند و حریص بود اگر عاشق او چیزی حرام بود و کار او بود و اگر چیزی
حلال بود صلاح کار وی بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که از معشوق کام دل یافت
منفعت یابد عالم اگر بیند که او فقیه یا عالم گشت و او جاهل بود مردم سخن او قبول
بکنند و در زبان مردم افتد یعنی اگر عالم یا فقیه بود علم او زیادت گردد و اگر بیند که فقیه
یا حکیم یا طبیب شد و در آن علم نادان بود حاکم شد بود و اگر در آن کامل و دانا بود
منفعت یابد اگر بیند که عالمی یا حکیمی زنده یا مرده جای گذشت که در آن ترس و بیم بود
و مردم آن موضع از ترس ایمن شوند و حاکم آن عادل گردد کرمانی گوید اگر بیند
که مردم را علم می‌گفت اگر اهل علم بود بجلالت آن دنیا رسید و اگر نه باید رسید و اگر عالم
بود عز و جاه و بزرگی یابد اگر بیند که علم گفتن علی السبیل التثبیت شتابد جعفر صادق گوید
اگر بیند که عالم بود بر چهار وجه بود اول بزرگی دوم عز و جاه سیوم قبول مردم چهارم ولایت
عبادت ابن سیرین گوید اگر بیند که عبادت حق می‌کرد خیر و ثواب آخرت یابد اگر
بیند که جز خدا را عبادت کرد تاویل بخلاف این بود اگر بیند که عبادت در مسجد یا صومعه
کرد خیر دینی و جهانی یابد اگر بیند که عبادت در جای مکروه کرد ملامت یابد عدد
ابن سیرین گوید یکی از شمار سخت نیکو بود اگر بیند که یکی از درم یا دینار یا جامه یا غیره
بوی دادند نیکو بیند زیرا که اصل شمار یکی گشت قوله تعالی من جاء بالحسنة فله عشر
امثالها یکی آورده یا داشت است معبران گویند اصل وی از یکی است و بعضی گویند

یک مکث و دو غم وا بزوده ولی بر دشمن ظفر یابد و ثانی اثنین اذ هما فی الغار
اگر عدد شش بیند کاری که در آن بود برخوردار ی یابد ابیات الهات تکلم الناس
ثلث لیال سویا و نقطه دلالت بر فرقت نیز اگر طلاق ثم است
و اگر عدد چهار بیند مکو من حبس حرز و دیگر مضاف نباشد قوله تعالی ما یکون من نجوی
ثلاثة الا هو رابعهم و اگر پنج بیند مکث و وقتی که صاحب خواب نماز
بجای نه بر باری اند و اگر شش بیند نیکو بود قوله تعالی خلق السموات والارض فی
ستة ایام و اگر هفت باشد بد بود و سبع سموات طباقا و چون
با هفت هشت موسته بود هم بد من که سبع لیال و ثمانیة ایام حسوما
و اگر نه بیند بد باشد تسعة رهط یفسدون اگر مراد ده بیند مراد دینی حاصل
شود و تلک عشرة کاملة اگر یازده بیند شغلهای وی روز بکار بر آید و اگر دوازده
بیند نیک باشد قوله تعالی ان عدة الشهور اثنا عشر شهرا فی کتاب الله تعالی
اگر سیزده بیند بد باشد و کارش بسته گردد و اگر چهارده بیند نکو بود و اگر پانزده بیند کارش
بر آید شود اگر شانزده بیند حاجت وی روز کار آید اگر هفده بیند خبری تباه گرده بدو
بار گردد و اگر هجده بیند مرادش بر نیاید و اگر نوزده بیند با مردم رحمت کارش افتد
لواحة للبشر ~~عا یروث یعلو ماتین~~ اگر عدد بیست بیند بر دشمن ظفر یابد عشرون
صابرون یغلبوا مائتین اگر سی بیند او را با کسی داوری قضای گردد قوله تعالی و واعدنا
موسی ثلاثین لیلة و اتممناها بعشر اگر چهل بیند کارش بسته گردد
و متحیر شود اگر پنجاه بیند ولیک رنج و مشغولی دل بود الف سنة الا خمسین عاما اگر شصت
بیند او را سو کند بکردن افتد و دو ماه موسته روزه دارد یا شصت درویش را طعام
دهد فصیام شهرین متتابعین اگر هفتاد بیند حاجت او تباه خبر بر آید اگر هشتاد
بیند او را تهمت کنند زنا و هشتاد چوب وی را بزنند فاجلدوهم ثمانین جلدة اگر نود
اگر نود بیند حزن

عليها تسعة عشر

اگر نود بیند چندین از بزرگان بزنی خواهد تسع وتسعون نعجة ولی نعجة
واحدة اگر صد بیند فرحت و نصرت و ظفر یابد مایة یغلبوا مائتین
اگر سلطان با خود صد سوار بیند بر دشمن ظفر یابد و اگر کسی بیند که او را صد درم دادند
صد چون بیش بینند و نزیا همت کنند فی کل سنبلة مایة حبة والله یضاعف لمن
یشاء اگر بیند که کسی او را صد گندم یا جو غیره داد او را خیر و برکت رسد و عیش
بروی فراخ گردد و لبثوا فی کهفهم ثلثمائة سنین اگر نهصد و بیست بیند و عثمان
بروی ظفر یابد اگر سیصد بیند مرادش بتمام برآید خیر الوویا اربعمایة وخیر الجیوش
اربعة الاف اگر چهارصد بیند بر خصم ظفر یابد چنانکه رسول علیه السلام فرمود
خیر الرویا اربعمایة وخیر الجیوش اربعة الاف یعنی بهترین خواهها چهارصد نیست و بهترین لشکر
چهار هزار اگر عدد پانصد بیند کارش موقوف ماند اگر ششصد بیند بمقصود رسد
اگر هفتصد بیند از کار سخت رهد اگر هشتصد بیند بر دشمن ظفر یابد اگر نهصد بیند دشمن بروی
ظفر یابد اگر عدد هزار بیند بزرگی یابد و دشمن را قهر کند و ان یکن منکم
الف یغلبوا الفین باذن الله اگر دو هزار بیند بد بود اگر سه هزار بیند دلیل قوت
و پروزی بود بثلاثة الاف من الملائکة منزلین اگر چهار هزار بیند و منفعت یابد اگر
پنج هزار بیند مبارک و فرخنده بود اگر شش هزار بیند هم قوت و نصرت و اگر هفت
هزار بیند کشایش کارها بود اگر هشت هزار بود کارش نظام بود اگر نه هزار بود بر دشمن
غلبه کند اگر ده هزار بیند خوب است و بیست هزار درمیان است اگر سی هزار بیند ظفر دو بود
اگر چهل هزار بود نصرت و ظفر یابد اگر پنجاه هزار بیند درمانده شود زیرا مقداره
خمسین الف سنة اگر شصت هزار بیند خرم و شاد مانه شود اگر
هفتاد هزار بیند دشمن بروی ظفر یابد اگر هشتاد هزار بیند کارها بروی فروبسته شود

بکرد و اکر بود هزار بیند نصرت دشمن را بود و اکر صد هزار بود همه مقصود وی
بر آید و بر دشمن ظفر یابد و آدم سلمناه الی ما بتالف او بونید ون عدس معبران را
خلاف است ابن سیرین گوید خوردن عدس در خواب نیکست و او در خواب نیک است از آنکه
ابراهیم خلیل الله صلوات الله الرحمن علیه او را دوست داشتی کرمانی گوید خوردن
او در خواب بد است زیرا که قوم موسی را از من و سلوی ملال گرفت از خدای تعالی
عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی گوید دیدن عدس در خواب مال بود که از آن تاوان برو رسد
به غصه و درد دل ابن سیرین گوید در شهر یا در دیار کافران اگر عراده می انداختند
دلیل که آن قوم کافران را دشمن دارند اگر بیند که از شهر از عراده مسلمانان
عراده می انداخت در دین مسلمانان سخنهای ناخوش گوید و ناهموار یا اهل اسلام
او را دعای بد کنند اگر بیند که سنگ عراده بجای می انداخت اهل آن موضع را غیبت
یا دشنام دهند عرش ابن سیرین گوید عرش در خواب امیر بزرگوار بود و مال خواسته
بسیار اگر عرش را آراسته بیند با بزرگان صحبت کند و عزت و فرج یابد اگر عرش را
بگونه گون آراسته بیند وی را با مهتران پادشاه صحبت افتد کارش بلند شود اگر
عرش را حقیر و خوار بیند پیش مردم خوار شود اگر خود را بر عرش نشسته بیند با بزرگان
پیوندد و از او جاه و حرمت یابد اگر بیند که از عرش بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود
جعفر صادق گوید عرش در خواب بر پنج وجه بود اول صاحب بزرگ دوم رتبت سوم
مرتبت چهارم عمر پنجم بزرگی و دراز عمر سرو باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که درخت
عرعر داشت با مردی اهل و نجیب او را صحبت افتد و درخت عرعر تباه دلیل
مردن بخشی که خیر کمتر کند عرق ابن سیرین گوید اگر بیند که از تن وی عرق
او روان

تو وانگری بقدر عرق ویرا زیان افتد خاصه بر زمین چکد اگر بیند که جامه او از عرق
تر شد بقدر آن مال بعیال دهد اگر بیند که عرق خود خورد مال خود خورد اگر بیند که عرق
وی سفید بود بوی خوش داشت مالش حلال بود اگر بخلاف این بیند مالش حرام بود
کرمانی گوید عرق کردن در خواب حاجت روا شدن اگر بیند که عرق میکرد حاجتش روا
شود اگر بیمار بیند بخواب که عرق میکرد شفا یابد عروس کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که
عروس خواست ولیکن او را ندانند و نامش ندانست و نشناخت دلیل که زود بمیرد
یا کشته شود اگر بیند که عروس بخانه آورد و با وی بخفت بر آنکه یابد و ملک حاصل کند
کرمانی گوید عروس خیر در بخانه خویش و باز باشد اندوه و مصیبت بود معبری گوید اگر زنی
بیند که عروس شد و او را نزد شوهر می بردند عمرش به آخر آید زن اگر بیند که شوهر با او
نزدیکی کرد خیر و منفعت یابد عزل ابن سیرین گوید اگر بیند که مرد مجهول او را از کار معزول
کرد خوار و بی حرمتی یابد اگر مرد معروف بود نقصان و هم روز بود اگر جوانی بیند
تاویلش بخواب این بود کرمانی گوید اگر بیند که بزرگی او را از کار معزول گردانید ضعف دین
ور بود توبه باید کرد عشق ابن سیرین گوید اگر بیند که عشقش ملکیست و آن عشق مردم مصلح
بودند او را خیر و منفعت رسد اگر بخلاف این بیند مضرت یابد اگر بیند که عشق جامه ور
بر کنند و بر بدان برد از مردم بد خواهد و بی حرمتی یابد اگر بیند که از عشق بگریخت دشمن او را
او را گرفتن رنجی نو برسد عصار کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که عصاری کرد کاری کند
که او را تیمار کنند و نام وی به نیکی منتشر گردد عصا ابن سیرین گوید عصا در خواب مردی
بود اگر بیند که عصا در دست داشت از بزرگان قدر و جاه یابد اگر بیند که عصا ضایع
شد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بر عصا تکیه کرد آنچه جوید بیشتر یابد اگر تمام بود
اگر بیند که عصا در دست وی دراز شد مراد برسد اگر کوتاه شد مراد نیابد اگر بیند که عصا خود
بدل کرد بیم هلاک بود اگر بیند که عصا با وی سخن گفت او را فرزندی آید که از و منفعت یابد

جعفر صادق گوید دیدن عصیده در خواب بر سه وجه بود اول مردم را بزرگوار گرداند دوم شادی سوم
قوت عصیده نوعی از حلواها بود نیکوتر آن بود که زعفران در وی بود و دیدن عصیده در
خواب مال بود که بدست رنج آید ابن سیرین گوید که لقمه عصیده در دهان نهاد سخن خوش شنود اگر
بیند که بسیار خورد مال بخصومت حاصل کند عطا ابن سیرین گوید اگر بیند که چیزی او را
عطا دادند معبر را رسد که ای عطا چه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول مرد بود
یا زن آنگاه تعبیر کند اگر عطا نیکو بود و مردم آن را دوست دارند دلیل که نیکویی بیند اگر بد
این بیند بدی رسد و اگر عطا نوعی میوه خشک و خنک و خشوه و در وقت بیند اگر بیند که عطا بستد یا داد
نیک و بد آن بعطا دهنده باز گردد اگر بیند که او را عطا دادند مانند میوه یا جامه یا چیزی بهتر
با بزرگان پیوندد و اگر عطا دهنده جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او غنیمت بیند
ایمان وی در خطر بود اگر جهود یا ترسا بخواب بیند که مسلمانی او را عطا داد دلیل است
بر غنیمت مسلمانان شود کرمانی گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او شکر گفت تاویلش بخلاف
این بود معبری گوید اگر عطا چیزی نیک بود و عطا دهنده مصلح خیر و صلاح دین یابد و اگر
عطا دهنده دون بود و عطا بد تاویل بخلاف این عطر بوی خوش بود ابن سیرین گوید
اگر با خود بوی خوش داشت و او عالم بود مرد را از علم او منفعت بود و اگر توانگر بود از مال
او نفع یابد کرمانی گوید اگر بیند که با خود عطر داشت مردم او را ثنا گویند جعفر صادق گوید
دیدن عطر در خواب بر نه وجه بود اول ثنای نیکو دوم سخن خوش سیوم علم نافع چهارم طلب نیکو
پنجم مجلس علم ششم مرد کریم هفتم سخن با فرهنگ هشتم دین پاک نهم خبر خوش عطار
ابن سیرین گوید اگر بیند که عطار را بنگرد مردم او را ثنا گویند اگر بیند که با عطار دوست
و آشنا شد مردم ثنا او گویند و در جهان نام بردار شود عطسه ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب عطسه
داد و الحمد لله گفت اگر بیمار است او را بطبیب احتیاج افتد و اگر تن درست بیند که

حاجتش روا کند و بر وی منت نهد و اگر بیند که سه بار عطسه داد و آب از بینی روان شد
در حق وی صحیح رشت گوید اگر بیند که چون عطسه زاد جنبنده از بینی او بیرون آمد از
جوهر آن جنبنده او را آنچه آید که بدان حیوان منسوب باشد کرمانی گوید عطسه در خواب مالی بود
که با سختی بدست آید عقیق ابن سیرین گوید کسی عقیق خود را بصورت آدمی بیند چنانکه
گوید کرم عقیق توام و داند که عقیق وی راست اگر بیند ه امیدش او را با فرزندی یا دختر نصیب
افتد و منفعت یابد و پادشاه را از وی او را دوست دارد کرمانی گوید اگر کسی عقیق خود را
بدین صفت که گفته شد بیند بخت او روز بروز بهتر شود و عز و جاه یابد و توانگر شود با مال
گوید عقیق در خواب دولت و بخت بود اگر عقیق و جان خود را بصورت آدمی بیند و
تحقیق داند که ایشان اند و ایشان بگویند که ما جان و عقیق توایم بخت و دولت مساعد
دیار او شود معبری گوید عقیق و جان در خواب مادر و پدر بود اگر زنده باشند و غایب
ایشان را باز بیند و اگر مرده دعا و صدقات از وی بایشان رسد در خبر است
که مردی پیش رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت بخواب دیدم که عقیق و جان
از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بجانب من آمدند و هر سه بشراب خوردن
مشغول شدیم رسول فرمود علیه السلام عقیق قسمت این جهان است و جان قسمت
آن جهانی کارها بر مراد شود و برکت یابی اگر بیند که با عقیق و جان ستیزه و لجاج میکرد یا
بر ایشان منازعت کند جعفر صادق گوید دیدن عقیق و جان بر چهار وجه بود اول بخت
دوم محبت مادر و پدر سوم پادشاه و فرزند چهارم مال و فرزند عقیق ابن سیرین گوید
اگر بیند که عقیق داشت با بزرگی دوستی کند و از وی منفعت یابد اگر بیند که عقیقی از وی
ضائع شد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که خروار عقیق داشت بقدر آن نعمت و مال
یابد معبری گوید اگر بیند که اوانی عقیقی داشت چنانکه از وی شراب خورد وی را فرزندی
آید که همه بزرگ و بزرگ شود علک کند و بود ابن سیرین گوید اگر بیند که علک می خاید

مال بخصومت باید معبر گوید اگر بیند که علمی بر آتش نهاد و بعد از آن نقصان مال بود و علم
در خواب مردی بود که عالم یا دانا یا زاهد یا توانگر سخی باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که علم
داشت بدان مردم که تعبیر کردیم با کسی آشنا شود و منفعت یابد اگر علم مفقود
یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید علم در خواب مغز بود و اگر بیند که پادشاه علم
بدو داد با لشکر جمع شود جاه و بزرگی یابد جابر مغربی گوید که علم سفید بود یا سبز باشد معبر
گوید اگر بیند که علمی سفید بزرگ داشت با مردی توانگر صالح صحبت کند و از وی منفعت
یابد اگر بیند که علم سبز داشت آن مرد زاهد و عالم بود و اگر بیند که علم سیاه داشت آن مرد قاضی
یا خطیب بود جعفر صادق گوید علم در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری بزرگ دوم معبر
سوم سفر چهارم نیکی احوال عمارت ابن سیرین گوید اگر بیند که عمارت مسجد یا مدرسه یا خانقاه
میکرد صلاح دین بود و ثواب آخرت و مراد آن جهانی یابد اگر بیند که از نو خراب
را عمارت کرد چون خانه و دوکان و مانند آن خیر و فایده این جهانی یابد اگر بیند که جای
معروف بفساد خراب شد در بلاد مصیبت افتد معبر گوید اگر کسی خود را در جای مفتقم بیند
منفعت یابد بقدر معموری مقام و اگر این را بخلاف بیند زیان وی بود جعفر صادق گوید دیدن
عمارت در خواب بر چهار وجه بود اول صلاح کار این جهانی دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم
کشایش کارها رتبه عمارت ابن سیرین گوید اگر بیند که در عمارت نشسته بود و عمارت بر آب یا بالای ستبر
بود و میرفت بزرگی و مرتبت یابد اگر بیند که از عمارت بفساد تاویلش بخلاف این بود معبر
گوید اگر کسی او را در عمارت بند یا بزرگی بود و حالتش را زیادت شود جعفر صادق گوید
دیدن عمارت در خواب بر هفت وجه بود اول بزرگی دوم ظفر سوم مرتبت چهارم راحت پنجم رفعت
ششم ولایت هفتم یا بهتری ... عمود ابن سیرین گوید عمود در خواب مردی درست و راست بود
و بعضی گویند سخن سخت باشد اگر بیند که عمود بر کسی زد سخنی سخت با وی گوید اگر عمود آهنی بیند از
پادشاه قوت یابد اگر عمود ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن عمود

دراز

در خواب بر سه وجه بود اول مردی راست و درست دوم سخنهای نیکو سیوم مهتری بزرگی
عناب خشک گر کانی باشند و در خواب بتاویل مال بود ابن سیرین گوید اگر بیند که عناب
یکی داد از و فایده بدان کس رسد اگر بیند که عناب داشت و خورد بقدر آن مال
یابد مغربی گوید اگر بیند که از درخت عناب جمع کرد آن مال بنج حاصل کند عنبر ابن سیرین
گوید اگر بیند که عنبر داشت بقدر آن منفعت یابد اگر بیند که عنبر بکسی داد از و بدان کس منفعت
رسد اگر بیند که عنبر ضایع کرد زیان مال بود اگر بیند که عنبر بر عارض کسی مالید بجای کسی دل
نیکی کند جعفر صادق گوید دیدن عنبر در خواب بر چهار وجه بود اول منفعت دوم ولایت
سیوم کامرانی چهارم ثنا و نیکو عنقا زدن نوعی از نواها بود چون چنگ ابن سیرین گوید
اگر بیند که عنقا میزد دیدن باطل و سخن محال رضا دهد اگر بیند که عنقا بشکست از دروغ
توبه کند اگر بیمار بیند که عنقا میزد بمیرد عنکبوت ابن سیرین گوید اگر بیند که عنکبوت
داشت بخواب مردی ضعیف گمراه است اگر بیند اگر عنکبوت بگرفت بر دشمنان ظفر
کرمانی گوید عنکبوت مردی جولاهه بود اگر بیند که عنکبوت او را بگزید از جنس مردی جدا
شود عود ابن سیرین گوید عود در خواب مردی خوب روی لطیف باشد اگر بیند که عود
زیر خود دود کرد از مردم راحت یابد اگر بیند که زیر کسی عود سوخت از وی خیر
کرمانی گوید اگر بیند که عود خام داشت از پادشاه عطا یابد هر چند بوی خوشتر عطا
بیشتر جعفر صادق گوید دیدن عود در خواب بر چهار وجه بود اول مردی خوب روی
خوش سخن دوم پادشاه ماری سیوم ثنا و آفرین چهارم مال و منفعت عود سوز
ابن سیرین گوید عود سوز در خواب کنیزک یا غلام بزرگ بود اگر عود سوز از سفید
روی بیند غلام یا کنیزک از اهل ترسا بود و از مس جهود بود و از آهن از ...
کبیر بود اگر عود سوز شکست غلام یا کنیزک هلاک شود عورت ابن سیرین گوید
اگر بیند که عورتش ظاهر شد و مردم میدیدند ستر او ظاهر شود اگر بیند که عورت پوشیده

دیدستر پوشیده کرده و بعضی گویند اگر عورتش پوشیده بود در روز پوشیده و کسی بدید
اگر بیمار بود شفا یابد اگر وام دار بود گزارده شود و اگر ترسی دارد ایمن گردد
و علما گویند اگر بیند که عورتش برهنه بود اما پیدا بود و شرم زده شود از حال بد بحال
نیک آید اگر بیند که بقصد عورت خود برهنه کرد کاری کند که بدان مستوجب عقوبت گردد
یا آفتی بوی رسد عید ابن سیرین گوید اگر بیند که عید قربان بود او را با مردی غافل کار افتد
اگر بیند که عید فطر بود او را با زاهدی صحبت افتد و فایده دینی یابد کرمانی گوید اگر بیند
که عید بود و مردم آراسته از شهر بیرون می آمدند اگر زندانی بود خلاصی یابد اگر اهل شرف
بود شرفش زیادت شود و از گناهان توبت کند اگر وقت عید بود با مردی عاقل معاملت
کند و مراد کس برآید اگر عید نباشد با مرد جوانی معاملت کند و کارش بنتیجه برآید
بجواب بیند کامکاری یابد از آنکه این آیت روز عاشورا آمد الیوم اکملت
لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی اگر در خواب سر ابینده سال و ماه و او را
بروز مبارک و برزور بود والحمد لله رب العالمین حرف الغین من کتاب الکامل فی التعبیر
غار ابن سیرین گوید اگر بیند که در غار رفت و آنجا مقیم شد از دنیا برود اگر بیند که در شد
و بیرون آمد از کار سخت گرفتار شود معبری گوید اگر بیند که در غار شد و آن غار او را خوش
بود او را به زندان کنند اگر بیند که غار کوچک بود و تنگ و محبوس تنگ او را شود اگر
بیند که غار تاریک بود هلاک شود غارت ابن سیرین گوید اگر بیند که مال وی غارت
کردند غم و اندوه یابد و زیان معبری گوید اگر بیند که لشکر اسلام غارت کردند اندوه
با سلام رسد جعفر صادق گوید دیدن غارت بر چهار وجه بود اول جنگ دوم زیانی
سیوم غم و اندوه چهارم تهمت ارزن غالیه ابن سیرین گوید غالیه در خواب ثنا و
نام او را باشد اگر بیند که غالیه داد یا مالید آنکس از وی ادب و فرهنگ آموزد کرمانی
گوید غالیه نشان رنج بود و معبران گویند مالی بود که از مهتری بدو رسد اگر بیند که غالیه

دامن ارزانی

داشت از زنی بود یا از مردی یا از کان منفعت یابد اگر بیند که غالیه بر کسی مالید آن کس
او را ثنا گوید جعفر صادق گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود اول ادب دوم فرهنگ
ثنا و آفرین سیوم حج اسلام چهارم مال خواسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین گوید
اگر بیند که غایبی از سفر نزدیک وی آمد که خبر از وی نرسد اگر بیند که از خانهٔ خویش غایب شد
خبر نیکش ... می رسد معبر گوید اگر بیند که غایبش از غربت باید کار بسته بود گشاده
بشود اگر بیند که غایبش برش او بود و مفلس تاویل بخلاف این بود اگر بیند که غایبش
از سفر سوار باز آید غایب زود با مال و نعمت باز آید اگر غایب را برهنه و پیاده بیند در
راهش قطع افتد و مفلس باز آید غبار ابن سیرین گوید اگر بیند که غبار بر سر نشست که
ملک او بود بقدر آن مال حاصل کند معبر گوید اگر بیند که روز او غبار بود در آنجا یا
عقوبتی رسد قوله تعالی یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة اگر غبار بر زمین ملک
خود بیند دلیل که وی را بقدر غبار مال حاصل شود غربال ابن سیرین گوید غربال در خواب
خادم بود و ممیز و ظریف اگر بیند که غربال داشت او را خادمی بدین صفت حاصل شود اگر
بیند که غربال ضایع شد خادم از وی جدا شود کرمانی گوید اگر بیند که غله و غیر آن بغربال
پاک میکرد کاری کند که مردم را راحت بود و او را مضرت اگر بیند که بر سه وجه بود
یکی خادم دوم یار مهربان سیوم شاگرد زیرک غرق شدن ابن سیرین گوید اگر بیند که در دریا
غرق شد و بمرد وی را هلاک کنند اگر بیند که آب او را فرو برد و باز بالا آمد از
دنیا دست بدارد و راه آخرت جوید معبر گوید اگر بیند که چهار پای یا ملکی از آن او
غرق شد در کار دین فرو ماند و عاقبت رهایی یابد جعفر صادق گوید غرق شدن در
خواب بر چهار وجه بود اول مال بسیار دوم اقبال در کارها سیوم صحبت با مردم
غالب بد مذهب چهارم منفعت غزا کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که در سبیل

خدای تعالی غزا کرد و کار وی نیکو گردد و دینی شمار یابد قوله تعالی ومن یهاجر فی سبیل الله
یجد فی الارض مراغما کثیرا وسعة اگر بیند که از غزا ادای
بکرد و باید از حوزت شفقت باز گردد وفضل المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما
کرمانی گوید اگر بیند که بغزا رفت فضل و روزی یابد هل عسیتم ان تولیتم ان
تفسدوا فی الارض وتقطعوا اگر بیند که بروم آن دیار بغزا بیرون رفتند
غزو جاه یابد و دشمن را قهر کند مغربی گوید اگر بیند که تنها با کافران جنگ کرد و بر دشمنان
ظفر یابد و روزی حلال بدو رسد اگر بیند که کافر بر وی چیره شد در طلب روزی مشقت بیند
اگر بیند که کافران در غزا وی را کشتند عمرش دراز بود و روزی حلال یابد قوله تعالی ولا
تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند
ربهم یرزقون فرحین بما اتاهم الله من فضله جعفر صادق گوید غزا
در خواب بر شش وجه بود اول خیر و برکت دوم سنت رسول علیه السلم گزاردن
سیوم ظفر بر دشمن چهارم شفا از بیماری پنجم طاعت داشتن پادشاه ششم غنیمت یافتن غسل
کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که در آب رودخانه یا دریا غسل کرد دلیل بر پیش کاری
و دیانت او کند اگر بیند که در آب دریا و رود غسل کرد غمش زایل گردد اگر بیمار
بیند شفا یابد و اگر وام دار بیند وامش گزارده شود اگر زندانی بیند خلاص یابد اگر بیند
که با آب گرم و اشنان بشست اگر دوستی دارد جدایی افتد اگر با آب غسل کرد و بعد ازان
دست و روی بشست و نیکی یابد اگر بیند که خود را از جنابت تمام بشست و شغلی تمام گردد
مغربی گوید غسل کردن از جنابت دلیل بر پاکی آن در وقع و بعد از زیادت و نقصان که از
شستن وی جنابت پدید آید دلیل بر دین و ورع کند غسل ابن سیرین گوید دیدن غسل
در خواب کفر بود و میان تاجی اگر بیند که غسل در گردن داشت کافر بین و مسلمانی پدید آید
گوید کرمانی گوید اگر غسل بر دست داشت بخیل بود وقالت الیهود

مغلولة

بما ولوا

۱۰۲۵

یدالله مغلولة غلت ایدیهم ولعنوا بقول ابن عباس مقصود از غل بخل است و معنی آن گوید
چون مو صاحب غل بکردن ببیند از کار خیر دست بدارد علاقه ابن سیرین گوید علاقه
در خواب زن بود اگر ببیند که از شمشیر از علاقه بریدن گسسته شد زن بیرون آید و علاقه
کار و بهانه و دنیا غلام ابن سیرین گوید اگر ببیند که غلام شده بود از کار سخت
رنجور شود کرمانی گوید دیدن غلام در خواب بشارت بود چنانکه حق تعالی فرمود و بشرناه
بغلام حلیم و جای دیگر فرمود یا بشرای هذا غلام جعفر صادق گوید اگر ببیند
که غلام یا کنیزک می فروخت در خواب نیک بود و اگر خرید بد بود و اگر بها غلام و کنیزک
زر ستاند بد باشد و اگر اجناس ستاند نیک بود غلبه کردن ابن سیرین گوید اگر ببیند
که بر خصم غلبه کرد و چیره شد بر دشمنی غالب شود و اگر چیره شد و ستم برو ظفر یابد غم
ابن سیرین گوید غم در خواب فرح و خرمی بود و اگر غمگین شد از غم فرج یابد و مراد رسد
اگر ببیند که از غم رسته شود تاویلش بخلاف این بود غنیمت ابن سیرین گوید غنیمت
یافتن در خواب خبر ارباب کافران بود و نرخها گران گردد و اگر ببیند که لشکر مسلمانان
از دیار کافر غنیمت آورد آنجا که غنیمت آورند نعمت ارزان گردد و فراخ بود اگر ببیند
که کفار از دیار اسلام غنائم آورند نعمت گران شود غواص آن کس بود که به دریا
فرو رود و از بهر جواهر ابن سیرین گوید اگر ببیند که به دریا فرو شد و مروارید برآورد تعبیر آن
علم و دانش حاصل کند یا مال سلطان بدو رسد اگر ببیند که به دریا فرو شد و هیچ
بر نیاورد بعلم آموختن مشغول و فایده نیابد اگر ببیند که گوهر از دریا برآورد عالم و
دانا شود و از پادشاه مال یابد غوزه ابن سیرین گوید اگر ببیند که غوزه میخورد اندوهناک
شود اگر ببیند که غوزه بعد رخت میخورد غم کمتر بود و غوزه بگوشت پخته بهتر بود
غوک و زغ بود در حرف واو گفته شود حرف الفاء من کتاب الکامل التعبیر

فاخته ابن سیرین گوید فاخته در خواب زنی بود ناقص دین بد مهر که زنکانی نکند اگر بیند
که فاخته داشت زنی بدین نشان بخواهد اگر بیند که بچه فاخته بگرفت فرزند آورد
اگر بیند که از گوشت فاخته خورد نفعی از آن مال نستاند کرمانی گوید اگر بیند که فاخته بر
بام وی بانگ کرد خبر غایب شنود اگر بیند که فاخته در خانه او از باغ درشد دزد در آنجا
رود و کالای او ببرد جعفر صادق گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود اول زن
دوم فرزند سیوم خادم فال گرفتن ابن سیرین گوید اگر بیند که فال همی گرفت و فالش نیکو
آمد بر دشمن ظفر یابد اگر فالش میانه بود دشمن بر وی ظفر یابد اگر بیند که فال گیری میکرد چیز بیند
بسیار خورد جعفر صادق گوید فال گرفتن در خواب بر سه وجه بود اول ظفر بر دشمن دوم مراد سیوم روا شدن
حاجات فالوده ابن سیرین گوید اگر بیند که لقمه فالوده در دهان نهاده سخن خوش گوید اگر بیند که
در دهان کسی دیگر نهاد از بهر وی کاری کند جعفر صادق گوید دیدن فالوده در خواب بر چهار وجه
بود اول سخن خوش دوم مال بی رنج سیوم منفعت چهارم کاری که بدشواری برآید فتنه ابن سیرین گوید
اگر بیند که در جایی فتنه پدید آمد در آنجا فسق و فساد درشود اگر بیند که فتنه از جایی زایل شد اهل
آن دیار بجای نقصان باز گردند کرمانی گوید اگر درجی چیز در موضع بیند در آن موضع فتنه افتد اول تاریکی
دوم آتش سیوم باد سرد چهارم آب گرم پنجم سیاهی آفتاب و ماهتاب ششم غبار هفتم باران
بیوقت هشتم بر کندن درختان نهم آتش شمع یا سیاه دهم پوشیدن جامهای زرد و سرخ فراخ
ابن سیرین گوید اگر بیند که از تنگی بفراخی آمد کار بسته بر وی گشاده شود و از غم برهد مغربی گوید
اگر بیند که خانه یا دکان بر وی فراخ گشت بر وی عیال روزی فراخ شود اگر بیند که مقام بر وی
تنگ شد معیشت بر وی تنگ شود اگر بیند که خانه بر وی تنگ شده بود بعد از آن فراخ گشت راه دین
و شریعت بر وی مستقیم گردد دعا نجاح فراخ شدن چیزها تنگ در خواب دلیل بر کشایش بود
فراکش ابن سیرین گوید فراکش در خواب دلاله بود که از بهر کسی زن خواهد اگر بیند که فراکشی
میکرد از بهر خود یا از بهر کسی زن خواهد فرخ ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را فرخ بود

[illegible]

۱۰۲۶

حیض فرج زنان بدل و حوائج بیچاره گردد اگر بیند که کسی با وی مجامعت کرد حاجتش از وی روا گردد
اگر دو زن بیند که زنان را یکی فرج است هر دو زن یک مرد باشند کرمانی گوید اگر زنی بیند
که فرج وی از آهن بود یاس از یافتن مراد نومید گردد اگر مرد بیند که فرج او از سنگ بود آن
مرد نوطی باشد اگر زن فرج خود را بریده بیند و بسیار بیرون ظفر یابد اگر زنی بیند که از فرج او
ماهی بیرون آمد دختری پاکیزه بر آید اگر بیند که از فرج وی گربه بیرون آمد فرزندی آید دزد زاده آن
اگر ماری بیرون آمد فرزندی آید دشمن وی گردد اگر کژدم بیند همین تاویل دارد اگر بیند که کرم یا مور بیرون آمد
اولاد فرزند دون همت باشد اگر بیند که از فرجش نان بیرون آمد مفلس شود اگر بیند که گنجد بیرون آمد او را اولاد بسیار
دارد اگر بیند که خون بیرون آمد شوهرش در حال حیض با وی مجامعت کند اگر کرم بیرون آمد او را فرزندی
معلول آید اگر بیند که از فرج او آب صافی بیرون آمد او را فرزندی مصلح پارسا آید اگر آب تیره بیند
بخلاف این بود اگر از فرج وی آتش بیرون آید فرزند او ملک جهان بگیرد اگر بیند که کسی فرجش دید
از آن کس منفعت یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر فرج وی موی بر آمده بود نسبت فرزند [illegible]
اندک [illegible] بود اگر موی نبود فرزند او شاد شود اگر بیند که فرجش [illegible] بود مال یابد اگر زنی بیند که بجای فرجش
قضیب بود اگر آبستن بود پسر زاید و نماند و اگر آبستن نبود پس بمیرد اگر بیند که از فرجش گوهر یا
مروارید بیرون آمد فرزند عالم و دانا بود فرجی اگر بیند که فرجی فراخ پاکیزه داشت از غمها فرج یابد
و اگر فرجش تنگ و چرکین بود تاویل بخلاف این بود کرمانی گوید فرجی دیبا کسانی را که دیبا پوشند
نیک باشد و مردم پارسا را بد بود و دیبای رنگین بهتر از الوان باشد و فرجی برد جرد منفعت بود
و فرجی یمنی دیگر پاسی قوت دین بود مغربی گوید اگر مردی بیند که فرجی زنان پوشیده بود او را
ملامت رسد اگر بیند که دران فرجی مجامعت کرد حاجتش روا شود و از آن کسی که با وی مجامعت
کرد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که فرجی نو فراخ پوشیده بود دین دارد پارسا بود اگر فرجی
نشیح بود دلیل لهو و طرب بود اگر فرجی زرد بود دلیل بیماری بود اگر فرجی سیاه داشت مصیبت بود
و در بیداری داشته بود خیر و نیکی بود والا اندوه و مضرت بود اگر فرجی کبود داشت اندوه و [illegible]

فرزند ابن سیرین گوید اگر بیند که ویرا دختری آمد خرمی رسد مت باید و از اهل دولت شود اگر بیند که ویرا
پسری آمد غمگین شود کرمانی گوید اگر بیند که او را پسری آمد دختری آید و اگر دختری آمد پسری آید مغربی
گوید اگر بیند که فرزندی داشت و کسی از وی بستند بیمار شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که فرزندی
طفل در چاهی افکند یافت از جایی که امید ندارد بدانجا برسد فرعون ابن سیرین گوید
اگر بیند که فرعون شد ما تقدم یا پادشاهی ستمگر در شهر آید و مقام کند و سیرت فرعون در آن دیار ظاهر
شود مغربی گوید اگر بیند که فرعون عطا بدو داد بقدر آن از پادشاهی بزرگی یابد فرمودن
اگر بیند که او را فرمودند خیر و نیک سر انجام کسی موشتکی مانند اگر بیند که کسی نادی گفت
دیگ بگردان تا نسوزد کار کند رغبت اگر کاری فرمود که نان بستی یعنی برادران را نگهدار اگر
بیند که گویند میان در بند یعنی فایده از تن برگیر اگر بیند که فرمودند توقف کن یعنی بر دشمن ظفر
خواهی یافت اگر بیند که کسی گفت با تش گرم باش یعنی مال خود نگاهدار از دشمن نشو اگر گویند
چراغ برافروز یعنی مال بنهر نه کن اگر بیند که ویرا گویند بستر بگستر یعنی زن خواه اگر بیند که
گویند تخم نکار یعنی با خلق نیکی کن اگر گویند که غسل کن یعنی توبه کن اگر بیند که کسی گفت خبر بخور
یعنی لقمه حرام خور فروختن ابن سیرین گوید هر چه در راه دین عزیزتر بود فروختن بد بود در خواب
چنانک اگر بیند که مصحف قرآن بفروخت مسلمانی به چیزی بفروخت کرمانی گوید اگر بیند که بنده
خود را بفروخت بدنام شود مغربی گوید اگر بیند که چیزی بفروخت مسلمانی بروی حقیر بود کرمانی
گوید اگر بیند که بنده خود را بفروخت آن خبر خوار شود فزونی ابن سیرین گوید فزونی در خواب
که در آن چیز صلاح بود نیک باشد و چیزی که نشره وف دبود بد باشد کرمانی گوید افزونی در
چیزهای تن را زیان ندارد نیک باشد هر چند در تن بیند مال و نعمت بیشتر یابد اگر از آن فزونی
تن را مضرت رسد نقصان مال بود و بیمار شود فستق ابن سیرین گوید فستق در خواب مال و نعمت
بود اگر بیند که مغز فستق داشت بقدر آن مال حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که فستق داشت

ازمردر لحل

از مردی بخیل منفعت یابد مغربی همی گوید فقاع ابن سیرین گوید خوردن فقاع در خواب منفعت باشد
از خادمی اگر بیند فقاع خورد از خادم مال و نعمت یابد اگر فقاع بکسی داد مال بود و اگر
بیند که کوزه فقاع بریخت زیان بیند کرمانی گوید اگر بیند که فقاع خورد خدمت مردم سفله کند
اگر بیند که فقاع شیرین خورد و از آن مزد منفعت یابد اگر ترش خورد حضرت جعفر صادق
گوید دیدن فقاع در خواب بر چهار وجه بود اول منفعت دوم بوریا و ادن سیوم خدمت کردن
چهارم مردم سفله فقیه ابن سیرین گوید اگر خواب بیند که فاضل یا فقیه شد ببلای گرفتار
شود اگر عالم بود شرف و بزرگی یابد و در آن دیار نامش نیکو بر آید مغربی گوید اگر عامی
خود را فقیه بیند عوان شود اگر عالم بود قاضی گردد فلاخن ابن سیرین گوید اگر بیند که
فلاخن بکسی انداخت بد آن کس نفرین کند اگر بیند که فلاخن بدو رسید و اندامش خسته گرد
آن نفرین بر آنکس کارگر کند مغربی گوید فلاخن در خواب سخن ناخوش و اندوه بود فلوس
ابن سیرین گوید دیدن فلوس در خواب جنگ و گفتگوی بود اگر بیند که فلوس داشت با کسی
خصومت کند اگر فلوس بسیار بود بغمی سخت گرفتار شود اگر بیند که فلوس ها از خانه بیرون ریخت
از غم رسته گردد مغربی گوید فلوس در خواب مفلسی بود فندق ابن سیرین گوید مغز فندق
در خواب مال بود اگر فندق داشت از مردی بخیل منفعت یابد اگر بخرد و فندق داشت
او را با کسی داوری بود کرمانی گوید مغز فندق شیرین مال حلال بود فنک ابن سیرین گوید
فنک در خواب مردی غریب توانگر بود و پوست و موی و استخوان وی مال خواسته بود و گوشت
وی مال مردی غریب اگر بیند که فنک مطیع شود منفعت یابد اگر بیند که با فنک جنگ
میکرد او را با مردی غریب توانگر خصومت افتد اگر بیند که فنک را بکشت و پوست بکند
و گوشت او بخورد مال مردی غریب تلف کند اگر بیند که فنک را بچه کرد و خون از وی روان
دوشیزگی دختر غریب ببرد اگر بیند که فنک بسیار نزد وی جمع شد و از آن بگریزند بدند بمیان
غریبان افتد و از آن زحمت بیند و اگر گزند دید مضرت یابد قوقنس ابن سیرین گوید

اگر بیند که او را فواق هست منفعت یابد کرمانی گوید اگر بیند که بوقت آب خوردن وی را
فواق پدید آمد بیمار گردد اگر بیند فواق بیابانی مر آمد بحجتی بر کسی خشم گیرد اگر بیند که با فواق
قی کرد و هر چه در شکم داشت بر آورد اجلش نزدیک بود قوزه پنبه خشک باشد که قوزه کاری
بکار بود و خوردن وی در خواب غم و رنج و بیماری بود کرمانی گوید اگر بیند که قوزه خورد بسبب
متفکر شود و قوزه در خواب جنگ و خصومت بود با خویشان جعفر صادق گوید دیدن قوزه
در خواب بر پنج وجه بود اول بیماری دوم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نعمت پنجم بار بسیار کار
با اهل و عیال فوطه ابن سیرین گوید جامه فوطه در خواب فراغ و آسایش بود و اگر بیند که جامه
و فوطه از پنبه پوشیده بود راحت و آسانی دین و دولت بود و اگر کهنه بود تاویلش بخلاف
این بود کرمانی گوید فوطه لباس مردم صالح هست اگر بیند که فوطه پوشیده بود مستور بود و
نیکی یابد و اگر بیند مفسد بود توبه یابد کرد مغربی گوید اگر بیند که جامه فوطه پادشاه عالم اگر
بیند عادل گردد و اگر قاضی بیند حکم راستی کند و اگر مشرک بیند مسلمان شود و اگر فاسق بیند
تائب گردد و اگر دزد بیند ترک دزدی کند والله اعلم بالصواب درویش [illegible] گردد و ارتشی [illegible]

حرف القاف من کتاب الکامل فی التعبیر قاضی ابن سیرین گوید اگر بیند
که قاضی شد و اهل آن نباشد ببلایی گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بیند که اهل علم
بود قاضی گردد کرمانی گوید اگر یک قاضی معروف بخواب بیند بمنزلت علمای و بزرگان دین بزرگ [illegible]
و اگر قاضی مجهول بیند حکم خدای عزوجل بود و هر حکم که رفته باشد آن بود والله اعلم
بصواب مغربی گوید اگر بیند که قاضی بروی حکم کرد به بیداری همان بیند اگر بیند که قاضی بر او
در دست داشت و میان خلق براستی حکم میکرد و در وی بنظر لطف نگاه کرد از جهت
و اگر بخشم در وی نگاه کرد اندوه یابد قافله ابن سیرین گوید اگر بیند که با قافله در راه بود و اهل
قافله مفسد بودند بر جنگی افتد و اگر اهل قافله مصلح بودند او سوار بود مال و نعمت یابد اگر
پیاده و بی رخت بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که با قافله ستور خانه

بی [illegible]

می آید کار بسته بر وی گشاده شود اگر بخلاف این بیند بسته گردد و از خوف ایمن شود
قالب ابن سیرین گوید اگر بیند که قالب کفش و موزه داشت خادم یا کنیزک یا زن بود
که کارها او راست دارد اگر بیند که قالب بشکست خادم هلاک گردد اگر قالب ضایع
شد خادم از وی جدا شود معبران گویند اگر بیند که قالب بسیار داشت از خادمان منفعت
یابد خاصه موزه دوز یا کفشگر بود قالی ابن سیرین گوید اگر بیند که قالی از بهر او گسترده بود
و دانست که ملک اوست عمر دراز یابد و روزی فراخ اگر بیند که بر قالی نشسته بود فراخ
و ندانست که مقام و جای کیست حالش متغیر شود و در سفر بمیرد کرمانی گوید اگر بر قالی
کوچک نشسته بود عمرش کوتاه بود و روزی تنگ بود اگر بیند که قالی وی کوتاه بود و فراخ
روزی فراخ بود و عمر کوتاه معبران گویند اگر بیند که قالی در نوشته بود و بر دوش داشت از جای
و بجای نقل کند و عمرش اندک بود اگر بیند که بر قالی کوچک نشسته بود در زیر وی
فراخ شد عیش و روزی بر وی فراخ شود اگر بخلاف این بود تنگ روزی بود اگر بیند که قالی
در نوشت و در کنج خانه نهاد بدست خود اقبال خود تباه کند اگر بیند که قالی بر پشت نهاد
و می کهنه کار بود اگر بیند که قالی در نوشت و بکسی داد عمرش دراز بود دانیال گوید
اگر قالی کهنه بیند عیش بر وی دشوار شود اگر بیند که قالی سبز پاکیزه داشت جمعیت دین
و دنیا یابد اگر بیند که در خانه کسان قالی گسترده بود خداوند خانه را اقبال بود اگر بیند که
در خانه مجهول قالی گسترده بود سفر با منفعت کند قبا ابن سیرین گوید اگر بیند که قبای بر تن
فراخ داشت از غمها فرج یابد اگر بیند که قبای حریر پوشیده بود از بزرگان منزلت یابد اما در دین مکروه
بود و مردان را اگر در حرب که با سلاح کوشد کرمانی گوید اگر بیند که قبا پوشیده بود و بحرب
میرفت بر دشمن ظفر یابد اگر قبای سبز بر خود بیند روشنایی یابد اگر زرد بود بیمار بود اگر سرخ
بیند منفعت یابد اگر کبود بیند مصیبت یابد و اگر سیاه بیند غم و اندوه یابد اگر ملون بیند
کارش نظام گیرد و اگر قبای کهنه بیند کارش تباه شود و زن را طلاق دهد معبری گوید

اگر بیند که قبای عنابی داشت ملامت یابد اگر بیند که قبای پوستین داشت ازان توانگر خواهد
و منفعت یابد اگر قبا از پوست روباه بود زنی بیمارساز ترتیب کند اگر پوست سمور بیند
همین بود جعفر صادق گوید دیدن قبا در خواب بر شش وجه بود اول پناه دوم
قوت سیوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم رهانیست قباله ابن سیرین گوید اگر بیند
که قباله و خط داشت بقدر آن حکمت حاصل کند اگر بیند که کسی قباله وی بدرید بقدر
حجت وی باطل شود اگر بیند که حاکم قباله بوی داد او را بر ولایتی حاکم کند اگر بیند که قاضی
قباله بوی داد او را بر ولایتی حاکم کند اگر بیند که قاضی قباله داد وی را علم شرع حاصل شود
جعفر صادق گوید دیدن قباله در خواب بر شش وجه بود اول ولایت دوم قوت سیوم حجت
چهارم منفعت پنجم حکمت ششم رهانیست قبان ابن سیرین گوید قبان در خواب مرد حق گزار بود
و کفه قبان در خواب شنوایی و زبانه فرزند بوقت گزاردن حکم مغربی (?) گوید اگر بیند قبانی
داشت وی را با وکیل قاضی صحبت افتد اگر بیند که بقبان چیزی بسخت با وکیل قاضی
خصومت کند قبله ابن سیرین گوید اگر بیند که بسوی مشرق یا مغرب نماز کرد براه رسول
علیه السلام میل ندارد اگر گشته به قبله نماز کرد در ایمان وی خلل بود اگر بیند که قبله
نشناخت در راه دین سرگشته بود اگر بیند که سوی قبله نماز کرد در راه دین صادق
بود قبه گنبد بود در حرف کاف بگویم قدح ابن سیرین گوید اگر بیند که قدحی
پر آب یا جلاب داشت واز آن بخورد زن خواهد یا کنیزک خرد و فرزند مصلح از وی آید
او را اگر آب بریخت و قدح بماند فرزند بمیرد و زن بماند اگر بیند که قدح شکست زن
و فرزند بمیرد اگر بیند که قدح سفید بود و از آن بخورد او را فرزندی آید و از وی بخت بیند
جعفر صادق گوید دیدن قدح در خواب بر سه وجه بود اول زن دوم کنیزک سیوم چیز بکدار
قدید ابن سیرین گوید اگر قدید از گوشت گوسفند بود غنیمت یابد اگر از گوشت سبب (?) بود
غیبت کند اگر از گوشت چهارپایان دشتی بود همین باید و اردو علما اتفاق در خوردن قدید خیر نباشد

قرآن خواندن

قرآن خواندن در خواب دلیل بر خیر است اگر بیند که آیت قرآن از آن رحمت
خواندی بشارت بود از ایزد تعالی پس واجب بود که شکر او گزارد و اگر آیت
عذاب بود تنبیه بر خشم و غضب بود توبه باید کرد تا بخدای تعالی باز گردد و اگر از قصص و امثال
خواند معصیت کند کرمانی گوید اگر بیند که همه قرآن خواند همی از عمرش کند بشنید الله اگر بیند که حافظ قرآن
شد امانت و علم نگهدارد و اگر بیند که آواز قرآن شنید کارش در دین قوی گردد و اگر بیند که قرآن
بروی می خوانند و فهم نمیکرد اندر وی تعفی بوی رسد مغربی گوید اگر جمله قرآن ختم کرد مراد خواهد یافت و
گویند عمر کسی با خشتر سید باشد اگر بیند که قرآن به آواز بلند میخواند کار کسی بلند شود میان
مردم معروف گردد و بنیک محضری اگر پادشاه باشد که کدام آیت میخواند تعبیر آیت تعبیر باید
اسمعیل اشعث گوید اگر از اول اعراف خواند کارش نیکو گردد و اگر بیند که از اعراف تا آخر
خواند میان خلق بنیکوکاری معروف شود اگر از مریم تا آخر خواند پیغمبر پارسایی کند اگر از مزمل
اعوذ برب الناس خواند همه حاجات او بر آید اگر بیند که سی پاره قرآن تمام خواند سال
و ماه بروی مبارک بود اگر بیند هفت پاره خواند از غم و اندوه رسته گردد و اگر کسی قرآن خوان
نبود و بیند که قرآن میخواند اجلش نزدیک باشد قوله تعالی اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم
علیک حسیبا اگر بیند که برهنه بود و قرآن همی خواند هوادار بود اگر بیند که بجای ناپاکیزه قرآن
همی خواند چنانکه در آنجا نه یا بمنبر یا جایگاه رشت همی خواند در اعتقاد دینش خلل باشد جعفر صادق
گوید که قرآن خواندن بخواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی از آفتها و ترس و بیم دوم توانگری بعد از
درویشی سیوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرهیز فرمودن کسی را که دستور بیاشند و قرآن
خواند و قیامت و رحمت باشد و ایشان را عقوبت و عذاب بود چنانچه بر کافران و منافقان
اگر بیند که سوره تمام بخواند تاویل سوره از قرآن خواندن را نجز فریسین در باب سوره تعبیر
قرآن طلب باید کردن که در آنجا حکم تاویل هر سوره را از قرآن جدا گانه بیان کرده ایم قربان
کردن ابن سیرین گوید اگر بیند شتر یا گاو یا گوسفند سفید و بزه غیر آن را قربان همی کرد اگر در بند بود رها شود

رستگاری یابد اگر در رنج و محنت بود از آن فرج یابد اگر بیمار بود شفا یابد اگر درویش بود توانگر شود
اگر از کسی ترس و بیم دارد از شتران پس ایمن گردد اگر وام دار بود وام گزارده شود و از هر چه امید دارد
اگر حج کرده بود خدای بر وی حج گزاردن قسمت کند اگر بیند که قومی لب به قربان کردن نقره بودند از رنج
قحط و چیزی ترسیدند حق تعالی ایشان را از آن ترس و بیم ایمن و راحت پیدا آید اگر در زندان باشند
رها و رستگاری شود اگر در تنگی و قحط باشند حق تعالی ایشان را نعمت و فراخی بدل کند
حاجت انتهی ابن [illegible] عید بیند رحمتش را زود آشکار کند ایمنی و عدل و داد آن قوم رسید
کرمانی گوید اگر بیند که گوشت قربان مردمان همی کرد مردم محتشم در این بمیرد و مال و قسمت کنند
بمیراث خوارگان و اگر بیند که گوشت قربان بدزدید بر خدای عز و جل دروغ گوید جابر
مغربی گوید قربان کردن در خواب بشارت و آنچه را شنیدن برکت بود و قوله تعالی وبشرناه
باسحق نبیا من الصالحین وبارکنا علیه اگر خداوند خواب زن بود و آبستن باشد زاید که مصلح
و بار بود جعفر صادق گوید قربان کردن بخواب بر شش وجه بود ایمنی شدن از بیم و ترس
هم زایل شدن غم و اندوه رستن از آفت و بلاها [illegible] خلف یافتن بر دشمنان [illegible]
روان شدن مراد و حاجتها ششم خیر و برکتها هفتم [illegible] و تنگی قرابه ابن سیرین گوید
قرابه در خواب کنیزک و امینه بود و مال و خواسته بدو باز زند اگر در قرابه آب بیند یا جوب
یا چیزی که خوردن آن حلال باشد کنیزک بر خلال [illegible] بود اگر در قرابه مسکی باشد
یا چیزی که مستی کند آن کنیزک بر حرام خو بود جابر مغربی گوید اگر بیند که قرابه
داشت پاک [illegible] دیگر را کنیزک [illegible] صحبت [illegible] اگر بیند که از قرابه آب حلال
یا چیزی شیرین که خوردن آن حلال باشد همی خورد از آن کنیزک بدو خیر و منفعت
رسد از حلال اگر بیند که از آن قرابه چیزی ترش همی خورد دیگر را از آن کنیزک بدو
اندوه و مضرت رسد اگر بیند که از آن قرابه مسکی یا چیزی که حرام بود همی خورد
و دیگر از آن کنیزک [illegible]

وعلی اسحق

دیگر از آن کنده بر چیزی و شری رسد اگر بیند که آن قفل بشکست یا حالی شد آن
آن کنده برادر وی جدا شود اگر کرک بود اگر بزرگانی قرنفل ابن سیرین گوید قرنفل
دلیل ذکر و شرف و ثنای نیکو بود که اهل آن دیار بر وی ثنا و مدح کنند و ذکرش
در آن دیار به نیکی منتشر گردد اگر از آن قرنفل چیزی بکسی بداد دلیل که تلف گردد باشد
اگر بیند که قرنفل همی خورد دلیل غم و اندوهی و مضرتی رسد قز ابن سیرین گوید
قز ابریشم چون بگونه سپید باشد دلیل بر منفعت اصفهانی بود اگر بگونه زرد باشد رنج
و بیماری بود و دیدن قز و ابریشم پخته باشد بهتر از خام بود اگر بیند که قز یا ابریشم
داشت پخته بقدر آن وی را خیر و منفعت رسد اصفهانی گوید اگر بیند که بگونه زرد باشد
بیماری بود و کرمانی گوید اگر قز یا ابریشم بگونه سپید بود و دانه که ملک او است بقدر
آن وی را خیر و منفعت رسد اگر بگونه سیاه یا کبود بود غم و اندوه بود اگر بیند که او هم
رنگ قز و ابریشم داشت بقدر آن از هر گونه متاع دنیا وی را حاصل شود و الجمله
و علی الحقیقه دیدن قز و ابریشم در دین مردان را مکروه باشد و زنان را حلال باشد
قسط ابن سیرین گوید که قسط داروی بود از عطر یعنی از بوهای خوش ابن سیرین گوید اگر بیند
در خانه خویش قسط دود همی کرد مردم آن دیار مدح و ثنا گفتند و نام و نشان به خیر و نیکی
در جای منتشر گردد اگر بوی آن قسط کنند دنا خوش بود تا دلیل بخلاف این بود
کرمانی گوید جابر مغربی گوید اگر قسط همی خورد غمگین و متفکر شود بلوقی معبران
کفایات گرفتن و قسط را بطعم تلخ بود دلیل منفعت باشد قسمت ابن سیرین گوید
اگر بیند که در میان گروهی چیزی برسم قسمت همی کرد در میان مردم اختلاف افکند و اراده
و میل کند اگر بیند که مال خویش را از اهل خیر و صلاح قسمت همی کرد فرزند خویش
را آن خواهد یکی را از خویشان آن ده و مال خویش بر آن قسمت کند

اگر بیند که مال خویش میان مردمان بیگانه قسمت همی کرد مالش پراکنده گردد اگر بیند
که مال خویش با اهل و خویشان قسمت همی کرد دلیل فرح و عز باشد اگر بیند که
مال قسمت همی کرد بر فرزندان و برادران بخداوند مال باز گردد چون قسمت است که
کرمانی گوید اگر بیند مالی که بر او قسمت همی کرد در رضای خداوند تعالی خیر و بعزیزان بخداوند آید
باز گردد اگر قسمت بسبب بلکه و از بکنند چون تعالی خداوند مال بروی بود و اگر بیند که مال
کسی را برضای خداوند قسمت همی کرد از بصلاح قسمت همی کرد از فساد یا ویلی
بخورد و شر باز بود و گرد جابر مغربی گوید اگر بیند که میراث کسی را بر وارثان وی
قسمت همی کرد چون بشرع راست کرد دلیل بر صلاح و دیانت وی بود و چون قسمت
بخلاف شرع همی کرد دلیل برف دوی بود و طلب دنیا نیست تفرقه معبران گفته‌اند
چون رضای وارثان قسمت همی کرد از شرع قسمت همی کرد دلیل بر صلاح و دیانت
وی کنند قصاب ابن سیرین گوید اگر بیند که دیدن قصاب در خواب مجهول بود
ملک الموت باشد اگر بیند قصاب مجهول در کوچه یا در سرای در آمد در آنجا کسی بمیرد
اگر بیند که خود قصاب است و قصاب نبود کسی را بکشته یا جراحت از
بقصد یا بخطا از هر گونه که باشد اگر بیند که با قصاب همراهی همی کرد با
ظالم و بیداد صحبت افتد کرمانی گوید اگر بیند که او قصابی همی کرد و قصاب نبود
غم و اندوه بیش آید زیرا که قصاب پیوسته جامه خرکین است اگر بیند که گوشت
سفید و پاکیزه بود غم و اندوه زود زایل شود اگر بیند که کارد در دست
قصاب همی کرد و او قصاب نبود چون بناحق ریزد جابر مغربی گوید
اگر بیند که قصاب مجهول در کوچه پدید آمد در آن کوچه مرگ مفاجات ظاهر شود

یا رضای

نعمه کفتی

قصه گفتن بدانکه گفتن بسیار داستانها تعبیر را گوید اگر بخواب بیند که داستانها همی گفت آن
کس از ترس و بیم ستمگاران ایمن گردد لقوله تعالی فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف
نجوت من القوم الظالمین کرمانی گوید اگر بیند که مردمان را قصه همی گفت ویرا کار نیکو شود و بمقصود رسد
جابر مغربی گوید اگر بیند که قصه همی گفت که در آن قصه خیر و صلاح کند اگر در آن قصه شر و
فساد بود تاویلش بخیر و شر و فساد بیند بدانکه قصه گوی مرد بود نیکو محضر حجت قصه ها ر
اهل صلاح و چون قصه ها را اهل فساد گوید محضر بدی قضیب تازه شاخ باریک بود
ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی شاخ باریک تازه ویرا داد اگر آن کس معروف بود از نقدر آن
خیر و نیکی یابد اگر آن کس مجهول بود از کسی بیگانه ویرا خیر رسد اگر بیند که کسی بوی شاخ باریک
خشک داد از آن کس بدو هیچ خیر نرسد جابر مغربی گوید اگر بیند که کسی بوی شاخ باریک از درخت
داد که میوه آن درخت ترش و ناخوش بود از آن کس ویرا غم و اندوه رسد اگر بخلاف این
بیند از آن کس ویرا خیر و منفعت رسد چون آن شاخ تر و تازه بود بدانکه تاویل قضیب
مردم در حرف ذال باسم ذکر بیان کردیم تا آن قدر معلوم شود قطایف ابن سیرین گوید اگر
بیند که یک قطایف شکر و بادام کسی بدو داد یا در دهان وی نهاد از کسی سخن لطیف و خوش
شنود اگر بیند که کسی بسیار قطایف شکر و بادام بدو داد یا در پیش وی نهاد و بخورد از وی هم
خورد بقدر آن ویرا مال حلال از آن بدست آید اگر قطایف با انگبین و مغز جوز بود از وی
همچنین خورد بقدر آن ویرا مال و نعمت حلال بدست آید اگر قطایف بی شکر و مغز جوز بود مال
و نعمت بعنا حاصل کند لیکن کمتر از آن بود که قطایف با انگبین بود جعفر صادق گوید که قطایف
در خواب بر چهار وجه بود یکی سخن لطیف دوم خورش سیوم مال حلال چهارم نعمت و منفعت بی رنج
قطران ابن سیرین گوید قطران در خواب مال حرام بود اگر بیند که قطران داشت یا کسی بدو داد
از وی بخورد بقدر آن مال حاصل کند از جنایت حرام اگر بیند که جامه اش بقطران آن

آلوده شد لباس حرام بود جابر مغربی گوید اگر بیند که در میان قطران غرق گشت زیان و هلاکش حرام بود
و بعضی از معبران گفته اند از سبب حرام بودن مال در بلا و محنت گرفتار شود اگر بیند که قطران
از خانه خویش بیرون ریخت و تن را بشست از حرام توبه کند و مال حرام را از خویشتن دور کند
بجز این بار گردد و راه حرمت گیرد قفا ابن سیرین گوید اگر کسی بر قفای خویش موی بیند وام دار
شود و اگر از قفای خود موی سترده بیند وام در گردن وی گذارده شود اگر بیند که بر قفای کسی
سیلی زد و قفایش آماس شد از آنکس منفعت بسیار بدو رسد اگر بیند که با مشتی بر قفایش
زد از آنکس منفعت وی را رسد و هم کسان وی را اگر بیند که کسی بفرمان کسی وی را سیلی زد
منفعت از دست بیگانه یابد کرمانی گوید اگر بیند که کسی وی را چندان سیلی زد که از قفای
خون روان شد وی را با کسی خصومت و داوری افتد و از آن سبب آلایش رسد اگر بیند که قفای خویش
برید عیالش با وی خیانت کند اگر بیند که بر قفای حجامت کرد بر چیزی که خریده است قباله بود
کرمانی گوید اگر بیند که آتش بر قفا گشته بود با مردمان منافقی کند و بعضی از معبران گفته اند
در میان مردمان سخن چینی کند قفص ابن سیرین گوید اگر بیند که قفص داشت با تجربه یا کسی
بدو داد در جایگاه تنگ گرفتار شود و بعضی از معبران گفته اند در زندان کنند یا کسی
از خویشان وی اگر بیند که قفص وی بشکست یا ضایع شد از تنگی و زندان خلاص یابد
جعفر صادق گوید که دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم سرای
نحس اگر بیند که در قفص مرغ بود آنکس را که بدان منسوب بود حالش نیک نباشد و
عیش وی تباه گردد قفل ابن سیرین گوید قفل در خواب دلیل بر بسته شدن کارهای
دینی و دنیاوی بود اگر بیند که قفل وی را زود بگشاد دلیل رنج بود کارهای دینی و دنیاوی
بود زود گشاده گردد و راست شود و باشد که خدای عزوجل وی را حج روزی کند اگر بیند
که قفل گشاده نتوانست کارهای دینی و دنیا در بسته شود از حال نیک بحال بد افتد اگر بیند

کلید

که قفل بد شواری کشاده گردد و سرانجام فرج و دشواری کشاده گردد و کارها بر مراد شود
جابر مغربی گوید اگر بیند که قفل محکم بر جای بنهاد که کالا در وی در بند بود مال خویش نگه
مصلح با امانت سپارد و بروی اعتماد کند اگر بیند که قفل وی ضعیف بود تاویلش بخلاف
این بود جعفر صادق گوید که دیدن قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار دوم
قوت سیوم محبت چهارم منفعت پنجم زن ششم اعتماد داشتن بر کسی مصلح با امانت بدانکه قفل گر
در خواب دلال باشند قلعه بدانکه قلعه بتازی در خواب در بود و شرح و تاویل را بحرف
دال بیان کردیم تا معلوم شود قلم بدانکه تعبیر قلم معبران را خلاف هست ابن سیرین گوید قلم
امر حق است که خدای را عز و جل بقلم لوح محفوظ است سار سیت جابر مغربی گوید
که قلم فرشته است که بفرمان ایزد تعالی کار بگزارد اگر قلم را اندر آن صورت که هست دید با
یادشاه عاقل و بیرا کار افتد بعضی از معبران گفته اند قلم توانگریست کرمانی گوید
که قلم از راه حقیقت تاویل خود قلم است که خدای عز و جل بدو سوگند یاد کرد قوله تعالی
والقلم وما یسطرون اگر بیند که آن قلم را بدست گرفت فرزندی آید عالم و فاضل و یار
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که قلم در دست داشت و بدو چیزی خواست که نویسد علم
بیاموزد و فاضل گردد و قوله تعالی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم جعفر صادق گوید دیدن قلم
در خواب بر پنج وجه بود یکی امر حق دوم فرشته سیوم توانگری چهارم حقیقت پنجم کردارها بدانکه
قلم موی شتر را خامه خوانند و شرح تاویلش بحرف خا بیان کردیم قلیه ابن سیرین گوید گوشت
که با آب پخته باشند باشد بهتر از گوشت قلیه بود و هر چند قلیه بطعم و چاشنی خوشتر بود و
منفعت خداوندش را بهتر و بیشتر بود اما قلیه از گوشت گوسفند خورد مال برنج و بسختی
بدست آید اگر قلیه از گوشت گاو فربه خورد دران سال از ترس و بیم ایمن بود اگر
قلیه از گوشت بره در غالب خورد مال اندک و بیرا حاصل شود جابر مغربی گوید اگر قلیه
از گوشت اسب خورد برنج و سختی مالی از پادشاه بدست آرد اگر قلیه از گوشت شتر

خورد بقدر آن مال از مرد بزرگ و از سبخته بدست آرد اگر قلیه از جهار پای دشتی خورد
بنج و سختی مال از مرد یکی مهتر اهل بیابان بود بدست آید اگر بیند که قلیه از گوشت مرغان
بیخورد مال از جهت زنان بمکر و حیله و بر او حاصل شود اگر بیند که قلیه از ماهی خورد در صحبت
مهتری در سفر شود خاصه که خداوند خواب مستور بود اگر مفسد بود غم و اندوه بود اگر بیند
که قلیه گوشت چهارپایی که حرام است خورد دلیل بر مال حرام بود قمار باختن ابن سیرین گوید
اگر بیند که قمار می باخت و بر خصم غالب شد ظفر یابد بر حریف حرام که طلب کند و اگر خصم بر وی غالب
شد ظفر یابد بخلاف این بود یا و گفته کرمانی گوید اگر بیند که قمار از خصم خویش جیزی
برد بر دشمن ظفر یابد و مراد خویشتن حاصل کند مشغول که باطل و معصیت بود اگر بیند که خصم از وی
ببرد در آن مشغول باطل ظفر یابد و مراد خویش حاصل نکند ملامت و سرزنش یابد از آن
مردمان جعفر صادق گوید قمار باختن در خواب بر جهار وجه بود یکی مشغول شدن بکار باطل دوم
معصیت و ملامت از مردمان سیوم شغب و مشغله جهارم جنگ و خصومت و زخم کارد بود
شمع کوچک ابن سیرین گوید شمع کوچک در خواب کنیزک یا غلام خرد بود و شمع بزرگ مرد نیکی بیننده بود
اگر بیند که شمع کوچک فراگرفت یا بخرید یا کسی بدو داد غلام یا کنیزک کوچک حاصل شود اگر شمع بزرگ بیند
مرد بزرگ و مدبر و نیکورای در خدمت وی آید اگر اهل آن باشد اگر نه مامردی بدین صفت که تقدم دارد و با وی
در مصاحبت افتد اگر بیند که شمع وی بشکست یا ضایع شد و یرا از صحبت چنین مردی مفارقت افتد یا مرگ
یا بر بند کار اجابر مغربی گوید اگر بیند که شمع او زرین بود و یرا با مردی محتشم که از مقربان پادشاه دوستی و
مصاحبت افتد اگر شمع وی سیمین بود و یرا با مرد عالم و دانا و مدبر مصاحبت افتد یا مرد درویش و متواضع
نیز صحبت افتد اگر بیند که شمع وی آهنین بود و یرا با مردی دلیر و شجاع مصاحبت افتد و از وی خیر و منفعت
یابد بقدر روشنی و پاکیزگی شمع قند به اندر قند گوید ابن سیرین گوید اگر بیند که قند خرید
تعجیل کاری کند بکمتر از آن که کار تمام شد خورد اگر قند بگونه زرد بود از وی همچو زر بسیار بود اگر بیند که
پاره قند در دهان وی بسیار انگشت و بر او بسر دهد یا سخن خوب گوید جابر مغربی گوید اگر بیند که خروار
از قند داشت بقدر آن و یرا مال و نعمت حاصل شود اگر بیند که قند را فروخت و یرا مضرتی به زبان رسد بدانکه

از آن قند

خریدن قندیل دین باشد از فروختن وی قندیل ابن سیرین گوید قندیل افروخته توفیق عبادت و طاعت بود
عز و دولت دنیا خاصه که آبگینه و چراغ هر دو روشن بود و قندیل نا افروخته بخلاف این بود اگر بیند که بخانه وی
قندیل افروخته آویخته بود زن مصلحه و پارسا و نیکو خواهد چنانکه در خبر آمده است حذیفه بن الیمان از امیر المومنین
علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه پرسید که بخانه خویش قندیلی افروخته دیدم و معلق کرده تعبیر این قندیل
را از کجا آورده کند علی رضی الله عنه حذیفه را گفت زن داری او گفت ندارم یا امیر المومنین علی گفت
زنی بخواه بنکاح و با جمال و مال بسیار هم در آن حذیفه زنی محتشمه و با جمال بخواست چنانکه رضی الله عنه گفته بود
و اما اگر بیننده خواب زن دارد توفیق یابد بعبادت و طاعت خدای عز و جل جابر مغربی گوید اگر در خواب
بخانه خویش قندیل افروخته بیند عزت بود و زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر زن ندارد خداوند خواب مستور بود و توفیق
طاعت و عبادت یابد و راه آخرت محمود بود و اگر خداوند خواب مصلح و پارسا بود عز و اقبال این جهانی یابد
بکسب و معیشت دنیا مشغول گردد جعفر صادق گوید دیدن قندیل افروخته در خواب بر چهار وجه است
یکی زن خواستن دوم توفیق عبادات و طاعت یافتن سوم عز و دولت دنیاوی چهارم کسب کارهای کرده
ستوده بود انکه قندیل افروخته بخواب دیدن منفعت اندک بود ازین خبرها که بیشتر یاد کرده شد قنب
ابن سیرین گوید قنب در خواب منفعت و خیر بود اگر بیند که بسیار قنب داشت تابع راه شرع بود بقدر آن
و یرا خیر و منفعت محسوب باشد اگر بیند که در دست ریسمان قنب داشت تابع راه شرع بود جابر مغربی گوید
که قنب دیدن در خواب کسب حلال بود و اگر بیند که از جایگاهی که ملک او بود بسیار قنب جمع کرد بقدر آن از
کسب خویش مال حلال حاصل کند اگر بیند که دانه قنب همی خورد بقدر آن منفعتی برنج و یرا حاصل شود
قنوت خواندن ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب قنوت همی خواند پیش بزرگی مدح و ثنای او گوید
حاجتها [illegible] بی زحمتی نوالی یابد و مردم مفسد را دید باشد که حاجتهای از مردم بزرگوار روا شود و بر کسانش
کارهای دنیاوی وی باشد و مردم مصلح را کسانش کارهای دینی بود قنینه ابن سیرین گوید قنینه در خواب
خادمی بود که کلید خانه بوی سپارند اگر بیند قنینه داشت و در وی آب بود یا جلاب یا چیزی [illegible]
آن حلال بود و از آنجا همی خورد بقدر آن وی را از آن خادم نعمت و مال حلال حاصل شود اگر بیند که در قنینه [illegible] بود

یا ببیند که چیزی خوردن حرام بود وار آنچه همی خورد بقدر آن از آن خادم وی را مال حرام حاصل بود اگر
بیند که قبضه او بشکست آن خادم بمیرد و اگر بیند که قبضه وی ضایع شد خادم ایمنش وی بگریزد و در پیش
بگوید اگر بانی گوید در قبضه تیغ خادمی بود که حوائج خانه در دست وی باشد قوس قزح بدانکه قوس قزح
بهاری کمانه آسمان بود شرح تاویلش را در حرف کاف بیاید باب کمانه آسمان کنیم تا طالب وی از وی
بمقصود رسد قیامت ابن سیرین گوید اگر بیند که قیامت پدید آمد حق تعالی در آن دیار که او بود عدل
بگسترد اگر اهل آن دیار ظالم باشند بلا و آفتی بر ایشان رسد اگر اهل آن دیار مظلوم باشند حق تعالی ایشان را نصرت
دهد اگر بیند که اهل آن دیار پیش حق تعالی ایستاده بود نه علامت خشم خدای تعالی بود بد باشد که ظالمان را بد
اگر بیند که قیامت برخواسته یا علامتی از قیامت پیدا شده چنانکه آفتاب از مغرب برآید یا یاجوج
ماجوج پدید آید توبه کند و بخدای باز گردد اگر بیند که گورها باز شکافته بود و مردمان بیرون آمدند بر دشمنان ظفر
یابد اگر بیند که وی را برانگیختند باید که از گناه توبه کند و رضای خدای تعالی بجوید اگر بیند که شمارگاه شد
یا وی را او را بردند این نشان غفلت باشد قوله تعالی اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون اگر
بیند که با وی شمار کردند زیان بود دیگر قوله تعالی فحاسبناها حسابا شدیدا و عذبناها عذابا نکرا فذاقت وبال امرها
اگر بیند که کرده های وی بسنجیدند و نیکی بیشتر و گرانتر آید سرانجام کار وی نیکو باشد و رستگاری یابد اگر بیند
که قوله عز و جل و من ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون اگر بیند که بدی وی بیشتر و گرانتر آید
سرانجامش بد بود و دوزخ یابد قوله تعالی و من خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم فی جهنم خالدون
اگر بیند که نامه بدست راست دادند براه راست بود قوله تعالی و انزلنا معهم الکتاب والمیزان اگر بیند که
فرشته نامه کردار وی بدو داد و گفت که برخوان اگر اهل صلاح بود کارش نیکو گردد و اگر فساد بود کارش
بمخاطره باشد قوله تعالی اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا اگر خود را بر صراط بیند کارش نیکو
شود اگر بر صراط بیارست بگذشت از راه خطا بود و دیر است توبه باید کردن تا خدای تعالی از وی خوشنود
شود حضرت صادق گوید دیدن قیامت در خواب اهل صلاح را چهار وجه است اول ایمنی و رستگاری دوم
فرح از غمها سوم ظفر یافتن بر دشمن چهارم اقبال و سعادت و کرامت و اهل فساد را بخلاف این بود

قیر ابن سیرین گوید قیر در خواب خیر و روزی باشد اگر بیند که قیر و زفت یافت یا کسی بدو داد بقدر آن
ویرا غنیمت و مال حاصل شود اگر بیند که جامه اش بقیر آلوده گشت بقدر آن ویرا غنیمت و روزی رسد
و رنج و مشقت بدان دمی جابر مغربی گوید اگر بیند که قیر بجهت راهی برد بقدر آن غنیمت و روزی رسد اگر
بیند که قیر از خانه بیرون انداخت تاویلش بخلاف این باشد اگر بیند که آتش افتاد و قیر را
بسوخت پادشاه ویرا مصادره کند و مال دهد ویرا الستاند اگر بیند که قیر همی خورد حرام
خورد بعضی از معبران گفته اند که ویرا غم و اندوه رسید قی کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که قی بهوا نیست
کرد توبه کند بخدای باز گردد اگر قی آسان کرده بود نیکی یابد اگر بیند که بدرنیت با توقت بیراد دان
غمی بارجای سند توبه کند یا از توبه باز گردد و باز بر سر گناه شود در راهی مشتی عذر و عقوبت بود گاه
بیند بعضی از معبران گفته اند که ویرا معصیت و زیان رسد در مال اگر بیند که قی کرد و باز خورد
از بخیلی بر عیال خود چیزی صرفه نکند گرمانی گوید بعد توبه از سر گناه شود اگر بیند که قی زشت و ناخوش
بود از گناه بکراهیت باز گردد اگر بیند که بهنگام قی چیزی بر سر آمد بیمار شود و ضعیف گردد
اگر بیند که بلغم برآورده از غم و اندوه باز رهد اگر در شکم از بیماری زود شفا یابد اگر بیند که حلال
برآورد اجلش آمده باشد اگر خون اندک برآورد از غم و اندوه باز رهد اگر در شکم بود پسر آورد و هلاک شود
جعفر صادق گوید قی کردن بخواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم کرم سیم لیت چهارم منفعت پنجم از غم رستن
ششم اهانت ششم کن دن کارهای بسته اگر بیند که قی خورد از باز خود چیزی که بکسی داده باشد باز
ستاند والحق

کاف من کتاب الکامل فی التعبیر

ابن سیرین گوید
کاچی بروغن کنجد و شکر و بادام همی خورد بقدر آن از بادشاه یا از مردی بزرگ ویرا خیر و منفعت
رسد اگر بیند که کاچی بروغن دانکبین همی خورد بقدر آن ویرا از کسی توانگر خیر و منفعت رسد
اگر بیند که کاچی در روغن شیرین بود که همی خورد ویرا اندک مایه منفعت رسد لیکن برنج و سختی
اگر بیند که کاچی بی برف یا بجیری ترش همی خورد ویرا غم و اندوه و اندیشه بود جابر مغربی گوید

اگر بیند که کاهی یا چیزی شیرین همی خورد ویرا بقدر آن مال و نعمت بدست آید

کارد ابن سیرین گوید کارد در خواب دلیل فرزند بود و دستهٔ کارد زن باشد اگر بیند که در دست

داشت و در دست کارد بشکست که کارد ملک او بهست و از سلاح مختصر از آنکه کارد بیش وی نبود حقیر

و بعضی گویند آنکه اگر بیند که با کارد سلاح دیگر داشت ظفر یابد و قوت و منزلت یابد

کرمانی گوید اگر بیند که سلاح پوشیده کارد در دست گرفته بود دلیل که از کسی نیکی بود و لیکن از معبران

گفته اند که دلیل بود بر غلبه بزرگی بنشیند یا مردی از بهر وی کار کند چابر [illegible] گوید

اگر بیند که کارد از نیام برکشید از آتش پیروزی اگر بیند که کاردش در نیام بشکست فرزندی

در شکم مادر هلاک شود یا دسته‌اش شکسته باز رسد اگر بیند که نیام کارد بشکست و

کارد سلامت بود فرزندش از شکم مادر بیرون آید و مادر هلاک شود و اگر بیند که

کارد در نیام بشکست و از نیام بیرون نیامد فرزند در شکم مادر هلاک شود و اگر بیند

که دسته کارد بشکست پدر یا کسی از خویشان وی هلاک شود اگر بیند که اندام خویش

را بکارد بخست بقدر درد و رنجی که دید از آن خستگی رسد اگر بیند که بکارد

چیزی را همی برید از آن خیر و منفعت باشد اگر بیند که بکارد چیزی همی برید که

کسی را در آن منفعتی نبود کاری کند که در آن وی را بغیری رسد و مشغول شود

اگر بیند که در کارد رخنه در افتاد یا زنگ گرفت یا عیبی در آن ظاهر شد نقصان بود

بر خداوند کارد بقدر آن عیب یا در فرزند وی جعفر صادق گوید دیدن کارد بخواب

بر هفت وجه بود یکی حسب دوم فرزند سیم ظفر چهارم [illegible] پنجم [illegible] ششم [illegible]

هفتم ولایت یافتن کارزار ابن سیرین گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون

بود اگر بیند که کارزار همی کرد از علت طاعون وی را بیم بود اگر بیند که در کارزار دشمن را

قهر کرد

قهر کند از علت جاه چون هلاک شود و کرمانی گوید اگر بیند که ز شمشیر کارزار همی کرد و در میان
ایشان جنگ و حرب صعب و دلاوری یافته و غالب آن بود گر دید الیه آن بود که در جواب
خصم را قهر کند اگر بیند که کارزار نیز همی کرد تا و بیش همی بود که گفته بشنید اگر کارزار
را با کمان و تیر کند که بیکدیگر تیر اندازند میان ایشان گفت و گوی بود کارزار کردن
الی کرسی گوید اگر بیند که کار دینی همی کرد دلیل بود به خیر و صلاح آن جهان اگر بیند که
کار دنیا همی کرد دلیل بود بر ضرر و نقصان دین اگر بیند کارهای دینی وی زر نیست
گفته بود دلیل بر نقص عمر و اجل وی نزدیک آمده بود یا زوال و تغیر حال وی جعفر
اگر بخلاف این بیند عمر وی دراز و لعوارش پاینده بود کرمانی گوید اگر بیند که از کار
رسته گشت از کاری مشغول شود که در او دیگران را [illegible] کار خیر و منفعت نبینند
بکارها چون و محال مشغول شود که در آن کار خیر نبود و جعفر صادق گوید اگر بیند
با مردمان بکاری همی شد و از همراهان جدا بر راه تنها شد اندر میان [illegible] دین
قوله تعالی فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله کار روان ابن سیرین گوید اگر بیند که با کاروان در راه بود
و کاروان نیز و با مردمان مصلح و یار بود دلیل بود به خیر و صلاح کارهای وی اگر بیند
که مردمان کاروان مفسد بودند تا دین بخلاف این بود یا دگرگون شد کرمانی گوید
اگر بیند که کاروان خوار و آسان همی آمد دلیل بود بر آسانی و صلاح کارهای وی
اگر بیند که کاروان بسوی شهر خانه همی آمد کارهای بسته بر وی گشاده گردد و خرم
و شادمان شود و اگر بخلاف این بیند کارهای وی بسته گردد و غمگین و مستمند شود
کاریز ابن سیرین گوید اگر بیند که جای کاریز معروف کاریز همی کند بکسی خویشتن مکر
و حیلت سازد اگر کاریز بجایگاه مجهول همی کند با مردمان بیگانه مکر و حیلت سازد

وآن تاوان قیمت همان کاریز آب بیناید و چون بیند که آب بیرون آید روان گشت
تاویل حکم کاریز کنند برامعران بنیاد کنند اگر بیند که از نهر کی دیگر همی نقب او متوسط
باشند لیکن دیگر اتفاق کرمانی گوید اگر بیند که از کاریز آب همی بسته بمکر و حیلت
مال جمع کنند خاصه که او کاریز را کنده باشد دیگر زیادت آن کس که کند جمع منفعت
یابد بقدر آن آب که از وی بردارند و اگر بیند که آن آب را که از کاریز برداشت در خم
ریخت یا در سبو مانند آن مال را که حاصل کرده بود نیکو نگاه دارد اگر بیند که آن
آب را بر زمین همی ریخت و پراکنده همی کرد آن مال را که حاصل کرده بخرج بیهده کند
اگر بیند که در کاریز افتاد در مکر و حیلت افتد کرمانی گوید اگر بیند که با غرار کاریز
آب همی کشید از مالیکه حاصل کند زن خواهد یا کنیزک خرد لیکن از معمران کفاره
اگر بیند که با غرار کاریز آب همی کشید با جفت خود مجامعت کند بدانکه کاریز
در خواب معنی وی که کار با مکر و حیلت سازد کاریز زن کسان گوید اگر بیند
که کاریز همی کند و او کاریز بعد توبه کند و بعد از آن باز گردد و گناه خویش را از خدای
آمرزش خواهد و او غم با نبع کرد و جوینده چو جان نبود و نوفتی باید بجرات
کردن و غمهی و رنجها از دل ببرد زیرا که چرک و ریم که بر جامه بود در تاویل
غم و اندوه بود که کاریز پاک کننده چرک است از جامه شستن توبه کردن و باز
گشتن بخدای عز و جل کرمانی گوید اگر بیند که جامه خود را شستن بدریا توبه را
بشکند اگر بیند که جامه بریده را باز دوخت توبه کند و عذر گناهان بخواهد اگر بیند
که جامه دریده را باز دوخت توبه کند و عذر گناهان بخواهد اگر بیند که خیره اش
را همی شست جراحت و حیات لیبارد ماه از گناه رایکنان خویش و از صنعت عشق
کارز

کاری بود و بخواب حاجت شود یا و بلش کمتر از این بود یا کرده بیند جعفر صادق گوید کارد در خواب
مردی بود که مهمات از دل زدوده کند و از این سبب ترا معزان گفته اند چون کسی
بخواب حاجت شود از عجم داند و فرج یابد یا از کنایات او گوید که حاجت که حاجت سفید و پاکیزه
شود بکار است   ابن سیرین گوید اگر بیند کاسه چوبین در وی خوردنی بود هم چون دود
بقدر آن وی را از نفع روزی و نعمت رسد کاسه سفالین نعمت و روزی بود که در وطن
بدو رسد کاسه تهی کاری فرو مانده بود از کسب و عمل خویش کرمانی گوید کاسه بر طعام
خادمی با برکت و منفعت کاسه زرین و سیمین که در وی خوردنی بود دلالت بر روزی
و مال حرام کند بدو رسد کاسه سفید روی … دلیل بر روزی اندک و مال که در وی
شبهتی باشد و کاسه آبگینه زن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که در کاسه خوردنی
خوش طعم بود و شیرین بود دلیل بود بر نعمت و مال که بدو رسد اگر بیند که در کاسه
خوردنی ترش و ناخوش بود دلالت بر غم و اندوه کند و کاسه تهی دلالت بر مفلسی
و مقهوری کند   کاغذ   ابن سیرین گوید کاغذ در خواب مال و بزرگی بود بیننده را حلال
حاصل شود اگر بیند که کاغذ سفید و پاکیزه داشت بقدر آن مال و بزرگی یابد اگر بیند
که در کاغذ وی با آب شسته یا در آتش بسوخت بقدر آن بزرگی و مال وی نقصان
شود کرمانی گوید کاغذ در خواب علم و دانش بود و حق تعالی خداوند خواب را مصلحت و
یار بود اگر بیند که لب کاغذ در دست در علم و دانش فاضل و توانا گردد و اگر خداوند
خواب مفسد و جاهل بود و ناقص بی خلاف این باشد جعفر صادق گوید که دیدن کاغذ
در خواب بر چهار وجه بود ملکی و مال حرام و بزرگی … ملک و حیله
کافر شدن   ابن سیرین گوید اگر بیند که کافر شده بود و بر آنکه کفر میل بود اگر بیند
که کافر شد و آتش همی پرستید بخدای تعالی عاصی شده و … ظالم شود

اگر بیند که این ... روشنایی ... بیشتر مال حرام جوید و در دین خویش از ... حرام ... نبود

جعفر صادق گوید کافور دیدن در خواب بر پنج وجه بود یکی ... داشتن ... کافر ...

دوم صحبت داشتن با ... اغنیا ... سوم ... خدای ... از جلال

عز و جل ... کافور ابن سیرین گوید کافور در خواب دلیل بود بر ثنای نیکو و بر نعمت

و شادی اگر بیند که کافور داشت پاک ... یا ازوی بوی کافور همی آمد ... نفس

وی پاکیزه و در است بود و براه حق اگر بیند که کافور همی خورد ... ازوی بوی خوش همی آمد

بود بیند

خیر و نیکوی کسانی کنند که ازوی ... اگر بیند که کافور ...

همی بالید احسان و نیکوی ... [illegible]

شادی یابد اگر کافور ... مال و نعمت ... جعفر صادق گوید دیدن

کافور در خواب بر ... وجه بود یکی ... عالم ... دوم ... چهارم ... پنجم ...

... مال ... ثنا و آفرین و سخنهای خوش ... کافور شیرم

... کافور شیرم ... که ... ازوی بوی کافور آید اگر

بیند که ... باشد دانه که آن در زمین ملک وی ... مردم ...

... گوید اگر بیند که کافور شیرم را از خانه وی برکنده از ...

وی منقطع گردد جعفر صادق گوید ... کافور شیرم در خواب ... بر ... وجه است

یکی ثنا و آفرین دوم ... سوم ... چهارم ... و ... بود

کام ابن سیرین گوید اگر بیند که کام وی چنان دراز شد ... از دراری گشت

در دنیا ... حرام ... و ... مال وی ... بیند ... بکنند

تا ... گوید اگر بیند که کام بالا ... وی ...

... باشد کارها ... گردد اگر بیند که کام وی دراز شد و او از ... رسید

...

۱۰۳۸

تیرک حرص واز گردد ‖ کاجها ابن سیرین گوید خوردن کاجها بخواب جمله غم و اندوه و مصیبت بود
اگر بیند که کاجها همی خورد بقدر آن رنج و اندوه رسد اگر بیند که او کاجها بیسیه دادان کسی از وی بخورد و اندوه
لیکن شود اگر کاجها بخورد اندوهش کمتر بود جعفر صادق گوید که خوردن کاجها در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه
دوم مضرت سیوم خصومت و گفتگوی ‖ کاه ابن سیرین گوید اگر بیند کاه در خواب مال و نعمت بود خاصه که
کاه گندم باشد اگر بیند که کاه بسیار در خانه همی کشید بقدر آن مال و نعمت بدو رسد اگر کاه جو بود کمتر مال گوید
اگر بیند که در کاهدان شد و دانست که آن کاهدان ملک وی نیست توانگر گردد و کارش بنظام شود و مراد یابد
دو جهان را صلاح حاصل شود و حشمت و جاه وی افزون شود جابر مغربی گوید اگر بیند که آتش در کاهدان او
افتاد شاه بروی مصادره کند و جمله مال و خواسته وی بستاند اگر بیند که چون چهارپای کاه و کاه همی خورد
بخیل و فساد اهل مال خود را هزینه کند بر دیگران و بر الفع بود جعفر صادق گوید دیدن کاه در خواب بر سه وجه
یکی مال حلال که برنج بدست آید دوم کسب و معیشت نیکو سیوم کام دل و شادمانی بود ‖ کاهو ابن سیرین گوید
اگر بیند کاهوی شیرین و خوش همی خورد و بر القدر آن خیر و منفعت رسد اگر بیند که کاهو بوقت خود همی خورد
غم و اندوه بود اگر بیند که کاهوی تلخ همی خورد وی را مضرت و زیان رسد بعضی از معبران گفته اند و بر
بالیس گفتگوی بود اگر کاهو همی خورد الحکم گفتیم از خیر و شر بدو رسد ‖ کاورس ابن سیرین گوید اگر بیند که کاورس
بخواب مال و خواسته بود که برنج و تعب بدست آید بقدر آنکه دیده بود اگر بیند که بسیار کاورس داشت
یا کسی بدو داد بقدر آن مال و خواسته برنج حاصل شود اگر بیند که کاورس بپخت و خورد وی را مضرت و زیان رسد
اگر بیند که کاورس همی خورد دلیل بود بر بدی حال وی کرمانی گوید کاورس در خواب مالی اندک و حقیر بود
در تاویل خیر و منفعتش کمتر از منفعت جو و گندم بود ‖ کاو دانیال گوید کاو در خواب اگر نشسته باشد
و دانست که ملک روایت دلالت کند که از پادشاه عمل گیرد و از آن عمل وی را مالی
و نعمت حاصل شود خاصه که پر گاو بسیار سیاه بود اگر پر گاو زرد بود بیمار شود اگر بیند
پر گاو در خانه یا در منزل وی در آمد وانگاه پر گاو از پس نیست مال از آنکه حاصل کرده بود ملک
نگاه دارد و اگر گاو فربه پر بیرون بار بود در منزلش بیاید حق تعالی در روزی بروی بگشاده بود

واحوالش نیک شود لیکن از عمل وی سیر نگردد واگر بیند که ویرا گاوان بسیارند عاملان
زیر دست قوی باشند واو در کارشان غصه عتاب کند اگر بیند که گاو او را بزد از سر
بیرون شد از عمل خویش معزول کردد مضرت وزیان رسد بقدر آن زخم که از زدن سر گاو
بدو رسیده اگر بیند که گاو ویرا بسر بزد واز منزلش بیرون کشید مضرت وزیان بعاملان او
رسد واز عمل خویش بیرون نگردد واگر بیند که گاو را سه سر بود یا چهار شاخ موضع
سرش بود بعدد هر سری غلامانش عمل وی بدارند اگر نقصان بیند بر این سان بود که یا دگر
گرفتند گویند گوشت گاو مال عامل بود و پوست گاو منزلت باشد و دنب گاو چرند
و فروخت عامل بود اگر بیند که دنب گاو دراز بود وانبوه دلیل بود که مال بسیار یابد و کارش
نظام گردد اگر بیند که دنب گاو کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که گاو در بازار وی
بیاید مال بسیار یابد و روزیش فراخ گردد اگر در کوچه خویش گاوان بسیار زند مهتران
شود و در عمل قوی خیر و راحت بدید آید اگر بیند که گاو ویرا بسر بزد و بیند خصومت اگر
بیند چون عامل بود از عمل معزول گردد اگر بازرگان بود تجارت زیان کند اگر پادشاه
بود از مملکت بیفتد اگر بیند که چند گاو ویرا بسر بزد و بیند خصومت دلیل بود بر سر ز ور
کسی را منزوق کنند و در غزا وی کوشند اگر بیند که گاو از گاوان عامل
را بکشتند و گوشت ویرا قسمت کردند آن عامل کشته نباشد اگر قسمت کنند اگر آن
گاو که کشتند از آن عامل بود مردی بزرگ را در آن کوچه هلاک کنند و مال ویرا قسمت کنند
اگر بیند که گاو خویش بکشت و از گوشت وی بخورد او خداوند گاو را قهر کند و اموالش
بستاند و غنیمت اگر بیند که گاو ویرا بکشت که از گاوان کار بود در آن موضع مردی محتشم
بمیرد اگر بیند که گاوان بسیار از نر و ماده با رنگهای مختلف بیند که در آن موضع آمده
میکردند دلیل که مردم آن موضع بیمار گشتند چون گاوان لاغر باشند و اگر فربه دلیل
فراخی نعمت بود در آن دیار اگر بیند که گاوان زمین می شکافتند دلیل که بی اندازه مالی یابد
الیعلم العبد اگر بود

اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با گاوی نر جنگ میکرد اورا با مهتری خصومت با هم
افتد گسست ایشان آید ماده گاو در خواب سال بود اگر بیند که ماده گاوی فربه داشت دلیل
که مالک اوست در آن سال فراخ و نعمت بیند اگر ماده گاو لاغر بیند دلیل بخلاف
این بود و گوشت گاو ماده مال بود و فراخی در آن سال بود و پوست وی ذخیره
بود اگر بیند که ماده گاو بدوشید و از شیر وی بخورد مالش افزون گردد و برکت یابد
اگر این خواب بنده بیند آزاد گردد و توانگر شود اگر آزاد بیند مال بسیار یابد و اگر درویش
بیند عزیز گردد اگر بیند گاو آبستن بود دلیل که امیدوار فرزند بود و حاجتش روا شود معبر گوید
اگر بیند که گوشت گاو فربه بخرید در آن سال زنی توانگر بزنی کند اگر بیند که ماده گاو بدو
دادند و از آن می‌خورد مال بسیار جمع کند و از آن هیچ خرج نکند اگر بیند که ماده گاو با وی سخن گفت
عیش بروی فراخ گردد اگر بیند که ماده گاو بخشش وی آمد سال بروی مبارک باشد اگر
بیند که ماده گاو از وی روی بگردانید بد بود اگر بیند که بر ماده گاو نشسته بود و از وی بیفتاد
دلیل که در آن سال حال بروی متغیر گردد اگر بیند که با ماده جنگ میکرد با زنی خصومت
کند اگر بیند که گاو در زمین لغزید و در آن سال مال و دولت یابد اگر بیند که ماده گاو اورا
بگزید عیالش با وی خیانت کند اگر بیند که ماده گاو ناگاه بخانه وی در آمد ناگاه مالی بیابد
و بی غم گردد جعفر صادق گوید دیدن گاو ماده در خواب بر شش وجه بود اول فرمان روا دوم
مال سیوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکوی ششم سال نیکو گاو دشتی کرمانی گوید گاو دشتی
در خواب مردی توانگر بود با مال بسیار اگر بیند که در شکار گاو دشتی بگرفت یا کسی بوی داد
بقدر آن مال و نعمت یابد اگر بیند که دو گاو دشتی با هم جنگ میکردند دو مرد فاسق با هم
خصومت کنند و ماده گاو دشتی تاویلش زن بود اگر بیند که بچه گاو دشتی بگرفت مالی
بدو رسد و اورا فرزند آید معبر گوید اگر بیند که گوشت گاو دشتی میخورد دلیل قوت و
دولت بود اگر بیند که گاو دشتی شاخهای بسیار داشت دلیل که پدر اورا دولتی و قوتی

بکشد گاومیش ابن سیرین گوید گاومیش در خواب مردی با قوت و قدرت بود و تاویلش چون
گاو است و دیگر کرمانی گوید گاومیش نر در خواب مرد بزرگ بود که از وی منفعت بمردم رسد
مطیع و فرمان بردار بود گاو وحشی کیاهیست که در پشت پنهان بود و شمار آن از آنجای گویند
و او در خواب کنیزک نیکو بود ابن سیرین گوید اگر زنی بیند که شکوهه گاو وحشی داشت یا
بکشد و بتعلیم و ادعلام بگریزد مغربی گوید اگر کسی گاو وحشی بوقت خویش بیند مرد رحمت
او را فرزندی آید و اگر بی وقت بیند تنگی اگر مرده بیند فرزندش بیمار شود و اگر فرزند ندارد
غمگین شود گاو زبان ابن سیرین گوید اگر بیند که گاو زبان می خورد غمگین و مستمند شود اگر
نخورد تاویلش بخلاف این بود مغربی گوید گاو زبان در خواب خصومت و گفتگو بود و خوردن
و دیدن آن چیز نباشد گوشت پخته ابن سیرین گوید گوشت پخته در خواب بهتر از خام بود و از کباب
اگر بیند که کباب از گوشت گوسفند می خورد او را منفعت از همه مهتران رسد که در جهان باشند
کرمانی گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل منفعت بزرگ باشد ابن سیرین گوید اگر بیند
که گبر شد دلیل که خوار شود و تباه بود در طلب آخرت مغربی گوید اگر بیند که گبر شد و در کنشت
گبران رفت صحبت با اهل بدعت و بی دینان دارد و تابع اهل خلاف بود و اگر بیند که
از گبری پشیمان شد و مسلمان گشت از گناهان توبت کند و بخدای تعالی باز گردد و بکار
خیر مشغول شود کبک ابن سیرین گوید کبک در خواب زن خوب روی بود یا کنیزک یا زن با جمال
اگر بیند که کبک بگرفت زنی خواهد اگر بیند که کبک را بکشت بد از بهر وی زن خوب خواهد اگر
بیند که کبک بخرید کنیزکی خرد با جمال و از وی منفعت آید اگر بیند که کبک شکار گرفت اینک
خوب آورد اگر بیند که گوشت کبک می خورد او را لباس نو حاصل شود کرمانی گوید اگر بیند
که گلوی کبک ببرید دوشیزه دختری بستاند مغربی گوید کبک نر پسری بود و کبک ماده زن و
کنیزک با موافق اگر بیند که کبک ماده از دست وی بپرید زن را طلاق دهد یا کنیزک
بگریزد جعفر صادق گوید کبک نر در خواب بر چهار وجه بود اول پسر دوم [illegible] سیوم [illegible]

چهارم

۱۰۴۶

چهارم کام دل و مراد کبوتر ابن سیرین گوید کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک اگر بیند
کبوتر بگرفت یا کسی بوی داد زن خواهد یا کنیزک خرد اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد
از مال زنان خورد اگر بیند که کبوتران بود و بگرفتند زن را رها کند بسبب سخن بد گویند
اگر بیند که کبوتر بچگان بگرفت از زنان منفعت یابد و بعضی گویند کبوتر بچه غم و اندوه بود
از قبل زنان کرمانی گوید اگر کبوتری داشت غایب شد از سفر باید اگر بیند که کبوتر در خانه
او بمرد همین دلیل کند اگر بیند که کبوتر بسیار در خانه داشت او را فرزند بسیار بود و نیز
گویند مالی بسیار بسبب زنان حاصل کند مغربی گوید کبوتر بچه دلیل بر زنان آزاد کند اگر بیند
که کبوتر از ... بحیلت بگرفت بعد از آن مال بمکر و حیلت حاصل کند اگر بیند که کبوتر
از هوا آمد و بر ... مطیع او شد از جایی که امید ندارد منفعت یابد اگر بیند که کبوتر
را دانه داد زنی را سخن ملقی کند اگر بیند که کبوتر دیگر ... برو جمع شدند و داشت کم
ملک او ست دلیل ریاست و سرور بود و بهترین کبوتر در خواب سفید باشد ...
اگر بیند که زن بود شوهر کند یا دختر آورد کبوتر باز در خواب کار باطل بود و کبوتر خانه
در خواب کار ناحق جعفر صادق گوید دیدن کبوتر در خواب بر پنج وجه بود اول زن
دوم کنیزک سیم مال چهارم نامه غایب پنجم ریاست و معبران گویند هر کبوتر در خواب ...
بود که باید کتاب ابن سیرین گوید اگر بیند که کتاب تفسیر قرآن میخواند از کارها
ناکرده باز ایستد اگر بیند که کتاب تفسیر میخواند نزد پادشاه رود اگر بیند که کتاب
توحید میخواند بعلمی مشغول شود که در آن فایده بیند اگر بیند که کتاب فضایل میخواند
در تسبیح و تهلیل بر زبان وی همه سخن خیر و صلاح رود اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل
که بر قصه انبیا و اولیا خواندن حریص بود اگر بیند که قصص ملوک میخواند ملامت یابد
اگر کتاب حکمت میخواند دولت که مصحف قرآن خواند اگر بیند که کتاب نحو و ادب میخواند
به شغل ... مشغول شود و خواهد که مردم او را شاگرد گویند اگر بیند که کتاب رسایل میخواند
تصلیح کند خدای و شغل خود مشغول بود اگر بیند که کتاب طب میخواند و ...

که بسیار دانا گردد و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند صلاح این جهانی حاصل کند اگر کتاب
شعر می خواند اگر غزل و مدح بود بکاری مشغول شود که مردم ملامت کنند و اگر شعر زهد
بود نیک بود اگر بیند که کتاب تعبیر بود دلیل که بر حد هر کسی بر تعبیر بیند و از او
منفعت یابد اگر کتاب مساحت و فرق می بود بسفر رود و با منفعت باز آید اگر کتاب
حساب بیند اندوه وار اندوهگین بود اگر کتاب افسانه و مضاحک می خواند کاری کند
که از آن زشت نام شود اگر بیند که کتاب هجو می خواند غیبت مردم کند و از آن رسوائی
یابد کتان ابن سیرین گوید کتان در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود و منفعت آن
کمتر از پنبه باشد چنانک در حرف جیم بیان کردیم و نوشیدن جامه کتان در خواب
مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان میخورد مالی بتمام حاصل کند جعفر صادق گوید دیدن کتان
در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دوم منفعت سوم ستر کتف در خواب آهسته
مرد بود و جاه و زینت و ابن سیرین گوید اگر کتف را درست و قوی بیند امانت بگزارد

۱۴۸۱

و گزر که بگوشت پخته بود منفعت بود و رنج و بعضی گویند خوردن گزر بیمار بود و بریان
گزر هم بهتر بود و شهر آن بود که بگوشت پخته باشد گزیدن ابن سیرین گوید اگر بیند که
کسی ویرا بمهر بگزید دلیل که ویرا مهر و هوای آن کس زیادت شود اگر بیند که کسی ا
بخشم و کینه بگزید از وی باسهمت زیانی رسد رنج مغز گوید اگر بیند که جز وی را بگزید دلیل
که از بخت کارش بحال باشد اگر بیند که استر ویرا بگزید از سفر زیانی یابد اگر گاو ویرا
بگزید دوران سال مضرت یابد و جمله ددگان و گزندگان دلیل دشمن بود جعفر
صادق گوید دیدن گزیدن در خواب بر چهار وجه بود اول مضرت دوم دشمنی سیوم
خصومت چهارم عجز و نقصان مال کشتی گرفتن ابن سیرین گوید اگر بیند که با کسی کشتی گرفت
و آنکس را بینداخت حال کارش نیکو بود و بر آنکس غالب شود اگر بیند که هر دو قائم بودند و بر یکدیگر
گزند نرسیدند نیک نباشد کشتی ابن سیرین گوید کشتی در خواب غم و اندوه بود و خوردن
آن مضرت و خصومت کشت و درو ابن سیرین گوید کشت و درو در خواب نیکو باشد
بر جزای معاملات و روزی حلال و هم مردی فاضل نیک محض بود اگر بیند که از بهر تخم کشتن
زمین می شکافت دلیل که خیرات و صدقات کند و معبران گفته اگر بیند که کشت و زار
میکرد دلیل بیماری وی بود کرمانی گوید اگر بیند که زمین می شکافت و تخم می انداخت و
بارش جمع میکرد تیز زیب و جاه و نعمت یابد اگر بیند که کشته بود و بارش همی خورد بهتر
و نیکو بود اگر بیند که از آن کشت چیزی حاصل نشد دلیل بر اندیشه و غم بود اگر بیند که
گندم میکشت از پادشاه چیزی نیکو یابد اگر بیند که جو میکشت او را مال بسیار جمع شود
اگر بیند که گاورس میکشت مال اندک یابد دانیال گوید اگر بیند که در زمین خود تخم
میکشت زن خواهد و کارش نیکو شود اگر بازرگان زمین کشته خود را با کشته بیند
زیانی یابد و با کسی خصومت کند اگر بیند که جای مجهول از زمین می شکافت و تخم انداخت
دلیل بر عز او و حرمت او بود اگر ملک خویش را آباد بیند معیشت زیاده شود

كشت زار

اگر بیند که گندم یا جو یا درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه او بود بقدر آنکه کشته باشد جعفر صادق گوید کشت ورزی در خواب بر پنج وجه بود اول روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سیوم تیمار چهارم عز و جاه پنجم معیشت نیک کشته زار ابن سیرین گوید کشت رسته چون معروف بود و جالیش معروف و بوقت خویش دلیل بر فرزندان مردم بین اگر بیند که کشته زار همی درود دلیل که مردم در جنگ کشته شوند و اسمعیل گوید اگر بیند که در کشته کار معروف بود عملی کند که در دین و دنیا نکو بین اگر بیند که کشت و درود و خرمن کرد دلیل که امیدهای او بر آید اگر بیند که میان کشت زار می رفت با عاریان بعز او و معیشت گوید کشت و درود در خواب دلیل بر حرب و خصومت بود و جو درودن دلیل بر فراخی مال حلال کند اگر بیند که میان کشت میرفت و کشته هنوز سبز بود که می درود میان مصاف رود اگر بیند که آتش در کشته زار افتاده بود و هم بسوخت در آن دیار قحط پیدا شود اگر بیند که کشته بماند خود را آب میداد کار از دست او بر آید که دنیا و عقبی را منفعت دهد اگر بیند که آتش باید و کشت ویرا هم بسوخت در آن دیار قحط پیدا شود اگر بیند که از خوشها دانها بر زمین می آید و میریخت بقدر آن خداوند کشته را زیان رسد اگر نداند که آن کشته از آن کیست زیان خداوند خواب بود و قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم

اگر در وقت خویش کشته زار سبز بیند دلیل بر فراخی نعمت بود در آن دیار اگر انچه گفتیم در زمین ملک خود بیند حاجتش روا شود و مقصود یابد اگر بوقت خود کشت جو را درود و خشک بخانه برد دلیل بر مصیبت کند اگر بیند که در میان کشته زار همیرفت [illegible] که با یاران بمصاف و عز رود جعفر صادق گوید کشت و درود و خوشه رسیده در خواب بوقت خود دلیل بر نیکوی و منفعت و چون نارسیده و سبز بیند دلیل بر وفات بیمار بود اسمعیل اشعث گوید کشت و درود

دراداید

۱۹۷۲

در خواب بوقت خویش امر حق الجاری آورد و با درویش ان غیر کند از مال خویش قوله تعالی
واتوا حقه یوم حصاده و اگر آن چیز که میدید و مردود دید عاقبت کارش
نیکو نبود گشتن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سر از تن جدا کرد اندر روز
بدان کس خیر و نیکی رسد و معبران گویند کشته بر کشنده ظلم و بیداد کند اگر بیند که وی را بکشته
عمرش دراز بود کرمانی گوید اگر بیند که کسی وی را بکشت خیر و منفعت یابد اگر بیند که
گروهی وی را بظلم بکشتند دلیل که وی را از سلطان خیر و منفعت رسد قوله تعالی
و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا اگر بیند که کسی
وی را بظلم بکشت دلیل که عاصی و ظالم باشد و باری تعالی کسی بروی گمارد تا مکافات
کند قوله تعالی ثم بغی علیه لینصرنه الله مغربی گوید اگر بیند که فرزند خود را
بکشت دلیل که روزی حلال یابد قوله تعالی و لا تقتلوا اولادکم خشیة
املاق نحن نرزقکم و ایاهم و نیز گویند ستم بر فرزند از بهر مال در خواب غیر دیدها
اگر بیند که کسی را بکشت و خون از تن روان شد بقدر آن مال یابد اگر بیند که تن
خود بخون آلوده گشت از مال در حرز بوی دهد اگر بیند که خون سفید روان شد دلیل
که دین کشنده برود جعفر صادق گوید اگر بیند که ستوری یا چیزی از حشرات بکشت
بر خصم خود ظفر یابد و بد انکه کشنده و خونخواره در خواب مردم عذاب کشتنی دانی
گوید کشتی در خواب غم و اندیشه باشد یا زندان یا کاری که از آن رنج و بلا بدو رسد حافظه
از کشتی بیرون نیاید یا کشتی در میان دریا فرو ماند ابن سیرین گوید اگر بیند که در کشتی بود
و بسلامت بیرون آمد از رنج و غم برهد قوله تعالی فانجیناه و من معه فی
الفلک جمیعا اگر بیند که در دریا در کشتی هلاک شد بدست قوم هلاک شود اگر
بیند که کشتی وی بزمین خشک بماند در رنج و بلا گرفتار شود اگر بیند که کشتی غرق
شد و او بسلامت بماند مالش تلف شود و او بسلامت بماند اگر بیند که کشتی

پاره پاره شد بسبب بد مقصود نرسد اگر بیند که در کشتی بجای بلند نشسته بود کشتی
در میان دریا میرفت او را از پادشاه و بزرگان قربت و منزلت پیدا شود اگر بیند
که در میان دریا با کشتیها و کالدعی گشت دلیل که بسفر رود قوله تعالی وله الجوار المنشآت
فی البحر کالاعلام اگر بیند که کشتیها ایستاده بود در سفر دیر ماند بلکه در سفر مقیم
شود اگر بیند که در کشتی نشست و باد در جوش می آید و کشتی را خوش میگرداند از غم و اندوه
فرج یابد اگر بیند که کشتی بایستاد و از همه جانب موج بکشتی می آید دلیل که دریا غمی پیش آید
که بیم هلاک بود قوله تعالی وجاءهم الموج من کل مکان اگر بیند که کشتی
از پیش میرفت و او نتوانست بدان کشتی رسیدن در کاری شود از بعد وی فتت
خلاص یابد قوله تعالی تجری لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله
اگر بیند که کشتیها در دریا میرفتند دلیل که پادشاه آن عهد رسولان بجایها فرستند اگر بیند
که کشتیها غرق شدند دلیل که رسولان باز دارند مغربی گوید اگر بیند که کشتی وی
بدریا غرق شد داند که ملک وی برود وی را بیم هلاک بود اگر کشتی وی نبود هلاک وی
نباشد اگر بیند که با کشتی نشسته بود از دریا بیرون رستند پیش پادشاه مقرب شود و بقدر آن
کشتی منفعت یابد اگر بیند که در کشتی ایمن نشسته بود وی را از پادشاه بیم بود اگر بیند
که در دریا کشتیها آراسته بود بجامهای ملون پیش پادشاه مقرب شود اگر بیند که
کشتی بقعر دریا فرو شد از پادشاه

گردد گر ملائی گویند اگر ببیند که سته چهار رکمر داشت بر میان او را مال و حشم بسیار شود و نیز

گویند

گویند عمرش دراز شود اگر بیند که کمر بر بود و او بند و در میان بست بسفر رود اگر
بیند که کمر از میان وی بگسست و بیفتاد یا ضایع شد مال و نعمت از وی زایل شود و معبر
گوید اگر بیند که کمر شمشیر بزر و سیم آراسته بود مال و نعمت یابد اگر بیند که شمشیر او مرصع بود
مهتر شود و اهل بیت از و توانگر شوند اگر کمر شمشیر از آهن یا از زیر آراسته بیند هم
دلیل خواسته بود اگر بیند که کسی او را کمر شمشیر بخشید از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق گوید دلیل
کمر در خواب بر شش وجه بود اول از قبل پدر یا برادران دوم فرزند سیوم برادر چهارم جاه و
چهارم عمر دراز پنجم یافتن مراد ششم پاکی دین اگر بیند که کمر در میان بسته داشت انصاف
از خصم بستاند یا نیمی از عمرش گذشته بود کم شدن ابن سیرین گوید اگر بیند که کم شد از آن موضع
که او بود ضایع ماند و قدر او بدانند اگر بیند که عیال یا فرزندش کم شد جهت ایشان غمگین
شود و معبر گوید اگر بیند که چیزی از وی کم شد اگر آن چیز تا دلیل نیک بود غم و اندوه
و اگر بد بود غم و اندوه از وی زایل شود و کارش بنظام گردد کمند ابن سیرین گوید اگر
بیند که کمند بینداخت و مردی را بگرفت دلیل که به اندازه کمند از وی ابنا یاری خواهد اگر کمندش
از رسن بود یاری از مردی مومن خواهد اگر کمند از پوست گاو بود از مردی عامی مدد خواهد
اگر کمندش از موی خوک بود یاری از کافری خواهد اگر بیند که چون کمند بینداخت و در گردن
مردی آمد و یاری مرتعش خواهد اگر بیند که کمند در میان او افتاد یاری از مردی منصف خواهد
معبر گوید اگر بیند که کمند انداخت و در دست آن مرد افتاد یاری از مردی مسافر خواهد
اگر بیند که کمند بینداخت و خصم را نتوانست گرفت ایمنش وی را یاری ندهد کنار
ابن سیرین گوید کنار در خواب ملال بود بی غش و از میوه ها هیچ میوه را حیث آن حاجت نباشد و
گویند میوه آدم علیه السلام در بهشت کنار بود اگر بیند که کنار خورد بقدر آن مال حلال
کند حاجت چون بوقت خورد جعفر صادق گوید کنار در خواب مال حلال و روزی فراخ بود
اگر بیند که بر خوارزد داشت مالی و نعمتی بسیار او را حاصل شود از جایی که امید ندارد گناه

ابن سیرین گوید اگر بیند که گناه میکرد و نداند چه بود در فتنه افتد کرمانی گوید گناه کردن در خواب
با هم معصیت بود چنانکه در بیداری توبه کردن باید تا کار خوشی لطف الله آید گنبد ابن سیرین گوید گنبد در
خواب زن بود اگر گنبدی پاکیزه و داند که ملک اوست زنی خوب روی خواهد کرمانی گوید گنبد در
خواب شرف و بزرگی بود اگر بیند که در گنبدی مقیم شد بقدر بلندی گنبد بزرگی یابد و گوید
اگر خود را در گنبد بلند بیند خیر و منفعت یابد جعفر صادق گوید گنبد در خواب بر چهار وجه بود
اول زن دوم بزرگی سیوم منفعت چهارم عز و جاه گنج ابن سیرین گوید اگر بیند که گنج یافت
بیمار شود یا رنجی بر دل او رسد اگر بیند که گنج ضایع شد تاویلش بخلاف این بود
معبری گوید گنج یافتن در جایگاه خراب ضعیف باشد که در جای آبادان نسبت آنکه
جای خراب بیمار هلاک شود و جای آبادان زود شفا یابد گنجشک ابن سیرین گوید
گنجشک در خواب مالی بود که هر روز زیادت شود اگر بیند که گنجشک داشت و ازو می خورد
بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند که گنجشک بکسی داد بقدر آن آفت رساند
اگر بیند که گنجشک خورد و طعم آن با خوشی بود بقدر آن مال حلال یابد و بعضی گفته اند
مضرت بیند کشته ابن سیرین گوید کشته بیر در خواب دنیا باشد و کشته بیر مسلمان
که خانه آراسته باشد مال حلال بود و کشته بیر کافر که خانه خراب بود مال حرام بود
و نیز گویند کشته بیر بستیره خوردی و نیکو جامه بتاویل این جهان و آن جهان باشد اگر بیند
که کشته بیر مسلمان در فربه بر زنی خوبست یا دولت که ملک اوست مال و نعمت از
حلال حاصل کند اگر بیند که زنی کشته بیر داشت و او را از خانه بدر کرد یا طلاق داد
بترک دنیا گوید و راه آخرت گیرد اگر بیند که با کشته پیری جمع معاشرت کرد مراد و شادی
یابد گندم ابن سیرین گوید اگر بیند که گندم می خورد از نهر قصود ازو خورد اگر بیند که
میخورد مالی خورد تا کسی خدمت کند معبری گوید اگر بیند که گندم داشت عملش بشود زیرا که
تلخ است و در تاویل اندوه باشد ابن سیرین گوید گندم در خواب بیماری باشد که زود

شفا یابد

شفا یابد اگر بیند که گندم بسیار در سبب بیماری دراز کشد اما شفا یابد کرمانی گوید
اگر بیند که گندم پخته می خورد در رنج و اندوه گرفتار شود اگر بیند که گندم سبز بینی فراخ رحمت
و حجت طلب آورد و حاجتش بدشواری برآید گندم ابن سیرین گوید گندم در خواب مال
حلال بود و لکن برنج و مردم رسد اگر بیند که گندم می خورد حاجی و دین دار بود اگر بیند که گندم
پخته می خورد غم و اندوه یابد اگر بیند که دهان او تا شکمش پر گندم خشک بود و خبر نیش
با خیر باشد کرمانی گوید اگر بیند که خوشه های گندم می خورد در آن دیار قحطی پیدا شود
سبع سنبلات خضر و اخر یابسات
در آن دیار علم ارزان شود جعفر صادق گوید که گندم خوردن در خواب سه وجه اگر بیند که گندم مغشوش
بود ملال و معزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم عزیمی اسمعیل بن اشعث گوید
اگر بیند که گندم بوقت حاجت می خورد توفیق طاعت یابد اگر بیند که گندم بریان کرده می خورد
هیچ خیر در آن نبود اگر بیند که گندم بوقت حاجتی درو و مالی لیبر از جهت حاصل
کنند دلالت فروشی مردی بود که دنیا را بر دین اختیار کند گندم نان دانیال گوید
گندم نان در خواب مردی بود که مردم او را بدوست دارند ابن سیرین گوید گندم نان در
خواب مالی حرام بود دلگفتار زشت اگر بیند مصلح و مستور باشد مال حرام
حاصل کند و نحوی زشت گوید در خوردن گندم نان منفعتی نباشد گندم دله
مکسی ایکسی بود اگر بیند که گندم دله در کشت رسولی برسی او آید و او را بشارت دهند
و از زبان مراد شی حاصل شود خاصه بوقت روز بینی کرمانی گوید گندم دله مال حلال
بود که حاصل کند کنشت ابن سیرین گوید اگر بیند که در کنشت شد و از سوی
قبله نماز کرد عاقبت کار توبه کند و بخدای تعالی باز گردد اگر نماز سوی قبله جهودان
کرد هوای جهودان داشته باشد جعفر صادق گوید دسلام کنشت و کلیسا در خواب
مصلح را جای عبادت و نیکی باشد و مفسد را جای فساد کند ابن سیرین گوید

اگر بیند که گنگ بوقت خود می خورد غم و اندوه بر وی زیادت شود و گنگ در خواب خوردن
نفعی نباشد اگر بیند که گنگ درشت و غمی خورد و اندوه کمتر بود و گنگ اگر زرین بود
اگر بیند که گنگ شده بود درویش و بد حال گردد و کرمانی گوید اگر خود را در خواب گنگ
بیند تباهی و نقصان دین وی بود چنانکه حق تعالی فرمود صم بکم عمی فهم
لا یرجعون جعفر صادق گوید دیدن گنگی در خواب بر هفت وجه بود اول درویشی
دوم بد حالی سیوم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال
هفتم نقصان دین اگر گنگی بیند که گر شد کار بسته بر وی گشاده شود کنبه
ابن سیرین گوید کنبه در خواب عیال مردم بود اگر بیند که کنبه اندر پیش او آمد خود را بقدر
آن عیال از آن بوی رسد اگر بیند که کنبه چهار پایان کنبه بسیار بود مردم از
چهار پایان او فایده بیند معبر گوید اگر بیند که تنها از خود دور می اندازد
عیال از خود دور کند جعفر صادق گوید دیدن کنبه در خواب بر سه وجه بود
اول عیال بسیار دوم خدم و حشم سیوم مال و خواسته اگر بیند که کنبه منکشفت
نقصان اینها باشد که بیان کرده شد کنیزک ابن سیرین گوید کنیزک در خواب
خیر و نیکی بود بقدر جمال او اگر بیند که کنیزکی خوب روی فربه داشت چیزی پنهان بدو رسد
لیکن از آن چیز منتفع شود کرمانی گوید کنیزک خوب در خواب سال نیکو است اگر بیند
که کنیزکی بخرید دلیل که وی را خیر و نیکی رسد اگر بیند که بفروخت تاویل
بخلاف این بود معبر گوید اگر بیند که کنیزک برهنه بود زیانی بدو رسد
اگر بیند که کنیزکی خوب روی بخانه او آمد منفعتی بدو رسد و کام دل بیابد
کهربا ابن سیرین گوید کهربا در خواب بیماری بود اگر بیند که کهربا داشت بیمار
شود و زود شفا یابد اگر بیند که کهربای بسیار داشت بیع و سختی منفعت یابد و توفی

١٠٤٧

منفعت اندک باشد و در خور کشتی کوارش ابن سیرین گوید کوارش در خوردن چیزی شیرین باشد
منفعت و شادی بود و چیز ترش و تلخ نشان غم و اندوه بود و کوارش که بوی او خوش باشد
دلیل بر مدح و ثنا باشد و آنچه بوی ناخوش بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید کوارش ها
شیرین خوردن غم و اندوه بود و کوارش داروها دلیل منفعت دینی کند و کوارش عود و
عنبر ستایش بود کوال ابن سیرین گوید کوال در خورد دل مرد عالم بود و چیزها که در وی باشد
از خیر و شر و بدین قول دلیل آرند که امیر المومنین علی کرم الله وجهه فرمود ان القلوب
اوعیة خیرها اوعاها مغربی گوید کوال چون فراخ بود و بزرگ باشد دلیل
منفعت بسیار کند و کوچک و تنگ منفعت اندک کند کودانها که در خور بینند بهتر از کودانها
خرما بود و بعد از آن کودان بادام و بعد از آن کودان باقلی و کودان خشخاش اگر بیند که کودانی
حرام می خورد مال از ناپسند از دوست دل بود اگر بیند که کودان بادام میخورد نقد
مال و نعمت از مردی بخیل حاصل کند اگر بیند که کودان باقلی میخورد از مردی پارسا منفعت
یابد اگر بیند که کودان خشخاش خورد منفعت کمتر یابد مغربی گوید کودانها آنچه شیرین و خوش
طعم بود دلیل منفعت بود و آنچه ناخوش بود تاویلش بخلاف این بود گور دانیال
گوید گور تاویلش زندان بود اگر بیند که گوری از بهر خود کند احوال بروی تنگ شود
و بعضی گویند در آن موضع که گور بکند از بهر خود سرای کند اگر بیند که وی را در گور کردند معیشت
بروی دشوار شود و نیز گویند سفر رود و در آنجا ... یابد قوله تعالی ثم اماته فاقبره
ثم اذا شاء انشره اگر بیند که او را در گور کردند و خاک بروی بکنند دلیل بر دینش
تباه شود و بی توبه بمیرد ابن سیرین گوید اگر بیند که خود در گور نهاد او را زندان کنند و اگر بیند
که در گور بمرد در زندان بمیرد و اگر بیند که در بام گور او می آمد و او را اندکی او زار گردد
اگر بیند بر سر گور رفت ... دلیل که بر گناه منقسم شود مغربی گوید اگر کسی خود را در
گور مرده بیند و منکر و نکیر ازو سوال کنند دلیل که پادشاه آن دیار او را مطالبت کند

اگر خواب بیند گور بکند و از رستگاری یابد از پادشاه و اگر خواب خفتن دارد بعمل باد و شاه [illegible]
اگر بیند که مرده از گور بیرون آورند و بردار کنند و دیگر در گور نهادند باشد [illegible]
چنانکه وجه و بعد ازان نزیران کنند اما این خواب اگر بازرگان بیند جانب او با بار در
باشد و شمار هر کس با جنس خود معبر باید که لطایف این چیزها نیک بداند تا خطا نکند
نفتد گورستان ابن سیرین گوید گورستان در خواب صحبت بود با جاهلان که دین و دنیای
ایشان [illegible] بود و غم و شمار کرمانی گوید اگر بیند که زیارت اهل گورستان میکرد اهل
زندان را زیارت کند و اگر بیند که بر سر گورستان نماز بر اهل گورستان را رحمت [illegible] از حق
معبر گوید اگر توانگر بیند که در گورستان معرفت و بر گورها سلام میکرد درویش گردد چنانکه گدایی
کند زیرا که گورستان جای نفقه است اگر بیند که در گورستان معروف مردگان از گور برخاسته بودند
اهل آنجا را بلا و محنت رسد اگر بیند که در گورستان گورها باز میکرد و بعضی مرده دید بعضی زنده
دلیل که دران دیار بلا و محنت و [illegible] پدید آید جعفر صادق گوید گورستان در خواب بر سه وجه
بود اول زندان دوم تخم سیوم محنت و بلا کوزه کوزه مالی بود که برنج و سختی حاصل شود ابن سیرین
گوید اگر بیند که کوزه بازار میکرد یا در دست داشت با کسی خصومت کند معبر گوید هر کوزه
که تلخ شده بود مال حرام بود که بدو رسد بقدر کمی و بیشی و اگر کوزه بطعم خوش بود دلیل بر
مال حلال بود و اگر بیند که کوزه می شکست از فرزند مال کم گردد معبر گوید اگر بیند که کوزه
داشت از فرزند یا خادم چیزی بدو رسد اگر بیند که کوزه بسیار داشت ویرا با کسی خصومت افتد اگر
بیند که مغز کوزه تلخ و نا خوش بود از فرزند یا خادم جفا شنود و اگر بیند که از مغز کوزه روغن بر دی
آورد از مردی بخیل منفعت یابد کوزه هندی ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی کوزه هندی بدو داد
سخن فال کرد و منجم شود و اگر بیند که کوزه هندی می خورد سخن فال گیر راست [illegible] و بعضی گویند کوزه
هندی خوردن مردی زیرک بود یا کنیزک هندو کرمانی گوید اگر بیند که کوزه هندی می خورد از علم
سخن منجمان باشد کوزه بویا ابن سیرین گوید کوزه بویا صلاح دین بود و دانستن علم [illegible]
اگر بیند که کوزه بویا

و اگر بیند که کوزه بویا خورد مصلحت کاری اختیار کند و علم شریعت آموزد کرمانی گوید اگر بیند که کوزه بسیار داشت و هر چیز و هر مردم میداد در علم و حکمت یگانه شود و از آن علم او را منفعت بود اگر بیند که از آن چیزها که خواسته بخورد و بلیس بندارد از آن علم نه منفعت روی بدو رسد و نه به دیگران و بعضی گفتند خوردن کوزه بویا دلیل بر تعلیم علم نجوم کند که محیی ابن سیرین گوید کوزه پاک بود که بمکر و حیلت بدست آرد و اگر بیند که بکوی هیچ راه نشد که راه بیرون آمدن نبود بمکر و حیلت او در کار افکنند که از آن به دشواری برآید هر چند کوه و خبر بود آن کار صعبتر بود اگر بیند که بماند بر در آن بود درد از و چیزی برد کرمانی گوید اگر بیند که کوی پاک جای کند با مردم بمکر و حیلت سازد اگر بیند که در آن کوی آب پدید آمد بحیلت چیزی بدست آورد و بدان معیشت کند اگر بیند که کوی را نهرسیم کنده بود انجام تقسیم آن کس باشد مغربی گوید اگر بیند که در کوی افتاد و بیرون نتوانست آمدن در کاری مستور مانده بود و خلاص نیابد و اگر بخلاف این بیند از آن کار برسد کاری بباید کوزه ابن سیرین گوید اگر کوزه که از سفید روی یا مس در خواب خادم باشد و اگر کوزه سفال بود داشت کنیزکی خوب روی حاصل کند اگر بیند که حوالی کوزه که از کوزه آب خورد یا کنیزک جمع شود و اگر بیند که آن کوزه بشکست کنیزک بمیرد مغربی گوید اگر کوزه در خواب بیند مال و نعمت باشد اگر بیند که کوزه زرین داشت یا سیمین و برای آن و حمایت حاصل شود اما در آن مال تهمتی باشد اگر بیند که کوزه سفید روی یا قلعی داشت مال و نعمت بود و کوزه آهنین مال اندک بود جعفر صادق گوید کوزه در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال اندک هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت زنان کوساله ابن سیرین گوید اگر بیند که کوساله بزرگ داشت دلیل کند و برا پسری آید و اگر ماده داشت او را دختری آید اگر کوساله بسخت خرد بیند بیم و فکر بود و اگر بیند که کوساله بخانه برد و بر دوش می مالید اندوه گین شود کرمانی گوید اگر بیند که کوساله در زمین اوفتاده شد مبتلا بخم و اندوه باید اگر بیند که کوساله دشتی داشت و برا پسری آید اگر بیند که بر نشست کوساله نشسته بود با پادشاهی حکم مونبد و از و بر ریک یابد مغربی گوید اگر بیند که کوساله را بمرد فرزند نش بمیرد و اگر بیند که کوساله او ضایع شد فرزند او را وی جدا شود اگر بیند که کوساله

را بگشت و از گوشت او بخورد میراث فرزند خورد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که گوساله
فرزند او خوب روی بود و پارسا اگر بیند که سیاه بود فرزندش توانگر و مستور و مبارک بود و اگر ابلق بود
از هر چیزی در وی موجود بود اگر بیند که گوساله او نیکوی و فربه بود فرزندش تن درست و نیکو بود و اگر بیند
که ضعیف و لاغر بود تاویلش بخلاف این بود گوسفند ابن سیرین گوید گوسفند در خواب
غنیمت بود و اگر بیند که گله گوسفند را می چرانید بر گروهی بزرگ و مهتری یابد اگر بیند که بعضی از گوسفندان
سفید اند و بعضی سیاه دلیل که از آن گروه که وی را ایشان مهتری باشد بعضی از عرب و بعضی از عجم باشد
اگر بیند که گوسفند بسیار داشت و دانست که ملک اوست او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که
گوسفندی بر گردن گرفته بود دلیل که امانت کسی بر گردن گیرد و اگر بیند که گوشت گوسفند پخته می خورد
بقدر آن او را غنیمت رسد اگر بیند که گوسفند بریان کرده می خورد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که گوسفند
بکشت از جهت خوردن خود بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد کرمانی گوید اگر بیند که بز میش داشت
او را با بزرگی صحبت افتد و از وی بزرگی یابد اگر بیند که بز میش را گلو ببرید و در بار کرد بر بزرگی ظفر یابد
و مالش بستاند اگر بیند که بر بز میش نشست و او مطیع و فرمان بردار بر بزرگی چیره گردد و اگر بیند که
بز میش بر وی غالب شد تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که سروهای بز میش بشکست بر آن که ضعیف
آن مرد گردد و بر وی قادر شود اگر بیند که سروهای بز میش دراز و قوی بود دلیل که آن مرد توانا و قوی گردد
اگر بیند که پشم بر تن بز میش را بافت بقدر آن مرد را مال را بافت شود و اگر بیند که پشم بز میش می برید
از بهر او بقدر میش مال یابد اگر بیند که بز میش بسیار او را حاصل شد و دانست که ملک اوست
بقدر آن بر بزرگان حکم کند و از ایشان منفعت یابد و گویند بعد و هر میشی سالی بود که نیکو کند مغربی گوید ماده میش
در خواب زنی بزرگ و کریم بود که حق تعالی فرمود ان اخی له تسع و تسعون نعجة
ولی نعجة واحدة اگر بیند که ماده میشی داشت زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد و
مال از وی حاصل کند اگر بیند که آن ماده میش از خانه بیرون شد یا ضایع شد زن از وی جدا شود
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که ماده میشی را گلو ببرید زنی مستوره را بهتان نهد اگر ماده میش
سیاه بیند

سیاه بیند آن زن عرب بود و اگر سفید بود عجم بود و پوست گوسفند ان غنیمت و مال بود
و جلاب گوسفند جمع کنندهٔ مال بود اگر بیند که گوسفند زنا وی سخن گفت زود بروی فراخ
شود جعفر صادق گوید دیدن گوسفند در خورش بر پنج وجه بود اول مهتری دوم زندگی
سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه و منفعت دانیال گوید گوشتها دانیال گوید گوشتها
که پخته خورند دلیل نعمت بود که برنج بدست آید و خرید و فروخت گوشتها در خورش
به غم و اندوه بود ابن سیرین گوید خوردن گوشت پخته در خورش بهتر از خام بود و اگر بیند که گوشت
تن خود را می خورد غیبت اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند که از آن پشیمان
شود اگر بیند که گوشت مردم می خورد غیبت مردم کند بنا حق و لقوله تعالی ایحب احدکم
ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه اگر بیند که گوشت
مردی که بردار کرده بودند می خورد مال حرام خورد اگر بیند که گوشت گوسفند فربه پخته بود
و می خورد مال و نعمت یابد اگر بیند که گوسفندی آوردند مسلوخ و بخانه برد کسی مرین
در اینجا بمیرد اگر بیند که برخی از اندام گوسفند در خانهٔ او آوردند کسی در آن خانه هلاک شود
اگر پهلو بود زن هلاک شود معبری گوید گوشت فربه بهتر از گوشت لاغر اگر بیند که
گوشت تازه همی زد غیبت او کند اگر بیند که گوشت بریان خورد بقدر آن از وی یابد
به غم و اندوه اگر بیند که گوشت تازه بخرید و بخانه برد هلاک او بود کرمانی گوید اگر بیند که گوشت
اژدها خورد بقدر آن مال دشمن خورد و دشمن را قهر کند اگر بیند که گوشت اسب خورد
میان مردم نیک نام شود و از پادشاه راحت یابد اگر بیند که گوشت شتر بچه خورد مال
لئیمی خورد و رنجور شود و عاقبت شفا یابد اگر بیند که گوشت اشتر خورد از مال دشمن
بدست آورد اگر بیند که گوشت اشتر مرده خورد بقدر آن از مال مرد ستمگاری بدست آرد
اگر بیند که گوشت اله خورد از پادشاه ستمگار درم یابد و دینار اگر بیند که گوشت آهو
خورد بقدر آن از زنی منفعت یابد اگر بیند که گوشت ببر خورد از مال دشمن خورد

حاصل شود اگر بیند که گوشت پرستو خورد مال یابد اگر بیند که گوشت جغد خورد مصیبت
یابد و بیمار شود و نیز گویند مال دشمن خورد اگر بیند که گوشت بط خورد مالی تمام یابد اگر
بیند که گوشت پلنگ خورد از حاکم نام آور و شرف و بزرگی یابد اگر بیند که گوشت
گنجشک خورد از مال زنی یا از مال فرزند خورد اگر بیند گوشت بوزینه خورد رنجور شود
اگر بیند گوشت فیل خورد از پادشاه مال یابد اگر بیند که گوشت تذرو خورد از مال
مردی عیار خورد اگر بیند که گوشت جغد خورد از پادشاه ستمکار رحمت یابد اگر بیند که گوشت
چغد خورد اگر بیند که گوشت خر خورد مال بسیار یابد و اگر بیند که گوشت خرگوش خورد از
زنی مال اندک خورد و بعضی گویند مال میراث یابد اگر بیند که گوشت خروس خورد بمقدار آن
از مردی عجمی راحت یابد اگر بیند که گوشت خرچنگ خورد از جای دور مال یابد اگر بیند که
گوشت خوک خورد مال حرام یابد و در طاعت سست باشد اگر بیند که گوشت دراج خورد
مال زن بستاند اگر بیند که گوشت راسو خورد از مال دزد روزی او شود اگر گوشت [illegible]
خورد زود بیمار شود یا ترسی بوی رسد اگر گوشت زاغ خورد از مال مردی فاسق خورد اگر بیند
که گوشت سنگخواره مال مردی ابله خورد اگر گوشت سوسمار خورد مال یابد بزحمت
اگر گوشت سار خورد از مال مردی که سفر بسیار کند راحت یابد اگر گوشت سگ خورد بر دشمن
ظفر یابد اگر بیند که گوشت سنجاب خورد مال مردی غریب خورد اگر گوشت سیمرغ خورد از
بزرگی راحت یابد اگر گوشت شاهین خورد از مردی ستمگر منفعت یابد اگر گوشت شترمرغ خورد
با کسی گمراه پیوندد اگر گوشت شغال خورد با خویشان خصومت کند بسبب تجارت اگر گوشت
شیر خورد از سلطان مال یابد اگر گوشت طاوس خورد مالی تمام یابد اگر گوشت طوطی خورد
علم آموزد و دیر منفعت نکند و اگر گوشت فنک خورد مال زن بستاند اگر گوشت قمری خورد
بقدر آن از زنی خوب روی راحت یابد اگر گوشت گاو خورد معیشت بروی فراخ شود

دادند

اگر گوشت چاموش خورد همچنین بالویل دارد و کارش مطاع بود اگر بیند که گوشت
بکاو دشتی خورد از مال زن و کنیزک راحت یابد اگر گوشت کبوتر خورد از مال اهل خانه
بهره مند گردد اگر گوشت گربه خورد از سفر دور راحت یابد اگر گوشت گرگ خورد
از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر گوشت کشف خورد از عالمی علم آموزد اگر گوشت
کفتار خورد دیره زنی بروی جادو کند اگر گوشت کلازه خورد مال مردی سفیه خورد اگر گوشت کلاغ
خورد مال مردی بیابانی خورد اگر گوشت خرگور خورد نعمت بسیار یابد اگر گوشت ماکیان خورد از مال
کنیزک یا خادم راحت یابد اگر گوشت ماهی خورد مال زن خورد اگر گوشت مرغ آبی خورد
کرگس خورد ولایت یابد اگر گوشت مرده خورد آن مرده را به بدی یاد کنند اگر گوشت لک لک
خورد و بلا بدو رسد اگر گوشت هدهد خورد از مال مردی زیرک راحت یابد اگر گوشت همای
خورد بعد زان از پادشاه راحت یابد و کارش بلند شود اگر گوشت هزار دستان خورد بعد از آن
از مال زن یا فرزند یا غلام منفعت یابد اگر گوشت واشه خورد از مال دشمن خورد جعفر صادق
گوید گوشت جانوران در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم میراث سیوم اندکی چهارم نصیب
و اندوه گوش اگر بیند که گوش وی بیفتاد یا بریده شد او را طلاق دهد یا دخترش بمیرد
و بعضی گویند اجلش نزدیک باشد اگر بیند که گوش او کر شد در دین او خلل افتد زیرا که شنوایی بدین
و دیانت تعلق دارد جعفر صادق گوید دیدن گوش در خواب بر هشت وجه بود اول
زن دوم دختر سیوم دوست چهارم رفیق پنجم پسر ششم غلام هفتم مال و خواسته هشتم
ترس و بیم گوشوار از این سخن گوید اگر بیند که در هر دو گوش گوشواره داشت نزد مردم
زینت و جمال او افزون شود اگر بیند که در هر دو گوش مروارید گران مایه آویخته بود علم
و قرآن آموزد و دانا شود اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در دیگر نبود علم و قرآن
بیاموزد کرمانی گوید اگر بیند که در هر دو گوش گوشواره داشت بزرگی و جاه یابد اگر مرد زن
خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر و دیگر از سیم او را طلاق دهد جعفر صادق گوید

دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند حلال دوم آموختن علم قرآن سیم کنیزک
و جاه چهارم غم و اندوه بسبب طلاق دادن زن کوشک ابن سیرین گوید اگر بیند که در کوشک
شد دلیل که مال و خواسته جمع کند خاصه کوشک از خشت خام و گل بود اگر کوشک از گچ
و آجر بود مال یابد اما در دین وی نقصان بود اگر بیند که پادشاه کوشک بدو داد از پادشاه
مال یابد کرمانی گوید اگر بیند که کوشک او خراب شد مال و نعمت او تلف شود اگر بیند که آتش در کوشک
او افتاد پادشاه وی را مصادره کند جعفر صادق گوید دیدن کوشک در خواب بر شش وجه بود اول
نعمت دوم ولایت سیوم مرتبت چهارم ریاست پنجم مراد و ارث ششم پادشاهی بقیمت آتش
ش دو چیز می بقدر بلندی کوشک گردد ابن سیرین گوید غم و اندوه بود در دیدن او چیز شود کودک
کودک شدن در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که کودک شده بود و در مکتب چیزی میخواند بغم و اندوه
گرفتار شود زیرا که کودک صلاح از فساد ندانند و بعضی گفته اند اگر خود را کودک کار نیش ضعیف بود
شود گوید اگر بیند که کودک را بریان کرده گوشت او بنهادند و میخوردند دلیل که چیز بسیار یابد کرملا
گوید کودک خوب روی فرشته بود و کودک زشت روی منفعت اندک بود اگر مردی بیند که
که کودک شیرخواره شد بود از مقصود باز ماند اگر مردی بیند که کودکی را شیر میداد او را در زندان
کنند یا در خانه بر روی بندند اگر بیند که زن او کودکی را شیر میداد بوقت او زن بیمار بود
کوه دانیال گوید اگر خود را بر کوهی بیند و داند که آن کوه ملک او نیست در پناه بزرگی رود اگر
بیند که کوه را از جای برکند بزرگی را قهر کند اگر بر کوهی مقام ساخت از بزرگی عزت یابد اگر بیند
که بالای کوه میشد بقدر آن بزرگی و جاه یابد اگر بیند که بدشواری بالا می‌شد اندوهی بدو رسید
اگر بیند که بر سر کوهی ایستاده بالستاد بقدر بلندی کوه جاه و حرمت یابد اگر بیند که بر سر کوهی مقام
ساخت در پیش پادشاه مقرب شود ابن سیرین گوید اگر بیند که بر سر کوهی نماز کرد یا بانگ گفت کار
او بالا گیرد و مغربی گوید بر بالا شدن کوه یا کوشک مقصود که دارد بیابد اگر بیند که بزیر
آمد تاویل این بخلاف بود اگر بیند که بر دامن کوه بنشست اندوهگین شود اگر بیند که دامن

کوه بلرزد

بر شکوه نماز کرد و کاری کند که موافق دین نبی باشد اگر بیند که در کوه مردی زاهد بود از کن یابد بارت

چه بیند یابد اگر کوه بجنبد یا بیفتاد بعد از آن قرار گرفت بر آنجا دران دیار رنجور شود و شفا

یابد اگر بیند که کوه میکنند و کندن کوه بر وی آسان بود کسی چیزی بوی دهد اگر بیند که کوه از

جنگ بود او را با مهتری چنین طمع بود اگر بیند که بر کوه قاف نشسته بود اجلش

نزدیک بود اگر بر کوه طور بود پادشاه او را اعتماد کند و مرادش حاصل شود اگر بیند که بر

کوه عرفات بود توبه کند و از پادشاه راحت یابد و از گناه پشیمان شود اگر بیند لبنان

بود او را با علمای و فضلای صحبت افتد اگر بیند که بر کوهی تاریک بود او را بیم هلاک بود

اگر بیند که بر کوهی درشت اجلش نزدیک بود یا در زندان گرفتار شود اگر بیند که بر سر

کوهی روشن بود از پادشاه مال یابد اگر بیند که بر کوهی بر سنگ میرفت بد بشنود و تیر مرا انداخت

میان دو بزرگ توسط کند اگر نیکو تیر انداخت سخن صواب گوید و اگر بد انداخت سخن جفا

گوید اگر بیند که در کوه سوراخ بود و در آن سوراخ شد او را از پادشاه آگاه شود اگر بیند

که از آن چیزی بیرون آورد از پادشاه عطا یابد بقدر آنچه بیرون آورد حافظ معبر گوید

اگر گوید که بر کوهی بالا می شد بخدمت بزرگی مشغول شود اگر گوید که از کوهها سنگ میگرفت

و هر جا می انداخت سخن بزرگی گوید یا دبیری کند و نامها پراکنده نویسد اگر بیند که از کوهها

دیگر سنگ می انداخت و بر وی میگرفت و بر کوه می نهاد دلیل که مالهای پراکنده بقهر جمع کند

اگر بیند که کوه بر کتف گرفته بود چون او را بر آنجا بنهد و مال یابد اگر بیند که از کوه بزیر افتاد

مرادش بر نیاید اگر بیند که بر کوه نردبانی بسته بود از گچ و آجر و او بدان نردبان بر سر کوه

شد مرادش زود حاصل شود اگر نردبان از گل و خشت خام نیکو بود اگر از مس بیند بد

اگر از آهن دید قوت باشد اگر از برنج دید مقصود حاصل شود اگر بیند که بر سر کوهی بلند

استاده بود مقرب پادشاه شود یا معتمدی بر او گردد و مال بسیار یابد جعفر صادق

گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود اول پادشاه دوم دبیری سوم ظفر چهارم بلندی پنجم

ربیعی باب گوهر ابن سیرین گوید گوهر در خواب زنی تواند با جمال بود اگر بیند که گوهری
داشت زنی خواهد اگر بیند که گوهر ضایع شد زن را طلاق دهد اگر بیند که گوهر می فروخت
بسبب زنان مشغول شود و دلالت کند بر دختر دوشیزه کند مغربی گوید گوهر سفید در خواب فرزند بود
اگر بیند که گوهر سفید بیافت فرزند آورد جعفر صادق گوید دیدن گوهر در خواب بر نه
وجه بود اول مال دوم علم مشهور سیوم فرزند معروف چهارم چیزی گرانمایه پنجم زن با جمال
ششم سخن مفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن چون خداوند خواب مستوره بود اگر
مستوره نبود مبشر بود و گوهر فروش تعبیر او باشد خداوند دین و علم و حکمت بود کوچه
ابن سیرین گوید کوچه در خواب چون آباد باشد دلیل خیر و منفعت بود خاصه کوچه مردم صالح اگر
بخلاف این بیند مضرت بدو رسد مغربی گوید اگر بیند که در کوچه فراخ مقیم شد کار بسته بر او
گشاده شود روزی بروی فراخ شود و اگر بخلاف این بیند کارها بروی بسته گردد و تنگ
روزی بود گور زدن ابن سیرین گوید اگر بیند که پادشاه گور میزند بر دشمن ظفر یابد اگر مردم عام بیند که
گور میزد با کسی او را خصومت افتد و سخنهای ناخوش شنود مغربی گوید گور زدن مردم پیر اگر نیکو
باشد و بغیر سیاه روا بود گیاه ابن سیرین گوید گیاه در خواب چون تازه بود دین یابد و روزی
فراخ اگر بیند که در میان گیاه ایستاده مقیم شد در راه دین ثابت قدم گردد اگر بیند که گیاه بر تن
او رسته بود یا درختی از تن وی برآمده بود دلیل که وی را خیر و نعمت رسد اگر بیند بر تن وی
گیاه چندان رسته که چشم وی را کور گردانید امر از تن او فکر شود اگر مرده را در گیاه
تازه بیند حال مرده نیکو [illegible] گوید اگر بیند که از صحرا گیاه بخانه آورد از سفر مال بخانه آورد
اگر بیند که گیاه از خانه بیرون ریخت مال را بخیر تلف کند اگر بیند که گیاه همی خورد بیمار شود
اگر بیند که گیاه بکند بقدر آن روزی بروی فراخ شود جعفر صادق گوید دیدن گیاه در خواب
بر شش وجه بود اول دین دوم مال سیوم فرزند چهارم ولایت پنجم [illegible]
ابن سیرین گوید اگر بیند که در کیسه درم و دینار چیزی بود بقدر آن معیشت بروی فراخ

شود

شود اگر بیند که کیسه وی تهی بود دلیل بر تنگی حال وی بود اگر کند و بعضی گویند چون کیسه تهی بود
اهل بیتش بر وی نیک باشند و نامش از جهان کم شود کرمانی اگر بیند که کیسه در دستش تهی بود نهاد
با مانت دلیل که امانت باز یابد اگر بیند که پیش کسی معروف نهاد دیر [illegible]
خصومت افتد زیرا که اصل درم خصومت است و در خبر آمده است که یکی نزدیک امیر المومنین
ابوبکر رضی الله عنه رفت و گفت کیسه در خواب دیدم گفت در خواب تن مردم بود
و درم سخن بود چون در کیسه هیچ نیافتی دیگر تو از دنیا برده گردد اگر بیند که کیسه خود [illegible]
کرد و همه درم بیرون آورد دیگر او از میان خلق منقطع گردد مغربی گوید اگر کیسه
خود دریده بیند راز او آشکارا گردد اگر بیند که کیسه خود را بدوخت راز وی پوشیده ماند
اگر بیند که کیسه او با درم ضایع گشت [illegible] شود اگر کیسه خود بزن داد یا به کنیزک
دل وی بکسی مشغول شود اگر بیند که کیسه را در [illegible] گونه بود عیالش دل با کسی دارد اگر
بیند که کیسه وی کشاده بود و درمها بر تخت ز خصومتها فارغ شود جعفر صادق گوید
دیدن کیسه تهی در خواب بر سه وجه بود اول تن مردم دوم راز نهان سوم درویشی
شدن گیسوان ابن سیرین گوید گیسوها در خواب دلیل عز و جاه بود کسی را که گیسو دراز
[illegible] و زنان و توانگران را مال و پادشاه را دلیل بر دولت [illegible]
بر فرزند خاصه مستور بود و علما و اهل تصوف را دوستی گرفته بود با اهل پیغمبر
علیه الصلوة والسلام کبک ابن سیرین گوید کبک در خواب دشمن ضعیف اگر بیند که
کبک وی را اگر بند از دشمن ضعیف سخنی شنود و برنجد اگر بیند که کبکی بکشت دشمنی را
قهر کند اگر بیند که کیکان بسیار بر وی جمع شدند و می گزیدند در زبان عوام افتد و از آن مضرت
یابد زیرا که کیک خون مردم میمکد و خون بتاویل مال بود مغربی گوید اگر بیند که کیکی
در گوشش یا در بینی وی شد و زحمت میداد بقدر آن مضرت یابد کنیکر ابن سیرین گوید
دیدن کنیکر و خوردن او در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که کنیکر داشت اندوهگین

شود اگر بیند که کیکر خورد نیم صعبتر بود اگر بیند که ملکی به وی داد غم و اندوه بوی رسد
و در خوردن او هیچ منفعت نباشد خرقه للام منی کردن الکی ملح العقیر
لباچه ابن سیرین گوید دیدن لباچه در خواب نیکوی دین بود خاصه سبز باشد اگر لباچه
سمور یا سنجاب سمور یا سنجاب بیند مردرا با دیانت پناه کرد مغربی گوید اگر بیند که لباچه
سبز داشت وی را از مردی دین دار منفعت رسد اگر بیند که لباچه سفید داشت از مردی
مصلح توانگر او را نفع رسد اگر بیند که کسی لباچه شخص بوی داد و در پوشید بقدر آن از
معاشر منفعت یابد اگر لباچه از دیبا بیند بیمار شود اگر لباچه کبود بیند اندوه و مصیبت یابد
اگر لباچه سیاه بیند و در بیداری پوشنده بود خیر و منفعت یابد اگر نپوشیده بود با خیر
و مضرت یابد اسمعیل اشعث گوید لباچه دیبا نقصان دین بود و زنان را ثنا دی
دخترمی و لباچه عبای زنان را و مردان را نیک بود خاصه که سفید بود و فراخی لباچه دلیل
بر خیر و منفعت بود و تنگی آن بر نقصان مال جعفر صادق گوید پوشیدن لباچه گریبانی
دشمن مردان را و زنان را بر چهار وجه بود اول زن نیک دوم امانت داری سیوم
صلاح کارها چهارم خیر و منفعت لباس ابن سیرین گوید اگر کسی لباس تابستان در فصل
زمستان پوشیده بیند خیر و منفعت بدو رسد بقدر قیمت لباس زمستان تابستان
پوشیده بود مالش زیادت شود اما رنجش و بیم بوی رسد و عاقبتش خیر بود اگر زنی
بیند که لباس مردان پوشیده بود خیر و منفعت یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که لباس او بدتر
ارزان بود که در بیداری کارش بد شود اگر نیکوتر بیند کارش بهتر گردد اگر بر تن خود لباس
مهترانه بیند بزرگی یابد اگر فاسقانه بیند گناه بسیار کند اگر بیند که لباس سلطان داشت
حالش نیکو گردد و کارش نظام شود مغربی گوید اگر بیند که لباس پادشاهانه داشت
از پادشاه منفعت یابد اگر لباس علماء داشت از علماء بهره یابد اگر لباس صوفیانی
داشت

بود اشت از دنیا دست بدارد و اگر لباس توانگران داشت بجمع کردن مال حرص
شود و اگر بیند که لباس جهودان یا ترسایان داشت دلش بان میل دارد جعفر
صادق گوید دیدن لباس در خواب بر هفت وجه بود اول دین پاک دوم توانگری
سیوم عز و جاه چهارم منفعت پنجم غنیمت ششم عمل هفتم عدل لبها
ابن سیرین گوید لبها بتاویل دلیل بود بر امداد حاجات و لب زیرین بهتر از بالائین
دلیل بود از معبران گویند لب بتاویل قرابت حیلتش بود و اگر بیند که لب بالای او نبود
مال وی نقصان کرد و لب زیرین همین بود و نیز گویند زنش بمیرد و اگر بیند که لب
بالای او ببرید مستهنیه بود و ابن سیرین گوید مالش تلف شود و اگر لب زیرین ببریدند از اهل
وی با زنان وی الهلاک گشت اگر هر دو لب خود افتاده بیند وی را مفلسی رسید از جهت
مادر و پدر و نیز گویند غمزه بود و اگر لبهای خود دردمند بیند غمگین و مستمند شود
و اگر لبها بهم دوخته بود چنانکه باز نتوانست کردن کارش بسته گردد و اگر بینی بر لب
خود خال سیاه بیند عز و جاهش زیادت گردد و اگر بیند مالش زیادت شود و مغربی گوید
اگر بیند که لب خود بدندان بگرفت و خسته کرد میان خویشان وی خصومت افتد
که بیم هلاک بود و اگر بیند که لبهاش سبز یا سفید بود از همه دوستان غم خورد و اگر بیند
که لبهاش اما سپید بود مالش زیادت شود و اگر بیند که لبهاش سرخ بود سخن او
روا گردد و اگر بیند که لبهاش ضعیف بود دعا گردد جعفر صادق گوید دیدن لب بالا
دلیل پسر بود و لب زیرین دختر لحاف ابن سیرین گوید لحاف در خواب زن
بود و اگر بیند که لحاف نو بخرید کنیزکی دوشیزه بخرد و نیز گویند زن خواهد اگر لحاف
او حال بشد کنیزک یا زن از وی جدا شوند اگر بیند که لحاف او درکن بود
عیال او شلیطه بود و مغربی گوید اگر بیند که لحافی نفیس نو درست زنی خواهد
دین دار و توانگر اگر بیند که لحاف سفید بود آن زن توانگر و پارسا بود و اگر
لحاف سبز بود آن زن عالمه یا زاهده بود و اگر زرد بود آن زن بیمار گونه بود

اگر لحاف بلون بود طرب و دوست بود اگر سیاه بینند آن زن فریبنده باشد جوالقی که به
دیدن لحاف در خواب بر چهار نوع بود اول زن عاقله پارسا بود دوم کنیزک
سیوم عز و جاه. لرزیدن ابن سیرین گوید اگر بیند که سر و تن می لرزید تنگی معیشت بود
و از پادشاهی محنت رسد اگر بیند که گردنش می لرزید در امانت ضعیف بود اگر
بیند که کتفهای وی میلرزید زینت او آهستگی ندارد اگر بیند که دستهای وی میلرزید
تنگی معیشت بود اگر بیند که سینه وی میلرزید از سختی اندوهگین شود اگر بیند که شکم وی
میلرزید از مردی که پناه او بود رنجی رسد اگر بیند که پاهایش میلرزید در معیشت رنج یابد
اگر بیند که جمله اندامهای او می لرزید سبب [illegible] کردن [illegible] بعد رنج و سختی یابد و اعمال نکوید
لرزیدن اندامها در خواب ترس و بیم بود جعفر صادق گوید دیدن لرزیدن در خواب
از اندامها بر چهار وجه بود اول ضعف الحال دوم ترس و بیم سیوم غم و اندوه
چهارم مضرت و بیماری. لرزیدن چیزها ابن سیرین گوید اگر بیند که آسمان
لرزید در آن دیار فتنه و ظلم بود اگر بیند که آفتاب یا ماه لرزید پادشاه آن دیار
را مضرت رسد اگر بیند که ستارگان لرزیدند آشوب و فتنه در نزدیکان
پادشاه افتد اگر بیند که زمین لرزید فتنه و بلا بود اگر بیند که کوه لرزید پادشاه
را مضرت رسد معبری گوید اگر بیند که عرش میلرزید دلیل بر فوت و فتنه دیانت
علما بود اگر بیند که لوح و قلم میلرزید دلیل بد حالی وزیران و اهل علم بود
اگر بیند که هفت آسمان میلرزید دلیل بر عذاب و خشم خدای تعالی بود
بر اهل آن دیار بسبب فسق. و اگر بیند که ماه یا آفتاب بر جهت ستارگان
می لرزید دلیل بر جنگ و خصومت پادشاه آن دیار بود و قتل و خون
ریختن اگر بیند که کوشک پادشاه یا سرای او می لرزید دلیل محنت و آفت ها
بدان موضع رسد اگر بیند که تن وی لرزید دلیل مصیبت و فوت دین بود
لرز

لشکر ابن سیرین گوید اگر بیند که لشکر در جایی بود و اهل آن موضع گریزند رستند
اهل آن موضع را صلاح می باشد و گریزند بر نشد اگر کسی لشکر آراسته بیند با سلاح دلیل
بر قوت و نصرت اهل آن موضع بود که لشکر آنجا باشد و بعضی گویند قوت پادشاه
بود و اگر لشکر بی سلاح بیند دلیل بر عجز و ضعف مردم آن شهر و آن پادشاه بود
جعفر صادق گوید دیدن لشکر در خواب بر پنج وجه است اول ملخ دوم سیل سیوم باد
چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت لعل ابن سیرین گوید لعل در خواب
زنی باشد بزرگوار با جمال اگر بیند که لعلی انگشتری داشت زنی بزرگ خواهد با کبر
خوب روی خرد و بعضی گویند دختری زاید لطیف با جمال اگر بیند که لعل بسیار
داشت بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین ضعیف بود و مغربی گوید اگر بیند
که کسی از آشنایان لعل بدو داد بقدر قیمت آن زنی توانگر خواهد از خویشان خود
اگر بیند که مردی بیگانه از بازرگانان لعل داد زنی مجهول بدین صفت که گفتیم بخواهد
اگر زنی حامله لعلی بدو داد دختری خوب آید خوش اگر بیند که گنجینه پر لعل بدید
بدو مال حاصل کند جعفر صادق گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود
اول نکاح دوم کنیزک سیوم نعمت چهارم دفتر و مال دنیا لعوق ابن سیرین گوید
لعوقی که طعم آن شیرین و خوش بوی دلیل بر خیر و منفعت بود چون لعوق انار
شیرین و لعوق بادام و لعوق جلغوزه و پسته و زنجبیل و مانند آن و اگر تلخ و ترش
بود و بوی ناخوش مضرت بیند مغربی گوید لعوق دیدن در خواب اگر چه
شیرین بود خیر و منفعت بود و اگر ترش بود بخلاف این بود لفاح
دستنبویه بود ابن سیرین گوید دیدن لفاح بیماری بود اگر بیند که لفاح خورد
بیماری سخت گیرد اگر بیند که لفاح بکسی داد آن کس بیمار شود اگر بیند
که لفاح را بوی میکرد سخنهای خوش شنود اگر بیند که لفاح بسیار داشت

مال لسان باید جعفر صادق گوید دیدن لقلق در خواب بر شش وجه بود اول
سخن خوش دوم مال سیوم فرزند چهارم دوست پنجم نفع ششم علم لقلق
ابن سیرین گوید لقلق در خواب مردی بود با حجت و نسب ولی از او بدی قسمت
اندیشی اگر بیند که لقلقی داشت او را با خود بدین صفت صحبت افتد
اگر بیند که لقلق بکشت و شخص بزرگ سبب وی هلاک شود اگر بیند که لقلق
با وی سخن گفت کاری کند که مردم را عجب آید دار بزرگ الفت یابد اگر بیند
که لقلق بر بام وی بنشست مهتری بخانه وی در آید اگر بیند که لقلق از د
وی بپرید از صحبت مردی دهقان جدا ماند اگر بیند که گوشت لقلق
می خورد و دهقانی کند جعفر صادق گوید دیدن لقلق در خواب بر چهار وجه
بود اول مرد دهقان دوم زن ضعیف سیوم مال پاسبان چهارم
غریبی و درویشی و بیماری بود لقمه ابن سیرین گوید اگر بیند که لقمه
شیرین در دهان وی نهاد و دلیل که انگشت سخن خوش گوید یا از قبل
دخترانش خود دهد اگر آن لقمه ترش بود تاویل بخلاف این بود
مغربی گوید اگر کسی لقمه شیرین در دهان وی نهد و انگشت لقمه داد
اگر مصلح بود بقدر آن مال حلال یابد اگر مفسد بود مال حرام یابد اگر بیند
که کسی لقمه نرم در دهان وی نهد از سخن کسی در بلا افتد اگر بیند که لقمه
در دهان وی آسان می شد تاویل بخلاف این بود جعفر صادق گوید
لقمه در دهان نهادن در خواب بر سه وجه بود اول گواه دادن دوم سخن
لطیف گفتن سیوم منفعت بقدر آن لقمه لقوه ابن سیرین گوید
اگر بیند که

اگر بیند که روی او از علت لقوه کج شده و بر مردم حقیر گردد و اگر بیند که روی خویش
پاکیزه و نیکو بود در مردم عزیز شود جعفر صادق گوید دیدن لقوه در خواب دلیل
نفاق بود که با مردم سخن بنفاق گوید اگر بیند که بلقوه گرفتار بود دلیل
اشکارا شدن علت و نقصان دین وی بود لگام ابن سیرین گوید اگر بیند
که لگام اسپ وی بگسست یا ضایع شد نقصان بزرگ او شود و اگر بیند که لگام
بر سر دوست زدن دارد دلیل سخن وی با لگام گوید امیر المومنین علی کرم الله
وجهه فرمود که هر کس که بیند سگال بود و لگام در دهانش زد معبر گوید
لگام در دهان بخواب بر سر بیند نیک بود که بفرمان خدا تعالی باشد و بر سیر الوید
باشند و گویند لگام بنیت خواب را ادب و فرهنگ بود جعفر صادق گوید لگام
در خواب بر سه وجه بود اول شرف و بزرگی دوم زوال داشتن سیوم ادب و فرهنگ
و لگام فروسی در خواب تیز سیر و لایت باشد و در دست گیتی کارها لگام زدن
ابن سیرین گوید اگر بیند که پای لگد زد دلیل که از وی یا ارکان وی زیانی رسد
اگر بیند که اسپ وی را لگد زد نقصان شرف وی بود اگر بیند که کسی
مجهول وی را لگد زد از احوال دنیاوی او بد شود و مالش تلف گردد و اگر بیند که او را
استر لگد زد در کار وی خلل پیدا شود و اگر بیند که اشتر وی را لگد زد از سفر محنت یابد
اگر بیند که گاو وی را لگد زد در آن سال زیان بسیار کند جعفر صادق گوید
لگد زدن در خواب بر چهار وجه بود اول نقصان در شرف دوم مضرت سیوم
غم و اندوه چهارم تلف مال لک ابن سیرین گوید لک در خواب اگر بیند
که بدست او کسی فرو ماید منفعت یابد اگر بیند که لک در آتش دود میکرد
نامش در آن دیار منتشر گردد و اگر بیند که لک خورد عملی متفکر شود

اگر بیند که کار او درست نه بود بلکه محکم میکرد میان دو کس او صلح کند

لوبیا ابن سیرین گوید لوبیا در خواب پخته و خام دو قسم بود وقت بیوقت غم و اندوه بود

لوح المحفوظ ابن سیرین گوید لوح المحفوظ در خواب مردی عالم با امانت بود کرمانی گوید

لوح محفوظ علم و حکمت و قرآن باشد معبری گوید اگر بیند که لوح محفوظ را گوئی که

در حقیقت بود حال وی بد شود اگر بیند که قلم بر لوح محفوظ چیزی نوشت کار وی

نیکو بود اگر بیند که قلم بر لوح محفوظ رفت وی را از کار شغل افتد و فرمان روا

گردد از او اگر بر لوح محفوظ نام خود نوشته بیند اجلش نزدیک بود جعفر صادق گوید

دیدن لوح که کودکان را از آن چیزی آموزند بر شش وجه بود اول زیادت

دوم فیروزی سوم علم چهارم [illegible] پنجم قربان روائی ششم حکمت لوزینه

ابن سیرین گوید اگر بیند که لوزینه شکر در دهان نهاد از کسی سخن لطیف شنود

اگر بیند که لوزینه بسیار خورد بقدر آن مال و نعمت حاصل کند اگر بیند

که لوزینه بکسی داد او را سخن خوش گوید یا راحتی بوی رساند معبری گوید

لوزینه خوردن در خواب دلیل مال و نعمت بود اگر بیند که لوزینه داشت و بخورد

وی را مال حلال روزی شود اگر بیند که لوزینه بکسی داد راحتی بوی رساند

اگر بیند که لوزینه او ضایع شد بقدر آن مال و نقصان شود لنگ شدن

ابن سیرین گوید اگر بیند که لنگ شده بود معانی کار که طلب کند از خیر و [illegible]

در آن سستی و ضعیف بود اگر بیند که کسی در خواب لنگ شد [illegible]

خویشان خود ضعیف شود کرمانی گوید اگر کسی خود را در خواب لنگ و

شکسته بیند خوار شود در دین و دنیا [illegible] اگر بیند که خود را

لنگ [illegible] اگر یاری خواهد [illegible] معیشت [illegible] اگر بیند که لنگ بود

[illegible]

و به عصا معرفت از کسی یاری خواهد و مراد کسی حاصل شود اگر بیند که خود را فقد انگشتک
بحث [illegible] بر کسی اعتماد کند و آن اعتماد محمد پایدار نشود مغنی گوید اگر خود
را اندر دو پای لنگ بیند نشغلی کند خدای خود عاجز و فرزند ماند یا نشود اعتماد
کند خدای خود بر مردم کرده باشد اگر بیند که از خاری او بر پای وی زخمه بود و از درست
نمی‌تواند گشت رفتن از شر دشمن ایمن نباشد اگر بیند که در بسیار دو پای لنگ خار
بود و هر چه پایهای او اماه کرده بود و هیچ نشکند دشمن بر وی حسد کند و مال و
جاهش زیادت شود اسمعیل اشعث گوید اگر لنگی بیند که پای وی درست
بود و هیچ نشکند کار بسته بروی گشاده شود از مولوی که نومید شده باشد
بیابد و کارش منتظم گردد جعفر صادق گوید لنگی در خواب بر سه وجه بود
اول ضعیف در کارها دوم ناتوانی سیوم دولت چهارم اندوه و غم
پنجم تفصیل عیشش بود [illegible] در خواب چشم کسی خانه بود که اهلش بر سا
بود اگر بیند که گویی از مس بود اهلش خوب بوده باشد اگر بیند که گویی
نمدک و پاکیزه بود خداوندگارش مصلح و با امانت بود اگر بیند که کهن
و کوچک فقیر تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که گویی بیفتاد و
بشکست خداوندگار از وی جدا شود کرمانی گوید اگر بیند که گویی سوراخ شده بود
یا زنگ گرفته خداوندگارش بیمار شود اگر بیند که گویی پرآب صافی بود خداوندگار
وی را خیر و منفعت رسد اگر بیند که گویی پر از خوردنی بود بقدر آن از خداوندگار
منفعت یابد [illegible] آن کس که [illegible] بوقت و بی‌وقت [illegible] از درست
بیماری بود و چون سبز بیند غم و اندوه بود و زرد [illegible] بود در خواب خیر و منفعت یابد

حرف المیم من کتاب الکامل ۲ التعبیر مار در خواب دشمن و بدخواه بود اگر کسی گوید

اگر بیند که مار در خانه وی بود دشمن خانگی بود و در صحرا دشمن بیگانه اگر بیند که با مار جنگ کرد با دشمن
خصومت کند اگر بیند که مار چیره شد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که او را مار گزید از دشمن مضرت
یابد اگر بیند که او را مار بکشت دشمن از وی گریزان شد و بلا یابد اگر بخورد گوشت مار خورد بقدر آن
مال دشمن خورد و خیر و خرمی یابد اگر بیند که مار را بدو پاره کرد از دشمن داد خود بستاند اگر بیند
که هر دو نیمه مار را فرا گرفت مال از دشمن بستاند اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت خیر بدو
رسد یا وی را کاری عجب بدید آید که از آن شاد و خرم شود اگر بیند که مار با وی سخن گفت تند دشمن
بر وی ظفر یابد اگر ماری مرده بیند حق تعالی دشمن واقف از وی بگرداند اگر بیند که مار مطیع وی
شود جاه و بزرگی یابد اگر بیند که مار سفید بود و او را بگرفت بر آنکه ظفر و جاه یابد کرمانی گوید
اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت ضعیف دشمن او بود اگر مار الا سیاه بیند دشمن
بسیار روی بود نهد اگر مار سبز بیند دشمن دین دار و با امانت بود اگر زرد بود دشمن بیکار
بود اگر سرخ بود دشمن معاشر و طرب دوست بود اگر بیند که مار پاها داشت دشمن قوی و توانگر
و ولایتمند بود اگر بیند که مار بسیار پیش او جمع بود خویش خود دشمن بود اگر بیند که مار سر داشت
داشت دشمن وی کینه دارد و بد سرشت بود معبر گوید اگر بیند که از سوراخ بینی او را سوراخ
یا از سوراخ قضیب او ماران بیرون آمدند فرزندانش دشمن باشند و اگر از گوش یا از
ناف یا از مقعد او بیرون آمد مهمی و [illegible] بود اگر بیند که مار از دهان وی بیرون آمد سخنی گوید
که از آن زحمت افتد اسمعیل اشعث گوید اگر مار سفید بود دشمن ضعیف بود جعفر صادق
گوید دیدن مار در خواب بر ده وجه بود اول دشمن نهانی دوم زن کافر سیوم سلطنت
چهارم [illegible] پنجم [illegible] ششم دولت هفتم زن هشتم مرگ نهم پسر دهم سیلاب
مار چوبه ابن سیرین گوید اگر بیند که مار چوبه بود [illegible] از [illegible] جمع کرد بقدر آن خیر بدو رسد

۱۰۵۲

اگر بیند که ماری به خام بسر خورد دلیل بر رنج و مضرت بود مار قشیشا ابن سیرین گوید
دیدن مار قشیشا در خواب بیماری و رنج بود و در دیدن او خیر نباشد مار زیون ابن
سیرین گوید مار زیون بوقت و بی وقت دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن وی
نقصان مالی و هلاک تن بود و در دیدن و خوردن وی هیچ خیر نباشد مار زوالی ابن سیرین
گوید اگر بیند که مار زوار از درخت می‌ستد برنج و سختی مال حاصل کند اگر بیند که بخورد مار زو
داشت مال مکروه یابد اگر بیند که مار زو خورد چیزی حرام خورد اگر مار زو ریزه بود بیمار
بود اگر سبز و سیاه بیند غم و اندوه یابد جعفر صادق گوید دیدن مار زو در خواب بر چهار وجه
بود اول مال مکروه دوم غم و اندوه سیوم بیماری چهارم رنج و سختی در کارها ماست
ابن سیرین گوید خوردن ماست شیرین در خواب دلیل بر منفعت بود و ماست ترش غم
و اندوه و اعمال گوید ماست مالی بود که در سفر مال حاصل شود اگر بیند که ماست خورد
یا داشت از سفر مال حاصل کند خاصه شیرین بود اگر بیند که ماست مسکه برون
آورد بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند که ماست شیرین می‌خورد مال حلال بدست آورد
و ماست ترش غم و اندوه بود ماش ابن سیرین گوید ماش در خواب اگر پخته بود اندک
چیزی بوی رسد اگر خام بود اندوه بود اگر بیند که ماش بمردم داد و در خانه نگاه داشت
بی غم گردد کرمانی گوید دیدن ماش در خواب تر و خشک و خام و پخته غم و اندوه بود اگر خورد
غمش کمتر بود ماکیان ابن سیرین گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کنیزک بود اگر
بیند که مرغ خانگی داشت بخرید یا خدمتکاری بمزد گیرد و اگر بیند که مرغ خانگی
بی قیاس داشت سروری یابد اگر بیند که گوشت ماکیان خورد بقدر آن از خادم مال
یابد اگر بیند که ماکیان را انگشت بشکست را دو شیر بکشید و اگر بیند که بچه
ماکیان را انگشت فرزندش یا فرزند غلامش یا کنیزکش ببلایی گرفتار شود کتاب محمد بید

اگر بیند که خانه ماکیان نیست و یرا و چیزی بیابد یا ماکیان از آن وی ماند نعمت گوید
در خواب زنی با مال و جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ابلق اگر بیند که ماکیان در خانه
او خایه کرد از زنی حلال یابد اگر بیند که ماکیان در خانه او مانند خروس بانگ کرد خبر
ناخوش شنود اسمعیل اشعث گوید ماکیان بچگان در خواب بر سه وجه بود اول زن با جمال
دوم کنیزک سیم خادم خانه ماهیگیران ابن سیرین گوید ماهیگیران در خواب دلیل بیماری بود
اگر بیند که ماهیگیران خورد سخت بیمار شد مغربی گوید اگر بیند که ماهیگیران از بهر درد
چشم خورد و درد چشم بهتر شد کاری از بهر دین کند که وی را از آن ثواب حاصل آید ماهیت
در خواب وقت و بیوقت غم و اندوه و در دیدن ماهیت هیچ خیر نباشد ماه
دانیال گوید ماه در خواب وزیر پادشاه بود یا وزیر خلیفه اگر بیند که ماه از آسمان فرو گرفت اگر
پادشاه را وزیر گردد یا مقرب پادشاه شود اگر بیند که با ماه جنگ و نبرد کرد با وزیر پادشاه
خصومت کند اگر بیند که بجای ماه معین شد وزیر پادشاه گردد اگر بیند که نور از ماه بستد البته
دولت یابد اگر بیند که ماه از آسمان فرو گرفت و نور بدو نشست بسیار یابد مخدوم از جهان
فتح یابد اگر بیند که ماه تیره و تاریک بود و بجای خود نبود وزیر پادشاه معزول گردد ابن سیرین
گوید دیدن ماه دلیل بر پادشاه کند خاصه ماه بدر بود اگر بیند که ماه به دو نیم شد وزیر پادشاه
هلاک شوند اگر بیند که ماه دیگر درخشید شد مردم از وی تظلم کنند و داد خواهند اگر بیند
که ماه بر وی بتافت ولایت یابد اگر بیند که دو ماه با یکدیگر جنگ کردند میان دو پادشاه
خصومت افتد اگر بیند که از آن دو ماه یکی نقصان یا ناقص نور گشت از آن دو پادشاه
یکی از پادشاهی معزول شود گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار خود گرفته بود زن
خواهد اگر بیند که آن ماه هلال بود آن زن با جمال از وی کمتر بیشتر اگر ماه یک نیمه روشن

بود

باشد و بعضی دیگر گفته‌اند تاریکی آن زن از معاملات رادکان باشد اگر ماه بدر بیند آن زن با حمل
نباشد و از شوهر بهتر باشد اگر این خواب زن بیند شوهر میکند بدنسان که گفتیم اگر بیند
که ماه روشن و پاکیزه بود که برآید و در خانه فرو تافت زن خواهد و از و منفعت یابد
اگر بیند که خود را بخور نور پوشانند پادشاه بزرگ مرتبه متغیر شود اگر بیند که ماه منخسف
شد حال وزیر بد باشد یا پادشاه معزول گردد کرمانی گوید اگر ماه بدر منور بیند
بموضع خویش و نورش در خانه فرو تافت اهل آن خانه از پادشاه یا از وزیر خیر
و منفعت رسد اگر ماه بدر تاریک بیند از پادشاه مضرت یابد اگر بیند که ماه
هلال از مطلع خود برآمد لکن نه باول ماه بود نورش زیادت شد یا بدر گشت
دلیل کند دران موضع فرزندی آورد که پادشاه گردد یا وزیر اگر بیند که ماه هلال از مطلع
خویش برآمد دلیل که از وی فرزندی آید یا کاری صعب بیند که مردم غم و اندوه یابند
و بعضی از معبران گفته اگر کسی ماه را بخواب بیند پادشاه آن دیار را پسری آید اگر ماه
را زایل نور بیند آن پسر را زندگانی دراز بود اگر ماه بدر زرد بیند عمرش میانه بود
اگر ماه ناقص بیند بحدیث پادشاه یا وزیر مشغول گردد اسمعیل اشعث گوید
اگر بیند که ماه بدست بگرفت یا بکنار درآمد دلیل که ویرا فرزندی عالم و دانا بود
اگر این خواب کسی را از مقربان پادشاه بیند فرزندش پادشاه گردد اگر بیند که
ماه و آفتاب و جمله ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بودند بیننده خواب
هالک شود اگر مصلح بود بغم و اندوه گرفتار شود یا بیمار گردد و شفا یابد جعفر
صادق گوید دیدن ماه در خواب بر هفده وجه بود اول پادشاه دوم وزیر سوم
ندیم چهارم رئیس پنجم شریف و جاه ششم دوست هفتم کنیزک هشتم عالم نهم کار

با طلب دهم والی یازدهم عالم معتمد دوازدهم مهتر دریا نوردان سیزدهم مدبر جهاندیدهم
ما دریا نجبه هم زن شانزدهم فرزند هفدهم بزرگواران ماهی دانیال گوید ماهی در خواب
در دیار گرم سیر بلند وسخت بود ودر دیار سرد سیر تاویلش بخلاف این بود که گفته میشود
اگر ماهی بزرگ تازه بیند مال وغنیمت یابد اگر ماهی خرد بیند اندوه وغم بود اگر بیند که
در شکم ماهی مروارید یافت پسر آیدش ابن سیرین گوید اگر کسی ماهی خشک شور بدو داد مرانا
بدو بیداد کند اگر بیند که ماهی خورد بود غلام بروی زحمت رساند وبعضی از معبران گفته
اند ماهی شور بریان گروه سفر بیش باطالب علم یا با صحبت مهتر بودن وخوردن ماهی
خرد خصومت بود اگر بیند که از دریا ماهی گرفت سخت بزرگ از امانت پادشاه زنی
کند که مالش بسیار اگر بیند که چیزی از اندام ماهی بیافت از گوشت واستخوان یا آنچه در شکم
ماهی بقدر آن مال یابد ویا علم خرد وخیر وبرکت یابد معبرا گوید ماهی تازه بریان
در خواب مال وغنیمت بود زیرا که ماهی تازه از جمله طعام بهشت است ودر خوان
عیسی مریم علیهما السلام بوده که از بهشت آوردند انزل علینا مائدة من السماء
اگر بیند که از دهان او ماهی بیرون آمد در کار سخن دروغ گوید اگر زنی بیند که از دهان
او ماهی بیرون آمد اندوه یابد اگر مرد بیند که از قضیب او ماهی بیرون آمد ویرا
دختر آید اگر بیند که از دریا ماهی گرفت از بزرگی مال ومنفعت یابد اگر بیند که
ماهی تازه پخته خورد بقدر آن او را مال حاصل شود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند
که ماهی فروشی میکرد دلیل که او را وکسان او را منفعت رسد اگر ماهی از حوض یا از
جوی میگرفت از عامه بمکر وحیلت چیزی یابد اگر بیند که ماهیان دریا یا دریا سخن گفتند
از راز پادشاه واقف گردد جعفر صادق گوید دیدن ماهی در خواب بر شش وجه بود
اول وزیر دوم بسیار سیوم دوختر دوشیزه چهارم غنیمت پنجم غم واندوه ششم گمرک

تمام شد

بماند و ماهی خوازه ابن سیرین گوید ماهی خوازه در خواب زن بود اگر بیند که ماهی
خوازه داشت زن خواهد اگر بیند که ماهی خوازه خورد بعد از آن مال زن خورد معبر
گوید ماهی خوازه در خواب غم و اندیشه بود مبرد شوهان بند ابن سیرین گوید اگر بیند که
مبرد داشت و زنگ آهن برد و میزد کارها بر وی گشاده شود خاصه داند که آهن که
ملک اوست اگر بیند که آهنی روشن و پاکیزه انجره می سود کار کند که از آن منفعت
یابد و زیان بعضی گفته اند مبرد در نرم سخن لطیف بود اگر بیند که مبرد وی ضایع شد
آن کار که طالب اوست نیابد معبری گوید اگر آهن سپید یا آهنی از القیا خانه مبرد
روشن میکرد دلیل که چیزی از خویش یا خادم خانه رسد یا شغل خادمش بسبب وی حاصل
آید مطهره ابن سیرین گوید اگر بیند که مطهره نو داشت از سفر خیر و منفعت یابد اگر بیند
که مطهره دریده کهنه بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن مطهره در خواب
بر سه وجه بود اول سفر دوم مال سیوم زندگانی مثقب ابن سیرین گوید اگر بیند
که چیزی را بمثقب سوراخ میکرد از کسی بحیلت چیزی ستاند و بعضی گویند مقصودش نیابد
معبری گوید اگر بیند که بمثقب اندام کسی سوراخ کرد بمکر و حیلت او را در بلا افکند
مجلس علم ابن سیرین گوید اگر بیند که در مجلس علم نشسته بود و علم بر کرسی قرآن میخواند
و تفسیر قرآن و اخبار و توحید می گفت دلیل که بنا را عمارت محکم کند بقدر دوستی قرآن
خواندن اگر بیند که علم بر کرسی شعر و غزل می خواند کاری کند که خلاف شریعت باشد
اگر بیند که در مجلس علم منکر نیست معبری گوید از کار دنیا شاد شود اگر بخلاف این
بیند غمگین شود اگر بیند که وی را در مجلس علم حالی آمد و مدهوش گشت چنانکه عقل از وی
برفت وی را کاری پیش آید که در آن کار متحیر و سرگردان شود و عاقبت محمود بود

مجلس شراب ابن سیرین گوید اگر بیند که بمجلس شراب با حریفان بعشرت و خوردن شراب
مشغول بود دنیا یابد و هوای نفس و حرام خوردن گراید اگر بیند که در مجلس شراب
بود و شراب نمی خورد نیابد و بحرام رضا دهد اگرچه خود نخورد و نکند اگر بیند که
در مجلس بی طرب و چنگ و چغانه بود اندوه و مصیبت یابد مشعل اگر در خانه خود
بیند که بر افروخته بر اشنا و جاه یابد اگر بیند که در پیش او می رفت سلطنت و فرمان
روایی یابد اگر در پیش شخصی بیند از آن شخص منفعت یابد مجمره عود سوز بود در
حرف غین گفته شد مجمره ابن سیرین گوید مجمره در خواب زنی پاکدامن و عالمه بود
و اگر بیند که مجمره داشت زنی عالمه بزنی کند و از و منفعت یابد اگر بیند که مجمره ضایع
شد زنش بمیرد اگر زن ندارد زنی عالمه از خویشان او بمیرد جعفر صادق گوید اگر بیند
که از مجمره چیزی نوشت اگر انچه نوشت از قرآن یا نامهای خدا تعالی بود خیر و منفعت یابد
اگر بخلاف این نوشت شر و فساد بود محراب ابن سیرین گوید اگر بیند که در
محراب نماز کرد او را فرزندی صالح آید چنانکه حق تعالی فرمود وهو قائم یصلی فی المحراب
اگر بیند که نماز بوقت خویش کرد دلیل بر صلاح او و فرزندان او بود اگر بیند که در محراب
نشسته بود و نماز گزاردن در نماز کاهلی کند کرمانی گوید اگر بیند که محراب را عمارت
میکرد خیر و صلاح دینی یابد اگر بیند که در محراب آب تاختن کرد دلیل که فرزندی
آرد عالم و امام و بعضی گویند مال خود را هزینه کند جعفر صادق گوید دیدن محراب
در خواب بر پنج وجه بود اول امام مسجد دوم پادشاه سیوم قاضی چهارم محتسب پنجم
میانجی مردمان مخنث ابن سیرین گوید اگر بیند که مخنث شد و خود را بزینت زنان
بیاراست بعد از آن ویرا ترس و بیم بود و آفت و بلا رسدش اگر بیند که جامه
زنان از تن او بیرون کرد و بحال مردان باز آمد از ترس و بلا او در امان گردد

مغربی گوید اگر بیند که صحبت با مخنثان داشت با مفسدان احتیاط کند که اگر بیند
که میان ایشان مقیم شد رود و از مفسدان جدا شود مداد ابن سیرین گوید
مداد بخواب طلب کردن معیشت و یافتن مراد بود و اگر بیند که مداد از کسی بستد
بقدر آن معیشت بروی فراخ شود اگر بیند که مداد از وی ضایع گشت تاویلش بخلاف
این بود کرمانی گوید اگر بیند که مداد بر جامه او بریخت ویرا از زنان رسد اگر دبیر بود خیر
یابد جعفر صادق گوید دیدن مداد در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری دوم امیری سیوم معیشت
چهارم شادی بیند دهنده بود و ناصح ابن سیرین گوید اگر بیند که مردم را پند میداد
خرم شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد قهر کنش بود که در آن پند صلاح دین
و رستگاری آخرت بود خیر دین و دنیا وی اندر بود و اگر بیند دهنده او بود از خدای بباید
ترسیدن و توبه کردن تا بلاء از وی بگردد مدی آب ... ابن سیرین گوید دیدن
آب ... در خواب شادی و خرمی بود بقدر آب که دیده است مرجان ابن سیرین
گوید مرجان در خواب زن بود یا فرزند اگر بیند که مرجان داشت آنچه خواهد که او را فرزند
بود اگر بیند که مرجان از وی ضایع شد زن را طلاق دهد کرمانی گوید مرجان بخواب فرزند
بود و اگر مرجان سپید بود فرزند صاحب جمال بود و اگر مرجان با جواهر بیند بقدر آن مال
و نعمت حاصل کند جعفر صادق گوید مرجان در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم
زینت سیوم جمال چهارم مال از جهت خادم مرد معروف ابن سیرین گوید اگر مرد
معروف را بخواب بیند در بیداری همچنان بیند یا مانند آن و اگر مرد مجهول بیند و جوان دشمن
وی بود اگر پیری مجهول بیند دلیل که بخت او نیکو و راحت و بزرگی یابد اگر جوان معروف
را بیند که مویش سفید دلیل بزرگی دیانت و آهستگی و پاکی دین او بود و اگر پیر معروف
بیند که مویش سیاه بود دلیل بر خلاف این بود کرمانی گوید اگر پیر را بیند بخواب

دلیل بر نادانی و ناخستگی و اهتمام و پاکی و ستر او بود اگر مرد بیند که زن وی قحبه است
علامت مردان را دیر آید پسر آید که بهتر از ایشان بیت کوید اگر مرد بیند که وی را حیض
است دلیل بر خواری وی بود جعفر صادق کوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت است
و دیدن مرد جوان مکر و حیلت و خبر مکروه مرده انسک ابن سیرین کوید مرده انسک
در خواب بیمار بود اگر بیند که مرده انسک می خورد بیمار شود و بیم هلاک بود اگر بیند که ملکی داد
از رنج و بیماری ایمنی یابد جعفر صادق کوید دیدن مرده انسک در خواب بر سه وجه بود اول غم و اندوه
دوم بیماری سوم عزت و شکستگی مرده دانیال کوید اگر بیند که مرده و مردم بر سر وی ایستاده
تا وی را بشستند و در کفن نهادند یا در گور کردند این جمله فساد دین بود مگر اینکه بیند که وی را
از گور بیرون کردند اگر بیند که وی را دفن کردند و گور وی بر خاک کردند و مردم از سر گور باز
گردیدند و نعشش گذاشته باشند اگر بیند که بمرد و او را بر جنازه نهادند و حمالان برگرفته و
مردم از پس وی بر جنازه می رفتند شرف و عز و بزرگی یابد لیکن دین وی به تلف باشد و دیگر گوید
بر خداوند مردم که بر جنازه بودند فرمان روا گردد و بر ایشان ظلم کنند اگر بیند که مرده
بود و زنده شد از گناه کرده توبه کند و بعضی گویند عمرش دراز شود اگر بیند که گویند تو مرده
بمیری و در غسل اشتباه شود اگر بیند که بمرد و کسی بر وی بنگریست بعضی از سرای وی
خراب شود اگر بیند که چون بمرد وی را دفن کردند و کسی بر وی نگریست آنچه از خانه او
خراب شده هرگز آبادان نشود اگر خود را در گورستان میان مردگان مرده بیند
و چنان داند که وی زنده است با مرده یا مردم جاهل صحبت کند ابن سیرین گوید اگر
بداند که نزد حق تعالی چگونه است اگر بیند که مردگان حالی وی را بشارت میدادند
با وی سخنان خوش و شگفته حال وی نزدیک حق تعالی نیکو گردد اگر بیند که مردگان
با وی سخن ناخوش و شگفته و روی از وی بگردانیده نزد حق تعالی حال وی بد باشد
مغربی گوید مرگ مفاجات در خواب دلیل بر راحت مومن بود و عذاب کافر و ... حیند

چنان کنند خود جنت تعبیر بدانکه عذاب و عقوبت جنت تعبیر بود اگر بیند که بمرد و کسی وی را بشست
در دین ثابت بود اگر بیند که قومی تشییع جنازه او در بر هوا می رفتند بزرگان از آن شهر در
سفر بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که بمرد و وی را بر جنازه نهادند و خلق در پس جنازه او میرفتند
بقدر آن کس ولایت و بزرگی یابد اگر آن مرده بر جنازه گران بود دلیل که بر مردم ستم کند و در
اگر سبک بود با خلق نیکوی کند اگر بیند که مردم او را بر پشت ببرد مال حرام یابد اگر بیند
که زنده بمرد و او را بر تخت خوابانیدند آن تخت را بر کتف نهادند و می بردند بمنفعت [illegible] گواهی
رود و دارو خیر بسیار یابد اگر بیند که بمرد و زنده شد ایمن و الله سبحانه [illegible] اگر مرده را
ببیند که دیگر بار بمرد او فرزندان او یکی بمیرد اگر بیند که فرزندی از آن او بمرد توانگر شود
و نیز گویند از غمی ایمن شود اگر بیند که بمرد از فرح توانگر شود اگر بیند که پدر یا مادر او بمرد
و کار وی [illegible] شود اگر زنی بیند که آبستن بود و بمرد و مرده بروی [illegible] دلیل
که [illegible] اگر بیند که مرده دیگر بار بمرد و بمرگ وی
[illegible] دلیل که از اهل بیت وی کسی زن خواهد و خرمی کند اگر بیند
که بمرگ او زنان و مردان فغان میداشتند و نوحه میکردند اهل بیت وی را غم و اندوه
رسد اگر زنی بیند که بمرد و وی را بشستند و بر جنازه نهادند صفت نیک باشد
اگر بیند که دفن کردند بد باشد مرده دیدن کرمانی گوید اگر بیند که مرده زنده شد
دلیل که حال او نیک شود جامه مرده را رنگ دیده بود اگر زنده را مرده بیند حال
بد باشد جامه ترش روی و غمگین بود اگر کسی پدر خود را که مرده است زنده بیند
خرم و گشاده روی با جامه پاکیزه دولت و اقبال یابد و کار وی بر خفته گردد اگر
مادر خود را زنده بیند از غمها فرج یابد و کارش منتظم گردد و اگر زن را زنده بیند
درویشی گردد اگر پسر خود را زنده بیند از غم فرج یابد اگر زنی بیند که پسر وی زنده
شد غایبی از سفر باز آید اگر بیند که مردی بیگانه زنده شد احوال خویشان او [illegible]

مرده نیکو شود اگر بیند که زنده مرده را او بلیتی بخلاف آن بود اگر بیند که مرده را زنده
کرد کافری بدست وی مسلمان شود و بعضی گویند اگر پدر و مادر خود را پرسش کرد بیند
مادر مهاجر کین دولت و اقبال وی نقصان شود و مستمند گردد زیرا که مرده در سرای
حق دو بیت بهر صفت که کسی مرده را بیند دلیل بر احوال زنده باشد اگر بیند پدر خود را
یا مادر خود را بخواب بیند کشته در بهشت و یا جاهای پاکیزه مال و نعمت بسیار یابد اگر
برادر خود را زنده بیند شرف و بزرگی یابد اگر دوست خود را بیند ایمنی و دلیل [illegible] مرده
ابن سیرین گوید اگر کسی مرده را زنده بیند و پرسد که تو مرده بودی او گوید نیک زنده ام
احوال مرده پس نیک باشد در آن جهان و حق تعالی از وی خشنود بود قوله تعالی
ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء [illegible] من فضله
و این آیت دلیل است بر آنکه هرچه مرده گوید راست است اگر بیند که مرده خرم
بخانه او در آمد و بنشست ثواب و صدقه و دعا بدو رسید جعفر صادق گوید اگر بیند
مرده در برابر او کنار گرفت و بخانه خود برد دلیل که تن درست گردد و اقبال و دولت
یابد اگر آن مرده خویش بود دعا و صدقه از وی چشم دارد اگر کسی مرده را از اهل
خود شاد و تازه بیند اهل بیت وی شادی و خرمی یابند اگر ترش روی و غمگین
بیند تاویلش بخلاف این بود اگر از اهل خود مرده بیند که در وی جست و با وی
مناظره کرد یا روی از وی بگردانید دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد وصیت
وی بجای نیاورده باشند اگر بیند که مرده چنان پیش وی می آمد دلیل که آن
دعا و صدقه بوی رسیده باشد اگر بخلاف این بود در حق مرده تقصیر کرده باشند
اگر بیند که مرده با وی سخن گفت حالش نیکو گردد اگر سخن بد گفت حالش بد شود
اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت و دیر ایمنی داد دلیل خیر و صلاح
وین دو بیت [illegible] خواب دوم اگر مرده را بیند بهتر از آنکه در حال زندگی بود
چه

از حرمه یاکرده دوشیدن نعمت کار گشت بخیر و صلاح بود اگر بخلاف این بیند از عذاب
خدای تعالی ایمن نباشد جابر مغربی گوید اگر مرده را بیند کسی را رفت عمرش دراز بود اگر
بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت باید که این کس صدقه دهد از بهر مرده و وی را
بدعا یاد کند اگر مرده را ترش روی بیند غمناک و عاصی و گنه کار بود اگر بیند که مرده بخندید
و دیگر نیست مرده مسلمان مرده باشد اگر مرده را سیه روی بیند کافر مرده باشد
بقوله تعالی فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب
بما کنتم تکفرون اگر مرده را با جامه پلید و دریده بیند احوال مرده بد باشد اسمعیل اشعث گوید
اگر بیند که مرده در نماز بود آن مرده را بند که مشغول طلب نماز زاده باشد و بعضی از
معبران گفته اند مرده بجای طاعت تو ایستد و سبب خواب گنه تو طاعت کامل بود
اگر بیند که مرده او را نماز زنی دیگر برید که نماز میکرد دلیل پاکی دینی مرده و صلاح
و عاقبت زینت بود جیزی دادن مرده دانیال گوید اگر بیند که مرده او را چیزی
داد از متاع دنیا چیزی بوی رسد از جای که کسی نداند اگر بیند که مرده چیزی از خوردنی
بوی داد و بخورد نعمتی حلال یابد اگر نخورد نیابد اگر بیند که از جامه خود چیزی بمرده
داد و در پوشید وی را غم و سختی رسد و نقصان مال اگر نپوشید از دنیا رحلت
عکس
کند ابن سیرین گوید اگر بیند که مرده دو جامه شسته بدو داد از آن جامه که پوشیده است
در پوشید و باز بیرون کرد و بمرده داد و مرده در پوشید از اهل بیت او کسی
بمیرد اگر بیند که جامه خود بمرده داد و گفت این را بند و زیا بشوی باید که از غم
و اندوه رها یابد اگر بیند که مرده جامه خود بعاریت بدو داد و دیگر طلب میکرد دولت
مرده را گردانید باشد اگر بیند که مرده جامه کهنه بدو داد خداوند خواب درویش و
دینار شند گردد اگر بیند که مرده جامه نو بدو داد عزت و بزرگی یابد اگر بیند که مرده

ویرا ختم قرآن دل‌و یا کتاب فقه یا اینچنین ماند توفیق خیرات حاجت ویرا باید
اگر بیند که مرده جامه میفروخت آن جامه گران شود اگر بیند که چیزی مرده بخشید
مرده آن بستد ویرا زیان و مضرت رسد نالیدن مرده ابن سیرین گوید اگر کسی
مرده را بد حال و نالان بیند کردار بد کرده باشد در دنیا اگر مرده را بیمار بیند دلیل
مرده را از دین و ایمان سوال کنند اگر بیند که مرده از درد سر می نالید در دنیا تکبیر
با خلق کرده باشد اگر بیند که از درد دندان می نالید در دنیا خلق را غیبت کرده باشد
اگر بیند که از درد چشم می نالید در دنیا بعیال مردم نگاه کرده باشد اگر بیند که از درد
گوش می نالید در دنیا سخن فحش و ناپاک را از وی شنیده باشد اگر از درد پهلوی
نالید بد کردار بوده باشد با زنان در دنیا اگر از درد پشت می نالید باید در دوران
بد کرده باشد اگر از درد شکم می نالید در دنیا لقمه حرام خورده باشد اگر از درد فرج
نالید در دنیا فساد و لب بسیار کرده باشد اگر از درد گردن می نالید در دنیا با خویشان
بد کرده باشد اگر از درد ساق و پای می نالید در سفر با مردم بد کرده باشد صحبت
کردن با مرده جعفر صادق گوید اگر بیند که با مرده صحبت کرد و مرده از وی
جدا نشد خیر و منفعت یابد اگر بیند جدا شد تاویل بخلاف این بود
اگر با زنی مرده معروف صحبت کرد حاجت روا شود از جای که امید
ندارد اگر با مادر یا خواهر صحبت کرد که مرده بود منفعت یابد و جعفر از وی
بدان [illegible] رسد اگر با مرده که اهل حرمت بود صحبت کرد از مال مرده
چیزی بوی رسد اگر بیند که مرده را بشهوت بوسه میداد نکاح خواهد و یا مریدی
گردد و بر دشمن ظفر یابد اگر بوسه بی شهوت داد از بهر مرده خیر کند
و مرده ۱۱

١٠٦٣

و مرده را بوی یا بود لیه دال آن بینه که با مرده محی معتسکه دار از مال مرده چیزی بوی رسد
از پس مرده پیشیدن گرما گوید اگر بیند که از پس مرده مصلی می شد راه لوکر بینه
دال مفسد و فاسق بود و سیرت او دین گیرد و اگر بینند که مصلی یا فاسق بود و از پی
فلان می شنید بیمار شود و وی قیمت شرف یابد معنی گوید اگر بیند که مرده وی را بانگ
کرد و جواب داد مرده را بسیار زند و از دنیا برود اگر بیند که از پس مرده بسیار مجهول
در شد بود و بمیرد اگر بیند که او را گفت فلان وقت پیش من آی دلیل گفت بیابم
در آن وقت رحلت کند دلیل که مرده مصلح و راست گو بود باشد اگر مرده وی را
به بهشت خود خواند داد وی را منع شد و لست کردن الهام دلیل وفات بود اگر بینه
که مرده را السرای خود خوانده داد وی را منع شد و لست کرد هم دلیل وفات بود
اگر بیند که مرده را السرای خود خوانده داد و با مرده در سرای لشه بیمار شود و لیکن شفا
یابد اگر بیند که مرده را ابار از بر و کسب معیشت او نیکو شود از شغل استعمت گوید
اگر خود را در میان مردگان بیند میان خلق امر معروف کند از وی حق شود
بشنوند اگر با مرده دوستی گرفت سفر رود و در آن سفر شادی یابد اگر بیند
که در میان مردگان بود و فرزند کوک دیگر زنده نبود با گروهی می نشست بینه
که دین الشرک لفساد بود اگر بینه که او نیز چیان لان گروه مرده نشست دینی
دی لفف بود اگر گروهی مردگان طعام می خوردند و در آن موضع طعام گران شود
خاودها معبر گوید اگر بیند که با سر از تن مرده چیزی گنجی در زمین بیابد اگر بیند
که مردگان مجهول را گرفت بشمشیر همی زد اگر مرد مصلح بود و مردم بر دین شبی
نوبت کند و لوگان باز گردند و لوکی گفته اند با مردم بد مذهب مناظره کنند

وهم را بدلیل وحجت غلبه کند جعفر صادق گوید اگر بیند که مرده او را می خواند

شریعت و حکمت یابد اگر بیند که مرده چیزی از بهشت خوش بوی اورا بخورانید

اگر بیند که مرده پیراهن می کشید دلیل که کسب حرام کند اگر بیند که مرده او را از بهشت

مال حرام یابد اگر بیند که مردگان را لوت می گردید و باج کند اگر بیند که با مرده

در یک جامه خفته بود عمرش کوتاه شود جامهای مرده ابن سیرین گوید اگر بیند

که مرده جامه سبز پوشیده بود از دنیا بشهادت رفته باشد اگر بیند که مرده جامه سفید

پوشیده بود در آخرت حالش نیکو شود اگر بیند که جامه سیاه پوشیده است حال

مرده بد باشد اگر جامه سرخ در بهشت هیچ نیک نباشد اگر مرده جامه زرد یا کبود در بهشت

بیند خواب را مصیبت باشد و حق بر مرده باشد و بر خلاف این

بیند حق بر زنده باشد و بعضی از معبران گفته چون مرده را جامه نو شد

اجلش نزدیک بود جامهای مرده کرمانی گوید اگر بیند که کفن مرده معروف

بر کند دلیل که در دنیا خلق آن مرده چون به از احکام او باشد بعلم در مال او دار

بوده باشد بمال اگر بیند که جور است که کفن مرده را بر کند و مرده در گور

زنده بود دلیل که آن مرده در دنیا دین دار بوده باشد اگر بیند که مرده

را کفن کرد از خویشان آن مرده یکی را جامه کند جعفر صادق گوید

جامه مرده در خواب سه وجه بود اول مال حرام دوم نایافتن کار مشکل

سوم فساد دین اگر بیند که مرده برو می نگریست عمرش دراز بود لیکن

در مالش خرابی افتد اگر بیند که مرده نشسته اگر معزول بود بعمل باز آید

اگر بازمانده بود علم و حکمت آموزد و امیدی که دارد بیابد و از شغل که

باز بود

جمله بر سیری جوید باز باید قوله تعالی فاماته الله مائة عام ثم بعثه

معنی گوید اگر بیند که جهنری یا عالمی زنده شد دلیل است که مذهب و سیرت او زنده شود اگر
نیک باشد نیک و اگر بد باشد بد اگر بیند که مرده چیزی می خورد دلیل است که مرده از زندگان شهید رفته باشد
اگر بیند که مرده از وی طعام میخواست دلیل است که مرده از وی صدقه چشم دارد مرزنگوش ابن سیرین گوید
اگر بیند که مرزنگوش می بوید وی را پسری آید مبارک و مومن که خداوند علم و فرهنگ باشد اگر بیند
مرزنگوش بر کنید فرزندش بیمار شود و اگر فرزند ندارد اندوهگین شود و اگر بیند که در زمین ملک او مرزنگوش بسیار
رسته بود وی را مردم مصلح و پارسا باشد کرمانی گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که از اهل
خانه او که از دوار بود و اگر بیند که در زمین او مرزنگوش رسته بود کسی از اهل بیت او دوستدار او بود
اگر بیند که آن مرزنگوش زرد و پژمرده بود آنکس بیمار و بدبخت بود مرغ ابن سیرین گوید هر چند
مرغ بخواب بزرگتر بیند همتش را به طلب چیزی عظیم تر اگر بیند که مرغان بسیار در جایی بانگ میکردند
اهل آن موضع را غم و مصیبت رسد اگر بیند که خانه مرغ داشت وی را فرزندی آید اگر مالی
گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت کارش بلند شود اگر بیند که مرغ در دست وی بمرد اندوهگین
شود اگر بیند که بار بر پشت مرغ نهاد بر آن کس که مرغ منسوب بود ظفر یابد اگر بیند که مرغان
بر سر و روی وی نشسته بودند از آنچه بدان مرغ منسوب بود او را منفعت رسد اگر بیند
که مرغی پاره گوشت از اندام وی بربود مال وی را بر او رسانند اگر بیند که گوشت اندام خود میبرید
و در پیش مرغ می افکند از مال خود بکسی بخشد اگر بیند که مرغی پاره گوشت یا استخوان در پیش وی
افکند مال یابد و تاویل هر مرغی بر آنکس بود که مرغ بدو منسوب بود مغربی گوید خروس ماننده کسی
بود که غلام و کنیزک فروشد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مرغان مختلف در شهر جمع شدند
لشکر بیگانه آنجا رسد اگر بیند که مرغ چشمهای وی بر کند از کسی در دین وی نقصانی افتد
اگر بیند که خون مرغ می خورد بقدر چون نقصان مال بود و مرغ آبی ابن سیرین گوید مرغ آبی بتاویل
بهتر از مرغان دیگر است اگر بیند که مرغابی داشت مال و نعمت یابد و بکام دل برسد اگر بیند

که مرغابی بسیار جمع کرد بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یابد و کرمانی گوید دیدن مرغابی
در خواب در جوار وجه معیشت باشد اگر بیند که مرغابی بگرفت مال و بزرگی یابد و جعفر صادق گوید
او هم مال و نعمت بود مغربی گوید اگر بیند که مرغابی جای میداشتند در آنجا کمر لیس و مضطرب بود
اگر بچه مرغابی داشت او را فرزندی آید امام جعفر صادق فرماید دیدن مرغابی در خواب بر چهار وجه
بود اول مال دوم بزرگی سیوم ریاست چهارم فرمان روائی زیرا که مرغ گاهی در زمین و گاهی
در هوا و گاهی بر آب چنانکه خواهد ازین سبب هر که مرغابی بخواب بیند مراد بیابد باب دهم ابن سیرین گوید
اگر بیند که مردم بسیار جامهای سبز داشتند دلیل آرایش بود و پاک دینی اگر بیند که مردم جامهای
سپید داشتند دلیل بر صلاح و نیک نامی بیش کنند اگر مردم دون بیند که جامهای سیاه
و چرکین داشتند تاویلش بخلاف این بود اگر جامهای کبود داشتند دلیل بر مصیبت و اندوه
کنند و اگر جامهای نو و فراخ بر مردم بیند دلیل کند بر عیش و فراخی نعمت مرغزار ابن سیرین گوید
اگر بیند که مرغزاری خوب و سبز بود دلیل اسلام دین وی بود اگر بیند که در مرغزار است و داند
که ملک اوست دلیل بود بر دین پاک و اعتقاد وی لقمه مرغزار اگر بیند که آن مرغزار ملک
دیگر است و او تماشا می کند صحبت وی با نیکان و پارسایان بود اگر بیند که در مرغزار خوب
میگشت عیش وی فراخ شود و کارش بنظام گردد و عاقبت محمود بود کرمانی گوید مرغزار
در خواب مردی بزرگ بود لقمه مرغزار اگر مرغزار سبز و پاک بیند و داند که ملک اوست یا بر نزدیک
بود وی از وی منفعت یابد اگر بیند که بوقت بهار در میان مرغزار بود خوش و خرم و گلها و ریاحین
در وی شکفته و جوی آب روان دلیل که مرگ وی بشهادت بود اگر بیند که بوقت دی در مرغزار
بود که گل و ریاحین از وی سبز شدی ویرا با بزرگ صحبت افتد آن مرد از خشم و چشم جدا مانده بود
اگر بیند که در مرغزار خوش و خرم بود با سبزه و گل و والی بیامد و آن مرغزار را از اصل برکند و خراب
کرد پادشاه آن دیار را مرگ مفاجا رسد مغربی گوید اگر بیند که در مرغزاری دون شده در آنجا

مرد

و در انجا شیران دید پادشاه لشکر دیار ظالم و ستمکار باشد اگر در ان مرغزار گوسفندان دید پادشاه را
مال بسیار بود و اگر در ان مرغزار گاوان و خران دید لشکر پادشاه بی وفا باشند و بر ایشان اعتماد نبود
اگر بیند که از ان مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بجای برد بقدر ان مال و منفعت یابد از پادشاه اگر از ان مرغزار
هیزم جمع کرد و بجای برد منفعت به سختی رسد اسمعیل اشعث گوید مرغزار در خواب ایمن بود
اگر بیند که در مرغزاری سبز و خرم رفت و در انجا مقیم شد زنی ستیره خوب روی بزنی کند اگر بیند که
مرغزار ان رشت و خرم بود تاویل بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن مرغزار در خواب بر هشت وجه
بود اول دین دوم اعتقاد سیوم سعادت و نظام کارها چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت
هفتم زن هشتم یافتن مردم مرهم ابن سیرین گوید اگر بیند که مرهم بر اندام خسته یا ریش می نهاد دلیل صلاح
دین او بود اگر بیند که مرهم میخورد چیزی حرام خورد یا مضرتی بدو رسد اگر مردی بیند که مرهم بر جراحت
اندام مردم را راحت رساند مغربی گوید اگر بیند که مرهم بر اندام خسته یا ریش می نهاد و ان مرهم کو
از اندام او می خورد دلیل بر نقصان مال او بود مروارید دانیال گوید مروارید در خواب فرزند غلام بود یا فرزند
کنیزک ابن سیرین گوید مروارید در خواب کنیزک خوب روی بود یا زن با جمال اگر مروارید بسیار بیند
چنانک شمار در نیاید دلیل بر مال بسیار بود بقدر مروارید و بعضی از معبران گویند چون مروارید را
بیند سخن علم و حکمت بود و نیز گویند دلیل بر عدد پسران و دختران کند و ابن سیرین گوید عدد زنان و
پسران کند اگر بیند که مروارید بسیار داشت بقدر ان مال یابد اگر بیند که از دهان او عقد مروارید بیرون آمد
از زبان وی سخن علم و حکمت بیرون اید اگر بیند که مروارید میخورد علم و توحید بپوشاند یا قرآن را فراموش
کند اگر بیند که در منزل یا در راه عقدهای مروارید گسترده بود دلیل که وی را در علم و حکمت
تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی علم و دانش حاصل کنند اگر بیند که بجای بر مردم
مروارید می ریخت علم و حکمت بکسی آموزد که سزای ان نباشد اگر مروارید بسیار داشت و دین

دارو عالم بود دلیل بود بر زیادتی علم و دیانت و اگر باز دارد بود دلیل بر زیادتی نعمت کرمانی گوید

اگر بیند که مروارید درشت او را فرزندی آید خوب روی چنانکه حق تعالی فرموده

کانهم لولو مکنون اگر مروارید بزرگ بیند مال یابد اگر بیند که مروارید

در دهان افکند و فرو برد حق تعالی او را علم کرامت کند اگر بیند که مروارید بفروخت

علم و قرآن فراموش کند اگر بیند که مروارید بجای مجهول به انداخت در حق کسی کاری کند که

حق آن نداند اگر بیند که عقد مروارید در دست بسته داشت او را دختر آید منغ...

گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت حق تعالی او را علم قرآن کرامت کند اگر بیند که از دهان

وی در گرانمایه یک یک برون می آمد سخنهای نیکو گوید چنانکه مردم آن را بپسندند اگر بیند

که عقد مروارید از دست وی بیفتاد و بشکست دلیل که او بسیار بگرید اسمعیل اشعث گوید

اگر مروارید بر کسی می افشاند یا بجای پلید افکند علم و حکمت پیش مردم نادان گوید اگر بیند که مروارید

باتش بسوخت یا بسنگ بشکست کاری کند که خلاف شریعت باشد اگر مروارید بزرگ ناسفته

داشت درشکست فرزندش بمیرد اگر بیند که مروارید از قضیب وی برون می آمد و سوراخ ندا...

وی را دختر آید اگر بیند که عقدها مروارید در گردن بست از هر گونه علم حاصل کند

اگر در گردن کسی او نبست آن کس را علم و دانش آموزد اگر بیند که هر دو گوش را گوشوار

مروارید خوش بود قرآن را حفظ کند اگر بحر وار مروارید داشت بقدر آن مال و خواسته یابد حافظ

معبر گوید اگر مروارید فروشی میکرد دلیل که آن کس مصلح و پارسا بود و از علمها بهره مند گردد

و اگر این کس اهل علم بود وی را فرزند و مال بسیار حاصل شود جعفر صادق گوید دیدن مروارید

در خواب بر شش وجه بود اول قرآن دوم حکمت سیوم مال چهارم زن خوب روی پنجم

کنیزک ششم فرزند نیک و مروارید فروش در خواب خرمندان و مال بسیار و علم

دیده بود

و دین بود مزدوران ابن سیرین گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند یا برنگ
دیبا با جولاهان خصومت کند و ازیشان مفارقت جوید معبر گوید اگر بیند که بخانه آن
مزدوران میکرد یکار صنعت گرفتار شود و خداوند خانه را با کسی خصومت کند اگر مزدوران در خانه
وی کار میکردند حاکم شود و متفکر اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی حاکم
می گشتند بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بخلاف این بیند نقصان مال بود مژگان اگر کسی بیند
مژگان چشم در خواب نگه داشتن دین بود اگر بیند چشم وی فرو ریخت دین وی را فساد
آید کرمانی گوید اگر بیند که مژگان چشم وی می جنبند بیمار شود اگر بیند که مژگانش بارگونه گشت
بقدر آن بیند جعفر صادق گوید دیدن مژگان در خواب بر چهار وجه بود اول نگهداشتن
مال و تن دوم دین سوم مال و روزی چهارم خرمی فرزند و هر چیز و بیشتر که در مژگان
بیند دلیل بر این چهار وجه بود مزدور ابن سیرین گوید مزدورها چیزی بیش و ناخوش بود و چون
در آن بود دلیل بر خیر و منفعت کند چیزی بیش و ناخوش بود دلیل بر مضرت و غم بود
مس ابن سیرین گوید مس از جنس جهودان بود اگر بیند که مس داشت و دانست که ملک او است
بقدر آن مال حاصل کند کرمانی گوید مس به و آفتابه مس و انچه بدین مانند همه خدمتکاران
باشند از زن و جهودان و دسته و چراغ پایه و باب زن و انچه بدین ماند که خداوند سرای بود
معبر گوید اگر بیند که مسی یا هیچ گداخت و صلح کرد کار مشکل بر دست او گشاده شود
و نیز گویند مال حلال برنج بدست آورد مستی ابن سیرین گوید مستی در خواب مال حرام بود
دکار دل در نماز چنانکه حق تعالی فرمود یا ایها الذین امنوا لا تقربوا الصلوة وانتم
سکارى کرمانی گوید مستی در خواب چون از شراب بود و ترس و بیم بقدر مستی جعفر
صادق گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود اول مال حرام دوم توانگری سوم پادشاهی
و نقصان مال چهارم ترس و بیم بقدر مستی مسجد ابن سیرین گوید مسجد اتابکی ان

بنا و لیکن مرد متقی بود که به نزدیک وی بسیار آیند از بهر صلاح و باری تعالی فرمود و مساجد
یذکر فیها اسم الله کثیرا اگر بیند که مسجد بنا کرد با مسلمانان خیر کند و او را اجر و ثواب بود
یا قومی را بر کار خود جمع آورد یا بر دین شریعت بدارد و مغربی گوید بنای مسجد نهادن در خواب زن
خواستن بود اگر بیند که مسجدی را بنا کرد زن حلال خواهد و آن زن دین دار و پارسا بود
و او نیز بسبب زن پارسا و مستور گردد اگر بیند که حرابه مسجد را ایک شد فرزندش بمیرد اگر بیند
که در مسجد جامع نشسته بود و بر اسپی و کلهها و سبزی زرسته بود دلیل کند بر دین کلاه‌ها باز بند
که در وی نماز شد اگر بیند که کسی وی را از مسجد باز داشت انگشت بر وی ستم کند اگر بیند که در
مسجد نماز میکرد و روی‌اش سوی قبله نبود انگشت را دیانت بود اگر در مسجد دست و روی می‌شست
مال خود در آن مسجد بهر بند کند و مرادش حاصل کند اگر بیند که مسجد خراب شد عالم بمیرد اسمعیل اشعث گوید
بنا کردن مسجد خواهش بود و جمع شدن مردمان در ضلالت و نابصلاح بودن و غیبت کردن
اعدا اجابت حق تعالی فرمود قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدا
اگر بیند که جایگاهی از ملک او مسجد گشت شرف و بزرگی یابد در دین و خلق الحق
دعوت کند اگر بیند که با قومی بمسجد رفت زنی ستیزه بزنی کند اگر بیند که در مسجد چیزی اش
برافروخت وی را فرزندی صالح آید اگر در مسجد مکه یا مدینه قربان کس از همه ترسها ایمن گردد
جعفر صادق گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود اول پادشاه دوم قاضی سوم عالم
چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب هفتم موذن هشتم قیم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم
زن خواستن دوازدهم نیکو کردن اگر مسجد آدینه بیند که می‌آراست مرد عالم از وزارت
یابد اگر بیند که مسجد را عمارت می‌کرد دلیل بود بر درستی ایمان اگر بیند که در مسجد شد
از رنج ترس ایمن گردد کقوله ومن کان امنا. مسح کردن ابن سیرین گوید اگر بیند
که منبع موزه بهر کرد وی را فرزند آید عالم فاضل و مردم تابع او شوند مغربی گوید اگر
بیند که

۱۶۷

بیند که مسیح موزه میکرد از سفر مال حاصل کند و کارش نظام گیرد ... مشک از وی تازه بود
ابن سیرین گوید مشک در خواب مال و نعمت حلال بود اگر بیند که مشک داشت و از آن بخورد
بقدر آن مال و نعمت یابد و مشک دلیل بود که آن سال بروی مبارک بود و بقدر آن
وی را خیر و برکت رسد و خوردن مشک بر ز ... منفعت یابد و انجه مشک هر جانور
که گوشت او حلال بود بر مال حلال دلیل بود و هر چه گوشت وی حرام بود مال حرام حاصل
کند جعفر صادق گوید مشک در خواب خوردن بر چهار وجه بود اول مال حلال دوم گواهی
دادن براست سیوم علم و دانش چهارم معیشت نیکو فصل مسلمانی ابن سیرین گوید
اگر مسلمانی بیند که دیگر باره مسلمان شد از بلاد و آفتها ایمن گردد اگر کافر بیند که
مسلمان شد کارهای او مستقیم شود مغربی گوید اگر مسلمانی بیند که کافر شد در بلا در افتد
و عاقبت او بد شود اگر بیند که کافر بدست وی مسلمان شد کسی را از فسق باز دارد
مسمار دلیل مردی بزرگ بود که کارها و حاجتهای مردم بوی بود و بعضی گویند مسمار
در خواب پادشاه بود یا امیر بزرگ اگر بیند که مسمار بزرگ و قوی داشت وی را با مردی بزرگ
صحبت افتد اگر بیند که چیزی بمسمار بدوخت کار پراکنده خود جمع کند اگر بیند که مسمار حالی
شد یا بشکست تاویل بخلاف این بود جعفر صادق گوید دیدن مسمار در خواب بر
چهار وجه بود اول مرد بزرگ دوم مردی که با مردم عهد و پیوند افکند سیوم امیر یا دلیل
چهارم نصرت و مکروه در کارها مسواک ابن سیرین گوید اگر بیند که مسواک کرد
مال خود بخیرات صرف کند که در آن ثواب باشد مغربی گوید اگر دندانهای پیش
را مسواک کرد دلیل که برادران و خواهران لطف کند اگر بیند که همه دندانها
را مسواک کرد دلیل که با خویشان حرمت کند مشرف اگر بیند که خود را
بروی مشرف شد دشمن مکاره بروی کرد حیلت بسازد اگر بیند که بر آب
صافی مشرف بود بر نعمت و مال کسی مشرف شود اگر بیند که از بان روی مشرف شد

دلیل کند ازان نعمت و مال که مشرف است حسد برند و با وی دشمنی کنند معبران گویند
اگر بیند که مشرف پادشاه شد معتمد حافظ پادشاه گردد اگر بیند که پادشاه او را از مشرفی
معزول کرد نقصان فرزند جعفر صادق گوید اگر بیند که بر کار صلاح مشرف شد
دلیل بر خیر و صلاح بود اگر بر کار بد مشرف بود دلیل بر شر و فساد بود مشرق ابن سیرین
گوید نهاد ارباب مشرق بر ملوک عالم است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روای
مردمان از جهت پادشاهان و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود اگر بر کار صلاح
مشرق بود دلیل بود بر خیر و صلاح اکنون اگر بیند که مشرق بجانب نیکو نشست کار زشت
خوب گردد و حاجتش روا شود از پادشاه اگر بیند که مشرق بجانب بد بود کار وی بد گردد
و حاجتش بر نیاید اگر مشرق بر سان مغرب خراب بود و در وی هیچ درخت و عمارت نبود
دلیل که پادشاه او را منفعت خدمت کند ابن سیرین گوید اگر بیند که مغرب بجایگاه نیکو بود کار وی
بد شود اگر بجایگاه ناخوش بیند آنچه گفتیم جعفر بن کرمانی گوید اگر خود را در جای بیند که آفتاب
بر آید وی را با پادشاه بزرگ صحبت افتد و اگر جای خود نیکو بیند مرادش همه بر آید و اگر
جای خود بد بیند مرادش بر نیاید بهمه حال جای بر آمدن آفتاب بهتر از فرو شدن بود و
جای آفتاب بر آمدن اقبال و بزرگی بود و جای فرو شدن ادبار و فرو ماندگی مشرک
ابن سیرین گوید اگر مشرکی بیند که مسلمان شد در مسلمانی بمیرد و اگر سخن وی بخلاف شریعت
بود مسلمان نشود و اگر مسلمان شود تا ثابت باشد معبران گویند اگر بیند که مشرکی در بهشت
شد دلیل که مسلمان شود و اگر بیند که مشرکی سوی قبله نماز میکرد یا شکر حق تعالی میکرد از وی
مسلمان شود و نعمت بروز زیادت گردد چنانک حق تعالی فرمود الله نور السموات
والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح اگر مشرکی بیند
که بمسلمانی آمد همین دلیل بود جعفر صادق گوید اگر کسی مشتری را بخواب بیند بیننده
خواب مستور بود طالب علم گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر مستور نبود با مردم
بود طالب

او را صحبت افتد متعبد ابن سیرین گوید مشعبد در خواب دیدن کار باطل بود اگر بیند
که مشعبد بازی کننده بود کارهای باطل کند اگر بیند که در شعبده بازی میکرد و در کار بد افتد
فی الجمله در شعبده دیدن هیچ خیر نباشد اگر بیند که از شعبده کردن دست بداشت
از کارهای باطل توبه کند و بخدای تعالی باز گردد مشک دانیال گوید اگر بیند که با
خود مشک داشت دلیل که با ادب و فرهنگ بود و همه کس برو آفرین کنند و ثنا
گویند اگر بیند که از وی بوی مشک یا بوی کافور می آید دلیل که نفس او در راه حق تعالی پاک
و صاف گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که مشک را می سود نیکویی کند با کسی که از وی منت
ندارد اگر بیند که زن وی مشک بدست آس میکرد دلیل که ستیزه و ضاله بود
و همه ثنا او گویند اگر بیند که مشک را دل میکرد دلیل که رفیق با صلاح و گزیده بود در سفر
اگر بیند که نافه مشک بشکافت و مشک از وی بیرون آورد زنی ستیزه تو اگر زن را
کند اگر در میان نافه شانی [illegible] دید آن زن را هم مال بود و هم جمال اگر بیند اهل
علم بود علم [illegible] حاجات کند اگر بازرگان بود سود کرد [illegible] گوید اگر بیند که نافه مشک بشکافت
و از آن مشک بوی خوش می آید تاویل بخلاف این بود که گفتیم اگر نافه مشک بشکافت
و از آن نام او یافت مغشوش کرده [illegible] اگر بیند که مشک میخورد مال [illegible]
کند و بعضی از معبران گفته اند مالی حرام یابد اگر خروار مشک داشت و دانست که ملک
او است بقدر آن مال از علم یابد و نامش در آن دیار منتشر گردد جعفر صادق گوید دیدن مشک و
در خواب بر شش وجه بود اول زن دوم دوست سوم عیش چهارم کنیزک پنجم مال ششم سخن
خوش وقت [illegible] است ابن سیرین گوید مشک آب در خواب سفر بود اگر مشک آب
او نو بود سفر رود و سود بسیار یابد اگر مشک کهنه بود بخلاف این بود که گفتیم اگر مشک
او سوراخ و شکسته بود یا دزد دیدند از آن سفر زیان بیند کرمانی گوید اگر مشک پر آب داشت
و از آن آب مردم میداد با مردم لطف کند و اگر بخلاف این بیند لطف نکنند جعفر صادق

کوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود اول سفر دوم مال سیوم زندگانی دراز مصحف
ابن سیرین گوید مصحف بتاویل علم وحکمت بود اگر بیند که از مصحف قرآن می‌خواند یا
دروی نگاه میکرد علم وحکمت آموزد اگر بیند که مصحفی بخرید طالب علم شود اگر بیند که مصحف
با آتش بسوخت دلیل بر فساد دین وی بود کرمانی گوید اگر بیند که مصحف کهنه بر سر و
دیده نهاد دلیل که وقایهٔ آن شهر کرده اگر بیند که ورقها مصحف می‌خورد قرآن بسیار
خواند اگر بیند که ورقهای مصحف میدرید نمازها تمام نکند اگر نوشته مصحف بر زبان
همی سترد دلیل که هوس دارد که قرآن حفظ کند اگر بیند که قرآن را تفسیر میکرد در کار
شود که در آن کار ناروای بود اگر بیند که مصحفی داشت چون بگشود هیچ نوشته نبود دلیل
که بزبان دیگر بود اگر مصحف را بوی داد کارها خیر کند اگر بیند که قرآن همی نوشت
ملحد شود اگر بیند که برهنه قرآن می‌خواند دلیل که خورش وی از قرآن بود اگر بیند که مصحف
را بالش کرده بود بقرآن کار نکند اگر بیند که کسی از وی مصحف بستد دلیل که علم فروش
کند اگر بیند که قرآن می‌خواند و خصم نزد او خواند و هر سخت مدو رسد اگر مصحف حمایل کرده است
از همه خوفها ایمن گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که در مصحف قرآن نگاه میکرد یا از جای
قرآن می‌نوشت دلیل که تفسیر قرآن بر او خوش کند حایک حفظ خواهد اگر بیند که ورقهای
مصحف باز میکرد در کار او وجاه یابد اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت
دلیل خیر بود واگر شر گفت دلیل شر بود جعفر صادق گوید دیدن مصحف در خواب
بر پنج وجه بود اول علم وحکمت دوم میراث سیوم امانت چهارم روزی حلال پنجم علم
وحکمت مصطکی ابن سیرین گوید اگر بیند که مصطکی می‌خایید کاری کند که وی را در آن گفتگو بود
کرمانی گوید اگر بیند که مصطکی می‌خایید با کسی شکایت کند بقدر خاییدن اگر بیند که مصطکی
بسیار داشت از وی میخورد وی را از کسی منفعت رسد اگر بیند که مصطکی بر آتش بخور
کرد از پادشاه منفعت یابد مصور صورت کننده ابن سیرین گوید اگر بیند

که صورت

که صورت حیوان منکر و برخلاف غیر حال دروغ گوید و حرام را حلال داند مغربی گوید
اگر بیند که صورت آدمی یا صورت دیگر منکر و بد مذهب و دروغ زن بود یا در
صفات حق تعالی چیزی گوید جاهل در دیدن صورت که خیر نباشد مطبخ ابن سیرین گوید
اگر بیند که مطبخ داشت خادمه بود اگر بیند که در خانه خود مطبخ بکل و خشت خام ساخت
دور از زن خادم باید یا دین دار حاصل شود اگر بیند که مطبخ در بیخ و خشت پخته ساخت
زن خادمه بی دین و دیانت بود و امانت نگاه دارد و اگر داند که مطبخ ملک وی نبود
و خیر و شر آن بخداوند خانه باز گردد مطبوخ ابن سیرین گوید اگر بیند که مطبوخ از بیماری می
پخت و آن مطبوخ موافق بود صلاح دین جوید اگر مطبوخ موافق نبود صلاح دین از وی
زایل شود و اگر مطبوخ نه از بهر بیماری می خورد صلاح دنیا جوید بقدر مطبوخ اگر بیند که از بهر
مردم مطبوخ می ساخت با خلق خدای احسان کند اگر بیند که از پختن مطبوخ جدا شد
از غم و اندوه بار زهد کرمانی گوید اگر بیند که مطبوخ خورد وی را اسهال بسیار آمد و رنجور
گشت دلیل که وی را مضرت و نقصان رسد و اگر مطبوخ را قی کرد هم بدین دلیل اگر بخلاف
این بود دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر مطبوخ خوردن بر وی آسان بود دلیل بر خیر و شفا
بود و اگر دشوار بود دلیل بر رنج و مضرت بود اگر بیند که حب مطبوخ خورد و در وی اثر
خیر بود دلیل بر صلاح دین و تن درستی بود اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد
دین بود مطرب ابن سیرین گوید اگر بیند که مطربی نیکو و سرود می زد دلیل که کار ها
حرام کند و اگر خبر دهد از رود ها چیز دیگر می زد چون دف و طبل اندوهگین و متهم شود
و در مطربی کردن در خواب خیر نباشد مطرقه خاییسک بود در حرف خا بیان کردیم
مطلیحه ابن سیرین گوید آنچه مطلیحه ترش بود دلیل بر مضرت بود و آنچه شیرین بود خیر
و منفعت باشد معبر خواب گزار بود و مرد نیکو خیر معبر در قلت بود و عظیم زیرا که
این هر سه قوم خداوند گریه و زاری اند و در تعبیر دلیل بر فنا کند معجون ابن سیرین گوید اگر

اگر بیند که معجون از بهر درد و بیماری می ساخت او را از مردم خیر و منفعت رسد اگر بیند که معجون

وی معیوب گشت دلیل که از خیر و منفعت بی بهره گردد اگر بیند که معجون [illegible]

آن به یابد اگر منفعت معجون از بهر [illegible] بفرماید [illegible] اگر معجون از بهر [illegible]

از [illegible] و [illegible] بود منفعت رسد اگر بیند که معجون از بهر [illegible] بود از دو [illegible] منفعت یابد معده

ابن سیرین گوید اگر بیند که معده وی [illegible] زندگانی وی دراز بود اگر [illegible] بیند [illegible]

کوتاه بود معبری گوید معده [illegible] فرزند بود اگر بیند که معده وی [illegible] منتقد [illegible]

از درد و بیماری یابد اگر [illegible] بیند [illegible] بیمار باشد و ضعیف [illegible] گوید دیدن معده

در خواب بر شش وجه بود اول [illegible] دوم [illegible] چهارم فرزند پنجم [illegible]

ششم [illegible] اگر [illegible] ابن سیرین گوید [illegible] معده را

[illegible] اگر [illegible] معصره [illegible] انگور

بالا [illegible] گوید ابن سیرین گوید اگر بیند در معصره چوبی انگور [illegible]

[illegible] معصره [illegible] دست [illegible]

در معصره بیند [illegible] فرزند [illegible] منفعت [illegible] ابن سیرین گوید معصره در

دلیل بر بیماری کند اگر بیند [illegible] معصره [illegible] بیماری [illegible]

از بیماری شفا یابد اگر بیند [illegible] معصره [illegible] گرداند [illegible] بیماری [illegible]

گوید دیدن معصره در خواب بر سه وجه بود اول بیماری دوم [illegible] و اندوه سوم [illegible]

معلم ابن سیرین گوید معلم در خواب [illegible] دانایان بود اگر بیند که معلمی [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] کودکان [illegible] علم [illegible]

مردم [illegible] اگر بیند [illegible] معلمی در خواب بر چهار وجه بود اول

[illegible] دوم [illegible] سوم [illegible] چهارم [illegible]

[illegible] ابن سیرین گوید اگر بیند [illegible] اگر بیند [illegible] خورد [illegible]

اگر بیند که خلق را بانگشت مغفره مسح کرده کاری کند که مردم او را ملامت کنند و شرار بود
مغز دماغ ایشان گوید مغز سر و استخوان مالی بود که ظاهر نباشد اگر بیند که مغز خویش میخورد
مال ذخیره نهد اگر بیند که مغز دیگری میخورد مالی که پیش کسی ذخیره بود آنرا هزینه کند اگر
بیند که مغز سر گوسفند یا مغز استخوان میخورد بقدر آن مال حاصل کند ابن سیرین گوید
اگر بیند که مغز سر وی بر زمین افتاده بود سرمایه از دست وی بشود اگر بیند که همان مغز
را از زمین برگرفت و بر سر نهاد مال رفته وی باز آید اگر مغز خود را فروخت یا تازه بیند نمونه
مال بدهد اگر دید که مغز جانوری که گوشت آن حرام بود که میخورد مال حرام خورده بود
اگر بیند که مار یا کژدم مغز سر وی میخوردند بقدر آن از مال مرده خورد اسمعیل اشعث
گوید مغز در خواب مال دفینه بود اگر بیند که مغز خورده کنده بود و ناخوش گونه مال بداده
باشد جعفر صادق گوید دیدن مغز در خواب بر سه وجه بود اول مال نهان دوم عقل سوم
هنر مبتلا ابن سیرین گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه بر نمی توانست خاستن
در کارها ضعیف و سست بود و در شغلها فرو مانده اگر مبتلا بیند که درست شده بود
کارها بروی گشاده شود و بمراد برسد کرمانی گوید اگر بیند که مبتلا مادرزاد بود از
معصیت توبه کند و اگر خود را مبتلا بیند چنانکه بزانو میرفت عیشش بروی دشوار شود
و روزی بروی تنگ گردد مغربی گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد مضرتی بدو رساند معجون
معجون بود که شادی در آرد و دل را قوت دهد و قوت دارد و اندوه دل ببرد ابن سیرین
گوید اگر بیند که مفرح مشک یا کافور میخورد به قدر آن از رنجی منفعت یابد و خوشی وی در دیار
منتشر گردد کرمانی گوید اگر بیند که مفرح که خورد تلخ و ناخوش بود دلیل بر خیر و منفعت بود
اگر بیند که مفرح بکسی داد بدانکس راحت رساند یا خنجر بود در حرف
نون گفته شود مقرمه مندیله بود که بستر را بدان پوشند ابن سیرین گوید

مغرفه در خواب خدمتکار بود و بیننده را اگر بیند که مغرفه پاکیزه داشت ویرا خدمتکاری مصلح و دیندار
بدست افتد اگر بیند که مغرفه کهن و چرکین بود تاویل آن بخلاف این بود و اگر بیند که مغرفه او
ضایع شد یا بسوخت آن خدمتکار از وی جدا شود معبری گوید مغرفه در خواب خدمتکار خانه بود
اگر مغرفه بزرگ و فراخ بیند دلیل آنکه ملک دوست دار خدمتکار خیر یابد اگر بخلاف این بیند
منفعت کمتر بود **مقعد** ابن سیرین گوید مقعد در خواب شغل و کسب وی بود اگر
مقعد خود بیرون آمده بیند کسب وی تباه گردد و اگر بیند که از مقعد وی خون می‌چکید زیان
مال بود و اگر از مقعد وی کرمی یا پاره گوشت خون آلود بیرون آمد فرزندش هلاک شود اگر بیند
که پلیدی با خون و ریم آمد از نا کردنی کاری مخور نگاه دارد و کرمانی گوید اگر بیند که مقعد وی
بزرگ و گوشتین بود بقدر آن ویرا کسب و مال بود و اگر بخلاف این بیند نقصان مال بود
اگر مقعد خود ریش و درد مند بیند سبب مال اندوهی بوی رسد مغربی گوید اگر بیند که
از مقعد وی پلیدی با خون می‌آمد و تن خود را آلوده کرد مال حرام یابد و ملامت و بدگفتن
اگر بیند که از سوراخ مقعد او مار بیرون آمد مقصود خود بیابد اگر مقعد خود با موی فی می
بدروغ ستایش او کنند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که مقعد وی بیرون آمد بود چیزی حرام خورد
و لوطی گفته اند معیشت بروی تنگ شود اگر بیند که از مقعد وی خاک می‌آمد اگر [illegible] پاک شود
اگر بیند که مار یا کژدم در مقعد وی شد از دشمنی زحمت یابد اگر بیند که سوراخ مقعد وی
بسته شد کسب و کار بروی بسته گردد جعفر صادق گوید دیدن مقعد در خواب بر سه وجه
بود اول کسب و کار دوم منفعت و مال سیوم معیشت **مقل** ابن سیرین گوید اگر بیند که
مقل از درخت با [illegible] کرد کاری کند بی منفعت اگر بیند که مقل جمع کرد ویرا زیان و مضرت
رسد اگر بیند که مقل [illegible] بقدر آن غم و اندوه رسد **مقنعه** ابن سیرین گوید
مقنعه در خواب زنان پوشش بود و مردان را زن اگر زنی بیند که مقنعه از سر وی
جدا شد شوهرش بمیرد یا طلاقش دهد اگر بیند که پاره از مقنعه او بسوخت شوهرش را
از حاکم بیم بود کرمانی گوید اگر در مقنعه بیند از نیک و بد دلیل بر نیکوئی بود و اگر شوهر دارد

۱۰۶۱

اورا الشوهر دهند اگر بیند که مقنعه از آنِ او بود تهمت شده حال شوهر نیکو شود اگر بیند که مقنعه
از روی او جدا شد شوهرش بمیرد یا طلاق دهد اگر مردی بیند که در سر مقنعه داشت زن خواهد
یا کنیزک خرد معبری گوید اگر بیند زنی که بر سر مقنعه سبز داشت شوهر وی پارسا و دیندار
بود اگر مقنعه سفید بیند همین دلیل دارد اگر سرخ بود شوهرش معمور و مضطرب بود و
اگر سیاه بیند شوهرش بزرگ بود و بخیل بود اگر کبود بود مصیبت نغمه بود اگر زرد بیند بیمار گونه بود
جعفر صادق گوید دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سوم خادم
چهارم منفعت ارجان اگر مقنعه کرامی یا پشمین داشت شوهرش پارسا و دیندار
و مصلح بود مگس ابن سیرین گوید مگس در خواب مردم سفله و درویش بود اگر بیند
که مگسان بروی جمع شدند یا در جامه و دهان وی میرفتند از سفله مال حاصل کند
سختی اگر بیند که مگس در گوش وی شد از سفله سخن شنود و از آن برنجد اگر بیند
که بانگ مگس می شنید از مردم غوغا بیند کرمانی گوید اگر بیند مگس در خوان
مردم حاسد فرومایه بود اگر بیند که بر پیراهن وی مگسان جمع شدند با مردم حاسد
وی را شغل افتد اگر بیند که مگس بسیار در خانه او نشسته مردم سخن او گویند اگر
بیند که مگسان وی را گزیدند مردم دون بر خوان او وی حسد برند اگر بیند
که مگس میکشت حاسد انرا قهر کند اگر بیند که مگس می خورد مال دشمن
را بکوبیت بستاند اگر بیند که مگسان در زمین می شدند حاسدان از مال
نهان کرده وی بستانند و هزینه کنند و وی را مضرت رسانند مگس انگبین
ابن سیرین گوید اگر مگس انگبین در خواب مردم فراخ روزی و کسب کننده بود
اگر بیند که مگس انگبین در دست لقدران غنیمت بی رنج او را حاصل شود
معبری گوید اگر بیند که مگس انگبین بروی جمع شدند و می خورد لقدران مضرت
وزیان یابد اگر بیند که از مگس انگبین سخنهای نیکو شنود از ان فایده یابد

مکه ابن سیرین گوید اگر خود را بمکه بیند دلیل که زیارت کعبه کند اگر بیند که در مکه بود و مردم او را
می پرستیدند دلیل که عمرش بیهوده گذرد و اگر بیند که بمکه از بهر تجارت رفت رغبت آخرت بود
نه از بهر حرص مال دنیا دارد و مغربی گوید اگر بیند که در مکه بصلاح و زهد مشغول بود
منفعت دنیا یابد اگر مکه را آبادان بیند مال و نعمت یابد و اگر خراب بود تاویل
بخلاف این بود ملخ ابن سیرین گوید ملخ زنده لشکر بود و ملخ پخته درم و دینار اگر ملخ در شهری
یا در موضعی پدید آید و آنجا مضرت یابند بقدر ملخ لشکر آنجا رسد و مردم آن موضع را
زحمت رسد کرمانی گوید ملخ لشکریست از لشکر خدای تعالی مغربی گوید اگر بیند که ملخ جمع
میکرد و در ظرفی میانداخت مالی جمع کند و لیکن بر دین زیان کند اگر ملخ بسیار در دیار جمع شدند
و نبات آنجا بخورد مالهای قیاس بآنجا جمع شود و همه را [illegible] و خراب گشته مناره
ابن سیرین گوید اگر بیند که مناره در کرامت و کلاه [illegible] علم و حکمت بود و بنفس خود جای
بجهت همه خیر و بشارت بود مغربی گوید اگر بیند که مناره در کرد بصلاح آن جهانی خیر و صلاح
یابد اگر مناره در وی بخیر دنیا در بود مراد این جهانی یابد اگر بیند که مناره در [illegible] بود تاویل
بخلاف این بود مناره ابن سیرین گوید مناره در خواب مردی بیند که او دین مردم را
اگر بیند که مناره بنا کرد و خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمع دارد و اگر بیند که مناره را خراب
کرد جماعتی از اهل اسلام متفرق کند اگر بیند که بی سببی مناره بیفتاد آن موضع متفرق
گردند و بعضی گویند موذن آن موضع از دنیا برود کرمانی گوید مناره در خواب پادشاه بود یا
مردی بزرگوار اگر کوچه مناره بیند مهتر بدان کوچه رسد اگر مناره از گچ و آجر بیند دلیل که
آن مهتر سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود آن مهتر یا سلطان از رعیت بود و
دین دار و متواضع اگر مناره از سنگ و آهک بیند آن مهتر از پادشاهی ستمگر بود و اگر مناره
از چوب دید آن مهتر سفله و دون همت بود اگر مناره بر در مسجد دید آن مهتر عالم و فاضل
بود و خلق را الهی بشریعت خواند اگر بیند که مناره مسجد افتاده بود از ارکان یکی بمیرد

و میان خلق پراکنده و تشویش بود اگر بیند که سر مناره از مس یا از برنج بود پادشاه
ظالم بود و ستمکار اگر سر وی از زر یا از سیم بود پادشاه دروغ زن و غدار بود اگر
بیند که مناره از خشت پخته بود پادشاه متکبر باشد اگر خود را بر سر مناره بیند مقرب پادشاه
شود و کارش عظام گردد اگر بیند که بر سر مناره طعام نهاده بود دران دیار پادشاهی عادل پدید آید
معبر گوید اگر بیند که بر مناره بود و بانگ میگفت پادشاه خلق را وعده ها بگوید هر اگر
بیند که در مناره مسجد جامع بانگ نماز میداد کار بزرگ کند و او را ج روز شود قوله تعالی
واذن فی الناس بالحج یاتوک رجالا اگر بیند که بر مناره رفت و قامت
کرد دلیل دراز عمر کند اگر بیند که مناره بجنبید پادشاه بیمار شود اگر باد مناره بیفکند سلطان
نو آید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق گوید دیدن مناره در خواب
بر چهار وجه بود اول پادشاه دوم مرد بزرگ سیوم امام چهارم موذن منبر ابن سیرین گوید
منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و هر خیر و شر که در منبر بیند تاویل آن بدان
پادشاه بود اگر بیند که در منبر شد و علم و حکمت گفت یا خطبه خواند و او از اهل علم بود
از سلطان شرف و بزرگی یابد و اگر اهل علم نبود یکی از خویشان او از اهل علم شود
اگر بیند که بر منبر شعر میخواند یا سخنان خلاف راه دین میگفت میان اهل اسلام بد دین
رسوا شود و بعضی از معبران گفته اند وی را بردار کنند اگر پادشاهی بیند که بر منبر بود و از منبر
بیفتاد یا منبر بشکست از پادشاهی معزول گردد کرمانی گوید اگر بیند که بر منبر شد و خطبه تمام
خواند و از منبر فرود آمد از خطابت معزول گردد اگر زنی بیند که بر سر منبر خطبه می خواند یا
سخن علم و حکمت میگفت در میان مردم رسوا شود اگر بیند که از منبر بیفتاد اگر عالم بود و اگر جاهل
از بزرگی بیفتد و میان مردم خوار شود معبر گوید اگر بیند که بر منبر شد و عالم و مصلح و دین دار
بود بزرگی و جاه یابد اگر مفسد بود وی را اندر دار کنند و بردار کنند و هر چند منبر
بزرگتر بیند جاه و منزلت بیشتر بود جعفر صادق گوید دیدن منبر در خواب بر پنج وجه

بود اول پادشاه دوم قاضی سوم امام جهان خطیب پنجم مرتبت بیند خواب زیادت
و نقصان که در منبر بیند بدین کسان افتد که بیان کرده ایم ۞ منجنیق ابن سیرین گوید اگر بیند
که منجنیق شد دلیل که پیش بزرگان منزلت یابد اما دروغ بسیار گوید کرمانی گوید اگر بیند
که منجنیق در ولایت و نجوم افلاک می گفت نزدیک بزرگان حرمت یابد جعفر صادق گوید
منجنیق در خواب مردی بود که دروغ بسیار گوید و شکر حق تعالی بگزارد ۞ منجنیق ابن سیرین گوید
اگر بیند که در شهری یا در قلعه مسلمانان سنگ منجنیق انداخت در میان مسلمانان غیبت کند اگر
بیند که در شهری یا در قلعه کافران می انداخت اندر آن دیار دشمن دراز دو پیوسته بدان شادی گوید
معبری گوید اگر بیند که بر آن شهر منجنیق نهاده بودند و باروی آن شهر حرز محکم دیدند دلیل که آن
شهر را از دشمن خطر بود اگر بیند که منجنیقها که نهاده بودند بشکست یا بسوخت پادشاه آن شهر
بر آن ظفر یابد و اهل آن شهر ایمن گردند ۞ مندیل دستار سر بود ابن سیرین گوید مندیل
بخواب خادم بود و هر زیادت و نقصان که در آن بیند بخادم باز گردد اگر بیند که مندیلی
نو داشت خادمی حاصل کند اگر بیند که مندیل او سبز بود خادم دیندار بود اگر سفید بود
خادم با دیانت بود اگر سیه بود خادم معاشر بود و سرکش اگر زرد بود خادم بیوفا و بدخو
بود اگر کبود بود خادم مصیبت زده بود اگر فوطه بود خادم زاهد بود اگر مندیل پشمین
یا کرباسین بود خادم دیندار و با امانت بود اگر از کتان بود خادم بدفعل بود اگر از
قز یا ابریشم بود خادم متکبر بود اگر مندیل چرکین و کهنه بود آن خادم رنجور و بیمار گردد اگر
بیند که مندیل ضایع شد خادم ازو جدا شود اگر بیند که مندیل بسوخت خادم بمیرد ۞ منشور
ابن سیرین گوید اگر بیند که عالمی یا حاکمی منشوری بدو داد که در آن کلمها نوشته اند صلاح و در دین
و نجات آخرت بود سعادت دنیا و آخرت یابد اگر بخلاف این بیند بد بود معبری گوید
اگر بیند که پادشاه منشوری بدو داد و آن صالح بود از بزرگی مرتبت تمام یابد و کارش نظام
شود اگر بیند که لشکر حرات و ولایت بدو داد و بلیش بخلاف این بود جعفر صادق گوید
از ... کرده ام

اگر بیند که فرشته یا معبری بخط سبز نوشته بدو داد حق تعالی او را بیامرزد و او را در جنت شود
و از غم فرج دهد و اگر منشور شاه بیند بد باشد منقار ابن سیرین گوید اگر بیند که او را بی
مرغی منقار بقدر برآمد منقار مال یابد و حاجت حاصل کند اگر بیند که مرغی برآب خیز آنکه دیگر کس و انجم
بدان ماند در امنقار بزند خیانت ویرا ادر کرد رنج و سختی رسد بقدر آن مغربی گوید اگر
بیند که منقار مرغ داشت بقدر و قیمت مرغ از مهتری منفعت یابد اگر بیند که منقار دار
و مردم را منقار بزد و مردم را از وی زحمت رسد منی ابن سیرین گوید که فرزندان پدید آید ابن سیرین
گوید دیدن منی در خواب مایه بود که پایدار بود اگر پادشاه بدان شاد شود اگر بیند که یک
سبوی آب منی داشت مال بسیار بدست آورد اگر بیند که منی از قضیب وی بیرون آمد از
کسب خود مال حاصل کند بسیار اگر بیند از قضیبش یک قطره آب منی بیرون آمد بقدر آن
مال یابد کرمانی گوید اگر بیند که از قضیبش منی میرفت مال بیگانه یابد جعفر صادق گوید
دیدن منی در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم زیادتی مال سیوم نقصان مال چهارم سفر
و حق تعالی داند خواب بیند که منی از وی آمد بتعبیر زیادتی مال کند و اگر منی نیاید نقصان مال
بود مهد ابن سیرین گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود و بیننده سزاوار مهد بود دلیل بر راحت و راستی
و عیش خوش بود و از ترس و بیم ایمن شود اگر بیند که مهد بیفتاد و بشکست تاویلش بخلاف
این بود کرمانی گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود زنی خواهد یا کنیزکی خرد و بعضی از معبران گفته اند
مهد در خواب آرامگاه و عز و جاه مرتبت بود و کسی را که سزاوار مهد نیست و کسی را که سزاوار مهد
نباشد تاویلش بخلاف این بود زندان و حبس بود جعفر صادق گوید دیدن مهد در خواب
توانگران را بر هشت وجه بود اول راحت و آسانی دوم عیش سیوم عز چهارم دولت
پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم زنان مهتران هشتم کنیزک مهتران و دیدن مهد درویشان را بر چهار وجه
بود اول زندان دوم جایگاه تنگ سیوم غم و اندوه چهارم رنج و محنت مهر ابن سیرین
گوید اگر بیند که بر کاغذ مهر انگشتری نهاد از خداوند انگشتری منفعت یابد اگر بیند که

برفانه مهره پنهان د چیزی تنگ نوی رسید اگر ببیند که تنبد که پادشاهی یا بزرگی انگشتری مهر و داد
و لفت حرزیه مهره کس بزرگ تا مال خود دهد و بسیار رود اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و بزرگی
منزلت یابد اگر بیند که پادشاه بزنانه مهر پنهان د جانک ریمست حاجتش روا گردد
جعفر صادق گوید مهر پنهان دیدن بر کیسه و خانه و نامه و امثال آن بدین ماند بر هفت وجه بود اول
پادشاه گرفتن کار دوم قوت بدین سوم ریاست چهارم حقیقت اخبار و صلاح دین
پنجم مال و منفعت ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده مهره
ابن سیرین گوید اگر بیند که مهره یافت بقدر قیمت مهره مال یابد یا از منفعت بیننده
معبر گوید اگر بیند که مهره داشت حد شکاری جا جات کند اگر بیند که مهره ها کرده سفید بود
آن خدمت کار مصلح بود و پارسا بود اگر سبز بود مبارک روی بود و اگر زرد بود بیمار گونه
بود اگر سیاه بود حد شکار سخت دل و بدخوی بود جعفر صادق گوید دیدن مهره بخواب
بر هفت وجه بود اول زن دوم حد شکار سوم کنیزک چهارم مال پنجم ادب و فرهنگ
ششم فرزند هفتم علم و حکمت و هر زیادت و نقصان که در مهره بیند برین هفت وجه بود
اول این چیز است مهمانی ابن سیرین گوید مهمانی در خواب اجتماع بود در چیزی
اگر بیند که قومی را مهمانی خوانده کاری کند که آن کار را دیگر از هر شغل باز دارد و اگر
بیند که وی را در باغی بکردند مهمانی که میوه بسیار در آن باغ بود و جوی های آب
روان او لعزام بود و شهید گردد قوله تعالی فیهما فاکهة کثیرة و شراب
معبر گوید مهمانی در خواب دلیل بود بر بازماندن غاشی کرمانی گوید مهمانی در خواب جای
در آن جنگ و چغانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و مصیبت کند و اگر این که
گفتیم در آن نبود خیر و برکت و درستی و خرمی بود جعفر صادق گوید اگر بیند که عروسی
خواست بی نکاح و مهمانی وی را غم و اندوه رسد مورچه ابن سیرین گوید مورچه
در خواب انبوهی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد مردم بسیار آنجا
جمع شوند اگر بیند که موران از سرای وی بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای دیگر

[illegible]

نحو ملک کنند اگر بیند که موران در خانه زیادت شدند مال و نعمت او زیادت شود اگر مورچه
پرهای بیگانه در خانه او شد دزد در خانه او رود اگر بیند که بر تن وی موران جمع شدند
و از دهان وی بیرون آمدند زود هلاک شود معبّر گوید مورچه در خواب سپاهی ضعیف بود
اگر در خانه خود مورچه بسیار بیند نسلش بسیار گردد اگر بیند که موران از سرای وی بیرون
شدند نسلش کم گردد اسمعیل اشعث گوید موران سرخ خرد در خواب مردمان ضعیف و
سست باشند و موران سیاه بزرگ دهقان اهل بیت باشند اگر بیند که از سرای
وی موران برآمدند و در هوا می پریدند خویشان او بسفر روند اگر موران باز آمدند مردمان
از سفر باز آیند جعفر صادق گوید دیدن مور تاویل اهل بیت بیند خواب بود و اگر بیند
که از خانه او موران بیرون شدند احوال اهل آن خانه پریشان شود مورد
ابن سیرین گوید مورد در خواب علم آزاد در از عمر باشد و خوش طبع و خوب روی و
کامل عقل چنانکه دسته را اشاره بود اگر بیند که مورد درخت با چنین مردی صحبت
گفته و از وی منفعت یابد کرمانی گوید اگر بیند که درخت مورد بشکست یا بکند از صحبت
چنین مردی مفارقت کند معبّر گوید مورد بخواب مال و نعمت بسیار بود و لیکن گوید
فرزند صالح بود جعفر صادق گوید مورد در خواب بر چهار وجه بود اول فرزندان عاقل
خوش طبع دوم فرزند صالح نیک سیرت سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی
بیند که دسته مورد بشوهر داد دلیل که نکاح ایشان ثابت و پایدار بود موز
ابن سیرین گوید دیدن موز توانگر از مال بود و اهل دین را دین و برکت بهترین
هم بر گواهست اگر بیند که موز بهم در دشت توانگر شود اگر بیند که موز خورد مراد دینی
و دنیاوی بیابد جعفر صادق گوید دیدن موز در خواب بر سه وجه بود اول زیادت
مال دوم زیادتی دین سوم معیشت خوش و روزی حلال و لیکن معبران
گفته اگر بیند که موز را بوقت خود می خورد زنی توانگر بزنی گیرد و از وی منفعت یابد
خوردن دا افعال گوید موز بخواب مرستاح دلیل بر خیر و برکت بی بملکی بود و

ودیگر لشکر از غم واندوه بود موزه معبران را اختلاف است ابن سیرین گوید اگر بیند که موزه
در پای داشت و سلاح هم داشت از دشمن ایمن شود اگر بیند که با موزه سلاح نداشت از غم واندوه
برهد کرمانی گوید اگر بیند که موزه از پوست میش داشت بقدر آن مال یابد اگر بیند که
زیر موزه دریده بود زنش بمیرد اگر بیند که موزه از پای بیرون کرد شادی و خرمی
یابد اگر در زندان بود رسته گردد اگر بیند که موزه آتش بسوخت زنش تلف شود
اگر بیند که یک موزه ضایع شد نقصان مال وی بود و سر موزه همین تاویل دارد مولی گوید
اگر موزه بد یا اندر آن جست از خانه زن را طلاق ده اگر بیند که موزه بمردی بپایش فروخت
زنش بمیرد اگر بیند که موزه را بدزدیدند جوانان قصد زن او کنند جعفر صادق گوید
موزه در خواب چون نرم بود دیدار آن بر هفت وجه بود اول زن دوم خادم
سوم کنیزک چهارم قوت پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت موشی
ابن سیرین گوید موش در خواب زنی بود که بظاهر مستور بود و بباطن فاسقه
اگر بیند که موشی بگرفت زنی خواهد چنین که گفتیم اگر بیند که موشی را بحیله بگرفت
زنی بمکر و حیلت بخواهد اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند بگیان
بودند لعبه موشان زنان در خانه او جمع شوند اگر بیند که موشان جمعی در خانه او
سیاه بودند و بعضی سفید بدانک آن اختلاف در شب و روز بود و در حدیث
از سید عالم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم فرموده شب و روز دو موش اند
که هیچ درخت عمر مردم می برند کرمانی گوید اگر بیند که از سوراخ بینی یا از سوراخ گوش
او موشی بیرون آمد وی را دختری آید اگر بیند که از گلوی وی موشی بیرون
آمد وی را پسری آید اگر بیند که از مقعد وی موشی بیرون آمد وی را دختری ناپکار آید
مغربی گوید اگر بیند که در خانه وی موشان دشتی آمدند دلیل زنان ناپاکار در منزل
سازند و گفته موشان در خواب با کالای زنان بود و بعضی از زنان مفسد و موشی

خانگی و داشتن یک اماج بود بیتا و بل اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که موشی بگرفت و در دم بواز نشست
بیندیشی بی اصل خواهد اگر بیند که موشی در دست وی بمرد و در معیشت رسد اگر بیند که موش
را بیازی بمانید زنی فاسقه خواهد وار وی جدا شود اگر بیند که سنگ موشی انداخت کسی را
متهم گرداند اگر بیند که موشی در بستر وی بود زنی مفسده او را قصد فساد کند اگر بیند که
موشی میخورد مال زنی مفسده خورد موم ابن سیرین گوید موم سفید در خواب مال
و نعمت بود و موم زرد بیماری اگر بیند که موم سفید خورد بقدر آن مال حلال یابد
اگر بیند که موم از وی ضایع شد نقصان مال بود معبری گوید اگر بیند که موم الکا رنگ
بود و هر رنگ که شعال دولت بود ولیکن سفید بهتر بود اگر بیند که موم همی خاید
از کسی شکایت کند اگر بیند که موم با تش بسوخت حاکم بقدر آن مال از وی بستاند
اگر بیند که موم از شمع میکرد و بمردم میداد مال خود بخیرات صرف کند مومیائی
ابن سیرین گوید اگر بیند که مومیائی در دست غمگین و متفکر گردد اگر بیند که مومیائی
می خورد اندوه وی از بهر عیال بود اگر بیند که مومیائی بکسی بخشید یا از خود دور کرد
از غم و اندوه فرج یابد و جز منفعت نبیند معبری گوید اگر بیند که جهت شکستگی اندام
مومیائی خورد و از آن شکستگی صحت یافت کاری کند که اول آن غم بود و آخر
آن منفعت اگر بیند که مومیائی خورد و صحت نیافت دلیل بر خلاف این بود
موی دانیال گوید موی در خواب مردان غم و اندوه بود و در زنان زینت و موی
چهارپایان مال بود اگر صوفی بیند که موی سر او دراز شد زینت و صلاح
او باشد و اگر صوفی نباشد غم و اندوه بود بقدر درازی موی اگر بیند که قدری از
موی ببرید و بیفکند رست غم و اندوه از وی زایل شود ابن سیرین گوید اگر بیند که در وقت
حج موی ببرید صلاح دین و کفارات گناهان او باشد اگر در خواب ماههای
حرام بیند یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم وام اگزارده شود و از غم برهد

اگر بیند که موی شارب بسترد ایمن گشتن ... باشد اگر صاحب خواب امیری باشد که موی
سترد و معزول گردد اگر زنی بیند که موی سر سترده بود شوهرش بمیرد یا او را طلاق
گرداند گویند اگر پادشاهی موی سر خود بخواب بیند دلیل لشکر وی باشد اگر ریخته بیند
غم و اندوه بود و زیادتی موی بر تن غم و اندوه بود اگر بیند که پاک یا آراسته
موی بسترد دلیل خیر و راحت بود اگر مردی موی سر خود آشفته بیند زیادتی
دین بود و نقصان مال بود اگر موی سر خود آویخته بیند دلیل بر غم و اندوه بود
از جهت مادر و پدر یا از جهت مهتری یا کدبانو اصلع بیند دلیل بر شادی و خوشی بود
اگر خود را گیسو باشد چون علویان یا مهتری یابد و نیکنام گردد اگر بیند که موی خود
می کند کسان مال او تلف کنند اگر بیند که موی خود را شانه میکرد بر کارهای
خود قادر بود و منفعت یابد به معونی اگر بیند که موی بغل یا موی زهار بسترد
صلاح دین وی باشد و موی بغل ستردن دلیل یافتن مراد بود و ناستردن دلیل
بی مروتی اگر سینه خود پر موی بیند و نما نشسته وام دار شود و بعضی گویند موی بر تن
مال بود اگر بیند که موی از تن خود بکند نقصان مال بود و اگر این کس وام دار
بود وامش گزارده شود و از غمها برهد اگر بیند که آهک بر تن خود مالید و موی
از تن بسترد اگر توانگر بیند درویش گردد و اگر درویش توانگر گردد اسمعیل اشعث گوید
اگر بیند که موی جانب راست او مشرق بگرفت و موی جانب مغرب پدید
شود که در مشرق و مغرب مشهور شوند حافظ مقبر بود اگر عالمی بیند که موی او
جعد شده دلیل بر بدعت و ضلالت بود اگر این خواب جاهلی بیند نعمت و عزت یابد

جعد

اگر بیند که موی می کند امانت گزارد اگر موی زهار خود دراز بیند زیادتی رسد و شکی
و درازی موی زنان نیک باشد اگر مردی بیند که موی زهار خود بسترد خیر و منفعت
یابد اگر زنی موی سر خود را سترده بیند دین ازوی بشود جعفر صادق گوید دیدن ستردن
موی

موی در خواب دیدن بر پنج وجه بود اول حج کردن دوم عمر سوم عز و جاه چهارم ایمنی پنجم دولت
حق تعالی فرمود محلقین رؤسکم و مقصرین لا تخافون
اگر خداوند خواب را عادت موی ستردن باشد نیک و بد آن سهلتر بود می پخته
ابن سیرین گوید می پخته در خواب دیدن مال حرام بود اگر بیند که می پخته خورد
و مست شد بقدر مستی مال حرام یابد و جاه و منزلت اگر بیند که می پخته خورد و منفعت
نشد ترسی و بیمی بوی رسد چنانکه حق تعالی فرمود و تری الناس سکاری ما عذاب الله شدید کرمانی
گوید هیچ چیزی از می پخته یا از شراب خوردن بهتر نیست نقصان مال بود اگر بیند که می پخته تنها
می خورد دولت حرام یابد اگر بیند که با دیگران شراب میخورد با مردم جنگ و
خصومت کند اگر بیند که از پیاله که بدان می پخته میخورد با هم از دستش
بستند بسبب معیشت با کسی خصومت کند اگر بیند که در میان می پخته غرق شد
در خصومت هلاک شود اگر بیند که می پخته می خورد مال حلال بحرام بدل کند
اگر بیند که می پخته با آب آمیخته بود مالی بدست آرد که بعضی از آن حلال
باشد و بعضی حرام و بعضی گویند مال زنان بستاند و در خصومت افتد اگر بیند که
می پخته می فروخت چیزی حرام فروشد منبر ابن سیرین گوید منبر در خواب دیدن بزرگی بود
اگر بیند که منبر در دیوار زد یا درختی را باز دارد اگر بیند که منبر بر سینه بنشست
یا درختی مرده بپیوندد اگر بیند که منبر بر پشت زد از پشت وی فرزندی آید
که حاکم بود یا بزرگ رسد یا زاهدی تمام یا عالمی نامور شود کرمانی گوید منبر در همه
چیزی پایندگی بود و شرف دین و دنیا بود اگر بیند که در خانه او بود بر بنا و معروف
باید اگر منبری بیند از چوب یا از آهن یا از مس یا از زر یا نقره یا استخوان دلیل
این بر دو نوع بود یکی آنکه زنی بنکاح خواهد یا آنکه دست تنگی کند اگر بیند که
منبر در آن جا قرار گرفت مراد یابد اگر بیند که منبر در ستون یا در چوب بسوخت

با کسی که منافق بود دوستی کند و دروغ زن بود اگر بیند که بر درختی دد قرار گرفت
بنگرد که آن چه درخت بود تاویل آن از آن درخت بود بر دوستی با نیکوان
لعوطا همچنین گوید اگر میخ از زر یا از مس بود نیک نباشد اگر از آهن یا از استخوان
بود دلیل بر قوت و نیکوی بود اگر بیند که در دست میخ آهنین بود و برا فرو بردی
آید که بزرگ یابد و اگر فرزند بود حق تعالی وی را روزی کند و علم کرامت کند اگر بیند
که میخ زرین یا سیمین در پشت خود زد هم از آنچه گفتیم بیابد اگر این میخ
در زمین زد از کسب خود توانگر شود جعفر صادق گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه
بود اول برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن اما خواستن میش ابن سیرین
گوید میش در خواب زنی توانگر کریمه باشد یا مردی کدخدا اگر بیند که بر پشت
میش نشسته بود ولایت و فرمان بردار بود و مردی بزرگ محکوم او شود اگر
بیند که با نرمیش جنگ کرد و نرمیش با وی چیره گشت دشمن بروی غالب شود
اگر بیند که شاخ نرمیش بزرگ و قوی گشت در همه کار توانائی یابد اگر بیند که نرمیش
پشت از نرمیش منفعت یابد اگر بیند که پوست نرمیش بکند و گوشت جدا کرد
بر شخصی غالب شود و مالش بستاند اگر بیند که نرمیش را از کشتن باز رها کند
از غم برهد کرمانی گوید اگر بیند که با ماده میش جنگ میکرد زنی با وی مکر و
حیلت کند اگر بیند که گوشت ماده میش خرید زن خواهد اگر بیند که شیر
میش میخورد بیمار شود اگر بیند که ماده میش بوی بخشیدند فرزندی آید
اگر بیند که ماده میش از خانه وی بخانه دیگری شد زن بعشق یاری مشغول شود
جعفر صادق گوید دیدن نرمیش در خواب بر شش وجه اول امام دوم خلیفه
سوم امیر چهارم رئیس پنجم مال ششم فرزند اما [illegible] گوید هوشیار [illegible]

دیدار

ودلیل مال و منفعت بود اگر بیند که مویز خورد مالی و منفعت یابد کرمانی گوید اگر عالم بود علمش زیادت شود
و اگر بازرگان بود و مالش زیادت شود مغربی گوید اگر بیند که طبق مویز بخورد مالها بی رنج خورد
اگر بیند که مویز بخروار داشت اگر عالم بود علم وی را زیادت شود و اگر صاحب صنعت بود مالها یابد
جعفر صادق گوید دیدن مویز در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم منفعت سوم عیش خوش
میوه دانیال گوید هر میوه که بوقت خود خورد بقدر آن مال جمع کند اگر میوه نه بوقت خورد مالش
پراگنده شود و بدانک هر میوه با جای درخت باز گردد یعنی اگر میوه تبار ویل نیک بود
نیک و اگر بد بود بد و میوه ها ایچه زرد بود بیماری بود مگر ترنج و به و زردالو که این هر سه ایمان برآورد
و میوه ترش غم و اندوه بود و میوه های نارسیده ترش هر یک بوقت خود روزی حلال
بود و میوه های نارسیده مال حرام و غم و اندوه بود ابن سیرین گوید میوه که تر و شیرین بود دلیل
بر خیر و منفعت کند چون بخورند اگر بیند که میوه تابستان بزمستان می خورد بیمار گونه بیند
انگور سیاه و آلو و زیتون غم و اندوه بود اگر بیند که از درخت میوه می چید از بزرگی مال یابد بقدر
درخت میوه اگر بیند که نشسته بود و میوه از درخت می چید دلیل که بچه بدو رسد حلال اگر ناشسته
بود اگر بیند که بی آنکه دست بدرخت کرد میوه از درخت بیفتاد مالی بی رنج حاصل کند اگر
بیند که از میوه های درخت لختی فرا گرفت اگر بوقت میوه بود نیکو بود اگر گمان برد که آن میوه
از میوه های بهشت است دلیل بر علم و دانش وی بود کرمانی گوید اگر بیند که میوه ها بوقت خود خورد
روزی حلال بود و بی وقت غم و اندوه بود مغربی گوید هر میوه که گلوگیر بود دلیل بر تنگی کار
بود و تنگ عیشی جابر مغربی گوید هر میوه که سبز و شیرین بود و بوقت خود همه خیر و منفعت بود و بعضی
استغفار گوید اگر بیند که میوه بی درخت و میوه بود که مردم دوست دارند بشغلی بزرگ
مشغول اگر میوه ترش بیند فا حوش غم و اندوه یابد جعفر صادق گوید دیدن میوه ها ...

میوه فروش طعم فروشد دلیل بر منفعت وی بود اگر میوه ترش فروشد دلیل بر مضرت بود
پس معبر باید که فرق تواند کرد میان نیک و بد و داند که هر کس را چگونه باید تعبیر کرد تا خطا
در وی نرود حرف النون من کتاب الکامل التعبیر نابینا ابن سیرین گوید اگر بیند که نا
بینا شد در اسلام گمراه شد اگر بیند که یک چشم او کور گشت نیمی از دین او برود یا گناهی
بزرگ کرده باشد یک اندام دلیل که معصیتی بود کرمانی گوید اگر بیند که نابینای را
دست گرفت وی را گمراه کرد معبری گوید اگر بیند که نابینا شد کار بد کرده باشد اگر بیند
که یک چشم کسی را کور کرد آنکس را از راه دین ببرد اگر بیند که چهارپای را کور کرد بدانکس که
چهارپای منسوب بود مضرت رساند جعفر صادق گوید نابینایی در خواب بر هفت وجه بود اول
درویشی دوم بدحالی سیوم غم و اندوه چهارم نقصان پنجم مصیبت ششم نقصان هفتم تباهی
دین چنانکه حق تعالی فرموده صم بکم عمی فهم لا یرجعون اگر نابینا
بیند که بینا شد کارها دنیا روشن شود و با امید باشد و از رحمت حق تعالی نصیب
یابد لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا ناخن ابن سیرین گوید
ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوت مردم بود و بعضی از معبران گفته اند خداوند سلاح را
ناخنها سلاح است اگر بیند که ناخنها به مقراض ببرید دشمن قوی گردد کرمانی گوید ناخنها در خواب
توانایی و قوت بود و حاصل کردن مال دنیا اگر بیند که ناخنهای وی بشکست مال نتواند حاصل
کردن اگر بیند که یک ناخن از وی بیفتاد قدری از مال وی ضایع شود اگر بیند که چیزی با ناخنش بخراشید
دیگر بدست کارش نیکو گردد و مال بسیار یابد اگر بیند که ناخنهای روشن و پاکیزه بود منعم و
متکبر شود اگر بیند که ناخنانش سیاه بود یا کبود بد باشد اگر بیند که ناخنانش از بن کنده بود
کارش بسته گردد معبری گوید اگر بیند که ناخنهای وی بحد اعتدال بود صلاح دین و دنیا
او بود اگر بیند که ناخنها راست بنکرد مال بسیار یابد و ناخنهای ... همگی تا دلیل داد

والله اعلم بیش و کمتر ازین که یاد کردیم و بعضی گفته اند که تاویل ناخنهای دست حاصل
کردن مال بود و اندازه یافتن حاصل کردن مال بود از سفر جعفر صادق گوید دیدن
ناخنها در خواب بر شش وجه بود اول قوت دوم توانائی سوم مقدار مردم در دنیا چهارم دیدار
عیالان و فرزندان پنجم منفعت ششم منت از دکان یا برادر از دکان ناخن بر ابن سیرین گوید
ناخن برادر خواب مردی بود که قسمت کند اگر بیند که موی سر یا ناخن را ببرید یا ناخن با جامه
این جمله بد لیکن نیکو بود اگر بیند که کسی ناخن او را ببرید و او را پسر زاید یا دختری اگر ناخن را
دو باره بیند همین دلیل کند کرمانی گوید اگر بیند که کسی ناخن او را ببرید و داد اگر اسپی دارد
اسپی دیگر خرد و اگر ملکی دارد ملکی دیگر خرد و هم بدین قیاس هر چیزی از هم چیز که یک چیز
یکی دیگر یابد موسی گوید مقراض بخواب مردم نیک نام و نیک اصل باشد که با انسان
دوستی کند و دین و دنیا او را بادیت کند جعفر صادق گوید دیدن ناخن برادر خواب
بر سه وجه بود اول مرد قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست موافق نار با
ابن سیرین گوید نار با خوردن چیزی شیرین بود و بگوشت گوسفند یا گوشت مرغان خیر و منفعت
بود اگر بگوشت گاو یا غیره پخته باشد غم و اندوه بود نارسنگ ابن سیرین گوید اگر نارسنگ
درون زمین که ملک وی بود رسته بیند مالش دران دیار زیادت نه گردد و اگر بیند که
نارسنگها دران زمین خود برکند تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند دسته
نارسنگ تازه داشت بوقت خویش خیر و منفعت یابد نارنج دانیال گوید اگر چه نارنج
زرد است اما بوی خوش دارد و برگ و بار پاکیزه است و از میوه های بهشت است
لاجرم دیدن وی در خواب نیک بود ابن سیرین گوید اگر بیند که نارنج داشت فرزند
بود زیرک تا سه و اگر بیشتر از سه بیند مال بود بقدر نارنجها و نارنج سبز بهتر از زرد
کرمانی گوید اگر بیند که نارنج بخورد و از دست. بقدر آن مال حاصل کند و بعضی گفته اند

خوردن نارنج از درد بیماری بود یا غم جعفر صادق گوید دیدن نارنج در خواب بر چهار وجه بود

اول دوست دوم منازعت سیوم فرزند چهارم منفعت از مردم غربت ناطف

ابن سیرین گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از آن می‌خورد دلیل که مال و نعمت بسیار بدست

آورد بقدر آنکه خورده بود و احسان کند معبری گوید ناطف از انگبین مال و نعمت بسیار بود و از

ناطف دوشاب کمتر از آن بود جعفر صادق فرماید دیدن ناطف در خواب بر سه وجه بود

اول سخن شیرین دوم مال حلال سیوم معیشت خوش ناف ابن سیرین گوید ناف در خواب زن بود

یا کنیزک اگر بیند که ناف وی بگشاد زن را طلاق دهد یا کنیزکش بمیرد اگر بیند که ناف

وی بریده است عیال وی بمیرد و شغل وی تباه گردد و عیشش بروی تنگ شود اگر بیند

که ناف وی بزرگ شد مال و نعمت بروی فراخ شود اگر بیند که ناف وی کوچک شد

تاویل بخلاف این بود اگر بیند که در ناف وی سوراخ بود در کار حرامی بود خلل بود

گوید اگر بیند که از ناف تا سینه او خطی بر آمده بود از موی چنانکه پیغمبر علیه السلام را بود

اگر بیند که احاطه ناف وی بریده بود از مادر و پدر جدا گردد اگر بیند که از ناف تا سینه

شکافته بود عالم و دانا گردد لیکن مالش برود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که ناف

کسی را ببرید و بخورد آن مال او بخورد اگر بیند که ناف او ریش دار بود و خون می‌آمد نقصان

مال بود جعفر صادق گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه اول زن خوب دوم کنیزک

سیوم مال و دولت چهارم پسر پنجم مادر و پدر ناقوس ابن سیرین گوید ناقوس در خواب مردی منافق

بود که در وی هیچ خیر نباشد اگر بیند که ناقوس زد با مردی منافق نشیند و نفاق وی دروغ گوید

اگر بیند که ناقوس بشکست و از دست بینداخت تاویل بخلاف این بود جعفر صادق

گوید دیدن ناقوس در خواب بر سه وجه بود اول دروغ گفتن دوم منافقی سیوم مهر ایشان کفر

در دل داشتن نام گردانیدن ابن سیرین گوید گردانیدن نام در خواب اگر بیند

اگر نام او

از نام او هیچ بهتر چون محمد و احمد و سعید و صالح و انچه بدین ماننده دلیل بر خیر و صلاح
بود و اگر آن نامها و لقب بد تر از نام خود بیند دلیل بر شر و ف و کند جعفر صادق
گوید نام نیکو یا کنیت نیکو نوشته دیدن در خواب چون ابو الخیر و ابو الفضل و ابو سعید
و مانند اینها دلیل خیر و صلاح بود و انچه خلاف این ها بود چون ابو جهل و ابو لهب
و مانند این شر و ف و بود چنانک گفتیم از نیک و بد در اول کتاب یاد کردیم
نامه ابن سیرین گوید اگر بیند که نامه سر بسته داشت چیزی پوشیده شنود اگر بیند که نامه را
سر گشاده داشت چیزی فاش شنود اگر بیند که چیزی سر بمهر داشت دلیل که مهر نامه
آن چیز بود که بوی رسد اگر نامه را بی عنوان بیند غم و اندوه باشد اگر بیند که نامه را بگشاد
غم و اندوه از وی برود اگر بیند که آن نامه را عنوان نوشته بود و مهر داشت و مهر بگشاد
وی را شغلی پیش آید که بظاهر نیک نماید و بباطن بد باشد اگر بیند که مهر نامه بود و داشت
بخواند عز و جاه او زیادت گردد و اگر بیند خواندن نتوانست و چنان دید که نامه بر خواند
لعز و جاه تمام رسد دلیل که بود اجلش نزدیک بود چنانک فرمود قوله تعالی
اقرأ کتابک کفی بنفسک علیک حسیبا
که پادشاه نامه بدو داد اگر بگشاد و بخواند غم و اندوه بود و اگر گشاده خواند سخنان ناخوش معولی گوید اگر بیند
و ترسی دید غم و اندوه باشد اگر بیند که نامه مهر کرده بیافت و به پادشاه داد تاویل
آن خیر و منفعت بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست او آمد
دلیل خیر باشد اگر بیند که شیخی یا زاهدی نامه بدو داد آن شیخ و زاهد وی را پند
دهند جعفر صادق گوید اگر بیند که در نامه خیر و امیدواری بود دلیل بر آنکه کار وی برآید
و حاجتش روا شود اگر بیند که سخنهای ناخوش نوشته بود بر عکس بود نانها و اقبال
گوید نانها پاکیزه عیشی خوش بود اگر نان پاکیزه بیند عیش ناخوش بود اگر بیند
که نان خرید و در خانه برد منفعت و نیکی یابد و زیادتی مال حلال و روزی فراخ

اگر بیند که نان یک دانه از دست او بوی رسانند این کس کوید اگر بیند که دو سه نان یافت از اندوه
برهد و فراحت یابد اگر بیند که در جایگاهی مجهول نیم نان یافت دلیل که نیمه عمر وی
گذشته باشد اگر بیند که اندکی نان یافت و خوردن نتوانست اجلش نزدیک بود اگر بیند
که نانهای بسیار داشت و می خورد بقدر آن مال و نعمت یابد اگر بیند که نان گرم
خورد دلیل بر بیماری بود و بعضی گویند نان گرم بخواب دیدن دلیل بر عیش و نعمت بود
و نان خشک بخلاف این بود و نان سپید دلیل بر فراخی و تنگی بود و نان گرم
پاکیزه دلیل بر عدل و انصاف پادشاه کنند و نان کاورس دلیل بر تنگی عیش
و بر بیکاری و نان جو دلیل بر زهد و ورع و نان پر پختن لنگی و سختی کار بود و
نان عدس و نان باقلی دلیل بر غم و دست تنگی معولی بود اگر بیند که نان خشک
میخورد روزی بروی فراخ شود و گفته اند خوردن نان خشک در خواب دلیل بر کوتاهی
عمر اگر نان کرده از بیت المال وی او پخته بود درویش گردد اسمعیل اشعث گوید
تاویل این بر امر است و مردم بزرگ و بر رئیسان از سلطان یک نان بخواب
بیند ملکش زیادت شود اگر از بازرگان بیند مالش زیادت شود و یک نان زر بود
از هزار درم تا ده درم بقدر شخص اگر رئیس بیند ضیاع و عقارش زیادت شود
دانیال گوید هیچ چیز در خواب دیدن بهتر از نان نباشد و نان پختن در تاویل
کار کردن باشد در طلب معیشت و تعجیل کردن اندر نان بزرگ جامع کردن بود
جعفر صادق گوید نان در خواب بر چهار وجه بود اول نعمت خویش دوم مال حلال
که آسان بدست آید سیوم ولایت یا شهر چهارم خیر و برکت معبران گفته اند
نانوا در خواب تاویل پادشاه عادل بود یا نانخواه این کس گوید نانخواه
در خواب دیدن غم و اندوه بود اگر بیند که نانخواه تلخ داد یا بیمزه است از غم و اندوه
رسته گردد اگر بیند که نانخواه بیند در خوردن او دیدن هیچ خیر نباشد بخیر و غم و اندوه
ناودان اگر بیند که بی ناودان آب از جای ناودان همی فرو می آید از آن منتقم
یکسبت

مصیبت و خون ریختن و خصومت پدید آید اگر بیند که آب از ناودانها می آید جنگ
و خصومت از آن ملک را اهل شود اگر بیند که باران می بارید و از ناودانها آب
فرو می آمد مردم آن موضع را از پادشاه رنج و مضرت رسد اگر بیند که بی ابر باران
می آمد و از ناودانها آب روان بود حق تعالی را بر ایشان رحمت و عطا ببخشد متولی
گوید اگر بیند که ناودانی بر بام خود نهاد از بزرگی منفعت یابد اگر بیند که ناودانی بیفتاد
و بشکست تاویل بخلاف این باشد اگر بیند که ناودان سیمین یا آهنین بود کارش
بنظام و محکم شود اگر بیند که از ناودان کسی آب فرا گرفت بقدر آن از آن کس
منفعت یابد جعفر صادق گوید دیدن ناودان در خواب بر سه وجه بود اول رئیس
دوم مهتر سرای سوم منفعت اندک نای زدن ابن سیرین گوید نای زدن
در خواب غم و مصیبت بود و شنیدن آن غم و فکر اگر بیند که نای میزد بغم و اندوه
گرفتار شود کرمانی گوید نای زدن در خواب کسی باشد که بدیگران خبر دهد
و در نای زدن و شنیدن آن خبر ناخوش نباتی ابن سیرین گوید نباتی که وقت
خود بیند که او را ساق نباشد دلیل بر منفعت بود و هر نباتی که او را
ساق و ستانه بود دلیل بر فزونی مال بود و جاه و بعد از آن سبزی و بلندی
و باریکی و کوتاهی شاخهای وی بود اگر بیند که گیاهی بر تن وی یا درختی برست
بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند بیشتر بیند بهتر بود و چون بیند که بر چشم
و گوش و زبان وی رسته بود بهتر بود اگر بیند که در خانه وی یا در مسجد نیک
نبات با دو رسته بود کرمانی گوید خرد و آنچه با اسباب رزق کرد و یا اما دو وی سود
اگر بیند که در ملک او نبات رسته بود دلیل که عز و بزرگی یابد کرمانی گوید
نبات در خواب مال و خواسته بود مردم حاجتمند را اگر بیند که در زمینی که
ملک اوست نبات بسیار رسته بود ببیند خواب دیدن ذر روا ایات
جعفر صادق گوید دیدن نبات در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم نعمت

دوم کار و جاه سیوم معیشت خوش چهارم زیادتی نعمت ابن سیرین گوید نبات
حلال در خواب سخن خوش بود و چون لب بیند مال و نعمت بود اگر بیند که
نبات در دهان وی نهاد از کسی سخنی شنود که خوش بود با وی نیکو بود و چه
کرمانی گوید اگر بیند که بخورد از نبات و دست بقدر آن مال و نعمت حاصل کند
جعفر صادق گوید دیدن نبات در خواب پنج وجه بود اول سخن خوش دوم
نوبه دلداری سیوم مال و منفعت چهارم فرزند پنجم روزی حلال نقاشی اگر
بیند که گور و کفن مردگان کند ابن سیرین گوید اگر بیند که نقاشی میکرد اگر اهل
علم بود علم فروشد و طلب دنیاوی باطل کند و حکم خود را در آن ضرب نماید
معبری گوید اگر نقاشی بیند که کفن لب رنج کرد مصلح بود در علم و حکمت
حاصل کند و بعضی از معبران گویند مال حرام لب رنج کند و از مردم ملک بهست
و بر آتش یابد نویسنده دانیال گوید اگر بیند که چیزی می نویسد و نویسنده
باشد دلیل که مکر و حیلت با مال مردم لب بند و کار نا کردنی کند اگر بیند که
از بهر پادشاه چیزی نوشت از مردم مال و منفعت لب یابد اگر از بهر مردم
عامی نوشت دل مردم بمکر و حیلت بخود گرو کند ابن سیرین گوید اگر بیند که ناگاه
نویسنده شد بمکر و حیلت روزی از مردم یابد اگر عالم بود که نویسنده گرد
خیر و منفعت یابد اگر بیند که شعر واف نه و غزل مینوشت بشغل و عمل
دنیا مشغول گردد و شغل آخرت فروگذارد اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات
می نوشت خیر و منفعت یابد معبری گوید اگر بیند که نامه می نوشت و مراد نفس
چون نبود قباله ربا نوایه اسماعیل اشعث گوید اگر بخواب سی بیری بیند که نامه
بهتری مینوشت اگر صالح بود و دین و دنیا نیکو زیارت شود اگر فاسق بود
تایب گردد اگر بسیری نوشت نامش در آن دنیا منتشر گردد اگر بزر
یا سیم مینوشت از پادشاه منفعت یابد جعفر صادق گوید نوشتن در خواب
بر ... ر

بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم چیزی حاصل کردن
بیکد چهارم تکلیف اگر در عمل بود معزول گردد **پنبه** ابن سیرین گوید پنبه در خواب
مال حرام بود که بخصومت بدست آرد اگر بیند که در میان پنبه غرق شد در فتنه
عظیم افتد اگر در خانه خود پنبه بسیار بیند بقدر آن از دهقانی منفعت یابد
اگر بیند که خورد و مست شد خوفی و ترسی بدو رسد اگر بیند که تنها خورد مال
حرام یابد اگر بیند که با دیگران خورد با مردم خصومت کند اگر بیند که پنبه
که پنبه در روی بود بدیم (?) از وی بستد بسبب منفعت دنیا جنگ و خصومت کند اگر
بیند که جوی از پنبه میرفت و او در میان شنا میکرد در بلایی افتد معولی (?)
گوید اگر بیند که با آب آمیخته میکرد و می خورد مالی بدست آرد که بعضی حلال باشد
اگر بیند که پنبه منفرجت (?) را بدهد و پنبه خوردن دانی دلیل بر عزل کند جعفر
صادق گوید پنبه خوردن در خواب بر سه وجه بود اول ترویج پنهان دوم
مال حرام سوم نعمت این جهانی اگر بیند که پنبه یا لادینه (?) سلطان یا بر سی (?)
نزدیک شود و از آن مال یابد **نخجیر** ابن سیرین گوید اگر بیند که
نخجیری میکرد و نخجیرهای محال گوید دست گیرد بدروغ خورد و نخجیری در خواب فایده
نبود **نخجیران** ابن سیرین گوید اگر بیند که نخجیران ورا مطیع و رام گشته
مهتر مردم شود و بعضی گفته اند سالار و دردانه (?) شود اگر بیند که نخجیران مقیم
شده و از آن نخجیران و دیگر زید [illegible] کروهی [illegible] منفعت یابد و از آن
منفعت یابد اگر بخلاف این بیند مضرت یابد اگر بیند که نخجیران با وی در
سخن آمدند و مطیع او گشتند اگر اهل بود پیش پادشاه مقرب گردد و مال
یابد اگر نا اهل بود کاری کند که مردم از آن عجب دارند **نخود** ابن سیرین گوید
عود (?) نخود بخواب غم و اندوه بود تر و خشک آن اگر بیند که نخود از کسی بستد

و نخود بوازید کسی غم خورد اگر بیند که نخود با کسی واداد یا بکشد بخلاف این بود اگر
بیند که نخود بخوار داشت بغم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نخود با گوشت
پخته می خورد غم کمتر بود نرد باختن ابن سیرین گوید نرد باختن بخواب
کاری باطل و فریب بود اگر بیند که نرد می باخت و بر خصم غلبه کرد بسبب
کاری بر کسی غلبه کند و اگر خصم بر وی غالب شد تاویل بخلاف این باشد
نردبان ابن سیرین گوید اگر بیند که بر نردبان می شد و آن نردبان از
گل و خشت بود خیر و صلاح دین بود اگر بیند که از چوب بود دلیل بر
ضعیف دین وی بود و اگر بیند که از سنگ و آهک بود دلیل که رغبت و سختی
دل بود اگر بیند که بر نردبان بالا شد اگر اهل باشد بزرگی یابد و اگر اهل
نباشد خیر و منفعتش رسد اگر بیند که از نردبان بر آمد تاویل بخلاف این
باشد معلی گوید اگر بیند که از نردبان بیفتاد از جاه و بزرگی بیفتد والقدر الله
مضرت یابد جعفر صادق گوید نردبان در خواب مردم مصلح یار رسا را
ظفر بود بر دشمنان و مردم فاسق را منافق [illegible] نرگس دانیال گوید
نرگس در خواب مردی لطیف و خوبروی بود و ابن سیرین گوید نرگس در خواب
سخن شیرین بود اگر زنی بیند که نرگس تازه داشت و بر افروختی خوب روی
آید و اگر شوهر ندارد شوهر خوب یابد اگر بیند که نرگس از زمین برکنده
زن را طلاق دهد یا فرزندش بمیرد اگر بیند که نرگس از درخت بگرفت
غلام داد غلامش بگریزد اگر زنی بیند که دسته نرگس شوهر داد او را
طلاق دهد جعفر صادق گوید نرگس در خواب بر سه وجه بود اول مردی لطیف
خوبروی دوم فرزند سوم دوستی که دوستی او ثابت باشد اگر بیند که [illegible]
همی گرفت

نرم هم گوید

دلیل که با حاجت و خیر مشهور اگر بیند که در زمین وی نرگس با دیت شد عیالش زیادت بعض مذا
هب تیب عم بود اگر بیند که نرم فرا گرفت بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد در دین اگر بیند که نرم
بود بروشنائی بدل شد و باز نرم گرفت منافق بود مغربی گوید اگر بیند که نرم تاریک بود کارش
بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود ناگاه نرم پدید آمد ناگاه دران دیار مرگ مفاجات
بود جعفر صادق گوید دیدن نرم در خواب بر چهار وجه بود اول تحیر دوم پوشیدن کارها سیوم
چهارم گمراهی اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که نرم بروشنائی آمد از در خویش توانگری افتد
و از بدعت و ضلالت برهد نشترن ابن سیرین گوید دیدن نشترن بوقت خود در خواب دلیل
که حرز نور رسد و دیگر گویند ویرا فرزندی آید و حجب نشترن از درخت دور بیند غم و اندوه بود اگر
بیند که کسی دسته نشترن بدو داد میان ایشان نیکو شود اگر گل نسرین بر درخت خود بیند
خرم شود و منفعت یابد نشاسته ابن سیرین گوید نشاسته گندم در خواب مالی حلال بود
که بی رنج بدست آید اگر بیند که نشاسته می خورد اندوهگین شود و بعضی از معبران گفته اند بیمار
شود اگر بیند که از نشاسته حلوا کرد و بخورد مال و نعمت یابد مغربی گوید اگر بیند که از گندم
نشاسته میکرد از کسب خود نعمتی بی رنج حاصل کند نشستن ابن سیرین گوید اگر بیند که بر زمین
کارش از سفر نیکو شود اگر بیند که بر زمین خفته بود همین دلیل بود جعفر صادق گوید نشستن بر اسب
یا استر یا خر دلیل بر چهار وجه بود اول بخت دوم دولت سیوم مرتبت چهارم فرمان روائی
اگر بیند که سوار از مهتری بود بزرگی بود و الا منفعت رسد و نشستن بر باد دلیل پادشاهی بود جنبان
با و امطیع حق کرمانی گوید اگر با مردم مصلح میرفت و در راه نشست دلیل که بنو دلار وحی لف
دین بود چنانکه فرمود قوله تعالی فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله اگر بیند که با مردم مفسد
و مخالف دین بود که بنشست دلیل بخلاف این بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با گروهی
و پارسایان نشسته بود صلاح و خیر او زیادت گردد و اگر با فاسقان نشسته بود تاویلش بخلاف
این بود نعل ابن سیرین گوید نعل در خواب مال بود که از هر سببی بدو رسد اگر بیند که نعل استران
داشت از مهتران راحت یابد و اگر نعل اسبان داشت از پادشاه منفعت

اگر نعلین جز آن داشت از مادر کامان مال حاصل کند اگر نعلین دو آن داشت از آن اعتبار
مال یابد اگر بیند که نعلین بندی حاجت با یاران حفظ میکرد و بسفر رود و نعلین بند بمرد بود که یاری
مردم و ستم جوید نعلین ابن سیرین گوید اگر بیند که نعلین پوشیده بود و قاصد بر آهی سفر
بسفر رود اگر بیند که دوال نعلین او بگسست در سفر دیر ماند اگر بیند که نعلین او بسوخت
سبب کاری از سفر باز ماند و زحمت کشد اگر بیند که نعلین سبز داشت سفر وی
جهت آخرت بود اگر بیند که نعلین ملون بود از سفر مال و نعمت یابد اگر بیند که نعلین
و از آن سفر بدان سبب باز ماند کنیزک خرد معبر گوید اگر بیند که نعلین نو خرید و در پا
کرد کنیزک دوشیزه خرد و نیز گویند زنی خواهد که معاشر بود اگر سفید بود زن پارسا
و پاکیزه بود اگر نعلین ملون بود زن را از این صفتها که یاد کردیم از هر نوعی بهره بود اگر بیند
که نعلین از پوست گاو بود آن زن عرب باشد اگر بیند که بوقت رفتن یک نعلین بیفتاد
و ضایع بکرد که آن نعلین لازم بود اگر از پوست شتر بود آتش بیمار شود یا کاری بد کند
حافظ معبر گوید اگر بیند که نعلین وی بسوخت آتش بمیرد اگر بیند که دوال نعلین وی بریده
شد زن را طلاق دهد جعفر صادق گوید دیدن نعلین در خواب بر سه وجه بود اول سفر دوم
زن سیوم کنیزک نفاخ ابن سیرین گوید دیدن نفاخ غم و اندوه بود اگر بیند که از پی ملک
او نفاخ بسیار بود بغم و اندوه گرفتار شود اگر بیند که نفاخ از زمین حفر کند و بیرون آورد
از غم خلاص یابد لقطه ابن سیرین گوید لقطه زندگانی بد بود اگر بیند که لقطه در حقوق مال
باز نی نا کار رجوع شود و بعضی گفته جز حرام خورد اگر بیند که لقطه بسیار داشت مال حرام
معبر گوید لقطه در خواب بر سه وجه بود اول زن غدار دوم مرد نابکار سیوم مال حرام
نفرین کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که ظالم را نفرین کرد بر آن ظالم ظفر یابد اگر بیند که ظالم
بود مظلوم نفرین کرد تاویل بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند کسی را که نه اباحی
بر نیست ظلم کند معبر گوید اگر بیند که مرده ای اباحی نفرین کرد نفرین بخدا و بند خود باز گردد

دهنی

و لغزیدن مرد چنانکه رود تر اثر کند و لغزیدن فاسق اگر بحق کند و اگر ناحق بحکم ناکفو
نقد کننده بود و او در تاویل حاکم و دانا و عالم بود زیرا که اختیار کند هر چیز را
که بهتر باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که نقاد بود و مصلح و دین دار دلیل که علم و قرآن حاصل
کند و اگر خواستار دنیا بود شرف و بزرگی حاصل کند معبر گوید نقاد مرد عاقل و ممیز بود
که میان مردم صلح جوید جعفر صادق گوید نقاد در خواب بر چهار وجه بود اول مردم دانا
دوم حکیم سیوم خردمند چهارم پاینده کارها نقره دلیل بر زن آزاد کند اگر بیند که نقره
از کان خود برگرفت از شهر خود زن خواهد اگر بیند که در معادن که معدن نقره بود درون شد
و از انجا فرا گرفت بقدر آن مال حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که نقره بسیار داشت مال بسیار
یابد اگر بیند که یکدرم نقره سفید داشت وی را فرزند آید جعفر صادق گوید نقره در خواب
بر چهار وجه بود اول زن دوم فرزند سیوم مال چهارم معیشت نقصان ابن سیرین گوید اگر بیند
که بتن وی نقصانی پدید آمد بقدر آن نقصان مال بود مگر نقصان زنان که در آن صلاح بود
چنانک در باب زنان در حرف زا یاد کردیم کرمانی گوید اگر بیند که از مال وی چیزی نقصان
شد بقدر آن غم خورد اگر بیند که از خانه وی چیزی نقصان گشت بقدر آن غم خورد اگر بیند که از خانه
وی چیزی نقصان شد متفکر شود نکار کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که نکار کرد و منکر شد سقف
و دیوار خانه مردی دنیا دوست بود و مغرور و فریفته دنیا گشته بود کرمانی گوید نکار کردن
و صورت کردن هر دو در خواب کار باطل بود و ناحق چنانکه باری تعالی فرمود ما هذه التماثیل
التی انتم لها عاکفون معبر گوید نکار کردن در خواب تاویل بر فریفته دنیا باشد واله [illegible]
کردن شیء اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که دستهای او بخضاب نکار کرد خداوند
مکر و حیلت بود و کسب دنیا جعفر صادق گوید نکار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
آرایش دنیا دوم کار باطل سیوم مکر و حیلت چهارم فریب و دروغ نگین انگشتر
ابن سیرین گوید نگین انگشتری در خواب شرف و بزرگی و نعمت باشد و بعضی گفته اند فرزند باشد
اگر بیند که نگین انگشتری وی ضایع گشت مالش نقصان شود یا فرزندش بمیرد اگر بیند

اگر بیند که نگین بشکست همین تأویل بود اگر بیند که ناگاه نگین از انگشتری ظاهر نقش انگشتری
مالش از ولایت شود و معزول گردد نگین تاج پادشاه است ازو ولایت بود و زنان را شوهر و مردم را
جاه بزرگ بود جعفر صادق گوید نگین در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دوم مال سیوم ولایت
چهارم عیش پنجم زن ششم کنیزک هفتم مال و نعمت هشتم عمل نماز کردن ابن سیرین گوید
اگر بیند که نماز از جانب مشرق میکرد حج او درست بود و اگر محل حج نبود میلش بکیش ترسایان بود اگر بیند که بجانب مغرب کرد
میلش بکیش جهودان بود اگر بیند که نماز بجانب شمال کرد چنانکه پشت سوی قبله داشت دین اسلام
پس پشت انداخته باشد اگر بیند که براه نماز میکرد و پشت سوی قبله داشت اجلش نزدیک
بود و توبه باید کرد و اگر بیند که نماز کرد و ندانست که قبله کدام است در راه دین متحیر بود اگر بیند که نماز سوی قبله کرد از راه تار
دین مستقیم گردد کرمانی گوید اگر بیند که قومی را امامت کرد بقدر جماعت مأموم پیروی یابد اگر بیند
که نماز از وقتی درگذشت و جای بانگ نماز فرض که نماز گزارد کارش به دشواری برآید اگر بیند نماز قطع کرد تمام
نکرد از پای وضو کرد و طالب چیزی باشد و آن چیز نیابد اگر بیند که در مسجد یا در مدرسه نماز کرد با امامت حاکم
آن دیار مطیع او شود و اگر خلاف این بیند حاکم مطیع او نشود اگر بیند که در نماز رکوع و سجود تمام بجا آورد
کار دین و دنیای او نیکو گردد مغربی گوید اگر بیند که نماز نشسته میکرد و بوقت آسمان روشن و پاکیزه بود
بحضرت حق تعالی نزدیک گردد و اگر بیند که آسمان تیره بود و آثار گرد غم و اندوه یابد اگر بیند که فریضه نماز نشسته میکرد
امیدی که دارد برآید اگر بیند که فریضه نماز شام میگزارد منع میکند که با اهل و عیال خود و از آن شاد گردد و اگر بیند
که فریضه صبح میگزارد سفر رود و اگر بیند این خواب زنی بیند حائض شود اگر بیند که بی وضو نماز کرد بیمار شود
اگر بیند که در باغ نماز کرد از گناه توبه کند اگر بیند که در کشتها نماز کرد وام او گزارده شود و اگر بیند که نماز جایی کرد
که نه جای نماز بود مفسد و بدکردار باشد اگر بیند که در کعبه نماز کرد از خلیفه کارش بنظام شود چنانکه خاطر
وی خواهد اگر بیند که نماز کرد و روی بصحرا نهاد زیارت تربت رسول علیه الصلوة والسلام دریابد اگر بیند
که نماز قصد ابتدا است مقصود با نکار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بعد از نماز سجده کرد بر زمینی

ظفر یابد

ظفر یابد و بروی مسلط شود و اگر بیند که بغیر خدای دیگر را سجده نکرد مرادش حاصل شود و اگر بیند که بر سر دیوار
سجده کرد بر او از بزرگان رنج و خواری رسد اگر بیند که انگبین میخورد و نماز میکرد با عیال نزدیکی کند اگر بیند که
در نماز تحیات نشسته بود از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد اگر بیند که سلام نماز اول بدست چپ داد حاجتش روا شود
شود و اگر بیند که نماز نشسته میگزارد و نشستن بروی ظفر یابد و بعضی گویند عذری گویند که از وی پدید آید اگر بیند در نماز
خود را دعا میکرد و پسر او فرزندی آید قوله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا
اگر بیند که در نماز یکی نماز گزارد از غمها فرج یابد اگر بیند که نماز شب میگزارد از همه ترس ایمن گردد و بزرگی و فرمان
روایی یابد اگر بیند که نماز بر پهلو میکرد بیمار شود اگر بیند که نماز جمعه میگزارد بسفر رود و مال حلال یابد اگر بیند که در بیت
المقدس نماز میگزارد میراث یابد و روزی بروی فراخ شود اگر بیند که در کعبه نماز گزارد و روی براه کعبه آورد
و بر بام کعبه نیز همین دلیل بود حافظ مغربی گوید نماز گزاردن در خواب بر سه وجه بود اول فریضه دوم سنت سوم
تطوع اگر بیند که نماز فرض میگزارد حق تعالی او را حج روزی کند و از فواحش نگاه دارد قوله تعالی ان الصلوة
تنهی عن الفحشاء والمنکر والبغی اگر بیند که نماز سنت گزارد دلیل صبر بود بکارها و شفقت بر خلق اگر بیند
که نماز تطوع میگزارد دلیل بر گزاردن داشتن عیال و سعی کردن بکار دوستان و مروت با همه کس اگر بیند که بر ستور
نماز می کرد بیم سختی بوی رسد اگر بیند که در خانه یا دکان نماز کرد حق تعالی بکسب و کار وی برکت کند
اگر بیند که نماز او بنه کرد کار وی مجتمع گردد خالد اصفهانی گوید رکوع و سجود در خواب نصرت
باشد بحضرت ربوبیت چنانک فرموده قوله تعالی واسجد واقترب و معبران
گفته اند اگر بیند که در نماز رکوع نکرد زکوة مال ندهد اگر بیند که نماز تمام گزارد حق تعالی نماز و عبادت
وی بپذیرد و بروی رحمت کند جعفر صادق گوید نماز گزاردن در خواب بر هفت وجه بود اول ایمنی
دوم شادی سیوم عشرت و جاه چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان
و هم رکوع و سجود در خواب بر پنج وجه بود اول یافتن مراد دوم توانگری سیوم لات چهارم ظفر پنجم امر حق تعالی

بجای آوردن قول تعالی یا ایها الذین امنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا
الخیر لعلکم تفلحون و نماز کردن مرده دعا بود اگر بیند که نماز تمام نکرد تاویل
این بود نمد ابن سیرین گوید اگر بیند که نمد سفید پاکیزه داشت مال حلال یابد و برابر آن اگر بیند
که نمد سیاه و چرکین داشت نعمت [illegible] شود اگر بیند که نمدهای بسیار داشت از کسب خود مال یابد
اگر بیند که نمد او بسوخت مال او تلف شود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن وی جامه از نمد سفید
بود زنی خواهد یا کنیزک پاکیزه دوشیزه خرد اگر بیند که نمد از او ضایع شد مالش نقصان
شود و نمد کر در خواب [illegible] بود که بحلال گراید و از حرام پرهیز نماید نمک ابن سیرین گوید
در خواب نمک درم سفید بود و کار نیکو اگر بیند که نمک سفید داشت درم نقد حاصل
کند کرمانی گوید اگر بیند که نمک خورد راه زهد گیرد و کار خیر کند و نمک چرکین سیاه دلیل
بر خصومت و جنگ بود جعفر صادق گوید دیدن نمک در خواب بر پنج وجه بود اول درم
نبهره دوم سخنهای ناخوش سیم غم و اندوه چهارم خرسندی و نمک فروش در خواب مردی بود
که شریر کار بود که همه او را خواهند نمک فروش ابن سیرین گوید اگر بیند که از گوشت گوسفند
بیند نعمت و روزی و میراث یابد اگر نمک سود لاغر بیند زیانی بدو رسد هر چند بیشتر
و لاغرتر بیند مضرت بیشتر مغربی گوید اگر بیند که گوشت [illegible] لاغر خورد او را از
مردم بادیه زیان رسد اگر از گوشت اشتر لاغر خورد از مهتری مضرت یابد اگر از
گوشت گاو لاغر خورد در آن سال تنگی شد اگر از گوشت چهارپایان دشتی خورد از مردم
[illegible] مضرت یابد و اگر در گوشت لاغر منفعت نباشد نهنگ ابن سیرین گوید
نهنگ در خواب دزد ستمگر بود اگر بیند که نهنگ او را بسوی آب کشید و غرق کرد
و بمرد با آب غرق شود اگر بیند که نهنگ وی را بگزید از دشمن زحمت بیند کرمانی گوید اگر
اگر بیند که وی را [illegible] او را هلاک کند اگر بیند که با نهنگ جنگ کرد و بر نهنگ
غالب شد دشمن را قهر کند اگر بیند که نهنگ برو غالب شد تاویل بخلاف این [illegible] اگر بیند
[illegible]

که گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ داشت از مضرت دشمن ایمن شود گوید اگر بیند
که نهنگ او را در آب کشید بر دست دشمن شهید شود و دیدن ابن سیرین گوید هر کس
که چیزی نو بیند که بیند بدو نیز تاویلش بخیر و خوشی بود و بیان آن در حرف کاف بیان کرده‌ام
نوحه ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب نوحه کرد مردم بهم متفرق شوند اگر بیند که
والی شهر بمرد و مردم بر وی نوحه کردند دلیل که از عدل او ایشان را رنج رسد و بلاد و بعضی گویند
و او را خرمی رسد اگر بیند که با نوحه میگریست والی بر ایشان بیداد کند کرمانی گوید اگر
بیند که آهسته میگریست شاد شود اگر بیند که با مردم بهم نوحه میکرد با آواز مردم
آن موضع را غم و اندوه رسد بسبب پادشاه نوشادر ابن سیرین گوید نوشادر در خواب غم و اندوه
بود اگر بیند که نوشادر در داشت غمگین و متفکر شود اگر بیند که خورد اندوهگین شود دیدن
نوشادر بهم غم و اندوه بود بنام علاقت باشد و بیان آن در حرف غین گفته‌ام
نیزه و مند ابن سیرین گوید اگر بیند که نیزه مند تر از آن شد که بود دلیل بر قوت احوال
در بود در دنیا و آخرت چه مصلح بود و اگر مفسد بود تاویل بخلاف این بود نیزه
ابن سیرین گوید اگر بیند که با نیزه سلاح دیگر داشت بزرگی و کامرانی یابد جابر مغربی فرماید
در ولایتها روان گردد اگر بیند با نیزه هیچ سلاح نداشت وی را فرزندی آید یا برادر
اگر بیند که نیزه او بشکست برادر یا فرزند او بمیرد اگر بیند که نیزه وی کسی ببرد تاوانش
مشهور نشود اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخم کرد غنیمت مردم گوید و نیزه در خواب
قوت و ظفر بود بر دشمن اگر بیند که نیم نیزه در دست داشت او را با غریبی نیکو کار
صحبت افتد و از و منفعت یابد جعفر صادق گوید دیدن نیزه در خواب بر هشت وجه بود
اول قوت دوم ظفر سیوم ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم ایمنی هفتم تواضع
هشتم ارتفاع بقدر نیزه و نیزه گر در خواب مرد نیکو بود که مردم را بکار آید و از وی
هر کس مدد رسد نشتر ابن سیرین گوید اگر بیند که نشتر در قبا داشت یا کسی

بود آموخت در خواب دانش آموزد اگر بیند که چیزی خیر نوشت دلیل بر خیر
و صلاح کند و اگر بد می نوشت دلیل بر شر و فساد بود اگر بیند که نوشته
داشت اندک چیزی بوی رسد نیشکر ابن سیرین گوید اگر بیند که نیشکر می مکید
بکار مشغول شود که از آن گفت گو رسد و خصومت پیدا شود اگر بیند که نیشکر
بفروخت یا بکسی داد از گفتگو خلاص یابد اگر بیند که داشت و نمی خورد
کمتر بود و بعضی گویند چیزی پنهان کرده باز یابد نیشکر ابن سیرین گوید دیدن نیشکر سود
خواب بزرگوار و قوت نیشکر در دین و رستگاری از عذاب آخرت خاصه مومن
یا مال بود کرمانی گوید اگر بیند که با مردی نیکی کرد بعد از آن او را خوار داشت
یا سپاس بود چنانکه حق تعالی فرموده ولا تنسوا الفضل بینکم ان الله بما
تعملون بصیر. اگر بیند که نیکی با اهل شرک کرد مال خود را صرف کرد بر
ادا اخیر دو جهانی حاصل شود نیل ابن سیرین گوید دیدن نیل در خواب غم و
اندوه بود اگر بیند که نیل داشت بقدر آن غم و اندوه خورد اگر بیند که نیل بکسی
داد یا ضایع شد از غم و اندوه برهد اگر بیند که جامه چیزی نیل کرد ویرا مصیبت
رسد بسبب خویشان و دوستان اگر بیند که نیل خورد آفتی بدو رسد نیلوفر
ابن سیرین گوید اگر نیلوفر بجای خود بر درخت بیند بوقت خود از کسی منفعت یابد یا فرزندی
آورد و چون از درخت جدا بیند غم و اندوه یابد کرمانی گوید اگر زنی بیند که نیلوفر
از درخت بگسست ویرا طلاق داد از وی بگریزد دانیال گوید نیلوفر در خواب کنیزکی بد خوی
یا زن کار زیان کار بود که در وی خیر و صلاح نباشد حرف الواو
الکامل فی التعبیر وارثه ابن سیرین گوید چون وارثه را مطیع بیند چیزی بکسی
از دست رود چون با کس بیند باید خداوندش منزلتی یابد اگر بیند که
وارثه سفید و پاکیزه داشت و مطیع بود از بزرگی مرتبت و جاه یابد

اگر بیند که واشه از دستش بپرید و رشته بماند بر بیت وی از آن گروه منفعت گوید دیدن
واشه در خواب پادشاهان از ملک و منزلت بود و توانگران از مال و دولت و فرزند اگر بیند
که واشه از دستش بیفتاد و بمرد اگر بیند پادشاه بود از ملک بیفتد و اگر امیر یا سرور بود
و بمنزلتش نقصان پذیرد اگر توانگر بود درویش گردد و اگر درویش فرزندش بمیرد و بعضی گویند
واشه بخواب مردی عیار بی شرم بود اگر بیند که گوشت واشه میخورد بعد از آن [illegible]
خورد اگر بیند که واشه بسیار با عیاران جمع شدند عیاران در آن موضع جمع شوند جعفر صادق گوید
دیدن واشه در خواب بر چهار وجه بود اول قدر و منزلت دوم فرمان روائی سیوم مال چهارم
فرزند و [illegible] کاردار و فرمان روا بود اگر کاردار بیند که از تخت بیفتاد یا تخت وی بشکست یا [illegible]
شمشیر از وی بستدند یا سرای وی خراب شد یا چهارپای وی بمرد و بیفتاد یا کسی وی را بیفکند این همه
دلیل بر آن بود که از شرف و بزرگی بیفتد ابن سیرین گوید اگر بیند که کاردار که در شمارش با
دستار یکی پیوست [illegible] بر وی پایدار بود اگر بیند که [illegible] از دست بزرگی و شرف او زیادت
گردد [illegible] گوید اگر بیند که کاردار [illegible] و در عمل [illegible] منفعت [illegible] بود جابر مغربی گوید اروز
ختنه بود [illegible] یابد و اگر بخلاف این بیند تاویلش شر و فنا بود وحوش
چهارپایان دشتی باشند و هر چه نر بود تاویلش بر مردان بود و ماده بر زنان ابن سیرین گوید اگر بیند
که وحوش صید کرد یا از کسی صید وحوش بر وی برد داد مال و نعمت یابد و گوشت و پوست او
همین دلیل کند کرمانی گوید اگر بیند که همه وحوش مرو را مطیع بودند جابر سلیمان را علیه السلام به [illegible]
مردم که در [illegible] بود [illegible] مطیع او شوند و [illegible] شماره بود در حرف شین گفته ایم
ورذنه ابن سیرین گوید ورذنه و تبرک نان دوا باشد منفق بدکار اگر بیند که ورذنه یا ترک
نان کسی بر وی داد از انبار راه یابد و از باطل منع کند اگر بیند که ورذنه او بشکست
از صحبت این مرد که گفتیم جدا شود جعفر صادق گوید دیدن ورذنه در خواب بر سه وجه بود
اول منفق در کارها دوم انباری که طالب معیشت بود سیوم کاری دشوار که بر او آسان

شود سوزنده ابن سیرین گوید اگر بیند که در دست دشمن اسیر و زنده بود بر خصم گرفتار شود
اگر بیند که کسی را بر دست دشمن زنده کرد بر دشمن غالب شود و او را قهر کند کرمانی گوید
اگر بیند که زنده میفروخت وی را خیر و منفعت رسد اگر بیند که زنده خرید باشد
اگر بیند که غلام خود را باز خرید بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که زنده و بکر بخت اگر غلام
او بکر بخت نیک بود و اگر کنیزک بود بد بود و نقصان مال بود و بدانکه زنده فروش در خواب
حاجب خبر بود و اخبار مردم گوید و رسان مرغی باشد که در خراسان او را کبوتر نامه خوانند
و دیدن وی بخواب زن بود یا کنیزک خرد اگر بیند که رسان از دست وی بپرید زن را
طلاق دهد یا کنیزک بفروشد کرمانی گوید اگر بیند که رسان انگشت و گوشت وی بخورد
بقدر آن ملک زن بستم بستاند اگر بیند که رسان بمرد زن یا کنیزک بمرد اگر بیند که رسان بسیار
داشت زنان و کنیزکان بسیار جا کند و رسید بتازی قاقوی خوانند جعفر صادق گوید
دیدن قاقوی در خواب بر سه وجه بود اول منفعت دوم معیشت سیوم اندوه وزنخ ابن سیرین
گوید وزنخ در خواب مردی زاهد عابد بود اگر بیند که وزغ داشت با مردی بدین صفت صحبت کند
اگر بیند که با وزنخ جنگ کرد با چنین مردی خصومت کند اگر بیند که وزغ بسیار جا جمع شد بدید و فریاد
میکردند عذاب حق تعالی در آن موضع رسد مغربی گوید اگر بیند که وزنخ انگشت و گوشت
وی بخورد مردم زاهد را قهر کند و مال آن را بستاند و نهب کند اگر بیند که وزنخ وی را بگزید
از زاهد رنج یابد اگر بیند که وزغ را از آب برگرفت و بر افشی انداخت زاهدی را از کار باز دارد
و رحمت رساند وزیر ابن سیرین گوید اگر بیند که وزیر پادشاه نیکو بود کارش نیکو گردد و دولت
یابد و اگر وزیر پادشاه بد بود یا وبال بخلاف این بود اگر بیند که وزیر شد در وزارت منصف
و دادگر بود و شرف و بزرگی یابد بقدر عدل و انصاف اگر بیند که وزیر سلطان گشت
جاه و نعمت و مال بر وی فراخ شود و عمرش دراز بود اگر بیند که وزیر وی را خلعت داد

و کلاه دلیل که بر مردم والی شود اگر بیند که وزیر در سرای وی آمد فزاید غم و اندوه رسید
بسبب پادشاه کرمانی گوید اگر بیند که با وزیر طعام خورد از وی شرف و بزرگی
یابد اگر بیند که خانه وزیر افتاده بود یا بیمار شده بود یا پادشاه او را معزول کرده بود
یا اسپ او را بیفکند یا گاو وی را ببرد دلیل بر عزل وی بود جعفر صادق گوید
وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود اول آنکه بیند که حشم وی هلاک شده بود دوم آنکه حشم
وی جدا گشته بود سیوم آنکه بیند که پادشاه کمر در میان وی بست چهارم
آنکه بیند که از چهار یاران پیغمبر علیه الصلوة والسلام تاج بر سر وی نهاد این همه که گفتیم دلیل
وزارت بود ❊ وسمه ابن سیرین گوید دیدن وسمه در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که در زیر
خود وسمه بسیار رسته بود بغم و اندوه گرفتار شود اگر بیند که وسمه ها بر کند و بیند اخت از غم رسته گردد
اگر بیند که وسمه خورد بسبب عیال بسختی گرفتار شود اگر بیند که کسی وسمه بدو داد میان ایشان خصومت افتد
مغربی گوید اگر بیند که وسمه بعیال خود داد از هم جدا شوند و در دیوان وسمه خیر نباشد وشمه ابن سیرین گوید
وشه در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که وشه بکجا و اردا نشت در زحمتی افتد اگر بیند که وشه بکسی داد
از غم و اندوه برهد مغربی گوید اگر بیند که چیزی بوشه دارد پنشاید کار بر الکند خرف جمع آورد اگر بیند که
وشه خاید غیبت مردم بسیار کند وضو ابن سیرین گوید اگر بیند که دست با آب صافی تمام بشست کاری
که جوید بیابد و مقصودش برآید اگر بیند که دست و روی با آب پلید می شست تاویل بخلاف این بود سگرمانی گوید
اگر بیند که با آب صافی دست و روی تمام می شست تاویل بخلاف آن باشد از غم فرج یابد و اگر ترسی دارد ایمن شود و اگر
وام دارد گزارده شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر محبوس بود خلاص یابد مغربی گوید اگر بیند که هر دو
دست او وی خود می شست از دوستان یاری خواهد اگر بیند که دست و روی شسته بود او را
حدث پیدا شود در کار وی شب خود پیجان کرد اگر بیند دیگر بار دست و روی بشست مرادش
حاصل شود جعفر صادق گوید اگر بیند که در وضو ساختن و یکی تقصیر کرد آنکس بدین وی توبه کنند

وکیلی ح ابن سیرین گوید اگر بیند که وکیل پادشاه شد در شغل خود منصف بود و جبیر گوید اقبال دنیا بد
اگر بیند که وکیل قاضی شد همین تاویل دارد اگر بیند که در شغل وکالت نه منصف بود و
داد گر تاویل بخلاف این بود و مغربی گوید اگر وکیل خراب بیند که نسبت او با مو حجت و
باو سخن بلطف گفت ویرا از و منفعت رسد اگر بخلاف این بیند زحمت و رنج رسد و او
علت حرام بود و دین او در خراب مال بود که بور رسد اگر بیند که اندک بود او را کار
زشت پیش آید و بعضی گفته اند کاری معروف شود جعفر صادق گوید دیدن ویرانی برتن خویش
درویشی را توانگری بود و توانگر را ازار ایستادن بود از گناه اگر بیند که وادی جهان شد برتن
او که حلقه انگشتان او افتاده بود کارهای نیکو کند و نیز گویند که فرزند یا برادرش از دنیا رود
ویرانی ابن سیرین گوید ویرانی خانه یا دکان و یا جه بدین ناید حال گمراهی بود در دین اگر بیند
که چیزی آبادان خراب کرد بشغل دنیا گمراه بود و اه نفرت گذاشته باشد اگر بیند که ویرانی
آبادان کرد تاویل بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که جایی آبادان خراب شد اهل
آن مقام در بلا و مصیبت افتد اگر بیند که ویرانه کهنه را آبادان کرد دلیل بود بر صلاح
کارها و از گمراهی براه راست آمدن بود مغربی گوید اگر ویرانی از کردار خالق است نبیند
او منفعت رسد اگر از کردار مخلوق است نقص باشد جعفر صادق گوید اگر بیند که
مدارس یا مسجد خراب کرد نقصان کار او بود در دین و دنیا حرف الهاء کتاب الفل
في العين هاون ابن سیرین گوید هاون رستم او شریک بود که [illegible] از یک دیگر نا گزیر
و چیزی دو بهم کار کنند و فایده ها ستانند اگر از آن [illegible] بیند فایده بیند اگر بیند
که در هاون چیزی میکوفت اگر آن چیز خوردنی بود بقدر قیمت آن چیز ویرا منفعت رسد و
بر جنس و اگر چیزها دارو ها بود تاویلش برسه وجه بود اگر از دارو ها اسهال بود دلیل
اباد [illegible] مال بود مغربی گوید اگر بیند که هیچ میکوفت بطعم [illegible] بود دلیل بر منفعت بود که بنتیجه
از [illegible]

بقدر

رسد اگر تلخ بود مضرت و غم بود اگر بیند که در هاون جوهر ها می‌سود بعد از آن منفعت بیند
هاون خود بدست خود بلقت کند هبا گرد ذرها آفتاب بود ابن سیرین گوید دیدن هبا
در خواب سخنی باطل بود و بود کارها پراکنده که در آن نفع نبود چنانچه حق تعالی فرمود فجعلناه
هباءً منثوراً مغربی گوید اگر بیند که هبا در هوا پدید آمد بود اگر آن هبا
سرخ گونه بود در آن دیار جنگ و فتنه و خون ریختن بود اگر زرد بود آن قوم را بیماری بود
اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت کند و اگر سفید بود از پنها که گفتیم هیچ نباشد هدهد ابن سیرین
گوید هدهد در خواب مردی بود زیرک و دانا که از کارهای پنهان مردم را خبر دهد اما زشت
نام سبب بوی ناخوش اگر بیند که هدهدی داشت او را با مردی دانا و زیرک بدین صفت
که گفتیم صحبت افتد و از و فرهنگ حاصل کند اگر بیند که هدهد را بکشت بر خصمی مردی در
ظفر یابد اگر بیند که از گوشت وی خورد از مال آن مرد بعد از آن حاصل کند کرمانی گوید
هدهد صاحب خبری بود یا رسولی نیک اگر بیند که هدهد با وی سخن گفت از اهل علم
یکی را قهر کند جعفر صادق فرماید هدهد در خواب بر چهار وجه بود اول خبر خوش دوم
بزرگی سیوم ظفر بر دشمن چهارم در آن کار که بر زیرکی و دانا بود چنانکه حق تعالی فرمود
فقال احطت بما لم تحط به وجئتک من سباءٍ بنباءٍ یقین هدیه مغربی
گوید اگر بیند که چیزی بکسی داد اگر آن چیز نیکو بود هر دو را از یکدیگر فایده بود اگر آن چیز
بد بود با یکدیگر خصم شوند ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی ویرا هدیه داد اگر آن چیز دوست داشت
دلیل خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بود بد بود اگر بیند که مردی پیر یا زنی پیر چیزی
بدو داد خیر و منفعت رسد و اگر مرد جوان یا زن جوان داد تاویل بخلاف این بود
هریسه ابن سیرین گوید اگر بیند که هریسه می‌خورد خیر و منفعت یابد و خواسته او افزود
و بعضی گفته اند ویرا فرزندی آید که بد و خرم باشند و رسول علیه السلم فرمود که

المرئية من طعمة الجنة معبری گویند هر که در خواب دید [illegible] دلیل بر [illegible] و اندیشه بود
[illegible] جعفر صادق گوید دیدن [illegible] که گوشت گوسفند فربه پخته [illegible] دلیل بر [illegible] و
منفعت بود و [illegible] گوشت غلیظ بود دلیل بر مضرت بود هزار [illegible]
[illegible] در خواب [illegible] خوش [illegible] لطیف [illegible] ضعیف [illegible] و خداوند علم [illegible]
[illegible] هزار [illegible] [illegible] صفت آید اگر بیند [illegible] در [illegible] او [illegible]
[illegible] مسیح [illegible] محمد [illegible] هر [illegible] [illegible] خوش [illegible]
[illegible] خوش [illegible] اگر بیند [illegible] هر [illegible] او [illegible] اطلاق [illegible]
[illegible] معبری گوید هر [illegible] در خواب [illegible] [illegible] جعفر صادق [illegible] دیدن [illegible]
در خواب [illegible] اول [illegible] [illegible] خوش [illegible] حکیم خوش [illegible]
[illegible] هلیله [illegible] هلیله [illegible] دلالت [illegible] اندوه [illegible]
و هلیله [illegible] دلالت بر مصیبت [illegible] اگر بیند [illegible] هلیله [illegible] اندوه [illegible]
هلیله [illegible] خواب [illegible] همای [illegible] همای در خواب [illegible]
[illegible] اگر بیند [illegible] همای [illegible] اگر بیند [illegible] همای [illegible]
[illegible] همای در خواب [illegible] اگر بیند
[illegible] همای [illegible] اگر بیند همای [illegible] واز
[illegible] اگر بیند همای [illegible] در هوا [illegible]
[illegible] اگر بیند همای [illegible] جعفر صادق [illegible]
همای در خواب [illegible] اول [illegible] [illegible]
[illegible] عز و جاه [illegible] هوا [illegible] اگر بیند [illegible]
اندوه [illegible] اگر بیند هوا [illegible] اگر [illegible]
اگر بیند هوا [illegible] [illegible]

۱۳۵۱

دیدن هوا در خواب [illegible] دوم [illegible] بیند [illegible] سخن [illegible]

[illegible] روشن بود هوای [illegible] [illegible] اگر بیند [illegible]

[illegible] جعفر صادق [illegible] دیدن هوا در خواب [illegible] زکوة [illegible]

در خواب [illegible] حرمت [illegible] سخن [illegible] حق [illegible] اگر [illegible]

در خواب [illegible] افتد اگر بیند [illegible] [illegible]

[illegible] حق [illegible] جل [illegible]

اگر بیند [illegible] در خواب [illegible] در جمع [illegible] در دیدن [illegible]

[illegible] جعفر صادق [illegible] منافق [illegible] حرمت [illegible]

[illegible] حرف الباء [illegible] الکرم [illegible]

[illegible] اگر [illegible] [illegible] از [illegible]

[illegible] زنان [illegible] مردان [illegible]

[illegible] در اول حرف [illegible] اگر [illegible] [illegible]

[illegible] افتد اگر [illegible] طلاق [illegible] اگر [illegible] والله اعلم [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] اگر بیند [illegible] [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] دختر [illegible] حلال [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] [illegible]

اگر بیند [illegible] والله اعلم [illegible] اگر [illegible] خواهر [illegible]

[illegible] اگر [illegible] در صحبت افتد [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] افتد [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خواهر [illegible] دختر [illegible] اگر [illegible]

[illegible] حرام [illegible] اگر [illegible] [illegible]

اگر یاقوت سبز داشت زن خوب خواهد و اسمعیل اشعث گوید اگر یاقوت سبز داشت
زنی توانگر خواهد جعفر صادق گوید دیدن یاقوت در خواب بر شش وجه بود اول
حلال دوم گوهر سوم علم چهارم پسر پنجم مرد نیک ششم دختر و سبزه. یخ
دانیال گوید یخ در خواب غم و اندوه بود اگر نه بوقت خود بیند اگر یخ صافی
می خورد روزی بروی فراخ شود اگر تابستان یخ جمع می کرد مال جمع کند و اگر
یخ تیره جمع بود مال حرام جمع کند و اگر زمستان بیند عیش خوش گذراند و مغربی
گوید یخ در خواب طعام سرد و سیر نعمت و تن درستی و در گرم سیر قحط و غم بود
جعفر صادق گوید دیدن یخ در خواب بر شش وجه بود اول روزی فراخ دوم زندگانی
سوم مال چهارم ترنج پنجم غم و اندوه ششم قحط و تنگی. ابریشم ابن سیرین گوید ابریشم
در خواب زنی بد اصل بود اگر انگشتری ابریشم داشت زنی اصیل خواهد و از آن
دارد دختری اندیشد اگر ابریشم بسیار بیند تن درستی نماید. یل مبارز بود
ابن سیرین گوید اگر بیند که با کسی مبارزت کرد با دشمن چیره گردد و اگر بیند که حریف وی
غلبه شد با وی بشکن بخلاف این بود اگر بیند که با زنی مبارزت کرد زن بروی
غالب شده دلیل که خوار و زبون گردد. یوز ابن سیرین گوید یوز در خواب دشمنی
ظاهر بود اگر بیند که با یوز ستیزه کرد با دشمن جنگ کند کرمانی گوید اگر بیند که یوز را
بگرفت با دشمنی صحبت کند اگر بیند که یوز از وی بگریخت دشمن از وی بگریزد اگر بیند
که یوزان بسیار مطیع وی بودند دشمنان زبون وی شوند مغربی گوید اگر بیند که گوشت
یوز می خورد بقدر آن مال دشمن بستاند و نفعی کند اگر بیند که یوز انگشت در وی
ببست خبر ناخوش شنود اگر بیند که یوز را بگردن نهاده می برد بار دشمن کشد اگر بیند که با یوز
طعام می خورد از شر دشمن ایمن گردد اگر بیند که یوزان در خانه او یا در موضع او بانگ
می کردند دلیل که بسبب دشمنان مضرت بیند بقدر آنچه دیده باشد. میوه تازی ابرو صنم خوانند
مانند مردم بود ابن سیرین گوید اگر بیند که ابروی صنم داشت بدبخت و فرومایه گردد و از روی رنج یابد
اگر بیند که ابروی صنم خورد از مال کسی فرومایه خورد و در دل وی چیزی زیاده باشد

١٨٩٠

الحمد لله رب العالمین نسخه کتاب کامل التعبیر خواب از لفظ نسخه ملا عبد النبی نقل کرده شد
بتاریخ بیست هفتم شوال سنه ۱۲۰۲ محمدی موافق منشی بوده در حدود سمت ۱۷۹۹ اتک ساخته
در رشته پنجاب ایام حویلی ارادت جیب جو سنگه الحکیم بدستخط لحقیر العباد تراب الاقدام
اگر سهو و خطا رفته باشد موافق واژه بکوکه کاتب انجیز عرلی حمت تم تمام
حقک الیه مسطور وعذر رشته لعسد لود

١٠٩١

ادویه ریح [illegible] دیرال
۹ ادام
[illegible]
[illegible]

ادویه [illegible]
[illegible]
۵ دام [illegible]
[illegible]
قند [illegible]

ترکیب خوردن مال کنگنی اول روز یکدانه و دوم روز دو دانه و سیوم روز سه دانه
و هر روز یک دانه زیاده کرده باشد تا که بهفت دانه خورده است بعد از آن ترک کند از ترشی
و بادی و از روغن کنجد و ترب پرهیز باید نمود تا چهل روز نزد عورت نرود و حقیقی مدام
بخورد دل چنان شود مانند آینه روشنایی در دل پدید آید و تند گردد
و هر روزه نوعی شتری یعنی کوده برود و هیچ یاد کرد او نگردد و یک هم کم خورد اگر
مال کنگنی را روغن کشد در کف پای بمالد در چشم روشنایی زیاده شود اگر شب
که ماه چهار دهم شود از آن روغن فرو کیرد در چشم خود کشد او ایسی نتواند دید و اگر
مال کنگنی روغن کشد در ماه صفر روز چهار شنبه منشود بیسی یعنی کوه ها خوردن
دهد و بر اندام و بر اندام بمالد بیست بگذرد و دیگر برود نزدیک عورت نزد وی نیکو شود
و اگر دانه مال کنگنی را در شیر گاو سیاه بجوشاند و عورت را بدهد و مشک بگیرد
بمقدار بهفت هشت درم مشک همراه شیر برنج بخورد موی سفید نه بر آید و اگر بر آید
بیخ سیاه بر آید تجربه کرده است و اگر مال کنگنی را در شب سه شنبه با روغن گاو
بریان کند تا چهل روز بخورد اگر مرد عنین باشد قادر گردد و اگر نیک بخورد و حد بگذر خورد
باید کرد باید که کف دست بخورد و اگر مال کنگنی با کمیز شتر با کمیز شغال تر کند
و سه روز متواتر عورت را خوردن دهد شهوت او بسته گردد چنانکه کس قادر شدن بر او
نتواند و اگر مال کنگنی را در شیر ماده گاو میش تر کند و مرد را خوردن دهد شهوت کم شود و
بسته گردد و اگر غره ماه بروز یکشنبه می شود مال کنگنی را روغن کشد از آن روغن دود کرد
هر جا که مار و ارشته باشد در نظر پدید آید و اگر بر قضیب بمالد لذت [illegible] معلوم کند
و اگر مال کنگنی را در کمیز عورت چهل شش روز تر کند بعد از آن روغن آن را [illegible] و بر اندام بمالد
نیکو شود اما همه [illegible] تجربه کرده [illegible] باید که [illegible] خوب است [illegible]

یاهو

آنچه کوک در باب دانستن شهوت اناث موجب تفصیل دید که در هر تاریخ در کدام محل می باشد

تاریخ اول — شهوت زن در پشت انگشت پا می باشد [illegible] کنار انگشت ... مسته نود و انزال کند و لذت می بود

تاریخ دوم — شهوت عورت در زیر الوی [illegible] جانب حب [illegible] کنند انزال کند

تاریخ سوم — شهوت عورت در پندلان [illegible] مالش نماید انزال کند

تاریخ چهارم — شهوت عورت در ران می باشد [illegible] مالش کند عورت انزال کند

تاریخ پنجم — شهوت عورت در شکم می باشد [illegible] مالش کند عورت انزال کند

تاریخ ششم — شهوت عورت در پستان جانب [illegible] باید که آهسته [illegible] تا چند ... انزال کند

تاریخ هفتم — شهوت عورت در زیر بغل [illegible] جانب [illegible] باشد آهسته

تاریخ هشتم — شهوت عورت در گردن جانب [illegible] باید که آهسته [illegible] بزند تا انزال بود

تاریخ نهم — در زیر زنخدان [illegible] شهوت عورت [illegible] باید که [illegible]

تاریخ دهم — در لب [illegible] می باشد [illegible] و نرم [illegible] انزال شود

تاریخ یازدهم — در کلّه [illegible] بوسه [illegible] ده تا انزال شود

تاریخ دوازدهم — در یک [illegible] جانب [illegible] مالش [illegible] باید

تاریخ سیزدهم — در [illegible] جانب [illegible] بوسه دهد تا انزال

تاریخ چهاردهم — در چشم [illegible] و دل [illegible] بوسه دهد تا انزال [illegible]

تاریخ پانزدهم — در بارک [illegible] می باشد موی سر بگیرد [illegible]

تاریخ شانزدهم — [illegible] بار انزال کند از اطراف [illegible]

کار اکسیر اول فلوس گرفته گرم نموده در تیل سرد کند هفت مرتبه و هفت مرتبه در دوغ و هفت مرتبه در شیر آک و هفت مرتبه در رس نیم و هفت مرتبه در [illegible] بعده [illegible] نیز یا نیم [illegible] در رس [illegible] ساییده بر فلوس لیپ کند بعده [illegible] سیکا [illegible] اندازد آب اندخته [illegible] تیره [illegible] بعده [illegible] در پیاله [illegible] درم [illegible] حرارت [illegible] نصف از زر و نصف بالا فلوس داده [illegible] کند بعده [illegible] اثار یا حک [illegible] کند پیاله [illegible] اثار [illegible] از زر و بالا [illegible] طرف [illegible] داده [illegible] اثار یا حک [illegible] داده آتش دهد [illegible] سرد شود [illegible] این شکسته خواهد بود یک ماشه [illegible] سیماب و یک ماشه [illegible] میان [illegible] انداخته از روغن [illegible] گاو [illegible] دوازده [illegible] در میان [illegible] داشته [illegible]

گرده درمیان ده آثار باحلک وشتی بید کہ دہ دو در ہار آتش ہا و بالدیک اثار
با حلک وشتی آقروذه [illegible] بیته تک [illegible] کہدل وا آتش وادہ لک ہدالو [illegible] روز بخورند
و بخورند و ہر سہ آثار طعام خورند و وقت باہ کار شود

नर्कचूर ,॥
कर्पूर चैनिया ,॥
जहर्नेलिया ॰।८
मुस्लानागर ॰।८
शोराकल्मी ॥
विहीजाखुशक ॥
लवङ्ग
॰।८
ईलाचीकेबीजवडी ॰।८
सुपेदकथा
॰।८
अर्क कदलीकेसे गून्धे

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد وآله الطیبین الطاهرین اجمعین بدان ارشدک الله تعالی فی الدارین که نسخه در تعبیر رویا بطریق مجمل نوشته میشود هر که طبیعت وارد از اصول این اشیا تعبیر جمله خوابها تواند کرد و بر اصلاح معبران شنیده نی تواند برد اگرچه درین فن کتب کثیره تصانیف نموده اند پس این فقیر حقیر کثیر التقصیر این جزوی نوعی نوشته که جمیع خوابها عالم را شامل است اکنون کوشش دار که علم تعبیر خواب شریف ترین علوم است و این علم خاصه پیغامبران است که اول حق تعالی این علم را بآدم علیه السلام تلقین کرد بعد ازان بطریق قسمت هر یکی را از فرزندان کرام او عنایت فرموده و بعد از آدم علیه السلام به شیث علیه الصلوة والسلام کرامت کرده و بعد از شیث بنوح علیه السلام عطا فرموده که پیش از طوفان نیش ماه جنونان زن نوح علیه السلام مادر کنعان که بسده بود خواب دید که از سوراخ سوزن شراره آتش جسته و در گریبان او در آمد وازانجا در طرفة العین مانند شعاع آفتاب تمام عالم را فرو گرفت و همه اشجار و نباتات عالم را سوخته و نابود ساخته و مهتر نوح

با همیال دست و چوبی خشک و پوسیده زده متحیر مانده و وحوش و طیور و جمله جنبندگان در دامن آن چوب مضطرب
مانده و از تف آتش لرزان و سوزان افتاده هولناک برجست و با دهشت و هیبت تمام نزدیک نوح علیه السلام آمد و گفت
ای پیغامبر خدا اینچنین خوابی دیده ام تعبیر این چه باشد چون نوح علیه السلام این خواب شنید نعره بزد و در گریه شد
و گفت اگر تعبیر این خواب بگویم تو در ماتم خواهی افتاد گفت باری بگوی نوح علیه السلام تعبیر آنرا تمام بیان کرد
که از سوراخ سوزن آتش دان تعبیر است و از آتش تعبیر آب و آنکه در گریبان تو آتش درآمده از همه اول تو در آب غرق
خواهی شد بعد ازان پسر تو که کنعانست با جای بلند و استوار غرق شود بعد ازان تمام عالم از جمادات
و نباتات و حیوانات غرق شوند و من تکیه با آلت چوبین میکنم که ازو نجات من و تابعان من خواهد بود که ازان
کشتی مراد است تعبیر این خواب بعد از ششماه ظاهر شد که طوفان پیدا آمد از تنور پیرزنی و از نوح
به ابراهیم علیه السلام رسید و از ابراهیم به اسحاق و اسمعیل علیهما السلام رسید و از اسحاق به یعقوب
علیه السلام رسید که خواب یوسف علیه السلام را تعبیر نمود و از یعقوب بیوسف علیه السلام رسید و ایشانرا
حق تعالی معجزه کرده اند بیان رؤیا و تعبیر آن چنانچه در قرآن مجید ازو حکایت نازل گردید رب قد آتیتنی
من الملک و علمتنی من تاویل الاحادیث مراد از تاویل احادیث علم تعبیر خواب گشت پس یوسف علیه السلام
در تعبیر خواب چنان معتبر شد که حق تعالی در قرآن دو سه جا تعبیر ایشان را مذکور کرده است مانند خواب
ملک ریان و خباز که آنچه تعبیر فرموده بود همچنان شد و خواب ملک ریان نیز

در بیان حقیقت خواب

و شرایط و صحبت اسباب و آداب معتبره آن بدانکه حکمای سلف و علمای خلف در تصانیف خود آورده اند

که قوتهای بدنی که ادراک محسوسات کننده اند پنج ظاهره که آن سمع است و بصر و شم و ذوق

و لمس و پنج باطنه که حس مشترک و خیال که خزانهٔ اوست و واهمه و حافظه و متخیله و مرکب این قوای روح است

و روح بخاریست که از لطیف اغذیه میتواند شد و بواسطهٔ او در اعضا قوت و حس و حرکت پدید آید

و دلیل برآنکه مرکب قوی روح است نه اعضای آنست که اگر در عضوی سده واقع شود و آنچه ورای آن سده

بود از عضو حس او باطل شود و آنچه مافوق سده باشد باطل نشود و چون مقرر شد که قوت حس و حرکت

اعضا بواسطهٔ آن بخاریست پس مادام که آن بخار متوجه ظاهر باشد حواس باطنه معطل ماند و خواب عبارت

از آنست و سبب عدم توجه و تردد او با ظاهر یا از قلت او بود که بواسطهٔ کثرت افعال متحلل شده باشد

و طبیعت از برای اخلاق بدل بنضج غذا مشغول گشته تا از برای آن تردد مجازی او بخوردن شراب

با طعام مسدود گردد زیرا که خون بخار آن از معده بدماغ صعود کند و با عضای فرود آید آن مجازی بر گردد

و مجال نفوذ و تردد نماند یعنی رویت چیزها در خواب یا بواسطهٔ آن بود

که نفس بواسطهٔ تعطیل حواس ظاهره بروحانیات متصل شود و چیزها از مغیبات مطلع گردد و چون مدرک

نفس صورتی جزوی نتواند بود بلکه معنی کلی باشد متخیله از برای حکایات آن معنی کلی صورتی ترکیب

کند و آن صورت چون در لوح حس مشترک منطبع شود مرآینه مشاهده گردد یا بنابرآنکه صورتی

که در خیال خزانهٔ مشترک است محفوظ بوده باشد و حس مشترک در بیداری بواسطهٔ اشتغال بصورتی که

از حواس ظاهره بدو متأدی میشد از آن غافل بوده بوقت خواب بنابر انعدام اشتغال بصورتی که از حواس

به ظاهر شود یا بواسطه آنکه قوت متخیله بسبب اشتیاق او بچیزی یا از تالم او بفوات چیزی در بیداری
متوجه صورتی گردیده باشد و بحافظه که خزانه اوست سپرده و چون در بیداری بنابر اشتغال حس
مشترک بغیر آن صورت میسر نشده بوقت خواب بر او ظاهر گردد یا بواسطه آنکه مزاج روح متغیر شده
باشد چه بحسب آن تغیر افعال تخیل بگردد چنانکه اگر حرارت مستولی باشد آتش بیند و اگر برودت
غالب بود برف و سرما بیند و اگر رطوبت چیره شود باران و سیلاب و دریا در خواب بیند و اگر
یبوست ازدحام نماید کوه و سنگریزه و پریدن در هوا بیند و ازین اقسام بجز قسم اول اعتباری ندارد
و سه قسم از قبیل اضغاث و احلام اند منقسم بدو قسم شود یکی صریح که بتاویل احتیاج
ندارد و این از آثار رحمت پروردگار است که بوقت فروماندگی بنده را بدان هدایت کند چنانکه
چنانکه جالینوس در کتاب فصد آورده که مرا در میان حجاب و کبد ورمی پدید آمد هر علاجی که میدانستم
کردم هیچ سود نداشت چون امید صحت نماند شبی در خواب دیدم که شخصی پیش آمد و گفت
رگی که میان خنصر و بنصر است از دست چپ بگشای و بگذار تا چندین خون از و بیرون شود تا شفا
یابی چون روز شد فصاد را طلب کردم و آن رگ بگشودم و آن مقدار خون که گفته بود گرفتم
شفا یافتم دهم او در کتاب حلیة البشر آورده است که شخصی را زبان بزرگ شده بود چنانکه در دهان
نمیگنجید و هر علاجی که اطبا کردند سود نداشت شبی بخواب دید که بآب برد حس مضمضه کن همچنان کرد
شفا یافت دویم آنکه صریح نباشد و بتاویل احتیاج دارد و خوابهای انبیا و صلحا بیشتر ازین قسم

باشد و از اینجاست که پیغامبر علیه السلام فرموده رویا المومنین من جزء من ست و اربعین جزء من النبوة و هر که
نبوت را چهل و شش جزو کرد و رویا مومن را یک جزو از آن نهاد و آنست که مدت نبوت پیغامبری بیست
و سه سال بود و از آنجمله مدت شش ماه خبرها از طریق رویا معلوم میکرد و بیست و دو و نیم سال بطریق وحی
بوده است و چون بیست و سه سال از شش ماه قسمت کنند چهل و شش جزو شود مدت رویا از آنجمله
یک جزو باشد و در بعضی تعبیرها آورده اند که شرایط صحت رویا آنست که مزاج خواب بیننده معتبر باشد
و بطهارت خسپد و بوقت خواب پهلوی راست را بر زمین نهد و بوقت خفتن والشمس و واللیل و والتین
و قل یا ایها الکافرون و اخلاص و معوذتین بخواند بعد از آن بگوید اللهم انی اعوذ بک من شر الاحلام و
استجیر بک من ملاعب الشیطان فی الیقظة والمنام و باید که راستگو باشد و هر چه گوید سنجیده و سنیده
گوید چه اگر دروغ بسیار گوید و هر چه در خاطر آید بی فکر و تاملی در عبارت آرد خواب او اعتباری نبود و از اینجا
که رسول علیه السلام فرمود که من اصدقکم الرویا و از اینجاست که خواب شاعران و منجمان را اعتباری نباشد
و هر خوابی که در اول بهار بوقت رسیدن میوه بیند درست باشد و از پس زود پدید آید و حکمت در آنکه
خواب نیک را اثر دیرتر ظاهر گردد و خواب بد را زودتر و واسطه این آنست که ایزد سبحان بندگان خاص خود را
از کمال عنایت میخواهد که ایشان را در رنج و انتظار گذارد و باید که خواب را با معبر در خلوت سر بگوید که رسول علیه السلام
فرمود لا تقص الرویا الا فی السر کما اسررت الیک و اگر رویا در روز گوید بهتر باشد و در خواب هیچ زیادت و نقصان
نکند چه آن سرور فرمود من کذب فی الرویا کلف یوم القیمة عقد شعره ای عذاب بمقدار عدد شعره و این

من

سیرین و جالینوس در اکثر تصانیف خود آورده اند که اگر خواب خود گوید با کسی گوید که دوست و عالم و عاقل

متقی و عامل و متدین و مشفق و نیکو خواه او بود و نزدیک معبران و سایر اصحاب رسول صلی الله علیه و سلم

معبر تعبیر اول است در نقل آورده است که زنی بخدمت حضرت رسول الله علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله

بخواب دیده ام که دختری زادم و ستون خانه ام بشکست آن سرور فرمود ترا پسری شود و شوهرت از سفر بسلامت

باز آید همچنان شد بار دیگر آن زن همان خواب دید و بخدمت حضرت آمد تا از رسول علیه السلام تعبیر پرسد

ایشان را در خانه نیافت در حجره رسول یکی از زنان او پرسید آن زن گفت ترا دختری شود و شوهرت

بمیرد چون رسول علیه السلام به حجره آمد از و سوال کرد حضرت گفت که این جواب را از دیگری پرسیده

بلی فرمودند که تعبیر همان باشد باید که خواب چون نیک بیند طغیان نیارد و در شکر و خیر افزاید و اگر خواب بد

دیده باشد چون از خواب برآید گوید اعوذ بالله العظیم من الشیطان الرجیم و آیت الکرسی بخواند و این دعا بخواند

اللهم انی اعوذ بک الولد و الیک افرو علیک اتوکل فاصرف عنی شر ما رایت و وقنی ما قضیت یا رادا لبلا

و یا دافع القضا و یا شامل العطای و اظهار نکند و با کس سخن نگوید و صدقه بدهد و در دعا و عبادت کوشد تا حق تعالی

بلا را دفع گرداند و معبر را باید که عالم و عاقل و راست گو باشد و افشای سر نکند و پیوسته از حضرت عزت

معونت و هدایت طلبد تا آنچه از اسرار غیب خبر دهد بر منهاج حق و سنن صواب باشد و از ابن سیرین منقول است

که چون خواب بیننده خواب بر معبر عرض کند اگر طهارت داشته باشد برخیزد دو رکعت نماز بگذارد به نیت صدق

التعبیر بخواند در رکعت اول بعد فاتحه آیة الکرسی یکبار و الم نشرح سه مرتبه و در دوم بعد فاتحه و من یتق الله یجعل له

منز جا سه مرتبه و اخلاص پنج بار چون از نماز فارغ شود سر بسجده نهد و دوازده بار بگوید اللهم کشفنی تعبیر بد هو یا
فی الیمن و الصلوات بحق ام الکتاب بعده سر بر آرد و تعبیر خواب کند هر چه از زبان او آید همان شود و اگر
وضو نداشته باشد برخیزد و وضو کند و خواب او را بشنود و از امام جعفر صادق رضی الله عنه منقول است که
چون بیننده خواب بر و عرض کند بگوید خیر النا و شر الاعدانیا و نام او بنویسد چه بسیار خواب آن باشد
که بنام تعبیر باید کرد همچون محمد و محمود و احمد و سعد و سعید و سالم و غانم و مانند آن و صفت او نیز پرسد تا تعبیر
بقدر همت و منزلت و پیشه و حرفت و کسب و کار و حالت او کند و پرسد که خواب در روز دیده یا در شب
چه اگر بروز دیده باشد یا نزدیک روز زودتر اثر دهد و از حال مزاج و غذا و هوا و مسکن و جای خواب و بالین او همه
سوال کند و ابن سیرین در تصانیف خود آورده است که اگر مزاج بیننده خواب گرم بود و غذای
سرد خورده باشد پس خواب او زود اثر دارد چرا که دماغ او سردی و تری معتدل باشد و اگر مزاج بیننده
خواب سرد باشد و هوای سرد باشد و غذا هم سرد خورده باشد پس خواب او چندان اثر ندهد چرا که
در دماغ و اعضات او سه سردی پدید آمده مفاصل و قوی از مضمحل ساخته و اگر ازین سه یک یا دو
جمع کرد احتمال دارد که خواب اثر دهد و اگر مزاج بیننده خشک و گرم است پس خوابهای هولناک بیند آن
خوابها را اعتباری نیست و مزاج سرد و تر همین حکم دارد و غذای معتدل از همه خوبتر است که از تاثیر او
خواب زودتر موثر شود و غذای چرب و شیرین قدری هم نافع تر است که قوای دخواهش نیکو ماند
و غذاهای تلخ و ترش از همه کثیف تر است که خواب پریشان و هولناک بیند و خواب کردن در زیر سایه

۱۰

در خواب مفید است که قوای و اعصاب و سر نباتات را قوی میسازد و بسی خواب هم صواب ببیند و هم این

تمرین و جالینوس در تصانیف خود آورده است که حکمای متقدمین مدار تعبیر خواب را بر طالع نهاده اند

بر یک گروه در طالع که می پرسند نیک می باید حکم تعبیر بر سعادت و نحوست آن طالع میکردند پس باین وجه

از استخراج طالع خوابی که بیننده را فراموش میشد می برآوردند اگرچه متاخران هم ضابطه بربسته انداز برای

پیدا کردن خواب فراموش شده و در کتبهای متداول نوشته اما اکثر اوقات در غلط می افتد و جواب درست

بواقعی پدید نمی آید بواسطه آنکه جهت بعثت سرور کائنات علم غیب را که کاهنان در میان خبر میدادند

باستراق سمع که شیاطین و جنیان را می شد همه برطرف گشت و علم نجوم و سحر و سایر نیرنجات

و طلسمات هبا و باطل شد پس علمای سنت و جماعت قرار دادند که خواب صالح فراموش نشود هرگز

و تعبیر او بواقعی باشد   در تاریخی که پادشاه خطا نوشیروان را دختر خود فرستاد او بغایت خوب

صورت بود او بر جبینی مبتلا و شیفته بوده او را لباس زنان پوشانیده در صندوق میداشت

چون آن دختر در وثاق نوشیروان رسید نوشیروان همان شب خوابی دید چون بیدار شد این مقدار

یاد ماند که شب من خوابی دیده ام و باقی جمله خواب فراموش شد حکما و معبران را جمع کرد و از ایشان استفسار

خواب خود کرد و فرمود بگوئید که من امشب چه خواب دیده ام ایشان گفتند ما چه دانیم که پادشاه چه خواب

دیده اند اگر خواب خود را بفرمایند ما تعبیر آن خواب بگوئیم نوشیروان در این کار متفکر و حیران شد و در شهر ندا

درداد که هر که خواب ما را پیدا سازد ما او را زر خود کردانیم چون این ندا در تمام ممالک و بلاد رسید و این خبر

در همه کشور منتشر گشت در آنوقت بزرجمهر پیش استاد میخواند چون این ندا بگوش استاد بزرجمهر

افتاد او نیز حیران ماند و گفت عجب واقعه مشکله معبران را افتاده است بزرجمهر گفت اگر بادشاه مرا طلبد

من بگویم که چه خواب بادشاه دیده اند کسان سلطان چون این شنیدند پیش بادشاه در رفته عرض نمودند

که جوانی از شاگردان حکیم فلان میگوید که اگر بادشاه مرا طلبد من بگویم که پادشاه چه خواب دیده است

بادشاه چون اینچنین شنید کسان خود را با اسپ خاصه پیش بزرجمهر فرستاده او را بصد اعزاز

و اکرام طلبید چون بزرجمهر آمد بادشاه او را بر کرسی زر نشانده استفسار خواب نمود بزرجمهر از

بادشاه پرسید که چون بادشاه از خواب بیدار شدند یاد هست چه مقدار شب بود بادشاه گفت

نیم شب شب شنبه بزرجمهر استخراج طالع نمود نیم شب ساعت عطارد بود و خانه او سنبله است

و او برجی است که منسوب بطعام است گفت بادشاه چنان خواب دیده اند که خوان سالار پیش

ایشان طبقی آورده و بادشاه از ان لقمه ساخته می خواستند که در دهان اندازند ناگاه سگی سیاه

پیدا شده آن لقمه از دست بادشاه در ربود از ان هول بادشاه بیدار گشتند بادشاه گفت تحقیق همان خواب

دیده ام تعبیر این چیست بزرجمهر گفت تعبیر این در خلوت میگویم بادشاه همه مردمان را دور نموده بزرجمهر

گفت بادشاه ختا که دختر خود را برای بادشاه فرستاده است آن دختر عاشق حبشی امرد است و او را

در صندوق پنهان کرده میدارد تعبیر لقمه حلوا آن دختر است و سگ سیاه آن حبشی که از و حفظه میکند

بادشاه درون محل رفته تفحص کرده آن صندوق را برآورده بعلم و دانش بزرجمهر آفرین کرد و او را سر جمله

فکر سعادت و نحوست بسبب این علم نیز تعلق بطالع دارد و هم ابن سیرین آورده است که خواب
مؤمن و کافر برابر است لیکن فرق آنست که خواب مومن بدیر اثر کند و خواب کافر زودتر اثر نماید
و در کتب هند مذکور است که قبیله یعنی اهلیه راجه راون نیم روز در خواب بود که واقعه دید که بوزنه
بو العجب پیدا شده در باغ راون آمده میوه های درختان کندن و خوردن گرفته و چون باغبان قصد او کرده
او از درختی بدرختی جست میزد و میگردد درین از دم آن بوزنه آتشی خاست و بدرختی رسید
و آن درخت را تمام سوخت بعد ازان تمامی آن باغ را سوخت و همه را آتش فرا گرفت و ازانجا بقلعه
لنکا رسید و تمامی کوشک راون و قلعه را بسوخت از هول آن بیدار شد و آن خواب را براون گفت
راون معبران را پرسید ایشان جواب دیدند که این خواب بواقعی دیده است حاجت تعبیر نیست
بعد از دو هفته اثر آن خواب بشتاب ظاهر شد هنومت آمده در لنکا آتش زد این خواب صریح بوده است
که او دیده است و همچنین واقعات بسیار در کتب تواریخ مسطور است و بعضی معبران چنین گفته اند
که خواب صالح و نیک از فرشته متمثل میگردد و او را میگوید که چنین خواهد شد آن خواب همچنان میشود
و احتیاج تعبیر ندارد و اگر خواب بدست شیطان و اولاد او متمثل میگیرند و او را می نمایند که چنین خواهد شد اینست
کیفیت خواب و در کتب متقدمین انواع خواب بسیار است این مختصر گنجایش آن ندارد شمه ازان بیان نموده
شد بطریق ایجاز ابراز کرده شد و عادت قدمای عرب چنان بود که چون کسی خواب پریشان عرض نمودی
هر چه دران ساعت در نظر ایشان افتادی از طیور و وحوش و بهایم و نعایم و امتعه که از افعال میکنند بگویند

تعبیر میکردند والله اعلم بالصواب در این مختصر ده باب است و یک باب در آن نوشته

شده تا بجلالت نه انجامد باب اول در دیدن تجلی نور ایزدی و روحانیان و انبیا و اولیا و امرا و سلاطین

و آنچه و دیو و شیاطین و حساب و کتاب و بهشت و دوزخ و عذاب و عقاب و مانند آن باب دوم

در دیدن انسان و اعضا او و آنچه از بیرون آمدن کودک بود باب سیوم در تصرفاتی که انسان کند در اعضای

خود و احوالی که بر و طاری شود و جز آن باب چهارم در دیدن جانوران باب پنجم در آثار علوی و آسمان و ستارگان

باب ششم در دیدن علامات سفلی و بنا و عمارات زمین باب هفتم در دیدن آب و بوستان و میوها و مانند آن

باب هشتم در دیدن معدنیات و آنچه از آن سازند باب نهم در دیدن آلات صناعات و آلات

خانه و عمارات و اسباب حرب و ملاهی باب دهم در دیدن طعام و شراب و عطر و لباس باب اول

در دیدن تجلی و نور ایزدی و روحانیان و انبیا و اولیا و امرا و سلاطین و آنچه و شیاطین و قیامت و حساب

و کتاب و بهشت و دوزخ و مانند آن اگر کسی چنین بیند در خواب که نور حق تعالی برو تجلی کرد احوال او

در دین و دنیا نیکو شود و در آن موضع که این خواب دیده باشد عدل و انصاف و فراخی نعمت پدید آید

و اگر بیند که حق تعالی از و حساب میطلبد بدو شادی رسد و اگر مفلس بود توانگر گردد و اگر توانگر است زیان

مالی شود و اگر مسافر باشد بخوشدلی و سلامت بخانه باز آید چنانکه فرموده اند فسوف یحاسب حسابا

و ینقلب الی اهله مسرورا و اگر بیند که بحق تعالی مناجات میکند نام او در دین و دنیا بزرگ شود و پیش

ملوک و سلاطین تقرب کرد قال الله تعالی و قربناه نجیا و قال النبی علیه السلام خیر ما یری احدکم فی النوم

ان بری ربوه بنیه ادبرنی ابوالمسلمین واگر بیند که حق تعالی بر وی غضب کرفت وازوی اعراض کرد اورا

ناد توبه باید کرد تا ازان قوم نباشد که حق تعالی در صفت ایشان فرمود اولیک لاخلاق لهم فی الاخرة

ولا یکلمهم الله ولا ینظر الیهم یوم القیمة ولا یز ورنجهای در دبد ربا باید جست اگر ملکان همچو جبرئیل ومیکائیل واسرافیل

وعزرائیل صلوات الله علیهم را در خواب بیند که ایشان در شادی وامن ونیکویی اند در دین ودنیا نشود ومرتبت

یابد وطریق علوم حقیقت بروی کشاده شود واز آفات وفتن ایمن باشد واگر بیمار شود شفا یابد واگر در ترس وانده

وغم ایشان را بیند از شرف ومنزلت بیرون آید ومفلس کردد واگر بیند که با یکی از ایشان جنگ ودشمنی

میکند خصوصا با عزرائیل ویا با میکائیل اجلش نزدیک رسیده باشد توبه باید کرد وبا حق رجوع باید نمود

وحکم عامه فرشتکان برین قیاس باید کرد واگر بیند که با فرشتکان می پرد در دنیا شرف وکرامت

یابد وسعادت وشهادت نصیب او کردد واگر در شهری یا دهی یا محلتی بیند که فرشتکان جمع

شده اند عالمی یا عابدی ازانجا درگذرد ویا کسی را بظلم هلاک کنند واگر فرشتکان را بصورت زنان بیند

در دین مسلمانی دروغی کوید وبر مسلمانی افترا بندد واگر بیند که فرشتکان از جوانب در سرای می آیند

خانه را از دزدان نگاه باید داشت واگر زبانیه را در خواب بیند از عوان واهل شر احتیاط باید کرد که

بدو آفتی رسد واگر یکی از انبیا واولیا را در خواب بیند تعبیر مجمل آنست که اگر او را در حالتی نیکو وبا جمال وکمال

وشکلی پسندیده بیند دلالت کند بر نیکویی حالت بود ویافتن شرف جاه ومنزلت واگر ترش

روی وخشمناک بیند تعبیر بر خلاف باشد ومعلوم باید کرد که حال نبی ویا ولی در حالت حیات چگونه بوده اورا

اگر آن رنج رسد و عاقبت کار او بعاقبت انجامد و بر خصمان ظفر یابد و اگر محمد رسول الله علیه وسلم را
بخواب بیند در حال نیکو و لباس خاص و جمال کمال اگر در رنجی باشد خلاص یابد و اگر درویش باشد توانگر گردد
و در آن زمین خصب و فراخی نعمت پدید آید و حج گذارد و اگر متغیر لون ببیند و رنجور و دلتنگ بیند
در آن ولایت در دین و شریعت ضعیفی پدید آید و دل آنحضرت فی الجمله دلالت بر راحت و رحمت
بود عاجلا و آجلا لقوله تعالی و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین و قال علیه السلام من رآنی فقد رآنی فان
الشیطان لا یتمثل بی و دیدن صحابه و بزرگان دین خیر و برکت باشد و راه یافتن در دین و شریعت
و اگر پادشاه را در خواب بیند که در محلی و یا سرائی آید در آن موضع آفت و زیان رسد مگر جائی که آن
او آنجا غریب نباشد چه چنین پسندیده دارند و دلالت بر دولت و نعمت باشد و اگر پادشاه مرده را
در خواب زنده ببیند رسوم آن پادشاه در آن ملک پدید آید و اگر پادشاه را در افزونی گنج و مال
و جاه و حشم بیند افزونی ملک و ولایت او باشد و زیادتی رو نماید نقصان او برین قیاس کنند که در ملک
و ولایت نقصان پدید آید و اگر ببیند که پادشاه بر خوان نشسته است و چیزی میخورد و خوان از
پیش او بر نداشته اند دلیل بر درازی عمر او بود و اگر چیزی از خوردنی بهره یابد دال بر فراخی رزق او بود
و اگر خود را پادشاه بیند و لایق آن نباشد اگر بیمار بود اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیمار نباشد از خویش
و پیوند جدا ماند و اگر خود را با پادشاه بیند آزادی یابد از غم و اندوه و اگر پادشاه او را چیزی بدهد باشد سبب
دهی و آثار و مانند آن از بزرگان مال یابد و یا دهی میراث رسد و اگر جامه و امثال آن چیزی بدهد نیک سلاح

وتقوی نشمن کارد و فسق و فجور بکذارد و باقی چیزها را برهمین قیاس کنند دیدن دیو در خواب ان

شیخ صورتی که در دیدن فرشته نگاشته یاد کرده شده اگر دشمن بصورت دیو بیند و یا برعکس آن

دیو را بصورت دشمن بیند پس تعبیر آنست که از مکر و حیله دشمن فریب خورد که دران زیان جانی و مالی باشد

اگر بیند که شیطان او را بفریفت از مال و یا از ولایت خود جدا ماند قال الله تعالی یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان

کما اخرج ابویکم من الجنة اگر بیند که بر شیطان قهر کرد و بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که کسی در بهشت است و میوه‌ها

او را میخورد و انکس عالم گردد و از علوم برخورداری یابد و در دنیا و آخرت مکرم باشد و اگر کسی خود را در دوزخ

بیند و خود متدین است از جمله معاصی باز ماند و اگر از متصرفان دنیا باشد سفر کند و اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر کسی

بیند که از دوزخ بیرون می آید دلیل بر دینداری و پرهیزگاری او بود یا از باز آمدن از سفر و اگر بیند

که در دوزخ برنج گرفتار است تعبیر آن شدت و مشقت دنیاست که در محنت دنیا گرفتار شود اگر قیامت را

در خواب بیند دلالت بر عدالت پادشاه است دران شهر و ولایت و تعبیر علامت قیامت نیز همین است

همانند نفخ صور و تابش آفتاب و جز آن اگر بیند که او را بی تشدید و مناقشه حساب میکنند دلیل بر یافتن

مقصود او بود از دین و دنیا و اگر دران تشدید کنند دال بر عسر و توقف مراد باشد اگر بیند که فرشتگان

او را کشاله میکنند با کسی جنگ و خصومت واقعه شود و یا از سرهنگان آزار رسد والله اعلم بالصواب

اگر بیند که کودک خورد او را گرفته است اگر معروف باشد دلالت

بر شدت درد که مدبر ملک و یا مانند کاری بزرگ کرد اما اگر کودک مجهول بود اندیشه و غم دشمن ضعیف باشد

واگر مرد بزرگ کودکی را ببیند نابالغ که با وی بازی میکند کاری از و حاصل شود که سبب ملامت
گردد و ابن سیرین گفت که بیننده اگر مفلس باشد یا درویش بنعمت و راحت رسد و اگر توانگر باشد کسی
مال او تسلط کرده و اگر مفسدی در خواب بیند که از مادر در وجود می آید از گناه توبه کند و اگر [illegible]
خواب بیند راحت و نعمت یابد و در آن سال خصب و ارزانی شود و اگر کودک بحد بلوغ رسیده بیند
نیکویی حال و زیادتی جاه و مال شود و جالینوس گفته که کودک امرد دلیل اندیشه و رنج باشد و اگر بیند
که کودک امرد لقمه در دهن آدمی انداز داندوهی باو رسد صدقه باید داد تا از غم خلاص یابد دیدن کنیزک
و غلام و خریدن دلیل یافتن مقصود باشد اگر غلامی امرد نابالغ خود را در خواب بیند که بالغ شده از بهشت
آزادی یابد مرد جوان مجهول را در خواب بیند دلیل دشمن است اگر جوانی را بیند که با او ستیزه میکند با دشمن جدال
واقع شود دیدن زن جوان با جمال دال بر نعمت و شادی باشد و زن بکر دلالت است بر سود تجارت
و بهره از صناعت دیدن مرد کهل و پیر دلیل از بخت است و دوست مشفق اگر ببیند
که پیری او را در کنار گرفت از پادشاه از صاحب جاه و مال نعمت یابد و اگر جوانی بخواب ببیند پیر شده
حرمت و علم او زیاده شود و عاقبت او محمود بود و اگر مرد پیر خود را جوان و باطرف ببیند و با جمال
و طراوت سیادت و بهتری یابد و عیش او تازه شود و اگر مرد شکری بیند موی سیاه او سفید
شده مخدوم او برو متغیر گردد دیدن زن پیر دنیا باشد و اگر او را به هیئت نیکو و طراوت ببیند
کار او بنظام بود و اگر بهیئت زشت بیند در معاش و معیشت زحمت کشد مرد پیر دلیل صاحب تدبیر

باشد و ابن سیرین تعبیر آن مکر و حیله کرده اگر بیند که مرد بر بالای او تکلم میکند از دشمن فریب خورد که نوع حیب

ابلیس نزدیک باشد و اگر او را صاحب بیند او کاری اندیشه مند گردد برازمرد خطیر باشد اگر بیند که جامه مغفر

اقتضای خصوصیتی کند صراف شناسنده کارهای نیک و بد بود و اگر بیند که درم نقره پیش

صراف برده و از و طلب درم رایج کرده و او گرفت و بدله او درم رایج داد جمله کار او نیک شود و اگر

درم نقره نگرفت و باز گردانید جمیع کار او ابتر گردد صیاد مردی باشد که روزی بمکر و حیله بدست آرد

آهنگر مردی مجهول با قوت بود قصاب مجهول ملک الموت باشد دلال راه نماینده بود در کارها همچنین

بنسبت هر صنعت تعبیر خواب توان نمود دیدن سر آدمی رئیس و مقدم و مخدوم باشد اگر بیند

سر او از و جدا شد از مخدوم جدا ماند و اگر بیند که سر او بزرگ شد بزرگی و جاه و توانگری یابد و اگر بیند

که سر کوچک شد از مرتبه بیفتد و اگر سر خود را همچو سر نهنگ بیند یا همچو سر سبعی یا مرغی بیند تعبیر آن بدان

نوع از حیوانات کند و در قوت ضعف و ترد و طیران و مانند آن اگر بیند که مردم در پیش او میروند و با

دهقانان بدو تقرب جویند و اگر بیند که از آن سر میخورد منفعت یابد و اگر توانگر باشد خویشان او

با او خصمی کنند و اگر بیند که بر سر او چراغ نهاده اند علم و دانش او زیاده گردد که مردم از فیض او بهره برند

و اگر بیند که بر سر او پاست کاری باید که تعهد او بکند و غم او بخورد و اگر بیند که روغن بر سر دارد چون

باندازه بود کار او زینت گردد و اگر بسیار بود اندیشه و غم بدو آید و اگر بیند که سر او شکافته شد از بزرگی

دستار و خلعت یابد و اگر بیند که بر سر او مرغی نشسته است جاه و عهده یابد و مرتبه رسد افزونی و دراز

موی جوانان و زنان و بشکر یابند دلیل افزونی مال و درازی عمر و ... بود و کم ...

و مهشته خاطر باشد اگر بیند که بعضی موی آدمی ریزند چنان که عیبی ظاهر شود اگر وام دارد بگذارد و اگر ...

و غمی باشد فرح یابد و اگر در میان موهای سیاه سفید بیند فرزند مقبل شود و اگر زن بود شاید که از شوهر

اندیشه و رنج بیند اگر بیند که موی آدمی تراشند امانت بگذارد و اگر بیند که مفلس گشته و موی او تراشیدند

تونگر گردد و از قرض خلاص گردد و اگر بیند که بدست خود سر خود می تراشد پرده او دریده شود و از مخدوم جدا

ماند و اگر ماه در حرام بیند کفارت او گردد و اگر بیند که سر مردی مجهول می تراشند آن شخص از رنج و درد و محنت

و مشقت خلاصی یابد و شادی بیند و اگر بیند که سر مردی معروف می تراشند از غم برهد و اگر بیند که نیمی

سر تراشیده اند و نیمی گذاشته از برزگی خجالت بیند کوتاه کردن موی تونگر را دال بر پراکنده شدن

مال بود و حاکم را پراکنده شدن جاه و جلال و اتباع و اشیا و متوسطان را ایمنی از آن چه ترسند و کسی را

که عادت تراشیدن موی بود صلاح با مراد باشد و اگر زنی موی خود را گیسو گشاده بیند اگر شوهر بش

غایب بود باز آید و اگر شوهر ندارد شوهر یابد و اگر بیند که موی می تراشد شوی او طلاق دهد و اگر تراشنده

شوهر باشد یا طلاق دهد یا تا آخر عمر در خانه شوهر باشد و اگر کسی موی زن خود را بریده بیند آن زن دیگر

نزاید و عقیمه گردد و اگر بیند که زن جعد خود بافته و در پس گذاشته زنی دیگر در پس او آید طره مرد از زن باشد

و زن را مال و جمال و اگر طره مرد را بریده بیند با زن سازگاری نیابد و اگر طره زن بریده بیند در مال

و جمال نقصان پدید آید کردن جای امانت و دیانت باشد و زیاده و نقصان از زیادتی و نقصان در ...

اگر بیند طوقی در گردن بیند زشت باشد حقی در گردن او باشد و اگر طوق زر در گردن عورت بیند
در غم و اندوه افتد و اگر در گردن خود بیند شادی پیش آید و اگر بیند که زن پیوسته در گردن و اندا
اگر دهقان باشد توانگر گردد و اگر زنی جوان دست در گردن او اندازد بکار دنیا افتد که فرصت نباشد
اگر روی و یا پیشانی و یا ابروی کسی خوب و بزرگ بیند دلیل جاه و قدر و نیکوئی حال و صحت آن باشد و اگر زشت
و ناقص بیند بر خلاف آن باشد و اگر بر روی غبار بیند دال بر کفر و فساد باشد اگر بیند که از پیشانی
او خوی بر آمده است فرزندی باشد که متولد شود و اگر بیند که از موی پیشانی او بر آمده مال یابد و اگر بیند
که پیشانی او بشکست زیان مال او شود و اگر بیند که ابروی ریزند حرمت او فوت شود و ابرو مخلوق گردن
در خواب سبب مذلت و خواری باشد چشم دین و نصرت بود و عبارت از علم و مال و فرزند و برادر باشد
اگر کسی بیند که چشمی در دست دارد مال نقد یابد و تاریکی چشم دلیل بی روشنی بود در دین و دنیا یا پدر
فرزند و محبوب و درد چشم را نابینائی دلیل خلاصی بود از سختی و کسی عزم سفر باشد اگر خود را نابینا بیند
از سفر ترک باید کرد اگر برود باز نیاید و اگر خود را یک چشم زیاده بیند و در سفر باشد راه گم کند و اگر مقیم باشد
در نگهداشت مال احتیاط بیشتر باید کرد که خوف تلف است و اگر مکری اندیشد کسی بران مطلع شود
اگر بیند که چشم من بر آمده است فرزند او بمیرد و اگر بیند که چشم آهو بر آورده است بر دشمن فتح یابد و
اگر بیند که دو چشم او چهار شد بعلم و دانش افزاید و اگر بیند که سرمه در چشم میکشد در کار دین نکو شد
مردم چشم مردم عزیز و محترم گردد و اگر بیند که کسی چشم او بسته است درد چشم پدید آید اگر بیند

کہ چشم او گشاده و یکی بسته از فرزند یا از محبوب جدا افتد و اگر بیند که در چشم او کحل
کردد فرزندش بیمار شود و اگر بیند که چشم را از کف میپوشد علمی که خوانده است فراموشش شود و اگر
بیند که چشمش بدرد آمده در مال نقصان افتد و اگر سرمه در دست بیند مال یابد ملک چشم و مژه اگر نیک بیند
مال و دین و فرزند معتمد باشد و اگر ناقص بیند همین قیاس عکس باید نمود و اگر بیند که موی مژه بر بخیت در مال
زیان رسد و فرزندی اعتماد کرد و اگر بیند ملک و اماس گرفته و گران شده دین او محکم و استوار شود
و بسیده متدین گردد و اگر بیند که ملک چشم او سرخ گشته از مال بهره و خیر یابد بینی دلیل بر جاه و
مال و فرزند بود و اگر بیند که بینی که در آن گفته و زیاده شد مال و جاه و عمر او زیاده شود و اگر کسی بیند
که بینی او ناقص و کم شد در مال و جاه و عمر نقصان شود و اگر بیند که بینی او بریده شد در جاه و آبروی او
نقصان پدید آید و خواری بیند و عزت خوب شود و یا فرزندان او را آسیبی رسد و اگر کسی بیند
که او را دو بینی است میان او و فرزندان او خلاف افتد اگر بیند که بینی او را کسی شکاف کرده عزت
او فوت شود و اگر بیند که بینی او اماس گرفته در مال و جاه او زیادتی شود و اگر کسی بیند که بوی خوش
می شنود امید فرزندی دارد و فرزند شایسته آید و اگر بوی ناخوش شنود فرزند ناخوش زاید
و اگر کسی بیند که در مقام مرتبه میکذرد و قدر و کندگی بسیار است و بینی خود با انگشت بپوشد
از دنیا و دولت آید اما بسیار نماید و اگر بینی خود را بپوشد و کراهت مکند و بر بماند دهان کلید
نامهای و محل گشاده شدن خروسته است اگر بیند که چیزی در دهان رفت روزی یابد تشخص باید

[...] زبان رفته • از سبب نعمت بسیار رسد اگر بیند که دهان او از لقمه پر شد اگر

لقمه شیرین است فرج و منحتی بیند و اگر لقمه ترش و تلخ است شادی و راحت بیند و اگر لقمه مالح است

حسن لب بیند خرمی یابد لب دلیل است بر یار و دوست و معتمد و زن و فرزند و خویش نزدیک و صلاح

و فساد آن بدین جماعت باز گردد آورده اند که هارون رشید در خواب دید که لب زیرین او

ماری سیاه به دندان گرفته و هر چند او میکند از دندان او جدا نمی شد از هیبت آن بیدار شد بامداد

تعبیر آن از امام جعفر صادق رضی الله عنه پرسید ایشان گفتند که فرزند ترا آفتی رسد اما از آن نستاند

خلاص شود روز سیوم پسر او مامون مست بود و بر اسپ سوار شد و از اسپ بیفتاد و روی او

خراشیده شد و بازوی او بشکست اگر بیند که لب او بریده شده از دوست و محبوب باز ماند

و یا میان شوی خصومت پدید آید زبان ترجمان دلست و تدبیر کنند صلاح و فساد اگر بیند که

سخن بسیار میگوید متعهد کارهای بزرگ گردد که زبان خویش را بر لب آورده و می لیسید بسیار

سخن گوید و کاری که کند حسرت و ندامت پیش آید و اگر زبان را بچیزی بسته بیند تا از دهان بیرون

افتاده دلالت بر رنج و آفت است اگر بیند که بر زبان او موی بر آمد نیز رنج و آفت بیند که زبان او

از قفا بر آمده خوف و حرمت آبروی باشد صدقه باید داد و اگر بیند که زبان او بریده از قرابت آزار آید

و اگر بیند که زبان او واماسیده است از دوست رنجش پدید آید اگر بیند که بعضوی دیگر سخن میگوید

سخن بسی را باشد که آن عضو بدو منسوب است و اگر بیند که ملازه فرو آمده است چنانکه حلق او فرو

میکرد دلیل نفقه بود یا قرب اجل او و دیدان دلیل باشد بر اهل بیت بیننده و اگر بیند دهان [illegible] تردد

افتد چنان دیدان دو زیر و دو زبر که آن را ثنایا خوانند دندان و برادران و خواهران باشند

و رباعیات که تنها پیوسته اند عم و خال اند و انیاب که رباعیات پیوسته اند مهتران قبیله اند

بعین قرابت مادر است و این سرین و بعضی معبران گفته اند که جانب چپ بخویشان مادر نسبت نماید

و اگر بیند در اهل بیت نباشد بر دوستان و متعلقان و نزدیکان که بدان منزلت باشند تواند

بود و عنایة نشان دندانی عنایت شدن آن کس باشد که آن دندان بدو منسوب است و افتادن

بدر و رنج اگر بیند کسی که دندانی را بآسانی بدست خویش بیرون آورد تعبیر آن فرزندی باشد

یا برادری یا مالی و منفعتی و هر خلل که در دندان بیند خللی باشد در آنها که بآنها منسوب آید و نیکویی

و روشنی دندان نیز همچنان اگر بیند که دندانهای بقیاد دلیل باشد بر درازی بیننده و تفاوت

در آن شخص که آن دندان بدو منسوب است و اختلاف پدید آید میان صاحب دندان و بیننده

اگر بیند که دندان خویش بدست می کند مال برادر خود خرج کند یا قطع رحم کنند از آنهاان که

آن دندان بدان منسوبست اگر بیند که دندان از زر است دلیل بیماری و گفت و گوی بود اگر

بیند که دندان از زر و یا از نقره و یا از صدف است و مانند آن دال بر زیان و متصرف مال بود

و اگر از قوت آبگینه و موم بیند دلیل بر وفات او بود که شبی عایشه رضی الله عنها در خواب

دید که دندانهای پیش او از صدف رسته است و گوشت خام بدان دندان گرفته است [illegible]

[illegible] از گوشت غنیمت بیند در ان روزگردان پاره دندان بدر آید و ران اثنا بیدار شد بخدمت حضرت

رسالت پناه علیه صلوات الله عرض کرد که همان زمان چنین خوابی دیدم ان سرور فرمود که فرزند

که با کو آمد رنج رسد و مال نداری که تلف کرد احتمال دارد که دندان مرا آسیبی رسد بعد از دوازده روز دندان

مبارک انحضرت شهید شد اگر بیند که دندان من از کل بر آمده و باز شکسته دلیل است بر آنکه زر کی

زر یابد و ابن گفته سیرین گفته که نقصان جاه و مال باشد و اگر زن بیند که دندان من شکسته

شوهر را زخم رسد و اگر بیند که دندان من سیاه شد شوهر او را درد دندان پدید آید گوش زن باشد

و دختر اگر بیند   از و جدا شده دخترش بمیرد و یا زن را طلاق دهد و اگر بیند پاک میکند گوش

خبرهای بشنود و اگر گوش خویش کر بیند نقصان علم و دین بود و اگر بیند که مورچه در گوش میرود دلیل مردن

باشد و اگر در گوش حلقه زر یا نقره و مانند آن بیند از امرا و ملوک جاه و بزرگی یابد و زن خادم مطیع او شود

و اگر هر دو گوشهای خود را شکافته یا سوراخ کرده بیند در دین و دیانت او نقصان پدید آید و اگر گوش

خویش را چون گوش سباع و بهایم بیند اخبار غیب بشنود بر وفق طبع بهایم و اگر بیند که گوش درد میکند

رنج و زحمت یابد و اگر زن حامله باشد دختر زاید زنخ مهتر قبیله باشد که همگنان رجوع با او کنند اگر بیند

که زنخ او شکست مهتر قبیله را بیماری پیش آید و اگر زنخ را املس بیند مهتر قبیله جاه و بزرگی یابد و اگر بیند

که موی بر زنخ او رسته در عالم دین کامل و راسخ شود ریش بزرگی زن و دختر باشد و ابن سیرین گفته

که ریش عز و جاه و نعمت بود و چون از ناف بگذرد تبر او دام و اندیشه باشد نقصان جاه و [illegible] الا

اگر نقصان جمیع باشد که بیند از وام و اندیشه فارغ شود و کندن ریش اسراف باشد و جعفر

نجس بیند و ضایع خرج کردن مال بود و پشیمانی از کار و اگر زنی خویشتن را با ریش بیند اگر شوهرش

غایب باشد باز آید و اگر حاضر بود غایب شود و اگر بیوه بود شوهر کند و اگر آبستن بود پسر آید و اگر

دهد ... بهتری در رشد بهتر قبیله گردد و اگر کسی بیند که ریش خویش بدست خود میکند با زن جنگ کند

و اگر زنش حامله بود دختر زاید و اگر بیند که ریش سپید مخیری میکند جاه و ابروی او کم گردد و اگر بیند که ریش را

شانه میکند کدخدای دختر شود و اگر دختر باشد افزونی جاه و نعمت باشد و اگر بیند که ریش را

تنور ... میکند با قصر میسازد نقصان مال و جاه و جلال بود و اگر کودک نابالغ خویشتن را با ریش بیند پیش

بمیرد و اگر بعد از بلوغ بیند سبب خود کدا شود و اگر بیند که موی ریش خود را از موچینه میکند از زن

و محبوب جدای افتد خضاب نمودن اگر بچیزی بود که معهود باشد چون حنا و مانند آن بیند

تجمل و زینت شود و اگر بچیزی نامعهود بیند همچو گل و گچ تجمل پوشیدن میسر نشود سفیدی ریش جاه

و عزت و وقار باشد و سیاهی نشان عز و جمال و موی انبوهی ریش توانگر را زیادتی مال باشد

و درویش را زیادتی وام بازوی راست برادر و فرزند و معتمد باشد و بازوی چپ خواهر و دختر

و زن باشد اگر بیند که بازوی راست من بشکست یا زخم رسید دلیل بیماری فرزند و برادر

باشد و یا خوف موت ایشان باشد و اگر بیند که بازوی با کسی بسته تعطیل کاری و شغلی بود

... این تعبیر گفته و جالینوس که برادر یا فرزند یا فرزند درد مند و بازوی چپ همین ...

... بیند ساعد دوست شریک و خویش و نزدیک باشد اگر مردی زن مجهول را ساعد برهنه

بیند دنیا بسیار شود چه در خبر است که رسول علیه السلام در شب معراج زنی را که هر دو ساعد او برهنه

بود دید از مهتر جبرئیل پرسید که این کیست مهتر جبرئیل گفت این دنیاست و اگر زنی ساعد خود را

در یاره بیند اگر بیوه است و اگر شوهر دارد مال و نعمت یابد دست برادر باشد ... یا یاران را

و زیادتی دران زیادتی معاونت باشد از جماعت و قطع آن دلیل گناه و معصیت باشد یا آن

باد دست از معصیت برداشتن یا سوگند بدروغ خوردن اگر بیند که دست او بسته اند بیکار شود

بکار دین باد نیا و اگر خشک یا بسته شده بیند یاران او را گذارند و اگر بیند که دست راستش خضاب کرد

خونی کند و اگر بیند که هر دو دست را خضاب کرد در طلب معیشت رنج کشد و زنان را خضاب

از حنا و غیره نیک بود و نقش در دست مردان حیله و دشمن کامی بود و بر دست زنان زینت خانه

اگر بیند که دست بسیار شد کارهای نیکو کند و اگر بیند که دست اماس کرده کاری بزرگ یابد

و اگر بیند که دستش از بند جدا شده موجب موت برادر یا جدای زن بود و اگر بیند که او را چهار دست

پیدا شده اگر بیننده مصلح است کارهای او نیکو شود و اگر مفسد باشد در فتنه افتد و ابن سیرین گفته

که اگر یک زن دارد زن دیگر کند و اگر دو زن دارد دو زن دیگر کند انگشتان فرزندان و برادران

یا دوست مشفق باشد اگر انگشتان درهم افکنده بیند بنگدستی دست دهد یا اندیشه گرفتار بیند

و موافق انگشتان موافقت دوستان بود در دفع بلا و انگشتان دست راست ...

ابهام تمام باید و دو سبابه تمام نشستن و همچنین بترتیب تا تمام خنصر و کاسته شدن انگشتان همه ... باشد و اهل قلم را و اهل عطله و بیکاری بود و زیادتی انگشت از معهود عوایق و موانع باشد اگر بیند که انگشتان دست راست خمیده اند خادم از خدمت سر بپیچد اما سر انگشتان دال بر بیماری فرزندان ... انگشتان جدا و زیادتی مال و نعمت ناخن اگر باندازه ببیند قوت باشد و اگر دراز و قوی باشد ... بر خصمان به حجت و قوت نصرت یابد و افراط دران خلل کار بود و اگر ناخن خود را چیده بیند در سنت تقصیر کند و اگر شکسته بیند در طلب مقصود خللی پدید آید و اگر ناخن بر را بیند که ناخن بریده و ابهام با خنصر را گذاشت ... اگر در همه راست است در جنگ دشمن قوی از دست او برهد و اگر دست چپ است از فرزند و زن مفارقت ... بیند سینه اگر فراخ بیند دلیل جوانمردی بود و اگر تنگ بیند دلیل گمراهی با بخل بقوله تعالی و من یرد الله ان یضله یجعل صدره ضیقا حرجا اگر بیند که در سینه موی رسته است دلیل اندوه و غم بود و اگر بیند که موی سینه می‌کنند دلیل شادی بود و اگر بیند که از ناخن از سینه موی میخ اشد و با از دست میگوید دلیل است بر آنکه از کار و مشکل بیرون آید و اگر محبوس باشد خلاص یابد پستان زن باشد و دختر اگر بیند که پستان من دراز شد ندزن او در مال و جاه دنیوی افزون شود و اگر بیند که از پستان شیر می برآورد اگر مرد باشد زن کند و اگر زن بود شوهر دار باشد حامله شود و اگر حامله باشد دختر زاید و اما پستان دال بر ... نعمت و مال باشد و اگر زن بهم پستان خود را در دهان گرفته بلکه از شوهر متمتع یابد و شوهر او را ... پستان بینا ... شکم فرزند و مال و قبیله بود و تهی شدن شکم از معاد جدا ماندن از او با باشد ...

... دنیا بود و تشنگی خلل در دین اگر بیند که شکم او را چاک کرده و امعاء برآورده باشد

بیند ترک دنیا گیرد و اگر بیند که شکم او کلان شده از بزرگی نعمت و مال یابد و اگر بیند

که شکم او سوراخ و باریک شده و آب اندک اندک از آن میریزد در دین نقصان و رخنه افتد و یا مال را

فرزندان برند و اگر بیند که شکم با پشت یکسان شده از قبیله رنج یابد جگر فرزند باشد و اگر بیند

که جگر پاره شده خوف موت فرزند باشد و اگر بیند که جگر درد میکند در کاری افتد که رنج و

مشقت بسیار بیند سوزش سبب درد و بیماری فرزندان بود معده خدمتکار معتمد بود

اگر بیند که معده من چاک شد از خدمتکاران رنج و غم رسد و اگر بیند که معده من از طعام و شراب

پر شد از خدمتکاران راحت یابد و دیدن درد معده رنجیدن است از خدمتکاران اما سستی معده راحت

یافتن از خدمتکاران و خشنود شدن از ایشان است ریه برادران باشد اگر بیند که ریه من درد میکند

دلیل بر بیماری برادران باشد و اگر بیند که از ریه خون جاری شد از برادران مال و نعمت یابد و اگر

بیند که ریه من از سینه بدر آمده باعث کدخدایی برادران باشد اگر بیند که پهلوی درد میکند

زن او بیمار گردد و اگر بیند که پهلو شکست در میان زن و شوهر مخالفت پدید آید و اگر بیند پهلوها با

مردی می ساید میان او و دشمنان مخاصمت افتد احشا مال مدفون و متاع خانه بود اگر بیند

که احشا او برآورده اند دزدان در خانه او نقب زنند و مال و اموال برند طحال تدبیر کننده

... ها باشد اگر بیند که طحال او برآورده اند از عملداری معزول شود اگر بیند که از طحال او کباب میسازند

دیوانی و کارفرمای و میر دنیت کسی بود که استظهار بدو باشد و بهر کسی که اعتماد بود

که پشت او خم شد فکر و اندوه پدید آید و اگر بیند پشت او بشکست بر کسی که اعتماد دارد و میرد

نا امید گردد و اگر بیند که پشت بر دیوار کرده از کاری نو امید گردد و پشت بر ستون نهاد

و استواری مهمی که در پیش آید و اگر بیند که پشت راست و درست شده است شادی بیند

و از اندوه خلاصی یابد کمر رسول و میانجی باشد اگر بیند که کمر او شکست غمگین و اندوه ناک گردد و اگر

رسول و قاصدی فرستاده باشد با آنها بلا و آفت رسد نقلست که زنی نزد امیر المومنین عمر خطاب

رضی الله عنه آمد و گفت یا عمر دوش خوابی دیده ام که گویا کمر من بشکسته عمر رضی الله عنه آمد و گفت

پرسید که شوهر داری گفت دارم گفتند حاضر است یا غایب گفت غایب گفتند خبر موت او

زن دلگیر شده بازگشت در اثناء راه علی کرم الله وجهه وا خوردند گفتند یا عورت بکجا رفته بودی

گفت پیش عمر که دوش خوابی دیده بودم از ایشان تعبیر آن پرسیدم گفتند که خبر موت شوهر

بیاید علی کرم الله فرمودند که تعبیر راست است اما احتمال دارد که شوهر تو بیاید بیمار بعد از سه روز شوهر او بیمار

رسید و آن زن شاد و خورم پیش عمر آمد و ماجرا بگفت عمر گفت برو و در خانه خبر بگیر چون زن

مراجعت نمود شوهر را مرده یافت اگر بیند که کمر او درد میکند در کاری و خدمتی که دارد تعطیل شود

و اگر بیند که کمر او از جای نمی جنبد و نمی خیزد از رسول و قاصد خبر بد یابد ناف خزانه و دفینه باشد

اگر بیند که مغاک ناف پر گشت خزینه او آبادان شود و تهی بودن مغاک ناف موجب نقصان خزینه

۱۵

[illegible] بیند که ناف او بچیده [illegible] و کاری که صعب است باو متعرض گردد که تلافی آن مشکل باشد

قضیب شرف مرد باشد و افزونی که در آن باشد شرف آن مرد بود و نقصان بضد آن اگر بیند

که ذکر او بزرگ یا بسیار شد فرزندان او بسیار شوند و اگر ذکر خود را بریده بیند فرزندی را وفات رسد

یا از عمل معزول شود یا نقصان جاه و شرف بود و اگر بیند که ذکر او سطبر شد افزونی جاه و مال

باشد و لاغری و نزاری ذکر موجب نقصان شرف و دولت باشد و اگر زنی بیند که او ذکر پیدا

شده آبستن شود و اگر آبستن باشد پسری زاید و آن پسر مهتری یابد و اگر حامله نباشد

نزدیک بعضی مهتر گردد و بعضی گویند که ذکر او اماس گرفته دلیل است بر افزونی جاه و مرتبه و کاری بزرگ

یابد خصیه دختر باشد یا زیادتی قوت اگر خایه خود را بزرگ و فربه بیند از مردم رنج رسد و اگر

خایه را دراز و فربه بیند قوت او در شهوت افزاید و اماس خایه دال بر کم شدن اندوه و ملال باشد

فرج بخواب دیدن اندوه و غم بود و اگر مردی بجای ذکر خود فرج بیند در کار خود ضعیف گردد و اگر

با ذکر فرج بیند از همه غمها فرج یابد و اگر بیند که گرد فرج موی میکند اگر مرد باشد از اندوه و

آفات نجات یابد و اگر زن بود از شوی اندوه و رنج رسد و اگر شوهر نبود و حامله باشد و اگر حامله

باشد دختر زاید و اگر زنی بیند که راه فرج او مسدود شد اگر شوهر دارد دیار دور گردد و اگر بیوه باشد

غم شوهر افتد اماس فرج موجب شادی آن زنست که شادی شود موی زهار چون اندک

بود مال حلال و چون بسیار بود مال حرام و میانه تعبیر از خویشان باشد اگر بیند که موی زهار [illegible]

اگر اندک باشد مال حلال آید واگر دراز و بسیار است مال حرام گرد آید واگر میانه است

بسیار جمع آید واگر بیند که موی زهار میکند از خوبی آن جدای افتد و بر بدن وحلق کردن

زهار دال بر نقصان مال است زانو و ران عبارت از طلب معیشت است و زیادتی قدرت

اگر زانو را استوار بیند از معیشت بهره یابد و دولت بسیار بدست آید واگر ضعیف و سست

بیند در معیشت ضعیف پدید آید واگر زنی بیند که ران او کشاده است متهم گردد بفساد

واگر مرد بیند که ران او آماس کرده زن دیگر کند و دو بدن درد زانو دلیل بر ضعف معیشت است

کما ذکر ان ابو معشر وابن سیرین که تعبیر بر عمر نموده اند اگر دراز و قوی بیند عمر او دراز شود

ساق عمر و معیشت بود هر چند او را قوی تر و دراز تر بیند عمر دراز شود و معیشت ساخته تر

و ضعیف و خلل بضد آن اگر بیند که ساق او شکست در عمر و معیشت نقصان پدید آید

کعب فرزندی مقام بود اگر کعب خود را افتاده و شکسته بیند در رنج و مصیبت افتد اگر بیند

که کعب او شتالنگ جدا شده بیند فرزندان او جدا افتند و آماس کعب دلیل باشد بر بیراهی فرزند

قدم زینت و مال و معتمد او باشد در کارها اگر بیند که قدم او شکست زینت و آرایش او

دور شود و کس معتمد او از وی جدا شود واگر بیند که قدم او گزگشت در مال و کارها نقصان باشد

انگشتان پای دختران و کنیزان و غلامان باشند اگر بیند که از میان انگشتان یکی نقصان

شد از کنیزکان و غلامان یکی شود و یکی بزیند و بریدن انگشتان جدا شدن دختران باشد لقف

[illegible] و پای بسیار رسد از کسب و مشقت باشد اگر بیند که کف دست بر شد از آب در کسب او فزونی

[illegible] اگر بیند که کعب پای و خال [illegible] شده مسافر شود و موی بر قدم و کف دست و پای

[illegible] حرام باشد و موی ساق همچنین باشد اگر بیند که موی او بر ساق او بسیار است و دام دار

بسیار شود و کندن موی از ساق دادن قرض باشد عروق و اعصاب فراهم ارندگان کارهای

مردمان باشند و تالیف کنندگان مصالح خون مال حرام باشد که اعتماد معیشت برو دارند اگر

بیند که خون کشد مال خرج شود و اگر بیند که خون بسیار در عروق و اعصاب او پدید آمد مال

بسیار جمع شود و اگر بیند که در خون مستغلطد در میان نعمت افتد و اگر بر جامه خود خون بیند

ونداند که از کجاست برو دروغی کنند و افترا بندد و اگر بیند که خون کسی میخورد مال حرام یابد و گناهی

باز ایستد ریم همین حکم دارد اگر بیند که ریم از بینی او بر آمده است خرج بسیار کرده اند با کاری

متعرض گردد که در و مال بسیار خرج شود استخوان مال حلال باشد اگر بیند که استخوان او شکست

و خون از وی جاری شد مال او بر کاری نیک خرج شود و گوشت آدمی مال حرام باشد اگر کسی بیند

که کسی گوشت کسی میخورد آنکس را غیبت کند اگر بیند که گوشت از اعضای مردی می دید زخم

بدان کس رسد که آن اعضای بدو مخصوص باشد منی مال نقد باشد اگر بیند که منی کسی در خانه او بیهمالید

از جایی مال یابد اگر بیند که عورتی منی را دست آدمی مالد اگر مفلس باشد غنی گردد و اگر توانگر باشد مال و جاه

[illegible] منی بران مالیدن حامله شدن عورت باشد اگر مرد بیند که بر ران من منی مالیده اند اگر زن

او حامله باشد دختر زاید و اگر آن مرد مجرد باشد زن کند حیض دال است بر گناه اگر زنی خویشتن را

حایض بیند و حایض نباشد گناهی کند و اگر بیند که [illegible] از گناه [illegible] و اگر بیند

شده باشد از حیض و خود را حایض بیند فرزندی زاید و شادی بیند و اگر مرد خود را حایض بیند

با محرمی زنا کند و اگر بیند که جامه او از حیض آلوده باشد از تهمت متهم گردد و اگر بیند که خون حیض

از جامه می شوید از گناه توبه میکند غایط مال باشد منسوب بحرام و غایط کردن از غم جدا شدن بود اگر

در جامه غایط کند بر زن خشم کند و مهر او بدهد ثیاب اگر کسی در جامه بول کند یا بستر خواب

متعرض خشم گردد و با کسی بستیزد و اگر بیند که در برابر مردم بول و غایط میکند متعرض خشم خدا

گردد اگر بیند در خلا جا در آمده و هر جانب او غایط [illegible] و دامن او از غایط آلوده گردد اگر فقیر

باشد غنی شود و مال یابد و اگر توانگر بود در مال افزایش شود و ابن سیرین گفته که آلودگی غایط

بهر طریق یافتن دولت و مال است حدث جمیع حیوانات دال بر مال بود اگر بیند که از گلگی [illegible] لکن

گاو و است و مانند آن باشند با بیع و آلوده شد البته مال یابد و اگر مفلس است توانگر شود بول

جانوران مال حرام باشد اگر بیند که بول میکند اگر در رنج و غم باشد فرج یابد و اگر وام دارد بگذارد و اگر

خود را حافتن بیند بر زن خشم گیرد و اگر بیند که بر جامه خواب بول میکند پسری آرد یا زنا کند و اگر زنی خود را

حافتن بیند غلبه شهوت باشد نقلست که شخصی از ابن سیرین پرسید که بخواب دیدم که زنی

از خانه من در پیش من نشسته بود و من جام شیر بدو میدادم هر گاه بستدی [illegible]

بول آید و این زینت دستر و صلاح ابن سیرین گفت او مرد نابیست او را انبوه بر ده تفحص نمود
آنچنان بود خبر نسبت که مروان ابن حکم بخواب دید که در محراب بول کرد از سعید مسیب تعبیر این
پرسید گفت فرزندان تو خلفا شوند نقلست بدر اردشیر شبان کوراغی کوسفندان بود در
خواب دید که بول کرد بخاری از بول او برخاست که همه جهان را بپوشانید پیش بابک معبر رفت و
تعبیر آن پرسید بابک گفت قبول کن که اگر فرزندی آید نسبت می کنی تا تعبیر آن بگویم
قبول کرد گفت ترا فرزندی آید که بادشاه همه جهان شود اردشیر بابک در وجود آید و بادشاه
جهان شد و جمله جهان بگرفت اگر کسی بخواب بیند که از جای بول خون می آید فرزند او در شکم مادر
هلاک گردد و اگر بیند که بول ایستاده میکند در دانش او بلاغت افزاید باو شکم غم و اندیشه
بود اگر بیند که بقصد از وبادی جدا شد از غم و اندیشه بیرون آید و اگر بقصد باشد سخنی بر زبان آورد
یا کاری کند که در ان خجل ماند و اگر ان باد را آواز نبوده باشد اندیشه بود و اگر بیند که در مجلس مردان
ضرطی صادر شد در سخنی او را تامل پدید آید و اگر در بزم زنان صادر شود از کار نیک زود خلاص شود
قی هر که بیند که قی میکند از گناه توبه کند و از کاری که کرده باشد پشیمانی خورد و هرچه در قی بر آید تعبیر
تاویل آن خیر باشد و اگر بیند که خون قی میکند چیزی از مال کم شود که باز نیاید و بلغم و آب
دال است بر یافتن عزت و جاه و مال حلو مال و قدرت باشد اگر بیند که خوی کسی می انداز
انکس ملتجا بوی گوید اگر بیند که کسی را خوی در دهن انداخت انکس صاحب قدرت باشد و جاه و مال یابد :

اگر بیند که لعاب از دهان او میرود مال بسیار بدست آید و ضایع کند اگر بیند لعاب در دهان

خشک شد مال او نقصان شود و ضایع گردد اگر بیند که ظلم از بینی او میرود [illegible]

مال او تلف شود و اگر با سیاهی بیند از گناهی باز آید عطسه تحقیقت دانستن کار باشد که [illegible]

بود اگر بیند که کاری شروع میکند و کسی عطسه زد اگر آنکس معروف و مذکور باشد آن کاری

بزودی آسان شود و اگر مرد مجهول باشد آن کار بدیری میسر گردد و اگر مونث و یا کودک باشد

آن کار راست نیاید و اگر بیند که پی در پی خود عطسه میزند از کسی انعام یابد و اگر بیمار باشد نکو

شود سرفه شکایت بود اگر بیند که روبروی کسی می سرفد شکایت آنکس کند و سرفیدن در

غیبت کسی دلیل است بر یافتن خبر غایب اشک با گریه شادی بود و با فقده غم اگر اشک سرد

سرد بود کاری نیک کند و اگر گرم بود به خلاف آن اگر بیند که اشک او تا بکناره رسیده و پیراهن

او را تر کرد [illegible] از دوستی راحت بیند عرق اگر بوی ناخوش دارد سخنی ناخوش بشنود و اگر

بوی خوش شنود سخن خوب و موزون استماع نماید و اگر بیند که از همه تن او عرق میرود

کاری که دارد زود بر آید خامیازه کشاده شدن امید و بر آمدن مراد باشد اگر بیند که خامیازه

زود زود می آید حاجت و امید او زود روا گردد والله اعلم بالصواب.

نماز گذاردن از گناه بیرون آمدن بود و سنت

بادیدن اگر کسی بیند که نماز میگذارد در مسجد با امام جماعت تایب شوند و از عذاب خدای تعالی [illegible]

که در مسجد نماز میکند واگر فاسق بود تائب گردد واگر صالح است از عذاب حضرت باری ستگار

گردد و اگر بیمار است شفا یابد مسواک نیز بیرون آمدن باشد از گناه اگر بیند که مسواک میکند و از دهن

خون جهد دست مال حرام بدست او افتد و در فسق مشغول شود و اگر بیند که مسواک میکند از گناه

بزرگ توبه کند و اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر بیمار نباشد اگر بیند که دیگری او را مسواک داده و او را

مسواک داده و او را مسواک میکناند بیمار گردد و اگر بیند که مسواک از دندان می خاید شفا یابد و اگر بیمار

نباشد شادی بیند غسل کردن حاجت روا شدن باشد و از غم و اندیشه بیرون آمدن اگر بیند که

در خانه غسل میکند و جنب نیست از بیماری شفا یابد و شادی رو نماید و اگر جنب باشد در طلب کار

و سوار که باشد بر آید و یا سفر کند و اگر بیند که در حوض غسل میکند از بزرگی نعمت یابد و اگر بیند

که در حوض یا دریا و یا آب روان غسل میکند از غم و اندوه برهد و شادی پدید آید و اگر بیند که با جامه غسل

میکند بگناهی متهم گردد و وضو کردن امانت باشد اگر بیند که وضو میکند در خانه امانت کسی سپارد

و اگر بر کناره حوض یا لب آب وضو میسازد از گناه بزرگ پاک شود و توبه کند تیمم فرح یافتن بعد

از غم باشد اگر بیند که تیمم بر دیوار میکند شادی و فرح پدید آید و از حادثه کلان نجات یابد و اگر

بیند که بر وجه ارض تیمم میکند راحت یابد و تیمم از کلوخ کلان کردن دلیل بیماری و اندوه باشد

اگر بیند که تیمم بر جامه میکند بیماری بیند رگ زدن و شکافتن بد و عتاب باشد اگر بیند که رگ

او را بطبیب می شکافتند سخنی شنود که از و کوفته خاطر گردد و اگر بیند که همانی رگ شکافتند

یکی از خویشان او بمیرد و اگر بیند که رگ پیشانی او میکشایند اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر بیند رسته باشد در چشم

بیند اگر بیند که رگ دو دست او می شکافند از کسب و حرفه خود فایده یابد اگر کسی را بیند که از خود دراز بیند

بزیادت از قد آدمی اجل او نزدیک رسیده باشد و اگر باندازه باشد زیادتی قدر و منزلت او بود و اگر خود را

کوتاه بیند دلالت بر حقارت او بود در میان مردم اگر کسی خود را دیوانه بیند آنکس را مال بسیار شود اما باید حب

نفقه کند و باشد که مهتر قومی خود باشد و اگر کسی را برهنه بیند اگر مرد باشد زن کند و اگر زن باشد شوهر کند

و اگر هر دو جفت باشند شادی و نعمت یابند مستی اگر از شراب بیند شادی و نعمت یابد و اگر بی شراب

مست بیند دلیل بر رنج و سختی بود لقوله تعالی وتری الناس سکاری وما هم بسکاری ولکن عذاب الله

شدید اگر بیند که مست کسی را کنار میگیرد آنکس را دنیا و مال بسیار شود و اگر بیند که مست کسی را

دشنام میدهد و سنگ می اندازد آنکس را حادثه افتد که سبب بی غرضی او بود زحمت و بیماری اگر

کسی خود را بیمار در خواب بیند در کار عبادت او خللی افتد و اگر عزم سفر دارد باطل شود گرسنگی حرص باشد

بر مال دنیا اگر بیند گرسنگی بسیار شده است و او جست جو میکند که چیزی از خوردنی بیابد اگر چیزی

یابد که از جنس غذا بود مفلس توانگر گردد و اگر توانگر است افزایش مال او بود و این تفسیر جالینوس را

چنین تعبیر کرده اند که در میان غذا کدام چیز است پخته یا خام تشنگی بدحال در کار دین اگر بیند که تشنه است

و آب شور بدست آمد قدری از آن چشید مال و دولت از غیب برسد و از اندوه و غم خلاصی یابد و اگر آب

شیرین بدست افتاد و قدری چشید خللی در کار دین او افتد سیری طعام جمع مال باشد اگر بیند که چندان طعام

خورده است که مجال دم زدن ندارد مال بسیار بدست آرد و در جمع کردن آن رنج بیند

و اگر بیند که طعام خورد از روزی و کفاف خود عاجز گردد و اگر بیند که طعام بیش او وردند و او

نخورد محروم شود از دنیا حظوظ آن ترک کند سیری از آب صلاح کار بود اگر بیند که آب بسیر خورد

که از هر دو سوراخ بینی او بر آمد جمع کارهای او بصواب انجامد و ابن سیرین گفته که او را زلزله در کام

شود و جالینوس گفته که او را شادی و راحت پیش آید و اگر بیند که آب در قدح بود او را خورد

و قدح را شکست دلیل بود بر تباهی کار گریستن شادی بود اگر بیند که شخصی گریه میکند و او

اشک را از رو پاک میکند دلیل باشد بر شادی که تعهد و تعبیر آن بر بیننده باشد اگر آن شخص

معروف بود و اگر مجهول باشد پس او را در غم کاری افتد که لایق او نبود و اگر زن خود را بیند

که میگرید و او میخندد میان ایشان نزاع افتد خندیدن غم و اندوه باشد اگر بیند که او بیش خنده

کرد و بعد از ان گریست و بعد از ان در سر دو آمد او را مال دنیا شود اما شتاب رود او اول

شادی شود و آخر واقعه بد و متعرض گردد که در بند افتد و محنت بیند و اگر بیند که مرده با تبسمش

او میخندد اگر معروف بود بیننده رنج و بیماری رسد و اگر مجهول باشد شادی و راحت بیند

اگر بیند که بلیور رو و خوش می خندند سر آنکس آشکارا گردد و یا پرده او دریده شود اشک مقیم را

سفر باشد و مسافر را باز آمدن از سفر و محبوس را خلاصی و زن خواستن نیز باشد و کسی را که زن

باشد طلاق دادن اگر بیند که اشک از هر دو چشمان بیرون جاری میشود مسافر شود و چون از سفر باز آید

زن را طلاق دهد و اگر خواب بیند دست را اندوهی باشد از آنچه رسد و بیمار را دلیل مرگ بود و اگر بیند که
خواب بر ران زنان خود میکند عورت او حامله شود اگر بر ران راست باشد دلیل پسر بود و اگر بر ران
چپ بود دختر و اگر عورت بیگانه بود بر جاه و مال است برهنگی در خواب مردم متدین را سهو و
معصیت اگر بیند اگر بیند که خواب برهنه میکند و زنی او را آمده می پوشد از فسق باز ماند
و تایب شود دست در گردن و گرفتن کنار مرده دلیل درازی عمر باشد اگر بیمار مرده را در کنار گیرد
شفا یابد و اگر زن مجهول در کنار گیرد مرادی که دارد بر آید و اگر بیند که زن او که مرده بود او را در کنار
میگیرد و اگر مفلس باشد توانگر شود و اگر توانگر باشد زیادتی دنیا و مال بود و اگر بیمار است بمیرد بوسه دادن
و دست گرفتن زن دلیل است بر مقصودی که دارد میسر گردد نقلست که مامون خلیفه را مقصود می
بود که هر چند سعی میکرد که آن مهم ملغی گردد میسر نمیشد تا شبی بخواب دید که زنی مجهول نازو غنج
پیدا شد و هم در خواب او را گفت که مامون برخیز و ببین که چه دست زیبا دارم مامون
هم در خواب برخاست و چون دست او دید مبتلا شد و در حال او را بوسید درین اثنا
چشم او از بیدار شد و بامدادان این خواب را از معبران گفت ایشان گفتند ای مامون ترا
مرادیست که برای او زر د بسیار کرده میسر نشده اکنون میسر خواهد شد بعد سیوم روز آن
مراد بر آمد و خلیفه مشعوف گشتند و اگر دست دشمنی گیرد و او را بوسه دهد دشمنی از میان برخیزد و دوست
گردند و اگر بیند که دست پیری را می بوسد مرید شود و اگر مرید باشد متابعت مرشدی نکند کشتی گرفتن

دلیل باشد بر نیکی حال او اگر خود را مقهور و مظلوم نماید اگر ببیند که با شیر و پلنگ و یا مار و کژدم و امثال آن

کشتی میگیرد دشمن قوی غالب میگردد و او را مغلوب سازد دشنام دادن و زدن و کشتن

کسی دلیل است بر نیکوئی حال طرفین هم بیننده و دیده شده اگر ببیند که حیوانی مانند موش را

بهم زند از دنیا بهره ور میگردد و اگر دشمنی قوی داشته باشد او را مغلوب گرداند نرد و شطرنج باختن

مباهات کردن باشد در کاری باطل اگر ببیند که شطرنج با مردی پیر می‌بازد او را کاری معترض گردد

که در فکر و تدبیر آن کار افتد اگر ببیند که شطرنج با مرد جوان می‌بازد اگر شاطر باشد شغل بزرگ از

بادشاه یابد و اگر بازی شطرنج میداند بر دشمن غالب آید اگر ببیند که در بازی فره برده دلیل بر دست

یافتن کاری بود و اگر می‌بیند که نرد می‌بازد و بازی‌های داده از دنیا تارک شود و اگر از حریف بازی

برده پس در علایق دنیاوی گرفتار گردد و بازی کعب و مانند آن هر بازی که در خواب بیند دلالت

بر فخر و مباهات او باشد در کار دنیا اسب تاختن دلیل بر یافتن مراد بود اگر ببیند که بر اسپ کمیت

سوار است و او را می تازد مر او را عیش و دنیاوی حاصل شود که بدان عشرت چند مدت گذراند و اگر ببیند

که شخصی که اسپی با زین و لگام مستعد پیش آورد و او بران سوار شد و براند دال بر بلندی جاه و جلال

و منصب و مال بود و اگر ببیند که براند دلیل بر سفر کردن باشد و اگر ببیند که بر اسپ سوار است و جولان

میکند اگر مفلس است مال یابد اگر توانگر است افزونی مال گردد و اگر ببیند که بر اسپ سوار است و بر هم طرف

می‌تازد و بر هم اسعرکه قتال پیش آید و اگر بر ماده پان خود سوار بیند دلالت میکند که منصب کلان از سلطان یابد

بدهد ابن سیرین وسایر معبران تعبیر سواری اسپ منسوب برنگ اسپ کرده اند مثلا اگر خود را

براسب نیله سوار بیند دلالت بر یافتن منصب وزارتست اگر نوکر پادشاه است والله اعلم

جماعت خود کرده و اگر بر اسپ ابلق سوار بیند از مرتبه که دارد بالاتر آن یابد اگر فقیر باشد مالدار

شود و قس علی هذا گوز زدن طلب دستگاهی و یا جاهی و یا ملکی باشد با مراد او یاری با اندیشه

بر خطر بود یا دلیل بر مجادله و مخاصمه دشمن باشد اگر بیند که گوی زد باز در پی او تاخت اگر در چوگان

آورد هر مرادی که مطلب دارد بر آید و اگر گوی زد و حریف تاخت و از پیش او بربود و او در عقب

افتاد و نیافت در مطلب امید وست دهد و اگر بیند که گوی در چوگان افتاده و حریفان در پی

او شدند که بربایند ناگاه شخصی مجهول در میان پیدا شد و از پیش او بربود با دشمن مجادله افتد

سنگ انداختن سخن بهتان بود اگر بیند که مردمان او را گرد گرفته اند و او بدیشان سنگ می اندازد

از سخن بهتان و تهمت او را آفت رسد و اگر بیند که مرد دیگر برهنه بر او سنگ می اندازد اگر بر تن

او آن سنگ رسد فعلی از و صادر شود که موجب بتغیری او باشد و اگر بر تن او نرسد شغلی

از جانب پادشاه حواله او شود تیر انداختن سخن گفتن باشد اگر بر نشانه زند مقصود رسد و اگر بر نبیند

که با تیر جنگ میزند دلیل درازی عمر و اگر بیند که تیر در ترکش بر میکند سفر پیش او آید و اگر بیند

که تیر در زه بپیوسته است سخنی نیک از و صادر شود که همگنان بپسندند جنگ کردن اگر بیند

که مردم شهر با ملک دیگر جنگ میکنند در آن شهر قحط افتد اگر بیند که با پادشاه جنگ میکند فرخی

تف باشد و اگر بیند که با مردم مجهول مناظری میکند دال بر فتنه و فساد باشد و دیدن در اغلب
احوال علامت مهمان در شهر بود و به دلیل بر طاعون و وبا بود و ابن سیرین و حکیم جالینوس آورده اند
که دیدن جنگ طیور و سباع و وحوش میان یکدیگر موجب ویرانی آن مقام باشد و اگر بیند که
دو شیر میان خود جنگ میکنند دلیل بر ویرانی آنموضع باشد اگر آبادان باشد و اگر آن موضع
ویران بود آبادان گردد و اگر بیند که دو سگ میان خود جنگ میکنند با دوستان جدایی افتد
جنگ آهو اتصال دوستانست اگر بیند که دو آهو یا دو قچقار میان خود جنگ میکنند دران شهر
قتال واقع شود و اگر بیند که دو مرغ که میان خود جنگ میکنند درانموضع فراخی نعمت شود
و اگر بیند که دو کبوتر میان خود جنگ میکنند از غایبی خبر نیک آید که سبب شادی گردد و قس
علی هذا فی سایر الحیوانات والطیور والسباع صلح کردن درازی عمر بود اگر بیند که دو کس جنگ
میکنند و بیننده میان صلح داد اگر آن هر دو معروف اند عمر ایشان دراز گردد و اگر هر دو
مجهول اند بیخ دشمن بکنند و اگر یکی مجهول بود و دیگری معروف مجهول بیمار گردد و معروف را
شادی رو نماید آمدن لشکر باران بود و مبادرت در کاری و زن خواستن باشد اگر بیند
که لشکری در شهری بروز فرود آمد دران سال باران خوب بارد و فراخی غله شود و اگر بیند
که لشکری عظیم در شب پیدا شد و در سایه های درختان فرود آمد اگر مجرد است زن کند و اگر زن
دارد مهمی که دارد دران مبادرت نماید و فایده بیند که گریختن از دشمن یافتن مراد بود اما گریختن از

بیابد ترس از دشمن دلیل مرگ باشد اگر بیند که از مار یا از شیر یا از پیل میگریزد مرادش زود حاصل

شود و اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر بیند که خودی خود از بی ترسی میگریزد بیماری ضعف بپدید آید

که خوف مرگ بود اگر بیند که کسی از اقربای او ترش رویست اگر زنش حامله باشد دختر زاید و الا

شادی پدید آید نامه خواندن رسیدن خبرهای خوش بود و یافتن میراث و کسب مال حرام

اگر بیند که نامه پیچیده است خبر غایب مبهم و مستور بیابد و اگر بیند که نامه باز کرده است و میخواند

خبر آشکارا یابد و اگر نامه مهر با بسته خبر صحیح رسد و اگر بیند که نامه گشوده و خوانده نمیشود دلالت

بر عطلت بود از کاری و اگر کسی نامه خوانده و معنی آن نداند در کاری بیفتد که محتاج مشاورت

و معاونت باشد و کتاب نیز همین تعبیر بود و اگر بیند که نامه خوانده و پاره کرد مراد او زود بر آید

و دیر نکشد اگر بیکار باشد شغلی یابد که موجب معیشت او گردد برده خریدن شادی بود و دور

غم و محن اگر بیند که کنیزک خریده است و با او ملاعبه میکند مال و دنیا بسیار شود و اگر بیند

که غلام خرید و او سرود میکند او را اندوهی رسد و اگر بیند که کنیزک و غلام را میفروشد در محنت

و اندوه و غم افتد و اگر کنیزک نابالغ باشد شادی بیند و فروختن غلام دلیل است بر گواهی دروغ هدیه

و تحفه هر چه در بیداری پسندیده بود در خواب نیز همچنان باشد اگر بیند که کسی او را دسته گل

بار یحان فرستاد شادی و خورمی پدید آید و اگر آرنده آن زن باشد از مال دنیا بهره یابد و اگر بیند

که از جای سبب و بهی و انار ربا و آمده اگر زن حامله بود فرزند نرینه زاید و الا نه حامله گردد ...

بدان خبر تعبیر کرده شود و اگر کسی بیند که او را می فروشند اگر درویش باشد منفعتی شود و اگر
توانگر بود در رنج افتد و بیمار را نیک بود خریدن چیزی و اگر در خواب چیزی از خوردنی بیند که خرید
و آن را میخورد و تعبیرش آن بود که آن چیز بخورد مزاح کردن خوار داشتن کار دین بود مگر آنکه سخنی
معنی دار گوید که تعبیرش معنی آن سخن بود اگر بیند که زنی با وی مزاح میکند از دنیا تارک شود و اگر بیند
که بر بلندی ایستاده است و مردی با وی مزاح میکند در منصب بلندی دنیا افتد اگر در پستی ایستاده
بود با او مزاح میکند در ترود دنیا زر است کشد پای کوفتن مصیبت و اندوه بود الا آنکه با رود و
سرود باشد و تعبیرش سخنان باطل بود اگر بیند که بر بلندی ایستاده است و پای میکوبد
اگر منصب و شغل داشته باشد معزول شود و اگر از اقربای او کسی غایب شده باشد خبر او
بیاید که موجب دلگیری گردد و اگر بیند که با زنان پای میکوبد و رود و سرود هم هست مال
از میراث یابد و یا کاری یابد که باعث معیشت و فراغت شود مجامعت کردن اگر در بیداری اثر
شهوت ظاهر شود آن خواب باطل بود و اگر با زن مجهول صحبت داشته است و اثر صحبت
در ظاهر پدید آید منفعتی یابد و اگر با زنی معروفه جماع کند یا آن زن معروفه را زن خود داند اهل بیت
آن زن از و منفعت یابد اگر بیند که با عورت خود مجامعت میکند مفلس گردد و یا بیمار شود
و باشد که از زن جدا ماند اگر بیند که در وقت جماع در فرج زن مسدود شد و مرد از نزدیک
او جدا شد و او را طلاق گفت یا دشنام داد توانگری یابد اگر بیند که با مادر خود مباشرت

میکنند اگر قطع رحم کرده باشد به پیوندد و اگر مسافر بود بوطن رسد و اگر بیمار بود تندرست گردد
و باشد که شهر بگریزد و با فرزندی میبرد و اگر ببیند که با زن بد صحبت میکند کاری که مناسب
طلب کند و اگر زن بر زبر خویش بیند دلیل دشمنی باشد که بر و غلبه کند و ابن سیرین گفته
که مال افزون شود و اگر زن را زیر بیند بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که زن را بر دوش نشانده
اگر مفلس باشد توانگر گردد و اگر توانگر بود در رخت و مال وافزونی شود آورده اند که بخت
نصر در مبادی احوال چنان مفلس بود که قوت عیال و بصد محنت پیدا شدی و از خوار
کنی میکردی شبی در خواب دید که زن خود را بر دوش نشانده در صحن خانه میگردد چون
بیدار شد علی الصباح این خواب را در پیش مهتر عزیر علیه السلام عرض کرد ایشان فرمودند
اگر با ما عهد کنی و مرا جان بخشی نمائی تعبیر این بگویم گفت من عاجزم و این قدرت ندارم
تا چنین سخن چون میگوئید که مرا جان بخشی نمائی تعبیر این خواب آنست که تو بادشاه غالب
گردی و هفت اقلیم را در ضبط آری و بسیاری از پیغامبران از دست تو هلاک گردند
بخت نصر گفت شما برمن استهزا میکنید من بنان جوین محتاجم مهتر عزیر گفت اراده
حق تعالی چنین است بعد از شش ماه بخت نصر به بادشاهی رسید اگر ببیند که با مردی
زن مجهول اگر زن جوان باشد بیننده منفعت یابد و اگر از مشاهیر بود مقصودی
از وی یا از هم [illegible] او یا هم سر او طلب بیابد و اگر ببیند که با همه معروف همخواب [illegible]

و اگر در صحبت میکند بپای کسی که استحقاق نداشته باشد نیکویی کند و اگر بهیمه مجهول باشد
دشمن وسعت یابد و اگر ببیند که شهوت او غالب شد اگر بیمار بود نیکو گردد و اگر درویش باشد
توانگر شود و اگر جوان باشد بر خلاف آن شود و اگر ببیند که زن خواسته است بقدر جمال آن
زن قوت و دولت یابد و اگر ببیند که بکارت ستده به مقصود رسد و اگر ببیند که زنی با زنی مباشرت
میکند بر اسرار غیب واقف گردد بند و زندان اگر کسی ببیند که او را بند میکنند اگر عزم سفر دارد از آن
باز ماند و یا کاری که عزم کرده است از آن ترک کند و اگر متدینی ببیند در کار شرع ثابت گردد
یا زنی کند غل و زنجیر دیدن نیک باشد اگر زنجیر در گردن ببیند زنی بدسیرت کند اما اگر ببیند که دست
او بگردن بسته اند از معاصی باز ماند یا مالی که دارد حق آن میگذارد و اگر ببیند که بر دست او بند از چوب
یا از ریسمان است از کاری میکند تعطیل نماید و اگر ببیند که در پای زنجیر است و حرکت میکند
زنی حیله کرد در حباله او در آید و اگر ببیند که بر دست او بند چوب و در پای بند ریسمان در آورده اند او را
کاری سپارند که سبب فیدا او گردد جراحت در تن های باشد که حاصل آید و چون خون برود
بهر عضوی که باشد از آنکس که آن عضو بدان منسوب است منفعت یابد و اگر کسی ببیند که
خود را میکشد از معاصی توبه کند و اگر ببیند که در سر او زخم رسید و شکافته شد اگر حاکم و سردار باشد
از سرداری باز ماند و اگر کاری در داشته باشد آن کاری در خلل افتد و اگر سر خود را بدست خود بشکند
از تهمتی متهم شود و اگر ببیند که او را کشته اند دلیل درازی عمر او باشد و اگر کسی او بکشد گناهی

بزرگ یابد و مقبول از و منفعتی یابد اگر ببیند که کسی او را گردن زدند و سر از تن او جدا شد اگر بیمار باشد

شفا یابد و اگر وام دار د بگزارد و حج کند و اگر ببیند که سر بریده بر دست دارد هزار درم یابد از زر و نعمت

یابد و اگر ببیند که او را دو نیم کردند زنی کند که او را نتواند داشتن و نتواند رها کردن و اگر ببیند

که دست او را ببریدند از عهده و شغلی که میکند باز ماند و بگذارد و ابن سیرین و جالینوس گفته اند

که هر اعضا از زخمی یا بریده ببیند تعبیر بران چیز باشد که آن اعضا منسوب بوست دار و بر دار

کردن بزرگی یافتن باشد لقوله تعالی ما قتلوه و ما صلبوه ولکن رفعه الله الیه اگر ببیند که او را بر دار زنند

و لیکن او زنده است مرتبه و جاه یابد اما باندک مدت برود و دیر نماند و اگر دیگری را بر دار ببیند مرتبه او

بلند شود و اگر ببیند که زنی را بر دار کرده اند اگر توانگر باشد مفلس شود اگر بیکار باشد کاری یابد و اگر ببیند

که مردی را بر دار میکشند و او به بیننده استغاثه میکند از حادثه عظیم نجابت یابد دیدن مرده

اگر مرده را زنده ببیند چون مجهول بود چیزی که از ان طمع بریده بود باز یابد اگر مرده معروف بود

در حالتی نیکو و شکلی مرغوب دال بر نیکی حال آن مرده بود و اگر مرده را بیمار ببیند دلیل باز خواست او

بود و اگر آن مرده را ببیند که از عضوی در میان اعضای خود بنالد از آنکس که آن عضو بدو منسوب است

مشکل پیش آید اگر آن از سر بنالد از مخدوم و مادر و پدر مشکل شود دیگر از دست بنالد از برادر

و با شریک افتد یا سوگند دروغ خورده و قس علی هذا اگر ببیند که مرده او را میخواند خوف موت بود

صدقه باید داد و اگر ببیند که مرده چیزی از و میطلبد بیمار شود و یا از بزرگی چیزی بیابد و اگر ببیند

که مرده از او میخواهند چیزی باو دهد اگر از جنس میوه باشد او را فرزند شوند و اگر از جنس غله و طعام

باشد افزونی نعمت و اگر نقره و زر باشد رنج و محنت بیند و قس علی هذا و اگر بیند که مرده چیزی

بدو داد و او را یاد نماند که چیست از صاحب دولت خلعت یابد و اگر مرده او را بجوید و بیننده خواب

او را نبیند اما آوازی شنود و بیننده در عقب آواز رود اجل او باشد همان علت که آن

مرده باشد و هم چنین است آوازی شنود و بیند اگر در عقب مرده در خانه مجهول رود و بیرون

نیاید و اگر بیند بیرون آید در رنجی افتد و خلاص یابد و اگر در عقب او رود اما در خانه مجهول نرود و آنکس

بر طریق آن مرده بود دای پیشوا گردد و مردم بدو اقتدا کنند و اگر مرده او را وعده دهد یا از کاری خبر کند

آن همچنان باشد و مال یابد و اگر بیند با مرده صحبت میکند حاجتی که از ان طمع برید بدو رسد باید

و اگر مرده از محرمان او باشد اعقاب او نیکو باید داشت و اگر بیند که مرده با او صحبت میکند از اعقاب

او منفعت یابد و اگر خویشتن را بیند که با مرده در جامه خواب خفته است دلیل درازی عمر او باشد

و اگر مرده را خفته یا برهنه بیند دلالت بر راحت مرده است در آخرت و اگر بیند که مرده را میشوید

فاسقی بر دست او توبه کند و اگر بیند که شخصی مرده است عمر او دراز شود و اگر خود را مرده بیند

رسوم سنت از و فوت شود و بدعتی شود و اگر بیند که گور میکند سرایی بنا کند و اگر بیند

که گور مرده را باز میکند طریقه و رسم او را تازه گرداند و اگر بیند که گور مرده از سر نو راست میکند

آن رسم نو گیرد و از روش قدیم بگردد و اگر بیند که کسی را زنده در گور میکند آنکس از آفت

و ملیات امان باید و اگر ببیند که خود را بستین آویخته و چیزی میکند از جای خود انتقال باید کرد و سفر

شود و اگر تماشا که کشتگان را ببیند که بجای افتاده اند ایشان گمراهان و اصحاب بدعت باشند

و اگر ببیند که او را کشته اند مردمان ثنا و محمدت یابد و اگر ببیند که جنازه مرده نهاده اند و مردم برای

او جمع آمده بیننده منزلت و حرمت یابد و اگر خود داخل نماز گردد از اخلاق حمیده بهره یابد و نیک

اخلاق بد نماید و اگر مرده را در پدر او باشند و ایشان را زنده ببیند از هر غمی که باشد فرج یابد

و اگر ایشان چیزی بدهند منفعت یابد خوردن و برخوان نشستن که بران طعام باشد دلیل

عمر او بود اما اگر ببیند که طعام در گلوی او گرفته دال بر بیماری یا مرگ او بود و مردگان چیزی خوردن

بود و از ایشان سخن شنیدن یافتن مقصودی بود که امید از آن منقطع کرده باشد و اگر مرده را

برداشته باشد میراث مال حرام یابد بریدن خویشتن اگر ببیند که در هوا می پرد دلالت بر یافتن

بزرگی و منفعت باشد و سفر با سلامت و یافتن مراد و جاه و مرتبه بود و اگر خویشتن را پریدن

نزدیک ببیند سفری نزدیک کند با فایده و اگر چنان ببیند که خود را در هوای تنگ ناپدید کند

دلیل نزدیک رسیدن اجل باشد ابن سیرین و جالینوس گفته که برخوان نشستن و خوردن

از طعام و فواکه و مانند آن تعبیرش را طعام کنند و برخوردن و ناخوردن آن نیز و اگر ببیند

که هوا گرفته است مانند کرکس و زغن مال حرام یابد و یا با دشمن قتال کند عروسی ها تمام بود اگر ببیند

که عروسی فرزند نرینه است خلق بسیار جمع شده است و آلات عزامیر هم

اورا مهمی پیش آید و ابن سیرین گفته که از بزرگی مرتبه و جاه یابد و اگر بیند که عروسی در خرابست
و مهمانان بسیار جمع آمده اند اگر فقیر و مفلس باشد غنی شود و اگر غنی بود او را حادثه پدید آید نقصان
جاه و مال او بود و اگر بیند که عروسی خود میکند اگر عروسی او زن مجهول باشد دولت دنیا
یابد و اگر عروس او معروف بود زحمت و مصیبت بیند دست بستن نومیدی باشد
از کاری اگر بیند که دست از مشغول میشوید کاری که در تعویق باشد میسر گردد و اگر دست شو
بیند و سفره بر بسته نگشادند و او منتظر ماند مرادی که دارد زود بر آید اگر بیند که دست از گلاب
میشوید کاری پیش آید که دران رنج و محنت بیند و اگر بیند که دست از شراب میشوید تایب
حلالی کردن خصومت کردن است با خویشان اگر بیند که از طعام خوردن فارغ شد و حلال میکند
دلال بران است که از بهر مال میان خویشان ملال و خصومت پدید آید و اگر بیند که شخصی
حلال بدست او داد و نگیرد خویشانی که از و رنجیده باشند صلح کنند و اگر بیند که حلال بغیر از نعما
خوردن میکند با خویشان خود جنگ کند قرآن خوردن منتشر آثار حسنات حکمت و داد و عدل
و انصاف بود اگر بیند که مصحف میشوید حکمت بداند و دنیا و دین با هم جمع کند و اگر بیند که
مصحف یافت هنر آموزد و از کارهای بزرگ واقف شود و اگر بیند که مصحف منجر داخل
بر دیگ آمده باشد مگر آنکه بیند متعلم باشد یا وراق یا حافظ آورده اند که در عهد ابن سیرین
شخصی بود شبی خواب دید که در بازار مصحفی خوش خط مکلف و مکلل با لوح جلد میفروشند

سوداگر اخو شبی آمد به بیست دینار او را خرید درین اثنا بیدار شد و آخر شب بود برخاست

و وضو ساخت و بنماز پرداخت چون پگاه شد پیش ابن سیرین روان شد تا تعبیر آن خواب

پرسد در راه یکی از یاران او که شاگرد ابن سیرین بود با او برخورد و گفت کجا میروی گفت

پیش ابن سیرین گفت برای چه گفت امشب خوابی دیده ام که مصحف خوش خط و مکلل و مجلد

خریده ام به بیست دینار چون یار او خواب شنید نعره بزد و گریبان بدرید سوداگر متحیر گشت و گفت

ای یار این چه فزع است که میکنی گفت این خوابی دیده که اجل تو نزدیک رسیده زنهار الله

اما بیا تا یک مرتبه پیش ابن سیرین بریم تا او چه گوید پس ایشان پیش ابن سیرین روانه شدند

چون مقداری راه رفتند زالی پیر با نوکیسه در اثنای راه با ایشان ملاقی شد در دست او مصحفی

چون نظر سوداگر بر او افتاد گفت ای مامان این چه شیء است گفت کلام الله گفت کجا میبری

گفت برای هدیه سوداگر گفت بکشا تا به بینیم چون بکشاد آنچه در خواب دیده بود همان قران

با لوح زر جدول معاینه نمود گفت ای مامان بهای این چیست گفت شوهر من این را به بیست

دینار خریده بود و مدت بیست سال است که شوهرم مرده است و من درین قران تلاوت

میکنم حالا دختری دارم که ازو مانده بود او بالغ شده است و من آنچه که مال و متاع بود تا حالا

خوردم اکنون هیچ نمانده است غیر ازین مصحف میخواهم که این را فروخته آن دختر را کدخدا

سازم مردمان بهای آن کم میدهند پیش ابن سیرین می برم تا او این را هدیه کرده قیمت آن

نقشی ای مادر همراه ما بیا تا پیش او شویم برای همین تا چون بخدمت ابن سیرین رسیدند

[illegible] بنشسته بودند مرد سوداگر خواب خود را عرض نمود ابن سیرین گفت که این خواب

[illegible] بی اشارت بیار خود کرد ابن سیرین گفت این مرد شاگرد منست بعد ازان

روی سوی آن زال کرد و گفت تو چه حاجت داری بگو گفت این کلیم الله را میخواهم که هدیه کنیم

مرا ضرورت پیش آمده ابن سیرین زمانی سر پیش انداخت بعد ازان سر بر آورده روی بسوداگر

گفت که تعبیر خواب تو در سیوم مرتبه آمد باید در کلام خدا به بین و فال بکشا تا من تعبیر

کنم و تعبیرش درست در مرتبه اخیر خواهد برآمد سوداگر بسم الله گفت و مصحف بکشاد و در هفتم

سطر این آیت برآمد اذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة و لا یستقدمون ابن سیرین گفت که

صدق الله تعالی تعبیر خواب تو این بود که اول مرتبه برآمد بعد ازان ابن سیرین بار سوداگر را

گفت که ای فلان تو نیز قرآن را بکشا چون آنجوان قران بکشاد در سطر هفتم این آیت برآمد

که الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ابن سیرین او را گفت که ترا نیز از سبب

این واقعه اندوه و خوف میرسید اکنون در کلام خداوند چون برآمد که لا خوف علیهم و لا هم

یحزنون یعنی از خوف اندوه و غم باز خلاص گشتی بار سیوم ابن سیرین گفت ای مادر این

مرتبه تو قرآن بکشا که در باب این مرد چه برآید چون آن عورت قرآن بکشاد در سطر هفتم

آیت برآمد فاما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض ابن سیرین گفت بان سوداگر که تعبیر تو این شد

گفت که من گفته بودم که تعبیر خواب تو در سیوم مرتبه اتفاق افتد اکنون تو این قرآن را بر مسجد وقف کن

هدیه کن و هم باین عورت بخش تا تلاوت کند زیراکه تو جاهلی و معنی بدین سبب برکت بر زن وارد

میگردد و از اجل چند مدت نجاتی و حیات یابی و شیخ باز رکان همچنان کرد و زن بسلامت رسید

یافت بانگ نماز یافتن اگر بیند که بانگ نماز میدهد نه در وقت و نه جایگاه دلالت بر بیداد و

ظلم است و اگر بانگ نماز شود و او را بچیزی متهم کنند که از آن بیگناه بود لقوله تعالی فاذن موذن

ایتها العیر انکم لسارقون و اگر بانگ میدهد و میر و حج میکند و اگر بیند که بانگ نماز بر منبر میگوید

میدهد و میر و حج کند یا مسافر شود و اگر بیند که بانگ نماز بر مشته داد و در آنجا ساعتی توقف

شود و جای ویران است در آنجا دیه آبادان شود یا بر اند قریه نماز گزاردن اگر بیند که نماز گزارد

و شرایط ارکان آن بجا آورد حصنی و امنی باشد از آفات و مقصودی که دارد بیابد و

اگر بیند که پیش قومی نماز میکنند مقتدای گروهی گردد و اگر بیند که پیش نمازی میکند

خفته بی آنکه تکبیر گوید اجلش نزدیک رسیده باشد و قوم بر و نماز گزارند و اگر بیند که بی طهارت

نماز میکند یا در موضعی که نه جای نماز باشد یا قبله برو نشته کرد و انکس در کار خویش

متحیر باشد و بیشولی بدان کار و حاجت رسد و اگر بیند که نماز میگزارد و نشسته در کاری

که داشته باشد اهمال ورزد روزه داشتن حصنی است از آفات کائنات و باز ایستادن

از کارهای ناشایسته اگر بیند که روزه دار است و در دهن او مکس رفته از دولت دنیا بهره

اگر بیند که شکوه و زکوه داده است و تسبیح چیزی در دهان انداخت و نخایید و بعد از آن ها ملکه

کرده است و از دهن بیرون آورد اگر بیمار بود شفا یابد اگر غایب بود بسلامت باز آید

بود و رسیدن بدان یک حاصل کردن باشد اگر بیند که زکوه بر من واجبست و بفقرا و غربا میدهم

مرتبه یابد که مردم بسیار باو وابسته شوند و اگر در دل و زنگ میکند بکاری متهم کردد که موجب

خوابت و خجالت باشد حج کردن مقصود یافتن بود بهمه حال اگر خویشتن را در کعبه بیند

از همه آفات ایمن شود لقوله تعالی و من دخله کان آمنا و اگر بیند که احرام بسته است و سر

برهنه در جمعه میرود حاجات و مرادات حاصل شود و اگر بیند که در کعبه رمی الجمار میکند از مرد

شر و زحمت برهد و اگر زنی بیند که همراه مردی بطواف حج میرود و آن مرد بیگانه است

اسپ ولایت و دولت بود و عورت نیز باشد اگر بیند

که بر اسپ سوار است ولایت و دولت باندازه بیابد و نیکوی و روایی اسپ نیز دلالت است

بر زیادتی دولت و ولایت اگر بیند که بر اسپی نشسته است می برد پادشاهی یابد باندازه

همت و محل خویش و اگر بر اسپ فحل نشسته باشد انگس ولایت یابد و بمعصیت مشغول

شود و همچنین است بر هنه سوار باشد و اگر بر اسپ سیاه سوار بیند دلالت بر ولایت و سعادت

بیند اگر بر اسپ کمیت سوار بیند زیادتی فرح باشد و اگر بر اسپ اشهب و بور و کبود سوار بیند

فرح بیند و کار مشکل آسان کردد و اگر بر اسپ بسته و بازده بیند دلیل بر بیماری اندک بود

واگر اسپ ابلق بود یا ترکش خود را بر انها سوار بیند دال بر مشهور گشتن بیننده بود واگر اسپ [illegible]

اشقر بیند صلاح کار دین و دنیا باشد وابن سیرین گفته که دیدن رنگ اسپان [illegible]

بر [illegible] یک حکم دارد وقس علی هذا ماده یابو زن باشد اگر بیند که ماده یابو بوسیی [illegible]

حکم ورضای او نباشد واگر بیند که ماده یابو صحبه میکند ودم خود بر سید ارد زن او حامله گردد پسر [illegible]

سلطان بود اگر بیند که ماده یابو رامیده شد از پادشاه مال وجاه یابد اگر بیند که کسی [illegible]

بدست او داد واو را در طرفی خواست ساخت خازن پادشاه شود پالان خدمتکار بود اگر بیند که

پالانها [illegible] شد [illegible] از خدمتکار وکنیزک خیانت پدید آید واگر بیند که پالان راست میکند

خدمتکار را نوازد وخورم سازد واگر اسپی خویشتن را دیگری بیند سبب [illegible] انکس [illegible]

باید یا خیانت یا کاری اگر بیند که بر اسپی یا بار در دهی یا شهری در امد بزرگی انجا رسد

استر سفر باشد اگر بیند که بر استر ماده نشسته است دلیل درازی عمر بود واگر استری با پالان

بر نشسته بیند کنیزکی بخرد یا زنی کند واگر بیند که پالان بر استر می نهد یا میکند [illegible] شود

گوشت استر مال زنی باشد اگر بیند که گوشت استر زن میدهد که [illegible] داد اگر شیر

استر [illegible] ورنج بود اگر بیند که شیر استر می نوشد از بیماری صحت یابد واگر بیند که بر استر

کسی نشسته یا زن کسی جنابتی کند [illegible] بود واگر خر با بار بیند از بخت خود منفعت یابد و

برخورداری بیند واگر بیند که خری را بکشد واندیشه خوردن گوشت ان ندارد [illegible]

[illegible] خود تمنا کنند و اگر ببیند که از خر یا از اسب یا از بلندی فرود آمد از مقصود نرسد
[illegible] از عهده معزول شود و [illegible] کسب با خر خود را گور ببیند مال مدفون سازد یا بکسی سپارد
[illegible] و اگر خود را ببیند که بر اشتر سوار است از سفر فایده یابد و اگر خود بر اسب زر یا اس [illegible]
و امثال آن بر نشسته ببیند با سلطان ملاقات کند و اگر خود را ببیند که اشتر شده ام نفع یابد و
سفر کند و اگر ببیند که خر شده ام مردم از و منفعت یابند و اگر ببیند که اسب شده ام از بادشاه
جاه یابد و اگر ببیند که گربه شده ام از دزدان خوف باشد و اگر ببیند که خری بر پشت گرفته است
دلالت قوت و مساعدت بخت باشد و اگر ببیند که خر در گل افتاده کاری مشکل پیش آید بانگ خر
و بول کردن او پسندیده نباشد شوم و نامبارک بود اگر ببیند که خر بانگ کرد یا بول غم و اندوه پیش
آید و اگر ببیند که خر بانگ زد و بر ماده خر نشست از [illegible] شادی ببیند اگر ببیند
که خر یا اسب بول میکند در رنج و محنت افتد و اگر ببیند که گور خری صید کرد منفعت یابد
شتر سفر و صبر بر بلا بود و اگر بر اشتر خود را نشسته ببیند دال بر سفر و انتقال بود و اگر ببیند که او را
اشتران بسیار اند دلیل بر ولایت و صبر بر هموم و غموم بود اگر ببیند که از اشتر شیر می دوشد
یا شیر آدمی خورد از زنی مال از ضیاعی مال یابد تا ثروت بود و شیر شتر مرد بزرگ نیز باشد اگر ببیند
که بر شتر بار می بندد سفر کند یا از بزرگی منفعت رسد و اگر ببیند که شتران میچرانند در صحرا
[illegible] ببیند توانگر گردد و اگر عهده داشته باشد بکاری بلند تر از آن مشغول گردد و اگر ببیند

که شتری از عقب آدمی آید از بلا احتیاط باید کرد واگر اشتری محمول در شهری در آید
در انجا بیماری مشهم گردد یا از دشمنی رنج بینند گاوان بر عمل سلطان و عمال باشد و ابن سیرین
گفته که میراث باشد اگر گاوی را می بینند باندازه فربهی و [illegible] گوشت او [illegible] در
بدو رسد و میراث یابد و تعبیر فراخی و نیکی سال بفربهی و لاغری گاو بود اگر بینند گاوان
و [illegible] بار بر نهاده اند و در شهری یا دیهی میروند دران موضع بیماری افتد اگر بینند
که گاو زاد مال و میراث یابد اگر بینند که گاو را میدوشند در کسب و زراعت او افزونی
آید نوشیدن [illegible] دلیل بر شادی و افزونی نعمت بود اگر بینند که از جفت گاوان
تقبه میراند زنی کند که از وی پسر تولد شود سرگین گاو و جمله بهایم فرزندان باشند اگر بینند
که سرگین بسیار در صحن خانه جمع شده پسران بسیار جمع آیند و ابن سیرین گفته که جمع شدن
سرگین دلیل افلاس است اگر بیند که از سرگین گاو خانه یا دیوار می اندود مهمانی در خانه او آید
واگر زنی حامله باشد پسر آید گوسپند غنیمت بود یا زن بزرگ اگر بیند که گوسپندان
بسیار میچرانند و یا نگاه میدارد و فرمانده جماعتی شود و دیدن انبوهی بزان و میشان
و گاوان و دیگر بهایم همین حکم دارد و ابن سیرین گفته که انبوهی میشان و کشتی ایشان
در جواب بیند البته سلطان یا حاکم ولایتی شود اگر بیند که ماده گوسپند باز [illegible]
شکم کلان کردند و فربه شد [illegible] زنش حامله شود البته شکم جملگی بهایم مال باشد اگر بیند که [illegible]

گوسفندان و میشان در خانه جمع میکنید مال بسیار بدست آید و اگر بیند که فحلی از گوسفند
... یا از میشان جهت قربان میکند بنده را آزاد کند یا اسیری را خلاص کند بر کوهی و میشی
... را اگر بیند از دوان منفعت یابد و اگر ماده بود از زنان راحت بیند اگر بیند که ایشان را
صید کرد کاری که باهمال افتاده باشد زود بر آید آهوی کنیزکان بود اگر بیند که آهوان را گرد میکنید
کنیزکان بسیار بخرد و اگر بیند که از گرده آهوان آهوی جست و بدر رفت کنیزکی بگریزد
خرگوش زنی باشد که الف نگیرد و اگر بیند که خرگوش در دام افتاده زن او مطیع گردد و اگر بیند
که خرگوش از پیش او بر جست و در رفت توبه خرید و خواهید زن او سوم اگر سخنی خوب نفرید به
پادشاه عجمی باشد اگر کسی خود را بر پیل سوار بیند مخدوم شود و دشمنان مخذول گردند
اما اگر بر و زن بیند زن را طلاق دهد و اگر بیند که پیل مهیب قصد کرده و وکر بخبه از دشمن گزندی
رسد یا از پادشاه و یا حاکم زبردست رنج و آفت به بیند شیر پادشاه باشد و مردی
قوی اگر شیر را مسخر خود بیند بر دشمن ظفر یابد و گریختن شیر هم ظفر بود و یافتن مقصود خوردن
گوشت شیر یافتن مال باشد از پادشاه و استخوان و مغزان نیز همان حکم دارد و اگر بیند که شیر قصد او
کرده و او نگریخت بر دشمن زبردست دست یابد یا از پادشاه کاری بزرگ اختیار کند
پلنگ و یوز همین حکم دارد که تعبیر شیر اما به اندازه قوت و مرتبه هر یک باشد اگر بیند که بر درخت
... رشده است به بنده را با پادشاه ملاقات شود خوک مردی ظالم خوار بود و شیر او

او مصیبت باشد کسی را که بخورد و گوشت او مصیبت اگر بیند که خوک پلید بدی بخورد

نزدیک بود از جای مال حرام یابد و گراز دشمن قوی باشد اگر بیند که گراز قصد او آمد دشمن قصد

آید اگر بیند که گراز حمله بر وی کرد دشمن بر وی تاخت کند البته سگ دشمنی باشد و بانگ

مالکان اگر بیند که سگ جامه او بدرید یا او را گزید قصدی باشد از دشمن و خصومت که با او کند اگر

بیند که سگ فرمان بردار او شد دوستی یابد خسیس و ابن سیرین گفته که دشمن مسخر او شود و اگر بیند

که سگ بانگ میزند از فرومایگان سخنی شنود که موجب ملال خاطر باشد گربه دزد باشد

اگر بیند که گربه گوشت ... ربود و گوشت نه ... از دزدان خوف باشد و اگر بیند که گوشت

گربه یا از وی چیزی میخورد آنچه از وی بدزدی رفته باشد باز یابد اگر بیند که گربه او را مسخر است شد

با مبکر و بیمار شود و گربه دشتی همین تعبیر دارد که گربه اهلی و در دشمنی زیاده او گربه اهلی بود موش

زنی بد و شیره کار و جنگجو بود اگر بیند که موش طعام او یا چیزی که تعلق بدو دارد میخورد

دال بر نقصان حال او باشد اگر بیند که موش دیوار خانه میکاود با زن جنگ و خصومت

شود اگر بیند که موش بچه او را برید دزدی در خانه او شود کپی دشمن بود و گوشت او اندیشه

و بیماری بود اگر بیند کپی گازی بر اندام او زد از دشمن گزندی یا زخمی بدو رسد و اگر بیند

که بوزنه بسوی آن دندان می خاید با دشمن قتال واقع شود و اگر بیند که بوزنه چیزی میخاید از

جنس میوه و نحو هم و مانند آن از بزرگی مال و جاه یابد بد گفتار که عیب او را ضبع گویند

و ... اگر بیند که گوشت کفتار میخورد زنی او را جادو کنند و اگر شیر او خورد زنان با او خیانت کنند

[illegible] اگر بیند که بر کفتار سوار شده بر دشمن غالب شود و کفتار اگر نر باشد دال بر خذلان دشمن

[illegible] وت ه ظالم باشد و مردی دلیر و ابو معشر گفته که کذاب و خصم بود و اگر بیند که گرگ را در دام کرد

بر دشمن دلیر و چیره و دلیر گردد اگر بیند که شیر و یا گوشت او را میخورد رنج بیند و اگر بیند که گرگ

در میان افتاده است در جای و موضع که باشد والی ظالم بیاید روباه از خویشان خویشی

مکاره و فریبنده بود اگر بیند که با روباه بازی میکند زنی که دوست دارد بیابد اگر بیند که روباه را

صید کرد خویش مکاره مسخر گردد و بانگ کردن روباه دلیل بر فریب دادن دشمن بود گرگ

اگر بیند که گرگ در بیشه شاخ خود بر تنه درخت خلانده زور میکند در هنر و فضایل کامل گردد و اگر

بیند که گرگ قصد او کرده است و او گریخته از بیماری صحت یابد و اگر بیند که گرگ را شکار

کرد بر دشمن غالب دست یابد کشف مردی باشد عالم اگر او را در مزبله بیند علمی باشد

ضایع و اگر در موضع عالی و پاک بیند علمی عزیز باشد اگر بیند که کشف میخورد از علم بهره یابد مار

دشمنی بود نهان آنچه سفید بود ضعیف باشد و سیاه قوی تر و هر چه در آن زیادتی و عظمت

بود در دشمن زیادتی و شوکت باشد اگر بیند که گوشت مار میخورد مال دشمن یابد و اگر از مار لحنی

خوش شنود منفعتی بدو رسد و اگر او را منقاد خود بیند پادشاهی و یا گنجی یابد اگر مار سپید

[illegible] ش بیند توانگرش گردد و اگر از مار ترسد و او را بیند از دار سر دشمن امین شود و از هر چه بترسد

داو را اندازد دلالت بر امن و فراغت بود و اگر ببیند که ماری اندر خانه فرو شد از بادشاه
رنجی رسد و مار که در خانه ببیند زنی باشد اگر زنی باردار باشد به ببیند مار دختر زاید و اگر
که مار پوست می اندازد از فعل زشت توبه کند و اگر مار بر سر گنج ببیند مفلس
باشد توانگر گردد و اگر مار سیاه ببیند که کفچه کشیده ایستاده است از بادشاه
وجاه یابد دیدن کژدم دشمن ضعیف بود که قصد او بجز زبان نباشد کژدم دیدن او در خواب
غیبت بود و اگر کژدمی در خانه خویشتن ببیند سخن چین باشد و اگر ببیند که کژدم
از عداوت دشمن آفت رسد و اگر ببیند که کژدم در جامه او درآمده و او را آزار نرسانید از بلا
عظیم و حادثه سخت نجات یابد زنبور و مگس مردم سفله باشند اگر ببیند که زنبوران بسیار
ازدحام کرده و مگسان بی پایان جمع آمده سردار کمینه گان گردد و اگر ببیند که مگسان
بر مایده آن بسیار جمع شده اند دو مگس گرد دو مردم بسیار بر سفره او طعام خورند مورچه
مال باشد اگر ببیند که مورچه بسیار از جای او بیرون می آیند اهل آن سرای متفرق شوند
و تفرقه پدید آید و در مال نقصان شود اگر ببیند که مورچگان از سوراخ خود بیرون می آیند و بیضه
خود در دهان گرفته اند باران فراوان بهبارد و بیم از دشمن نیز باشد ملخ لشکر بود اگر ببیند
که ملخ بسیار میپرند و کشت و زراعت میخورند خوف قحط و خطر لشکر بیگانه باشد
مردم با منفعت بسیار باشند و کثرت ایشان بال باشد و اگر ببیند که

با در خانه جایی سخت جسته اند بران درخت میوه بسیار شود وران خانه نعمت وافر پدید اید و مال و اید

دو خانه ابیچ مردمی حقیر بود که خویشتن را بزرگ دانند و اگر بیند که عسل می نوشد از مردم حقیر او را منفعتی

برسد و اگر مفلس و فقیر باشد بود مرتبه و مال و جاه جلال یابد باشد و نیش مردم ضعیف و حقیر

باشد اگر بیند که نیشتر نیش بسیار اند و او را زحمت میرسانند از مردم فرومایگان مایه باید کبک

مردم سنگدل باشد اگر بیند که کبک در جامه او افتاده و او را تشویش میرسانند از مردم فرومایه ازار

رسد که دل و را ملال پدید اید پروانه مردم خسیس باشد که خود را در تهلکه اندازد و اگر بیند که در خانه

شمعی یا چراغی افروخته اند و پروانهای بسیار جمع امده اند در انجا مردی جاه یابد یا والی گردد که خسیسان

و فرومایگان در پیش ان جمع شوند باز پادشاهی قادر بود اگر بیند که باز در دست دارد او را

نعمت و خلعت یابد و پرانیدن باز دلیل شادی و عشرت وافر و بی ملالی و نعمت است اگر بیند

که از باز شکار میکند مرادی که دارد زود برآید کرکس و عقاب همچنین اند اگر اموخته باشند اما اگر از

مرغان صیدی میکند عملی از پادشاه یابد که همه کس منقاد او شوند اگر گوشت یا پر ایشان یابد

عمل و مال از پادشاه باو رسد اگر بیند که کرکسان بسیار در نواحی شهر و یا دیهی جمع شده اند

و میپرند البته دران موضع قتال واقع شود و ابومعشر گفته که والی دیگر شود و اگر ازان جانوران گزند

بیند باندازه ان از سلطان رنجی رسد اگر یکی ازان مرغان او را برداردو در هوا برد و در میان

مردمان معروف و مشهور گردد شاهین و چرغ شکار کنند کان باندازه قوت و ضعف ایشان از

... بیند ... مرد فاسق و دروغ زن بود اگر بیند که کلاغ شکار میکند غنیمت یابد

بوجهی که شرع روا نابسندیده بود اگر بیند که زاغ و زغن هر دو جنگ میکنند فعل شنیع ازو صادر

شود که باعث بی غرتی باشد اگر بیند که زاغ بر جامه او بپرید گرد مال از غیب بیابد اگر بیند

که زاغان بسیار جمع شده هجوم کرده اند و غوغا میکنند در میان خویشان خصومت پدید آید

سیمرغ خلیفه باشد و زهاد و ابدال اگر بیند که سیمرغ بر بلندی نشسته است و مرغان دیگر

پیشتر صف زده از بادشاه منصب و جاه یابد که مردم بسیار در خدمت او باشند طاوس

بادشاه عجمی با مال و جمال بود و ابن سیرین گفته که زنی با جمال بود اگر بیند که طاوس در جلوه

آمده و آواز میکند از بادشاه مال و جاه یابد اگر بیند که طاوس در دامن او می آویزد زنی کند

با مال و جمال کلنگ مردی مسکین و غریب باشد اگر بیند که کلنگ بدست افتاد چیزی از دست

او برآید و ابن سیرین گفته که بایکی شریک شود که ازان منفعت رسد اگر بیند که از بازو شاهین

کلنگ را شکار کرد کاری که بسته باشد زود برآید لقلق مرد عادل باشد اگر بیند که لقلق

بر دست او نشست با مردی عادل ملاقات شود و ازو چیزی فایده رسد تذرو و کبک مردان

مکار و غدار باشد اگر بیند که کبک آتش می چیند و تذرو در غنج و دلال است از دشمن فریب خورد

که سبب زبان او شود عقعق مردی حیله گر و فریبنده بود اگر بیند که عقعق بالای سر او هر دم

و آواز میکند در کاری شخصی او را مغالطه دهد که باعث خجالت او شود سرخاب مردی بی عهد ...

سود و خوشی بی مشکل اگر بیند که کسی سرخاب را میگیرد و او میگریزد کاری که طلب کند بر نیاید خروس

مردی محتشم باشد یا مردم خریده اگر ببیند که خروس بانگ میدهد از غایت خبر خوش یابد و اگر بیند

که مرغ بچه بیند بیاید اگر بیند که دو خروس میان خود جنگ میکنند از دشمن صلح کند و ماکیان خدمتکار

و خادم و برده باشد اگر بیند که ماکیانی را میکشد کنیزک بکر را بکارت بردارد اگر بیند که ماکیان بیضه داد

از زراعت و تجارت سود و منفعت بیند اگر بیند که ماکیان بیضه را از خانه بدر میکنند کنیزکان را

آزاد کند و در نفقه بخیلی نماید و اگر بیند که همراه ماکیان بچه های بسیار میگردند خدمتکار بسیار شوند

کبوتر کنیزک باشد و درخت خانه اگر بیند که جماعت کبوتران جفتی میکنند از کنیزکان فرزند

اگر بیند که جماعه کبوتران بسیار بجانب او می آیند منفعت بسیار یابد و اگر بیند که گوشت کبوتر

میخورد از زنان منفعت فراوان و نصیب بسیار یابد کبک ابن سیرین و ابو معشر گفته اند که زن

نیکو و ناموافق باشد و مرد مکاره و حیله گر اگر بیند که کبکی را کشت حاجت او بر نیاید اگر بیند

که کبکان جنگ میکنند میان زنان خصومت پدید آید فاخته زنی بی دین و نامعتمد باشد اگر بیند

که فاخته بر درخت خار نشسته آواز میکند خبر فسق او بشوهر رسد و میان خود خصومت میکنند

بلبل و قمری غلام باشد اگر ببیند که بلبل بر درخت می بر آید و دم میجنباند از غلام خیانت ظاهر

گردد که مولی از و رنجد اگر بیند که قمری آواز میکند و میپرد و باز می نشیند غلام حرکت کند و کار خداوند

کار خود را برهم زند و اگر بیند که بلبلان میان خود جنگ میکنند در میان منافقه و مخاصمه پدید آید

جغد دلیل بیماری دراز باشد و ابن سیرین گفته که دلالت بر عمارت بود اگر بیند که جغد بانگ

کرد و خاموش شد همچنین سه مرتبه بعده بانگ نکرد البته در نواحی بآن موضع ابلواتی شود و اگر

سه مرتبه بانگ زیاده زد بیننده را بیماری رسد بوم درد باشد با شوکت اگر بیند که بوم

بر خانه نشسته است و آواز میکند در انجا دزدی شود و اگر بانگ کند در آن خانه دزدان در آیند اما

دزد دیدن نتوانند که مردمان بیدار گردند هدهد مردی کلان باشد که خود را با علما این سبب یکی کند

اگر بیند که هدهد بر سر او نشسته مرتبه کلان یابد اگر هدهد از پیش او بپرید از غایب خبر رسد اگر بیند

که هدهد بر سر او نشسته مرتبه کلان یابد اگر هدهد از جانب راست او بپرید و سه مرتبه بر سر آن طواف

نمود با پادشاه ملاقات شود دولت و خلعت یابد همای دولت بود اگر بیند که همای از دست

او بپرید اگر توانگر باشد مفلس شود و اگر مفلس باشد مال یابد اگر بیند که همای بر سر آدمی پرید زود مرتبه

و مقصود یابد و اگر ببیند که همای صید او گشت مرادی که بسته باشد بگشاید و ندیم پادشاه گردد

طوطی مرد صالح باشد و ابو معشر گفته که مردی عالم بود و اگر بیند که طوطی با او سخن میگوید ندیم و مقرب

پادشاه گردد و اگر بیند که طوطی را تعلیم میکند عالم بسیار تحصیل کند و درس گوید مردم سارک

زنی شیرین سخن بود و ابن سیرین گفته که زنی خوش الحان باشد اگر بیند که سارک در باغ

زمزمه میکند او را مجلسی شود که مطربه زنان باشند و اگر سارک را بیند که میخواند با زن خصومت

شود گنجشک مردم بزرگ باشد و گوشت او دال بر مال باشد و بچه اش دلیل بر فرزند بود و اگر بیند

و اگر بیند که کان او و وبال بر مهتری و مال یابند و اشتیانه او جستن و تفحص نمودن کار زنان باشد
گنجشک سیاه فال نیک نباشد اگر بیند که گنجشک [illegible] او و دم میزند و خوانان میشود
دلالت بر شادی و راحت باشد و از غایب نیک خبر یابد صعوه خبر دهنده بود اگر بیند که صعوه
بر سبزه نشسته است و حرکت میکند از غایب خبر خوش یابد و اگر بر بلندی نشسته است
و حرکت میکند مال یابد و آواز کردن صعوه بوقت پریدن دلیل بر شادی است خطاف خویش
بود اگر بیند که خطاف از پیش او پرید از خویش جدایی افتد خفاش نیز بر خویشان دلالت
اگر بیند که خفاش بر درخت کلان آویزانست خویش و اقربا مقرب بادشاه شوند سبزک
آگاه کننده کان باشند اگر بیند که سبزک می پرد و آواز میکند از جانب رهتا و حیاد دلالت است
بر آنکه آن موضع را از تاراج و غارت خوف باشد اگر بیند که سبزک بر سر او میپرد و بانگ کم میکند
دلیل است که از بادشاه یا از صاحب جاه دولت یابد مرغابی مال و ملک باشد و هر چه از این
بزرگتر باشد در نیمعنی زیاده باشد و کثرت مال و ملک باشد اگر بیند که مرغابی گرفت مانده
ال مانی یابد و اگر بیند که گوشت یا کباب مرغابی میخورد دال بر یافتن مال باشد ابن سیرین گفته
تعبیر این اندیشه باشد آورده اند که در عهد نوشیروان عادل جفت زانی بود مفلس و درمانده که نان
چوبی او را بهزار محنت میرسید شبی در خواب دید که مرغابی را گرفته است و از و کباب ساخته
عدی از و خورده باقی پیش زن برد که شکاری عجب بدست من افتاده نیمی از وی من خوردم

و نیمی پیش تو آورده‌ام تو نیز بخور رئیس پسر بخورد در بین اثنا بیدار شد حیران ماند و گفت بدهم تعبیر این

از بزرجمهر بپرسم قصد بدین کرد و بعد تمام بوثاق بزرجمهر برد و بر در او منتظر نشست

چون وقت برآمدن خواجه شد بدوید و زمین بوسی بتقدیم رسانید خواجه پرسید که

تو کیستی و از کجا می آیی گفت من جفت رانم و از فلان دیه می آیم امشب خوابی دیده‌ام

از برای تعبیر او پیش تو آمده‌ام خواجه گفت چه خواب دیدی گفت دیده‌ام که مرغابی فربه بدست

من آمده و من او را کباب کرده نیمی خوردم و نیمی را ان پیش زن بردم او هم خورد خواجه گفت

زنت حامله هست گفت نی گفت تعبیر این آنست که تو مال بسیاری یابی و زن تو حامله شود

و پسری زاید و بعد از چند سال آن پسر رئیس آن دیه گردد جفت ران از شنیدن آن شادان

شده بازگشت و بخانه خود آمد بعد از هفت روز آن جفت ران جفت روان میکرد ناگاه

جفت او بسنگی آویخت چون جفت ران سنگ از ان مکان کشید روزنی دید سنگی

دیگر کشید همچنان چند سنگ گران از ان برآورد دهان حفره عمیق برآمد دو خم دید قفل

کرده و هر دو خم پر از طلا و نقره جفت ران از ان همچنان بپوشید و هنگام شام چون شب شد

خشتها از انجا برآورده و بار بسته بخانه برد و زن او بعد از چند گاه حامله گشت چون نه ماه برآمد

فرزندی خوش شکل بزاید چون کلان گشت پدر او را با دختر رئیس آن دیه کدخدا ساخت

بعد از چند گاه رئیس آن دیه فوت شد و او را همین دختر بود رئیسی آن دیه همان پسر رسید

و تعبیر زر جمهور [illegible] پوست قاز سفید در برگ بخت باشد اگر بیند که قاز بانگ میزند و [illegible]
خواب کردن میشود دلیل بر بیداری بخت است بیند [illegible] و [illegible] که بدان [illegible]
امید بود اما معصیت باشد بانگ بط نقلست که امیر المومنین علی رضی الله عنه [illegible] وقت
وصال در رسید شبی بخواب دید که در باغی میرود بطی چند در پیش او آمدند می خروشیدند و میزدند
ضوایح تبعها نوایح دراج و تیهو و مانند آن دلیل باشد بر افزونی مال و بانگ ایشان دلالت
میکند بر خوشحالی و عشرت و رسیدن خبر غایب و ابن سیرین و ابو معشر در تصانیف خود
آورده اند که مواشی و سباع از وحوش و طیور و جنبنده و ساکن و امثال آن هر جانوری که باشد
معبر صاحب طباع باید که دیدن هر جنس از هر جانور که ذکر کرده شده است قیاس کند
و تعبیر را بر وجه احسن بر طبعیت آن جانوران بیان کند و الا جانوران در عالم اجسام خدا
آفرید کارگوناگون و بسیار آفریده است مثلا گوزن و میش دشتی و غیره را بر آهو و گورخر قیاس
کند و سیاه گوش و راسو دشتی و مانند آن بر پلنگ و گربه قیاس نماید و تعبیر آن بامثال ایشان
کار فرماید و فاخته و عندلیب و امثال آن چون قمری و غیره را بر سارک و طوطی و مانند آن قیاس
کند پس هر خوابی که کسی بیند تواند بر تعبیر آن پی برد و الا امکان آن نیست که کسی در تمام عمر
خود خواب مردم تواند نوشت بیضه هر مرغی که باشد دلیل بر زن کند لقوله تعالی کانهن
بیض مکنون اگر بیند که خایه کبوتر و گنجشک و امثال آن در بغل پنهان نموده از زن خوب متمتع باشد

ماهی چون یکی باشد باد و زن بود و اگر بسیار باشد و بزرگ مال باشد و اگر خرد باشد وسواس

اندیشه باشد و اگر آنچه از شکم ماهی برآید همه مال باشد اگر کسی ماهی در خواب ماهی دهد مال بدهد

و مال او بسیار باشد صدقه باید داد و اگر فقیر باشد مال یابد اگر ببیند که ماهی را بریان می‌سازد یا

ماهی خام را پخته میسازد و یا میخورد دلیل بر یافتن مال و جاه باشد و رسیدن بمرادم تیره نهنگ

دشمن و دزد باشد و گوشت خوردن او مال بود اگر کسی ببیند که نهنگ عظیم را بسته و از آب

کشیده برد دشمن زبردست دست یابد و اگر فقیر باشد توانگر گردد و اگر کسی از مرغی یا جانوری

دیگر یا از جماری سخن بشنود ببیند در خواب میراث یابد یا وصی گردد و در آن دیار کارهای عجیب

در دنیا در پدید آید و ضفدع و سرطان و مانند آن جانوران آبی قیاس بر ماهی و نهنگ باید کرد

والله اعلم بالصواب — میغ پادشاهی مهربان یا حاکم حکیم بود و

آمیختن با میغ آمیختن یکی از ایشان باشد و میغ با رعد و برق پادشاه با هیبت و شکوه بود

اگر ببیند که از میغ پاره یافت یا بخورد یا تصرفی کرد از حکمت بهره یابد و مالی بطریق حکمت تصرف

کند اگر ببیند که میغ همگی هوا یا بعضی از آن فرو گرفت رحمتی باشد از باری تعالی مگر که باران باری یا

صاعقه یا بادی باشد که بر خلاف آن بود و اگر ببیند که پاره میغ بر سر او نشست و غیره
... چون نه بارد

باید و بر او از گرد دارد باران چون عام بود رحمت ایزدی باشد ... پس آن دید که خداوند حشمت

همه رنجها و غمها از آن مکان زایل شوند و اگر ببیند که باران عام در محلی ... باران بسر رسید

ببیند بود و اگر در ناودانی ببیند که آب میرود و آن ناودان در موضع خاص باشد چون ریزی واقع

بود و اگر بیند که از آنجا خاک و سنگ می بارد زیادتی نعمت بود اگر بیند که باران بیوقت بر خانه

ها به می بارد زیادتی نعمت بود اگر بیند که باران بیوقت بر خانه همسایه می بارد در آن خانه آتش گیرد

برف چون بوقت بارد فراخی سال و نعمت بود و اگر بر خلاف باشد تنگی سال پدید آید و لشکر

نیز باشد اگر بیند که برف میخورد شادی پدید آید و اگر بیند که برف و شربت یکجا میخورد و دیگران

هم میخورند شغلی باید که مردم بسیار از و بهره ور و برخوردار باشند تگرگ و یخ دلیل رنج باشد

اگر بیند که آب یخ میخورد دلیل شادی بود و یافتن مراد و بازگشتن حاجت اگر بیند که تگرگ را

می شکند و آب میسازد رنج آبله و دمل باشد رعد و میغ هر چه بر آن دلالت کند از رحمت

و عذاب او تابع آن باشد اگر رعد یا برق بیند اثر آن منتظر باید بود از رحمت و عذاب و شادمانی

و غم اگر میغ با رعد و برق پدید آمده و باران می بارد از خوف غارت و تاراج ایمن باشد و اگر بیماری

رعد با باران بیند شفا یابد و اگر رعد یا ابر و برق بیند اگر وام دار باشد وام بگزارد و اگر محبوس

بیند خلاص یابد برق مسافر را ترس باشد و مقیم را طمع لقوله تعالی هو الذی یریکم البرق خوفا

و طمعا [illegible] اگر بیند که برق افتاد در موضعی که دیده باشد ویرانی پدید آید اگر بیند که رعد می غرید و هر

شند پس هر خوابی که [illegible]

خود خواب مردم تواند نوشت و خوف رسد و از دشمن آزار یابد و دلیل فتنه و بلا باشد

یکنون اگر بیند که و خود در وحل افتاده و از آنجا مشقت بسیار خلاصی یافته در بلا افتد

که خلاصی ازان محال باشد اگر بیند که سوار اسپ و مرکبش در گل افتاده و بند افتد

سیلاب و ... باشد و غم و اندوه ... بیند که از سیلاب بگذشت از ... رها ...

واگر بیمار باشد شفا یابد و محبوس خلاص شود از بند و انهار نیز همین حکم دارد اگر بیند که انهار از ... به

جانب بد دارد ... هیچ جانبی خالی نمانده اگر سردار باشد خوف لشکر بیگانه بود و ...

از جوانب بر خیزند و در بلاد فتنه پدید آید آب صافی چون غالب بیند و سهمناک همین حکم

دارد و دیدن دریاها و طغیانی آب دلیل لشکر پادشاه باشد یا چون یاقوت بود دلیل ترس و غم

باشد خصوصا چون تیارگی و کرد بود و اگر بنا ها خراب کند یا درختان بر کند دلیل معصیت بود

دران ولایت یا ابله یا حصبه یا طاعون نعوذ بالله من الآفات کلها اما اگر بادی فراغ از تاریکی

و غبار باشد دلیل نیکویی عیش ... بود و اگر بیند گرد باد افتاده است در کاری افتد که

محنت و تشویش یابد نسیم دلیل نیکویی و شادی باشد و راحت و فراغت از غمها بود

خصوصا بر کناره حوض و یا لب آب یا باغ بیند باد نرم پوشیده شدن کار دین و دنیا باشد

اگر بیند باد نرم و خنک می وزد و او در استراحت و خواب است در دین او خللی افتد

و در دنیا افزونی شود سرخی در هوا دلیل آفت باشد اگر بیند که هوا سرخ شده است

بی شفق آفتی بدو رسد و اگر از شفق راحت بیند روشنایی که نه از آتش باشد ره یافتن

بود در دین چنانکه در تاریکی بضد این و اگر پاره ازین بیاید در های علم بر وی گشاده شود ...

بیننده را که مصیبتی بدو رسد که بدان ثواب بیشتر یابد و اگر ببیند که تمام هوا از گرد و غبار تیره شده است
نشان آن است که کار به خواهش شود و اگر بوی آتش بیند که بر آن [illegible] و زبانه [illegible] باشد دلالت بر حصول حشمت
بود و اگر نه چنین بود طاعون و برسام و آبله باشد و دود جنگ و فتنه باشد اگر ببیند
که از آسمان بر زمین می آید از آن بیشتر بود و اگر ببیند که دود تمام هوا و زمین را احاطه کرده
جنگ بسیار واقع شود و اگر دود اندک بیند ترس و تهدید باشد از جانب پادشاه
آتش اگر بیند که از برای روشنی آتش می افروزد تفحص کاری کند بقوت پادشاهی
یا عالمی و بران واقف شود و اگر می افروزد تا بدان گرم شود توانگری یابد که بدان از کار درویشی
برهد و اگر آتش مطلق برافروزد چیزی منفعتی یابد و اگر از آتش جامه سوخته بیند باندازه آن
بعضوی مضرتی رسد اگر آن سوختن با شعله باشد از جانب پادشاه یا از حکمی و اگر آتش
بردارد مال حرام بود و انکار پادشاه باشد و اگر آتش از در جامه بیند همچنین بود و اگر از آتشی
تفتی بوی رسد در زبان خلقی افتد و اگر آتش بخورد مال یتیم باشد که بخورد و اگر ببیند
که آتش در خانه همه یکجا افتاد دلیل بر باریدن باران بود قوس قزح فراخی سال باشد
و فرح از غم اگر ببیند که قوس قزح در غیر هوای باران برآمده قحط سال و تنگی پدید آید یا در غم و اندوه
افتد صاعقه توانگر را درویشی باشد و درویش را استغنا تا زیادت در معیشت اگر ببیند که در خانه
او صاعقه افتاد مال و جاه از پادشاه یابد شهاب دلالت بر نیست شرمناک بود و دفع کردن

آنش اگر بیند که شهاب دراز شده و از شعاع خود جهان را تابان کرد آنید پادشاه نو ...

[illegible] انجا حاکم جدید یابد آسمان [illegible] وقعت [illegible] ی باشد اگر بیند که [illegible] آسمان ... بیند بانک ...

آسمان برآمد در هر دو جهان بزرگ گردد و اگر بیند که در بهنای آسمان می پرد سفر ...

کند و برکی یابد اگر بیند که رستی در رسن آویخته بر آسمان می رود کاری بزرگ یابد و اگر بیند

که از آسمان بفتاد با رانهای مضر بارد و گناهی بزرگ کند و اگر آسمان را شکافته بیند باران ها

نافع آید آفتاب پادشاه بود و والی هر موضع و سردار هر گروه اگر بیند که آفتاب شد با روی او

جهان از نور که در و نظر کرد که پادشاهی و توانایی یابد باندازه آن خود و اگر از آفتاب روشنی

خوش بیند حال او نیکو شود و اگر آفتاب را در آسمان بی نور بیند و همه روشنایی آفتاب

بالای خانه او افتاده باشد از پادشاه نصیب تمام یابد یا زنی خواهد اگر بیند که آفتاب در کنار

او آمده اگر زن بی شوهر باشد شوهر خوبصورت کند و اگر مرد بی زن باشد عورتی خوش شکل گیرد

و اگر بیند که آفتاب را در سجده میکند پادشاه مسخر او شود و بامر دکلان مطیع او گردد و اگر بیند

که آفتاب در گریبان او درآمده در میان مردم عزیز و محترم گردد و اگر بیند که پیش آفتاب ابر و یا

تاریکی آمده و نور او را بپوشید غمناک شود و بر کار خویش قادر نگردد سایه عالمی یا زاهدی ...

اگر بیند که در سایه درخت کلان نشسته است از علم علم بهره یابد یا زاهدی او را نشاند ...

و اگر بیند که سایبان از سر او افتاد مخدوم یا والی او فوت شود اگر بیند که سایبان را بر سر خود نصب میکند

... زنی خوب روی یابد و [illegible] ماه ملکی [illegible] یا وزیر پادشاهی یا عالمی بزرگ یا غلامی نیکو یا مردی
[illegible] یابد [illegible] اگر بیند که [illegible] آسمان [illegible] و از [illegible] اهل این زمین منفعتی
یابد اگر ماه را تاریک بیند وزیر پادشاه را رنجی رسد و اگر درست شده و خویش بیند [illegible]
در خانه خود دید بشارت بخوبی [illegible] که [illegible] باشد و اگر [illegible] نصف این باشد
و اگر زن بیند که ماه در کنار او فرو آمد شوهرش [illegible] بزرگی یابد در تاریخ آمده است که چون پیغمبر علیه السلام
خیبر [illegible] صفیه را از برای خود اختیار کرد بر روی وی جراحتی دید سبب آن پرسید
صفیه گفت شبی بخواب دیدم که ماه از آسمان جدا شد و در کنار من آمد من از خواب
بیدار شدم و با شوهر گفتم این خواب باز گفتم او بر روی من طپانچه زد و گفت میخواهی که
محمد بر ما دست یابد و تو در کنار او باشی این اثر آن خواب است و آفتاب و ماهتاب
مادر و پدر باشند چنانچه در رویت مهتر یوسف علیه السلام ماه بود که در اول ماه بیند
دلالت ولایتی نو یا فرزندی بزرگ باشد یا از سفر باز آمدن و یا از مردی بزرگ منفعتی یافتن
اگر بیند که ماه نو در آسمان عیان شده و خلق می بینند بزرگ بزرگان ولایت منتظم شود
و اگر مجتمع نه بیند و تاریک بیند تعبیرش ضد این باشد اگر بیند که زنی با مردی بزرگ ملاقات
شود که از او منفعتی یابد و اگر زنی او حامله باشد پسری خوب روی زاید ستاره روشن همین
حکم دارد اگر ماه را با ستارگان مجتمع بیند کار بزرگان ولایت منتظم شود و اگر مجتمع نه بیند

تاریک بیند تعبیرش ضد این باشد اگر بیند که ستاره فرو برد مال مردم بغصب بخورد و اگر
بیند که آفتاب یا ماهتاب [illegible] یا ستاره روشن فرو میبرد دلیل باشد بر آنکه کار وی [illegible]
بپایان رسد اگر بیند که ماهتاب یا آفتاب یا ستاره بر زمین افتاده موت پادشاه یا
بامر وزرا باشد عطارد دبیر پادشاه بود اگر بیند که عطارد بر دست او فرود آمده است
دبیر یا دیوان سلطان شود و تنها عطارد نیز همین حکم دارد زهره زن پادشاه یا مطرب
باشد اگر بیند که زهره فرود آمده است و با او مکالمه میکند از زن پادشاه منفعتی یابد و اگر زهره را
تیره و بی نور بیند از مطرب سرود شنود که سبب سرور گردد مریخ سپهسالار و امیر حرب
باشد اگر بیند که مریخ بر سر او موافقت برنگ سرخ سپهسالار پادشاه شود یا با دشمن قتال
واقع شود مشتری خازن [illegible] قاضی بود اگر بیند مشتری انگشتان او را بوسه میدهد
قاضی شود یا خازن پادشاه زحل صاحب عذاب باشد یا سرهنگ اگر بیند که زحل
از آسمان فرود آمده است و در برج حصار نشسته البته در بندیخانه افتد صدقه باید داد
و ابن سیرین و ابو معشر گفته اند که تعبیر هفت سیاره تعلق برج دارد و خانهای شرف و وبال
و اوج و حضیض و مانند آن منظور است اگر معبر بر علوم نجوم خبر دارد تعبیر هر یک سیاره بر وجهی
معقول کند تا ثابت نیز دلالت بر استواری کارها
بنای زمین دلالت بر نعمت بود اگر بیند که بر زمین بنا میکند نعمتی یابد که بدان کار دنیا بسازد

بجمع علمی که کار دین باشد اگر بیند که در زمین حفره میکند از خویشان او کسی بمیرد
[illegible] از تکلیف همین حکم دارد لرزیدن زمین [illegible] بار [illegible] جانب بادشاه اگر بیند
که زمین میلرزد و عالم از گرد و غبار تیره شده و باد تند می وزد خوف موت بادشاه باشد
و باعث فتنه گردد اگر بیند که آنچه در پیش او بود در زمین فرو رفت سفری کند از جانب
بادشاه چیزی عمل باید اگر بیند که زمین میکند و خاک آن میخورد بمکر و حیله مال حاصل کند و
اگر بیند که جمله زمین می نوردد دلیل وفات بیننده بود و اگر بعضی در نوردد دلالت بر معیشت
بود و اگر گستراند بضد این و اگر بیند که او را در زمین پنهان میکنند دلیل وفات او بود و یا غایب
شدن او از وطن و سفر رفتن اگر بیند که زمین میکند و آبی از تو بیرون می آرد ابواب معیشت
حلال بروی گشاده گردد با علمی مفید و اگر خویشتن را در صحرای فراخ و مجهول بیند سفری دراز کند
و اگر صحرای معروف بود سفر نزدیک کند بیابان بیرون رفتن بود از محنت و رنج و زحمت اگر بیند
بیابانی عظیم طی نمود از محنت سخت و شدت شدید بیرون آید و گم کردن راه در بیابان
موجب حرمان از امید است و کاری نایافتن ریگ اگر اندک بیند مال باشد همچو خاک و اگر
بسیار بیند مشغولی خاطر کوه بادشاهی بزرگ و سخت دل بود اگر خویشتن را بر سر کوهی بیند
بادشاهی قادر گردد و اگر بدان پشت باز دهد بخدمت و کار با [illegible] استوار شود و اگر بیند
که بر کوه میرود آن همت بیننده بود که بدان رسد و همچنین هر بلندی که بیند در حاجات است

فرود آمدن از بلندی بضد این اگر بیند که کوهی بیفتاد بر زمین آن ولایت را آفت

رسد و بر اهل آن [illegible] ظلم کنند و اگر بیند که کوه [illegible] و [illegible] گردید [illegible]

آمد [illegible] عاقبت خیر باشد اگر بیند که کوه ترقید و شکاف شد رخنه در ملک پدید آید

راه [illegible] دین و مسلمانی بود و هر تاریکی و روشنی که دران بیند روشنی کار او در دین و دنیا

و تاریکی بخلاف آن اگر بیند که در راه میرود و غبار است دلیل سفر و یافتن مقصود بود

اگر بیند که در راه عقبه پیش آمده و کاری عظیم پیش او آید که دران حیران بماند دریا پادشاهی بزرگ

بود اگر از دریا آب خورد یا بردارد از پادشاه مال و منفعت یابد اگر بیند که جمله آب دریا خورد

پادشاهی یابد یا مالی همچو مال پادشاه یابد اگر خویشتن را در کشتی بیند در کار پادشاه

خوض کند یا از آفات نجات یابد و اگر خشکی بیند دلیل بیماری فرزندان بود مگر بیند که

از آن کشتی بیرون می آید آنگاه دلیل سلامتی بود اگر بیند که بر آب دریا میرود بر پادشاهی

بزرگ مستولی گردد و اگر بیند که از کشتی بکنار دریا آید بر دشمن ظفر یابد و نعمت رسد و از آفت

بیرون آید و اگر بیند که در دریا غرق میشود در حساب و کتاب پادشاه بماند اگر بیند

که از اطراف و جوانب دریا پیدا شده و او در میان افتاده حوادث بزرگ پدید آید و دران زمین

خوف لشکر بیگانه بود آب با صافی و خوش عیش خوش و عمر دراز بود و ناخوش و تیره ضد آن اگر بیند

که در آب صاف غسل میکند یا غوطه میزند از عیش خوش بهره یابد و از گناهان پاک شود جوی آب

بزرگ بود همچنانکه دجله و جیحون و ای فرمان دهنده بود اگر بیند که بدان گذر کرد از هوای فتنه

بیرون آید و اگر از آن بر آید و اگر از آن بخورد از مال بهره یابد و جوی خورد بین فیاس و مرد عالم

نیز بود اگر بیند که جوی خورد پیش او آمد و بدان گذشت با عالم ملاقات باشد و اگر آب بیرون

آید حوض و برکه مردی عالم و جوان مرد باشد و زن بسیار خیر و با منفعت اگر بیند که آب حوض

می نوشد و بغایت عذب و شیرین است از عالم علم تحصیل کند و از آن مستفید گردد و آب شور

و تیره اندیشه بود اگر بیند که آب شور پیدا شد و او تشنه است غرقه از آن در دهان کرد

و فرو انداخت او تفرقه و غم پدید آید اما اگر فرو برد از بلیات غم نجات یابد چشمه خیر و برکت

و نعمت باشد اگر مرد عفیف بیند اما اگر فاجری بیند که در محله یا در سرای او چشمه پدید آمد

اندوه و مصیبتی باشد که از آن بگرید کاریز زن باشد مردی عالم و مال حلال و اگر زن بیند

مرد با منفعت یابد اگر بیند که کاریز را برای کشت میکند و آب میدهد از علم فیض رساند مردمان را

با مال یابد که مردم را از آن منفعت رسد چاه آب همچنین اما چون آب ان باشد تشنه بیند مال

مجموع بود اگر بیند که آب چاه جوشید و تا کنار چاه آمده افزونی مال و نعمت شود یا مرید علم

و حکمت اگر بیند که چاه میکند کسی از اقاربا و فوت شود شارستان و قلعه و حصار ارباب

دنیا را امن باشد و اهل دین را پرهیزکاری اگر بیند که عمارت بلند کرده است و در آن وطن خود

ساخته در کار دنیوی مشغول شود که از آن مال فراوان بدست آید و در آمدن در قلعه و حصار

بسیار بهن و بی خوفی است و اگر صالح بیند استواری حال بود و دیوار مردی باشد اگر بیند
که دیوار [illegible] شتی می بند دلیل بزرگی [illegible] مددی رسد و قوتی یابد محور [illegible] باشد
پناه او [illegible] بیند سرای دنیا باشد اگر بزرگ و نیکو بیند توانگر گردد و فرح و اگر تنگ و ناخوش
بیند بضد این بود کوشک زندان بود و نیکی و بهار سرا بلندی و درجه و قضا حاجت و کوشک را
از دور دیدن دال بر ملک و مال بود اگر بیند که در کوشک میرود به پادشاهی بزرگ پیوندد
ایوان مردی بلند قدر باشد اگر بیند که ایوان بر پا میکند و مرتبه و جاه از پادشاه یابد برج جای
و آفت بود اگر بیند که بالای برج آمد از آفت خلاصی یابد غرفه زن دیندار بود اگر بیند که غرفه
بلند بر آورده زنی با جمال و مال بکند منظر مرد منظور باشد اگر بیند که منظر را جامه گرفته و آرایش داده
با مرد نیکو سیرت کند روزن ولایت و تجارت بود اگر بیند که روزنها را ببسته اند
در خرید و فروخت کساد پدید آید خانهای و درسرای زنان باشند و صفها
ورواقها مردان باشند اگر خانه مجهول منفرد بیند دلیل گور بود و خانه از
گل و خشت دیدن دلیل زندان باشد و خانه از سنگ و گچ دلیل بر اجر و پاداش
عمل نیک بود و اگر کسی خود را در خانه بیند که در نباشد از معاصی توبه و اگر
خانه از زر بیند از نزدیکی او آتش بر خیزد و بسوزد و اگر خانه از آهن بیند
درازی عمر بود و اگر خانه کلان بیند با درهای بسیار زنان بسیار کند یا

از زنان بسیار و فراوان نفعی ببیند بام سرای زن بود و مرتبه مهتر کند با شد از زنی اگر بیند

بام سرای کشاده یا بست شد مرتبه و جاه او کم شود یا زن او بمیرد ناودان همچو سرای بود و منقعت

اندک اگر بیند که ناودان مسدود شد زنش عقیمه شود رباط دنیا باشد اگر بیند که در رباط فرود آمده

و طویله اسپان بسته مال و جاه دنیا بسیار شود و یا با کافران غدا کند تیم سرای زن بود

اگر بیند که تیم سرای راست میکند زن نیک کند خشت پخته مرد منافق بود اگر بیند که خشت

پخته را شمار میکند از منافق آزار یابد و خشت خام هر خشتی هزار درم باشد و سرای نیز بود اگر بیند

که خشت خام راست میکند خانه نو بنا کند اگر بیند که خشت خام شمار میکند درم بسیار یابد

پل مرد بزرگ بود که بوسیله او بمقصود رسد اگر بیند که بر سر پل میگذرد زود بمقصود رسد

اگر بیند که پل می بندد در بر آمدن مقصود درنگ پدید آید گل مرد مکار باشد اگر بیند که در خانه نقش

میکند در آنجا گفتگو و خصومت بود و دیوار کلابه کردن دلیل آمدن مهمان بود و ابن سیرین گفته

که دلیل خبر غایب بود سقف مردی بلند قدر باشد اگر بیند که سقف بر او افتاد از مرد بزرگی

رنجی رسد تا غایتی که خلل در قیام سرای باشد اگر بیند که در سقف روزن افتاد تا شکاف شد

در جاه و قدر او نقصان پدید آید چوب خانه قیام سرای باشد اگر بیند که چوب خانه شکست

قیام خانه نماند و یا رنش فوت شود بابات کارهای خیر بود چون نماز روزه و صدقه اگر بیند که بر نردبان میرود

در کار دین درجه بزرگ یابد دوکان برد سرای دوست بود اگر خود را بر دوکان نشسته ببیند غوث و مرتبه

عظیم یابد اگر ببیند که بر طاق نشسته است دال بر وصال زنی با مال و جمال باشد اگر ببیند که بر طاق

چراغ روشن نهاده اند فرزندی با جمال تولد شود خزینه و مسراج همین حکم دارد که طاق اگر ببیند

مستراح که بر غایط نشسته است دولت و دنیا یابد تنور غم و زن باشد اگر ببیند که در تنور

آتش می افروزد زن جهان مایل کند و اگر عورت باشد حامله گردد و اگر ببیند که در تنور خاکستر

یا برفت قرض دار گردد در سرای مقیم و کدخدای خانه بود اگر ببیند که در سرای گل می انداید

کدخدا شود و درهای خانه زن باشد و در نو زن بکر بود و اگر ببیند که در نو راست کرده زن بکر

کند و گشاده شدن درهای روزی بود و بسته شدن مصیبت اگر ببیند که در بروی او گشاده

اند که دران الوان نعمت است از پادشاه مال و جاه یابد و هر کار دشوار که داشته باشد آسان

شود اگر ببیند که در سرای میرود بر خصم غالب شود قوله تعالی ادخلوا الباب سجدا فاذا دخلتموه فانکم

غالبون حلقه در حاجب و رسول بود اگر ببیند که حلقه در شکسته مردی مجهول میزند از جای دیگر

بر در او آید و طلب چیزی غریب نماید و ابن سیرین گفته که مهمانی غریب بخانه او آید اگر ببیند

که در سرای او را در حلقه زده اند زنش بکاری کند که موجب خجالت شوهر او گردد آستانه در

زن باشد اگر ببیند که آستانه می جنبد زن او از خانه بیرون رود کلیدان آنکس بود که

دخل و خرج و سرای او بدست او باشد دروازه مردی بزرگ بود که مصالح اهل شهر با وی تعلق

بدو دارد اگر ببیند که دروازه بروی بسته اند کاری که از دیوانیان داشته باشد بر نیاید بار [illegible]

بود تنگی و فراخی جهان نسبت که بازار باشد اگر بیند که بازار فراخ است و مردمان
بسیار خرید و فروخت میکنند وسعت معیشت و شود و سال نیک و ارزانی غله باشد
تنگی بازار ضد این بود اگر بیند که در بازار آمده و چیزی ندارد که خرید و فروخت کند از مطلب نماند
کو نکرد و اگر توانگر بود تجملی و زرد گرمابه غم و اندیشه بود اگر بیند که در گرمابه آب غسل میکند
اندیشه و غم بیرون آید و اگر گرمابه بی آب بیند و غسل کند از جانب زنان رنج و زیان
کشد آب گرم خوردن دلالت بر تب و زحمت بود و آب سرد خوردن و بدان غسل کردن
دل بر بند رستی و خوشحالی باشد اگر بیند که گرمابه بنا میکند حاجتی که در شته باشد بیابد و
مراد بیابد ستون مردی بزرگ باشد در ولایت نیز اگر بیند که ستون شکست شوهر او
بیمار شود و اگر غایب بود یا حاضر اصطبل مردی باشد با بسیار نعمت و مال و نیک خصال
با جمعیت و جمال اگر بیند اصطبل بزرگ است و در آن اسبان بسیار بسته اند از بزرگی
ملک یابد و با زنی با مال و جمال کند آسیا مردی باشد با سیاست که مصالح مردمان
بدست و زبان او بود و سفر نیز باشد اگر آسیا را بی دانه بیند گفتگو باشد بفایده و اگر
بیند که آسیا را بی آب بسیار اندر احتش نزدیک رسیده باشد کعبه و مساجد خلیفه باشد
و بزرگی درجه و میراث حلال بود اگر کعبه را خراب بیند در خیر و راحت فتد یا در رنج و شادی
بکام و آن یقین به توان دانستن اگر خویشتن را در کعبه بیند از همه آفات ایمن شود قوله تعالی

و من دخل کان آمنا اگر بیند که بکعبه میرود اگر از عمل معزول باشد باز بسر عمل رود و اگر [illegible] کار

بیند و اگر مسافر است بسلامت در خانه آید و در هر اندیشه که باشد راحت یابد [illegible]

و دیگر [illegible] کعبه باشند اگر بیند که در مسجد جامع نماز میکند سفری کند که دران نعمت و دولت

یابد اگر بیند که در مسجد خطیب خطبه میخواند اگر از اهل خطبه باشد یا در خاندان او کسی خطیب شده

ولایت و بزرگی یابد و مردم مطیع و منقاد او شوند و اگر هیچ جه اهل او نیست مهم او باز گردد

یا در رنجی افتد و اگر بیند که نماز میگذارد و روی بقبله ندارد حج کند لقوله تعالی و حیثما کنتم فولوا وجوهکم

شطره و اگر رو بکعبه دارد حاجات بطریق صواب بر آید و اگر بیند که بر بام کعبه سوار شده از زر

مال و جاه یابد محراب امام یا رئیس قوم بود اگر بیند که در محراب نشسته است و چیزی میخواند از

حادثات بیت یابد مکتب مشغولی دل و اندیشه باشد که عاقبت آن بخیر و صلاح باشد اگر بیند

که در مکتب میخواند و کودکان را سبق میدهد علم آموزد و خلق را فایده رساند مناره مردی

باشد که خلق را بخیر و صلاح باشد اگر بیند که در مکتب میخواند و کودکان را سبق میدهد علم آموزد و

دعوت کند و خللی که دران بیند خلل دین باشد اگر بیند که بر مناره بر آمده و ازان میدهد مرتبه او

بلند شود و با خلق را نصیحت کند صومعه نیز همچنین است اگر خود را در صومعه بیند خلق

ذاکر او است و کند و اگر در منبر اگر خود نشسته را بر منبر بیند او اهل منبر است که سخن واعظ

و حکمت گوید یا خطبه خواند درجه او بزرگ شود و نام یابد و همچنین مردم را بر اندازه مرتبه جهر

منبر اگر پادشاه خود را بر منبر بیند دلیل باشد بر گرفتن ملک بسیار و زیادتی حشمت و حشمت او
و اگر از اهل منبر نباشد کاری کند که فضیحت و رسوا شود اگر در خانه خود آتشکده بیند که آتش بی‌علت بر
افروخته باشد پادشاه مال و منصب یابد و ابو معشر گفته که در کارهای باطل افتد و اگر بیند که آتش بی‌علت بر افروزد
چیزی باطل منتشر گردد کنشت اگر خود را در کنشت بیند یا کلیسا هم در کارهای باطل افتد زنار و زنّار
باشد اگر بیند که زنار بر میان بسته از اسلام بیرون آید و مرتد شود و اگر زن حامله باشد فرزند نرینه
زاید کفار عیال بسیار بود و کفر تونگری باشد و یا بیماری و فرقت بقرینه معلوم شود و بت
صورتی باطل باشد اگر بیند که بت میپرستد در دین دروغ گوید گورستان کارهای فوت
شده باشد و پشیمانی و اندیشه صحبت داشتن با قومی که از ایشان منفعتی نبود اگر خود را
در گورستان بیند در کاری افتد که دیگران عبرت گیرند اگر بیند که زیارت گورستان میکند در کاری
عظیم افتد که متردد گردد مرده مال حرام بود اگر بیند که مرده را بر دوش گرفته مال بسیار یابد
تابوت ملکی بزرگ باشد اگر کسی خود را در تابوت بیند از دشمن قوی که می‌ترسد ظفر یابد
و اگر پادشاهی باشد پادشاه شود لقوله تعالی ان آیة الله ملکه ان یاتیکم التابوت و اگر غایبی دارد
بسلامت باز آید والله اعلم بالصواب

باغ دنیا

باشد اگر بیند که در باغ درآمده است و آن باغ پر از میوه است از اشجار و جویبار در باغ
دنیا بسیار شود لیکن از احتمال آن عاجز آید و اگر بیند که در باغ از میوه‌ها و گلها حظ میکرد

از اسباب دنیوی بهره مند گردد از دوستان زن ها باشد و آبادانی و خرابی و حال نیک

اگر بیند که از خوشه میکند زن او حامله گردد و رفاهیت احوال شود درختان مردان باشد

و تفاوت ایشان بتفاوت بزرگی و خوردی درختان بود اگر خود را بر سر درختی بیند

از آنچه بترسد نجات یابد و برگهای درخت درم و دینار بود اگر بیند که برگهای درخت

درم و دینار بود اگر بیند که برگهای درخت بر سر او می افتند از پادشاه درم و دینار

و شکوفه فرزند و مال حلال باشد اگر بیند که درختش شکوفه بر آورد زنش حامله گردد و اگر بیند که

درختان بسیار شکوفه بر آورده اند مال حلال بدست آید درخت خرما مرد عالم و بسیار منفعت

بود و زن شریفه باشد و هر آفتی که در درخت خرما بیند آفتی بود مردم آن دیار را و خرما مال

حلال و سخن خوش بود اگر خرما بر درخت بیند باران بود و اگر بیند که خرما می چیند و یا میخورد

زنی حلال بود و سخن خوش که بشنود و اگر بیند که خرما از خرماستان پیش او می آرند مال های

بزرگان بود که پیش او آرند و خرما علم نیز می باشد اگر بیند که خرما می شکافد و خسته او برون

میکند او را فرزندی شود و خسته خرما سفر باشد اگر بیند که خرما را خسته از خرما دور میسازد

سفر کند رطب خوردن فرا دادن باشد در شهر آبادان اما اگر در وقت نه بیند بیماری بود

و با زرگان را تجارت سود مند نیشکر خوردن مال با سخن خوش باشد که مردمان بشنوند و

خوش کنند و شکر نیز مال حلال و سخن پسندیده باشد اگر بیند که نیشکر

۲۴۲

باشد و پیش او شاه نزدیک شود و تقرب جوید و با اهلش فرا رسد انجیر و درخت انجیر مردم بسیار

مال و منفعت بود و انجیر مال و روزی حلال بود هر انجیری که بخورد و بیند هزار درهم و هزار دینار

باشد و اگر بیند که درخت انجیر می نشاند مال بسیار یابد که از امد فون ... و برگ

انجیر اندیشه بود و بیماری اگر بیند که برگ انجیر میشکند و می اندازد از بیماری شفا یابد و اگر نگاه

میدارد در رنج و می بیماری افتد درخت جوز مردی بخیل باشد و میوه او مال و منفعت بود

و تعبیر بادام و فندق و فستق بدین نزدیک باشد و ابن سیرین و ابو معشر تعبیر این ها را بمال بخیل

نسبت کرده اند زیتون مردی بسیار خیر و منفعت باشد اگر بیند که از و روغن بر می آرد

از مردی فایده یابد یا از کسی منفعتی رسد انگور هر چه سپید باشد در هر وقت نعمت و منفعت

باشد در هر وقت و انگور سیاه اگر در وقت نه بیند اندیشه و پشیمانی باز کاری پدید آید و

اگر در وقت بیند مال حلال باشد مویز همین تعبیر دارد اما مالی باشد که بعد از ان زحمت بیند

و سیاه و سپید یکسان بود خرما مال حرام باشد اگر بیند که خرما میخورد مال حرام بخود تصرف

کند درخت سیب مرد مومن بود اگر بیند که زیر سایه درخت سیب نشسته است ایمان

او سلامت باشد و شفتالو و زردالو و خیار و خربوزه و امثال آن هر میوه که باشد زرد رنگ دلالت

بر رنج و زحمت بود و درخت شفتالو مردی توانگر و شجاع بود که مال بسیار جمع کند و در جوانی

بمیرد درخت زردالو مردی معلول و بیمار بود و کشت خربوزه مردمان با همت باشند

اگر بیند که با درنگ و خیار میخورد و زنش حامله باشد دختر زاید الا انه چیزهای ما[illegible] بیند ترنج اگر [illegible]

بیند مال خواهم نیک باشد و اگر یک یا دو بیند فرزند بود و اگر بیند که دو ترنج بر هر دو دست

گرفته و یکی از آن بزن را داده زن حامله گردد و اگر حامله باشد پسر زاید الی سفر بود اگر بیند که آبی میخورد

سفری بیند که در آن منفعت باشد و اگر این چیزها را سبز بیند دال بر روزی حلال و صلاح دین و

دنیا بود و هرچه ازین میوه های ترش بود اندیشه باشد درخت توت مرد بغایت منفعت و بار

او مال حلال اگر بیند توت از درخت فرود آورده است و میخورد از بزرگی منفعت رسد

درخت انار مرد با مال بسیار بود و کنیزک بکر و بر انار مال مجموع باشد و انار ترش اندوه و غصه

اگر اناری از کسی یابد هزار درم یا هزار دینار از جایی یابد درخت سنجد مرد عجمی باشد و بار او مالی اندک و

کم رنج در دست آید ابن سیرین و ابو معشر و جالینوس در تصانیف خود آورده اند که میوه هر ولایت

ممنوع است پس معبر را باید که تعبیر آن میوه بطریقی که میوه باشد بکند یا من جهت رنگ یا به

درخت یا بطعم ازین هر کدام که مشابهت دارند با آن میوه تعبیر کنند مثلاً انغرک و موز و

مانند آن میوه های هندوستان را بزرد آلو و سیب و بهی و امثال آن کنند و کتار را بسنجد

و عناب قیاس نماید و تعبیر آن بروجه احسن کنند و این کلیه است که میوه شیرین دلیل بر شادی

و بشارت است و میوه ترش دلیل بر غم و اندیشه و متوسط میان شیرینی و ترشی مشترک

میان شادی و غم و قس علی هذا و درخت خیار مال اندک بود و مال مردم اهل و صنعت و دهقانی

میوه همان تعبیر دارد درخت سرو و صنوبر مردم نیکو سیرت و فرزند خوب صورت باشد

اگر بیند که سرو در صحن سرای و رسته فرزندی خوب صورت یا مهمانی عزیز الوجود بیاید چوب صندل

و عود مردم نیکونام و فرزند نیکو سیرت و درخت کدو مرد عالم و طبیب بود و خوب بسیار

منفعت و اندک گو و مبارک نفس مبارکه و خوردن وال بر خوشدلی است اگر بیند که کدو می برد

از برای کسی از جایی خبر رسد که باعث شادی شود درخت نار مالی باشد که در افزایش

بود اگر بیند که مرغزاری سبز است و آب جویبار جاریست از پادشاه عهده یابد که موجب معیشت

او گردد یا خبری شنود که تفرقه دل او برود و سبزه دین مسلمانی و خبر خوش باشد

همچنین هر درخت و گیاه که مجهول بود دلیل است بر دین مسلمانی و شادمانی دنیا و آخرت

کشت زار علم و نعمت و مال حلال بود و اگر کشت در موضع بیند که نه جای کشت باشد دلیلست

بر مردمانی که از برای جنگ و خصومت جمع شوند اگر بیند که آنرا می کنند دال بر قتال

و جلا وطن و جدال بود و هرچه از آن سبز بیند فراخی نعمت بود و کاه خشک دلیل بر تنگی باشد

و خوشه‌ها اگر بر ساقها ساق ایستاده بیند و عدد آن واند سالها بود و اگر در خرمن و جوال بیند

مال مجموع باشد اگر بیند که کشت میکند از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که میدرود و در

خرمن می نهد منفعت تمام از جای که امید ندارد بیابد گندم مالی باشد که بمحنت و رنج بدست آید

برنج و ذکاو عدس و لوبیا و مانند آن دال بر کسب و مال باشد اگر بیند که گندم از جای بدست آمده لی

از غیب بدست آید اگر بیند که خوشه گندم می شکند رنج و محنت از و زایل شود و دیدن

پیمانه گندم و مانند آن دال بر رنج و ملال است اگر بیند که برنج و کاورس و مانند آن جمع گرد

از کسب و یا مال بدست آید که آنرا دفینه سازد و یا خازن پادشاه گردد و عدس و ماش

دلیل بر اندوه و غم و اندیشه بود اگر بیند که ماش کسی او را میدهد بیمار افتد صدقه باید داد و

سنگ و ماش و مانند آن دلیل بر رنج و بیماری بود و اگر عدس و سنگ و مانند آن سبز بیند

از اندیشه و غم و اندوه خلاصی یابد جو مال و منفعت است اگر بیند که جو میکارد در بسیار بدست

آرد که اقارب آن از فیض بردارد و اگر خوید بیند شادی و طرب و نماید و از غایب خبر خوش

آید آرد مالی باشد بی معونت اگر بیند که آرد در خریطه میکند بدرهای زر یابد که معیشت

او بدان بفراغت بگذرد و اگر بیند که از این حبوب خشک و ناپخته میخورد اندیشه و غم بود و اگر بیند

که پخته میخورد مانند نان و خوان نعمتی مهیا یابد نخود رنج و گفتگو بود و اگر تر بیند و سبز دلالت

بر شادی و نعمت بود و خشک دال بر اندیشه و غم و اندوه و ملال باشد اگر بیند که کسی

دل دال او نعمت و مال یا گنج مال نیکو بود و از جایی که امید دارد اگر بیند که گنجد میخورد با روغن او

درمهای حلال از آفات و بلیات نجات یابد برشف زرد دال بر شادی و طرب باشد

و برشف برنج بیماری و غم بود و اگر هر دو نوع آمیخته بیند از صاحب دولت منفعت یابد

گاه مالی بود اگر سبز بیند و اگر خشک بیند نقصان در مال افتد

منفعت بیند از صاحب دولت منفعت باید گاه گاهی باشد که باشد و اگر بیند که همه از گشت می چیند

مالی بدست افتد گل در جای جایگاه و بوقت خویش دلیل بر شادی و خوشدلی باشد

اگر بیند که دسته گل در گلو انداخته زنی جوان کند که بدان شادمان شود و گل نرگس زن

و کنیزک بود اگر در بوستان بیند فرزند باشد و اگر بیند که گل را بو میکند اگر غایب باشد خبر او

بیاید و یا تمنا شادی و خبر خوش باشد اگر بیند که گل یاسمین در بغل انداخت از غایب خبر خوش

رسد و بنفشه کنیزک پارسا بود و هر گل مجهول که در خواب بیند باعث شادی و راحت است

و سوسن کنیزک مغنیه باشد و زن زبان دراز و ابن سیرین و ابو معشر و معبران دیگر گفته اند که

حق تعالی گلهای بسیار آفریده است که حساب آنها او داند و گلهای درختان علیحده و گلهای

خوشبو در هر دیار و گلهای رنگین بسیار تعبیر هر یک دشوار است معبر از تعداد آن عاجز و

بعضی معبران تعبیر گلهای رنگین را برنگ و بو کرده اند مثلاً گل گلاب که سرخ و بوی دارد دال

بر اندوه و غم و اندیشه و ملال بود و گل سپید که بوی دارد از همه رنگ اعلی و افضل است

دلیل بر شادی و خوشحالی است و گل زرد اگر بوی دارد دال بر یافتن زر و مال است و گل کبود

دلیل ماتم و غم است و اگر بوی دارد دلالت بر عیش و طرب اگر کسی گل خرزهره در خواب بیند

دلالت بر جنگ و خصومت است و قس علی هذا خار مرد درشت و بدسیرت و دشوار است و رام نیز

برد اگر بیند که خار در دهن او آویخت از مردی سرهنگ خصومت و جنگ واقع شود و اگر بیند که خار در

های او خلید از شخصی آزار یابد و اگر بیند که خار از پای میکشد از رنج و زحمت صحت و شفا یابد و الانه

از اندوه و غم خلاص شود اگر بیمار باشد هیزم نفاق بود و مرد منافق ابن سیرین گوید

تعبیر نموده اگر بیند هیزم جمع ساخته پشتواره می بندد از مردی منافق آزاری بیند

و اگر پشتواره بر سر گیرد نعمت و جاه یابد و سوختن هیزم نیز دلالت است بر نعمت بسیار

تره زار مردمان بسیار و اندوه بی شمار باشد اگر بیند که دسته تره می گیرد [illegible]

تره در دست دارد از حدوث حادثه احتیاط باید کرد و از ستیزه پرهیز باید نمود و اگر بیند

که دسته تره می بندد دلالت بر خصومت است دشنه گل اگر سرخ بود اندوه و مصیبت

رسد و اگر زرد باشد دلیل بر بیماری بود و اگر کبود و سپید باشد دلالت بر شادی و راحت [illegible]

کند بوقت خود مال و شادی بود و در غیر وقت اندیشه و ناجوانمردی اگر بیند که گزر میخورد

از مال خود متمتع و بهره یابد شلغم زن روستایی و اندیشه باشد اگر بیند که شلغم را میکند از زن

و فرزند روستایی چیزی یابد چغندر خیر و منفعت بود ترب مرد بدوی بود و حج و روزه

حلال باشد اگر بیند که ترب با نان و قلیه میخورد مال حلال در دست افتد و اگر بیند که ترب میکارد

سفر حج کند گرات همچنین باشد اگر بیند که گرات بر سفره او نهاده از مال حلال بدست او آید

بادنجان بوقت خود روزی بود و با اندیشه و در غیر وقت پسندیده نباشد اگر بیند که

بادنجان را می شکند از درخت بتهمتی متهم گردد اگر بیند بادنجان خام میخورد اگر [illegible]

صحیفت باید بجا قلی خشک شادی و فراخی سال بود و اگر ببیند افزونی مال شود باید و سبز
اگر ببیند وسعت نعمت بود و اگر خشک ببیند پشیمانی و ندامت و بدنامی و زحمت و گفتگو
اگر ببیند که سبز میخورد از رنج و خوف ایمن شود و یا با شخصی نفعی خود گردد و اگر ببیند که باز
همراه گوشت میخورد و اگر زنش حامله باشد پسری زاید و اگر حامله نباشد حامله گردد و ابن سیرین
گفته که باز خشک مال حرام بود اگر ببیند که باز پخته میخورد از کار ناشایسته توبه کند برگ
و بار و همه نبات سبز اگر ببیند که میخورد از جمیع درد و زحمت و اندوه محنت خلاصی یابد و اگر
برگ بار خشک از نباتات ببیند که در ادویه بکار آید سخندان شود و علم و حکمت آموزد و اگر
بخورد بر جمیع علوم حقایق و اسرار دقایق آن واقف گردد و در موزدان شود والله اعلم بالصواب
زر غرامت و غم بود اما اگر ببیند که درستی یافت
فرزندی شود اگر بیشتر یافت علم و قوت در کار دین و دنیا بیابد و اگر پاره زر یابد دلیل
بزرگی و مهتری باشد اگر ببیند که زر میبرد دلالت بر آفت و هلاکت بود و اگر ببیند
که زر بکسی بامانت میدهد آنکس با وی خیانت کند و نثار زر سخن مکروه باشد که بشنود نقره
مال مجموع بود و پاره نقره کنیزک بود اگر ببیند که نقره از کان بیرون می آرد زنی با او
مکر کند اگر ببیند که نقره را میگذارد دیر غور زنی با او مکر کند و با او خصومت افتد و گداختن
از دلیل بر صفائی اندرون و ترکیه نفس و باطن است درهم درستی دین باشد و علم و قضای

حاجت و شادی و عشرت و شادی درست و فرزند نیز باشد اگر بیند که ...

میکنند از بزرگی عز ... شنود و اگر بیند که درم ضایع کرد جاهلی را نصیحت کند و او نشنود

و اگر بیند که درم در کیسه می اندازد او را فرزندی روزی شود یا درستی دین پدید آید گنج علم ...

و منفعت در تجارت و ولایت با عدل و نصفت باندازه که بیند و بعضی گفته اند که

بیند گنج یافت در غم و اندوه افتد و دلیل وفات از اقربای او باشد و ابن سیرین ابو معشر تعبیه

گنج بر اجناس یاد کرده اند مثلاً اگر گنج درم و دینار بیند در تجارت و منفعت پدید آید و اگر گنج زر

و نقره و لعل و جواهر بیند در اندیشه و غم افتد و اگر گنج مس و برنج و مانند آن بیند خوف

بیماری و موت باشد و قس علی هذا یاقوت شادی و عیش و عشرت و خوشی وقت و ...

شایسته و زن با جمال و دوست موافق باشد و عالم را زیادتی علم و پادشاه را ملک

و غلبه شاهی و بازرگان را افزونی سود و مال اگر بیند که یاقوت را نگین ساخته و انگشتری

پوشیده زن مطیع و مسخر او گردد و یا دوست فرمان بردار او شود و اگر تاج ...

که یاقوت خرید و فروخت میکند در تجارت منفعت بغایت یابد لعل بر همین دال است

اما اگر گنج لعل بیند از اندیشه و غم مبتلا گردد و دلیل بر مرگ باشد زمرد و زبرجد مردی سخی

و مهذب و دین دار باشد و مال حلال نیز بود اگر بیند که زبرجد در دست دارد مال ...

بدست او افتد مروارید منظوم قرآن باشد و علم و فرزند و خود اگر بیند که مروارید ...

تعبیر قرآن بکند بصواب اگر بیند که مروارید میفروشد ثمرهٔ علم بمردم رسد

اگر بیند که از مروارید عقد یا سلک ساخت و کلوح بندد از علم و دانش بهره یابد و اگر زراعت

بهار دارد که حاصل شود و مروارید خوردن دختر و کنیزک باشد و مروارید منثور مال بسیار بود و خدم

و میراث نیز اگر بیند که مروارید رحوبی سوراخ میکند با محرمی صحبت کند مرجان بسیار بود

اگر بیند که مرجان را جمع میکند زر بسیار بدست آید و فیروزه فتح و نصرت و عمر دراز و فرزند بود

و عقیق عزت و نعمت باشد و نگین یاقوت دلالت است بر فراخی نعمت و خرج همچنین بود

و بعضی گفته اند خرج خصومت باشد و بیماری و زحمت نیز و ابن سیرین گفته که نگین لعل و مروارید

و فیروزه هم همین حکم دارد چنانچه نگینه خرج دارد الماس تعبیر از دشمن صعب باشد

اگر بیند که الماس گداخت و آب شد دشمن سخت هلاک گردد یا مسخر شود کهربا دلیل

بر جذب باطن و چیزی فریبنده اگر بیند که از کهربا بهره میبرد شخصی را بفریبد شبه مال

بود از وجه شبهه و دلالت بر درشتی و خصومت از دوست بود و زن حامله را فرزند باشد

اگر بیند که شبه را در رشته میکشد از دوست خصومت پدید آید آهن مال و قوت باشد

اگر بیند که از آهن زنجیر میسازد از غم و شدت برهد و در کاری که در دست دارد زود بر آید اگر

بیند که از آهن انگشتری یا پاره می پوشد قوت یابد و مال بدست آید برنج مال ترسایان

جهودان را نیز برنج دلالت بر شادی و راحت است روی مال جهودان باشد و ارزیز مال گبران

و عوام خلق اندیشه اگر بیند که از زیر میگزارد و خصومت افتد و انگبین اندیشه سهل باشد

اگر بیند که بر دست کسی شود و او بر از آب یا شراب است اندیشه کاری در پیش آید اما زود

ازان فارغ شود از طلق مال بود اگر بیند که از آتش طلق میگذارد مال بسیار بدست آید

مس اندیشه سهل بود و رنج و غم که در کار اظهار کرد و اگر بیند که ظرف مس از جام و دیگ

و طبق و مانند آن در خانه بسیار است معصیت بخت پدید آید و اگر از طعام و غیره

پر بیند دلالت بر شادی و راحت است و زیادتی بصیرت در خدع و مکر نیز

دلیلست سرمه مال بود و بینایی زیاده در صلاح اگر بیند که سرمه در چشم خود میکند

صلاح و تقوی زیاده شود و الا نه افزونی مال شود و سرمه دانی زن باشد اگر بیند

که سرمه دانی از سرمه پر میکند زن او حامله شود یا مالی از غیب یابد و سرمه چوب فرزند

فرزند بود سیماب دلیل از وعده کند اگر بیند که سیماب در دست گرفته میلرزاند

خلاف وعده کند و اگر بیند که سیماب را فرو برد از پریشانی و تفرقه خلاص شود سرب

فرزند زشت بود اگر بیند که از سرب مهره میسازد از زشتی بهر ضرر بیند نقطه زن

زناکار و مال حرام باشد اگر بیند که شیشه پر نفط میسازد از زشتی آتش زده است

از زن خصومت شود و قرو قار نگاهبانی باشد از بلا و آفتها اگر بیند که قیر را میسوزد از

حادثه آفتی رسد نمک وام باشد و بعضی گفته اند که نمک درم باشد و اگر بیند که نمک

نام بلند و ضع مال باشد اگر ضیع از درخت می چیند مال بدست آید و ملک و پادشاهی
بزرگی بود بلند آوازه و مرد از زنی توانگر بود و زن از شوهر توانگر شود و زیاد بهر باشد
اگر زنی بیند که بر سر خود تاج مکلل می نهد اگر حامله باشد پسر زاید و اگر حامله نباشد مال
دنیا بسیار شود و در میان زنان قبیله سردار گردد گوشواره تجارت و مالی بود که
ازان حاصل شود اگر در گوش خود گوشواره بیند و مرصع نباشد از عصمت بیرون آید
طلا ... باشد در دین و علم و قرآن و نام و ننگ افزونی شود و اگر زن آبستن در
گوش خود گوشواره بیند و مرصع نباشد از عصمت بیرون آید و پسر زاید و مروارید
در گوش همین حکم دارد طوق زن را نیکویی باشد از شوهر مرد را ظفر و مهتری و بازرگانان را
سود و منفعت و اگر از آهن بیند بهتر باشد که از زر دست و رنجن اگر مردی بیند
بر دست خود تنگ دستی بود و اگر بسیار بیند بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که پادشاه
آنرا در دست رغبت میکند آن رغبت را از پادشاه نصفت و رافت رسد
و اگر پادشاه بیند که یاره در دست خود کرده فتحی بزرگ از دست او بر آید و زن فرزند
و شادی بود بازوبند زینت و جمال باشد اگر بیند که بازوبند از طلا پوشیده زن
صاحب جمال کند انگشتری فرزند باشد و کنیزک و سراجار ... مال و دولت و ملک
و ولایت ... اما اگر نه باشد و نهالین مردانی را بسند بیده نباشد و ابن سیرین و جالینوس

گفته‌اند که [illegible] سلطان کلان بود و حلقه آن اهل مملکت و نگین هیبت و مهر نفاذ

امر و فرمان و نقش نگین مهر مراد اگر بیند که از آهن یا نقره انگشتری در دست دارد باید که خود

بزرگی یابد یا زنی بخواهد اگر کبست یا فرزند شایسته یابد اگر بیند که نگین از انگشتری او افتاد خللی

باشد در همین معنی که ذکر کرده شد و اگر از وی انگشتری بستانند یا ببخشد همچنین باشد و اگر انگشتری

از انگشت کهین خود بیرون کرده در انگشت دیگری اندازد بر زن خود فساد کند [illegible]

خود را بفروشد از زن جدا شود اگر بیند که انگشتری را به انگشت دیگری می‌پوشد

با او خیانت کند و اگر بیند که نگین در انگشتری می‌نشاند فرزند شود یا سرداری و مهتری

یابد کمر بند زر باشد غم و فرزند و برادر و رئیس قوم که بدو مستظهر باشند و اگر از آهن باشد

یا نقره بهتر باشد اگر بیند که کمر بر میان بست استظهار استوار و قوت تمام یابد و گویند

که همه عمر او که مانده است در امن و امان خوش گزراند و کمر زرین دلیل باشد بر کار دشوار و امر

صعب یا بی ور بخت فرزند باشد اگر زن بیند از خوف شوهر ایمنی شود و اگر کسی دیگر بیند

دلیل باشد بر بیماری گردن بند زن را زینت و جمال بود و مردان را پرهیزکاری و حفظ قرآن

اگر بیند که گردن بند مروارید کسی در گردن انداخت زن با زینت و جمال کند و اگر عورت

داشته باشد حفظ قرآن نصیب آن گردد مهره‌ها مال حرام بود و اگر بیند که مهره‌ها هم‌لون در

سلک کرده و در گلو انداخته مال حرام بسیار بدست آید [illegible]

نیز بود اگر بیند که از فلوس کیسه پر کند شادی و عیش رو نماید و غم زایل گردد یا بنت و فرزند حکمت

والله اعلم بالصواب

وام نهی و ولایت و فرزند باشد اگر بیند که قلم می تراشد امر را بر ولایت نفاذ یابد و دوات

کنیزک و زن آبستن و خصومت بود و منفعت از زنی مالدار نیز اگر بیند که دوات برای

زن و بار دو گردد یا از زنی او را منفعتی رسد زن عالم و دین دار بود یا منفعتی از برای زبان صحف

تمیز کش باشد و امانت و روزی حلال و ثروت و بخت باندازه بیننده لوح و بانت

علم و حکمت بود یا اندیشه یا ریاست بر قومی جهال اگر بیند که بر لوح چیزی می نگارد

والی ملکی گردد مداد دستیاد و سرداری باشد اگر بیند که بر جامه او چکید و او نه اهل قلم باشد

آن با برص یا جرب یا آبله پدید آید دیگ زن بکر بود و همچنین سرای و خدمتکار اگر بیند

که دیگ را از سر پوش می پوشد زنش بارور میگردد دیگپایه قیام سرای باشد و آتشدان

و تنور زن محتشمه بود یا کدخدای خانه اگر بیند که تنور گرم است و نان می بندد کدخدای شود یا مال

گرد و دیگ بر آتشدان نهادن دلیل خریدن کنیزک بود شمع و چراغ مهتران قبیله باشند

و مرد عالم و عابد و سال نیز باشد اگر بیند که چراغ بر بلندی بالای بام بر افروخته اند شعاع آن دور

منتشر گشت سال خوب شود و غله ارزان گردد و فصل و نا کند و رئیس قوم شود و چراغ پایه تن

و چراغدان روح و روغن و فتیله رطوبت تن اگر چراغ افروخته بیند دال بر سعادت

بود از بی غمی [illegible] و خاکستر و غبار اندیشه بیفایده و بیماری و خصومت بود و ابن سیرین

و ابو معشر گفته از اسباب [illegible] دوات است که چون از آن آینه بیند قوت و شوکت است و چون

از جوهری دیگر بیند بر آن چیز تعبیر کند آینه دوست و خدمتکار بود اگر در آینه نگرد و صورت

خود بیند او را پسری شود و اگر عامل باشد معزول شود و بجای دیگر همچو او نشیند یا زن او را

طلاق دهد و زنش شوی دیگر کند و اگر کودک در آینه نگرد او را برادری آیدت نه یاران موافق

باشند اگر بیند که موی را شانه میکند معونت یاران از اندیشه که دارد بیرون آید و هم چه

کینه بود و اگر در وضاع کرده باشند از غم و آفات نجات یابد اگر بیند که مروحه

مجلس میکنند در غم و تردد کاری افتد طبق خدمتکار که آسایش یابد از رای و عزم بست

اگر بیند که طبق را میشوید از خدمتکاران آسایش یابد بجای که عزم کند درست شود و آن

کار بمصالح انجامد مقراض دو مرد باشند در ولایتی یا شهری همچو قاضی و رئیس که قطع

خصومت و فصل مناقشه میکنند و فرزند و برادر نیز باشند اگر بیند که از مقراض کاغذ یا جامه

میبرد میان یاران بسیار گردد کچه خدمتکاری باشد که کارهای مردان بسازد اگر بیند

که از کچه آتش میکشد و بمردم بخش میکند خدمتکاری کار گروهی متعین سازد کاسه‌ها

خدمتکاران با خیر و برکت باشند و سکوره طاس و جام دوست بود اگر بیند که جام پر از آب

شخصی او را داد و او نوشید اگر آن شخص معروف باشد شادی و راحت بیند و اگر مجهول [illegible] بود

اربابی شد و مال و جاه یابد و سبو و کوزه بود به زنان باشند و خدمتکاران اگر سبو و کوزه [illegible]

بشکنند دلالت بود بر مزید نعمت و افزونی دولت و با مرتبه خدمتکاران [illegible] شود

غربال و مانند آن تعبیر بود اگر بیند که آرد از غربال می‌افشاند یا تیز و غالب [illegible] در پیش پادشاه شود و اگر

گردد

غالب باد بیند میان دو مدعی از حق و باطل تمیز بود اگر بیند که از غربال آن هیزن خاک می‌بیزد

ارزن را باد بیند که او [illegible] تفرقه و پریشانی بود اگر بیند که از غله افشان غله

پاک میکند از پریشانی خلاص یابد تبر فرزند و خدمتکار استوار باشد و بیل همچنین اگر بیند

بد بیل کار میکند در کاری که باشد آن کام زود باتصرام رسد کلند مزدور بود و کلید پادشاه

و مال و جاه باشد اگر بیند میکاود کاری که میکند از رواج یابد اگر بیند که از کلید دری میگشاید کاری

بزرگ از دست وی گشاده گردد و قوتی تمام یابد خصوصا چون از آهن بود و سال [illegible] باشد

خوان روزی و معیشت بود و اگر بر آن نان خورد و چیزی خوردنی بیند درازی عمر باشد و این

سیرین گفته که دلالت شهرت است اگر بیند با جماعتی بر خوان چیزی میخورد در کسب و کار و کشت

زار و خرید و فروخت منفعت بیند مسمار پادشاهی بود یا حکیمی که مردم بقوت او مقصود رسند

و هیچ کاری باشد محکم در دین و پادشاه یا مانند او اگر بیند که میخ آهنین به پشت او فرو میبرند

از پشت او فرزندی آید که بهتر قوم شود و مردم عالم نیز باشد اگر بیند که میخی در دیوار میبرد

مردی بزرگ را دوست گیرد و میخ دیل [illegible] عشق و اندیشه و بیماری نیز بود قفل خدمتکاری باشد

از ستاره [illegible] با غلام کار [illegible] با سفری که وضع دران افتد و گشودن و بستن آن دلیل بر شادی و غم بود

زنجیر اگر [illegible] و پای افکنده بود و اگر [illegible] بسته شد مستکار باشد اگر بیند که زنجیر در پای [illegible]

می اندازد و محافظت [illegible] باید کرد که خوف دزد باشد سوزن و جوال دوز آشتی باشد

که بدان کار خود با صلح آرد و اندکی از آن در خواب دیدن بهتر است از بسیاری اگر بیند

که جامه میدوزد کاری که بسته باشد زود بر آید اگر بیند که جوال [illegible] تخت [illegible] با

زنی منافقه باشد و جامه زنی با جمال و مال بود اگر بران خود را خفته بیند نیک باشد که [illegible]

بود و اگر خود را بران نشسته بیند سفری کند کرسی نیز همچنین است اما اگر تخت و کرسی

باز نیست و جامه بسته بیند مال و حشمت بود بساط دنیا باشد و عمر و به فراخی و تنگی آن تعبیر

کنند اگر بیند که بساط باز میکند دلیل درازی عمر او بود و اگر بیند که بساط می نوردد دال بر نزدیک

آمدن اجل بود و همه جامها افکندنی و فرش گستردنی همین حکم دارد و دروازه پرسش و اندیشه

باشد که زود بگذرد صندوق زنی و خدمتکار معتمد بود و اگر که صندوق پر از درم و دینار و

او تصرف میکند از زن و خدمتکار خیانتی پدید آید صراحی غلام و کنیزک پاک باشد اگر بیند که صراحی را

پر میکند غلام و کنیزک را بنوازد و با نعام سرافراز کند نردبان چون بران بالا برود دال بر سفر

و ترقی درجه بود چون از و فرود آید دلالت بر باز آمدن از سفر و پستی از مرتبه بود رسن دین

بود و اگر بیند رسن می تابد سفر کند و ولایت یابد و اگر رسن در دست کسی [illegible] از ان

بود و اگر بر رسن بیند خود را که می جهد سفر کند و دولت یابد و رسن عهده پیر باشد چوالی و ابان

و غیر آن صاحب سر باشند و بالان اعجمی باشند اگر بیند بر خر پالان می نهد عورت او زبون

و مطیع او شود و اگر پالان را بر ماده خر بیند زنش بزور گرود و موضع زن باشد و گهواره عیش

خوش و آسایش و زن مهربان بود و علم مرد عالم باشد و بالام وقت و مرد شجاع و توانگر

رنجانده در بیر بود اگر علم سرخ بیند از مردی که حال او این باشد شاد گردد و اگر علم سیاه

بیند بهروری یابد و علم سفید مردی مهتر و غیور باشد و علم زرد بیماری بود و لشکر اگر بیند که

لشکر انبوه علم زرد بر کناره دریا بر پا کرده از لشکر بیگانه در انموضع خوف باشد و علم سبز سفری

نصیحت و سلامت که در میان قوم واقع شود خبر پادشاهی و مرتبه باشد اگر بیند

که چتر نگون گشت رشید یا پاره گشت در مرتبه نقصان پدید اید و باد بر پادشاهی خلل افتد

طبل خبر دروغ باشد اگر بیند که پادشاهی بخواب بیند که طبل دریده شد یا گم گشت یکی میهمانان

او هلاک گشت و دهل مردی توانگر و لاف زن بود اگر بیند که مردی دهل می نوازد از

شخصی لاف و سخن بیهوده گوش کند و آواز صنج و دبدبه و آواز مختلف و اخبار ناخوش بود

بوق حادثه و بلیات باشد اگر بیند بانگ بوق از غیری شنود او را آفت و حادثه رسد

و اگر بوق خود میزند در حادثه افتد و سایر قسم بوق مثل کرنا و شیپور و نفیر همین حکم دارد

منجنیق بهتان و سخن فحش باشد اگر بیند که از منجنیق بر حصن دشمنان سنگ می اندازد و کاری

بوجود آید اگر بیند که او را آفرین کردند کمان زن حامله باشد و فرزند و برادر و ولایت و سفر و تقرب
جستن بحضرت امیر المؤمنین جل جلاله اگر بیند که کمان می زند و بازه میکند البته زن کند
و اگر زن آبستن بود پسری آید و اگر بیند که کمان میشکند سفر کند و بزرگی و حرمت و تجارت
منفعت پدید آید و هر نقصانی که در کمان بیند زیان باشد در دین معانی تیر رسول باشد
و پیغام نامه بود نیزه سفر و زن و ولایت و فرزند باشد اگر بیند که نیزه را میکرد و بشکند و از پی تیزی
از نوک او میر باید ولایت از تصرف دشمن بستاند یا زنی بکر کند و ضرب جنگ و تفنگ
صلابت و سختی باشد و قلعه و حصار نیز و انداختن بید قرکت دن قلعه و حصار باشد سپر
برادر و یار و قوت و پناه بود و سنان و خشت و دیگر اسلحه که بدان مانند باشند درازی
عمر و فرزند و برادر بر دشمن ظفر و از منفعت بهره ور باشد باندازه قوت و قیمت سلاح
و مقدار آن جعبه زن باشد و کنیزک و شهر بود اگر بیند که جعبه بر کمر بسته است زن کند و یا بنده مرد
باشد که در کارهای قوی بدو استعانت جویند شمشیر پادشاه باشد و زن و فرزند و ولایت
بود اگر بیند که حمایل کرد شمشیر را ولایتی یابد یا زنی خواهد یا فرزندی آید اگر بیند که شمشیر از حمایل
بگسلد از ولایت معزول شود و یا فرزندش بمیرد یا زن را طلاق دهد زره حصنی باشد یا شهری
حصین و ولایت و دین و دیانت بود اگر بیند که زره پاره شد و بشکافت شهر و ولایت
ویران شود یا رخنه در دین افتد خود امن بود از آفات و بلیات و زن نیز هر کس که از خود ... را

با سلاح تمام بیند در میان جماعتی که سلاح ندارند مهتر و مقدم ایشان شود و اگر بیند در خواب

لگام بان باشد و زین زن باشد اگر بیند که زین اسب میکند و میخواهد که سوار شود زنش

باردار گردد و لگام دین و دیانت باشد اگر بیند که لگام شکست در دین وی خللی پدید آید

خیمه و خرگاه پادشاه و ولایت بود و معتمد سرای و کنیزک باشد اگر بیند که خیمه بر پا کرده است

و در آن نشسته بسیار آید مال و اسباب و بناوی بحساب شود اگر پادشاه بیند که در و

نو فتح کند نای نصبت بود اگر بیند که نای همی نوازد اگر در آن بزم مزمار دیگر هم باشد شادی

شود و اگر نبود ماتم شود بانگ دف چون نی زند خبر باشد اگر مردی یا زنی زند دال بر

ظاهر شدن دشمن بود و گاه باشد که شادی و طرب پدید آید و ابن سیرین گفته که همه سازها

مانند بربط و رباب و امثال آن همین حکم دارند و نرد و شطرنج غرور کارهای باطل بود اگر

اگر بیند بر حریف غالب شود بازی برد در کارهای باطل مستولی گردد والله اعلم بالصواب

نان پاکیزه عیش خوش باشد و مال حلال

و شهر آبادان باشد و نان خشک بضد آن اگر بیند که نان میخورد مال حلال یابد و دیدن نان

خشک دلیل مفلسی بود گرده درم بود یا هزار درم یا صد درم بمقداری که بیند و پادشاه را

ولایتی و شهری و نان بسیار در خواب یار و دوستان و عمر دراز گوشت خام مال حرام

بود و بخشیدن آن مال سلطان ممنوع اندیشه و غم بود ترید دوری مهیا بود اگر بیند که ترید میخورد

حلوا از عسل [illegible] باشد آنکه بیند مال حلال و چیزی با منفعت و شفا بود شکر قند جملگی حلواها سخنان

خوش و مال بسیار و منفعت بود [illegible] از چهار پایان و فرزندان باشد و هر خوردنی که از

آتش پخته باشد از اطعمه و اشربه مال باشد یا خصومت و وسعت الا حلواها که دلیل بر صلح

بود آب صافی عیش خوش و عمر دراز باشد جلاب سخن خوش و مال و علم و ادب و دین باشد و

بهتر شربتها همین حکم دارد و تعبیر شراب سیب و انار و آبی و مانند آن همان باشد

که در اصول ایشان سابق گفته شد شیر هر حیوان که گوشت او حلال است روزی حلال و

کار نیکو و سنت پسندیده بود و شیر درشتی بضد این باشد آنچه گوشت او بخورند اندیشه

و ترس و بیماری باشد دوغ و پنیر و مانند آن اندیشه و غم بود مگر پنیر که مال باشد لقوله تعالی و جئنا

ببضاعة مزجاة چه در بعضی روایات آمده است که آن بضاعت پنیر بود که برادران یوسف

علیه السلام آورده بودند روغن و مسکه مال باشد و علم و خیر و منافع خمر مال حرام بود با خصومت

و گفتگوی اگر بیند که می عصیر میکند بخدمت پادشاه مشرف گردد سرکه مالی باشد با خیر و برکت

و در بعضی نسخه آفات و اندیشه و بیماری و پشیمانی نیز بود مستی اگر از شراب باشد توانگری بود

از مال حرام و اگر از غیر آن بود بلا و آفت بود دوشاب سخن خوش باشد که از جانب پادشاه

شنود با منفعت بود خون خوردن مال حرام بود و یا خون بناحق ریختن زهر خوردن

خشم فرو خوردن بود یا مال حرام دارو خوردن پشیمانی و توبه بود از گناهان قند و نقل و فلفل و زنجبیل

ومانند آن هاهرچه پیروسند بود دلالت کند بر صحت وتندرستی ابدان باشند وانچه شیرین بود

دلیل برالم وغم ورنج باشد وزحمت وانچه بی مزه دلیل بر بی منفعتی وبدحالی بود خشخاش

مال مهیا بود وسپانه دان واجواین ومانند آن رنج ومحنت بود واسپند دافع بلیات

وصحت بیماری باشد وترنجبین روزی حلال بود وفقاع مال ومنفعت باشد عنبر ومشک

وصندل وکافور وگلاب وزعفران وهرچه آن ابوی خوش باشد ثنا ومحمدت ونام

نیک وعلم شریف ودین پاک وخلق پسندیده ومال ودولت وزن سنجیده وشوره

سیرت باشد وبوی ها ناخوش بضد این وبعضی بوی زعفران راهمین تعبیر کنند جامه نکو

وپاکیزه حرمت وجاه ودین وعمل وولایت بود وعورت نیز باشد مرد را وعورت را مرد قوله

تعالی هن لباس لکم وانتم لباس لهن اگر کسی عریان بیند چون او مسافر باشد او را از

دزدان ورهزنان خوف باشد واگر مقیم بود از عمل معزول شود واگر پارسا بود از معصیت

مبتلا گردد واگر زن بیند از شوهر جدا گردد عمامه شرف ودولت وحرمت بود لقوله علیه السلام

العمائم تیجان وکلاه عمر وارباست ومهتری بود پیراهن ورداگر پاک باشند همان تعبیر دارند

که در مطلق جامه گفته شده واگر پاک نباشند غم واندوه واندیشه وخلل در دین باشد

شلوار زنان باشند وبند آن خدمتکار سرای وجامه سبز مرد با دین درست باشد وجامه

سیاه بزرگی وسیادت وجامه سفید بیع جنگ خصوصیت اگر کسی را جامه سرخ وپاطه

پوشیده بیند البته اندوه و معصیت رسد جامه زرد علت و بیماری بود جامه کبود معصیت

و اندیشه باشد و بیشتر جامهای کتان زنان رنگ باشد و جامهای ابریشمین نیک امیر بود

نیکو باشد و مردان رنج و اندوه و زنان عیش و شادی منفعه قوت و با منفعت باشد که از پدر

یا برادر یا شوهر بدو رسد و شوهر نیز بود زن را و مرد از زن و جا در همین معنی دارد با داء ها

خیر و برکت بود و عز و شرف و نهانی و بالشت و نطع زن و خدمتکار باشد و عز و شرف

و جاه و مرتبه نیز بود موزه زن بود و عیش و منفعت اگر بیند که موزه می پوشد البته سفر کند

و نفش زن و کنیزک و خدمتکار باشد و نیز مال از برای زنان نعلین سفر بود و زن و کنیزک

و جملگی چیزهای پوشیدنی چون کهنه باشند غم و اندیشه و فقر و درویشی بود الا موزه

که مستعمل آن بهتر از نو باشد اگر بیند که موزه کهنه پوشیده البته شادی بیند والله اعلم

بالصواب

آورده اند که گشتاسب شبی بخواب دید که تاجی بر سر

دارد و آن تاج را صد و بیست کنگره است و از چهار انگشت او چهار جوی بار جاریست

احبار همه دیار را طلب نمود و استفسار تعبیر آن فرمود گفتند تعبیر این آنست که

تو صد و بیست سال پادشاهی خواهی کرد و حکیمی بزرگ در عهد تو پیدا خواهد شد و آن

زردشت بود که در دور او پدید آمد و دین آتش پرستی پیدا کرد و این خواب همچنان شد

که تعبیر کرده و در بعضی تواریخ تحریر است که تولد موسی علیه السلام نیز در عهد او بوده آورده اند

که اردشیر بابکی بخواب دیده که از جام زرین شراب میخورد خوکی با او دران جام زبان خود
فرو می آورد موبدان را طلب نمود و این خواب با ایشان گفت درمیان ایشان موبدی
که او را بهفریدس خواندندی او گفت ای پادشاه در حرم خانه رو و بفرمای تا همه زنان
که در شبستان اند برهنه پیش تو رقص کنند همچنان کرد یکی از ایشان
در برهنه شدن تعلل میکرد و شیریی در حمایت او مبالغه می نمود چون بانداش برهنه
کردند مردی بود موبد گفت جام زرین این سریر است و خوک این مرد که خیانت
میکرد دیگر نقل است از ابو الفضل یعقوب بن اسحاق گفت مدتی از عمل باز مانده بودم و در
خانه نشسته و وجه حل من مواجب جماعت حاشیه که در ایام داشتم و قلم میکرد کاتب را
فرمودم تا اسامی ایشان در ورقی نوشته پیش من آرد و او موجب فرموده همچنان کرد
من دران تامل میکردم و بر نام هر که از و گزیر نبود خط میکشیدم و آن اوراق را زیر بالین
نهادم و بخفتم و در خواب دیدم که جمعی شتواره در دست از برای من بریدن میبردند
از ایشان پرسیدم که شما چه کسانید گفتند که ما آن کسانیم که قلم بر اجرای ما نهادی روزی
خود را برداشته میرویم من از خواب در آمدم دانستم که اندیشه من خطا بود که رزاق همه
جل و علی هست آن ورق را پاره کردم دیگر آورده اند که تاجری بود در مداین شبی در خواب دید
که بلی جهت فصد او میکنند او کرخت و بیل و نبال او کرد همچنین دران میرفت در اثنای راه

درخت عظیم پیدا شد تاجری فی الحال جست زد و بالای درخت بر آمد پل هم در عقب او در زیر درخت آمد بعد ساعتی پل از جهان آرام گرفت در زیر سایه درخت ایستاد آن بزرگ

آهسته آهسته آمده بران سوار شده درین بود که چشمش از خواب بگشود جوان نه ورشد

این خواب را بزرجمهر عرض نمود بزرجمهر گفت تو البته داماد شاه شوی آن بزرگان بعد از

مدت جهت تجارت جانب چین رفت روزی گذر او زیر کوشک پادشاه شد

قضارا دختری پادشاه بالای آن کوشک بود چون نظر او بر تاجر افتاد جوانی بغایت خوبرو

بود عاشق او شد و کس بوی فرستاد تو کیستی تاجر گفت من سوداگرم از مداین آمده ام و

اینجا تجارت میکنم آن دختر گفت فردا روزیست که تمام مردم از جوانان و دختران

شاه و رعیت بیرون می آیند و رسوم این شهر آنست که هر دختری که جوانی را خوش

کند آمده سلک مروارید در گردن او اندازد مادر و پدر آن دختر او را بشوهری دهند تاجر چون

این سخن بشنید تعبیری که بزرجمهر کرده بود یاد آمد قول کرد که ان شاء الله تعالی فردا در آن

مقام حاضر شوم چون روز دیگر شد پادشاه آن شهر فرمود تا ندا در شهر در دهند که هر که

دختر داشته باشند همه را در آن مقام حاضر سازند و جوانانی که درین شهر اند نیز حاضر شوند

شور در شهر افتاد سوداگر نیز بلباسهای شاهانه بر اسپی قیمتی سوار شد چون تمام انام

جمع آمدند اول دختر پادشاه در آمد از یک صف جانب نظاره کنان جانب دیگر آمد همچنین

نظاره کنان در صحف دوم که تاج ایستاده بود آمد چون انجوان را بشناخت فی الحال
سنگ در گردن او انداخت از ان مجمع شور و غوغا برخاست پادشاه آن دختر را بعقد
آن بازرگان سرافراز ساخت و تعبیر خواب با درست شد دیگر آورده اند که شخصی بخواب
دید که او اذا جاء نصر الله میخواند از ابن سیرین تعبیر این پرسید گفت اجلت نزدیک توبه کن این
از آخرین سورها است که فرود آمده دیگر آورده اند مردی بخواب دید که ستوری با وی سخن
میگوید تعبیر این خواب از ابن سیرین پرسید گفت در زمانه رو وصیت کن که اجلت نزدیک
رسیده لقوله تعالی اذا وقع علیهم القول اخرجنا لهم دابة من الارض تکلمهم آن مرد بخانه رفت
رو وصیت کرد همان روز وفات یافت دیگر مردی بخواب دید که روغن زیت در بن درخت
زیتون می ریزد از ابن سیرین تعبیر این پرسید گفت دریاب که با مادر خود مباشرت میکنی
آن جوان چون تفحص کرد مادر خود را کنیزکی خریده بود و خبر نداشت که این مادر است دیگر
در ماه رمضان بخواب دید که انگشتری در دست دارد و دهان مردان و فرج زنان را بدان مهر میکند
از ابن سیرین تعبیر این پرسید گفت تو موذنی گفت بلی گفت پیش از آغاز صبح بانگ
نماز میدهی و مردمان را از طعام خوردن و مباشرت کردن باز میداری دیگر بار چنین روا دار
دیگر مردی بخواب دید که ستارگان همه از آسمان فرو ریختند و موی سرش فرو ریخت
از ابن سیرین تعبیر این پرسید گفت بعلتی سخت گرفتار شوی بعد از چند روز بداء الثعلب گرفتار

اگشت دید مردی بخواب دید که جامه خواهر پوشید از ابو معشر پرسید گفت خواهر تو بمیرد

همچنان شد دیگر شخصی بخواب دید که چراغ ازو فرا گرفتند تعبیر این از ابن سیرین پرسیدند

گفت نابینا شوی بعد از چند روز آن مرد نابینا شد دیگر مردی بخواب دید که عنکبوت بالای

او تنیده است از ابن سیرین پرسید گفت که از زرگری خلعتی یابی همچنان شد والله اعلم

بالصواب پوشیده نماند که اکثر تاویلات تعبیر خواب بر طریق ایجاز و انتخاب در قلم

آمده اگر درین موج اگر کسی غور کند البته از تعبیر خواب عاری نباشد که اصلاح تعارف اگر

درین مختصر است والله اعلم بالصواب و علیم بذات الصدور

هو بعض

اکنون شمه در کیفیت اختلاجات نیز بقلم آمده و اختلاج در اصطلاح حکما پریدن اعضا را گویند بدانکه اگر بسبب در تحلیل ان بلغم

ماده ریحی در موضعی از مواضع بدن محبس شده باشد و طریق اختلاج چنین بود که اعضای از عضوها الا موضع حرکتی محسوس شود

و از جهت دفع آن طبیعت بحسب ضرورت الهام کند آنرا و در وقایع خیر و شر چه اثر باشد اگرچه بعضی آنرا از قبیل کهانت اند

ازانجا که توقع حوادث استدلال نموده و احکام آن بقلم آورده چنانکه مشهور مردم بود حدوث امر خیر و شر بان

احکام کنند بخواستم که این کتاب خالی از ذکر آن نماند بر طریق مجمل سطری چند نوشته شد والله المستعان بنجله

اگر کسی را تارک سر از جانب راست بجهد گویند بزرگی موید دو با و ملاقات دست دهد و اگر از جانب چپ بجهد نیکو کند

و از نعمت بهره ور گردد و اگر پس سر از جانب راست بجهد با قومی خصومت کند و اگر از جانب چپ بجهد از

قرابتان جدایی در میان آید یا نیکو کند | اگر پیشانی و ابرو راست بجهد از عهد شغلی [illegible] والله

ولیکن [illegible] در رکیب کمعطل افتد | و اگر ابرو چپ و پیشانی بجهد شادی پدید آید | والله اکبر رحیم

اگر [illegible] بجهد مقصود حاصل شود و او را البته ملکی [illegible] و اگر دوستی و برادر [illegible] رفته بیم بر رجعت باید یا با او ملاقات شود

و اگر گوشه چشم چپ بجهد با کسی خصومت کند و بر او نصرت یابد و حاجتی که گفته اند [illegible] خرم شود و اگر

[illegible] از شوهر جدا شود [illegible] که [illegible] اندوه رو نماید . و اگر [illegible] ابروی چشم راست بجهد غایبی بدو رسد و او را حلال

بدست آید و اگر [illegible] چشم راست بجهد با کسی خصومت افتد لیکن بر او غالب آید و اگر مژه زیرین چشم چپ بجهد و [illegible]

فرزند [illegible] رسیدن غایب باشد و مژه زیرین چشم چپ [illegible] بر غم و اندوه و ملال باشد [illegible] از چشم راست تمام بجهد

بیمار رفع رو نماید [illegible] یابد و اگر چشم راست تمام [illegible] بجهد [illegible] آید و اگر چشم چپ تمام بجهد [illegible]

در عشرت [illegible] رسد و اگر دنباله چشم راست بجهد [illegible] و اگر دنباله چشم چپ بجهد مالی [illegible] حلال [illegible] آید

و اگر رخساره جانب راست بجهد جاه و عشرت [illegible] و راحت یابد و اگر از چپ بجهد از حرکت [illegible]

[illegible] آید و [illegible] ولایت [illegible] رسیدن غایب [illegible] جانب راست بجهد فرزند

[illegible] و اگر [illegible] چپ بجهد [illegible] بدو رسد [illegible] غم و اندیشه رو نماید اگر [illegible] بجهد

[illegible] و اگر [illegible] جانب راست بجهد سرور یابد و اگر [illegible] غم [illegible] و اگر

از جانب راست بجهد بیمار [illegible] عافیت و سلامت باشد [illegible] و اگر از جانب چپ بجهد

[illegible] و اگر [illegible] راست بجهد از مرگ خویش [illegible] و اگر لب زیرین بجهد [illegible] یابد و

[illegible] و اگر [illegible] بجهد مال و نعمت

یابد و اگر از جانب راست [illegible] و اگر از جانب چپ [illegible] جنبش گوش اگر گوش راست بجهد [illegible]

[illegible] و اگر گوش چپ بجهد [illegible] و اگر [illegible] خصومت [illegible]

[illegible] جنبش کتف اگر کتف راست بجهد [illegible] و اگر چپ بجهد [illegible] یابد اگر [illegible]

بغل راست بجهد [illegible] و اگر چپ [illegible] اگر بازوی راست بجهد [illegible]

[illegible] و اگر [illegible] بجهد

بر دشمن ظفر یابد و بمراد رسد و اگر جانب چپ بود به بزرگی رسد و نعمت بسیار یابد و اگر کف دست راست باشد [illegible]

و در خصومت افتد و اگر جانب چپ بود در طلب رزق و معیشت زحمت کشد و اگر پهلوی راست باشد [illegible]

خویش [illegible] و اگر بر پهلوی چپ باشد [illegible] رسد و اگر [illegible] راست باشد [illegible] رسد و اگر جانب چپ بود [illegible]

و اگر بر پستان سینه باشد [illegible] غایب [illegible] سلامت [illegible] و اگر [illegible] راست [illegible] خصومت [illegible] و اگر جانب چپ بود

[illegible] شیخی پیدا آید و اگر بر سینه باشد از طرف [illegible] مشغول [illegible] و اگر پستان راست باشد [illegible]

[illegible] بود و گوینده [illegible] احوال بود و اگر جانب چپ بود ولادت [illegible] صحبت [illegible]

پستان [illegible] شهر [illegible] از حد [illegible] و اگر شکم باشد [illegible] بود و اگر بر ناف باشد دلیل

شادی [illegible] بود و اگر کمر باشد دلالت بر جنگ و خصومت [illegible] و اگر [illegible] راست باشد [illegible] یابد و اگر

جانب چپ باشد [illegible] خصومت پیدا آید و اگر ران راست باشد فایده [illegible] یابد و اگر [illegible] چپ بود [illegible]

غایب [illegible] یابد [illegible] روز [illegible] بود و اگر زانوی راست باشد [illegible] و اگر [illegible] چپ باشد دلیل

[illegible] و اندیشه و درد و رنج بود و اگر ساق راست باشد [illegible] روزی [illegible] و معیشت

با جمعیت پیدا آید [illegible] و اگر جانب چپ [illegible] یابد و اگر پاشنه [illegible] باشد

[illegible] شهر [illegible] و اگر پاشنه پای چپ باشد [illegible] دشمنان [illegible] زیان [illegible]

[illegible] والله اعلم بالصواب [illegible]

و چند [illegible] خواهد [illegible] باید که حروف نام بیمار و نام مادر بیمار و حروف [illegible]

[illegible] جمع کند [illegible] طرح دهد [illegible] باقی ماند [illegible] بیمار [illegible]

[illegible] حساب ابجد

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰

ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]